

با این هم اجراءات که به متخصصین خارجی ربط مستقیمی ندارد قرار ذیل است :

۱: برای سرسبزی ولایت مزارشریف یکعه باغهای جدید دردهدای ، خانقا ، مردیان منجک، چمتال ، شولگره ، حضرت سلطان ، شورتیپه ، سنگ چارک ، احداث گردیده منظوری باغبانهای جدید و مصارف جدیدی بولایت موصوف فرستاده شد .

۲: جهت سرسبزی و آبادی فراه يك مبلغ پول تخصیصیه فرستاده شد تا به آبادی یکعه باغهای میوه دار اقدام ورزیده شود ، علاوه جهت آبادی کاریزهای آنصوب مبلغ يك لك افغانی تخصیص داده شد تا کاریزهای مخروبه حکومتی ورعیتی آنجا آباد گردیده از آب کاریزهای مذکور اراضی فراه قابل الزرع و عایداتی برای حکومت نیز فراهم شده باشد .

۳: برای آبیاری باغ تخت صفره رات و ترمیم حوض آن يك مشت پول تخصیصیه فرستاده شد .

۴: برای استفاده ازبته کتیرا که یکی از نباتات صنعتی مهم است پر و فیس (مت) متخصص نباتات بهرات فرستاده شد و رابورت متخصص مذکور درخصوص کتیرا اکنون در ریاست زراعت تحت مطالعه است .

۵: جهت ادامه نسلگیری گوسفندهای مرینوس و اصلاح اجناس وطنی چون قوچهای مرینوس ولایت قطن ، وهرات ، ومیمه ، و مزارشریف ، وقندهار اکثراً پیر شده و باسقط شده بودند یکعه قوچ مرینوس جدید از مرکز بولایات مذکور فرستاده شد .

۶: یکعه فیلمرغ از مرکز بولایات جهت تکثیر جنس و تربیه فرستاده شد . و فیلمرغهای مذکور تحت نگرانی اشخاصیکه تربیه فیلمرغ را در مرکز آموخته اند تربیه میشوند .

۷: برای معلوم نمودن مقدار سانتونین ترخهای نقاط مختلف افغانستان یکعه نمونه های آنها بخارج جهت تجربه فرستاده شده و ثابت گردید که بعضی از آنها از اقسام ترخ اصل بوده مسئله تجزیه ترخهای مذکور هنوز تحت مطالعه است .

۸: جهت جلوگیری از مرض چیچک گوسفند ها يك مقدار واکسین چیچک در اثر موافقه و مذاکره باوزارت صحیه از هند خواسته شده و اکنون جهت حصول يك مقدار زیاد واکسین تجاربی درموسسه با کتیرورولوژی وزارت صحیه تحت نگرانی عزت مند زهدی بیگ در جریان است .

۹: یکعه آم پیوندی هندی و لیموی ایطالوی به قندوز جهت تجربه زرع فرستاده شد چون اراضی وسیع قطن برای زرع نباتات صنعتی از قبیل پنبه و غیره مساعد استعمال ماشین های عصری در اراضی آنصوب ممکن است لهذا یکعه ماشین های زراعتی بروسیه فرمایش داده شد .

۱۰: به ادامه سالهای ما قبل برای اصلاح تربیه کرم پنبه هرات و انتشار معلومات فنی در بین پنبه وران آنصوب صد اقمندان محمد یعقوب خان و عبدالخالق خان مامورین پنبه وری در ۱۳۲۰ بهرات فرستاده شده و هدایات لازمه بصورت نسخه ها و بصورت هدایات شفاهی در بین اهالی انتشار داده شد و نیز در ولایت قطن یکمقدار تخم پنبه از مرکز فرستاده شده و بطور فنی به تربیه

آن اقدام و نتایج نیکی که اجراآت آینده را امکان پذیر ساخته است حاصل گردیده .

### ب : فارم قندوز :

چون فارم قندوز بمقصد توسعه و اصلاح زرع پنبه فطعن و ترویج زرع نباتات خارجی و اصلاح نباتات وطنی و تعمیم معلومات زراعتی تاسیس شده است . در سنه ۱۳۲۰ نیز برای حصول مقصود فوق الذکر اجرا آتی ذیل بعمل آمده است :

۱: اصلاح زرع پنبه به تعقیب تجارب متخصص مصری در فطعن ادامه داشته در اصول زرع و ترویج پنبه های مصری و امریکائی مساعی مزیدی بخرج برده شده است و برای ازدیاد حاصلات پنبه چنین ترتیبائی گرفته شده است که برعکس سنوات ماضی که انعام برای زارعین از روی اصولی بودن زرع پنبه داده میشد در سنه ۱۳۲۰ مقدار حاصلات فی جریبی پنبه را مقیاس انعام قرار بدهند .  
۲: در اثر اصلاحات مزید پنبه های کم حاصل و ناقص سیاه جگت و قوقندی متروک گردیده بعوض آنها پنبه های امریکائی و مصری در فطعن زرع میشوند و به این صورت در نظر است که برای سنه ۱۳۲۲ تخمیکه برای زارعین داده میشود کاملاً از جنس امریکائی جدید و جنس مصری باشد .  
۳: برای جلو گیری از خسارات غیر مترقبه سردی های شروع تیر ماه سال بعضی انواع زود رس پنبه روسی که در مدت ۴ تا ۵ ماه پخته میشود درخواست و بقندوز فرستاده شد تا با اصولهای مختلف تحت زرع گرفته شود .

۴ :- با اینکه از حشرات کرم خار دار و کرم سرخ و غیره اثری در پنبه های فطعن موجود نیست جهت حفظ ما تقدم و اینکه هیچگونه اشتباهی از حشرات مضره فوق و یا تخم آنها باقی نماند به توریید چهار پایه ماشین های تصفیه کننده پنبه از روسیه اقدام گردید . تا از قندوز و حضرت امام و غیره به پهلوی چین ها نصب گردند .

۵ :- برای توسعه زرع پنبه بحکومت سرپل و سنگ چارک مر بوط ولایت مزارشریف هدایت داده شد که زراعت پنبه را توسعه بدهند و فارم قندوز هدایت داده شد تا تسهیلات لازمه را از قبیل تخم و غیره برای اهالی فراهم نمایند .

۶ :- چون زراعت انواع پنبه امریکائی و مصری که در بازار خارج قیمت زیاده تری دارند زحمت و مراقبت زیاده تری را ایجاب میکنند، لهذا برای اینکه دهاقین بشوق خود تا به زرع این انواع مبادرت ورزند با شرکت پنبه در خصوص تعیین نرخ مناسب مذاکرات و مفاهمه بعمل آمده است .

۷ :- علاوه بر اصلاح و توسعه زرع پنبه جهت اصلاحات عمومی زراعتی منطقه فطعن و ترویج زرع نباتات خارجی تجارب متعددی در تجربه گاه قندوز تحت اثر یکسفر متخصص بعمل آمده یکمده زیاد نباتات داخلی و خارجی تحت تجربه گرفته شده است .

ج :- مدیریت تدوین قوانین: شعبه بنام تدوین قوانین زراعتی در ریاست زراعت تاسیس

وبه ترتیب قوانین زراعتی اقدام شده است. وشعبه مذکور در خصوص ترتیب نظامنامه تقاوی ومدافعه حشرات مضره ومسائل ملکیت های زراعتی وغیره اجراات لازمه را بعمل آورده.

د: شعبه احصائیه زراعتی: شعبه دیگر بنام احصائیه زراعتی در ریاست زراعت تاسیس گردید وشعبه مذکور در خصوص جمع آوری معلومات احصائیه عمومی زراعتی از قبیل احصائیه جنگلات، احصائیه تریاک، احصائیه پنبه، احصائیه کاریز های خرابه، احصائیه پوست، پشم، ومواد صادراتی نباتی از قبیل بادام، پسته، میوه های تازه، خشک وغیره داخل اجراات لازمه گردیده است.

ه: حسب منظوری مقامات عالی جهة حفاظت اشجار جنگلی موجوده دره شکاری وغرس نهالهای جدید در آن وجهه حفاظت وتوسعه جنگلات قطغن ومزارشرف وحکومت اعلی میمنه ماموریت های جدیدی از طرف ریاست زراعت تشکیل داده شد. ومنظوری آنهم از حضور حاصل گردیده است. تادرسنه ۱۳۲۱ در توسعه جنگلهای حصص شمالی افغانستان اجراات لازمه بعمل آید. علاوه بر آن به تعقیب سالهای گذشته یکمقدار حبوب جنگلی را از خارج وداخل وطن فراهم نموده یکیکمقدار از آنها بفارم قندوز وقوریه های نواحی کابل وپغمان زرع گردیده است. همچنین یکتعداد زیاد نهال از قوریه های مربوط ریاست به تقریب روزنهال شانی اول سال در نقاط مختلفه تقسیم ویکعده آن بوزارت جلیله معارف وریاست بلدیہ نیز داده شد. راپورت اجراات مدیریت دفع آفات که در جریان سال ۱۳۲۰ بعمل آمده قرارذیل است.

راپورتهائیکه در سال جاری باینمدیریت واصل گردیده بود مدافعه ملخ مضره در بعضی حصص ولایت مزارشرف، ولایت قطغن، ولایت هرات وحکومت اعلی میمنه از طرف مامورین فنی مدافعه ملخ که ازچند سال باینطرف به نقاط فوق الذکر موجود می باشند بجاهای ملخ دار تعین گردیده وبه همراهی حکومت مربوطه وکمک اهالی یکعده زیاد ملخ های مضره را محو و نابود ساخته ونیز برای سال آینده احتیاط های لازمه گرفته شده وهمچنین مدافعه ملخ مضره در بعضی حصص جات ولایت کابل کرده شده که این هم به کمک و همراهی اهالی ونگرانی مامورین فنی مدافعه ملخ مربوط مدیریت دفع آفات ریاست مستقل زراعت وتوجہات لازمه ولایت کابل اجراات خوبی شده واز خسارات ممکنه جلوگیری شده، علاوه بر ملخ مضره مرض جولانگ وکرم پت دار که در باغات غزنی، فلات، سیغان، چاردهی غوربند ودر بعضی باغات چهادهی بملاحظه رسیده بود که برگهای درخت هارا خورده درقرب وجوار خود تارها دوانیده درختان را ضعیف نموده وبالتدریج درختان مذکور خشک میشوند مدافعه این حشره موزی بطور کلی شده که ازان نتیجه خوبی به مشاهده رسیده است.

علاوآ هدایت نامه ها بیکه صورت حیات وگذاره و طریق مدافعه آن طور مفصل تحریر گردیده بود برای استفادۀ اهالی بجاهای لازمه فرستاده شده وهم برای مدافعه حشرات که درین خطه عمومیت دارد طریق زیست ومدافعه آنها بذریعه رادیو گفته شده.

رياست زراعت حسب منظوري مقام صلاحيت دار كورس مدافعه حشرات مضره و امراض نباتي تاسيس نمود كه درنتيجه يك تعداد طلاب را از صنوف ابتدائي و رشديه مكاتب استقلال گرفته تحت اثر متخصصين حشره شناسي وزيرنگراني مديريت دفع آفات شروع به تعليم نمودند و پس از آن كه دوره تعليمي خودهارا تكميل نمودند از آنها در رشته مذكور كار گرفته خواهد شد. چون سالم بودن اموال صادراتي از قبيل بشم، روده، پنبه و غيره تا اندازه ممكنه زير كنترول و مراقبت گرفته شده كه اموال صادراتي مذكور پس از ملاحظه نرفني و تصديق مديريت دفع آفات رياست مستقل زراعت اموال مذكور را شركت ها صادر كرده ميتوانند، همانا تصديق نامه از طرف مديريت دفع آفات به طبع رسیده كه عاري بودن اموال صادراتي مذكور را از مرض تصديق نموده و شركت ها بداشتن تصديق نامه مذكور ميتوانند كه اموال مذكور را خارج نمايند. رياست مستقل زراعت بغرض معلومات تقايط و اصلاحات امورات مربوطه دوائر زراعتي ولايات و حكومات اعلى در آغاز سال ۱۳۲۰ هيئتي تحت اثر مدير عمومي تقطيش منسوبه خویش از مركر به اطراف اعزام و هيئت متذكره را مكلف قرارداد تا على الترتيب اول به اول چگونگي معاملات اداري و دفترداري و عايداتي و عمراني و سائر مسايل مؤظفه هر دوائر را مورد معاينه و رسیده گي دقيق قرار داده از انجمله آنچه اصلاحات آن به اقدامات و توجه نائب الحكومه ها و حكام اعلى منوط بود. ضمناً با اوشان داخل مفاهمه گرديده و هم در اطراف نقصانات موجوده و اصلاحات و پيشرفت آتیه كارات زراعتي هر منطقه اعم از تعديلات تشكيلاتي و اصلاحاتي نيز بانائب الحكومه ها و حكام اعلى و مديريت های زراعتي مذاكره نموده نظريات و مفكوره هر يك را تحريراً اخذ و بمقام رياست تقديم نمود. درنتيجه باساس مفكوره های مجرب و مفیده دارالحكومگی ها و حكومات اعلى و مامورين زراعتي در تشكيلات جنگلاتي بغرض حفاظه و اداره و توسعه آن تعديلاتي. و در امور عمراني اقداماتي. و در موضوع عمومي مسايل مربوطه زراعتي اصلاحاتي بعمل آمده و علاوه آن تمام تقايط مربوطه هر دواير باطرق اصلاحات آتیه آن در ضمن لوايح مفصل و منظمي بدسترس مامورين هر دائره گذاشته شده و به تطبيق و تعميل آن شديدأ مكلف قرار داد شده اند.

## امور مطبوعات

### مديريت عمومي نشریات :

اجراآت قابل تذكر سال ۱۳۲۰ مديريت شعبه اول مديريت عمومي نشریات علاوه بر يك سلسله كار های معموله و عادي و اموريكه بابعضی دوائر بنام معاونت اخلاقي نموده طور اجمال و خلص حسب ذيل است :

۱ - بغرض ترغيد جرائد در مملكت و توسيع وسائل تربيه و عرفان و هم بمقصد تسهيل امور طباعتی در سمت جنوبي اقدام به تاسيس يك جريده هفته وار بنام « وړانگه » چنانچه فعلاً تشكيلات



جړیده ومطبعه ولوازم طباعتی و عملۀ آن به تعاون مدیریت عمومی مطابع آماده ساخته شده است  
 تاسراز اول حمل ۱۳۲۱ مطبعه داگر و جړیده به نشریات خود ادامه دهد .  
 ۲ :- جړیده هفته وار طوع افغان و اتفاق اسلام و بيدار را هفته دومر تيه ساختن .  
 ۳ :- جهت وسعت یافتن وسائط طباعتی و بهبود امور صحافت ، تسهيل طبع فر طاسيه ، به  
 همکاري مدیریت عمومی مطابع بر علاوه مطبعۀ ليتو گرافي ، تاسيس مطابع حروفی جديد و اصلاح  
 مطابع سنگی بر ای اتفاق اسلام هرات ، طلوع افغان قندهار ، بيدار مزار ، اتحاد خان آباد ، اتحاد مشرفی  
 و جړیده جنوبي ۴ :- گذارش پروژه اصلو لنامۀ مطبوعات از کمیسیون و مجلس مطبوعات .  
 ۵ :- روی کار نمودن کنفرانس های ۱۵ روزه ۶ :- تهیه (۲۹) جلد کتاب برای طبع که  
 اسمای آن علجده ذکر یافته ۷ :- تاسيس غر فۀ مطبوعات در نندارتون جشن استقلال بهمکاري  
 مدیریت عمومی مطابع ۸ :- توزیع جائزۀ جشن استقلال به (۳۷) نفر مؤلفین و مترجمین وطن که به  
 استقبال بیست و سومین سال جشن استقلال وطن از طرف مولفین و مترجمین به شعبۀ اول وارد شده بود  
 ۹ :- برای استفادۀ جوانان و بالخاصه اشخا صيکه بعالم مطبوعات و معارف علاقه و ذوق دارند  
 همکاري ، تاسيس و ترتيب يك قرائت خانه بنام قرائت خانۀ مطبوعات . که مربوط پښتو ټولنه است ،  
 ۱۰ :- جهت تشويق نویسنده گان و ترغید مقیاس نشرات و آثار مفید در مملکت تعديل مقررات  
 سابق جوائز ۱۱ :- تجدید نظر در تشکیلات و بودجۀ جرائد ولایات نسبت به سنۀ گذشته چنانچه از  
 نقطۀ نظر توسیع مطبعه و امور طباعتی و نشریات مبلغ « ۱۱۵۲۴۱ » افغانی ۳۸ ټول در بودجۀ جرائد  
 ولایات افزونی بعمل آمده ۱۲ :- ترتیب يك دستور العمل مختصر صحافت ۱۳ :- اجرای يك  
 سلسله نام گذاری ها بمعاونت پښتو ټولنه ۱۴ :- ترغید در قسمت نشریات پښتوی جرائد و مجلات  
 ۱۵ :- بمقصد تقدیر خدمات مطبوعاتی برای اشخا صيکه در ظرف سال ۱۳۱۹ بمطبوعات  
 وطن خدمات نموده بودند جوائز از قبیل وجه نقد و جنس به تفریق درجه توزیع گردید .  
 ۱۶ :- تقدیم « ۹ » جلد کتاب جهت تشويق مؤلفین و مترجمین بحضور همایونی بغرض تقدیر .  
 ۱۷ :- ارسال « ۳۰۰ » مقاله و منظومه بغرض نشر بجرائد . ۱۸ :- ارسال « ۱۵ » جلد رومان  
 و ناول بغرض نشر بجرائد . ۱۹ :- ترتیب اصولی مقررات اجرت مقالات و تراجم و مضامین  
 با اساس تعمیم و تشويق نویسنده گان و مترجمین وطن و رسمیت دادن آن بدوائر مربوطه ۲۰ :- اقدامات  
 برای پیشرفت جرائد ، مجلات و رفع احتیاجات و مشکلات آنها در داخل حدود و ظائف  
 ۲۱ :- روی کار آوردن تحریک اعانۀ مطبوعاتی در ولایات که باثر آن مبلغ « ۷۱۱۶۰ » افغانی اعانه  
 برای جرائد ولایات تهیه شده است . ۲۲ :- مراقبت جرائد و مجلات مطابق مقررات مخصوصه  
 و دادن هدایت لازمه راجع به بهبودی صورتی و معنوی آنها ۲۳ :- واریس به پیشنهادات و مراجعات  
 نشریاتی جرائد . ۲۴ :- اظهار نظریه به آثاریکه برای ملاحظه باین اداره از مقامات مختلف  
 فرستاده شده است :

## کټبي که برای طبع زیر نظر گر فته شده :

- ۱ : - تهذيب نفس : - ترجمه ښاغلي حبيب الله خان طرزي ۲ : - روپي کلمه دار ترجمه ښاغلي عبدالرحمن خان پژواک ۳ : - طبيب خانه هر شخص ترجمه ص ښاغلي مير علي اصغر خان شعاع ۴ : - کتاب فاميل ترجمه ښاغلي محمد صديق خان ۵ : - اسرار زندگي ښاغلي محمدروحی خان ۶ : - تربيه اجتماعي ترجمه ښاغلي سيد احمد شاه خان هاشمي ۷ : - روح اعتدال ترجمه ښاغلي سيد احمد شاه خان هاشمي ۸ : - مسافرت های مشهور ترجمه ښاغلي محمد هاشم خان پردیس ۹ : - طبيب خانگي مرغ ها ترجمه ښاغلي عبد الجبار خان ۱۰ : - حفظ الصحة ترجمه ښاغلي عبد الجبار خان ۱۱ : - پرورش اطفال ترجمه ښاغلي عبد الجبار خان ۱۲ : - زراعت کچالو ترجمه ښاغلي عبد الجبار خان ۱۳ : - ديوان عبدالله جان از طبع ښاغلي عبدالله جان ۱۴ : - مبادي پسيکولوژي : تاليف ښاغلي غلام حسن خان مجددي ۱۵ : - تربيه حسيه و روحيه اطفال : تاليف ښاغلي محمد قدیر خان تره کي ۱۶ : - د هوا عجائبات : ترجمه ښاغلي عزيز الرحمن خان ۱۷ : - د بريالي توب لار : ترجمه ښاغلي محمد نبي خان وفايي ۱۸ : - محمودي ادب : تاليف ښاغلي محمد عثمان خان پښتون ۱۹ : - د ښووني اصولي کتابچه : تاليف ښاغلي محمد عثمان خان پښتون ۲۰ : - د مينو هيداره : ترجمه ښاغلي صديق الله خان رشتين ۲۱ : - د متلونو کتاب : تاليف ښاغلي محمد گل خان نوري ۲۲ : - خوږ با نندار : تاليف ښاغلي محمد گل خان نوري ۲۳ : - دستورات شافزده گانه تجارت ترجمه ښاغلي محمد اسماعيل خان ۲۴ : - رساله موسوم به حرارت و عفونت خون بعد وضع حمل ۲۵ : - رساله موسوم به دانه های دنبل و مبارزه با آن : ۲۶ رساله موسوم به امراض و نريك و مبارزه با آن ۲۷ : - رساله موسوم به گوناري ياسوزاک ۲۸ : - رساله موسوم به مرض جرب و موفقيت جديد در علاج آن .

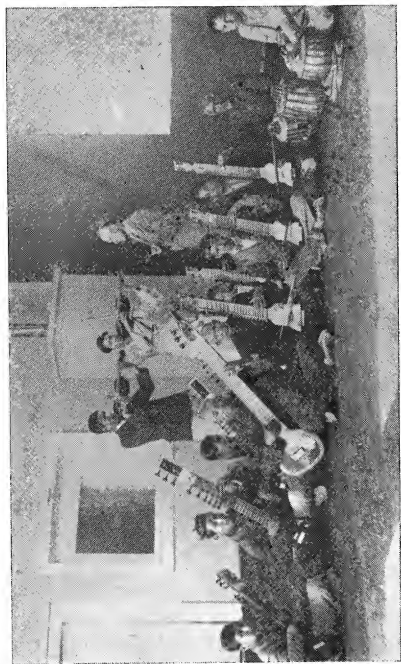


کټبي که توسط شعبه اول نشریات به حضور شاهانه تقديم و طرف تقدير ملوکانه واقع شده :

- ۱ : - آداب معاشرت ترجمه ښاغلي محمدرسول خان وسا ۲ : - د بريالي توب لار ترجمه ښاغلي محمد نبي خان وفايي ۳ : - طبيب خانگي مرغ ها ترجمه ښاغلي عبد الجبار خان ۴ : - زراعت کچالو ترجمه ښاغلي عبد الجبار خان ۵ : - حفظ الصحة ترجمه ښاغلي عبد الجبار خان ۶ : - امپراطور مغل ۲ جلد ترجمه ښاغلي امان الله خان ۷ : - قاموس پښتو تاليف ښاغلي عبدالله خان ۸ : - مينه تاليف ښاغلي عبدالعظيم خان صافي ۹ : - ديوان عبد الله جان از طبع ښاغلي عبد الله جان .

## شعبه دوم :

- ۱ : - مضامين و یاد داشت های لازمه و تراجم مهمه اخباری که از منابع مختلفه از قبیل جرائد و مجلات السنه مختلفه خارجي ترجمه و بمقامات مربوطه تقديم شده است ( ۱۵۰۰ ) نمره



دراډيو دموسيقى د کورس پوه تو لگي. متعلمين دخپلو معلمانو سره



درايو دموستي د کورس يوه ټولگه، متعلمين د درس لوستلو په وخت کې

- ۲ : - مر اوډه با دواړو مهمه کتنګه فروشی خارجه و تجدید اشتراک کتنګه‌های که میعاد اشتراک آن بسر رسیده بود و ترجمهٔ عددهٔ زیادی از کتنګه‌های مذکور که به مسائل و مصالح افغانستان و یا بمسائل عمومی و آفاقی مربوط بوده ذریعهٔ مترجمین اداره و تقدیم تراجم مذکور بدواړو مربوطه دیگر (بالغ بر سه هزار کتنګه جمع شده است) .
- ۳ : - مضامین و مقالات که نسبت به تمام شئون افغانستان بحث رانده از جرائد و مجلات مختلفه ترجمه و تراجم آن به مراجع مربوطه و یا جهت نشر و اشاعه بجرائد تقدیم شده است .
- ۴ : - اشتراک جرائد و مجلات مختلفه برای اداره و تجدید اشتراک جرائدیکه میعاد اشتراک آن بسر رسیده بود .
- ۵ : - اقدامات برای خریداری یکعمده کتب مفیده از السنه مختلفه برای کتابخانه ریاست ذریعهٔ مکتبه‌ها و نمایندگیهای افغانی در خارج و توريد آنها از خارج بکابل .
- ۶ : - اقدامات برای خریداری کتب و خریطه‌های لازمه کارآمد دواړو مرکز ریاست و هکذا اقدامات جهت اشتراک جرائد و مجلات مختلفه خارجه برای دواړو جرائد ولایات
- ۷ : - مطالعه و تتبع مضامین و مقالات راجع بافغانستان و یا راجع به مسائل عمومی و متجاوز از پنجاه نوع جرائد و مجلات خارجی (که باثر اشتراک و یا بصورت مجانی و تبادلہ اداره وارد شده است) و انتخاب مضامین و مقالات لازمه از بین آنها برای ترجمه و نشر که متأسفانه بواسطه جریان جنگ نتوانستیم زیاده تر جرائد بدست آریم
- ۸ - ارسال یکعمده معلومات نشریاتی و آثار مطبوعه از قبیل روزنامه‌ها - مجله کابل - سالنامه‌ها و مخصوصاً سالنامه ۱۳۱۹ - کابل و آثار تازهٔ مطبوعه پشتو توله و فوتوهای رجال و مناظر و موسسات و غیره افغانی به موسسات علمی و مطبوعاتی خارجه و اشخاص متتبع خارجی .
- ۹ : - دوام دادن روابط سابقه و اقدام برای تاسیس روابط عرفانی و مطبوعاتی جدید با کتب خانه‌ها و مقامات علمی و تاریخی خارجه .
- ۱۰ : - ارسال یک عمده سالنامه‌ها و سائر نشریات افغانی به نمایندگان افغانی در خارجه
- ۱۱ : - تهیه فوتوهای لازمه خارجی و داخلی جهت جرائد مرکرو ولایات و جهت سالنامه کابل .
- ۱۳ - تدوین و تحریر اجمالهای سیاسی یا نژده روزه و تقدیم و ارجاع آن بمراجع مربوطه .
- ۱۴ - اهتمام در تکمیل و ارسال مقبره مرحوم دوکتور محمد اقبال که از ریاست مطبوعات به تقدیر مقام علمی و خدمات فکری او به عالم شرق از سنگهای نفیس افغانستان ساخته شده و تسلیم آن به کمیتهٔ تعمیر مقبره موصوف در لاهور .

### نشریات رادیو :

بارسال دراول حمل دستگاه رادیو کابل از طرف ع، ج و الاحضرت سردار محمدنعم خان

معاون صدارت عظمی و وزیر معارف افتتاح و به نشریات اساسی خود آغاز کرد و روزانه چهارونیم ساعت (۳) نیم از طرف شب و یکساعت از طرف صبح) نشریات خود را تعیین نمود . اینک خلاصه کارهای که در ظرف سال نموده .

۱- نشر پروگرام ۵ روزه بنام مجله پښتون ږغ و در عین زمان نظر به ذوق شنوندگان تعديلات در پروگرام و اصلاح نغمه ها و سازها و غیره . ۲- انتشار خبرها از طرف صبح و اخیر شب علاوه بر خبرهای عادی شب ۳- علاوه کردن یکساعت در اشاعه صبحگاهی روزهای جمعه و رخصتی از نیمه آخر سال . ۴- تأسیس کورس موسیقی سه ساله برای تمهیم و نشر موسیقی در اواخر سال . ۵- تبدیلی شکل مجله پښتون ږغ از حال یک پروگرام بصورت یک مجله ادبی سر از شماره (۲۲ سال اول) ۶- کنفرانس های که در ظرف سال انتشار داده (۱۰۴۷) مقاله برای (۹۶۳۵ صفحه قانونی ۲۲۵ کلمه که مجموعاً با خبرها و غیره ۷۵۳/۳۱ ساعت گرفته ۷- ساز و آوازی که انتشار یافته (۹۲۴/۵۹) ساعت مجموع انتشارات کابل رادیو (۱۶۷۸/۳۰) ساعت .

## مدیریت عمومی تاریخ

### در قسمت تاریخ قبل الاسلام :

۱- تجدید نظر و نگارش فصل هخامنشی ها (احمد علیخان کهزاد) ۲- نگارش فصل « کیداری ها » یا کوشانی های خورد (احمد علیخان کهزاد) ۳- نگارش فصل (صنعت باختر) یا صنعت گریک و بودیک (احمد علیخان کهزاد) ۴- تجدید نظر در فصل سلطنت مستقل یونانی باختر (احمد علیخان کهزاد) ۵- نگارش سلسله مقالات به عنوان ادبیات شفاهی برای مجله کابل (احمد علیخان کهزاد) ۶- نگارش سلسله مقالات به عنوان (چند صفحه از تاریخ قدیم آریانا) برای مجله کابل (احمد علیخان کهزاد) ۷- نگارش مقاله (ممدوحین شاهنامه ها یا شاهان اولیه آریانا) برای سالنامه ۱۳۲۰ کابل (احمد علیخان کهزاد) ۸- نگارش کتاب «هنروران هرات» متضمن شرح حال و آثار تقریباً ۴۰ نفر استادان «نگارستان هرات» (علی احمد خان نعیمی) ۹- تاریخچه زبان سانسگری (ترجمه در دوصد صفحه) «نعیمی» ۱۰ ترجمه کتاب (مطالعات راجع به جغرافیا و شرح ساکنین قدیم شمال غرب هند) علی احمد نعیمی (در ۳۰۰ صفحه) ۱۱- نگارش مقاله (آبدات تاریخی غزنی) برای سالنامه (۱۳۲۰) علی احمد نعیمی ۱۲- نگارش پنجاه و سه کنفرانس راجع به تاریخ مسلسل افغانستان برای (رادیو - کابل) که در ظرف سال ۱۳۲۰ مرتباً قرائت شده است . ۱۳- انعقاد مجالس تاریخی هفته دوبار بحضور ع، ج والا حضرت وزیر صاحب معارف معاون صدارت عظمی و قرائت و اصلاح متن تاریخ ۱۴- تهیه کتب تا اندازه امکان برای نویسندگان محترم میکهد در نگارش قسمت های دوره اسلامی به مدیریت عمومی تاریخ همکاری میفرمایند.

در قسمت اسلامی آنچه که نویسندگان و همکاران فخری نوشته و فرستاده اند:

۱۵ :- نگارش فصل هیا طله بقلم بیاغلی شاه عبداللہ خان بدخشی ۱۶ :- نگارش فصل سامانی ها بقلم بیاغلی محمد قدیر خان تره کی ۱۷ :- نگارش فصل مغل های هند بقلم بیاغلی عبدالعی خان حبیبی ۱۸ :- نگارش فصل سوری ها بقلم بیاغلی محمد عیسا نغان صدقی ۱۹ :- نگارش فصل اشاعت اسلام در افغانستان بقلم بیاغلی محمد امین خان خوگیا نی ۲۰ :- نگارش فصل (ملوک کرت هرات) بقلم بیاغلی سرور خان گویا .

کارهاییکه بواسطه نبودن مترجمین لازم به اجرت ذریعه مترجمین خارج مدیریت عمومی اجرا شده  
۲۱ :- شاهي های افغانستان و پنجاب ( ترجمه جناب فاضل بیاغلی محمد اسحق خان  
۲۲ :- مسافرت سفیر روسیه در افغانستان در قرن ۱۹ ترجمه بیاغلی شیر محمد خان  
کند کمشر بیلو ت ۲۳ :- کارهای اداری و پاک نویسی مقالات و کنفرانسهای تاریخ ( سرکاتب)

### مدیریت عمومی مطابع

خلاصه اجراآت مدیریت عمومی مطابع در سال ۱۳۲۰ حسب ذیل است :

۱ :- تاسیس مطابع حرفی ولیتوگرافی مکمل در مزار شریف ، خان آباد ، جلال آباد و تدارک مطبعه سمت جنوبی که در اوائل سال ۱۳۲۱ افتتاح می شود .

۲ :- فعالیت مطبعه کنار کردگی ماشین ها رویه مرفته ۱۴۰۳۰۵۰۶۳۳ - افغانی .

۳ :- طبع کتب معارف ۳۱۹،۴۰۷ - افغانی .

۴ :- طبع کتب مطبوعاتی و غیره نشریات ریاست مطبوعات علاوه بر جرائد و مجلات

۴۱،۳۰۷ - افغانی .

۵ :- طبع صکوک از هر قبیل ۴۰۶۶۰،۸۴۶ قطعه .

۶ :- ساختمان حروف مختلف ۳۶۰۰ کیلو .

۷ :- ساختمان لوازم حروف ۵۰۰ کیلو .

۸ :- ساختمان مهرهای را بری ۶۴۴ عدد .

۹ :- تاسیس يك مغازه برای نمایش و فروش اشیای طباعتی مطبعه و سایر نشریات ریاست

مطبوعات در جوار ریاست که در اوایل سال افتتاح شد .

۱۰ :- عایدات مطبعه در سال ۱۳۲۰ نسبت به مصارف آن فزونی نشان میدهد .

در حدود (۱۰۱۳۳،۲۸۷) افغانی .

## مدیریت عمومی پښتو ټولنه

این مدیریت که برای خدمت بزرگان ملی پښتو تاسیس گردیده در ماه (سرطان) ۱۳۲۰ مورد توجه بیشتر حکومت متبوعه واقع و تشکیل آن وسعت یافت. در تشکیل جدید یک مدیریت بنام مدیریت دایرة المعارف پښتو و یک مدیریت بنام مدیریت نقد و تبصره، یک مدیریت بنام مدیریت تدویر و یک مدیریت بنام مدیریت سیار در آن منظور گردید، که دو شعبه اول الذکر بلا فاصله تاسیس و شروع بکار نمود و دو شعبه اخیر الذکر چون یکی باید وظیفه تدویر را بدوش می گرفت و این وقتی ممکن بود که مواد جهت تدویر اندوخته می شد و دیگری هنگامیکه اقدامات ممکنه از مرکز بانجام میرسید و موقع سیر در گوشه و کنار فرا میرسید تاسیس میگردیدند تاسیس آنها بتعویق افتاد. اگر چه مقصد شعبه سیار تا حدی عملاً تعقیب گردیده و بواسطه فضلی اطراف ولایات در راه نصب العین آن در همه جهات و شقوق تا اندازه کار گرفته شده است. شعبه کورسهای پښتو ټولنه که از سابق وجود داشت به دارائی یک شق کار دیگر که عبارت از مجادله با بیسوادی است توسیع یافت. که اقدامات مقدماتی آن در سال ۱۳۲۰ شروع گردید.

بهر صورت مدیریت عمومی پښتو ټولنه از لحاظ نوعیت کار و امکان استفاده حتی الوسع تشکیل جدید خود را تعقیب و طوریکه از اجراآت آتی معلوم خواهد شد پیشرفت های شایانی کرده است. علاوه تا پښتو ټولنه در شق پښتو و اقدامات اصلاحی با تمام دوائر و مخصوصاً دوائر مطبوعات همکاری کرده است.

### مدیریت دایرة المعارف:

معلوم صاحبان علم و دانش است که وجود دایرة المعارف در یک مملکت چه اندازه اهمیت داشته و در عالم معارف چه خدمات مهمی را انجام میدهد و برای بدست آوردن معلومات، توسعه و تکمیل دانش و تحصیلات در تمام رشته علوم و فنون تا کدام پیمانیه برای افراد ملت که بتمام وسائل تحصیل و تکمیل معلومات رسیده نمیتوانند بمنزله یک کتابخانه خدمت بزرگی نموده و باعث پیشرفت کلتور ملی میگردد از همین نقطه نظر است که در اغلب ممالک متمدنه با وجود یک دایره معارف در هر شق بدرجه اعلی وسعت یافته و برای تحصیل و تکمیل معلومات هر گونه و وسائل و ذرائعی فراهم است وجود دایرة المعارف یک امر ضروری و حتمی دانسته شده دایرة المعارفهای متعدد بامساعی، اهتمام و مصارف زیاد تهیه و بدسترس افراد گذاشته شده است.

چون حکومت معارف پرور مادرین دوره فرخنده در اثر توجهات ذات اشرف همایونی اعلی حضرت محمد ظاهر شاه لوازم مدنی این کشور عزیز را بیهم مهیا و هر گونه احتیاجات عرفانی را یکی بعد از دیگری تکمیل کرده میرود همانست که ریاست مستقل مطبوعات برای انجام این امر مقدس





ع ، ج ، ۱۰۱۰ ، نینان والا حضرت سردار شاه ولی خان « د کابل فاتح »

داعلی حضرت وزیر مختار او فوق العاده نماینده په فرانسه کی

S. A. R. « A. A. » Sardar Chah Wali Khan envoyé extraor-  
dinaire et ministre plénipotentiaire de Sa Majesté  
en France

د شفر او مخصوص قلم مدیریت :

مدیر : ص. محمد سلیمان خان

د مامورینو او اجرائیې او تنظیماتو مدیریت :

مدیر : ص. عبدالقادر خان

د ویزه او قونسلگری عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. عبدالرؤف خان

دلپری-خانگی مدیر : ص. محمد قسیم خان

د اوراقو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. عبدالغفار خان

د کنترول او محاسبې مدیریت :

مدیر : ص. عبدالاحد خان

پښتنی سفیران او نمایندگان په خارج کی

د اعلیٰ حضرت لوی سفیر په انقره کی : ع. ج. فیض محمد خان

» » » په طهران کی : ع. ج. محمد نوروز خان

» » » په ماسکو کی : ع. ج. سلطان احمد خان

د اعلیٰ حضرت مختار وزیر په پاریس کی : ع. ج. ا. انبیا والا حضرت سردار شاه ولی خان

» » » په لندن کی : ع. ج. احمد علیخان

د » » » په روما کی : ع. ج. عبد الصمد خان

د » » » په برلین کی : ع. ج. الله نواز خان

د » » » په توکیو کی : ع. ج. ذو الفقار خان

د » » » په قاهره کی : ع. ج. محمد صادق خان مجد دی چه د حجاز

مختار وزیر هم دی

د اعلیٰ حضرت جنرال قونسل په دهلی کی : ع. ص. محمد شفیع خان

د » » » په مشهد کی : ع. ص. عبدالوهابخان

د » » » په بمبئی کی : ع. محمد شعیب خان

د » » » په کراچی کی : ع. محمد اکبر خان

د ویزه پښتون مامور په پشاور کی : ص. محمد قیوم خان

» » » په چمن کی : ص. میر غلام فاروق خان

وعالی متشبت ودر برج آسد ۱۳۲۰ مدیریتی رابنام مدیریت دائرة المعارف در مدیریت عمومی پښتوولنه تشکیل وموظف گردانید تا بهمکاری دانشمندان ، فضلا وارباب تخصص و وطن بتالیف وتدوین يك دائرة المعارف افغانی که امروز ازاحتیاجات اولیه ماشمرده میشود در زبان پښتو آغاز نماید تا از یکطرف در بناء زبان ملی ما ( پښتو ) تهداب اساسی قرار گرفته و وسیله مهم ترویج آن گردد ، واز جانب دیگر برای آن افراد وطن که درین دانش وحصول معلوماتی در رشته های مختلفه تتبع مینمایند تا جائیکه گنجایش داشته باشد در هر رشته کمک وامدادشایانی نماید . اینست که مدیریت مذکور به استعانت خداوند متعال وتوجه ع ، ج والاحضرت سردار محمدنعم خان معاون صدارت عظمی واعتماد بهمکاری فضلالی وطن بایک عده اعضاء آغاز یکبار و تا آخر سال ۱۳۲۰ یعنی در ظرف هشت ماه موفق با اجرا آت ذیل شده که مختصر آواجمالاذکرمی گردد .

۱ : - ترتیب لوائح مختلفه در باره اساس پروگرام وانتخاب ماخذ مناسب وانعقاد مجالس متعدد راجع باین موضوعات ، ۲ : - ترتیب لست موضوعات داخلی ( ۱۰۰ مواد مختلفه ) راجع بمعلومات عمومی وزاقتات تاریخی ، سوانح مشاهیر ، تالیفات وآثار آنها ، معلومات عمومی جغرافیائی وتاریخی ولایات ، حکومتیها ، شهرها ، علاقه داریها ، قریه ها ومعلومات صناعتی ، تجارتی ، زراعتی وموسسات متعلقه آنها ؛ معلومات درباره ادبیات ، طب ، موسیقی و دارالعلومها جوامع ، بناها وغیره آبدات ومجله ها ، روزنامه ها وباقی معلومات متعلقه افغانستان ۳ : - مذاکره ومفاهمه جهت جمع آوری وترتیب موضوعات داخلی با اضافه ازسی نفر که برای این کار تعیین شده بودند وانعقاد مجالس متعدده وتقسیم مواد معینه باشرايط لازمه باشخاص صلاحیت دار واصدار مکاتیب تعقیبی : ۴ : - اقدامات برای بدست آوردن بعضی معلومات تاریخی واجرائی وزارتخانه ها وباقی دوائر مملکتی وترتیب وارسال لوائح متعلق بهر کدام ؛ تا برخی قسمت آن برای دائرة المعارف انتخاب وتدوین گردد . ۵ : - ترتیب متحدالآل هادر باره مضامین مختلفه جغرافیائی وتاریخی حکومتیها ، علاقه ها ، فصبات ، کوه ها ، دریاها ، پیدائوار ، آبدات وغیره مملکت که مشتملبر ( ۲۵ ) مواد است وارسال آن بولایات وتشویق حکام و فضلا اطراف جهت جمع آوری مواد مضامین متذکره وتعقب آن بدفعات . ۶ : - ترتیب وارسال متحدالآل ها ومکاتیب خصوصی اسمی فضلا ونویسندگان اطراف باتشویقات ووعدده های لازمه راجع به تهیه بعضی مواد ومعلومات تاریخی وسوانح مشاهیر وآبدات علاقه شان . ۷ : - بیرون نویسی وبدست آوردن فهرست حکومتیها ، علاقه داریها ، قراء وفصبات افغانستان ازوزارت داخله . ۸ : - اقدامات جهت جمع آوری دائرة المعارفهای مختلفه خارجه وکتب لازمه وفهرست کتابخانه ها از مقامات رسمی . ۹ : - اقدامات جهت خریداری دائرة المعارفها لیکه جدیداً طبع ونشر گردیده و دیگر کتب ونقشه های لازمه از خارج ، ۱۰ : - بیرون نویسی قریب ( ۶۰۰۰ ) اعلام ومواد مختلفه علمی وفنی از همه مآخذ لیکه در مملکت موجود است ومآخذ لیکه برای استفاده

جدیداً وارد شده از زبان های مختلف ، ۱۱ :- مقابله و تطبیق اعلام مواد منتخبه و انتخاب آن از مآخذ ، ۱۲ :- پاك نویسی اعلام منتخبه بعد از مقابله و تحریر هدیای لازم در باره ترجمه ، تتبع ، تفصیل و اختصار هر ماده آن . ۱۳ :- تجزیه و تقسیم مواد مختلفه علمی و فنی بشعبه های جدا گانه تاهر شعبه باشخصیکه در آن صلاحیت و تخصص دارند ، سپرده شود . ۱۴ :- نقل تمام مواد فوق الذکر در اوراق جدا گانه تابکساییکه ترجمه و تتبع مینمایند داده شود . ۱۵ :- ترتیب يك تعداد لوايح كه محتوی مواد مختلفه شرائط ترجمه ، اقتباس ، تتبع و غیره جهت دائرة المعارف میباشد . ۱۶ :- مذاکره و مفاهمه جهت ترجمه ، تتبع ، تحریر و جمع آوری مواد منتخبه دائرة المعارف با قریب (۱۰۰) نفر فضلاء وطن و اشخاصیکه در مسالك مختلفه تخصص دارند . ۱۷ :- توزیع است مواد مختلفه منتخبه جهت ترجمه ، اقتباس ، تتبع و جمع آوری آن با شرائط لازم برای اشخاصیکه منتخب گردیده موافقت حاصل شد . است ۱۸ :- جمع آوری (۶۰۰) صفحه مضامین مختلفه كه از طرف ۳۰ - ۴۰ نفر فضلاء وطن و اعضای مدیریت دائرة المعارف از السنه مختلفه زنده عالم اقتباس ، ترجمه ، تتبع و تحریر و هفت وار ب مدیریت سپرده شده است ۱۹ - مطالعه و تدقیق مضامین فوق الذکر و در بعضی قسمتهای لازم اصلاح ، تلخیص ، ترغید و غیره تعدیلات ضروری و پاك نویسی آنها ۲۰ :- ترجمه قسمتی از مضامین فوق به پشتو . اینست كه مدیریت دائرة المعارف برای پیشبرد پروگرام و مرام خود بهر گونه و سائل و ذرائع متشبت و با تمام اشخاص و دوائر صلاحیت دار در تماس بوده و امید قوی دارد كه يك اثری مفیدی كه علاوه بر افادات علمی جامع خود موجودیت تاریخی این مملكت را كه چطور گذشته درخشان و چگونه فرزندان نامی داشته و چقدر استعداد طبیعی و ذهنی آن بلند است بفرزندان این خاك خاطر نشان ميكند تقدیم هموطنان عزیز نماید . ومن الله التوفیق

### شعبه نقد و تبصره :

این شعبه كه در تشكيلات جدید پښتو ټولنه افزوده شده است از حیث اهمیت و ظایف دارای اهمیت زیاد است . هر چند مدیریت عمومی پښتو ټولنه در ظرف سال موفق نشد كه بر حسب احتیاجات چنانچه میشايد در توسیع این شعبه بکوشد باز هم شعبه نقد و تبصره تا حد ممكن وظایف قابل قدری را انجام داده است . ۱ :- نقادابی جراید و روز نامهها از لحاظ صحت پښتو و دادن یاد داشت راجع به اصلاحات نواقص به مدیریت عمومی نشریات ۲ :- تجدید نظر بر کتاب مطبوع لس زره لغتونه و تصحیح لغات آن (كه از طرف مدیر شعبه لغات صورت گرفت) و از ملاحظه این شعبه گذشته تا دو طبع ثانی نواقص آن رفع شود ۳ :- تصحیح لوحه های پښتو بلا استثنی در هر جائیکه بنظر خورد به همکاری شعبه قواعد ۴ :- نوشتن پښتو کلی جلد پنجم و جز و اول از طرف ښاغلی گل باچا خان الفت مبصر پښتو ټولنه ۵ :- نوشتن مقالات توضیحی در اطراف پښتو از طرف مبصر ۶ :- نوشتن کتاب بله دیوه از طرف مبصر و طبع و تصحیح آن از طرف شعبه ۷ :- تصحیح قاموس بزرگ لغات پښتو به همکاری فضلاء مبرز

پښتو که فعالاً تحت تصحیح و تدقیق واقع است ۸ :- نوشتن کتاب لغوی خپره (فقه اللغة) از طرف مبصر پښتو ټولنه ۹ :- تصحیح و ملاحظه کتاب لنه‌ی های پښتو تالیف مدیر شعبه تالیف و ترجمه از طرف مبصر ۱۰ :- ملاحظه و تصحیح بعضی قسمتهای گرامر مطبوع پښتو از طرف مبصر ۱۱ :- نوشتن رساله منظوم «پسرلی نغمه» برای تشویق دهاقین پښتون به استفاده از بهار و زراعت از طرف مبصر پښتو ټولنه ۱۲ :- اصلاح و تصحیح مقالات پښتوی روزنامه‌ها و رادیو به همکاری اعضای پښتو ټولنه .

### مدیریت قواعد :

شق قواعد :

۱ :- ترتیب یک گرامر جدید بصورت مختصر اما جامع و حاوی همه قوانین زبان ۲ :- تحلیل و تحقیق مزید بعضی نکات مشکل صرفی و نحوی پښتو و فراهم نمودن مواد کافی گرامری ۳ :- اقدام به ترجمه نمودن بعضی گرامر های السنه خارجه فرانسوی، ترکی و غیره جهت استفاده شعبه قواعد شق لغات :

۴ :- پیشنهاد وضع نمودن (۱۰۰) لغات پښتو در مقابل فارسی بمجلس پښتو ټولنه و اخذ تصویب آن ۵ :- به خواهش دوایر رسمی ترجمه اسما و اعلام، و نام گذاریهای جدید پښتو .

شق تالیف :

۶ :- نگارش کتاب (مومند عبدالحمید) که حاوی شرح حال تبصره بر شعر و شاعری است از طرف صدیق الله رشتین با یک قسمت انتخبات دیوانش در (۱۱۰) صفحه ۷ :- تکمیل جلد دوم (پښتانه شعرا) حاوی یکصد شاعر در (۲۰۰) صفحه از طرف صدیق الله رشتین ۸ :- نگارش یک رساله (دبیتوشر) راجع به تذکره مختصر نثر پښتو . و بیان اقسام و انواع آن، و بیان نمونه و تبصره آن از طرف صدیق الله رشتین.

شق ترجمه :

۹ :- کتاب د «مخلوع و وظیفی» که سال گذشته ترجمه شده بود تصحیح و نظر ثانی شده و آماده طبع است، از طرف صدیق الله رشتین ۱۰ :- کتاب «د مینوهنداره» از کتاب (تصویر العواطف) عربی ترجمه شده است از طرف صدیق الله رشتین .

### مدیریت لغات :

مدیریت لغات در سال ۱۳۲۰ بتعداد ۲ هزار لغات پښتو بدون مشتقات آن و ضمناً ۱ کثریه محاورات پښتورا خارج از تعداد فوق آماده ساخته است این قاموس بطور عصری بانساندادن رمزهای حرکات و علامات ایکسنت های هجائی ترتیب داده شده و هر ردیف بترتیب حروف هجا الی انتها مرتب و علاوئاً بمقابل هر لغت تلفظ آن بحروف لاتینی تحریر یافته است و لغاتیکه قابل

تصویر بډه صورت آن هم درنظر گرفته شده گویا این قاموس يك قاموس عصری و مصور از طرف شعبه لغات انجام یافته است که عنقریب در سال ۱۳۲۱ بـر یو ر طبع آراسته و در محل استفاده عموم گذاشته خواهد شد .

### مدیریت صحافت :

۱ :- نوشتن کتاب جز ۲۰ جلد ۴ پښتو کلی از طرف پښتو مدیر صحافت ( بطور همکاری با شعبه تالیف و ترجمه ) تصحیح کتاب نوی ژوندون از طرف معاون ۳ :- پښتو کردن مجله کابل و نشر آن مرتباً ۴ :- تهیه مضامین د کابل کالنۍ ۵ :- همکاری بارادیو ۶ :- ترجمه مضامین فارسی به پښتو برای مجله و سالنامه .

### مدیریت تالیف و ترجمه :

۱- طبع و نشر کتاب پښتانه شعرا جلد اول ۳- طبع و نشر کتاب پښتو اصطلاحات مؤلف محمد گل « نوری » مدیر تالیف و ترجمه در حدود ۳۹۲ صفحه ۳- ترجمه کتاب اسرازندگی که نزدیک باختتام است از طرف محمد گل نوری مدیر تالیف و ترجمه ۴- سیزده افسانه در حدود ۱۸۵ صفحه نگارش محمد گل نوری مدیر تالیف و ترجمه .

۵- متلونه ۳ صفحه - لغات ۵ صفحه - دادم خان نارې ۸ صفحه ۳۳ فرد، کیسی ۷ صفحه داتپ نارې ۲ صفحه ۲۵ بیت با بولا له ۷ صفحه ۸۷ بیت فرا هم ککنده محمد گل نوری مدیر تالیف و ترجمه ۶- مضامین متفرق ۴۱ صفحه محمد گل نوری مدیر تالیف و ترجمه ۷- طبع و نشر کتاب نوی ژوندون مولف قیام الدین خادم در زمانیکه معاون پښتو ټولنه بود به تصحیح مولانا عزیز الرحمن خان عضو تالیف و ترجمه ۸- ترجمه تربیة الاجتماعی مولانا عزیز الرحمن در حدود ۴۱۶ صفحه ۹- ترجمه کتاب منا هیج الا دب عزیز الرحمن ۱۸۷ صفحه ۱۰- ترجمه کتاب تهذیب النفس عزیز الرحمن که ۶۵ صفحه آن ترجمه و باقی آن معطل است ۱۱- ترجمه سعادت الانسان مولانا عزیز الرحمن که ۳۰ صفحه آن ترجمه و باقی آن معطل است ۱۲- ترجمه اوراق دائرة المعارف مولانا عزیز الرحمن در حدود ۳۱۲ صفحه ۱۳- مضامین متفرقه مولانا عزیز الرحمن در حدود ۳۱۶ صفحه .

### مدیریت کورسها :

الف مرکز :-

کورس هائیکه در ۱۳۱۹ موجود بود :-  
دواړو حکومتی : ۴۵ کورس مرسسه های ملی : ۱۳ کورس  
کورس های که در ۱۳۲۰ اضافه شده یا ب مدیریت کورسها مربوط گردیده :  
کورسها ئیکه اضافه شده :  
دواړو حکومتی ۱۹ کورس موسسه های ملی ۲ کورس .

کورس هائیکه مربوط شده :

عسکری قوای مرکز اصل ۲۲ کورس اضافه ۳ کورس کورسهای معلمین وزارت جلیله معارف ۲۸ کورس جمله کورس هائیکه در ۱۳۲۰ اداره و تحت تعلیم گرفته شده ۱۳۲ کورس تعداد شاملین کورس های مذکور بصورت تخمین ۳۵۴۹ نفر

ب ولایات :

کورسهای ولایات که سابقاً بصورت منظم نبوده بلکه در مرکز هر ولایت اضافه از دوسه کورس وجود نداشت از تاریخ ۱۳۲۰ که انتظام کورس های ولایات مربوط یشتو قولنه شده برای هر ولایت یک نفر مامور کورس ها مقرر واعزام گردیده . در تاسیس کورس های جدید جدیت بعمل آمده چنانچه وقتاً فوقتاً ذریعه رادیو و اخبار های وطن نشرو با اطلاع عموم رسانیده شده و خلاصه آن این است :-

تعداد کورس و نفر در ولایات :

ولایت قندهار (۱۲) کورس (۵۵۸) نفر ولایت هرات (۱۹) کورس (۶۴۰) نفر ولایت مزار شریف (۲۵) کورس (۷۶۰) نفر ولایت قطن و بدخشان (۳۰) کورس (۵۸۳) نفر ولایت مشرقی (۱۳) کورس (۳۴۳) نفر ولایت جنوبی (۵) کورس (۲۱۳) نفر حکومت اعلی فراه (۵) کورس (۱۸۰) نفر حکومت اعلی میمنه (۸) کورس (۲۰۳) نفر حکومت کلان شمالی (۱۱) کورس (۱۶۵) نفر حکومت کلان لوگر (۲) کورس (۶۲) نفر حکومت کلان غزنی (۵) کورس (۱۷۲) نفر . جمله ۱۳۵ کورس = ۳۸۳۴ نفر

برای کورس های مذکور کتاب و سامان فر ستاده شده و طوریکه فوقاً تحریر شد بتمام ولایات و حکومت اعلی و حکومت کلان مامورهای کورس ها مقرر و هدایات لازمه داده شده چنانچه حسب پروگرام تعلیمی در کورس های مذکور تعلیمات زبان ملی حسب المطلبوب جاریست و کورس های معلمین معارف اطراف اضافه از آن است که بواسطه نارسیدن احصائیه مکمل آن داخل این حساب نیامده .

ج :- توضیح :

(۱) از تمام غیر حاضر و حاضر و انتظام کورس های مرکز و ولایات با خبری شده و راپورهای تعلیمی ماهانه تمام کورس ها تحت غور و دقت گرفته شده و وقتاً فوقتاً در باب نقائص آن هدایات لازمه داده شده و برای رفع آن جدیت بعمل آمده چنانچه مکتوب های مدیریت کورس ها که درین زمینه صادر شده ۳۲۵۲ است (۲) برای کورس های مذکور علی الخصوص در مرکز یک تعداد معلمین لایق تهیه و مقرر شده (۳) یک کورس معلمین مستعجل افتتاح و به تعداد ۳۰ نفر معلمین در آن تربیه شده که یک تعداد آن طور کم

بوزارت جلیله معارف داده شده واز باقی در خود پښتو ټولنه و کورس های مرکز کار گرفته شده و نتیجه مثبت واطمینان بخشی از لن بدست آمده . (۴) تعلیماتنامه کورس ها تعدیل و بصورت اساسی تری اصلاح و ترتیب شده که هنوز تحت تدقیق و تصویب مقامات صلاحیت دار است . (۵) اصلاح اصول و پروگرام های تعلیمی مطابق اصول تعلیم و تربیه و پیدا کوژی (۶) تفتیش و مراقبت و امتحان کورس ها در اوقات لازمه .

## ر باست شورای ملی

- ۱ :- تصویب موازنه بودجه مملکتی سال ۱۳۲۰ - ۲ :- تصویب ترویج و تحت چلند گذاشتن شش کرور افغانی از نوت های جدید ۳ :- تصویب لایحه مکلفیت عسکری ۴ :- تصویب تبدیل حکومت اعلی مشرقی و جنوبی به نایب الحکومه گی ها ۵ :- تصویب ضمیمه اصولنامه حاضری و رخصتی مامورین راجع به ایام اضافه ضرورت سالانه مامورین ۶ :- قرضه سی لک افغانی حکومت از د افغانستان بانک ۷ :- تصویب قرضه ده لک افغانی حکومت از د افغانستان بانک ۸ :- تصویب اصولنامه حاضری و رخصتی مامورین در موضوع تزئید بر اصل (۱۲) و تعدیل تبدیل حصه (ب) اصل (۳۷) .

## ریاست اعیان

- ۱ :- لایحه مکلفیت عسکری ۲ :- ضمیمه اصولنامه اخذعسکر ۳ :- راجع به تشکیل حکومت اعلی جنوبی و مشرقی بنایب الحکومگی ۴ :- ضمیمه اصولنامه حاضری و رخصتی مامورین .

## امور بانکی

### د افغانستان بانک :

چون مؤسسه د افغانستان بانک یک مؤسسه است که برای ترقی و توسعه امور اقتصادی مملکت از طرف حکومت معظم ما بصورت یک شرکت سهامی تاسیس گردیده - و برای اولین بار راجع به بانک موصوف در سالنامه کابل تذکاری داده می شود . پس بی مورد نخواهد بود تانسیب باین بانک مهم و بزرگ توضیحات مختصری برای آگاهی مطالعین عزیز نگاشته آید :-

یکی از مشخصات سیر تکامل است که در هر کدام از رشته های حیاتی و مدنی ضرورت و احتیاج متدرجاً اضافه شده برود ساحة کار و فعالیت نیز در همان رشته پهن تر گردیده وسعت تشکیلات و تاسیسات را در مملکت ایجاد میدارد .

مملکت عزیز ما در سیزده سال قبل با اثر توجهات حکومت خیر خواه و نظریات قیمتدار زعیم ملی و دهای بزرگ خود اعلیحضرت محمدنادر شاه شهید دارای یک خط مشی اساسی گردیده - که



این خط مشی بر اساس سیر تکامل وضع و در تمام رشته های حیاتی و مدنی سیر تدریجی اش اساس پیشرفت قرار داده شده تا هر کاری باسنجش و تأمل و در مقام و موقع مناسب که موافق بمقتضیات و احتیاجات محیط افغانستان باشد برمدار و مجرای اساسی اش جریان نماید - چنانچه در تمام شعب مدنی مخصوصاً در ساحه اقتصادیات عمومی کشور پروژه ها . پلانیها و تشکیلات صحیح و متینی بر همین اساس وضع گردیده و بسوجب این پلانیها در طول این چند سال بسا مؤسسات اقتصادی ( که هموطنان عزیز ما از هر کدام آن وقوف و اطلاع تام دارند ) تاسیس و بکار انداخته شده در زمره این مؤسسات اقتصادی یکی هم مؤسسه بانک ملی افغان بوده است که بتاریخ ۱۵ میزان ۱۳۱۱ برای اولین بار به سیستم بانکی بکار شروع - نموده اما چون بانک موصوف بصورت یک شرکت سهامی و با سرمایه معینی از طرف اشخاص و تجار ملی بکار پرداخته و ساحه فعالیت آن نسبتاً محدود تر بوده و هم تمام امور و معاملات بانکی و صنعتی و تجارتی و غیره در اینجا تراکم کرد و بسا امور و معاملات مهمه دیگری کشف - وجستجو شد که اصلاً از حوزه وظایف و صلاحیت این بانک خارج و از حوصله آن بعید شناخته میشد یعنی پس از یک دوره تجری و تجربه در امور بانک و بانک داری احتیاجات مهم تر و مزیدتری بمیان آمد که بر اساس سیر تدریجی بایست ساحه کار و فعالیت در امور بانکی وسیع تر ساخته شود همانست که تاسیس و بکار انداختن یک بانک دیگری را ایجاب نمود تا از نقطه نظر سرمایه و صلاحیت امور و وظایف بزرگ تر و وسیع تر بوده و بتواند آنهمه وظایف امور مهمه را که بر اساس منافع دولت و ملت و ترقی کافه امور اقتصادی مملکت بوده باشد بعهده داشته و مخصوصاً نشر بانکنوت و تنظیم پول را کرده و مؤسسات اقتصادی را حمایت و پشتیبانی کرده و بتواند یعنی یک بانک مرکزی ( بانک دومی سیون ) بوجود آورده شود همانست که حکومت ترقی پرور ما بر حسب پیشنهادات مقامات ذی صلاحیت اقتصادی پروژه تاسیس بانک موصوف را بنام (د افغانستان بانک) در اواخر سال ۱۳۱۷ منظور و تاسیس این مؤسسه مهم و عالی را با سرمایه اساسی (۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰ افغانی) در مرکز مملکت امر و اراده فرمود و بانک موصوف توسط اشخاصیکه اسامی شان ذیلاً در تشکیلات بانک نگاشته شده مطابق اساس نامه رسمی خود بصورت یک بانک اصولی و آزاد و سیستم بانکی بکار آغاز نمود .

### وظائف د افغانستان بانک :

اگر چه مطالعین ما از اسم ( بانک دی می سیون ) بخوبی فهمیده میتوانند که وظایف و عملیات این بانک تا چه اندازه مهم و بزرگ بوده معیناً برای تصریح مطلب رؤس وظایف و عملیات د افغانستان بانک را خلاصه در زیر قید میکنیم .

۱ :- نشر بانکنوت مطابق به احتیاجات حقیقی و اقتصادی مملکت افغانستان . ۲ :- اجرای کلیه معاملات خزانه داری و بانکی دولت و بلدیة ها و کما فیه ادارات دولتی در داخل و خارج .

- ۳ :- نشر هرگونه اوراق و اسناد بهادار راجع به عملیات کلیه ادارات دولتی و بلدییه ها .
- ۴ :- خرید و فروش طلا و نقره مسکوک و غیر مسکوک . ۵ :- خرید و فروش اسعار خارجه که قابل تبادل باطلا باشد . ۶ :- خرید و فروش اسهام و اوراق بهادار و اسناد استقراضی بحساب ثالث . ۷ :- حفظ و اداره طلا و نقره اسهام و اوراق بهادار اسناد استقراضی و سایر اشیاای قیمتی . ۸ :- قبول و دایع بحساب جاری و حسابات امانت . ۹ :- حصول و اجرای اسناد ساده و باوثیقه بحساب شخص ثالث . ۱۰ :- اجرای هرگونه معاملات تادیبه و انتقال نقدی در داخل و خارج .
- ۱۱ :- اصدار هر نوع اعتبار بالای داخل و خارج . ۱۲ :- قبول اسناد تنزیل و تنزیل مکرر تجارتي .
- ۱۳ اعطای قرضه در مقابل اسناد استقراضی حکومت ( افغانی - طلا - نقره مسکوک و غیر مسکوک ) و اسعار خارجه که قابل تبادل باطلا باشد . ۱۴ :- اعطای قروض رهنی قصیر المده و ضویل المده .
- ۱۵ :- اشتراك مستقیم و غیر مستقیم بتوسط مؤسسات دیگر برای انتشار هر نوع اوراق بهادار و معاملات مالی شرکتها و جمیع مؤسسات فوآئد ملی . ۱۶ :- اعطای قروض به دولت و کلیه ادارات دولتی . ۱۷ :- اعطای قروض به بلدییه ها . ۱۸ :- اعطای قرضه از نقطه نظر فوآئد عمومی برای بانکها و شرکتهای صنعتی و زراعتی و مؤسسات تجارتي و غیره . ۱۹ :- تعین نرخ پول . ۲۰ :- انتظام نرخ و جریان پول . ۲۱ :- انتظام نرخ تبادل و بازار پول .
- ۲۲ :- اتخاذ و تصمیحات لازمه برای تثبیت سکه افغانی باتفاق حکومت .

این بود اختصار وظایف و عملیات د افغانستان بانک که بر علاوه بسا وظایف و عملیات دیگر را که متعلق به یک بانک مرکزی باشد نیز بهعهده داشته و اجرا میدارد .

### اداره د افغانستان بانک :

طوریکه تلخیص وظایف و عملیات د افغانستان بانک در فوق مطالعه شد معلوم گردید که اداره این بانک نیز از امور خیلی مهم و عمده در شمار بوده تا آن سرمایه زیاد موافق پلان و پروژه موضوعه بکار افتاده و آن وظایف سنگین در همچو یک مؤسسه بزرگ بصورت صحیح و مطابق اصول و سیستم بانکی اجرا و عملی گردد برای انجام این منظور هشت هیئت تعین گردیده تا اداره این بانک را بهعهده داشته باشند که در این جا از هیئت های مذکوره ذیلاً نامبرده میشود :

- ۱ :- مجمع عمومی صاحبان سهام . ۲ :- شورای عالی بانک . ۳ :- رئیس کل . ۴ :- هیئت عامل .
- ۵ :- هیئت اعتبارات . ۶ :- هیئت نظار . ۷ :- مفتش حکومت . ۸ :- هیئت مراقبت ذخیره بانک نوت .

هیئتهای فوق الذکر که مرکب از اشخاص عالی رتبه و بزرگ حکومت بوده مطابق وظایف نامه جدا گانه به اداره بانک موصوف در حدود صلاحیت خود ها مسئول و موظف میباشد که از تشریحات وظایف و ذکراسامی مشمولین هیئت های مذکوره در این جا بیاعت اطاله کلام انصراف می شود .

### اجراآت د افغانستان بانک :

قبل از آنکه بشرح اجراآت د افغانستان بانک پرداخته شود باید متذکر گردید که بانک

موصوف از ابتدای حمل سنه ۱۳۱۸ یعنی درست سه سال قبل تاسیس یافته است اما عملیات و تشکیلات آن در طول این مدت منحصر به اداره مرکزی بوده و چنانچه لازم و مقتضی است بوسعت شاخها و شعبات خود در اطراف و ولایات مملکت و خارج اقدامات مقتضیه را کرده توانسته و علت یگانه آن این بوده که از همان تاریخ یعنی از بدو تاسیس بانک موصوف جنگ یورپ آغاز و اوضاع اقتصادی و مالی بین المللی دوچار بی نظمی و بی موازنه گي گردیده و این بی نظمی و عدم توازن وضعیت پولی و اعتباری بانکها را علی العموم متأثر ساخت و این مسائل طبعاً در راه پیشرفت و اجرا آت و عملیات دافعا نستان بانک که تازه میخواست داخل در میدان کار و عمل گردد و مناسباتی با بانکهای خارجی برقرار دارد نیز مشکلاتی پیش نمود یعنی این بانک جدید التاسیس نتوانست در همچو مواقع نا مساعد چنانچه لازم بود با جرئت و اعتماد کلی داخل در میدان کار و عمل گردد و امور و وظایف خود را که طبعاً با داشتن روابط با دیگر بانکهای دنیا صورت پذیر بوده حسب مطلوب از پیش برد . مگر موسسه موصوف با وجود این نا مساعدتها و موانعات غیر مترقبه تا جای که سعی و کوشش یاری کرده و وقت و زمان مساعدت نموده در اجرا آت مرکزی و تا اندازه هم در معاملات خارجی و تهیه مقدماتی خود از جدیت و فعالیت باز نه ایستاده است که اینک خلاصه اجرا آت آن ذیلا قید میشود :-

۱- ریاست بانک در وهله اول برای اینکه امور و معاملات و اجرا آت بانک مطابق به اصول و سیستم صحیح و معاصر بانکی اجرا گردد به استخدام یک نفر متخصص بانکی اقدام و پس از اینکه متخصص موصوف اصول دفترداری و قواعد بانکی و مقررات اداری (و اساسنامه بانکرا) مرتب و آماده ساخت ریاست بانک (سیستم دبل آنتری) یعنی اصول دفتر داری دوجانبه را که در اغلب بانکهای دنیا معمول و مروج بوده برای د افغانستان بانک قبول و برای تطبیق سیستم مذکور تشکیلات ذیل را بعمل آورده و بکار آغاز نمود :

۱- مدیریت عمومی محاسبه و کنترل ۲- مدیریت مامورین و اجراییه داخله  
۳- مدیریت عمومی خزائن و ارتباط خارجی ۴- مدیریت تفتیش ۵- مدیریت تجربیات و اطلاعات و قلم مخصوص ۶- ماموریت اوراق .

ادارات مذکوره تماماً اجرا آت و عملیات خود را موافق سیستم موضوعه اجرا کرده است .  
۲- ریاست بانک بفرض تهیه مامورین یکباب کورس بانکی و اقتصادی را کشوده و در آن از تحصیل یافتگان مکتب مرکرو ولایات با همکاری وزارت معارف طلبه شامل ساخته و در دو دوره باندازه پنجاه نفر فارغ التحصیل آماده و داخل کار ساخت چه اصول دفترداری و محاسبات بانک در محیط ما جدید شروع شده و با اصول دفتر داری های حکومتی و غیره فرقی داشته و در غیر این صورت طبعاً مشکلاتی از جهت نداشتن مامورین بلد به سیستم بانکی تولید میکرد .

۳- تهیه مقدماتی از قبیل حاضر ساختن عمارت موافق باجرای عملیات بانکی از قبیل کیشه های معاملات داخله و خارجه و خزانه محفوظ ذخیره و اسکان دوائر مرکزی بانک - طبع اوراق و جداول

و کتب بانکی وچکیکها واسناد وغیره - تهیه مویل واثاثیه توريد ماشینهای تایپ و شمار پولهای فلزی و سیفهای فولادی وغیره لوازم ثقیله و آهن باب کار آمد بانکی از خارج - مطابق احتیاجات موجوده بانک بعمل آورده شده است .

۴- بودجه و تشکیلات و پیشنهادات مربوطه به عملیات بانک از طرف هیئت عامل وقتا فوقتا مرتب و مطابق اساسنامه بمنظوری شورای عالی بانک رسانیده شده است .

۵- سرمایه های دولت که سابق برین در بانک ملی و شرکتهای غیره داخل بود موافق پروژه مصوبه تماماً جمع آوری و در دافغانستان بانک تمرکز داده و بکار انداخته شده است و حسابات سرمایه های مذکور بامقامات مزبوره تماماً حل و فصل گردیده است .

۶- امور خزانه داری دولت که قبلاً ذریعه خزانه عمومی دولت و به سیستم سابق خزانه داری اجرا میشد تماماً به دافغانستان بانک گرفته شده و داد و گرفت عموم وزارت خانه ها و دواړو دولتی به اصول بانکی اجرا گردیده است .

۷- حسابات جاری دواړو حکومتی و بلدیها وغیره که پیش ازین توسط بانک ملی افغان اجرا میگردد علی العموم به دافغانستان بانک تعلق گرفته و در جریان است .

۸- ذخیره اساسی یعنی پس انداز بانک بر حسب تجاوز مصوبه مقامات ذی صلاحیت بانک تشکیل گردیده است .

۹- پشتوانه بانکونها یعنی ذخیره مسکوکات فلزی طلا و نقره و شمش و اسعار خارجه برای تضمین بانکونها منتشره دافغانستان بانک تشکیل و تهیه شده است .

۱۰- کیشه خرید و فروش طلا که سابق برین در بانک ملی افغان بود به دافغانستان بانک گرفته شده و اجرا آت آن در جریان است .

۱۱- کیشه اسعار خارجه و معاملات اسعاری حکومت که سابق به بانک ملی افغان تعلق داشت به دافغانستان بانک گرفته شده و تماماً معاملات مذکوره ذریعه شعبه ارتباط خارجه در معرض معامله و اجرا است .

۱۲- معامله با بانکهای خارجه: مانند نیشتل سیتی بانک - نیویارک - نیشتل سیتی بانک - میچی - گرندلی بانک - یاشاور - گرندلی بانک - کراچی - دویچه بانک برلین - پس از مساعد ساختن زمینه آغاز شد و حواله جات بانک افغانستان از طرف بانکهای معامله دار قبول و اجرا گردیده است .

بر علاوه با اکثریه از بانکهای معروف دیگر امثال : ویست منستر بانک - لندن - اتومان بانک بغداد - استکهوم انسکیلد بانک - بانک ملی طهران - بانک مصر - کریدیت سویس زوریش - سویت زرلیند - بانک فار فورین ترید روسیه - ماسکو - یو کلوهاما اسپیسیل بانک لمتد - توکیو - بانک ساتر آل دوله ریوبلیک - تورکی - انقره - بانک دوروما وغیره روابط و مناسبات قائم کرده است تا در صورت مساعدت وقت و زمان با آنها نیز داخل معاملات بانکی گردد .

۱۳- اعطای کریدیت یعنی اعتبار به دواړو حکومتی و بلدیها و شرکتهای غیره مطابق پروژه

## داخله وزارت

د داخله وزارت :

وکیل : ع، ج، س، ا، غلام فاروق خان  
 دامنیه رئیس : ع، ش طره باز خان  
 فرقه مشر  
 معین : ع، س عبدالرشید خان  
 دفتیش رئیس : ع، ص عبدالله خان  
 داحصائی رئیس : ع، س عبدالعلی خان  
 دماورینو مدیر : س، محمد حسن خان  
 داورافو مدیر : ع، عطا محمد خان  
 دکسترو ل مدیر : ع، محمد سعید خان  
 داحصائی دریاست

داحصائی مدیر : ع، محمد معصوم خان  
 « دریاست داخدا

عسکر مدیر : ع، شاه جانخان  
 دامنیه ریاست  
 دتشکیلاتو مدیر : ع، محمد اکبر خان  
 : ع، اختر محمد خان  
 : ع، عبدالباقي خان  
 : ع، صالح محمد خان  
 : ع، محمود شاه خان



ع، ج، س، ا، غلام فاروق خان د داخله وزارت وکیل

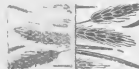
او د قطن او بدخشان تنظیمه رئیس  
 S, Ex. Gholam Farouq Khan  
 Ministre par intérim au  
 ministère de l'intérieur.

دامنیه ریاست دامنیه مدیر

» » داخدا اطلاعات مدیر

دفتیش مدیر

خصوصی سرکاتب



د ملی دوائر و اجرا آت

احصائیه خریداری شر کتھای سهامی در یازده ماهه اول ۱۳۲۰

انواع جنس خرید شده								شر کتھا
پشم گوسفندی	پشم اشتری	قره کلی و دوبر و بغه	پوست بزی و گوسفندی	پسته	پنبه غیر محلوج	تریاک	باقی اشیا	
—	۳۹۵۲	—	—	—	۲۴۱۹۵۰۴۴	—	—	شرکت پخته و » اتحادیه شمالی
۱۴۸۹۹۵	—	۱۲۲۲۸۱	۲۶۴۷	—	—	—	—	» اتحادیه اندخوی
۱۲۰۴۸۲	۷۰۰	۲۲۳۰۴	۲۲۸۵	—	—	—	۷۶۳۲۳	» قناعت تاشقرغان
۳۳۰۰۰۹	—	۳۳۴۹۰	۷۵۰۰	—	—	—	۳۹۹۸۳	» اقدام سرپل
—	—	۱۳۹۰۶	۷۸۲۱	—	—	—	۱۹۱۸	» نهضت
۱۱۲۳۷۸	—	۲۶۰۳۰	۶۱۵۰	—	—	—	۸۵۰۴	» رفعت
—	—	۲۶۹۰۳	—	—	—	—	—	» اخوت
۲۰۱۶۷۹	—	—	—	—	۳۷۷۵۶	—	—	» اتحادیه هرات
۶۴۵۶۸۲	۴۹۹۴	۳۵۳۸۲	۱۵۳	۳۵۶۲۳	—	—	۲۰۴۲۰	» اعتماد بادغیسات
۷۰۲۳۶۳	۴۸۶۷۱	۳۹۸۱۷	—	—	—	—	—	» توفیق
—	—	۳۵۱۸۸	—	—	—	۱۱۷۸۵	—	» تریاک
۴۹۶۳۵۸	۱۰۱۳۶	۴۶۳۹۰	—	—	—	—	—	» توکل
—	۹۴۹۶	۷۱۵۲۴	۱۷۲۴۲	—	—	—	۵۵۸۷۴	» کلیمیان
—	—	—	—	۳۰۱۱۸۸	—	—	—	» خندان
—	—	۹۱۲۸۸۴	—	—	—	—	—	» قره قل
۱۳۱۶۹۰۵	۴۹۳	—	—	—	—	—	—	» وطن
۴۰۷۴۸۵۱	۷۸۴۴۲	۱۳۸۶۰۹۹	۴۵۷۹۸	۳۳۶۸۱۱	۲۴۲۳۲۸۰۰	۱۱۷۸۵	۲۰۳۰۲۲	جمع کل

( پشم و پنبه و تریاک و پسته به کیلو پوست باب جلدانه باقی اشیا به افغانی )

د کابل کالنی

احصائیه صادرات قره قلی افغانستان در سال ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ بطرق امریکا به حساب جلد

تاریخ	۱۳۱۹				۱۳۲۰			
	اصل	دوبر	بغنه	میزان	اصل	دوبر	بغنه	میزان
حمل	—	—	—	—	۴۷۶۴۲	۱۰۱۱۲	۱۷۴	۵۷۹۲۸
ثور	—	—	—	—	—	—	—	—
جوزا	—	—	—	—	۱۰۳۲۲۲	۱۶۲۷۰	۳۷۰۷	۱۲۳۴۹۹
سرطان	۱۳۶۹۷۴	۲۶۴۲۵	۲۱۷۰۶	۱۸۵۱۰۵	۲۳۲۰۲۴	۲۶۱۰۲	۴۰۸۹	۲۶۲۲۱۵
اسد	۳۵۴۲۴	۱۶۲۹۰	۲۷۳۲	۵۴۴۴۶	۱۵۴۲۴۶	۲۲۰۴۴	۳۹۰۲	۱۸۰۱۹۲
سنبله	۱۷۴۸۷۹	۳۷۳۶۴	۸۷۸۳	۲۲۱۰۲۶	۲۰۸۷۹۱	۱۱۲۷۵۵	۱۲۳۲	۳۲۲۷۷۸
میزان	۱۶۰۶۴۶	۳۸۵۹۸	۱۷۴۲۵	۲۱۶۶۶۹	۲۶۷۰۲۸	۶۷۹۸۱	۸۱۴۱	۳۴۳۱۵۰
عقرب	۱۹۰۱۵۵	۵۵۹۶۶	۱۸۱۵۴	۲۶۴۲۷۵	۲۱۷۶۲۸	۱۰۸۱۳۸	۷۶۷۹	۳۳۳۴۴۵
قوس	۱۷۶۷۹۴	۲۰۵۴۸	۳۶۲۰	۲۰۰۹۶۲	۲۲۷۹۲	۳۸۶۰	۸۴۳۲	۳۵۰۸۲
جدی	۵۰۰۸۱	۴۶۶۳۱	۴۱۳۰	۱۰۰۸۴۲	۷۲۵۲۴	۲۶۳۵۶	۱۱۶۴	۱۰۰۰۴۴
دلو	۱۲۴۳۵۰	۳۳۷۴۰	۴۴۷۰	۱۶۲۵۶۰	۳۰۰۶۸	۵۳۱۲۲	۲۱۹۲	۸۵۳۸۲
حوت	۲۰۱۲۸۷	۱۰۱۳۳۵	۲۷۵۱۶	۳۳۰۱۳۸	۲۳۳۵۴	۱۲۵۱۶	۱۸۸۲	۳۷۷۵۲
جمع کل	۱۲۵۰۵۹۰	۳۷۶۸۹۷	۱۰۸۵۳۶	۱۷۳۶۰۲۳	۱۳۷۹۴۱۹	۴۵۹۴۵۶	۴۲۵۹۴	۱۸۸۱۴۶۹

۱۲۰

## اجراآت بانك ملی افغان

در سال ۱۳۲۰ جریان جنگ اروپا نه تنها قطع نگرديد بلكه در آسيا و امر يكا نيز توسعه يافته تقريباً شكل «جنگ بين المللى» را اختيار نمود. - مهمترين تاثير جنگ در اقتصاد و تجارت است چونكه در جنگ طرق مواصلات و رفت و آمد مال التجاره مسدود و ممتنع ميگردد و تاثيرات بدى ازان در اوضاع تجارتي ممالك پديد مى آيد اين تاثيرات بد مانند سال ۱۳۱۹ در طول سال ۱۳۲۰ نيز در اوضاع تجارت و كار و معامله مملكت عايد بوده و از طرف دوائر مر بوطه در جلو گيرى از عواقب سوء آن تاثيرات با اقدامات مقتضيه تشبث شده است از قبيل كنترول نرخ اجناس و لوازم مابه الاحتياج اهالى از بازارهاى داخله و تهيه تسهيلات لازمه در توريد مال التجاره و تشكيل شركتهاى براى اين مقصد و تعيين حد فايده فروش اشياء و كنترول مستقيم بر توزيع و صرف بعضى مواد وغيره. اين اقدامات خوشبختانه تاثيرات مفيده بخشيده و على الرغم مشكلات عايده مردم در تهيه مواد محتاج اليه دچار زحمت و تكليف فوق العاده نشده اند. - بانك ملي كه در تدوير عمليات مالي و تجارت داخله و خارجه و ايجاد صنايع كشور عهده دار رول مهمى است به سهم خود در رفع مشكلات و تهيه و سايل حفظ و ترقي موسسات مر بوطه تا آنجا كه مقتضيات وقت اجازة مبداده مصدر اقداماتى شده است كه بانهايت اختصار در طي مواد ذيل بنظر خوانندگان ميرسانيم :

### در شق صنايع :

- ۱- ترقي و بهبود امور فابريكه قند سازى. چه از حيث تهيه مواد خام و چه بهبود امور ادارى و توليدى امسال محسوس ميباشد چنانچه در مقابل ۱۰۹۱ تن استحصالات سال ۱۳۱۹ در ۱۳۲۰ فابريكه مذكور در حدود ۳۵۸۰ تن شكر توليد كرده و مدت جريان كار آن در مقابل ۱۳ روز سال ۱۳۱۹ در سال ۱۳۲۰ به ۴۴ روز رسيده و از حيث صفات و جنسيت نيز استحصالات آن بهتر شده رفته است.
- ۲- در تكميل فابريكه نساجى پلخمرى با وجود عايد بودن مشكلات زياد موفقيت اطمينان بخشي دست داده دستگاه برق آن كامل بجريان افتاده و بعد از يك جريان مقدماتى و امتحانى از طرف كاركنان شركت نساجى تحويل گرفته شده - نقشه دېك بخار و اردو از روى آن نصب ديگك مذكور در دست اجراست براى تكميل بعضى سامان كمبود ديگر از هندا اقدام و فعلا سامان وارد شده و انتظار ميرود كه در آينده قريب لوازم فابريكه مذكور تكميل ويك قسمت آن بكار آغاز كنند.
- ۳- فابريكه نساجى جبل السراج كه از طرف شركت نساجى خريدارى گرديده اصلاحات مهمى بر اساس سيستم تشبث افرادى دران بعمل آمده توليدات آن نسبت بسابق زياد و محصولات آن در بازار علاقه مندى كامل پيدا كرده ماشينهاى يك نفره آن در سابق هجده متر پارچه توليد ميكرد مگر امروز همان ماشينها ۳۶ الى ۴۲ متر توليد ميكند.
- ۴- دستگاه اكسيجن كه در بار تاسيس شده بيايه تكميل رسيده و فعلا در امور مطلوب مورد استفاده ميباشد.

### امور تجارت :

بواسطه عوارض جنگ و مشكلات حمل و نقل حجم تجارت خارجى ما نسبت بسالهاى گذشته محدود گرديده اما بمقصد جلو گيرى از بعضى جريانات سوء در اوضاع تجارت داخلى و كك بولدني



مواد صادراتی بهدایت ور همنامی حکومت از طرف بانک و شرکت های مربوطه بخریداری یکمقدار کلی اجناس صادراتی اقدام شده این ترتیب در وضع تجارت داخله کشور تاثیر مهم نموده بدست آمدن پول نزد شرکتها و تجاربواسطه اعتبارات بانکی و تحویل آن از راه خرید بولدین اصلی دامنه کنار و فعالیت را در بازارهای داخله برقرار داشته و تاثیرات بدی را که از راه عدم خرید مترتب می آمد بر طرف ساخته است و باید خاطر نشان ساخت که این ترتیب را بانک و شرکتها محض رفع فشار و صدماتیکه ممکن بود از راه عدم خرید بولدین وارد میگردد بهدایت حکومت بهیخواه بعمل آورده اند و خوشبختانه تا کنون درین راه موفقیت و کامیابی مطلوبه دست داده اما آینده آن با طول کشیدن جنگ نا معلوم است و در هر حال غایه و آمال بانک و شرکتهای مربوطه در همه احوال متوجه اینست که تا آنجائیکه ممکن باشد در حفظ اوضاع بکوشند امید است در آینده نیز این منظور را عملی ساخته بتوانند .

وضع بعضی مواد مهمه صادراتی ما بخارج که توسط شرکتها انجام میگردد بقراردیل بوده است .  
۱- پوست قره کلی : چیزیکه قابل توجه است اینست که با وصف مشکلات حمل و نقل تمام پیدوار ۱۳۲۰ که بالغ بر (۱۰۸۸۱۰۴۶۹) جلد میشود تماما حمل امریکا شده اما نرخ فروش نسبت بسال گذشته اندکی تنزل دارد .

۲- پشم : در اواسط سال در اثر مطالبات تجار امریکائی نرخ بازار کراچی ترقی نموده و مقدار پنجم تن پشم با حکومت هند فرار داد و بفروش رسیده - چون تجار هندی فقط پشم رنگه را طالب میباشند یک اندازه پشم سفید قندهاری و هراتی با امریکا حمل شود و جهت فروش پشم رنگه و پاچگی در هند اقدامات بعمل می آید .

۳- پنبه : نرخ پنبه در هند درین سال ترقی زیاد نموده و پنبه افغانی ۷۰ فیصد نسبت بنرخ پنبه درجه اول هندی (پنبه بروج) بلندتر قیمت حاصل کرد . اما بواسطه مشکلات حمل و نقل داخلی مقدار قابل اعتنائی صادر نگردیده و مقدار صادرات پنبه نسبت بسالهای گذشته کسرافاش دارد ..  
۴- پسته : نرخ پسته در زمستان ترقی زیاد نمود مقداری از پسته شرکتهای هراتی در هند بفروش رسید اما اخیراً نرخ تنزل دارد و مقداری پسته با امریکا عرضه و در نظر است که بقیه پسته شرکتهای هراتی با امریکا حمل شود .

۵- تریاک : صد صندوق تریاک هرات با حکومت سنگاپور فروش و در شروع سال تحویل داده شده است اما پس از وقایع شرق اقصی صادرات این جنس معطل است .

### امور بانکی :

تجارت با پول و تداول آن رابطه و پیوستگی تمام دارد بانک ملی در قسمتی عملیات خود با دادن اعتبارات قرضه بتجار و موسسات کمک مهمی در انجام عملیات آن و ترویج بازار تجارت بعمل آورده است اگر احصائیه خریداری شرکتها مطالعه شود دیده میشود که مقدار مهمی از مواد صادراتی بمقصد حفظ اوضاع مالهای صادراتی در بازارهای داخله از طرف شرکتها خریداری گردیده این عمل را موسسات مذکور بواسطه کمک های مالی بانک بعمل آورده اند و برای اینکه خوانندگان محترم متوجه این مطلب شده بتوانند لطفاً جدول قرضه بانک ملی را مطالعه کنند . و برای توضیح سایر عملیات بانک ملی مطالعه جداول آتی کفایت کرده و از تشریح بیشتر ما را مستغنی می سازد .

د ملی دواړو اجراآت

حساب امانت بامفاد دربانك سال ۱۳۲۰							تاریخ
با فغانی							
نماینده گی کابل	نماینده گی قندهار	نماینده گی هرات	نماینده گی مزار شریف	نماینده گی اند خوی	جمع کل		
—	۵۰۳۰۶۹۲	۴۰۰۰۰۰	۱۹۲۳۴۳	—	۵۶۲۳۰۳۵	حمل	
—	۵۱۷۶۷۲۶	۴۰۰۰۰۰	۱۹۲۲۸۳	—	۵۷۶۹۰۰۹	ثور	
—	۷۴۷۹۸۱۳	۴۰۰۰۰۰	۲۵۸۶۱۸	—	۸۱۳۸۴۳۱	جوزا	
—	۸۴۶۲۰۲۸	۴۰۰۰۰۰	۲۵۸۶۱۸	—	۹۱۲۰۶۴۶	سرطان	
—	۸۲۵۹۲۷۹	۴۰۰۰۰۰	۲۶۰۳۵۱	—	۸۹۱۹۶۳۰	اسد	
—	۸۳۴۹۷۷۹	۴۰۰۰۰۰	۲۶۰۳۵۱	—	۹۰۱۰۱۳۰	سنبله	
—	۱۰۰۴۹۷۷۹	۴۰۰۰۰۰	۲۶۰۳۵۱	—	۱۰۷۱۰۱۳۰	میزان	
—	۷۵۶۵۰۵۹	۴۰۰۰۰۰	۲۷۴۶۹۹	—	۸۲۳۹۷۵۸	عقرب	
—	۷۵۶۱۹۶۲	۴۰۰۰۰۰	۳۴۲۴۷۵	—	۸۳۰۴۴۳۷	قوس	
—	۷۶۵۰۲۳۸		۲۷۷۴۷۵	—	۷۹۲۷۷۱۳	جدی	
—	۲۱۷۶۶۶۶۹		۲۷۷۴۷۵	—	۲۲۰۴۴۱۴۴	دلو	
—						حوت	

د کابل کالنی

حساب امانت بدون منفعت در سال ۱۳۲۰							تاریخ
باقعانی							
جمع کل	نمایندگی اند خوی	نمایندگی مزار شریف	نمایندگی هرات	نمایندگی قندهار	نمایندگی کابل	نیاری خانگه	
۲۳۴۴۴۹۰۳	۵۵۷۸۱۰	۱۰۴۷۵۰۶	۱۶۱۲۷۸	۷۴۵۸۳	۲۱۵۷۷۷۳۴	۲۵۹۹۲	حمل
۱۷۴۳۵۶۰۱	۴۹۸۳۶	۱۳۰۸۳۱	۲۰۹۲۰۹۵	۷۶۲۸۳	۱۶۸۴۷۶۶۳	۳۸۸۹۳	ثور
۱۲۴۰۷۷۷۱	۱۰۸۹۰۰	۳۵۹۲۳۶	۱۵۸۶۱۲	۷۲۳۴۴	۱۱۶۷۰۵۷۵	۳۸۱۰۴	جوزا
۱۲۶۵۴۵۶۶	۱۱۰۱۴۸	۲۹۳۰۶۱	۱۳۹۲۱۸	۴۸۷۵۷	۱۲۰۴۶۸۳۸	۱۶۵۴۴	سرطان
۱۵۳۲۲۸۳۲	۱۲۲۹۰۸	۲۸۲۱۳۴	۴۱۴۷۵۴	۹۴۵۳۸	۱۴۳۷۷۷۹۵	۳۰۷۰۳	اسد
۱۵۵۳۹۸۸۱	۱۰۹۶۸۶	۲۲۲۹۲۶	۱۲۱۸۱۴	۱۲۹۳۰۷	۱۴۹۰۵۴۴۵	۵۰۷۰۳	سنبله
۱۵۷۹۵۱۵۰	۱۱۶۳۳۹	۱۱۲۹۱۶	۱۲۵۹۴۴	۱۵۳۴۲۹	۱۵۲۷۵۶۱۹	۱۰۹۰۳	میزان
۱۸۲۲۰۹۸۸	۱۰۸۴۴۴	۱۱۳۲۷۸	۱۲۱۵۴۰	۷۴۷۴۴۵	۱۷۱۰۳۹۹۷	۲۶۲۸۴	عقرب
۲۱۳۴۴۱۸۸	۱۲۶۰۷۰	۱۱۸۲۹۶	۱۲۸۳۱۲	۱۸۷۸۸۲۹	۱۹۰۲۹۷۹۷	۶۲۸۸۴	قوس
۱۹۰۵۶۱۸۹	۱۴۵۷۰۷	۱۲۱۳۷۳	۱۷۷۶۴۲	۱۱۸۲۹۳۴	۱۷۳۴۱۳۲۴	۸۷۲۰۹	جدی
۱۷۷۸۰۵۷۷	۱۱۴۱۵۹	۱۲۲۶۸۴	۱۳۵۶۹۳	۵۲۹۷۵۹	۱۶۸۱۵۵۷۳	۶۲۷۰۹	دلو
							حوت

د ملی دواړو اجراآت

حساب جاری بانک ملی افغان در سال ۱۳۲۰ به تفريق نماينده گي ها با افغاني							تاريخ
نماينده گي کابل	نماينده گي قندهار	نماينده گي هرات	نماينده گي نن اشریف	نماينده گي اندخوی	جمع کل	نباري خانگه	
۶۰۰۴۳۰۹۴	۳۹۳۴۸۹۵	۲۸۷۱۸۱۳	۱۰۷۳۵۷۵۳	۲۶۴۶۹۰۱	۸۰۷۵۰۰۳۲	۵۱۷۵۷۶	حمل
۵۵۲۰۷۷۲۱	۱۷۷۹۰۱۴	۲۹۶۱۵۰۹	۵۱۶۰۴۲۸	۵۱۳۱۲۹۱	۷۰۸۱۳۸۶۶	۵۷۳۹۰۳	ثور
۶۶۸۷۳۳۹۲	۱۶۷۵۰۴۲	۳۱۴۲۵۶۷	۴۵۲۸۷۰۷	۱۹۲۶۷۸۹	۷۸۹۰۸۱۵۳	۷۶۱۶۵۶	جوزا
۸۸۳۵۶۷۸۱	۵۵۳۹۴۱۵	۴۸۲۹۰۲۴	۷۹۵۶۴۱۰	۱۹۲۳۶۶۳	۱۰۹۲۶۳۸۸۶	۶۵۸۵۹۳	سرطان
۱۰۶۷۷۳۰۴۸	۳۶۶۱۲۴۸	۳۷۹۵۲۰۹	۴۰۵۱۶۱۷	۴۱۸۸۱۰۸	۱۲۳۰۲۷۳۹۵	۵۵۸۱۶۵	اسد
۱۰۴۰۲۷۶۲۹	۲۰۲۶۳۸۷	۴۳۳۱۵۱۱	۴۳۳۸۵۸۷	۵۳۱۵۵۹۴	۱۲۰۵۲۶۶۱۴	۴۸۶۹۰۶	سنبله
۱۰۰۸۴۲۶۰۱	۱۸۲۱۴۲۸	۳۰۵۷۸۳۵	۲۹۲۳۰۲۳	۱۹۱۴۶۷۲	۱۱۱۰۷۴۹۴۲	۵۱۵۳۸۳	ميزان
۹۹۰۲۲۹۵۰	۳۰۰۸۶۲۶	۳۲۷۵۵۳۴	۳۵۴۱۵۷۱	۱۱۶۷۰۲۷	۱۱۰۴۲۹۷۱۸	۴۱۴۰۱۰	عقرب
۱۲۱۹۰۵۲۸۲	۳۴۳۹۳۹۹	۲۳۵۶۷۶۴	۳۱۰۸۳۹۳	۱۰۰۵۷۳۹	۱۲۲۳۹۲۰۳۹	۵۷۶۴۶۲	قوس
۹۸۳۰۶۷۰۰	۲۶۹۵۶۴۲	۲۲۰۸۶۲۴	۲۲۲۱۸۶۳	۱۴۰۰۱۵۳	۱۰۷۳۱۴۱۸۵	۴۸۱۲۰۳	جدي
۵۴۳۷۴۴۵۸	۳۲۴۶۹۲۷	۱۸۳۸۳۹۶	۴۰۶۴۴۲۶	۱۶۶۷۰۶۹	۶۵۶۵۴۳۵۲	۴۶۳۰۷۶	دلو
							حوت

د کابل کالنی

میزان قرضه داده گي بانک در هر ماه سال ۱۳۲۰ با فغانی						تاریخ
جمع کل	نماینده گي قندهار	نماینده گي انډ خوی	نماینده گي هرات	نماینده گي مزار شریف	نماینده گي کابل	
۱۲۱۷۲۱۷۵	۱۷۷۶	۳۶۱۳	۲۲۳۴۹۳	۴۶۵۹	۱۱۹۳۸۶۳۴	حمل
۵۸۰۱۶۲۵	۱۲۹۵	۲۳۷۳	۱۳۹۶۳	۲۰۳۷۱۱	۵۵۸۰۴۸۳	ثور
۲۳۵۸۰۷۴۹	۷۳۶	۲۱۱	۹۸۴۱	۱۳۳۱۰	۲۳۵۵۶۶۵۱	جوزا
۷۹۴۲۴۵۹	۷۸۰	۲۶۰	۲۰۲۴	۴۰۱	۷۹۳۸۹۹۴	سرطان
۱۶۳۰۲۷۴۲	۲۰۰۵	۸۰۹۰	۲۰۱۸۷۶	۲۴۷	۱۶۰۹۷۸۰۵	اسد
۵۸۸۰۶۱۳۷	۹۴۸	۷۰۹	۱۵۲۴۴۰	۳۰۲	۵۸۶۵۱۷۳۸	سنبله
۳۲۷۴۸۶۷	۵۵۶	۱۹۹	۹۳۷	۱۲۹۹	۳۲۷۱۸۷۶	میزان
۱۷۵۴۳۵۵۶	۹۹۹۰۵۲	۲۲۱	۳۵۵۶۶۰	۳۸	۱۶۱۸۸۵۸۵	عقرب
۵۰۰۴۸۹۵	۸۷۵	۷۹۹	۴۲۵	۲۳۳۸	۵۰۰۰۴۵۸	قوس
۳۵۷۹۱۲۸	۹۹۰	۱۰۰	۲۸۹	۲۶۸	۳۵۷۷۴۸۱	جدی
۶۶۳۹۶۱۴	۶۸۸	—	۱۹۱	۳۰۰۰۰	۶۶۰۸۷۳۵	دلو
						حوت

بانک بغرض توسعه امور صنعت و تجارت و زراعت و عمرانات و غیره فوائد عمومیہ بعمل آمده است .  
 ۱۴- اشتراک به شرکتہای تجارتی و صنعتی و غیره و خریداری اسہام شرکتہای موصوفہ  
 برای پیشرفت امور اقتصادی مملکت و تقویہ سرمایہ های ملی بہ پیمانہ لازم بعمل آمده است .  
 ۱۵- طبع و انتشار بانکنوت های جدید از قسم ۵ و ۱۰ و ۲۰ و ۵۰ و ۱۰۰ و ۵۰۰ - افغانیکی  
 بیکتعداد مکفی و متناسب با پشتوانہ اصولی از طرف دافغانستان بانک بعمل آورده شدہ است .  
 ۱۶- جمع آوری نوٹهای مندرس تاحدی کہ ممکن بودہ و از طرف کمیسیون معینہ بتصدیق  
 رسیدہ است .

۱۷- جمع آوری و خریداری بیکتعداد کتب مطبوعہ بانکی و اقتصادی برای تشکیل یک کتاب  
 خانہ چہتہ مطالعہ و استفادہ مامورین بانک کہ در آیندہ بتعداد کتب آن افزودہ میشود .

این بود عمدہ اجراءات دافغانستان بانک کہ تا اخیر سال ۱۳۲۰ بعمل آمده و بصورت ایجاز  
 و اختصار در صفحات فوق نگاشته آمد و بواسطہ ضیق صفحات از تفصیلات مزید در فقرات مذکورہ  
 و اجراءات دیگر کہ در رای تاسیس و پیشرفت همچو یک موسسہ و جریان امور آن بر مدار مجرای  
 صحیح و اساسی اش دخل و تاثیر داشتہ صرف نظر گردید .



### تشکیلات دافغانستان بانک :



- |                     |                           |                    |
|---------------------|---------------------------|--------------------|
| رئیس :              | ع ، ج ، س ، ع             | عبدالجید خان       |
| وزیر اقتصادی ملی :  |                           |                    |
| کفیل رئیس :         | ع ، ص                     | سردار محمد عمر خان |
| معاون اول :         | کمبود . . . . .           |                    |
| » دوم :             | » . . . . .               |                    |
| مدیر عمومی محاسبہ : | ع ، میرزا محمد علی خان    |                    |
| خزانہ دار کل :      | » ، نظر محمد خان          |                    |
| مدیر عمومی :        |                           |                    |
| خزائن و ارتباط :    | حبيب الله خان             |                    |
| مدیر مامورین :      | س ، سید اسحق خان (بری)    |                    |
| مدیر تحریرات :      |                           |                    |
| وقلم مخصوص :        | » ، محمد حیدر خان (نیسان) |                    |
| مدیر خزانه :        | » ، حبيب الله خان (فرح)   |                    |

ع ، ص سردار محمد عمر خان کفیل بانک

# محدو حین شاهنامه ها

یا

## شاهن اولیه آریانا

احمد علی «کنزاد»

شعرا عموماً در يك نقطه به مورخین و تاریخ كك شایانی نموده اند و آن عبارت از تذكار نام شاهان وقت در قصیده ها و نشیده های آنها است. اگر چه در يك دوره معین این كار مخصوص شعرا ی قصیده سرا بود و شاعر در انشای قصیده بیشتر چشم امید به صلت شاه داشت ولی در عین زمان این طور هم بود که شاه با احتیاجی که در بلند بردن شهرت و نام و نشان خود داشت شاعر تربیه میکرد، شاعر سراغ می نمود و برجسته ترین آنها را به دور خود جمع میکرد. خلاصه دوره های تاریخ از قدیم ترین زمانه ها باینطرف نشان میدهد که در همه جا و هر کشوری شاه و شاعر علی العموم بهم رابطه داشته و حتی محرم راز یکه یگر بودند یکی جلال و عظمت و کشور گیری را دوست داشت و دیگری برعالم سخن و قلم رو دل حکمران ها میگرد، یکی شمشیر بران داشت و دیگری زبان تیز. در جنگ یکی فتح میکرد و دیگری ستایش می نمود. در صلح هر دو زانو به زانو در مجلس طرب نشسته و شاعر سحر کار با اشعار و رنگین خود افکار و احساسات رفیق مقتدر خود را در عالمی که دلش میخواست سیر میداد و او را ساعتی مشغول و مسرور میساخت.



گفتیم شاه و شاعر همیشه و همه وقت و همه جا بهم رابطه داشتند تذكار نام شاه و كار نامه های بلند و مخصوصاً مظاهرات فتح و فیر و زی او كار شرق و منحصر به قصیده های عربی و فارسی نیست. شاید در زبان های عربی و فارسی این مطلب در قالب قصیده گنجانیده شده باشد ولی اصل مقصد که عبارت از تذكار نام شاه و مختصر کار های او میباشد چیزی است که از قدیم ترین زمانه ها فرد همه مال دیده شده و شعرا به اسم و رسم مختلف و قالب های جدا گانه سخن، این مرام را عملی کرده اند.

شعرا و شعر و ارتباط شاه با شاعر نزد کتله آریائی اهمیت خاصی داشت تا جائی که ملومات امروزی کمک میکنند و تاحدی که نمونۀ کلام قدیم این توده بشر بدست رسیده

واضح معلوم ميشود که «شعراى اريائي» يا «ريشي‌ها» چه رول بزرگى در راه بلند بردن نام و شهرت شاهان معاصر خود بازي کرده‌اند ختي بدون مبالغه ميتوان گفت که در اثر مساعى و قدرت کلام خود نه تنها براى شهرت و زنده نگه داشتن نام و نشان شاهان معاصر خود خدمت کردند بلکه روى هم رفته تمام تاريخ ملي و قومى خود را با تمام عنفات و اختصاصات و احساسات چون تابلوئى رسم کردند که امروز يکدسته علماء مشغول مطالعات آن اند و هر يک در دائره صلاحيت و اختصاص خود ازان بهره اندوز ميگردند. مقصود از ذکر اين مطلب اين است که «شاعر» در کتله اريائي از قديم ترين زمانه ئى که سراغ داريم با ينطرف در روشن کردن نام شاهان و کارنامه هاى آنها مقام بزرگى گرفته و مراتب سهم شعراء در ين راه در افغانستان و جنبش ها ئيکه ازان براى اعتلاى قوم و مات در نظر داشتند چيزى است که در قسمت هاى بعد مقاله شرح داده شده است.



در دوره تاريخ اولى زمانه هاى اسلامى افغانستان يکى دو قرنى است که در آن بعثتي که چند مرتبه در روزگار پيشين اين سرزمين هم تکرار شده شعرا نه تنها به انشای قصيده ها اکتفا کرده اند بلکه آثار منظوم مستقلى بپايان آورده اند که موضوع آن روشن کردن نام شاهان و پهلوانان سلف بوده و معمولاً بنام شاهنامه ها ياد شده اند. مسلم است که دقيقى بلخى اولين کسى است که در ين راه قدم برداشته و يکعه علماء و شعراى بلخ و طوس او را تعقيب کرده اند معذالك مقصود اصلى من در اينجا شرح اين مطلب نيست بلکه بصورت عمومى ميخواهم به اين به يردا زم که مقصد از ين شاهنامه نو يسى ها چه بود؟ چرا يکعه فضلا و دانشمندان بزرگ بلخ و سائر نقاط خراسان در صدد تصنيف شاهنامه ها و کشتاسب نامه ها بر آمدند؟ چرا ياد شاهان و وزراء و يکعه دانشمندان و شعراى زير دست عصر دست بهم داده و بهر وسيله و قيمتى که امکان داشت به ظهور چنين آثاري ميکو شيدند و سؤال از همه بزرگتر که روح اين مقاله را تشکيل ميدهد اين است که اين ياد شاهان که بودند؟ محض مد و حيني بودند که شعرا براى بدست آوردن صله به وصف و تمجيد آنها بريکديگر سبقت ميکردند يا چيز ديگر؟ اين سؤالات يک سلسله جوابي ميخواهد که همه آن از توضيح و ضعيت ادارى - سياسى - تاريخى - جغرافيايى سالهاى بين ۱۳۰۰ و ۹۰۰ پيش مملکت ما بدست مى آيد.

داخل جزئيات نميشوم، مسايل زياد و جواب آنها متعدد است و با اهميتى که دارد هر کدام درخور مقاله جدا گانه و مستقل است. در حدود تهپيدى که گذاشته ام بعرض ميرسانم:

بعد از ينکه دين مقدس اسلام در افغانستان يا خراسان اين زمان انتشار يافت مملکت نظر به وضعيت جغرافيايى و مشکلات نقاط خود چيزى آزاد و چيزى بدست حکمرانان خلفاى اموى



اداره میشد. دین مقدس اسلام با خصوصیات فطری و مزایای طبیعی که داشت به طیب خاطر طرف قبول و پسند عامه مردم واقع شد ولی چون اهالی این سامان به آزادی و استقلال کشور خویش علاقه مند بودند میخواستند بر طبق فرمایشات دین اسلام و عنعنات قومی خود مسلمان آزاد و مستقل باشند ازین رو اولین هنگامه آزادی از گوشه شمال غرب خراسان از حوضه مرجیان و هری رود شروع شد با جنبش ابومسلم و کومک های اهالی خراسان حکومت به خاندان عباسی منتقل گردید و یکی از کهن ترین خانواده های با علم و فضل باختر خانواده کسری محمد «نیو و بهارای» بلخ موبد بود بر سر اقتدار آمد و در دربار خلفای عباسی به مقام وزارت رسید. روز، کار خراسانی ها بالا گرفت و مناصب عمده حتی حکومت ولایت های بزرگ بدست ایشان افتاد ولی چون مقصد اساسی ایشان حکومت بر ولایات و احراز مقام و مناصب عالی نبود و میخواستند کشور خود را آزاد سازند از راه نفوذ و اقتدار به تشکیل سلطنت های مستقل پرداختند از ان جمله است طاهری ها - صفاری ها - سامانی ها در نقاط مختلفه خراسان.

تشکیل حکومت آزاد و احراز استقلال کشور کارزعمای ملی و مردان سیاسی ما بود که به بهترین وجهی آزادی آن برآمدند ولی دانشمندان و اهل فضل تنها احراز حکومت را برای استواری بنیان حیات ملی کافی نمی دانستند ایشان میخواستند با افکار دوران پیش، قریحه توانا و قلم رسای خویش بنیاد حیات و تریب ملی را طوری محکم کنند که در مرور زمان از هر گونه گزند مصون باشد حتی میتوان گفت که این گونه افکار دانشمندان سبب شد تا حکومت های که ذکر کردیم بمیان آید بهر حال این مرام از مدتی در دل ها نهفته بود تا دوره علم پروری خاندان منور سامانی رسید و زمینه برای پرورش چنین امیدی از هر حیث مستعد شد. پادشاه - وزیر - حکومت - محیط موافق افتاد و خصوصاً در بار احمد بن اسمعیل و نصر بن احمد و نوح بن نصر که رویهمرفته سال های بین ۲۹۵ - ۳۴۳ هجری را در بر میگردد مساعداًترین همه زمانه ها بود. یکصد و دانشمندان و گویندگان بزرگ از نقاط مختلف خراسان قدامت کرده و درین زمینه قلم برداشتند ولی باز مرکز این همه احساسات وطن خواهی، مبدء جنبش روحیات ملی و کانون پرورش افکار شاه دوستی و محل احیای نام و نشان شاهان بزرگ، سرزمین مردم خیز «باختر» بود که اولین پایتخت، اولین کانون مدنیت، اولین رهايشگاه نسل و نژاد ما و شاهان بزرگ ما بشمار میرود درین جنبش وطن خواهی و زنده کردن نام و عظمت باستانی، دانشمندان بلخی از همه بیشتر سهم گرفتند و گویندگان زبردست و نامی ما بهترین دوائی برای این منظور ملی تجدید نام و نشان و تذکار کارنامه های پادشاهان مقتدر و با عظمت مایه دانسته و باتشویقاتی که از طرف شاهان و وزرای

وقت بعمل می آمد ابوعلی بلخی، ابوالموید بلخی - ابومنصور محمد دقیقی بلخی - ابوشکور بلخی و یکمده فضلا و دانشمندان دیگر بلخ در راه فراهم آوردن مبلدی این امر بزرگ، اقدامات اساسی نموده تهداب هتینی گذاشتند و راه را برای آیندگان باز کردند .

این استادان دانشمند باختر که بعلاوه قریحه شاعری جنبه علم و فلسفه و حکمت و دانش هر کدام آن بمراتب بزرگ است بنظر من پهلوهایی مقایسه با ( ریشی ها ) یعنی شعرای عصر «ویدی» و گویندگان دوره اوستائی دارند .

پادشاهانی که مصنفین شاهنامه ها، نامه های خسروان، کشتاسب نامه ها و گرشاسب نامه ها میخواستند، نام و عظمت دیرینه آنها را تازه کنند معاصرین و بامتقدمین قریب آنها مثل شاهان سلاله طاهری و صفاری و سامانی و غزنوی نیست البته بمدوحینی داشتند و بیشتر سامانی ها و مخصوصاً پادشاهانی که نام گرفتیم در صف بمدوحین قرار گرفته اند ولی بمدوحین مذکور پهلوانان این شاهنامه ها نیستند و این همه شاهنامه ها برای تذکار نام و کار روایی های آنها تصنیف نشده بلکه خود آنها و وسایل شاهانه شان و شعرا و دانشمندان وقت شان برای مطلب واحدی همدست شده بودند که عبارت از زنده کردن نام و مفاخر تاریخی قدیمترین سلاله های شاهی آریانای قدیم بود .

فراموش نباید کرد که جنبش قرن چهارم هجری در زنده کردن نام شاهان قدیم کشور و کارنامه های با افتخار آنها در تاریخ قدیم افغانستان بی سابقه نیست کار مصنفین شاهنامه ها در مملکت ماچندین مرتبه تکرار شده و هدف آن همیشه یک چیز بوده .

بیشتر اشاره نمودم که به پیش من مصنفین باختری شاهنامه ها عیناً مقام ( ریشی ها ) یعنی شعرای عصر ویدی و اوستائی را مالک اند همین طور که ایشان در قرن چهارم هجری برای اصلاح جامعه و وحدت قوم و تنبیه روح ملی به زنده کردن نام نیاکان بزرگ و ترویج مبادی اخلاق و فلسفه و حکمت پرداختند عیناً نظیر این کار مقارن هزار سال ق م بدست شعرا و علمای عصر اوستائی صورت گرفت . وضعیت سیاسی و اداری و مدنی آنوقت مانند قرن چهارم متقاضی بود که روحیات ملی و قومی تقویت شود و وسیله آن یاد آوری خاطره های قدیمی و تذکار کارنامه های پادشاهان بزرگ این سرزمین بود که خوشبختانه اوستا تبلوی صحیحی از ان بدست میدهد ازین پیشترین ۱۹۰۰ و ۱۴۰۰ ق م در یک دوره دیگر تاریخ مملکت که آنرا عصر ویدی گویند عین همین رویه بار دیگر تکرار شده و یکدفعه دیگر «ریشی های» دانای این خطه درین راه قدم برداشته اند و با عبارت دیگر از زمان باستان اگر بگیریم باراولی است که ریشی ها برای جاوید ساختن نام پادشاهان بزرگ ها صرف مساعی نموده اند .

این سه دوره در تاریخ کشور ما سه دوره جنبش است که هدف آن اصلاح اخلاق، تحکیم روحیات

ملی ، تقویه مفکوره شاه دوستی واحترام پادشاهان بزرگ ما است هر سه دفعه نتایج مطلوب بدست آمده وبهمین رویه فرخنده بود که خاطره های قدیم چندین هزار ساله بکلی محو نشد وزمزمه که از حنجره پدران ما بر خواسته بود دهن به دهن بگوش ما رسید .

### پیشدادی و کیان :

در میان خوانند گان کمتر کسی خواهد بود که این دو اسم ونام شاهان این دو خاندان را نشنیده باشند این مسئله از بس به گوشها اشنا وبماندیک است در خاطره ها دچار هرج ومرج شده وحتى اشخاص دانسته هم در تشخیص آنها دچار اشتباه میشوند .

اغیار همان طوریکه در سایر قسمت های تاریخ ما قلم فرسائی کرده و هر چه دلشان بخواهد به منافع خود تمام میکنند درین زمینه هم از صرف مساعی خود داری نکرده مقاله ، رساله ، و کتاب های مخصوص ومستقلی درین مورد نوشته و در صدد برآمده اند بهر وسیله واختراعی که میشود برای دودمان پیشدادی و کیانی هم در خاک های خود جایی و از میان اسلاف خود اشخاصی تهیه نمایند واگر هیچ نمیشود افلا کارنامه های انها را گرفته وبه دیگران پیوند زنند ولی چون در اصل مورد صحیح دودمان پیشدادی و کیانی آثار بزرگی مانند سرودهای ویدو اوستا در دست است ونام ونشان و کارنامه هایی اشخاصی را که انها وارد میدان میکنند در کتیبه های خودشان وملل سامی مخصوصاً اشوری ها ذکر است عاجز میمانند و این مطلب به مرام شان برآورده نمیشود .

باشاهنامه خوانی و خصوصاً تعبیر آن بصورت غلط و نداشتن تطبیق صحنه و پهلوانان حقیقی آن از یکطرف و نگارشات بر غلط از طرف دیگر اشتباه بزرگی در اذهان تولید شد که کیانی را عبارت از (هخامنشی فارسی) دانند وبیشدادی را که از روی تر تیب پیش از کیانی وجود داشت به خاندانی پیش از هخامنشی فارسی در فارس دهند و چون تا همین اواخر نمیدانستند که پیش از هخامنشی که سلطنت کرده است وحتى اوایل خود هخامنشی نزدشان تاریک بود مردم مانده بودند و اینجا است که ما شین اختراع بند میشود. میتوانستند بگویند پیشدادیان شاهان «ماد» اند ولی افلا یک دفعه احتیاط میکنند وجلو اختراع را طرف دیگر دور داده میگویند پیشدادی دودمان خیلی قدیمی است که پیش از جدائی اریائی ها و رفتن انها به هند و ایران بر کتله مشترک اریائی سلطنت داشتند ، درست ومعقول ولی در کجا؟ اینجا باز سکوت میکنند زیرا به نقض شان تمام میشود وگرنه این مسئله مانند افتاب روشن است که کتله اریائی پیش از مهاجرت بعضی قبایل شان به هند وفارس در باختر حیات بسر میبردند و ازین چشمه فیض ومد نیت بهره میگرفتند . این مسائل دنباله طولانی دارد اساس ان ذکر شد مبرویم به مطلب :

پیشدادی نام دودمان اولین سلسله یاد شاهان باختر است که در حوالی ۵ هزار سال قبل از امروز بار اول درفش شاهنشاهی اریائی را در « بخدیم سریرام » بلند کرده و پیش ازینکه

بعضی قبایل آن بفرض مهاجرت بهند و فارس از کانون مدنی باختر کوچ کنند بر تمام شان حکومت داشتند.

خود اسم پیشدادی واضع مېسازد. که شاهان این دودمان اولین کسانی اند که بنای داد و عدل و انصاف و حکومت و پادشاهی و مدنیت را گذاشته اند. در جنبش قرن چهارم هجری ایشان را بنام پیشدادی ذکر کرده اند و این اسم هو به هو ترجمه تحت اللفظی نام قدیم عصر اوستای (پاراداتا) است که مرکب از دو کلمه (پارا) و (دات) میباشد. «پارا» به معنی «پیش» و «داتا» یا «دات» خود کلمه «داد» است بناء علیه دودمان (پاراداتا) اوستایی همین پیشدایان یا اولین پادشاهان آریائی باختراند که اوستا از بیرق های بلند آنها تذکره میدهد و تذکره کار ایشان را در سرود های ویدی هم بیان میکنیم:

موسس این خاندان بزرگ یا کسی که بار اول بیرق حاکمیت و سلطنت و مدنیت آریائی را در «باختر زیبا» بلند میکند با شهادت و اتفاق منابع سه دوره که ذکر شد یا ما - جم و جمشید است «یا ما» در سرود های ویدی - «یا» در نص اوستا - جم و جمشید در شاهنامه های قرن چهارم هجری که همه اش همان یک نام قدیم چندین هزار ساله است که قرار اصول صوتی و تحولات فقه اللفظ در هر عصر جزئی تغییری کرده و اساس آن یک نگاه شناخته میشود.

من در اینجا به نظریات پاره کسان که موسس سلسله پیشدادی کیومرث و یا هوشنگ و یا کس دیگر را تصور کرده اند کاری ندارم و به تشریح وردان در اینجا پرداخته نمیتوانم سخن دراز میشود و از مطلب دور میشویم.

حالا که سر رشته بدست آمد و معلوم شد به ماخذ قدیم و معتبری که در باب پیشدادی و کیان سخن ها گفته اند مراجعه میکنم:

سرود های ریگ وید و اوستا راجع به دودمان پیشدادی و کیان توافق نظر کامل دارند منتهی اولی که ازان زمانه های بیشتری گذشته و یک حصه بزرگ و اصلی آن که امروز سرود های مجهول میخوانیم محو شده و بدست نرسیده با لنسبه کمتر و دومی که عبارت از متن اوستا باشد مفصل تر صحبت میکند.

«یا ما» اولین پادشاه بزرگ ماست. بعد از اینکه از طرف قوم ونجیا به پادشاهی انتخاب شد اولین کار او بنای شهر بزرگ و مستحکم بود که از پایتخت خود ساخت و اسمش را «بخدی» گذاشت. بخدی اولین پایتخت پادشاهان بزرگ ما شهری بود مربع که هر ضلع ان برابر یک دوش اسب طول داشت. دورادور شهر حصار بود ضخیم و بلند با برج های متعدد. قلعه یا ارگ شاهی در وسط شهر افتاده و بیرق های بلند آن از فاصله های بسیار دور معلوم میشد این شهر خیلی فشنگ و دارای عظمت و جلال مخصوصی بود چنانچه اوستا همه عظمت و زیائی آنرا به

جمله (بخدی زیبادارای بیرق های بلند) خلاصه میکند .

یامادشاه يك عصاداشت و يك گاو اهن طلائی یکی علامه سلطنت او بود ، و بادگیری مردم را به کشت و کار و زراعت ترغیب میکرد « یاما » حا کیمیت و نفوذ خود را به تدریج و سعت داده و دایره قلمرو سلطنت خود را خیلی ها فراخ ساخت .

یامانه تنها شاه دبالکه مانند يك رهنما و مربی بزرگ راهای نوزند گانی را برای رعیت خود باز کرد . اصول زراعت ، بافتن پارچه - ساختن عمارت - استعمال فلزات استخراج عطر و خوشبوئی ها ساختن دواهای عقاقیری ، تشکیل اردو - استعمال اسلحه - و بسیار چیزهای دیگر را به جامعه باختری آورد روز جشن اول سال از یاد گارهای عصر درخشان اوست .

آنچه که دوره سلطنت یامادشاه را اختصاص می بخشد امن و امنیت کامله ، خوشی و مسرت اهالی فراوانی ، خوشبختی و سعادت است که از پرتو افکار او نصیب جامعه باختری شده بود و این خوشبختی در سرودهای ریگ وید بقدری تاثیر انداخته که سرزمین یامارا فردوس خوانده اند .

بعد از یاما يك سلسله پادشاهان دیگری در بخدی به سلطنت رسیده اند که معروفترین آنها « تریتون » پسر « اتویا » است که در افسانه های تازه تر از تریтона ( قریدون ) و از ( اتویا ) Abtin پسر جمشید ساخته اند . در اوستا مقابله « تری تونا » با « ازهی داهاکا » شرح یافته و این « ازهی داهاکا » همان ضحاک است که همه قصه های او را شنیده ایم .

بعد از این پادشاه « تری تا » - ایریو - مانوچیترا می آید که اصطلاحات افسانه های جدید ازان تور - وایرج و منوچهر ساخته است و بواسطه کمی وقت و عدم گنایش مقاله از ذکر معلومات مزید درین زمینه صرف نظر میکنم .

### کیانی :

مانند پیشدادی « کیانی » هم یکی از خاندان های سلطنتی باختر است که اصلاً یکی از خانواده های نجیب بخدی بوده و بادودمان پیشدادی ارتباط و قرابت نزدیک داشت و بعد از منوچیترا آخرین شاه پیشدادی ، در بلخ به سلطنت رسیده اند . در باب کیانی هم منابع سه گانه فوق یعنی دانشمندان قرن چهارم هجری و اوستا و « ودا » یکسان و يك زبان شهادت میدهند . این دودمان یادومین خانواده سلطنتی باختر در تذکرات نویسندگان و شعرای قرن چهارم هجری کی و کیانی - در اوستا ( کاوه ) یا ( کوا ) و در سرود های ریگ وید ( کاوی ) یا ( کوی ) یاد شده و قدیم ترین شکل و تلفظ آن بهمین صورت اخیر است که معنی آن ( دانا ) و ( پیشوا ) است همان طوریکه پادشاهان اولین خانواده سلطنتی باختر به صفت پادشاهان داد گستر و عادل و اولین بانی عدالت و انصاف یاد شده اند پادشاهان دومین خوانده سلطنتی ما را قدیم ترین ماخذ آریائی به صفت دانا و پیشوا اسم برده اند و این پادشاهان را میتوان پیشوای قوم و دودمان دانا و فرزانه

خواند . چون آخرین صورت کلمه (کی) و اشکال آن در دوره های مختلف بعرض رسانیده شد گمان میکنم لزومی ندارد که در اینجا موضوع تغییرات کلمه من حیث صوت و منتهی شدن آن به شکل کیانی مورد بحث قرار گیرد .

### کی قباد - کی کوات - کوا کواتا :

به شهادت منابع سه گانه فوق موسس خاندان کیان ( کی قباد ) ( کی کوات ) و ( کوا کواتا ) است این اسم مرکب از دو حصه است یکی ( کی ) و دیگری ( قباد ) . کی همان صفت خانوادگی یا بهتر بگویم اسم خانوادگی است که بدان اشاره شد و قباد اسم خاص موسس این دودمان است که مطابق اصول صوتی (ك) قدیم آن به (ق) (و) به (ب) (و) (ت) به (د) تبدیل یافته و (کوات) (قباد) گردیده است و ترجمه اسم او (قباد دانا) میشود . کواتا پیش ازینکه به سلطنت رسید با خانواده خویش در دامنه های کوه البرز که بجنوب بخدی افتاده زندگانی میکرد و زمین کشتندی ورمه های گاو و گوسفند زیاد داشت و چون خودش شخصاً به تربیه حیوانات و مالداری شوق زیاد داشت روزها با چوپان های خویش ورمه های حیوانات به دامنه های کوه ها بالا میشد و در حالیکه چوپان های جوان ویر برای اوتوله میزدند و میخواندند از قله های کوهها زمین های سبز اطراف بخدی و دیوارها و برج های کهن و بیرق های بلند شاهی را تماشا میکرد روزی از روزها بالای سنگی نشسته و چریدن گوسفندان خود را نگاه میکرد، ناگاه دره وادوبازی سفیدی را دید که چرخ زده بطرف او فرودمی آیند تا اینکه آهسته آهسته نزدیک رسیده و تاج طلایی را که درنول خود گرفته بودند بر سر او نهاده و پس به هوا پرواز کردند، کواتا از این پیش آمد درهراس بود ولی چوپان ها گرد او جمع شده و پادشاهی را به او تبریک گفتند و به این ترتیب کواتا بر تخت نشست .

کواتا پادشاه دانا ملاند یا ما پادشاه درخشان مرد خوش خلق و رعیت پرور بود و مانند پادشاهان پیشد او بنای عدل و داد کمتری را نهاد و با اداره صحیح خود مملکت را آباد ساخت .

کواتا پادشاه بامردمان بیگانه ماورای امو که آنهارا (توریا) میگفتند مقابله ها کرد زیر ایشان میخواستند که به خاک ما تهاجم کنند و در نتیجه کاری از دست آنها ساخته نشد . پادشاه شان «فراکراسیانا» یا (افراسیاب) با سپاه خودشکت خورد و عقب نشینی اختیار کرد .

### کی کاوس - کاوه یوسا - کاوی یوسانا

بعد از وفات (کواتا) پسرش «یوسا» بر تخت (بخدی) نشست . اسم او در نگارشات

واشعار دانشمندان و شعرای قرن چهارم هجری کاوس - دراوستا (یوسا) و در سرود های ریگ وید (یوسانا) تلفظ شد - و هر سه منبع متفق اند ، وی ، پسر و جانشین (کواتا) میا شد (یوسا) جوان بسیار مقبول و شجاع و دلاور بود و پیش از اینکه به پادشاهی رسد به سوار کاری و نبرد شوق زیاد داشت چون کارهای داخلی کشور قرار سیاست متین و اداره سنجیده پدر او به بهترین نهجی پیش میرفت « کاوه یوسا » پادشاه ، در زمان خود مناسب دید که به بعضی کارهای خارجی توجه کند و بعضی دشمنان بیگانه را گوشمالی دهد . به این مقصد پهلوانان و لشکر زیاد با خود گرفته بطرف غرب آریانا روان شده و در جنگل های مازندران دشمنان را سر زنی کرد . چنین معلوم میشود که بیگانگان غیر آریائی در اول وهله چرب دستی میکردند « کاوه یوسا » قشون دیگری از آریانا خواسته ، با قوت الظهر کار مازندرانی ها را یکسر ساخت . خاک ایشان را گرفت و جزء قاهر و آریانا کرد و حکمرانان بر آنها مقرر نمود و صفحات شمال ایران کنونی را زیر تسلط خود در آورد .

#### سیاهوش - سیاور شا - سیاور شنا :

سومین پادشاه دودمان کاوه یا کیان سیاهوش است که در اوستا سیاورشا و سیاورشنا ذکر شده و به اصول تلفظی که در باب اسم « یوسا » و (یوسانا) دیدیم سیاور شا تلفظ صحیح عصر اوستائی و سیاور شنا تلفظ قدیم تر عصر ویدی آنست که حتماً بواسطه از بین رفتن کدام سرود اثر آنرا در منظومه های « وید » تاحال نیافته اند « سیاورشا » . باتوریاها جنگ های سختی نموده و آخر به مرگ دردناکی حیات را بدرود میگوید .

#### کی خسرو - کاوه هوسراوا :

کی خسرو و کاوه هوسراوا به تلفظ نهضت قرن چهار هجری و عصر اوستائی از پادشاهان بسیار مشهور خاندان کیانی آریانا است . مشارالیه پسر « سیاورشا » است که بعد از مرگ پدر بر تخت بخدی جلوس کرده و کارنامه های اوچه دراوستا و چه در نگارشات مؤلفین عصر اسلامی و داستان های آنها خیلی معروف است زیرا وحدت خاک آریانی و حفاظت آن از دشمنان توریاگی و تشکیل اساس سلطنت مقتدر بادست توانای اوصورت میگیرد بعد از اصلاحات و رفع پراگندگی هایی که در اثر قتل کاوه سیاورشا و مداخله توریاگی ها تولید شده بود امن و امنیت کامله را در داخل مملکت قایم نموده دولت مقتدری روی کار آورد . محاصمین خود را از پادرافکنده بادی و وسعت شهر بخدی و احداث شهر های نو و دیگر اقدامات مفید سال های اخیر عمر خود را گذرانید .

#### لهر اسپ - لهر اسپه - او روت اسپه :

بعد از کی خسرو از یک شاخه دیگر خاندان کیان دسته ای در باختر به سلطنت رسیده اند



ع ، ج ، والا حضرت سردار محمد نعیم خان دمعارف وزیر اودصد ارت عظمی لمبری معاون

S. Ex. Sardar Mohammad Na'im Khan ministre de  
l'instruction publique





ع ، ج فضل احمد خان مجدی عدلیه وزیر  
S.FX.Fazl-Ahmad Khan mistre  
de la Justice.

## عدلیه وزارت

وزیر : ع ، ج فضل احمد خان مجدی  
معین : ع ، ص امین الله خان  
دتمیز رئیس : ج ، ف موای عبد الر ب خان  
دجمعیه العلماء : ف ، فاضی عبدالکریم خان  
مشی : « گدا »  
دتمیز لمی-عضو : ، ملا عبد الجلیل خان  
دتمیز دوهمه-عضو : ، ملا عبد الحمید خان  
دامورینو مدیر : ص ، محمد میر خان  
دتحریر اتو مدیر : « ، عبد السلام خان  
دکنترول مدیر : « ، محمد ناصر خان  
دتمیز دتحریر اتو :  
مدیر : « ، محمد شریف خان

## دمالیې وزارت

وزیر : ع ، ج میرزا محمد خان  
معین : ع ، ص محمد اسلم خان

### دکنترول عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، عبد القفور خان  
دبو دجی مدیر : . . . .  
دکنترول مدیر : ، گل احمد خان  
دخزانو او ذخیرو مدیر : ص ، عبد الر ب خان

### داجرائیې عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، محمد انور خان  
دمالیات او محصولات مدیر : . . . .  
دامورینو مدیر : ص ، عبد الحمید خان



ع ، ج میرزا محمد خان د مالیې وزیر  
S. Ex. Mirza Mohammad Khan  
ministre de finances.

که آخر نام‌های آنها به کلمه (اسپه) یعنی اسپ منتهی می‌شود. اگر چه ایشان هم ازدودمان کیان اند و حتی به سه پشته، نوتار - منوچیترا - وایریو به پیشدادی‌ها هم متصل می‌شوند ولی چون از سلسله مستقیم شاهان سابق کیان، نی و از شاخه دیگر این خاندان محسوب می‌شوند اتصال آنها به سلاله کیان و یا جدا کردن آنها به اسم خاندان «اسپه» هر دو صحیح است چنانچه هر دوی این کار را مدققین کرده‌اند و می‌شود با ترکیب هر دو نظریه آنها را پادشاهان «کیانی اسپه» خواند. اولین پادشاه کیانی اسپه یا به سلسله شاهان سابق کیان بگیریم، لهر اسپ است که در اوستا «اوروت اسپه» یاد شده اسم او مرکب از دو کلمه است یکی اسپه یعنی اسپ که اینجا شکل اسم خانوادگی گرفته و دیگر اصل نام «اوروت» که (تندوقوی) معنی دارد و میتوان او را «صاحب اسپان تندرو وقوی» خواند، اوروت اسپه دو پسر داشت یکی «یست اسپه» و دیگری «زری واری» که شعرای عصر اسلامی از ان کشتاسپه یا کشتاسپ (زیریر) ساخته‌اند. از اوروت اسپه معلومات مزیدی در دست نیست هر چه است پسرش و یست اسپه یا کشتاسپه است که در تاریخ کشور ما اهمیت زیاد دارد و میتوان کارنامه‌های بزرگ او را در حفاظة مملکت و گوشمالی مخاصین به کی خسرو «پیشدادی» مقایسه کرد زیرا همان توریائی هائی را که از چاول و یغما گری دست نمی برداشتند پادشاه شان شکست داد.

عامل بزرگ دیگری که اسباب شهرت نام این پادشاه شد ظهور زرتشت و اسپنتمان بلخی است که در عصر زمامداری او اتفاق افتاد و بایبوند خویشاوندی خاندان شاهی و دودمان علم، فلسفه و اقتدار با خرد دست بهم داده در اعتلای مدنیت آریانا و انبساط مبادی معاشرت صرف مجاهدت نمودند و در یرتو این همکاری حصه از جهان تاریک انوقت روشن شد.

سلسله کیانی اسپه با ویست اسپه منتهی نمی‌شود. دسته‌ئی بعد از او به سلطنت رسیده‌اند که تعداد آنها را بعضی ۲۹ نفر قلمداد میکنند. ازین جمله اوستا فقط «سپینتوداتا» را یاد کرده که از ان اسفند یار ساخته‌اند و ترجمه صحیح تحت الفظی آن (سفیدداد) و اصطلاحی آن (پاک‌داد) است باقی اولاده کیان که در اوستانیا آمده و نویسندگان و شعرای و مصنفین شاهنامه‌ها و گرشاسب نامه‌ها از ایشان ذکر کرده‌اند مبحث علیحده است که ذکر آن از حدود این مقاله خارج است.



چون درین مقاله چندین جا از منابع سه گانه نهضت قرن چهار هجری و دوره اوستائی و ویدی ذکر می‌ان آمده و آنچه نوشته شده به استناد منابع همین سه دوره است می‌خواهم يك يك نمونه كوچك ازین دوره‌ها مربوط به موضوع مقاله خود عرض كنم. فضا - ذهنیت، تعبیرات - معلومات - هر دوره جدا گانه و اشتراك مساعی آنها در روشن کردن يك موضوع بخوبی مجسم می‌شود، نمونه قرن چهارم هجری: پادشاهی کشتاسب بنظر و قلم دقیق بلخی:

فرود آمد از تخت و بر بست رخت  
که یزدان پرستان بدان روزگار

چو کشتاسب را داد لهر اسپ تخت  
بیلخ گزین شد بدان نوبهار

مر آن خانه را داشتندی چنان	که مر مکه راتا زیان این زمان
بدان خانه شد شاه یزدان پرست	فرود آمد آنجا و هیكل بیست
نشست اندر آن خانه بافرین	برستش همی کرد رخ بر زمین
خدارا پرستیدن آغاز کرد	در داد و دانش بدو باز کرد
بیست آن در بافرین خانه را	نهشت اندران خانه بیگانه را
پیوشید جامه پرستش پیلاس	خرد را بر این گونه باید سیاس
بیفگند یاره فروهشت موی	سوی داور داد گر کرد روی
همی بود سی سال پیشش بیای	بد نیسان پرستید باید خدای
ز روز گذشته شه نامدار	همی جست امرزش کرد گار

نمونه دوره اوستائی .

درباب بلخ «وندید اود» در فر گاداول فقره هفت میگوید :

(بخدیم سریرام اردو و درفشام) یعنی بلخ زیبا دارای بیرق های بلند «بلخ گزین» دقیقی  
عیناً ترجمه تحت اللفظی (بخدیم سریرام) است .



فر گادوم و ندیداد سراسر وقف «یما» و مذاکرات او با اهورامزدا و پادشاه شدن اوست  
چون موضوع طولانی است چند سطر مطلوب را ازان استخراج میکنم :

من اهورامزدا بایمای فشنکگ پاسبان خوب حرف زدم و آئین خود را به او یاد دادم او خود را  
مستعد انتشار آئین من ندیدد او را پادشاه ساختم .

مجلسی در «آریاناویجوی» معروف کنار رود «وانگپودی تیا» دایر کردم . یما فشنکگ ،  
و پاسبان خوب بهترین مردمان را درین محل در آریانا ویجوی معروف کنار رود وانگپودی تیا  
جمع کرد . . . . .



نمونه اشعار ویدی که یکی از ریشی هاموسوم به پاوامانا Pavamana در باب سرزمین «یاما» که  
آنها فردوس هم خوانده اند سروده است : کتاب نهم منظومه ۱۱۳ قطعات ۷ تا ۱۰ :



در آنجائی که روشنی و تابش آن جاویدان است . در عالمی که آفتاب در آن قرار گرفته  
دردنیای جاویدانی که فنا و مرگ در آن راه ندارد «پاوامانا» را جای پده ، ای اندرا !  
سوما مانند رودخانه اندوس برای تو جاری باد .



در آن جائی که پسر «ویواویوات» پادشاه است . در آن جائی که آفتاب حجله دازد .

هغه ذوات چه د کابل کالني سره ئي  
قلمی مرسته کړې ده



ښاغلی ، محمد قدیر « تره کي »  
د اصلاح د روز نامي مدیر ،  
د ( کارخانې در افغانستان )  
د مقالې لیکونکي ( ۱۴۴ مخ )



ښاغلی ، عبدالرحمن « پړواک »  
د پښتو ټولنې عمومي مدیر ،  
د ( گلبای کوهی ) د مقالې لیکونکي  
( ۱۳۳ مخ )



ښاغلی ، احمد علي « کهراد »  
د تاریخ عمومي مدیر ، د ( مروجین  
شاهنامه ) د مقالې لیکونکي  
( ۱۲۱ مخ )

هغه ذوات چه د کابل کا لير سره ئي  
قلمی مرسته کو بده



ښاغلی ، عبدالرؤف « پښتو »  
د صحافت مدیر د ( ورايايي بنديسي  
پښتو ) د مقالې ليکونکی  
( ۱۸۸ مخ )



ښاغلی ، گل پاچا « الفت » د پښتو  
ټولنې مېجر د ( ښکته چنده در  
کر امر وفت پښتو ) دمقالې ليکونکی  
( ۱۸۲ مخ )



ښاغلی ، علي احمد « نښي »  
د تاريخ دڅانگې مشور د ( آبدات  
وزارات غورنې ) دمقالې ليکونکی  
( ۱۶۲ مخ )

در آن جائی که آب های بزرگ در جریان است مرا جاویدان ساز ای اندرا ! سوما  
مانند رود خانه اندوس برای تو جاری باد .



در آن جائی که آرزو و خواهشات بر آورده میشود . در آن جائی که مقرر آفتاب است.  
در آنجائی که غذا و لذایذ یافت میشود مرا جاویدان ساز. ای اندرا ! سوما مانند رود خانه  
اندوس برای تو جاری باد .



در آنجائی که سعادت و خوشبختی ، مسرت و خوشی وجود دارد. در آنجائی که آرزوی  
آرزومندان بر آورده میشود مرا جاویدان ساز ای اندرا ! سوما مانند رود خانه اندوس  
برای تو جاری باد .

---

قطعه ئی از سرود های « ریگ وید » در مدح « یاما » پادشاه بزرگ :



سزاوار ستایش است « یاما » پادشاه بزرگ که اول تر از همه  
نوع بشر وفات کرد ، فضای بی پایانی را عبور نمود و راه اسمانی را  
برای مردم کشود .



راهی را که او برای ما باز گذاشته هیچ قوه ئی نمی تواند به بندد  
بعد از گردش های دور و دراز ، آخر ازین راه انسان به منزلگاه  
عالیشان خواهد رسید .



پدران ما همه ازین راه گذشتند ، ما هم این معبر را تعقیب خواهیم کرد  
و تا وقتی که زمانه ادا مه دارد ، هر يك از نسل جدید آنرا پیروی  
خواهد نمود .



## گل‌های کوهی

نویسنده « پشواک »

شرابیکه ازین سنگ ها فرو میریزد دردها و آلام، معایب و نقصه هارا ازما دور میکند طوریکه در دوره های باستان مردم را شاداب و بشر را کامل و غنی ساخته بود .  
( ریگ ویدا )

درین مقاله طوریکه شاید خوانندگان محترم ما از دیدن عنوان حدس زده باشند از گل‌هایی صحبت میکنیم . که درین سنگ ها روئیده اند . سنگ‌هاییکه سومارا فشرده اند تا از عصاره آن برای اندرا شراب بسازند . این اشعار نیز مانند شراب میوه های کوهی هستند ولی شرابیکه میگساران بزم جمال و زیبایی آن را بسلا متی احساس لطیف و عا طفه نیک می نوشند و به صحت و صفای قلب بزرگی که خدای توانا و یگانه در سینه آدمی گذاشته و به این عطای الهی خود به انسان کرامت و صفتی بخشوده است که بدارائی آن گرامی ترین تحفه عشق و محبت را می تواند قدر کنند آن را سرمیکشند . شرابیکه غیر از شراب های دیگر است .

شرابیکه مستی آن مارا از جهان ماده دور میکند و بسر زمین معنی و حقیقت رهنمون می نماید . شرابیکه فطرات آن مانند امواج بزرگ مارا تکان می دهد و خمار آن روح مارا زنده و پیدار میسازد . این گل ها که رنگ و بوی آنها مظهر طبیعت بزرگ آریانا، سر زمین پاک روه و خاک باستانی و بیاعظمت وطن محبوب و نماینده روح و خلق و ذات و طند ایران نجیب ماست . این گل‌ها یکه حیاط زندگانی روحی مارا تزئین کرده و فضای روان مارا معطر ساخته اند جز اشعار ملی مانستند که ما میخواهیم در سطر آئیده به معرفی آنها پرداخته و با جود آنکه تا کنون طوریکه می شاید نتوانسته ایم از عهده تحلیل و حتی معرفت آنها برائیم باز هم قد می درین راه گذاشته و از خدای بزرگ التجا و آرزو میکنیم که به ماتوفیق عنایت فرماید تا در آئیده بتوانیم از یکطرف جق زبان مقدس ملی خود را ادا و از طرف دیگر به روح از خود و بیگانه خدمت می نمایم .

طوریکه در مورد اکثر اشیا راست است مخصوصاً شعر ازینک هر فرد طوری جوه میکند . اشخاصیکه بتوانند جمال شعر را از هر پهلوی آن تماشا کنند خیلی کم هستند و یا اینکه کمتر

اتفاق می افتد که دیده ها و انظار در تشخیص حقیقت و جمال شعر یا همان چیزیکه از زمان نگارش رساله یوئتیک تاجدید ترین تعریفی که شاید بخاطر یکی از خوانندگان این مقاله بگذرد مورد بحث و اختلافات نظر بوده است بیک فوکس دوخته شود و یکسان بنظر آید . اشعار ملی مانیز به تعبیر استاد بزرگ صلاح الدینخان رئیس مطبوعات الماس هائی هستند که از پهلوهائی مختلف میدرخشند و تا کنون هر کسیکه برای معرفی آنها قلم برداشته است آنها را از یک پهلوی نگرسته و از همان پهلوی بدیگران جلوه و نمایش داده است . ازینرواگر درین مقاله بنظر خوانندگان چیزی بخورد که برخلاف آنچه قبل ازین نوشته اند باشد مارا عفو خواهند کرد . نگارنده که درین جامع نظریات خود را می نگارد ادعا نمیکند که دیگران بخاطرفته اند بلکه از اظهار نظریات خود می خواهد در قسمت های موافق با نظریات دیگران اظهار وحدت نظر و در قسمت های اختلاف جلب التفات نماید تا اگر خدا بخواهد از اجتماع و تبادل افکار و نظریات بر نقاط تاریک روشنی آفیده و مطلب واحد که عبارت از خدمت بذوق و زبان است حاصل آید و کلام همگان که آرزوی دیرین اوست بر آورده شود .

بیشتر از آنکه در قلب موضوع داخل شویم باید متذکر گردیم که ما درین مقاله صرف راجع به اشعار ملی یعنی همان اشعاریکه گویندگان آن را نه می شناسیم و یا اگر می شناسیم عبارت از اشخاصی هستند که به تمام معنی شعرای ملی بوده و اشعارشان تنها نماینده احساسات و عواطف شخص شان نبوده بلکه ممثل احساسات و عواطف تمام قوم و ملت شمرده می شوند ، و در اشعار خویش تحت تاثیر غیر نرفته و پیر و ان حقیقی و ثابت قدم ادب ملی بوده هیچ وجه به تقلید از غیر قوم نپرداخته اند حرف میزنیم . مطلب نگارنده از اختیار این شیوه یکی آنست که تا کنون متاسفانه یک قسمت از زبان مورد بحث قرار داده نشده است تا به تفصیل و دقت لازمه در ادبیات زبان ملی موقع دست داده باشد و هر چه نوشته شده است بصورت عمومی در اطراف همه اقسام شعر پرداخته شده است و این خود آشکار است که هیچ نویسنده فرصت نیافته است که طوریکه دلش می خواهد و نجوکه می شاید حق موضوع را ادا کرده بتواند .

طوریکه من گمان میکنم باید ما که متاسفانه در دوره معرفتی ادبیات زبان خود می باشیم باید خیلی به تفصیل وارد بحث شویم تا از یک طرف حق موضوع ادا و از طرف دیگر حتی الوسع تمام چیز های قابل معرفی را شناختانده بتوانیم . بر اساس آنچه بعرض رسانیده شد نخست از همه صرف قسمت اشعار ملی را موضوع این مقاله قرار دادیم .

اشعار ملی پیشتر طوریکه قبلا هم بان اشاره کردیم بیشتر از هر تقسیمی بد و قسمت منقسم میگرددند :

اول اشعاریکه گوینده و شاعر آنها معلوم نیست و وقتی کسی از ما راجع به شاعر آن



سوالی بکنند جز اینکه يك قوم كامل را بنام پښتون باو معرفی نماییم جوابی نداریم .  
دوم اشعاری که ذکر از نام شاعر در آن شده است ولی طوری که گفته شد  
اگر همان مصرعی را که نام شاعر در آن ذکر شده است از بین برداریم دیگر از حیث  
اسلوب ، کلمات ، الفاظ ، وزن ، ساختمان و دیگر خصوصیات اشعار ملی که چند سطر بعد تر  
خوانندگان محترم آن هارا خواهند شناخت با اشعاری که ما آن را اشعاری شاعر نام نهادیم ندارند  
ما این اشعار را صرف از همین سبب اشعار ملی میگوئیم که نماینده احساسات تمام قوم هستند ولی  
گوینده آنها يك فرد و شخصی معین است . اینکه نام شاعر در آن ها حفظ شده است مربوط به نوعیت  
شعر است . زیرا طوریکه بعدها واضح خواهد شد مادر زبان خود اشعاری هم داریم که در آن  
برای نام یا تخلص شاعر جایی نیست .

وقتی ازین تقسیم عمومی گذشتیم میخواستیم سطری چند را به خصوصیات و ممیزات اشعار  
ملی نگاشته شود ،

### خصوصیات و ممیزات :

وقتی ما میخواستیم در تحت این عنوان چیزی بنگاریم بگانه مراد ما پیدا کردن يك راه برای  
شناختن اشعار ملی است و علاوه باین وسیله میخواستیم اشعار ملی خود را از اشعار زبان های دیگر  
و از اشعار پښتوی شعرای صاحب دیوان تفریق کنیم . علاوه به شرح این خصوصیات و ممیزات  
میخواستیم يك مطلب دیگر خود را بدست آوریم که آن عبارت از عرض نظر به مراجع به اینکه شعرای  
امروزی ما باید بر چه اساس شعر بگویند می باشد . البته واضح است که این سوال در نزد ما دارای اهمیت  
زیاد است . ما باید توجه فضلارا باین نقطه جلب نماییم . عبارت دیگر میخواستیم در تحت این عنوان  
نه تنها خصوصیات و ممیزات اشعار ملی را متذکر شویم بلکه در نظر است که راه های استفاده ازین  
خصوصیات و ممیزات را نشان داده و به ثبوت اینکه مزایای درین اشعار موجود است پرداخته و برای  
وحدت و حفظ شئون و استقلال زبان ملی خدمتی بنماییم .

اشعار ملی پښتواز نقطه نظر عروض و ساختمان مصرع ها تابع بحر عربی نیست عبارت دیگر  
اوزان و بحر مخصوصی دارد که بکلی از اوزان عربی و آن اوزان و بحر یک فارسی آن هارا از عربی  
استعاره کرده است فرق دارد .

شاید این خصوصیت از نقطه نظر بعضی مردم دارای اهمیت فوق العاده نباشد ولی از دو نقطه نظر  
در نزد نگارنده دارای اهمیت و مقام بزرگ است . اول اینکه داشتن اوزان و بحر مخصوص در زبان  
استقلال زبان و داشتن يك رکن اعظم ادب منظوم را تأیید و تثبیت میکند . دوم آنکه اگر در زبان  
پښتو مطالعه دقیق شود آنگاه معلوم می شود که داشتن این اوزان و بحر مخصوص ، خدمت  
بزرگی به رکن های اساسی و لازمی زبان می نمایند و میتوان در راه سلاست

وروانی، فصاحت و بلاغت که از شرایط بزرگ شعر خوب است ازانها استفاده نمود. بلاشبهه اوزان و بحر شکل قالب کلمات یک زبان را دارند عبارت و اوضح تر ازان و بحر ظرفی هستند که کلمات بحیث یک مظهر و در آنها ریخته می شود و خیلی لازم است که ظرف مطابق مظهر باشد یعنی وقتی که کلمات در یک وزن انداخته می شوند و یا به تعبیر دیگر چند کلمه پهلو می گیرند و یا به تعبیر دیگر چند کلمه پهلو می گیرند و یا به تعبیر دیگر چند کلمه پهلو می گیرند و یا به تعبیر دیگر چند کلمه پهلو می گیرند باید این کلمات طوری باشند که مصرع اگر از نقطه نظر سنجش سخن مورد انتقاد قرار می گیرد از تمام معایب لفظی و معنوی مبری بوده و طوریکه از شعر انتظار می رود دارای همه صفات نیکوی سخن باشد. یکی از این صفات عبارت از آهنگ زیبا عدم تعقید و سهولت تلفظ است.

اکنون اگر به ساختمان کلمات پشیتو نظر انداخته شود معلوم می گردد که درین کلمات پشیتو و کلمات فارسی و عربی فرق موجود است. این فرق در اوزان و بحر تاثیر می کند. بطور مثال در پشیتو کلماتی موجود است که حرف اول آن ساکن است و اینگونه کلمات بکثرت دیده می شوند. و قتی که این کلمات درین اوزان و بحر عربی و فارسی انداخته میشوند در تلفظ اشکال پیش کرده و این اشکال به روانی و آهنگ مصرع صدمه وارد می کند. ولی اوزان و بحر مخصوص پشیتو شکلی دارند که ازین اشکال و نقیصه ها رانجات می دهد. باینصورت اگر ما اوزان و بحر مخصوص خود را که برای کلمات ما کاملاً موافق و با زبان ما کاملاً مطابق هستند مورد استفاده قرار می دهیم سود بزرگ و نفع بیشماری ازان بدست می آوریم. بهترین سندی که برای اثبات این امر در دست داریم مقایسه اشعار ملی در اوزان و بحر مخصوص پشیتو با آن اشعار پشیتو است که در اوزان و بحر عربی و فارسی ساخته شده اند. البته طوریکه از گفتار بالا هم تا حدی واضح می شود این مقایسه صرف راجع به سلاست و روانی است. سلاست و روانی اشعار ملی قابل حیرت است و علاوه بر این سلاست و روانی در اشعار ملی بصورت عام و بلا استثنی است. البته در اشعاریکه در بحر و اوزان غیر پشیتو ساخته شده اند هم مزایای شعری و روانی و سلاست موجود است ولی آنجا طوریکه در اشعار فارسی است گنجاندن این صفات در شعر مربوط به اقتدار شاعر است.

این مسئله در نزد کسانی که در زبان مطالعات دقیق دارند بقدری واضح است که حاجت به تفصیل ندارد. البته ما حاضر بودیم که برای مزید وضاحت مطلب امثله هم ذکر کنیم ولی چون برای ثبوت مدعی لازم بود که از اشعار ملی چندین مثال متذکر شویم برای آنکه واضح شود که در همه اشعار سلاست و روانی موجود است و در مقابل از شعرای صاحب دیوان صرف چند مثال را انتخاب کنیم لذا ازان صرف نظر نمودیم تا از انصاف دور نشده باشیم باقی قضاوت و اعتراض را به مطالعین محترم می گذاریم تا خود در اثر رجوع به دیوانها و اشعار ملی ملاحظه فرمایند آنجا

یقین داریم که به حقیقت امر خواهند رسید. مطلب عمده از خاطر نشان کردن این موضوع این نیست که شعرای ملی را که اکثراً بیسواد بوده اند بر شعرای عالم و فاضل و صاحب دیوان ترجیح بدهیم بلکه مراد ما آنست که شعرای ملی با وجود بیسوادی و عدم معلومات وسیعه چون خط و راه طبیعی ادب را پیروی کرده و با وزانی که برای جای دادن کلمات و الفاظ ما ظروف طبیعی و موافق شمرده می شوند اشعار خود را سروده اند شعر آنها دارای مزیت های مخصوص است. البته مایک انتقاد به شعرای صاحب دیوان خود داریم که باید بکمال احترام آنرا عرض کنیم و آن اینست که اینها با وجود داشتن بحر و اوزان در خود زبان نه تنها بدون ضرورت از اوزان و بحر غیر پشیتو پیروی بلکه اکثر آنها متأسفانه درین اوزان مخصوص زبان اصلا یک شعر هم ندارند. این عیناً همان کاریست که دیگر بزرگان ما آثارشان را در زبان عربی و فارسی نگاشته اند. در اینجا نباید فراموش کرد که حوادث و زمان در حیات آنها مؤثر بوده و عواملی که واضح است ایشان را باینکار مجبور کرده است. آنها این کار را در اثر مجبوریتهائی کرده اند که ازان ناگزیر بودند. ولی اکنون باید ما ایجابات عصر و زمان خود را فکری کنیم و از گذشته صرف نظر کرده غم حال و آینده خود را بخوریم.

بعقیده این عاجز مادر عصری زندگی میکنیم که خیلی محتاج هستیم به ملیت خود پاینده بوده و بخود ملتفت گردیم. مخصوصاً در قسمت شعر و ادب که بادیای روح و جهان روان ما را بطاقت باید بیشتر اصول های را که امروز در اجتماعات بشری حاکم است و می کنند مراعات نمایند امروز ما باید همانطوریکه در پرورش زبان ملی خود می کوشیم و دنیا را به خوبیهای که در آن است و برای ما قابل افتخار شمرده می شود متوجه می سازیم باید از خصوصیات و کمالات نیکوی خود صرف نظر نه کرده و در راه ترقی و پرورش آن جد و جهد نماییم. مخصوصاً در موقعیکه این احساسات و تعصب های نیکوی ملیت مطابق علم و حقیقت و نیکوئی هم باشد. برای آنکه از موضوع خارج نشده باشیم بطور مختصر میگوئیم که امروز نوبت آنست که ازین بحر و اوزان استفاده نماییم و اشعاری که می سرائیم در همین اوزان و بحر بسرائیم. درینجا ایقنر باید علاوه کرد که در دیگر زبانها هم مطالبی بوجود آمده اند که زاده عصر جدید و زمان امروزی می باشند و اینها عواملی را تشکیل میدهند که باید علاوه بر بحر و اوزان محدود عربی اشعار صورت و ساختمانهای جدیدی هم بخود پیدا بکنند. چنانچه امروز دیده می شود که قیده های بحر و اوزان عربی برای افاده مطالب تنگنی می کنند و در زبان فارسی یک دسته شعراء بفکر افتیده اند که بنام شعر آزاد خود را ازین قید آزاد و این زنجیرهای که جلو احساسات تند و آزاد شعرای امروزی را میگیرند بگسلند. این بدان می ماند که برای میگزینی کشتی کفاف ندهد و دریاطلبد. ما هم که در همین عصر زندگی میکنیم بعضیها این احتیاج را حس کرده و دیگران هم حس خواهیم کرد پس چرا از اوزان و بحر و طرز ساختمان و اصول مخصوص ادب و شعر ملی خود استفاده ننمائیم

در حالیکه این اشعار نه تنها فواید متذکره را بدست ما میدهد بلکه اشعار آزاد را که جدید ترین انتخاب و اختراع شعرای عصر جدید است نیز بما تقدیم میکند و میدان وسیعی برای مستی روح ، جولان احساسات و اظهار عواطف ، افکار و مطالب ما تهیه می نماید .

علاوآ یکی از فواید دیگری که از استعمال و استفاده اوزان و بحر مخصوص زبان بما دست میدهد عبارت از آنست که در عین حالیکه ما به شعر ملی خود خدمت میکنیم به موسیقی خود نیز می توانیم از رهگذر آن خدمت نمائیم .

طوریکه در اکثر زبانها مخصوصاً زبانهای غربی دیده میشود همه اشعار برای سرودن موافق نیستند . یعنی اشعاریکه با ساز سروده می شوند دارای ساختمان مخصوصی می باشند عبارت دیگر وزن و بحر آنها طوری انتخاب شده است که سرائنده آن را در وقت سرودن بانفس می تواند هم آهنگ بسازد . در اشعار ملی اوزان و بحر ما اصلاً بر اساس سرودن صورت گرفته است یعنی چون از قدیم عادت بوده است که شعر در بین ملت ما به آواز خوانده شود این اوزان طبعاً به مقصد سرودن موافق بوده اند و موافق هستند .

باین ترتیب اگر اشعار ما درین اوزان و بحر که در حقیقت نوبت های فشنک موسیقی هستند سروده میشوند سه فایده از آن بدست می آید . نخست حفظ خصوصیت زبان و استقلال در بحر و اوزان ، دوم خدمت به موسیقی و سوم فایده که بیشتر بحال شاعر و جامعه تمام میشود و عبارت ازینست که با این صورت طبعاً شعر مورد دلچسپی عامه واقع شده شاعر شعر خود را در سینه های مردم می گنجاند و مقصد بزرگ خود را که عبارت از تعمیم آثار اوست بدست می آورد و مردم وتوده ازینکه مضامینی که شاعر میخواهد بواسطه آن در راه پرورش روح و اصلاحات اجتماعی خدمت کند بیشتر مستفید می گردد .

اشعار ملی ما دارای یکی از خصوصیت هائیکه آن را از بسازبانها مخصوصاً از زبانهاییکه در آن فرق تذکیر و تانیث اصلاً وجود ندارد جدا میسازد این خاصه عبارت از آنست که در اشعار ملی از زبان زن حرف زده می شود . بعقیده این عاجز این ممیزه در راه لطافت و ظرافت اشعار ملی خدمت بزرگی میکند . زیرا موضوع اصلی شعر جمال و زیبایی ، فرحت و خوشی ، اندوه و الم ، احساسات و عواطف است . و این خود واضح است که روح زن با روح مرد فرق داشته ، خنده زن با خنده مرد و گریه زن با گریه مرد متفاوت است . که میتواند انکار کند که تبسم زن که فشنک تر از سبیده صبحگاهان است زیباتر از تبسم مرد نیست ؟ که می تواند تردید نماید که اشک زن که زیباتر از ستاره شامگاهان است درخشنده تر و فشنک تر و موثر تر از سرشک مرد نخواهد بود . آیا فریادی که از سینه زن بیرون می شود شکافته تر از فریاد مرد و مرغوب تر و طبیعی تر از مردان نیست . آیا احساسات زن رقیق تر ، آرزوهای زن حسی تر ، ارمانهای زن سوزنده تر ، آهنگ زن گیرنده تر از مرد نیست ؟

البته بعضی مردانیکه خود خواه تر از کدام زن باشند در سر این امر با ما خواهند پیچید و یا کدام زنیکه به شکسته نفسی عادت کرده باشد با ما اظهار موافقت نخواهد کرد ولی اگر به حقیقت نگریسته شود در مورد شعر نوای زن انگیزنده تر از مرد است زیرا بعقیده این عاجز در وجود زن بیشتر از مرد آرت و شعر سرشته شده است.

باین تقریب استفاده که از این خاصه می‌توان کرد همانا بدست آوردن چیز است که از شعر من حیث شعر یعنی شعر حقیقی انتظار میرود. چیز یکه از شعر انتظار می‌رود جز ایجاد تاثیر نیست. و تاثیر در صورتیکه از طرف زن انداخته شود بیشتر از آنست که از طرف مرد باشد طوریکه از مطالعه در انعار ملی برون می‌آید این ممیزه مخصوصاً از نقطه نظر تاثیر خدمات بزرگی بها کرده است. این خدمت مخصوصاً در قسمت اشعار رزمی بوده است. زیرا در اشعار رزمی برون آمدن کلمات طوریکه از زبان زن برون می‌آید و مرد مخاطب آن قرار می‌یابد طبعاً خیلی موثر است تلقین زن و تشجیع زن در حالیکه خون مرد در میدان جنگ در جوش بوده است در بسا وقایع تاریخی وظیفه خود را مطابق آرزو انجام داده است از همین است که در بسا ملل سلحشور این وظیفه را برای تحریک مردان و جوانان زن‌ها بدوش گرفته اند و هم این ترتیب خیلی کامیاب ثابت شده است.

پیش از آنکه زبان پشتو در اثر حوادث و زمان بازبان فارسی و عربی و دیگر زبانها امتزاج پیدا کند در تمام اشعار زبان پشتو این خصوصیت موجود بوده است ولی کمی بعد تر صاحبان دیوان متأسفانه این را هم از دست داده اند. در اشعار ملی ما در همه انواع این خاصه حفظ شده است و میتوان گفت که از همین سبب است که محبوب ترین و موثرترین اقسام شعر زبان مقتدر و موثر ما همین اشعار ملی بشمار می‌روند و با هیچ یکی از ذوق ها و احساسات ملی ما مخالفت ندارند.

بعقیده این عاجز اینهم از وظیفه شعرای جوان و عصری زبان ملیست که این اصل را در اشعار شان فراموش ننمایند. نمیدانم چرا شعرای صاحب دیوان مادر صورتیکه بحور و اوزان مخصوص شان را می‌گذاشتند این چیز را هم با آن یکجا از دست دادند در حالیکه با از دست دادن آن دارائی می‌توانستند افلاً این یک را حفظ کنند.

شاید درین باره نیز مجبوریتی داشتند که ما امروز نمیتوانیم آن را حس نمائیم. یکی از چیز های که باید در ضمن بحث خصوصیت های اشعار ملی ذکر آن فراموش نکردد وحدت کلمات و ادا کردن و استعمال آن طور است که سلاست و روانی و فصاحت و بلاغت آن ها را طوریکه درین مقاله و در دیگر نشریات خویش بارها خاطر نشان کرده ایم قابل حیرت و تعجب میسازد. البته در هر زبان درین استعمال کلمات در ولایت های مختلفه و با قیایل مختلفه فرق های جزئی موجود میباشد و بعضی لغات و کلمات مخصوص یک قبیله و یا یک ولایت می‌باشند که در دیگر

## مملکتی تشکیلات

د احصائی او املا کو مدیر : ص، عبدالرحیم خان  
داو رافو مدیر : » ، حافظ عبدالرحیم خان

### د تفتیش عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، محمد حسن خان  
اعضا د ابتدائی مدیر په حیث : ۸ تنه

### د تصفیو او مدرک تجارتی عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، غلام حسن خان  
دنوی مدرک مدیر : . . . .  
د محاسبی تجارتی مدیر : ص، قطب الدین خان  
د وزارت خصوصی سرکاتب : » ، سید محمد خان



## د معارف وزارت

وزیر : ع ، ج والا حضرت سر دار محمد نعیم خان  
معین : ع ، ص عبد الجبار خان  
» : » ، عبد الاحمد خان  
» : » ، » ، سید عبد الله خان  
مشاور : » ، » ، اسمعیل حکمت  
علمی مشاور : » ، » ، هاشم شایق افندی  
» : » ، » ، عبد الحی خان حبیبی  
د مخصوص قلم مدیر : ص ، امیر الدین خان  
د پوهنی او روزنی رئیس : ع ، ص برهان الدین خان کشککی  
د تدریساتو رئیس : » ، » ، عزیز الرحمن خان  
د تفتیش » : » ، » ، سید محمد فاروق خان  
د روغنیاد ساتنی او سپورت رئیس : » ، » ، فاروق شاه خان  
د اجرایی او مامورینو مدیر : ص، محمد مرید خان  
د کنترول » : » ، غلام سخی خان  
د تنظیماتو د مدیر کفیل : » ، محمد مرید خان  
د موزی او حفرياتو مدیر : ع ، احمد علیخان کهزاد  
د اورافو مدیر : ص، عبد الله خان

جایها آن لقاۀ مورد استعمال نیستند. این چیز در زبان پښتو هم تا حدی موجود است و در اثر کثرت لقاۀ و وسعت زبان پښتو فرق های مذکور درین زبان هم دیده میشود ولی در اشعار ملی این چیز بکلی دیده نمیشود. لغاتیکه در اشعار ملی استعمال شده اند همه لغاتی هستند که در هر گوشۀ مملکت مردم به آن آشنا هستند. اینجا یک سوال پیدا میشود که این استعمال لغات عام چگونه صورت گرفته است جواب اولی که برای این سوال میتوان داد همانا فداست اشعار ملی است چنانچه در مرحله های اول این چنین فرق ها طبعاً کمتر میباشند. ولی چون همه اشعار ملی در یک دوره سروده نشده اند باز هم سوال پوره حل نمیشود. درین صورت راه حل دیگری بفکر نگارنده نه می رسد جز اینکه گفته شود که چون موضوع این اشعار احساسات و عواطف است و احساسات و عواطف درین قبایل و ولایات مختلفه فرق نمیکند زیرا همه از یک قوم و تقریباً به دارائی یک نوع محیط طبیعی و یکسان ترتیب زندگی بسر می برند و علاوه آن فرقی که درین لغات دیده میشود عموماً در مورد اسمای چیز های که مخصوص یک سمت و یک ولایت میباشد پیدا میشود و آنها هم اشیای مادی میباشند ولی در زمینه احساسات و روح همه لقاۀ مشترک هستند. نظریه دو می که میتوان درین زمینه اظهار نمود عبارت ازینست که اشعار ملی اکثرأ محصول طوفان های روحی و جنبش احساسات و عواطف قبایل کوچیکست و چون این قبایل همواره در سفر و گردش هستند زبان آنها نمیتواند بازبان یک سمت و یک ولایت هم آهنگ بماند بلکه آنها عموماً لغات را از هر جایی گرفته و بهمۀ لغات قوم آشنا می گردند و بهمین ترتیب لغات را از یک ولایت بولایت دیگر باخود نقل مبدهند.

بهر کیف و صورتی که باشد مراد ما از آن است که این خصوصیت اشعار ملی خیلی شایان اهمیت است و در راه وحدت زبان کمک و معاونت بزرگی شمرده می شود که باید آن را بدون استفاده نگذاشت و از آن پیروی نمود.

از خصوصیات اشعار ملی است که موضوع شعر از حدود آنچه موضوع شعر من حیث شعر خارج نه می شود. یعنی نمیتوان در اشعار ملی شعری سراغ نمود که در آن مطالب صحی، مطالب اجتماعی و یا پند و موعظه و یا فلسفه های پیچیده و از قبیل آن دیگر موضوعات درشت و کلفت که مربوط به حیات مادی باشد سراغ نمود. بعقیده بنده این دارائی اشعار ملی از دارائی های بزرگ و صفات برجسته و عمده اشعار ملی بشمار می رود.

درین قسمت باید متذکر شد که شعر چگونه و برای چه بدنیا آمد. البته طور یکۀ قسمت بزرگ صاحبان نظریه در بارۀ شعر تسلیم کرده اند و طور یکۀ ثابت است که بشر دارای دو حیات، زندگی مادی و زندگی روحی است می توان به این سوال همان جوابی را صحیح دانست که اکثریت بدان فیصله کرده است.

هم چنانیکه انسان در حیات مادی احتیاجاتی را محسوس نمود و برفع آن پرداخت و این

حس احتیاج و اقدام برفع، باعث شد که روز بروز در جهان چیزهای نو پیدا شود بشر در زندگی روحی خود نیز محتاج چیزی بود و در پی رفع آن برآمد و آن را به ایجاد شعر رفع نمود. باری فضای روح بشر مکرر شد. ابرهای سیاهی در افق زندگانی او نمودار گردید در قلب او آتشی روشن شد، سینه او سوخت، رگ‌های چشم او سرخ و خونین گردید. دل او تنگ شد. هر قدر عمیق تنفس کرد، هر قدر آب نوشید هر قدر غذا خورد نتوانست خود را از چنگ این تکالیف نجات بدهد ناگزیر فریاد کرد، آه کشید قطره چند از چشمان او سرازیر گشت و بر آتش او آب زد. یعنی شعری سرود و خود را بدان متسلی ساخت. بار دیگری خود را در مقابل عظمت کاینات و جمال طبیعت دریافت زیبایی جهان در او تاثیر کرد و قلب او را حرکت داد. دمیدن سبیده بامداد، روشن شدن افق سحر گاه، رنگین شدن شفق، طلوع آفتاب، برتوماه، جریان دریاها، طراوت بهاران، شکفتن گلها او را بوجد آورد. و یا اینکه محبوبی را در آغوش کشید و خواست حق این نعمت را ادا کند سرودی ایجاد و نغمه ساز نمود، آوازی کشید، خنده کرد و قهقهه سر داد یعنی شعری سرود و خود را بدان متسلی ساخت.

شعر در اول به همین صورت‌های که ذکر و یا دیگر عواملی که روحی بودند و از همین قبیل هستند پیدا شد. بعد ازان چون در شعر خاصه تاثیر شدید را یافتند علما و فلاسفه و دیگر مردم که همه در راه خدمت به آئال خود محتاج به وارد کردن تأثیر بودند آن را برای مقاصد و مطالب خود استخدام نمودند. حتی سخن بجائی رسید که در شعر هجو هم يك قسمت بزرگ را تشکیل داد و باین صورت این جوهر پاك به هر گونه آهنی داده شد تا آنرا بر نند و مؤثر، زنند و قوی بسازد.

در زبان پښتو نیز صاحبان دیوان که طبعاً مردمان اجتماعی و فلسفی بودند هر گونه مطالب را در قالب شعر ریختند تا آنکه اکنون خاصیت اصلی شعر مخصوص اشعار ملی باقی ماند. اشعار ملی ماطوریکه بعدها در قسمت تقسیمات معنوی این اشعار نیز راجع به این موضوع صحبت خواهیم کرد هیچکدامی از دایره احساسات و عواطف، تأثیرات روحی، تبسم و اشک و یا خنده و فغان خارج نیستند. و این چیزطوری در اشعار ملی وجود دارد که میتوان آن را یگانه و سبیل شناختن اشعار ملی قرارداد.

درین اواخر يك دسته از فضلاء ما كوشش کرده اند كه يك حقیقت زیبارای يك مقصدی كه در آن افتخاری هم موجود نیست قربان كنند و باین ترتیب كوشش كردند كه يك سلسله مثلها در بین اشعار ملی جستجو نمایند كه حاوی اندر زها و موعظه های اجتماعی، افكار فلسفی و یا هدایت های صحی و علاوتاً بازی بر الفاظ باشد. شاید این سهو اجتهادی در اثر اینكه آنها تصور میکردند صنایع لفظی و افكار پر از پند و نصیحت دلیل بر خوبی شعر است بوجود آمده باشد.



چون مادرین نقطه بایشان موافق نیستیم گستاخی کرده و متذکر می شویم که اینگونه مثالها همه جعلی است و نمیتوان به اینگونه اشعار نام اشعار ملی داد. البته نمیتوان انکار کرد که درین اواخر میتوان درلندی ها و چار بیته ها بعضی ازین قبیل اشعار یافت ولی این اشعار محصول افکار و تصورات طالب العلم ها و ازین قبیل اشخاص دیگر است که افکار مستعار خود را در اوزان و بحر اشعار ملی ماریخته اند نویسندگان ما چون آنها را به مطلب و مقصد خود موافق یافته اند در چند مثالی که آنها هم خیلی محدود است بروی مردم کشیده اند.

شعر طبیعی: شعر ملی شعر طبیعی و تشبیهات و استعارات نیز در اشعار ملی دارای خصوصیت است و این خصوصیت عبارت از آنست که تشبیهات و استعارات از طبیعت سرزمین پشتون و دایره جبات و خلق و ذات مردم آن خارج نه می شود. این تشبیهات و استعارات طوری درین اشعار دیده می شوند که در وقت خواندن انسان می تواند در سایه اقتداری که صرف بیان شده است دینا وضع طبیعت و سراینده آن را در مقابل خود مجسم بینند.

در زیر این عنوان دو چیز مهم را که میتوان در حقیقت اشعار ملی را همه محصول همین دو چیز تصور نمود ذکر کردیم لذا بدینست اگر به معرفی اشعار پشتون بطور ذیل در زیر این دو عنوان پرداخته شود.

طبیعت سرزمین پشتون: طبیعت کوه، دریا، چشمه های صاف، دریاچه ها، باران ها، طراوت بخش، برف های فراوان، ژاله، صاعقه، ابرهای انبوه سیاه، ابرهای تنگ و سبید، آسمان صاف و لاجوردین، میدان ها و جلگه های زمردین، وادی های سرسبز و شاداب، جنگل های کوهی، گلپای رنگارنگ، صحرای پراز سبز، سحرهای قشنگ و شام های زیبا، آفتاب های درخشان و ماه تاب های قشنگ، طبیعت سرزمین پشتون است و باز بداری این همه مظاهر طبیعت آنچه نیکو و زیبا است بیشتر و آنچه سیاه است کمتر دیده می شود. اگر چه بعقیده این عاجز طبیعت بهر وضع و جامه قشنگ و زیبا است و از نقطه نظر شعر و شاعر یک آسمان طوفانی و ابر آلود همان قدر قابل استفاده و متمم است که یک آفاق صاف و آفتابی ظریف و قشنگ است. چیزیکه از همه مهمتر است دیدن این همه مظاهر و مناظر از طرف یک پشتون است یعنی ترتیب زندگی این قوم طور است که هیچ سنگی در مملکت پیدا نمیشود که یک پشتون روی آن ننشسته باشد و هیچ گلی در دشت هائی این سرزمین نشکفته است که باری یک جوان و یک دوشیزه آن را تماشا نکرده و از آن تمتع ننموده باشد.

ازین گفته ها مراد ما دو چیز است یکی آنکه طبیعت این سرزمین دارای همه جلوه ها و از طرف دیگر همه جلوه ها مورد استفاده روح و احساس واقع شده اند در حقیقت طبیعت خود شعر و خود شاعر است و اینکه شاعری اشعار نیکو و طبیعی را مال و محصول خود میداند برای آنست که بیشتر مردم را فهمانیده است که خود او که جز قریحه و استعداد شعری خود نیست در زندگی روح و احساسات و عواطف محصول طبیعت خود است. باین ترتیب طبیعت سرزمین پشتون که شکوه و عظمت، هیمنه

وجلال آن واضح و ظرافت و فشنگی جمال و زیبایی آن شاهد حسن جلوه و کمال آن است زیباترین و کامل‌ترین اشعار را بوجود آورده است. حالا می‌آئیم باینکه این طبیعت فشننگ زیبایی خود را به چسان کسی اهدا کرده است.

روح پشیتون؛ روحی که نجات نژادی، قدامت تهذیب و کلتور، (درین باید تذکار نمود که پس ماندگی حیات مادی دلیل بر پس ماندگی روح نیست و حرف ما درد نای دیگری غیر ازین دنیا نیست که کمان را از تفنگ فرق می‌کند) سلحشوری و حادثه جوئی، عشق و احساسات عالی، پاکی نهاد و صفای ضمیر، سجایای حسنه و خلق و ذات حسین، عاطفه و بالاخره هر نوع آزادی که برای یریدن بعوالم عالی و بلند و فضاها ی پاک و ارجمند لازم است در او موجود است.

این همه صفاتی که صورت خارجی ندارند با ساختمان ظاهری این قوم و حسن و زیبایی که در جوانان و دوشیزگان دیده می‌شود باهم آمیخته و بر اساس جلالیکه از صفا و سادگی، زهت و کمال عظمت و بزرگی، علو و تقدس آمیخته و در آغوش طبیعتی که ستودیم پرورده شده و اشعاری ساخته اند از یک طرف جمالی که مظهر قوت و نجات است از قلب یک جوان برخاسته و از طرف دیگر زیبایی که از حسن ترکیب و کمال تناسب و عفت و شرافت نمایندگی میکند از دوشیزه ظهور کرده و درین، بالا و پایین و اطراف آن طبیعتی بکمال جوار افتیده است. این شعرها چنین طریقی بوجود آمده اند که بعقیده من صرف بوجود همه شرایط میتوان به مصرع های رنگین نام شعر گذاشت وقتی در اشعار ملی داخل می شویم عطر لاجی و لوننگ آن عطرهای طبیعی که نسیم آن دشت و کوه را پر کرده است به مشام میرسد. درین شعله های عشق آتش غزلیها زبانه می کشد. وهم چنین همه اجزای این نمیتوان چیزی در آن یافت. و این چیزها از ممیزات بزرگست که اشعار ما را از اشعار اکثر زبانها مخصوصاً اشعار خود پشیتو که از طرف شعری مقلد نوشته شده اند جدای سازد. یکی از ممیزات این اشعار است که آنها طوری که در بالا ذکر شد نماینده روح مطمئن و خوش بین، متین و معتمد قوم است. هر قدر درین اشعار جستجو شود نمیتوان اظهار عجز در مقابل آن چیزهایی که در بسی اشعار دیگر زبانها آمده اند از قبیل شکایت از چرخ، ناله از دست زمان، و گله از آسمان و ستاره ها و غیره دیده نمیشود، همین چیز ثابت میکند که روح این قوم از قدیم آفلین رادوست نداشته و به آنها قوه قابل نشده است در مقابل این همواره یک خدای مقدس تکیه گاه قلب این قوم بوده در سخت ترین دقایق بجائی متوسل شده اند که قدرت آن بالای قدرت ها و بندگی او که یگانه تسلی دهنده قلوب مجروح است بالاتر از همه چیزها است. (ناتمام)



چون متاسفانه امسال در اثر قلت کاغذ صفحات سالنامه برای مضامین طویل گنجایش نداشت و از طرف دیگر نه می‌توانستیم از مطالب خود صرف نظر نماییم لذا بامید سال نیکوتر آینده بقیه مطالب را به سالنامه دیگر حواله میدهم و من الله التوفیق. «پرواک»

# کارخانه ها در افغانستان

نگارنده: شاعلی محمد قدیر « تره کی »

شعبه صحافت مدیریت عمومی پښتو ټولنه به مناسبت توجه و حسن نظری که به دوستدار دارند تقاضا فرمودند برای (د کابل کالنجر) سنه ۱۳۲۰ شان مطالعاتی نموده مقاله به عنوان فوق در سه فصل عمده: گذشته، حال و آینده حاضر دارم.

اینک منهم به تأسی فرمایش شان تاحدیکه توانستم درین زمینه مأخذی جمع و اوراق ذیل را باین مقصد به نهایت اختصار نوشته تقدیم میداریم. امید وارم طوریکه آرزو دارند مورد استفاده واقع گردد.

## در گذشته:

اولین فابریکه که در افغانستان تاسیس شد ماشین خانه ایست که در دامنه کوه آسمانی و در قسمت غربی علم گنج واقع میباشد و هنوز هم آباد و مورد استفاده است. این ماشین خانه در سنه ۱۳۰۴ هجری قمری در زمان سلطنت اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان تعمیر و در همان سنه یک عمده ماشین ها که عبارت از ماشین های خراطی آهن، ریخته گری، برمه و غیره بوده از هند وارد کابل نموده شده بدستباری یک نفر متخصص انگلیسی و بعضی عمال و ماشین کاران هندی بکار افتاد.

بعد از چندی درین ماشین خانه ماشین های دیگری را که عبارت از ماشین های تفنگ ساز و کارطوس سازی بود وارد و بکار انداختند.

غیر از ماشین های فوق الذکر درین فابریکه ماشین های اره کشی و نجاری برای اقسام کارهای نجاری ساخته شده و مورد استفاده قرار داده شد.

رویهمرفته متدرجاً ماشین خانه وسعت یافت و دران هرگونه ماشین هاییکه بکار اعمال لوازم حربی میخورد از قبیل ماشین های کارطوس سازی و ماشین های بزرگ خراطی آهن و سوراخ نمودن و رخ کشی توپ و ذخیره نمودن بخار بادیگه های آن و چکش های بزرگیکه

بذریعۀ قوۀ بخار حرکت میگردند ، ماشین های کفش دوزی و سراجی و ماشین های ضرب سکه و ماشین های دباغی و ماشین های اعمال لوازم و آلات زراعت و باغبانی و کور های گداز فلزات و ماشین های ساختن شمشیر و پر کردن کار طوس و ریختن و ساختن نارنجک و غیره وجود داشته مصروف کار و تولید بودند .

### طرز کار :

درین فابریکه در ابتدای تاسیس متخصص و استادان کار اشخاص انگلیسی و هندی بودند که اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان ایشان را از هند در مواقع مسافرت خود بهند وارد کابل نمود و یا بعد از عودت طلبید . حین ورود اینها و آغاز بکار یک عده اشخاص افغانی هم بایشان بکار افتادند و در مدت کمی اشخاص مذکور درین راه تجربه و مهارت خوبی بدست آوردند بجدی که اکثر استادان کار و کار فرمایان ماشین خانه گردیدند .

### اصول اداره :

اداره این ماشین خانه مستقیماً از طرف دولت بوسیله یک نفر آمر به عمل میامد متخصص ، استادان و عمال هم دارای معاش و مواجب بودند تهیه مواد ابتدائی ماشین و اشخاص بدوش دولت بود ازین جهت عوائد و مصنوعات فابریکه مذکور کاملاً بدولت عائد میشد ، این فابریکه در عین اینکه نخستین نشان اندوستری در مملکت بوده محیط اجتماعی و اقتصادی ملک بدان معتاد نبود معیناً ازان فوائد خوبی گرفته شد و در امور حربی افغانستان خدمات ذی قیمتی انجام داد .

### فابریکه چرم گری :

دومین فابریکه بزرگی که بعد از ماشین خانه در تاریخ صنعت ( اندوستری ) مملکت جلب دقت میکند فابریکه چرم گری و بوت دوزی است ،

این فابریکه در سنه ۱۲۸۶ شمسی هجری در زمان سلطنت امیر حبیب الله خان شهید تاسیس و بکار آغاز نمود .

این فابریکه در بدو تاسیس به مصنوعات چرم لوازم عسکری میپرداخت و بعد از آن که کارش پیش رفت کرد و عمال و کارگران آن درپیشۀ خویش مهارت و تجربه حاصل کردند به ساختن اشیای دیگری هم از قبیل : انواع بوت ها و سلیرها برای عامه پرداخت .

این فابریکه از ناحیه خدمت در لوازم چرم مثل زین ، فیضه و سائرا سباب عسکری سوار و توتپی خدمت خوبی کرد ،

### طرز کار :

درین فابریکه هم مثل ماشین خانه لوازم حربی اولاً متخصمین خارجی و سپس متخصمین واستادان کار داخلی کار را بدست گرفته خدمت نمودند .

### اصول اداره :

این فابریکه هم از جانب دولت تاسیس و بوسیله دولت بکار انداخته شد و زیاده تر برای لوازم و ما یحتاج دولت کار میکرد ؛ کارگران و عمال و متخصمین آن تنخواه خورد دولت بودند .

### فابریکه پشمینه بافی :

فابریکه مهم و بزرگ دیگر یکه در عصر سلطنت امیر حبیب الله خان شهید در کابل در سنه ۱۳۳۳ افتتاح شد همین فابریکه پشمینه بافی بود .

این فابریکه در عصر خود از بهترین و جدیدترین فابریکه نساجی دنیا بوده و در آن اقسام کشیره ها و پارچه های پشمی برای افراد ملکی و نظامی بافته میشد .

### طرز اداره :

این فابریکه در پهلوی فابریکه فوق الذکر حربی بنا یافته فابریکه مذکور از طرف دولت اداره میگردد و مامورین و ساغر افراد عمال و کارگران آن از طرف دولت موجب داشتند . درین فابریکه دستگاهای خصوصی برای رقم کردن پشم و پنبه و دستگاهای شست و شو و ماشین های خشکاندن و ماشین ندافی و ماشین فلیته و ماشین های نخ تابی و ماشین های بافت و ماشین مالش و ماشین رنگ دادن و خشکاندن تان ها و سائر آلات لازمه موجود بود . اینک فابریکه های افغانستان در گذشته عبارت از همین فابریکاتی بود که بطور مختصر عرض شد .

### فابریکه ها در عصر حاضر :

خوشبختانه همان طور یکه در عصر حاضر در هر زمینه از امور مملکت توجهات زیادی مبذول میگردد در زمینه اقتصادیات و ترقیات صنعت در مملکت هم توجه و مساعی بیشتری انجام داده می شود چنانچه از ابتدای سلطنت اعلیحضرت شهید سعید (محمد نادر شاه افغان غفر الله له) تا کنون در اکثری از رشته های صنعتی ماشین ها و دستگاهای مهم و بزرگی وارد و بکار انداخته شده و با عنقریب وارد و بکار انداخته خواهد شد و این است که فابریکه های موجوده را تا جایکه توانستیم بطور مختصر معرفی و از فابریکه ها یکه در آینده در نظر است تاسیس و بکار انداخته شود ذکر مختصری مینماییم :

### فابریکه نساجی جبل السراج :

این فابریکه از فابریکه های جدید و عصری است که در اثر مساعی حکومت خیبر و مصالح مادر ۱۳۱۶ یعنی در عصر زمامداری اعلیحضرت معظم همایونی بکار انداخته شده است .  
این فابریکه همان طوریکه يك فابریکه عصری است هم چنان چه در طرز ساختمان و چه در ترتیبات تسخین و اطفائی و چه در قسمت لوازم رفاه عمال و کارگران و سایر قسمت های خود از بهترین و عصری ترین فابریکه های نساجی میباشد .  
این فابریکه دارای تمام ماشین ها و دستگاه هایست که يك فابریکه عصری بدان مجهز میباشد چه ماشین های حلاجی ، ندافی و خاک تکانی ، ماشین های هواگرد ، ماشین نختابی ، نخ ریزی ، دستگاه های دوتاره ، دستگاه های تابیدن تار ، دستگاه آهار نخ و دستگاه بافت ، دستگاه رنگ ریزی ، دستگاه اصلاحات پارچه ، تحویل خانه پارچه ، تحویل خانه پرزه ، برق قوه بخار ، مرکز تسخین موتورهای برقی و ماشین های جگیر و رنگ ریزی را با جدیدترین سیستم و قوی ترین جنسیت دار میباشد .  
مقدار پنبه صافیکه سالانه درین فابریکه کار می شود دوصد خروار و منسوجات جیم و ترس آن سالانه دوصد و هفتاد هزار متر است .

### فابریکه نساجی پل خمیری :

این فابریکه از حیث عظمت و کمال نه در حال و نه در گذشته در مملکت ما نظیر ندارد .  
در نظر من این فابریکه از کارنامه و اصلاحات بسیار بزرگ و قیمت داریست که در عصر حاضر در زمینه ترقی اقتصادیات مملکت در تحت اوامر و هدایات ارباب دولت بوجود آمده و از ناحیه اهمیت و کمیت خدمتیکه درین جامعه انجام خواهد داد موجب نیک نامی ر جال امر و زه دولت خواهد گردید .

عمارت این فابریکه بطول و عرض ۱۷۰ + ۱۱۰ و ارتفاع ۶ متر تعمیر گردیده و قسمت های مختلفه آن برای هر شعبه از امورات مخصوصه فابریکه تخصیص داده شده است و درین فابریکه تنها در دیوارها و سقف ها ۸۰۰ تن آهن مصرف شده است .

### عده دستگاه های فابریکه :

در نظر است که در آغاز جریان فابریکه ۵۵۰ دستگاه بافت و ۱۵ هزار دوک نخ تابی بکار انداخته خواهد شد .

اگر فابریکه به همین صورت و با همین مقدار ماشین های بافت و دوک ها کار کند در ۱۶ ساعت ۳۱۵۰ متر تکه میبافد و مقدار دوهزار تن پنبه در هر سال مصرف خواهد داشت .  
این عدد رفته رفته زیاد خواهد شد تا اینکه دستگاه های بافت به ۲۲۰۰ پایه و دوک ها به

۶۰ هزار خواهد رسید زیرا عمارت فابریکه برای همین مقدار ساخته شده و ظرفیت دارد .  
این فابریکه از طرف شرکتی که موسوم به شرکت نساجی است بوجود آمده و این شرکت در سنه ۱۳۱۵ با سرمایه ۵۱ میلیون افغانی در پل خمی تاسیس شد شرکت مذکور برای تهیه مزدور و عمال فابریکه و اسکان متخصصین و ارباب امور آن به سرمایه خود یک شهر صنعتی و یک فابریکه برق و بند برق اعمار و مورد استفاده گردانیده است .

### فابریکه نساجی قندهار :

این فابریکه فابریکه نساجی پشم یابو تعبیر دیگر فابریکه پشمینه بافی است درین فابریکه ۸۹ دستگاه ماشین های متنوعه نصب شده است عمارت فابریکه مذکور در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید تعبیر شده است درین فابریکه ۸۹ دستگاه که هر کدام برای یک پشه و خدمت تخصیص یافته وجود دارد تا در نتیجه اعمال ماشین های مذکور از فابریکه موصوف تا درجه که امکان دارد استفاده گردد و این دستگاهها عبارت انداز :

ماشین پشم تکانی ، ماشین شستن پشم ، ماشین فشار پشم ، ماشین خشکاندن پشم ، خاک تکانی بعد از شستن ، ندافی ریشتن نخ خام ، تابیدن نخ ، گوت ، کلاوه ، اندازه کردن طول و عرض پارچه ، سرش و تهیه تار ، بافت ، مالش ، شستن پارچه ، فشار پارچه ، ماشین پت کشی تر و خشک ، تنظیم ، خشکاندن پارچه ، معاینه ، متر کردن ، بخار دادن و برس کردن ، قطع نمودن پارچه ، اتو ، رنگ کردن پشم و نخ ، رنگ کردن پارچه ، فشار پارچه جات رنگه و عدل بندی بصورت اتو ماتیک .

وقتی این فابریکه ابتداءً آغاز بکار نماید مجموع مقدار منسوجات او سالانه ۷۵ هزار متر پارچه بوده و تدریجاً به یک لک و پنجاه هزار متر بالغ خواهد گردید .

### فابریکه نجاری :

این فابریکه در اوائل سلطنت اعلیحضرت شهید تاسیس شده ماشین های مذکور از جدید ترین سیستم بوده و با برق کار میکند .

چون مملکت پیوسته در تمام شعب حیات مدنی پیش میرود و احتیاج مردم به فرنیچر و لوازم خانه که بصورت نفیس و زیبا تهیه شده باشد زیادت میکند لذا وجود چنین یک فابریکه در مملکت از ضروریات اولیه شمرده میشود پس بنا بر همین احتیاج و ضروریات فابریکه مذکور در عصر سلطنت اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید بوجود آمد و از آن وقت تا امروز به اعمال هر گونه لوازم و ضروریات منازل شخصی ، ادارات دولتی و غیره میپردازد و مصنوعات آن از حیث نفاست و ممانت امروز از نفیس ترین و بهترین مصنوعات است و ازین دوحیث با مصنوعات

خارج می‌تواند برابری کند و مخصوصاً سامانیکه از چوب جوز و جاغور درین فابریکه ساخته می‌شود بسیار نفیس و گران بها است .

درین فابریکه ماشین‌های از قبیل : چهار اره ، اره گول ، رنده ، رنده صفا کاری ، اره تسمه ، ماشین تیز کاری ، ماشین‌های اسکنه ، ماشین چول کشی ، ماشین رنگمالی ، ماشین افزار ، و ماشین پرکاری موجود بوده هر کدام بوظیفه مؤظف خود میبردازد ، درین فابریکه ماشین جلا دادن هم وجود دارد .

### فابریکه ترمیم موتر مربوطه شرکت سهامی :

این فابریکه باراده و تصویب هیئت مدیره شرکت سهامی تاسیس و در علم گنج بنای آن گذاشته شده و در سنه ۱۳۱۶ شروع بکار کرد و از روزیکه این فابریکه کار میکند تاکنون از حیث خوبی ترمیم و صفائی و متانت کار از هر حیث موجبات رضایت مراجعین را فراهم کرده است .

ماشین‌ها ئیکه درین فابریکه مورد عمل و کار قرار داده شده از بهترین و جدید ترین سیستم بوده ساخت سکودا می‌باشد .

این فابریکه دارای شعب ذیل است :

شعبه ماشین کاری ، شعبه قتن کاری ، شعبه الکتریک موتر ، شعبه آهنگری ، شعبه حلبی سازی ، شعبه رنگمالی و شعبه شستشوی موترها .  
هر کدامی ازین شعبات بکمال موفقیت تاکنون بوظیفه خود ادامه داده است .

### فابریکه ترمیم موتر مدیریت عمومی حمل و نقل :

این فابریکه در سنه ۱۳۱۰ در علم گنج تاسیس شد و بعد از مربوط شدن به چند وزارت بالاخره به مدیریت عمومی حمل و نقل مربوط گردید .

این فابریکه سه شعبه دارد : شعبه ترمیم ماشین و شعبه ترمیم دستی و شعبه بادی سازی .  
این سه شعبه هر کدام بتعب فرعی دیگری هم منقسم میباشد که هر واحدی از آن بیک وظیفه معین و مشخصی مشغول دارند .

این فابریکه بذریعه قوه برقی جریان دارد که مقدار قوه مذکور ۷۵۰ کیلووات دریک ترانسفر مر است .  
روپهمرفته این فابریکه هم از حیث نفاست و متانت مصنوعات خود خدمت خوبی نمود .

### فابریکه سمنت :

این فابریکه در سنه ۱۳۰۶ در شمال غربی تپه مرجان تعمیر و ماشین‌های آن توريد و نصب



د طبیی فا کو لتي او د واسازی دمکتب ریاست :

رئیس : ع ، ص رفقی کامل  
اداری مدیر : ص ، محمد آصف خان

د حقوقو د فا کو لتي ریاست :

رئیس : ع ، ص محمد علی فواد  
د نشریاتو مدیر : ص ، میر محمد ابراهیم خان عالمشاهی

د اللهیاتو د فا کو لتي ریاست :

رئیس : ع ، ص عبد الر سول خان  
د استقلال او نجات د مکتبو رئیس : ع ، ص عبد الر حیم خان  
د حبیبی د مکتب مدیر : ص ، غلام حیدر خان  
د غازی » » : » ، غلام محمد خان  
د نجات د مکتب د مدیر یت کفیل : » ، اکتر علی احمد خان  
د استقلال د مکتب معاون : » ، پاینده محمد خان  
د نجات د مکتب معاون : » ، محمد اکرم خان

د نوی کابل دار المعلمین :

تدریسی مدیر : ص ، داکتر محمد انور خان  
د دارالافامه مدیر : » ، محمد امین خان

د پغمان اساسی دار المعلمین :

تدریسی مدیر : عزتمند رمزی انجول  
اداری مدیر : ص ، عبد الر سولخان

د صنایعو د مکتبو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، نور الله خان  
د حکام د مکتب د مدیر کفیل : ص ، غلام جانخان  
د مساحت د مکتب » : » ، عبد السلام خان  
د لیک او محاسبی د مکتب مدیر : » ، عبد القیوم خان  
د تجارتی مکتب مدیر : » ، غلام جانخان

گر دیداما بواسطه عدم مواد ضروریۀ ابتدائی تا کنون ازان استفاده به عمل نیامده و موقتاً ازین فابریکه استفاده کرده خواهیم توانست که از معادن ذغال خود استفاده نماییم زیرا ماده مهم ابتدائیه آن ذغال است و متأسفانه تا کنون به آن مقداریکه فابریکه مذکور ذغال کاردارد بدست نداریم جدیت و فعالیت های که اخیراً وزارت معادن روی دست گرفته این امید را بمانی بخشد .

درین فابریکه دستگاهای متعددی از قبیل : ماشین جفله ماشین لفت جفله ، ماشین تعیین مقدار جفله ماشین گراد ، ماشین حمل و نقل ، مواد معمولی و خام ، ماشین لفت مواد خام خاک شده ، ماشین مخلوط ، ماشین آمیختن آب بامواد خام ، ماشین خشت ریزی ، ماشین لفت سمنت و ذغال ، ماشین دم آتش ، وجود دارد که بذریعۀ این دستگاهها میتوان به خوبی و موفقیت سمنت بدست آورد و بکار عمرانات مملکت برد .

### فابریکه د کمه سازی :

این فابریکه هم در عصر سلطنت اعلیحضرت شهید تاسیس شده و ازان وقت تا کنون پیوسته کار میکند و هر روزیک مقدار زیاد د کمه از شاخ و استخوان و گلریت ساخته و به نفاست کاملی مورد استفاده قرار میدهد .

درین فابریکه ماشین های جدیدی وارد و بکار انداخته شده است و ماشین های مذکور عبارتند از : ماشین نرم کردن شاخ و استخوان ، و ماشین فشار استخوان نرم شده ، ماشین مدور ساختن د کمه ها ، ماشین خراطی ، ماشین برمه ، ماشین صفا کاری د کمه و ماشین جلا .  
ازین فابریکه هم از روز جریان آن تا کنون استفاده خوبی به عمل آمده .

### مطابع :

نخستین مطبعه در افغانستان مطبعۀ لیتو گرافی است که در عصر سلطنت اعلیحضرت امیر شیر علیخان تاسیس شده که نام آن شمس النهار بود نخستین جریدۀ افغانی هم بنام شمس الاخبار از همان مطبعه نشر شده است بعد ازان در زمان امیر عبدالرحمن خان هم یک مطبعۀ دیگری بصورت لیتوگرافی تاسیس شد .

در زمان سلطنت امیر حبیب الله خان هم همین مطبعه موجود بود و بعد از چندی مطبعۀ حروفی هم تاسیس و بنام مطبعۀ عنایت شروع بکار کرد و سال دوم سراج الاخبار به ماشین حروفی طبع شد درین مطبعه از فن زنگوگرافی هم کار گرفته میشد و چند نفر از اولاد افغان ماهر فن مذکور گردیدند .

در زمان سلطنت امان الله خان مطبعۀ امان افغان به حروفی و مطبعۀ شرکت رفیق به حروفی و سنگی و مطبعۀ انیس و مطبعۀ اتفاق اسلام هرات به حروفی و بعضی مطابع سنگی

دیگری هم در برخی از ولایت ها موجود بود .  
در زمان اعلیحضرت نادر شاه بالاخره فکر تمرکز مطابع احداث و مطابع کابل در  
مطبعه عمومی تمرکز یافت و همان است که امروز در تحت اثر ریاست مطبوعات بحال فابریکه  
بزرگی کار میکنند و مطابع ولایات جزئی از آن است .

### طرز اداره :

تمام این مطابع از ابتدای تاسیس تا کنون بجز مطبعه انیس در دوره اول انیس و مطبعه  
رفیق مطابع سرکاری بوده به بودجه دولت از طرف مامورین دولت اداره میگردد و عوائد  
و مصارف آن راجع به دولت بود و امروز همه مربوط به مدیریت عمومی مطابع و تحت اثر  
ریاست مطبوعات است .

### فابریکه برق :

افغانستان یکی از ممالکی است که دران قوه برق بقدر کافی وجود داشته منتظر ترقی  
فن و بلند شدن کولتور ملت میباشد چه اگر ما روزی توانستیم یک عده کافی از باب فن و  
انجنیر های ماهر در افغانستان بوجود آوریم در همان روز ما از قوای برق که آن را در  
دنیای فن ذغال سفید میگویند استفاده کاملی نموده و صنایع خود را حسب مطلوب ترقی  
خواهیم داد .

چون افغانستان یک مملکت مستعد برای تولید قوه برق است لذا اقدام اولین برای اخذ  
قوه از برق در عصر سلطنت امیر عبدالرحمن خان در افغانستان به عمل آمد - ت چه در سنه  
۱۳۱۱ قمری در افغانستان ماشین اخذ قوه برق را وارد و از آن برای تنویرات مقامات  
شاهی استفاده کردند .

بعد از آن در سنه ۱۲۹۰ در عصر سلطنت امیر حبیب الله خاں شهید اساس فابریکه برق  
جبل السراج گذاشته شده و در سنه ۱۲۹۸ مورد استفاده قرار یافت .  
این فابریکه در ابتدای تاسیس دارای سه پایه ماشین جنرتیر بود که از کامیانی جنرال  
الکتریک امریکا خریداری و نصب شده بود .

در زمان اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید غفر الله له اصلاحات زیادی در این فابریکه به عمل آمد  
ماشین ها سابق فابریکه در حدود ۱۲۰۰ قوه اسب بوده و بعد در عصر اعلیحضرت همایونی  
محمد ظاهر شاه یک پایه ماشین دیگری که دارای ۱۲۰۰ قوه اسب است از فابریکه زیمنس  
خریداری و بکار انداخته شده است سال گذشته باراده دولت تمام فابریکه های برق تمرکز  
داده شده و به شرکت بریشتا م. بوط گردید و امروز وضعیت آن ها چنین است :

مختصر معلومات راجع بفابریکات تولید برق مربوطه د برېښنا لوی شرکت :

### الف فابریکه تولید برق وردگ :

فابریکه تولید برق وردگ بحيث عمومی یکفابریکه جامع وعصری بوده وواحد همه وسایل تخنیکي والکتريکي امثال بنديخته وخامه نهر فورېن پر چاوه یخ پاپلین ستیشن هوایی وغیره میباشد. فابریکه تولید برق وردگ دارای (سه) جنریترو هر کدام بقوه (۱۱۰۰) کیلووات بوده ومجموعاً ساعت (۳۳۰۰) کیلووات اوربرق اشتهاى تولید کرده ميتواند . پس ازان که جنریتروها توسط آب گردش وبرق تولید مينمايد توسط لينهای (۴۴۰۰۰) ولت به سب استیشن دهنزنگ واصل وتوسط ترانسفار مرهايکيه انتصاب یافته بقوه (۲۲۰۰) (۳۸۰) و(۲۲۰) ولت تعديل وقسیم میگردد .

### نو ت :

جنریتروها وغیره آلات واپاراتهای فابریکه تولید برق وردگ يكقسمت آن که دران (سه) جنریترو مکمل است باسویچ بورد ستیشن درهوای آزاد) شامل میباشد ازفابریکه زیمنس شوکرت المان ویکجسه آن که دران (سه) توربین این رقم فرانس شیرال میباشد) از فابریکه هایدن هایم المان میباشد .

### ب فابریکه تولید برق جبل السراج :

فابریکه تولید برق جبل السراج که درعصر خود ازجديدترین فابریکات تولید برق بوده دارای (چهار) جنریترو که سه آن بقوه (۵۰۰) کیلووات ویکدیگر آن به (۹۰۰) کیلووات ومجموعاً ساعت (۱۲۰۰) کیلووات برق تولید مينمايد . قوه برق جبل السراج نیز توسط لين (۴۴۰۰۰) ولت به سب استیشن ماشین خانه توصول کرده وذریعه ترانسفار مرها بولت (۲۳۰۰) و(۲۲۰/۲۸۰) ولت تعديل میگردد .

### ج ماشین تولید برق دیزلی احتیاطی :

ماشین تولید برق دیزلی دارای (۳۰۰) اسب قوه بوده وعندالافتصاء بکارانداخته میشود .

### فابریکه برق قندهار :

فابریکه برق قندهار نیز دارای يك جنریترو (۳۰۰) کیلووات بوده که بقوه آب گردش میکند وتوسط لين هوایی (۲۰۰۰۰) ولت ازخود بابا ولی صاحب تاشهر قندهار برق آورده ودر آنجا توسط سب استیشن به برق (۲۲۰۰) ولت و(۲۲۰/۳۸۰) تبدیل میشود .

### فابریکه گوگرد سازی :

این فابریکه در ۱۳۰۶ تاسیس و ماشین های آن از جرمنی وارد و بکار انداخته شده است :  
این فابریکه دارای ماشین هاگی از قبیل ماشین اره ، ماشین ورق کشی ، ماشین تقطیع ، ماشین  
برش ورق ، ماشین سرپوش سازی ، ماشین ساختن قطی ، ماشین سرش کردن کاغذ مارک قطی ،  
ماشین وصل کردن قطی ، ماشین مالش چوب گوگرد ، ماشین غربال چوب گوگرد ، ماشین ترتیب  
دادن چوب ، ماشین پر کردن قطی ، ماشین بیرافین ، ماشین مصالح زدن سرچوب ، ماشین ترتیب  
دادن چوب ، ماشین برکاری ، ماشین مصالح زدن دوطرف قطی ، ماشین مخلوط کردن مصالح ،  
ماشین بایلر بخار ، ماشین درجن کردن ، موترهای برقی ، و ماشین بسته کاری .  
این فابریکه از ابتدای تاسیس تا زمانیکه ملی شده بدست شرکت داده شد از طرف دولت  
و به نفع و ضرر دولت کار کرده مامورین و عمال آن مواجب خور بودند ولی اکنون ملی شده است .

### جریان جدید در فابریکات دولت :

از دو سال باین طرف در قسمت صنایع مخصوصاً صنایع اندوسترى مملکت جریان تازه دیده می شود  
که این جریان عبارت از ملی گردانیدن (ناسیونالیزه) فابریکه هاگی است که سابقاً مال دولت بوده  
از طرف دولت بوسیله مامورین دولتی اداره میشد .

تا جائیکه نگارنده خبر دارد این اقدام دولت يك اقدام بس حکیمانه و مولودنیات وافکار  
عالی و حسن نیت کامل اولیای اموراتقتصادی و سیاسى وادارى مملکت میباشد زیرا :

در تمام معاملات و امورات اقتصادی وضعیتی ازدو سه قرن باین طرف دوجریان فکری یابہ  
تعبیر دیگر دو فلسفه اقتصادی موجود است که یکی آن طرفدار آزادی مطلق اعمال و امورات  
اقتصادی وضعیتی بوده میگویند دول نباید به هیچ صورتی از صور به اعمال اقتصادی مداخله کند  
زیرا مداخله دولت در امورات اقتصادی جریان طبیعى امور را برهم میزند مدافعین نظریه دوم عقیده  
دارند که دولت باید بنا بر خیر و مفاد عامه و جلوگیری از بی انصافی و فشار اقویا برضعفا در معاملات  
تا درجه مداخله نماید که اجرای آن از عهده افراد ساخته نباشد و یا در اجرای آن بیم  
بی عدالتی برود .

این دو فکر که اولی را مکتب آزاد انگلیس و دومى را مکتب اتانیست ( دولتی ) آلمان تمثیل  
میکردند مدت زیادی در عالم علم مصروف بحث و فحص بودند و سیاسيون و ارباب امور اقتصادی  
دول بعضاً یابند نظریه اول و برخی طرفدار دوم شدند و این مناقشه هنوز هم ادامه دارد جز اینکه  
امروز فائزیت ازان اتانیست ها است .

رویه مملکت ما هم خوش بختانه از روی علم و اطلاع طرح شده زیر ادولت میخواهد در اعمال

اقتصادی تاحدی مداخله وباموری دست بگذارد که اجرای آن امور از طرف افراد ممکن نباشد و بای انصافی وی عدالتی دران متصور باشد ومیل دارد که هر شعبه صنعت زاتا اندازه که آن شعبه خود میتواند بیا استاد ه شود دولت اداره کند وهمینکه شعبه مذکور مستعد حیات وبقای مستقلانه گردید آنراطوریکه در ذیل مطالعه میفرمائید ودولت از سنه ۱۳۱۹ باین طرف باین اقدام فرموده است بدست مؤسسات خصوصی می سپارد .

در سنه ۱۳۱۹ همینکه دولت دید بعضی از مؤسسات جان گرفته و پس ازین میتواند بکارهای خود مستقلانه به پردازد بعضی از فابریکه هارا به اشخاص و شرکت های ملی و خصوصی وا گذاشت . مؤسساتیکه باین صورت به اشخاص ومؤسسات خصوصی داده شده حسب ذیل است :

۱ : - فابریکه برق جبل السراج

۲ : - » » یغمان وجلال آباد

۳ : - » » قندهار

۴ : - » » دیرل

۵ : - » » چک وردک به شرکت سهامی برق وفابریکه نساجی جبل السراج به فابریکه نساجی بل خمری وفابریکه بوت دوزی وچرم گری وفابریکه صابون سازی وفابریکه گوگرد فروخته شد وفابریکه پشمینه بافی وشرکت نساجی برای پنج سال اجاره داده شد وفابریکه های نجاری دارالفنون وفابریکه خواجه ملا بالای شرکت حجاری ونجاری فروخته شد .

فروش واجاره دادن فابریکه های فوق الذکر نشان میدهد که دولت امروز در زمینه فابریکه ها وسائر صنایع ماشینی رویه بس مفید وحکیمانانه را تعقیب مینماید وامید است ازین اقدامات خود فوائد خوبی که در تمام دنیا از چنین اقدامات گرفته می شود بگیرد . غیر از اقدامات جدیانه فوقیکه خوشبختانه حکومت بهربان ما در زمینه ترقی صنعت ماشینی در افغانستان فرموده وآنرا در فوق بطور بسیار مختصر مطالعه کردید در مرکز وزارت اقتصاد ملی يك اداره تشویق وترویج صنایع ماشینی هم روی کار آورده است که این اداره برای فابریکه های موجوده وآینده مملکت خدمات ذیل را به عهده دارد .

۱- تسهیلات لازمه برای فراهم نمودن مواد خام خارجی واگر ضرورت افتد مواد خام داخلی .

۲ : - تسهیلات لازمه برای فراهم نمودن لوازم فابریکات از قبیل ماشین ها ، پرزه ها وآلات وغیره .

۳ : - تسهیلات برای استخدام متخصصین خارجی .

۴ : - تسهیلات برای تهیه بازار فروش ونقاط مختلفه مملکت ورهنمائی نمایند گیها ئیکه در خارج مملکت می باشند .

۵ :- اخذ تدابیر لازمه برای ترقی تدریجی فابریکات وضعت تجدید اصول کار ، تمثبات لازمه از طرز اصول کار ممالک همجوار و خارجی ، تطبیق و عملی ساختن آن در حدود ممکنه و تقاضای محیط در داخل مملکت .

۶ :- سنجش و در یافت وسائل ممکنه بغرض تجدید تدریجی واردات خارجی و توسعه دادن صنایع داخلی .

۷ :- معاونت های فنی ، اداری و حساسی مؤسسات صنایع ملی .

### فابریکه شکر بغلان :

یکی از فابریکه های مهمی که از طرف بانک ملی در این اواخر تاسیس شده و بار سال بکار انداخته شد فابریکه شکر بغلان می باشد .

این فابریکه که در سنه ۱۳۱۷ اساس گذاشته شده و در سنه ۱۳۱۹ افتتاح گردید به نتیجه متصوره و مطلوب منجر شده است .

این فابریکه دارای هزار جریب زمین برای زراعت لبلبو که ماده مهم ابتدائی شکر است میباشد و محصولات لبلبوی این اراضی را سنجیده شده است که برای دوماه فابریکه کفایت نماید و در ظرف ۲۴ ساعت درین فابریکه شش صد تن لبلبو مصرف میشود .

این فابریکه هر ساله دوماه فعالیت خود را در پائیز سال که وقت محصول لبلبو است آغاز میکند . این فابریکه بغلان را یک شهر صنعتی مهم و بزرگی قرار داده و امید است ازین فابریکه بلندتر از آنچه اولیای مصلح دولت تصور کرده اند نتیجه گرفته شود .

### طرز کار :

درین فابریکه مامورین ، متخصصین و عمالیکه کار میکنند به حساب نفع و ضرر شرکت سهامی ملی افغان بوده و دوات داران زائد از سهم قانونی خود که در شرکت دارد دخلی ندارد .

از طرف شرکت بمامورین ، متخصصین و عمال مذکور هر گونه سهولت و وسائل رفاه آماده کرده شده است .

مامورین و عمال عموماً داخلی و متخصصین بعضاً خارجی بوده است .

باین طرز مقبول و معقول اداره امید است ازین فابریکه فوائد زیادی بدست آورده شود .

### دینستو قومی فابریکه :

این فابریکه در سنه ۱۳۱۷ تاسیس شده است این فابریکه یک فابریکه نساجی و ماشین های آن عبارت است از ماشین های بافت ، چرخ های نخ بازن ، ماشین های یت کشی برای منسوجات پشمی ، ماشین دکمه سازی و ماشین های خیاطی است .

درین فابریکه هرگونه البسه مردانه ، زنانه و بچه گانه باجدیدترین و بهترین طرز از یشم بافته شده به معرض فروش گذاشته میشود .

### طرز کار درین فابریکه :

اساتید کار ، عمال و مامورین این فابریکه عموماً مواجب خور صاحب مؤسسه بوده دولت دران مداخله ندارد .

### شرکت امید :

این شرکت در سنه ۱۳۱۱ تاسیس ومظهر معاونت خاص اعلیحضرت شهید محمد نادر شاه افغان گردیده بوسیله تشویقات شاهانه این مؤسسه را قوت بخشیدند .

سرمایه ابتدایه این شرکت هفتاد هزار افغانی بوده وبصورت سهم بشکل یک شرکت کوماندیت دایر گردیده است .

این شرکت هم اساساً یک شرکت نساجی و دارای فابریکه نساجی میباشد ومنسوجات آن عبارت از پارچه های هررقم از یشم ، نخ و ابریشم میباشد .

چیزیکه از همه مهم است که ماشین های این فابریکه همه چوبی واز ساخت وطن است .

### طرز کار :

مامورین ، عمال و تمام اعضا واجزای این فابریکه و شرکت هم تنخواه خور شرکت امید وبه نفع وضرر مؤسسه مذکور کار میکنند .

### فابریکه نساجی شرکت نجات :

این فابریکه که یک فابریکه نساجی است در سنه ۱۳۱۱ تاسیس ومظهر الطاف شاهانه اعلیحضرت شهید شده به شرکت مساعدت بزرگی فرمودند تا باعث بقای موسسه نو زاد مذکور گردد .

درین فابریکه هم انواع و اقسام کشمیره های خط دار و ساده و چهار خانه ، تسر و جیم و غیره بافته می شود .

### طرز کار :

درین فابریکه هم طرز کار ملی و غیر دولتی بوده مامورین عمال وسائر اهل پیشه آن تنخواه خور موسسه مذکور میباشد .

### فابریکه میوه شرکت پنبتون :

این فابریکه در سنه ۱۳۱۶ بسرمایه شرکت پنبتون قندهار تاسیس شد .



این فابریکه با عمال انواع مصنوعات میوه و شرینی پرداخته و آن ها را به بسیار نفاست و سترگی بدست رس عامه میگذارد و چون حیات مدنی روز بروز کسب نفاست مینماید میتوان گفت که خدمت این موسسه در اقتصادیات مملکت بسیار مهم و بزرگ میباشد. طوریکه گفته شد این فابریکه بهمت شرکت پنتون و سرمایه آن بوجود آورده شده است ازین جهت تمام مامورین، استادان و عمال آن از طرف شرکت موجب خور بوده دولت در آن مداخله ندارد.

اهمیت این فابریکه زیاده است و امیدواریم زیاده تر بزرگ و وسیع شده آنچه ازان انتظار برده می شود انجام بدهد.

### در آینده :

البته افغانستان میخواهد در آینده تا حدی که سرمایه و فوه کار او کفایت میکند فابریکات و بالتبجه صنایع خود را ترقی بدهد و ما برای ارائه این آرزوی دولت بهتر از پروگرام صنعتی مملکت نمونه نداریم ازین جهت در ذیل قسمت پلان صنعتی را از پلان عمومی اقتصادیات دولت درین جا عیناً اقتباس میکنیم :

### پلان عناعتی برای پنجسال آینده که از خاتمه محاربه اروپا شروع میشود:

- اول - توسعه کارخانه جات نساجی تا به سه هزار دستگاه و تکمیل آن .
  - دوم - توسعه کارخانه جات پشمینه بافی الی صد دستگاه .
  - سوم - توسعه گوگرد سازی برای رفع احتیاجات تمام افغانستان .
  - چهارم - توسعه چرگری برای پخته و تهیه نمودن چهار لک پوست سالیانه .
  - پنجم - توسعه پرزه سازی که حصه زیاد و مهم پرزه جات کار آمد ماشین خانه های افغانستان و حصه زیاد پرزه موتر را تهیه نموده بتواند .
  - ششم - توسعه تیل کشی برای هشت هزار خروار تیل که کلیه صابون کالا شوئی و یک حصه تیل خورا که را تهیه نماید .
  - هفتم - سمت سازی .
  - هشتم - کارخانه سودا کاستک .
  - نهم - دو کارخانه جدید قند سازی .
  - دهم - کارخانه های برق در کابل و خان آباد و قندهار ، تهیه پول برای صنایع فوق .
- اول شرکت نساجی :- سرمایه آن از پنجاه و پنج ملیون بدو صد ملیون توسعه داده شود

به تفصیل ذیل : شروع از سنه ۱۳۱۹ اسهام شرکت نساجی را خریداری نمایند .

بانک حکومتی	۴ ملیون افغانی
بانک ملی	۳ ملیون افغانی
شرکت پنبه	۲ ملیون افغانی
از قره کلی جلدانه	۳۵ ملیون افغانی

شروع از سنه ۱۳۱۹ هر تاجر یکه مال صادر میکند و مال مذکور تحت تادیه محصول می آید از هر دو افغانی محصول . یک افغانی سهم نساجی را خریداری کنند . توضیح : شرکت قره قل و شرکت پنبه و شرکت قند و شکر و موتر که تادیات جدا گانه دارند ازین اشتراك مستثنی قرار داده میشوند .

شروع از ختم محاربه اروپا که قیمت اموال وارداتی تنزل خواهد نمود هر تاجر یکه بابت مال وارداتی ( باستثنای قند و شکر و بطرول موتر ) ده افغانی محصول گمرک تادیه مینماید یک افغانی سهم نساجی میخورد بانک حکومت یک کریدت بانکت پولی پانزده ساله در حین پنجسال اول به اساس قرار متخذ بانک : سالانه چهار ملیون افغانی برای شرکت نساجی مفتوح میکند و در وقت ضرورت شرکت در تصرف آن میگذارد که مجموع آن بیست ملیون شود . دوم - سرمایه شرکت قند سازی به پنجکروور افغانی ( ۵۰ ملیون ) ترقی داده میشود به تفصیل ذیل :

سرمایه موجوده تخمیناً	۳۰ ملیون افغانی
شرکت پنبه در پنجسال	
آینده فی سال دو ملیون	۱۰ ملیون افغانی
در پنجسال سهم فروخته میشود	۱۰ ملیون افغانی
جمله	۵۰ ملیون افغانی

در وقت احتیاج با ساس ماده متذکره از بانک ( دافغانستان ) سالانه الی ( پنجسال ) دو ملیون افغانی هر ساله - قرضه پانزده ساله اخذ کرده میتواند که مجموع آن ده ملیون میشود . سوم - شرکت پرزه فروشی بردوش شرکت موتر گذاشته شود زیر سرمایه شرکت موتر به ده ملیون افغانی ترقی مییابد .

چهارم - شرکت چرمگری بردوش حاجی غلام حیدر خان وغیره . شرکت گوگرد سازی بردوش عبدالعزیز خان تاجر وغیره .

شرکت فابریکه سودا کاستک . شرکت پنبه ، شرکت سمت سازی بعد از بدست آمدن ذغال سنگ در آینده تاسیس میشود .

پنجم - برای پشمینه بافی دو شرکت تاسیس میگردد یکی در کابل و دیگر در قندهار شرکت کابل بردوش حاجی محمد رفیق خان وملا پیر محمد خان وحاجی عبدالرحمن خان وغیره گذاشته میشود که يك کارخانه مکمل شامل چهل دستگاه میخانیکي پشمینه بافی دایر نمایند شرکت قندهار بذریعۀ شرکت وطن وحاجی عبدالخالق خان اداره میشود .

ششم - برای امور صناعت چرمگری - گوگرد سازی پشمینه بافی وغیره صنائع ، بانک « دافغانستان » يك کريدت پنج الی هفت ساله که سالانه الی ۲۵۰ میلیون افغانی باشد مفتوح میکند ودر پنجسال اول باساستصویب وزارت اقتصاد کارخانه داران فوق باساست ماده ( ۴ ) تکت پولی و ( ج ) اصول فرضۀ پروژه از آن استفاده کرده میتواند مجموع ۱۲۵۰ میلیون افغانی ،

هفتم - وزارت معارف درسنة ۱۳۱۹-۶ نفر ودرسنة ۱۳۲۰-۱۰ نفر ودرسنة ۱۳۲۱-۱۵ نفر بعداً همه ساله ۲۵ نفر شعب متفرقه شق صنائع متعلمین اعدادیه را به مشورۀ وزارت اقتصاد جهت تعلیمات عالی به اروپا اعزام میدارد .  
پلان تولید قوۀ حرارت و برق :

### اول ذغال سنگ :

ذغال سنگ بهر قیمت وزحمتيکه باشد بایست معدن ذغال شه شولنگک وباقریب وجوار آن را بکار بیندازیم واین نکته قابل ذکر است که ما به يك نقطۀ رسیده ایم که هیچ يك قدمی بطرف پیشرفت وسیع عمرانات وصنائع بر داشته نمی توانیم تا دارای ذغال سنگ نگر دیم و ذغال سنگ نه اینکه آنها برای عمرانات وصنائع ضرورت دارد بلکه امروز از نقطۀ نظر زراعتی وسرسیزی مملکت نیز دارای اهمیت گردیده وبدین جهت بایست وزارت محترم معدن را مکلف ساخت که الی اواسط سنة ۱۳۲۱ کار معدن ذغال وسرک دوآب را الی معدن خاتمه داده ودرسنة ۱۳۲۱ ده هزارتن حاصل وسالهای مابعد هر ساله ده هزارتن بر تولیدات ذغال بیفزاید ووزارت معدن به اختیارات کامله ولا محدودی هر اقداماتی را که لازم دارد اجرا بدارد که امور کار گرفتن معدن ذغال وسرک الی دوآب الی ماه اسد ۱۳۲۱ خاتمه یافته مسئول تهیه ده هزارتن ذغال درسنة مذکور بگردد . مصارفیکه برای این کار لازم میشود از مدارک ذیل تادیه شود .

وزارت مالیه تهیه نماید

درسنة ۱۳۱۹	۱	ملیون
درسنة ۱۳۲۰	۵	ملیون
درسنة ۱۳۲۱	۵	ملیون

- د بنغو د لیسې مدیره : مادام فریسه  
 معاون : ص، عبد الباقي خان  
 د بلدي د منطقي مدير : « ، قربانعلي خان  
 د پست او تلگراف د مکتب مدير : « ، محمد کریم خان  
 د پرستاري د مکتب مدير : « ، فدای احمد خان

⑨ ⑩ ⑪

## د ملی اقتصاد وزارت

- وزير : ع، ج، ا، ع عبدالمجید خان  
 لمړی معين : ع، ص محمد اکرم خان  
 دوهم معين : « ، غلام غوث خان

### د گمرکانو عمومي مدیریت :

- عمومي مدير : . . . .  
 د گمرکانو مدير : ص، حبيب الله خان

### تجارتی عمومي مدیریت :

- عمومي مدير : ع، سيد احمد  
 علي شاه خان

د شرکتو او کريدت

- مدير : ص، محمد صديق خان

خارجہ تجارتی

- مدير : « ، محمد حسن خان

د تجارتی احصائی

- مدير : « ، عبدالکریم خان

- ع، مير ضياء الدين خان :

- ع، محمد نعیم خان :

- ص، عبدالغفور خان :

- ص، غلام محی الدين خان :

- ع، پاینده محمد خان :



ع، ج، امر عالی نبيان عبدالمجید خان د ملی اقتصاد وزیر  
 S. Ex, Abdul-Madjid Khan ministre  
 de l'économie Nationale

د تجارت د اطاق عمومي مدير

### د صناعاتو عمومي مدیریت :

عمومي مدير

د قوانینو مدير

د لاسی خانگی مدير

د ناقلینو د عمومي مدير کفیل

وزارت واید عا، ازم دارك جدید تهیه كند .

۱	ملیون	مجموع	۲	ملیون
۱	ملیون	۵	۲	ملیون
۱	ملیون	۳		ملیون
جمله	۷/۵	ملیون		

و بر علاوه مبلغ فوق آنچه ماشین برای استخراج ذغال لازم شود وزارت اقتصاد در تهیه يك كريت خارجی یا داخلی برای وزارت معدن داخل اقدامات خواهد گردید. که بموع پنجسال آن ماشین ها بقرضه خریداری شود و وزارت ازم دارك فروش ذغال در مدت پنجسال فروض خود را واپس تادیه خواهد نمود .

### دوم - برق :

برق امروزه اینكه از نقطه نظر تئوريات جزو زندگانی مدنی يك ملت محسوب میشود بلکه برق آله محرکه تولیدات صناعت مملكت است كه بدون دارائی قوه برق یا بخار نمیتوان هیچيك چرخ کدام ماشین را دور داده و اگر ملاحظه مائیم كه همچنان كه در قرون وسطی اقتصاد یرن زراعت را تنها وسیله زندگانی بشر میدانستند چه اینكه زندگانی بشر بدین خوراك مداومت نمیتوانست و خوراك هم بدون زراعت بدست نمی آمد امروز اقتصاد یرن زندگانی مرفه يك ملت را وابسته صناعت میداند . چه اینكه ملل بی صناعت دارای استقلال اقتصادی نبوده محتاج ممالك صنعتی ند اگر ما این نقطه نظر را اهمیت بدهیم البته اهمیت صنائع در حیات ملت بما واضح خواهد گردید و صناعت را ( بعد از اینکه پول و افراد کارگرو متخصصین و مواد خام پیدا نمودیم ) باز هم نمیتوان بدون قوه برق یا بخار عملی نمود . ازین نقطه نظر لازم است كه ما به برق خاص از نقطه نظر اهمیت صناعتی بان نگاه کنیم و تشکیلات آنرا از روی همین احتیاج توسعه بدهیم اینك وزارت اقتصاد بموجب دلائل فوق برای تشکیلات و توسعه این شعبه اهمیت درجه اول را فائز گردیده پیشنهاد ذیل را تقدیم میدارد .

۱ - : دائره برق بیک شرکت سهامی تبدیل و بریاست آن آقای غلام محمد خان انجنیر انتخاب شود .

۲ - : سرمایه این شرکت چهل ملیون افغانی تعیین گردد .

۳ - : حكومت كسارخانه های موجوده برق خود را بادیزل ها و جمیع سامان دیگر قیمت نموده عوض سهم سالهای آینده خود به ( دافغانستان بانك ) بدهند « دافغانستان بانك » هفتاد و پنج فیصد اسهام شرکت برق را خریداری نماید و بقیه اسهام را در معرض فروش بگذارد .

۴ - : شرکت تئوريات نیز بشرکت برق مربوط گردید و به اندازة سرمایه مذکور اسهام شرکت برق و صاحبان اسهام تئوريات داده شود و هرگاه بعضی از شرکاراضی به معاوضه

اسهام جدید نباشد اسهام شان با اساس امتیاز نامه شرکت تنویرات نقد مسترد گردد .

۵ - : انحصار برق در کل افغانستان بشرکت برق وا گذاشته شود با استثنای موارد ذیل هر شخص جهت محصول برق یا قوه بخار در افغانستان جهت مصرف کارخانه خود آزادانه اقدامات نموده و آنرا حاصل نموده میتواند با اساس شرائطیکه در ذیل ذکر میشود :

الف - : پلان و پروژه خود را بشرکت برق جهت اطلاع میفرستد .

ب - : هرگاه يك حصه قوت برق مذکور غیر از مصرف کارخانه بکارخانه داران دیگر و یا تنویرات غیر کارخانه و ملحقیات آن بفروش میرسد درینصورت پنج فیصد از چهل پولیکه ازین درك عاید میشود حق الامتیاز بشرکت برق تادیه خواهد نمود .

ج - : قیمت فروش برق برای تنویر و یا کارخانه داران با اساس قیمت های تصویب و اعلان شده شرکت برق برای همان موضع افغانستان خواهد بود .

۶ - شرکت برق میتواند برای هر شخص و شرکت که خواسته باشد از نقطه نظر تجارتي کارخانه برق را دایر بدارد اما اینکار تحت شرایط مخصوصی صورت خواهد گرفت که مربوط بصدور جواز نامه خواهد بود .

۷ - شرکت برق مکلف خواهد بود که در کلیه شهر ها و ولایات و حکومتی های اعلی و یا مواضعیکه موقعیت صناعتی دارد انتظام تولید برق را بدارد و حتی الامکان ذریعه آب و درجه هائیکه ممکن نشود ذریعه دیزل و بخار خواهد بود .

۸ - قیمت برق در موضعیکه الی هشت فیصد تولید برق ذریعه آب باشد قرار ذیل تعیین میگردد و این قسمتها تغییر نه مینماید مگر به تصویب مجلس عالی وزراء :

الف - برای تنویرات و یا صناعت هر خانه و یا اداره و یا کارخانه که مصرف ماهانه آن الی سه صد کیلووات باشد فی کیلووات (۶۰) پول خواهد بود .

ب - برای هر خانه و دایره و یا کارخانه که مصرف ماهانه آن از (۳۰۵) کیلووات تجاوز نماید قیمت ۳۰۰ کیلووات اول فی کیلووات ۶۰ پول و اضافه بران فی کیلووات ۲۵ پول تعیین میگردد .

ج - کارخانه هائیکه جدیداً دایر میگردد از روز چالان شدن الی ختم سه سال اول ۲۵ فیصد تخفیف قیمت را از قیمت های معینه الف - ب این ماده مستحق میباشد .

این مختصری از تاریخچه کارخانه هائیکه در مملکت بوجود آمده و بعد ازین خواهد آمد و امید است افغانستان عزیز در زیر سایه اعلیحضرت معظم همایونی بتواند به همراهیکه درین زمینه دردل دارد واصل شود .

# آبدات و مزارات

غزنی

شباغلی علی احمد «نعمی»

طوریکه از عنوان مقاله هم واضح است موضوع بحث ما اما کن تاریخی غزنی است ولی برای آنکه مطلب بخوبی ادا شده باشد اولتر از همه نگاهی به تاریخچه خود غزنی انداخته سپس به اصل موضوع می پردازیم :

غزنی : تقریباً ۱۳ کبلو متری سمت جنوب غربی شهر کابل بین راه کابل - قندهار شهر نسبتاً کوچکی بنام غزنی وجود دارد این شهر که امروز ما آنرا نسبتاً کوچک می گوئیم همان شهر است که آوازه مدینت و شکوه و عظمت تاریخی آن از قرنهای بگوش همگان رسیده است این شهر علاوه بر آنکه یکی از بلاد تاریخی مملکت می باشد از زمانهای بسیار قدیم از نقطه نظر تجارت، لشکر کشی و موقعیت جغرافیائی اهمیت بزرگی را حائز بوده است . چون نظری بگذشته این بلده با عظمت و جلال باستانی و صن می افکینم آنرا صحنه گذارشات گوناگون می یابیم یعنی گاهی مرکز امپراطوریهای بزرگ و زمانی آشیانه بوم و زباغان بوده است .

اگرچه تاریخ قدیم غزنه بکلی تاریک است ولی با آنهم در اکثر کتب و ماخذ جغرافیائی و سفرنامه های سیاحین از منته خبلی دورنامی از آن دیده می شود . قدیم ترین مدرک که برای اولین مرتبه ذکری از غزنین در آن رفته «اوستا» است که آنرا بنام «کخره» Kakhra یاد میکند سرزمین «کخره» سیزدهمین زمین خوب و مقدس اوستائی است که آنرا بعضی از مدققین عبارت از کرکک غزنی میدانند . دار مستتر مستشرق فرانسوی اینجا را در خراسان و یا در غزنی قرار میدهد (۱)

بعضی ها آنرا «گازا کای» بطیمونس و برخی دیگر گوزاس Gozas جغرافیه نگاران قدیم یونانی میدانند . ولی این حدسیات هنوز بخود حقیقت قطعی بیدانکرده اند (۲) «هوان تسانگ» زائر معروف چینی که بمقصد زیارت اماکن و دیرهای بزرگ و تحصیل کتب و آثار باقیه بودائی یکه و تنها بعزم دیار غربی یعنی آریانا و هند از چین حرکت کرده (۶۲۹-۶۴۵ عیسوی) از راه تاشکند و سمرقند و ایالات

(۱) مدینت اوستائی اثر شباغلی احمد علیخان «کهنزاد» .

(۲) شهرهای افغانستان . گرد آورده شباغلی غفورخان «امینی» که هنوز به طبع نرسیده

امپراطوری طخار، وبامیان و کوه‌های هندوکش و کابل و جلال‌آباد و پشاور داخل خاک‌هند گردید و پس از تحصیل زبان سانسکریت و فلسفه بودائی و معاینه معابد مجدداً از راه هند و افغانستان بوطن خود باز گشت نمود، درحین مراجعت از راه سمت جنوبی یعنی از راه «وانو» Vano و گومل یا از راه «بنو» «وطوخی» (۱) به غزنی وارد گردیده از اینجا به کابل آمده و از راه دره پنجشیر و کوه‌های پامیر مجدداً راه چین را پیش گرفت. این زائر چینی در سیاحت نامه معروف خویش که یکی از بهترین مآخذ برای جغرافیای قدیم افغانستان می‌باشد از غزنی بصورت مفصل سخن زده و آنرا بنام «هوسی‌نا» یاد میکند. زابر مذکور از قلمروی موسوم به «تسو کوچا» Tsu-ku-cha (تساو کوتا Tsaukutala (۲)) سخن رانده میگوید: «مساحه این مملکت قریب هفت هزار لی و از پای تخت آن که به «هوسی‌نا» موسوم است تخمیناً ۳۰ لی می‌باشد. این مملکت پای تخت دیگری هم دارد که «هوسالا» نام داشته و محیط آن تقریباً ۳۰ لی است، (۳) این هر دو پای تخت طبعاً مستحکم و متحصن اند، کوه‌ها وادیهای آن متوالی بوده و درین آنها میادینی افتاده که برای زراعت موافق می‌باشد. زمین در موفش کشت و زراعت می‌شود گندم زمستانی بمقدار فراوان میرود. بته و درخت باقسام متنوعه دارد و گل و میوه آن وافر است.»

غزنه یا غزنین که عبارت از غزنی امروزه باشد با وجود موجودیت باستانی خویش تا زمان امپراطوری بزرگ غزنویان چندان شهرت بزرگی در تاریخ نداشته و از ابتدای تاسیس این سلاله بزرگ افغان سر و صدائی پیدا کرد. اینکه کلمه غزنه یا غزنین چه وقت و چطور بروی کار آمد بکلی تاریک و مجهول ماده است. مگر چیزیکه به یقین میتوان گفت اینست که کلمه غزنه یا غزنین در عهد اسلام معروف گشته است. معنی لغوی آنرا بعضی‌ها «اول هر چیز» و برخی «چیز خوب و پاکیزه» نگاشته‌اند در میان نویسندگان و شعرای عصر محمود کبیر اول کسیکه واضحاً کلمه غزنین را در اشعار خود یاد کرده فرخی سیستانی است چنانچه در مطلع مرثیه خود که در فوت محمود کبیر سروده میگوید:

شهر غزنین نه همانست که من دیدم یار      چه افتاده است که امسال دگر گون شده یار  
ولی اکثر اشعار و مداحان، آن عصر سلطان را به نام سلطان محمود زبالی خوانده‌اند یعنی

(۱) شهرهای قدیم افغانستان، گرد آورده بباغلی غفور امینی که هنوز به طبع نرسیده و نسخه آن به مدیریت عمومی تاریخ محفوظ است.

(۲) کنگهم مملکت تساو کوتا را عیناً همان سرزمین ارا کوزی (قندهار) نویسنده گان کلاسیک میداند. (جغرافیای هند قدیم صفحه ۴۰)

(۳) اولین کسیکه موقعیت «هوسی‌نا» را در غزنی و «هوسالا» را به هزاره جات تعین نمود موسیوسن مارتن می‌باشد.



در عرض آنکه مستقیم از شهر غزنی نام ببرند از ولایتی که در آن غزنی واقع بود یعنی از «زابل» یاد کرده اند ،

مجاهدین اعراب و مسلمین که از قسمت شمال غرب مملکت داخل افغانستان گردیده و بسوی کابل پیش آمدند از راه غزنین به اینجا واصل شدند . خلاصه در سنه ۳۵۱ هجری هنگامیکه الپتگین مملوک احمد بن اسماعیل سامانی دوازده هزار عساکر سواره امیر منصور برادر عبد الملك سامانی را در موقع بازگشت از بلخ در حدود دره بلخ شکست داد . بجانب غزنه حرکت کرد «ابوبکر لایک» حاکم آنجا را منهزم ساخت و حصار غزنی را پس از محاصره تسخیر نموده و اعلان پادشاهی کرد و شهر غزنین برای اولین مرتبه مرکز حکومت مستقل گردیده . در همین آوان الپتگین «بست» و قسمتی از سلطنت کابل را فتح نموده ضمیمه حکومت غزنی ساخت بعد از الپتگین چندین سلاطین دیگر غزنوی مانند ابو اسحاق ابراهیم و یلسکاتین و یرتگین که اول الذکر و دو نفر اخیر امرا و فرماندهان عساکر الپتگین بودند ، بر تخت سلطنت غزنه حکومت مستقل راندند . تا آنکه در زمان حکومت سبکتگین که یکی از کارمندان مقرر بامیر الپتگین بوده و بعد از مرگ یرتگین بروز جمعه ۲۷ شعبان ۳۶۶ بر تخت سلطنت غزنه جلوس نمود ، کار این شهر بالا گرفت و آوازه عظمت آن تا دور دست ترین نقاط آنها انتشار یافت . مگر یگانه کسبیکه به نام او تاریخ این بلد باستانی تا ابد افتخار دارد همانا امیر طغرل بزرگ غزنوی محمود کبیر پسر دوم سبکتگین است . این شهنشاه نامور که در موقع مرگ پدر تازه از رفع اغتشاشات نیشاپور فراغت حاصل نموده و با قوا و عساکر مظفر خویش در خراسان توقف داشت ، خبر بر تخت نشستن برادر خویش اسماعیل را گرفته از آنجا بسمت غزنی حرکت کرد و در سنه ۳۸۸ بدشت غزنی رسیده سپاه برادر خود را که برای مقابله صف آراسته بودند ، مغلوب نموده شهر را تسخیر و برمسند امیر طغوری جلوس نمود . این تاریخ را می توان از برجسته ترین روزهای درخشان کشور افغان و مخصوصاً خطه غزنی نامید . محمود جهانکشای در مدت ۳۳ سال سلطنت خویش نه تنها غزنین را بزرگترین مرکز امیر طغوری های آسیا ساخت بلکه این شهر تاریخی در عهد او مهم ترین کانون صنایع و ادبیات ، و تمرکز گاه ارباب علم و فضیلت بود . چون سلطان یک مرد علم پرور و ادب دوست هم بود فضلا و دانشمندان از هر گوشه و کنار دنیا بدربارش می شتافتند و از تشویقات و عنایاتش تمتع و بهره می گرفتند . چنانچه برجسته ترین علما و شعرای عالم شرق مانند عنصری و فرخی عسجدی ، عضائری ، البرونی ، فردوسی ، دقیقی و رودکی بدور او جمع بودند . در عصر همین شهنشاه بزرگ منش بود که بزرگترین دار الفنون در غزنه تأسیس گشت و یک عدد کتب قیمتی بها و نادر کتب خانه های بلاد مفتوحه در آن نقل داده شد .

عصر محمود کبیر نه تنها از حیث علم و ادب و جهان‌کشافی در تاریخ ما موقعیت ارجمندی را احرار کرده بلکه از نقطه نظر بناها و عمارات عالی عام المنفعه نیز یکی از دوره های فرخنده تاریخی افغانستان بشمار میرود. از بناهای عصر محمود متأسفانه جز چیز کمی باقی نمانده است زیرا بعد از او شهر غزنین چندین مرتبه مورد تاخت و تازها واقع و بکلی خراب و منهدم گشت در عرصه تقریباً دو صد و چند سال سلطنت غزنویان شهر غزنین از هر حیث معمور و آباد بود و بعد از محمود هر پادشاهی بنوبه خود دران تعمیر و آبادی کرده در تنویر اذهان و افکار عامه میکوشید از جمله ظاهرالدوله سلطان ابراهیم برادر فرخ زاد بن مسعود بن سلطان محمود، پادشاهی بود نهایت عادل و علم دوست در عصر او حوزه های زیاد علمی و بناهای مهم تاریخی تعمیر گردید. چنانچه اکثر سنگهای محراب مساجد بنام او در غزنین دیده شده و معلوم می شود که در عهد وی این شهر خیلی آباد و معمور گردیده بود. مگر چنانچه بیشتر هم اشاره شد اینهمه معموریا و بناها مورد تاخت و تازها قرار گرفت و بکلی از بین رفت. در زمان حکمداران متاخر غزنوی، غزنین دستخوش یک سلسله آفات و بلیات واقع گردید. از جمله ارسلان شاه بن مسعود، شیرزاد و ماقی برادران خود را به استثنای بهرامشاه که سلطان سنجر سلجوقی پناه برد، بقتل رسانید و میگوید در عهد اوصافقه بزرگی شهر غزنین را طعمه آتش ساخت. در همان وقت بهرامشاه بکمک سلطان سنجر غزنه را دوباره از دست برادر خود ارسلان شاه متصرف شد و در جنگهایی که بین او و زعمای غوری ظهور پیوست چندین مرتبه غزنین دست بدست گردیده بطرف خرابی پیش میرفت. تا آنکه در سال ۵۴۷ هجری علاالدین حسین غوری بهرامشاه را بکلی هزیمت داده غزنین را تصرف کرد و مقبره ها، عمارات و آبادات سلاطین غزنوی را به استثنای آرامگاه ابدی محمود کبیر و دومینار موجوده عرصه تاخت و تاز خود قرار داده شهر را آتش زد و باین عمل خود لقب جهان سوز را حاصل کرد. به اینقرار سلطنت غزنی تا سنه ۶۱۱ بدست غوریها بوده و در عهد ایشان شهر غزنی بای تخت مهم بشمار میرفت. در سنه ۶۱۲ علاالدین سلطان محمد خوارزمشاه بعد از مرگ تاج الدین یلدر که از امرا و آخرین سلطان غوریها بشمار میرود، در غزنین آمده آنرا متصرف شد و تخت و تاج غزنی تامدتی بدست خوارزمشاهیان درآمد. در سنه ۶۲۰ چنگیز خان غزنین را به سر کرده گی، روگوتای، پسر خود تملیک نموده در آن خرابیهای وارد کرد و در سنه ۶۲۴ پادشاهی غزنین و کابل و ماوراءالنهر و غیره ولایات تاحدود رودسند به چغتای خان پسر دوم اورسید و تازمان آبا قباخان (در سنه ۶۸۰ ششصد و هشتاد فوت کرده) مغلها بر غزنین تسلط داشتند، قتل و قتال و غارتگریهای چنگیز در غزنه صدمه بزرگ بر حیات مدنی شهر وارد نمود و غزنی توانست بعد ازین تاریخ چندان خرابیهای وارد نشده بخود را جبران

نماید چنانچه ابن بطوہ که در حدود سنه ۷۳۲ یعنی متجاوز از یک قرن بعد از استیلای چنگیز به غزنه سیاحت نمود آنرا هنوز بحالت خرابه زاری یافت .

در سنه ۶۶۶ آباقا خان چنگیز خانی ایالت هرات وغور و غزنه و کابل را بملک شمس الدین محمد بن ابی بکر کرت که دختر زاده ملک رکن الدین غوری بود داده و بدین ترتیب بعد از آباقا خان سلطنت غزنی تا حدود سنه ۷۸۵ در تحت تسلط سلسله کرت باقی ماند . در سنه ۷۸۵ امیر تیمور گورگان بر ایالات خراسان و هرات دست یافته به سلسله کرت خاتمه داد و بعد از وی پسرش شاهرخ میرزا پادشاه شد ( سنه ۸۰۷ ) . خراسان غزنه و کابل و قندهار و بلخ که حصه از هند هم در تصرف او در آمد . بعد از مرگ شاه رخ پسرش میرزا الغ بیگ که مانند پدر از علم و دانش بهره کامل داشت از سمرقند لشکر کشیده خراسان و غزنین را از علاء الدوله بن میرزا بایسنغر بن شاهرخ میرزا گرفت و بالاخره بدست پسر خود میرزا عبداللطیف بقتل رسید بعد از عبداللطیف که مدت سلطنتش بیش از هفت ماه دوام نکرد ابو القاسم بابر بن بایسنغر پادشاه شد و در سنه ۸۶۰ درگذشت . آنگاه سلطان ابو سعید میرزا بن سلطان محمد بن میران شاه بن تیمور از سمرقند آمده خراسان و غزنین را تاحدود هند بتصرف خویش در آورد و در سنه ۸۷۵ سلطان حسین بایقرا به میرزا یادگار محمد بن میرزا محمد بن بایسنغر که پس از سلطان ابوسعید به سلطنت رسیده بود تاخته مملکت او را مالک گردید و خود بالاخره در سنه ۹۱۱ وفات کرد .

اگرچه بعد از حسین بایقرا دو پسرش بدیع الزمان و مظفر حسین میرزا برای مدت کمی حکومت کردند ولی ظهیر الدین محمد بابر شاه بن عمر شیخ بن ابوسعید در سنه ۹۱۰ کابل و غزنین و بعد از آن قندهار و هندوستان را فتح کرده دارالسلطنت خود را به دهلی قرارداد . خلاصه بهمین نهج غزنین دست بدست گردیده مورد تاخت و تازهای زیاد واقع گردید و آخرین پافشاری که در مقابل زد و خورد های زیاد و حوادث زمانه از خود نشان داد همانا در حدود سنه ۱۲۵۵ است .

موقعیکه وزیر فتح خان بن سردار پاینده محمد خان مرحوم که یکی از مردان بزرگ تاریخی این مملکت کهسار است بدست شاه محمود بن تیمور بن احمد شاه بابای درانی در سعید آباد غزنی بقتل رسیده و درخود شهر غزنی دفن شد در بین شاه محمود و شجاع الملک برادرش و سایر سرداران مجاربه بسیار واقع گردیده و بالاخره سلطنت هرات به شاه محمود و حکومت کابل و غزنین بشاه شجاع تعلق گرفت چون شاه محمود در سنه ۱۲۴۴ درگذشت پسرش کامران در هرات پادشاه شد و امیر دوست محمد خان بن سردار پاینده خان مرحوم بر شاه شجاع مستولی گردیده اخیرالذکر بهندوستان فرار کرد و در سنه ۱۲۵۵ با فوج انگلیس مجدداً بافغانستان

آمده غزنین و کابل را متصرف شد. در همین وقت است که شهر غزنین در مقابل انگلیس چنان جنگ سخت و خونین نمود که در نزد انگلیسها تا به امروز به جنگ سنه ۱۸۳۹ معروف است. چون زاده گان آزاده این کشور کوهستانی که در سلحشوری و شهادت در بین تمام مال دنیا شهرت بی پایان دارند عرصه را از هر طرف به انگلیسها تنگ نمودند، سپاه انگلیس ناچار پس از چندی عقب نشینی اختیار کرده بارسانیدن خرابی های زیاد و بردن دروازه روضه محمود کبیر که از چوب صندل و بانقش و نگار بود، غزنین را ترك گفتند و واپس بهند مراجعت نمودند. «ریتری» Rattray یکی از نویسندگان انگلیس راجع به واقعات آنوقت کتابی نوشته و در آن میگوید که هنوز هم در آن زمان در غزنه آثار و علائم عظمت باستانی با بعضی خانه های نفیس وجود داشت. بنا علی غفور خان امینی در کتاب «شهر های تاریخی افغانستان» از کدام دائرة المعارف انگلیسی در باب این جنگ چنین نقل میکند: «قشون انگلیس از نوامبر سنه ۱۸۴۱ تا مارچ ۱۸۴۲ در غزنه تمرکز داشت تا آنکه قوای بارکزائی ایشانرا محاصره نموده بالاخره شهر را مستعمر کردند. «نات» Nott در دسمبر همان سال آنرا دوباره بدست آورد و در موقع بازگشت به امر «لارندواسن بورو» دروازه های آرامگاه سلطان را به اشتباه دروازه های سومنات باخود به هند برد.»

این بود خلاصه تاریخ شهر غزنه یا مرکز آن امپراطوری بزرگ اسلامی که در وقت محمود کبیر از عراق و بحیره خزر تا دریای گنگ و از بحیره اورال و ماوراء النهر تا او قیانوس هند و صحرای راجپوتانه انبساط داشت. اینک مایاد آنهمه عظمت و شکوه نظری برخوابه های آن افکنده در دل خاک مدفن شاهان بزرگ، روضه علمای نامور، و آثار بزرگواری نیاکان خود را جستجو می نمایم.



### مینار های غزنی:

از جمله آثار مهم دربار با عظمت و شکوه غزنویان که تا حال نسبتاً از دست برد زمانه یغماگر محفوظ مانده و بکلی از بین نرفته دو مینار بزرگ غزنی است که در محل شهر عصر غزنویان یعنی بجانب شرق شهر موجوده غزنی در مدخل دره دهه شیر تقریباً بفاصله چهار صد قدم از یکدیگر واقع می باشند. تعمیر این دو مینار در افواه به محمود کبیر و مسعود پسر وی نسبت داده شده است ولی این امر از روی کتیبه ها و نوشته جاتیکه بخطوط کوفی در خود مینار های مذکور تا امروز باقی است بکلی غلط ثابت می شود.

در مینار اول یا آن میناریکه بشهر موجوده غزنی نزدیکتر است نوشته شده:

«بسم الله الرحمن الرحيم، السلطان الاعظم ملك الاسلام يمين الدولة و امين الملة ابو المظفر

بهرامشاه خلدالله تعالی ملکه . »

این منار طوریکه از نوشته فوق هم روشن است بتوسط معزالدوله بهرامشاه که می توان او را آخرین پادشاه سلاله غزنوی خواند ، آباد شده ، میگویند این منار را بهرامشاه بیاد بود لشکرکشی ها و فتوحات خویش بهند (تقریباً در حدود سنه ۵۱۵ - ۵۲۵) تعمیر نموده است. اینکه در افواه تعمیر این منار به سلطان محمود کبیر نسبت داده شده شاید بنسبت همین کلمه یمین الدوله باشد که در کتیبه منار اول ثبت است . اگر چه قرار بعضی کتب و مدارک مانند روضه الصفا و تاریخ فرشته و همچنان مسکوکات خود بهرامشاه معلوم است که لقب بهرامشاه ، معزالدین بوده ولی حمدالله مستوفی صاحب تاریخ گزیده او را بلقب یمین الدوله یاد کرده است . لہذا میتوان گفت که در ابتدا لقب بهرامشاه یمین الدوله و بعدها به نسبت احترام از سلطان محمود که درین اوو بهرامشاه به نزد مورخین و وقایع نگاران اشتباه و مغالطه پیش نشود ، معزالدوله بوده است . در منار دوم یا آنکه بمحاذی منار اول دورتر از شهر موجوده غزنی واقع است چنین نوشته شده .

« بسم الله الرحمن الرحيم ، السلطان الاعظم ملك الاسلام علاؤالدوله والدين ابو مسعود بن ظهير الدين امير المؤمنين ابراهيم خلدالله ملکه » .

این منار چنانچه از نوشته فوق هم واضح است بتوسط علاالدوله ابوسعید مسعود بن ابراهیم غزنوی تعمیر گردیده ، و میگویند که سلطان مسعود آنرا به یاد گار فتوحات خویش در هند (حدود سنه ۵۰۰ هجری) آباد کرده است .

برخی از مورخین مانند صاحب مفتاح التواریخ و حیات افغانی و غیره در باب این دو منار غزنی شرحی نگاشته اند ولی در باب ارتفاع اصلی منارها بعضی اختلافات موجود است (۱) . چنانچه بعضی ها آنرا صد و برخی دیگر ۱۴۴ فتنه میگویند . (۲) قسمت سفلی منارها که قریب ثلث بلندی آنها بوده و از بین رفته است ، بشکل هشت پهلو می باشد . هر دو منار مجوف بوده و بواسطه نرد بان مارپیچی که امروز خیلی خراب شده ، بر فراز آنها می بر آید . در روی منارها ترئینات فشننگ و خطوط کوفی در حصص مختلفه آنها دیده می شود .

کتیبه هائیکه فوقاً آنها را نقل بالقل نشان دادیم تقریباً نزدیک به بلندترین ارتفاع موجوده منارها بر روی گنچ نقش شده و بخوبی خوانده می شود . باقی حصص منار با گنچ نقش و نگار شده و در بعض جاها ی آن آیات کلام الله شریف و کلمات تسبیح و تمجید بخط کوفی مرقوم است لیکن آن

(۱) قسمت بالائی منارها که بقول صاحب کتاب سلطان محمود مدور بشکل طبقه چهارم قطب

منار دهلی بوده از بین رفته است .

(۲) صفحه ۱۷۵ کتاب سلطان محمود مؤلفه دا کتر اظم ترجمه عبدالغفور خان امینی طبع کابل.

خط‌های ریخته و خراب شده اند. (۱) خود مینار هاهم با گنج‌چونه در نهایت استحکام تعمیر گردیده اند چنانچه از زمان مسعود و بهرام‌شاه که تقریباً نهصد سال گذشته هنوز محکم و استوار مانده اند. این هم باید نا گفته نماند که از روی بعضی علل و دلائل مینارهای فوق‌الذکر مناره‌های فتح و پیروزی بنظر نمی‌خورند چنانچه شیخ محمدرضاخان صاحب کتاب ریاض‌الاولواح میگوید که قرار گفته اهل غزنین این مینارها بجهت دیوان‌خانه عدالت بصورت نشانه ساخته شده بود که مردم دادخواه از دور دست‌ترین نقاط آن‌را دیده بدیوان عدالت پی‌برده و جهت دادخواهی خود بدان‌جا بشتابند. اما از آیات و کلماتیکه مشحون بر تسبیح و تقدیس باری تعالی بر اطراف آنها بخط کوفی مرقوم است معلوم می‌شود که مینارهای مذکور مینارهای مسجدی بوده اند. و هیچ يك چنان آیه شریفه که دلالت به فتح و پیروزی نماید موجود نیست.

### نوباغ و کاخ فیروزه یا آرامگاه ابدی محمود:

در دامنه کوه سمت مشرقی شهر موجوده غزنی بقاصله تقریباً يك میل فاصله سرسبز و زیبائی بنام روضه موجود است که در آن يك عالم عظمت و افتخار باستانی، مدفون می‌باشد. سلطان محمود کبیر در هنگام حیات پدر خویش سبکتگین باغی بنام نوباغ و کاخی به اسم فیروزه آباد کرد که موقعیت اصلی آن همین دهکده روضه است.

ولی امروز درین دهکده تاریخی جزمقبره محمود مقتدر دگر اثری از نوباغ و قصر فیروزه بنظر نمی‌رسد.

سلطان محمود درین باغ ذوق و فریحه زیبای خود را بکمال مهارت و استادی نشان داده و در آن اقسام درختان میوه دار و بی‌میوه غرس کرده بود. آبشارهای متعددی که با سنگ مرمر تعمیر شده بودند، در اطراف آن جاری بوده و فواره‌های زیاد و گلپای متنوع و معطر زیبائی و رونق آنرا دوبالا میکردند. در هر گوشه باغ صفا هائی از سنگ رخام تعمیر و برای اقسام طیور و پرندگانیکه در آن به پرواز و نغمه‌رایی بودند، آشیانه‌های قشنگ و مقبول ساخته شده بود.

درین باغ که قصر فیروزه نیز در آن کائن بود شعرای دربار محمودی گاهگاهی حضور بهم رسانیده نغمه‌ها می‌سراییدند و شعرها میگفتند. چنانچه بعضی از آنها در توصیف خود نوباغ و کاخ فیروزه هم قصاید غرائی سرانیده اند که می‌توان بصورت مفصل از چگونگی آن حدیقه و کاخ آگاه شد از جمله شاعر معروف وطن فرخی سیستانی گوید:

بفر خنده. فال و بفر خنده اختر به نو باغ بشت شاه مظفر

(۱) صفحه ۶۲ ریاض‌الاولواح مولفه شیخ محمدرضاخان سهیل (نسخه قلمی موزه کابل).

د انطباعاتو عمومي مدیریت :

- عمومي مدير : ع ، محمد زمانخان « تره کي »  
د اقتصاد د مجلي مدير : ص ، غلام دستگیر خان

اداري عمومي مدیریت :

- د عمومي مدير کفيل : ع ، عبدالشکور خان  
د مامورينو مدير : ص ، محمد هاشم خان  
د کنترول مدير : « ، عنايت الله خان  
د ترجماني مدير : « ، محمد عليخان  
د اوراقو مدير : « ، عبدالودود خان



د فوائده عامي وزارت

- وزير : ع ، ج رحيم الله خان  
معين : ع ، ص عبدالحميد خان  
: ع ، ص عبدالرحيم خان  
: ع ، ص نصر الله خان

عمومي مدیریتونه :

- د لواو بندو :  
عمومي مدير : ع ، محمد کبير خان  
د معامرو مدير : ع ، محمد اکرم خان  
د سپر کود ساتنې او  
کتنې عمومي مدير : ع ، سعد الدين خان  
د تعمير او عمومي مدير : ع ، عبدالرحيم خان  
د مصالح د تېبو عمومي

مدير : . . . . .

د کنترول عمومي مدير : ع ، غلام رسول خان

اداري مدیریتونه :

د مامورينو مدير : ص ، بدر الدين خان



ع ، ج رحيم الله خان د فوائده عامي وزير  
او د معدن د وزارت کفيل

S. Ex. Rahimullah Khan ministre  
travaux publics et Ministre  
par interim des mines

به عزم موافق به رأی منور  
بهار بهشت است مولا و چاکر  
بیای کز و بلخ را عز و مفخر  
بیای غی ریا حین او بسته تر  
بیای چو رخساره دوست دلبر  
بیای که تن گوید ایدل درین چر  
بیای در او و شمه آب کوثر  
نسیم گلاب و دم مشک اذفر  
بهار اندرو باز بینی به آذر  
ز شکل مدور چو چرخ مدور  
دلیل آنکه رضواش بنشسته بر در  
دری را از آن ماه خواند ست خاور  
در او خانه شیر گیران لشکر  
در او بزم را چند جای مشهر  
کجا جای صید است مرغان بیمار  
تذر وان آموخته ماده و نر  
دری باز کرده بیایانش اندر  
چو لفظ مطابق چو شعر مکرر  
سر کنگره بر کران دو پیکر  
در صفاها ساخته سوی منظر  
یکی همچو ارژنگ مانی مصور  
شه شرق را انداران کاخ پیکر  
بیک جای در بزم و دردست ساغر  
یکی رود آب اندر و همچو شکر  
بخوردن ز خوشی چو عیش توانگر  
نه ابراست و آوای او همچو تندر  
بیالاید اندر هوا مرغ را پر  
یکی ژرف دریا را او را برا بر

بروز مبارک به بخت همایون  
بیای خرامید خسر و که او را  
بیای کز و ملک را زیب و زینت  
بیای در ختان او عود و صندل  
بیای چو پیوستن مهر خرم  
بیای که دل گویدای تن درین چم  
بیای در او سایه شاخ طوبی  
بیای کز آب و گلش باز یابی  
بهشت اندرو باز یابی به آبان  
ز سر و بریده چو زلف بریده  
بهشت است این باغ سلطان اعظم  
دری را از آن مهر خواندست مشرق  
در او مسکن ماه رویان مجلس  
در او صید را چند جای ستوده  
کجا جای بزمست گلپای بیحد  
روان گردد بر گرد اسپر غمی را  
ز خرگاه چون بر کشاده جهانی  
همه باغ پر سندس و بر صناعت  
یکی کاخ شاهانه اندر میانش  
بکاخ اندرون صفاهای مزخرف  
یکی همچو دیبای چینی منقش  
نگاریده بر چند جای مبارک (۱)  
بیک جای در رزم و دردست زوبین  
وزان کاخ فرخ چو اندر گذشتی  
برفتن ز تیزی چو فرمان سلطان  
نه چرخ است و اجزای او چون ستاره  
اگر بگذرد بر سرش مرغ و جش  
بدینسان بیای اندرون باز بینی

(۱) در بعضی نسخه ها چنین نیز آمده : نگاریده بر چند جامر مصرر .



روان اندران کشتی وخیره ماندی	ز پهنای آن دیده آشناور
ز مینش بکر دار بیشینه کرده	کران تا کرانش بکر دار مرمر
بدو اندرون ماهیان چون عروسان	بگوش اندرون حلقه پر دروگوهر
د کانی بر آورده پهلوی دریا (۱)	بدان تا بدان می خورد شاه صفدر
.....	.....

بالاخره فرخی این قصیده خود را بعد از مدح و تمجید سلطان چنین پایان می‌رساند :

خوشا کاخ وباغی که داری بشادی درین کاخ میخوروزین کاخ بر خور

در اکثر ماخذ مانند تاریخ یمینی وغیره از دریاچه که فرخی درین باغ سخن رانده ، ذکر مینمایند . ولی وجود چنین يك دریاچه پهناور در دامنه کوهی به موقعیت دهکده روضه جندان طرف قبول واقع نمی‌شد . اخیراً بناغلی علی احمد خان شالیزی که یکی از فضلاء مرفق وطن هستند وعلاقه مخصوصی به تدقیق وروشن کردن تاریخ غزنه دارند در مقاله خود موسوم به نوباغ وقصر فیروزه که بمدیريت عمومی تاریخ موجود است ، درین باب چنین گزارش میدهند : « دریاچه که مورخین در نوباغ نوشته اند شاخه از همین دریای موجوده غزنی بوده که از سربند قر به کشک نهري به پیمانه وسیع جدائی شده است . این نهر در چندین جا از زیر کوهی گذشته و بالاخره از کنار « تپه سنجری » که بنام « گردنه سنجری » مشهور است عبور نموده به روضه منتهی میگردد . نهر مذکور در عصر سلطان محمود تماماً از خشت یخته بطور گنبدی یا ماهی پشت پوشیده شده بود ولی حالا بعض حصص آن غلطیده و اثر آن مفقود شده است . در بعض حصص دیگر که مردمان متوطن آن خشت های آنرا برای عمارت خود برده اند اثر نهر مذکور بخوبی دیده می شود . اثبات دیگری هم برای عبور نهر مذکور ازین حدود موجود است بدینقرار که از روضه الی حصه اندری به يك خط واضح و روشن ریگ دریائی افتاده و فرش است . »

بناغلی شالیزی در حصه دیگر مقاله خود از وسعت نوباغ سخن زده میگوید : « وسعت این باغ يك میل مربع بوده چنانچه مؤلف خزینة الاصفیاء مدفن رضی الدین علی لالاراجواله کتب موثوق در نوباغ می نویسد ( علی لالادر حدود سنه ۶۴۲ هجری فوت کرده و در آنوقت کاخ فیروزه ونوباغ به نسبت دست اندازی های غوریها و تپاول جنگیزی زیب وزینت خود را از دست داده بودند ) . کسانی که غزنین و آن حدود را بنظر عمیق دیده اند بخوبی از مسافه که در بین مزار علی لالو بارگاه محمود موجود است ، پهنای نوباغ را بی برده اند . »

چون سلطان محمود کبیر نوباغ و کاخ فیروزه را بسیار دوست میداشت امر و توصیه کرده بود

(۱) در بعض نسخه ها چنین هم آمده : مکانی بر آورده پهلوی دریا .

تادریان باغ دفن شود (۱). چنانچه شاید بهمین جهت هنگامیکه جهان فانی را بدردود گفت درنوباغ وقصر فیروزه دفن گردید: (۲)

مقبره سلطان ازطرف پسرش سلطان مسعود ودیگر سلاطین غزنوی آباد وترمیم گردید. ولی بعدازسقوط غزیویان الی زمان امیرحبیب الله خان شهید دگراصلاح وترمیمی در آن بعمل نیامده بود. درسنه ۱۳۲۴ هجری هنگامیکه امیرموصوف به غزنی مسافرت نموده بارگاه ابدی آن سلطان کبیرافرسوده وریخته یافت امری جهت ترمیم واصلاح آن صادر کرد. یکی از اشیای گرانهایی که در روضه محمود موجود بود دروازه چوب صندل است که ما در مقدمه مقاله انتقال آنرا بدست انگلیس ازغزنی به حصار آگره ذکر نمودیم. عباراتی که در لوح دو پهلوی مرقه سلطان نوشته شده اینست:

در يك طرف لوح بالای قبر بخط کوفی:

غفراناً من الله المیر الاجل السید نظام الدین ابی القاسم محمود بن سبکتگین غفر له.

در طرف دیگر لوح مذکور بخط رفاع:

توفی رحمه الله علیه و نور حضرت و بیض وجهه عشیه یوم الخميس لسمع بقین من شهر ربیع الاخر سنه احدى وعشرین و اربع مائه ۴۲۱

در همین سنگ دو دایره یکی در طرف پایان و دیگری در طرف بالای سر کنده شده که در آنها بخط کوفی مرقوم است:

دایره اول یعنی دایره بالای سر:

بسم الله الرحمن الرحیم ربنا اتم لنا فوراً و اغفر لنا بالنبی و آله.

در دایره پایان یا:

بسم الله الرحمن الرحیم غفرانک ربنا و الیک المصیر

در حاشیه مرتبه دوم قبر بخط کوفی نوشته شده:

بسم الله الرحمن الرحیم تبارک الذین بیده الملك و هو علی کل شی قدیر الذی خلق الموت و الحیوات لیلوکم ایکم احسن عملاً و هو العزیز الغفور الذی خلق سبع سموات طباقاً ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئاً و هو خسر و لقد زینا سماء الدنیا بمصابیح و جعلناها رجوماً للشیاطین منها خلقناکم و منها نعیدکم و منها نخرجکم تاراً اخری.

در چهار طرف دیوار مرتبه که متصل بزمین است چهار محراب کوچک بسنگ کند.

(۱) صفحه ۳۰ حکیم ثنائی طبع کابل.

(۲) صفحه ۱۳۲ سلطان محمود مؤلفه ناظم ترجمه غفورامبی.

شده که در هر کدام آن بخط کوفی این آیات شریفه مرقوم است :

در محراب اول که بطرف دروازه مدخل بقعه واقع است :

در حواشی محراب : حاشیه اول : بسم الله الرحمن الرحيم تبارك الذي بيده الملك  
و هو على كل شى قدير الذى خلق الموت والحيات  
حاشیه دوم : بسم الله الرحمن الرحيم شهد الله انه لا اله الا هو .  
میان محراب : حسبى الله و كفى .  
در محراب دوم :

حاشیه اول : بسم الله الرحمن الرحيم كل نفس ذائقة الموت و انما توفون اجور کم  
يوم القيامة .

حاشیه دوم : بسم الله الرحمن الرحيم ذوالعرش يلقى الروح من امر ربى .  
میان محراب : لا اله الا الله محمد رسول الله .  
در محراب سوم :

حاشیه اول : قل اللهم مالك الملك توتى الملك من تشاء وتنزع الملك من تشاء وتزعزعه من تشاء  
وتنزل من تشاء بيدك الخير انك على كل شى قدير . حاشیه دوم : بسم الله الرحمن الرحيم  
قل يا عبادى الذى اسرفو على انفسهم لا تقنطوا من رحمته الله ان الله يغفر الذنوب جميعاً انه  
هو الغفور الرحيم . در میان محراب : الله كافي .  
در محراب چهارم :

حاشیه اول : بسم الله الرحمن الرحيم كل نفس ذائقة الموت و انما توفون اجور کم  
يوم القيامة . حاشیه دوم : آلا اله الا هو الحى القيوم الى اخير آيه شریفه . در میان محراب :  
حسبى الله و كفى .

### قبر امير سبکتگين :

امير سبکتگين پدر محمود کبير در سنه ۳۶۷ هجرى بر سرير پادشاهى غزنه جلوس کرده  
و بعد از فتوحات بعضى از بلاد هند پس از بيست سال سلطنت پرافتخار در شعبان سنه ۳۸۷  
در حين مراجعت از بلخ به غزنه در عرض راه به قریه « مادروموى » واقع به سرحد بلخ پدرود  
حیات گفت (۱) و از اينکه قبر او به غزنه کشف شده معلوم میگردد که جسد او را بعد از فوتش  
به غزنین نقل داده اند .

قبر امير سبکتگين در معازى منيارهاى مشهور غزنه در دامنه کوه واقع است چون بقعه  
و گنبدى نداشت از طرف امير حبيب الله خان شهيد در سنه ۱۳۲۴ هجرى بصورت بسيار ساده

(۱) صفحه ۳۴ سلطان محمود مؤلفه ناظم ترجمه غفور امينى طبع کابل .

یوشیده شد تا از خرابی های برف و باران وغیره محفوظ بماند اکنون امید است که در ضمن پلان ترمیم و اصلاح اماکن تاریخی وطن از طرف حکومت معارف پرور اعلیحضرت جوان جوان بخت ، المتوکل علی الله که توجه مخصوصی به تاریخ و افتخارات گذشته مملکت دارند ، کدام گنبد و بقعه باشکوهی بر روی آن تعمیر گردد . در روی لوح سنگی قبر امیر سبکتگین بخط کوفی مرقوم است :

لا اله الا الله محمد رسول الله العظمه لله لا اله الا الله محمد رسول الله الکبرياء الله بسم الله الرحمن الرحيم کل نفس ذائقة الموت ثم الينا ترجعون من عمل صالحاً فلنفسه و من اساء فعليها الا مير الحارب الاجل ابو منصور سبکتگین رحمه الله عليه .

### بقعه سلطان ابراهيم غزنوی :

ظهير الدوله والمله سلطان ابراهيم بن سلطان مسعود که یکی از پادشاهان با علم و کمال غزنین بوده پیوسته به علما و فقها و دانشمندان و شعراً نظر لطف و مرحمت داشت بعد از فرخ زاد به سنه ۴۵۰ در غزنی بر تخت سلطنت جلوس نموده و پس از سی سال پادشاهی و فتوحات زیاد در سنه ۴۸۱ (۲) وفات یافت بقعه بسمت شمال شرقی شهر موجوده غزنین نزدیک به بقعه شیخ رضی الدین علی لا لا قدس سره واقع است . در دیوار دروازه بقعه پاره های سنگی نصب است که بعضی منقوش و برخی با آیات شریفه قرآن مجید مزین اند . لیکن کلمات آن آیات شریفه بهم ربطی نمیگردند و معلوم میشود که این پاره سنگها از سنگهای دیوار کدام مسجد بوده و بعد ها درین بقعه نقل داده شده اند .

### بقعه سلطان مسعود بن ابراهيم غزنوی :

ناصرالدین مسعود بن سلطان ابراهيم بعد از پدر در سنه ۴۸۱ و در روایات دیگر در سنه ۴۹۲ بر تخت سلطنت نشسته و در سنه ۵۰۱ وفات کرده است . بقعه او به نریک مناره ها بطرف شمال شرق شهر غزنی واقع است در لوح بالای قبر او این آیات بخط کوفی مرقوم و دیگر هیچ يك کتیبه که دلالت به نام سلطان یا تاریخ فوت او بنماید موجود نیست . آیات شریفه اینست : بسم الله الرحمن الرحيم کل من عليها فان و يبقى وجه ربك ذو الجلال و الاکرام کل نفس ذائقة الموت و الينا ترجعون . و در پایان لوح آیت الکرسی شریف نیز بخط کوفی مرقوم است .

### بقعه سلطان الغ بیک و عبدالرزاق :

سلطان الغ بیک بن سلطان ابوسعید میرزا بن سلطان محمد بن میرانشاه بن امیر تیمور پس (۲) در بعضی روایات دیگر سلطان ابراهيم در سنه ۴۹۲ وفات کرده است .

از آنکه پدرش سلطان ابوسعید در سنه ۸۶۱ هجری غزنین و بعضی ولایات هند را متصرف شد از طرف پدر حا کم غزنی مقرر گردیده و در سنه ۹۰۷ فوت کرد، امرایسرش عبد الرزاق را که هنوز طفل بود بر تخت امارت نشاندند ولی بعد از چندی آن طفل هم مقتول گردید مدفن این هردو امیر در غزنین تا امروز باقیمانده است .

بقعه سلطان الغ بیگ و عبدالرزاق در نزدیك روضه سلطان محمود کبیر واقع و در میان آن سه قبر موجود است . در دیوار درون بقعه لوح سنگی منصوب است که متضمن تاریخ وفات الغ بیگ و عبدالرزاق میباشد .

بین عبارات لوح اینست :

زین رقعہ بیا بد او بشارت

اول : آنکس که بود و رابصارت

« خشیاد » بگفتم این بشارت

تاریخ وفات شاه الغ بیگ

سنه ۹۰۷

## ۲- لوح سنگ تاریخ وفات عبدالرزاق .

شمس و قمر از هجر شده در تب و تاب

شاهی که ز فرقتش فلک گشته خراب

بر لوح فلک نوشته « باخیر و صواب »

تاریخ وفات آن شهنشاه شهید

۹۱۸

## خطیره اولاد طوغانشاه :

این خطیره بقرب قریه شاه لیز تقریباً به سه گروهی سمت شرقی شهر موجوده غزنه واقع و مشهور به خطیره باغ حرم سلطان محمود می باشد . اولاد طوغانشاه از جمله امرای مغول و معاصر باملوک کرت (۶۶۶-۷۸۵) بوده اند ، درین خطیره صورت چهار قبر که عبارات الواح آنها فرارذیل است :

## عبارت لوح اول :

هذا قبر امیر زاده معظم مکر مظهر امیر زاده میر احمد بن امیر معظم امیر طوغانشاه فی التاريخ خمس شهر ذی قعدہ سنه سبع و سبعین و سبع مائه سنه ۷۷۷ .

## عبارت لوح دوم :

هذا قبر امیر زاده معظم و مکر مشهور الا فاق امیر زاده محمد برهان بن امیر معظم امیر طوغان شاه نور الله مرقد فی التاريخ سنه سبع و سبعین و سبع مائه .

## عبارت لوح سوم :

غفر اذاً من الله لامیر السعید حبیب الله بن سلطان خلیل خان فی التاريخ یوم الجمعة خمس عشر من

شهر جمادی الثاني سنه اثني عشر وتسعمائة سنه ٩١٢ .

### عبارت لوح چهارم :

هذا المرقد الامير الافاق الغيبك بن سلطان محمد بن طوغان شاه خان نور الله مرقد في التاريخ  
خمسه عشر شهر جمادی الثاني سنه اثني عشر وتسعمائة سنه ٩٢٢ .  
قبر دیگری نیز از اولاد طوغان شاه دریا نصد قدم جنوبی همین خطیره موجود است که مشهور  
به زیارتست . عبارت لوح آن قرار ذیل است : غفر الله الصمد للشاه حسن بن السلطان بن نیک محمد  
بن طوغان شاه حقه بالطاف الله وطیب متواہ وجعل الجبه مقام فی سنه اربعین وثماناً سنه ٨٤٠ .

### بقعه محمد شریف خان :

بسمت شمال شهر موجوده غزنین به آن طرف مینارها در دامنه کوه گنبدی معروف به بقعه  
محمد شریف خان کائن است که اندرون آن منقش ومذهب بوده در کمر گاه دیوار درونی بقعه سوره  
شریفه « انا فتحنا » بخط زیبا وخوش ثلث نوشته شده است . مگر بعضی از خطوط ونقوش آن ریخته  
است . رویه بیرونی دیوار گنبد نیز شاریده و از هم پاشیده شده است ، صاحب این بقعه حقیقتاً  
محمد شریف نام دارد وی بن امیر محمد غزنوی است که از جمله اعزّه و اشراف این شهر باستانی وازا جله امرا  
ووزراء جلال الدین اکبر پادشاه هندوستان بوده است . محمد شریف در سنه ١٠١٢ وفات کرده  
ومعلوم می شود که این بقعه را در زمان امارت خویش برای خود ومدفن پدر ودیگر متعلقات خود  
آباد ساخته است . در میان بقعه شش قبر دیده می شود که در اینجا فقط عبارات الواح دوقبر یرا که  
اهمیت تاریخی دارند نقل مینمائیم :

### عبارات لوح اول :

غفرانا من الله للامام الاجل یار محمد بن الامیر الکبیر المختص بر حمة الملك القوی امیر  
یار محمد الغزنوی شهر ذیقعد الحرام سنه ٩٦٦ :

### عبارات لوح دوم :

غفرانا من الله للسلطان الاعظم ناصب لواء الجند والکرم صاحب السیف والقلم مهد  
احکام السلطنه مشیدار کان المملکته عضد الدوله القاهره یمین الملتة الباهرة حامی الشرع والدين  
قدوة الامر آء والسلاطین عمدة الوزراء والسلاطین والخوانین المختص بالغفران الملك المنان  
محمد شریف خان بن المغفور المبرور المختص بعنايت الملك الغفور الموید بعنايت الله الصمد مولانا  
یار محمد الغزنوی کان وفاته فی شهر ربیع الثاني سنه اثني عشر والاف سنه ١٠١٢ .

## مرقد وزیر فتح خان :

هیچ افغانی نیست که بنام نامی وزیر دلیر وقائد ملی وطن فتح خان بن سردار یابنده خان محمدزائی آشنائی نداشته و به آن افتخاری نکنند . این رادمرد غیور یکی از آن سرداران و سپهداران باشقامت افغانستان عزیز است که تا بد تاریخ کشور نام آنها را در دل خود ثبت نموده است . وزیر فتح خان طوریکه همگان میدانند ، در زمان شاه محمود بن تیمور شاه بن احمد شاه بابای درانی وزیر مقتدری بوده و لشکر کشی های زیاد کرد از جمله در سنه ۱۲۳۱ بهرات رفته با ایرانیان در آ و یخت و ایشانرا مغلوب ساخت . وزیر فتح خان قراریکه در مقدمه مقاله هم ذکر یافته در سنه ۱۲۳۴ از دست شاه محمود به نزدیک سعید آباد مقتول و در غزنین مدفون گشت ، مرقد وزیر در پهلوی بقعه شیخ رضی الدین علی لالا واقع است ، چون کتیبه بالای قبر او طویل بود بر ای آنکه مقاله طویل نشود از نقل آن در اینجا صرف نظر شد .

## مزار حکیم سنائی (۱):

مزار حکیم سنائی علیه الرحمه که یکی از برجسته ترین عرفای اسلام و یکی از زبده ترین

(۱) اسم شریف او به اتفاق عامه تذکره نویسان و بقول خودش مجدالدین بن آدم سنائی و مولدش شهر غزنین است . سنائی يك از بزرگترین علمای عصر خود بوده و در حکمت و فلسفه و شعر بر همه حق استادی داشت در علوم ادبیه از قبیل صرف و نحو و عروض دارای مطالعات و معلومات وسیع بود و در اشعارش روی هم رفته اقسام صنایع شعری یافت می شود . علم کلام را نگویمیدانست و در اخبار و احادیث نبوی (ص) نیز معلومات کافی داشت . علاوه بر آن سنائی یکی از اطبای بزرگ عصر خود هم محسوب می شد و در این علم فوق العاده ماهر بود . چون در علم نجوم و ستاره شناسی نیز معلومات کافی داشت می توان او را یکی از علمای نجوم نیز شمار کرد . سنائی از آن علمای جهان دیده است که مسافرت های زیاد کرده و تجربه های مفید حاصل کرده اند . از جمله حکیم به مکه معظمه و هرات و بلخ و غیره جاهای وطن گشت و گذار کرده و خاطره های خود را درین مسافرتها به رشته نظم در آورده است . سنائی در عهدی با بصره وجود گذاشت که از هر حیث غزنه بخود رونقی گرفته بود . حکیم قرار اکثریت آراء بمصر سلطان ابراهیم بن سلطان مسعود غزنوی تولد یافته و بعضی هم مانند صاحب مجمع الفصحا تولد او را در اواخر عهد سلطان محمود یمن الدوله تعیین مینماید . عمر شاعری سنائی بدوره پادشاهی مسعود بن ابراهیم غزنوی آغاز یافته و به اواخر سلطنت بهرامشاه منتهی میگردد .

از جمله شعرای معاصر او چند شاعر ذیل را میتوان نام برد : مختاری غزنوی ، سید حسن

( بقیه در صفحه ۱۷۸ )

شعراي مقتدر د نښاي شرق بشمار مېرود ، درگوشه شمال غربي نهر موجوده غزني د ر كنسار جاده عمومي كابل - غزني واقع است :

بقعه اصلي واولي مزار پاك سنائي كه زيارتگاه تمام ارباب علم است ، معلوم نيست كه از طرف كه در كدام سنه بنا يافته است ، تنها از وضع ساختمان وساده گي ارگان آن معلوم مي شد كه آنقدر از زمانه هاي دور تر از ما نيست ، (۱) در عصر امير حبيب الله خان شهيد بر بقعه قديمي آن ترميماتي بعمل آمده بود ولي از آنجا كه آن بناوتر ميمات شايسته مقام بزرگواري آن حكيم دانشمند نبود در عصر فرخنده اعلي حضرت شهريار جوان ما المتوكل على الله بتوجه مخصوص والا حضرت اشرف سردار محمد هاشم خان صدراعظم كه ذوق مخصوص به حفظ آثار و افتخارات باستاني وطن دارند ، بقعه جديدي با سبك فوق العاده قشنگ و زيبا بنا گرديده است كه از هر حيث قابل توصيف ميباشد .

درالواح قبر حكيم عبارات ذيل خوانده مي شود .

۱ :- لوح كه بصورت عمودي بالای قبر گذاشته شده :

هذا القبر الفقير الى رحمة الله مجدد الدين اسنائي غفر الله له . در بيان اين سنگ آيت الكرسي شريف نيز نقر شده است .

بناغلي خليلي در كتاب حكيم سنائي خرد را جم به لوح اين سنگ ميگويد كه جنسيت و رسم الخط آن بساير الواحيكه بدوره سنائي نوشته شده اند مشابهت دارد .

۲ :- در لوح ديگريكه بر روي قبر خوابانده است نوشته شده :

« العالم الفاضل شمس العارفين قطب المحققين طوطي شكر ستان فصاحت بلبل بوستان بلاغت مظهر اسرار معاني بكر به مطلع انوار الفاظ فيكر به يعني مجدد الدين سنائي خمس و عشرون وخمسائة ٥٢٥ . »

» بقيه صفحه گذشته «

غزنوي ، سيد محمد غزنوي ، جبلي غر شستاني ( غر جستاني ) ، عمادي ، بو حنيفه ، اسكاني غزنوي سوزني ، معزي ، ومسعود سعد سلمان . در سال وفات سنائي در بين تذكرة نويسان ، مورخين اختلافاتي موجود است بعضي آنرا در ٥٢٥ و برخي در سنه ٥٧٦ و بعض ديگر در سنه ٥٩٠ مي نويسد . ولي اغلب مدققين معاصر به اتفاق هم تاريخ وفات حكيم را در سنه ٥٤٥ تعيين كرده اند . آثار سنائي رحمه الله عليه قرار ذيل است :

۱ - : حديقہ الحقيقت ، ۲ - سير العباد ، ۳ - طريق التحقيق ، ۴ - عقل نامه ۵ - عشق نامه

۶ - كارنامه بلخ ، ۷ - بهرام و بهروز .

(۱) صفحه ۷۱ حكيم سنائي مؤلفه بناغلي خليلي افغان .



در اطراف همین لوح عبارات زیر مرقوم است :

« اللهم صل على سيدنا ونبينا وحبيب ربنا وشفيع ذنوبنا وشفاء صدورنا وقرّة اعيننا مولينا محمد وعلى آل محمد بلغ العلي بكماله كشف الدجى بجماله حسنت جميع خصاله صلوا عليه وآله . الف الف تحيته والف الف سلام بعدد انفاس الانام وقطرات الغمام على الدوام الى يوم القيام و صلى على خير خلقه ونور عرشه ومهبط وحيه و مظهر لطفه محمد عليه الصلوة والسلام سلام على خيرا لانام و سيدى حبيب الله العالمين محمد بشير نذير هاشمى مكرم عطوف رؤوف من يسمى باحمد سلام على تراب الذى اظهر جسمه فياخير سيد و يا خير مشهد »

باز بناغلى خليلی در کتاب فوق الذکر خود در مورد سنه وفات سنائی ميگويد : معلوم می شود که اين لوح سنگى بسيار بعد از وفات حکيم تهيه شده است و از اين رو قابل اعتماد نمى باشد . زيرا اولاً جنسيت اين لوح سنگى با الواح مزارات آن دوره بکلى متباين است ثانياً رسم الخط آن عيناً شبیه به رسم الخط همین زمانه ماست . ثالثاً براين سنگ بيت معروف گلستان سعدى ( بلغ العلى بكماله ) نوشته شده است و فاصله در بين سعدى و سنائی ۱۴۶ سال می باشد يعنى سعدى يكصد و چهل شش سال بعد تر از سنائی وفات يافته است . « در ميان بقعه حکيم سنائی قبر ديگرى هم هست که مشهور به قبر پادشاه روم می باشد عبارت لوح اين قبر قرار ذيل است :

« بسم الله الرحمن الرحيم شهد الله له لا الله الا هو والملئكه و اولوا العلم قائماً بالقسط لا الله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام هذه الروضة المبار كته رمضان بن يوسف غفر الله له ولجميع امت محمد عليه السلام بتاريخ غره محرم سنه تسع و خمسمائة در ديوار ميان بقعه حکيم تخته سنگى منصوب است که دور آن نوشته شده :

« هذا المنبر الشيخ العزيز الشهيد الزاهد ابا محمد ابوبكر البلخي رحمه الله عليه خدای عز و جل بر آن بنده رحمت کناد که عم حکيم را بدعا ياد آورد . « صاحب رياض الالواح ميگويد که اين سنگ يکى از احجار منبر سنگى بوده که شايد عم حکيم سنائی از براى خواجه ابوبکر بلخي ساخته . مدفن خواجه ابوبکر در نزديک روضه سلطان محمود کبير بدامن کوه واقع است و اکنون بزيارت خواجه بلغار اشتها دارد .

لوح ديگرى در بيرون بقعه حکيم عليه ارحمه موجود است که در آن نوشته شده :

« کل نفس ذائقة الموت الشيخ الجليل مظفر الحسان العزيز بن السنائی . »

### مزار خواجه ابوبکر بلغار :

قرار گرفته صاحب رياض الالواح وى از فرزندان حضرت صديق رضى الله عنه و در طريق معرفت صاحب تحقيق بوده است . پيوسته ابواب معارف بر روى طالبان میکشوده و معاصر



باحکیم سنائی رحمه الله علیه و سلطآن بهرام شاه غزنوی بوده است . مزار خواجه موصوف به مسافه تقریباً یک کروه بطرف شمال شهر موجوده غزنین در دامنه کوه واقع و معروف بروضه شیر است . ومنظره فوق العاده فشنکی دارد باغ ، آلو و بادام در پای آن ترتیب یافته و آب جاری با شلاله های زیبا از کنار آن جریان دارد محمد دارا شکوه صاحب سفینه الاولیا در باره آن چنین می نویسد :

« در غزنین بشرف زیارت هر یک اولیای کرام رسیدم یر فیض تر از مزار خواجه بلغار علیه الرحمہ ندیدم . »

مزار خواجه ابوبکر علیه الرحمہ لوح سنگی ندارد لیکن در بهلوی قبر سنگ سفیدی موجود است که در آن نوشته شده : « بعون عنايات الهی وبه ین دولت یاد شاهی شاهنشاه ملک مرتبت فک منزلات گردون بسطت کیوان رفعت بهرام صولت ، سرینجه شیر شکارش مفتاح امن وامان ولعه شمیر آبدارش سرانجام اسباب نصر تراضمان سنان جانستاش باملاء نصر من الله زبان تیزو یرجم لوای کشور کشایش بنسایم فتح ودولت آویز ندل کاماش کافل تمهید مبانی دین ودولت وحزم شاملش ضامن تشید قواعد ملک وملت المویذ بالجهادات ابوالغازی ابو الفتح جلال الدین محمد اکبر یادشاه غازی خلد الله تعالی ملکه ابداً طالب بهود جلال الدین محمود ساعی تعمیر این بقعه خیر شد . فی شهر سنه اربع وستین وستمائه . بیت :

این منزل دل کشای گر دون قسمت کز نور وصفا آمده رشک جنت

بر لوح زمانه از بی تا ریخش بنو شته فک منزل کیوان رفعت

از عبارات فوق معلوم میشود که در عهد جلال الدین یادشاه هند در سنه ۹۶۴ بسعی و اهتمام جلال الدین محمود که یکی از امرای او بوده بقعه تعمیر و در آن لوح سنگ فوق الذکر منصوب بوده است . ولی امروز بر روی مزار شریفه خواجه بلغار کدام بقعه و گنبدی موجود نیست . امیر حبیب الله خان شهید این بقعه را هم زیارت کرده بر دروازه آن دستخط فرموده اند و ترمیماتی را هم امر داده اند .

### بقعه شریفه علی لالا :

صاحب ریاض الالواح درباره شیخ رضی الدین علی لالا مینویسد : « وی پسر شیخ سعید است و شیخ سعید پسر عم حکیم سنائی است و شیخ رضی الدین علی لالا از جمله مشایخ کبار است و او بلا زمت شیخ نجم الدین کبری و بسیاری از بزرگان رسیده در نقحات مسطور است که از یکصد و بیست و چهار شیخ کامل خر فقه داشته و بعد از وفات وی یکصد و سیزده خر فقه باقی مانده و هم در هندوستان رفته بصحبت ابوالرضاء رتن مشرف شده . . . و آن شیخ بزرگوار در سیم ماه ربیع الاول سنه ۶۴۲ در غزنین وفات نمودند . این رباعی از منظومات ایشان است :

بایان در بیان هر کس  
برین آرم ایامی در  
باشد بنده با مردم لغوی

از خزانه ارباب  
وزن داران و مهر و قلم

معنوی است

خود را در راه برادر  
با مهر و محبت  
در راه

و عمارات

معاونت مالی و اداری

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

(۱) حکیم سنائی مؤلفہ بناغلی خلیلی افغان

# نکته چند در گرامر

## و لغت پښتو

ښاغلی گیل پاچا « الفت »

زبانها در تقسیم اولین خود به دودسته تقسیم میشوند: زبان باقاعده و زبان بیقاعده - زبانهای بیقاعده عبارت از همان الفاظ و کلماتی است که حالا نیز در بعضی مناطق دنیا در بین ~~بسیار~~ به آن تکلم میشود و بمنزله همان رموز و اشاراتی است که در ازمنه خیلی قدیم انسانها از ذهنیت محدود و قلب ساده خویش بواسطه آن ترجمانی مبکر دند اینچنین زبانها تاحال در قالب قواعد و قوانین نیامده و در قطار زبانهای زنده و مکمل دنیا شمرده نمیشوند .

زبانهای باقاعده السنه ایست که از خود گرامر مکمل داشته و در تحت نظام قانونی و اصول گرامری از آن کار گرفته میشود - اینچنین زبانها طبعاً دارای وسعت ، فدا مت و عمومیت میباشد .

زبانهای با قاعده نیز باعتبار قواعد و قوانین موضوعه خویش باهم تفاوت دارند که برخی را باید دارای گرامر مکمل و بعضی را غیر مکمل بگوئیم زیرا گرامر هر زبان مطابق استعداد و دارائی همان زبان بوده که در چوکات زبان دیگر راست نماید و مجبور میشویم که در حین تدوین گرامر یک زبان خصوصیت و نبض خود همان زبانرا در نظر بگیریم نه اینکه به تکلف یک زبانرا در قید تشکیل کدام زبان دیگر بیاریم - زیرا زبان هر قوم مولود احساس و شعور تصور و تفکر ، عقل و تخیل همان قوم است و مثلیکه هر قوم در قسمت های فوق از دیگران امتیاز دارد طبعاً زبان هر قوم نیز از دیگر زبانها امتیاز پیدا میکند که اگرما این امتیاز را مراعات نه نمائیم و زبان خود را در قالب زبان دیگری می ریزیم حتماً مزایا و محاسن آن از دست میرود و اصل آن عوض میشود و علاوه بر اینکه این کار بنقص و ضرر ما تمام میگردد مارا از امکان سهل به اشکال می برد .

در همین موضوع روزی با یکی از فضلاء بزرگ و مبرز وطن صحبت داشتم و پرسیدم که آیا ما میتوانیم در تقسیمات گرامری خویش اصطلاحات عربی را تعقیب نمائیم و جمله را به فعلیه و اسمیه تقسیم کنیم آنها در جواب من فرمودند که این تقسیم را در صورتی میتوانید قبول کنید که در جمله های اشمی کلمات و ، دی - آورده نشود زیرا این کلمات که معنی

فعلي را داراست در جمله های اسمی عربی و جود ندارد و شاید بهمین کیف مقدر و منوی هم نباشد .

لذا خیلی ضرور است که در حین تدوین گرامر استعداد زبان خویش را در نظر گرفت بلی ما باید استعداد و توانائی زبان خویش را کشف نمایم زبان ما هر قدر مستعد و مکمل است بهمان اندازه عمومیت و قدامت زبان ، قوت و نیروی فکری و عقلی ما ثابت میشود اگر زبان ما بلحاظ استعداد یک زبان مکمل و وسیع است طبیعی است که تکامل یک زبان زمانه خیلی طولانی و دور و دراز بکار دارد که اگر ما عمر یک زبان را به عمر اشخاص مقایسه نمایم و تکامل آنرا باین مقیاس میسنجیم باید فرزنها را بحساب روزها در شمار بگیریم و بگوئیم که زبان پښتو بهمین حساب یک زبان بزرگ و مکمل دنیا است - لذا تا حدیکه میتوانیم زبان پښتو را بلحاظ استعداد گرامری و لغوی از نظر میگردانیم و بخوانند گان محترم خاطر نشان مینمایم که ما درین مقاله چند نمونه را از وسعت و استعداد این زبان نشان میدهم نه اینکه حق این موضوع را ادا مینمایم زیرا این امر باندازه مشکل است که از توان و اقتدار یک فر مقاله نویس برآید بلند است و این موضوع اقلاً آنقدر وقت بکار دارد که برای یک مؤلف ضرور است لذا قارئین محترم درین مورد از ما آنقدر توقع داشته باشند که حدود مقاله نویسی اجازه میدهد . بنده از روی تحقیق و تتبع خیلی کمی که درین زبان دارم گفته میتوانم که پښتو بلحاظ استعداد گرامری و لغوی بطور عمومی و مجموعی با زبانهای زنده و مترقی دنیا برابر و از برخی بیشتر است در بعضی قسمت ها اگر زبان ما اندکی قصور داشته باشد بالضرور در قسمت های دیگر تلافی آن شده خواهد بود اینک راجع به استعداد و بعضی امتیازات این زبان صحبت مینمایم .

### استعداد گرامری :

هنگامیکه در قسمت گرامری استعداد این زبان را در نظر میگیریم و در مصادر آن غور مینمایم می بینیم که مصادر پښتو مثل دیگر زبانها تنها به لازمی و متعدی تقسیم نمیشود بلکه یک نوع مصادر دیگر نیز موجود است که درین لازمی و متعدی یک قسم دیگر را نیز بامعرفی مینماید : مثل لځنگل لځنگول ، لځنگېدل - لځند کول ، لځندول ، لځندېدل - لمېل ، لمبول ، لمېېدل . . . . درین قسم افعال زبان پښتو دارای سه مصدر است که یکی ازان متعدی و دوی دیگر لازمی گفته میشوند مگر در لازمی بودن خویش بلحاظ لفظ و معنی از هم خیلی تفاوت دارند زیرا مفهوم لځنگل به اختیار و اراده خویش گاز خوردن است مگر در مفهوم لځنگېدل عدم اختیار و اراده معتبر است و شخصیکه بدون اراده بحرکت باد گاز میخورد به کلمه لځنگېدل ازان تعبیر میشود لذا باید یکی را لازمی اختیاری و دیگری را غیر اختیاری بنامیم و لځنگول را مصدر متعدی بگوئیم .

در پښتو يك نوع كلمات ديگري نيز وجود دارد كه بعضيها آنرا كلمات ربط و بعضي معاون فعل ميگويند مثل : و ، دى ، شته - كه در فارسي بعوض آن، بود ، است ، مستعمل است و در عربي بعوض آن كان ، يكون موجود است و بنام افعال ناقصه ياد شده - اين كلمات براى اثبات وجود استعمال ميشود مگر چيزي كه در اينجا استعداد پښتو را ظاهر ميسازد اينست كه در پښتو ، دى - براى اثبات ذات يك چيز و براى اثبات صفات آن يكسان استعمال ميشود مثلاً ميگوئيم : احمد دى - احمد ملادى - و كلمه ( شته ) تنها براى اثبات ذات مى آيد از همين جهت ( احمد شته ) گفته ميشود و احمد ملا شته گفته نميشود - هكذا كلمه شو ، وشو - كه هر دوى آن در فارسي بکلمه شتر جمه ميشود يكي ازان فعل ناقص است كه به اصطلاح عربى اسم و خبر ميخواهد مثل : احمد و يده شو و ديگران فعل تام است كه تنها به فاعل تمام ميشود و ديگر اسم ضرورت نيفاتند مثل : كار وشو كه اين دو كلمه را نيز به اثبات ذات و صفت تفريق كرده ميتوانيم زيرا هنگامي كه ما تنها راجع به شدن كار اطلاع ميدهيم ميگوئيم ( كار وشو ) و حينيكه از خراب شدن و يا خوب شدن يك كار حكايه ميكنيم ميگوئيم : كار خراب شو - كار پشه شو . و همچنين ا گر ميخواهيم از پيدا شدن يك طفل اخبار نمانيم ميگوئيم ( د احمد لحوى وشو ) مگر در صورتيكه از كلان شدن پسر احمد صحبت مينمائيم ضرور ميگوئيم ( د احمد لحوى لوى شو ) يعنى ( شو ) را در موقع اثبات صفت ( لوى ) ميگوئيم و ( وشو ) را در حين اثبات تولد او ميگوئيم .

در پښتو ضمما يدر نيز نسبت به بعضى زبانها زياد است كه از استعداد كامل اين زبان نمايندگي مى نمايد زيرا در مقابل هشت ضمير فارسي كه عبارت از كلمات ذيل است : من ، ما ، تو ، شما ، اين ، اينها ، آن ، آنها در پښتو چهار ده كلمه موجود است و آن اينست : زه ، زما ، ته ، تا ، مونږ ، تاسې ، دى ، ده ، دا ، دې ، دوى ، هغه ، هغې هغوى - درين جمله گر چه بعضى كلمات باعتبار اشخاص فرق نميكنند و هر دو ضمير كه يكي زه و ديگري ( ما ) است بيك شخص يعنى متكلم عايد است مگر باعتبار وصف و حال متكلم فرق ميكنند و هنگامي كه متكلم فاعل ماضى متعدى واقع ميشود در انصورت ضمير ( ما ) استعمال ميشود و ( زه ) در حالت مفعولى گفته ميشود پس اين قسم تكرار در جمله زوايد نمايد بل برتكميل زبان دلالت ميكند لذا ضمائر پښتو گر چه نسبت به عربي بلحاظ اينكه براى تسهيل ضمير مستقل موجود نيست ناقص بنظر ميآيد باز هم در اصل تعداد نسبت به عربي فوق و برترى دارد زيرا تعداد مجموعى ضمائر عربي به ۱۲ مى رسد . پښتو بلحاظ اندازه كير و تانيت نيز از زبانهاى وسيع و خيلي مستعد است كه نسبت به بعضى زبانها خيلي برترى دارد . زيرا مسئله تذكيرو تانيت گر چه ظاهرأ بسيط بنظر ميآيد مگر در صورتيكه درين موضوع داخل ميشويم مي بينيم كه در وسعت زبان رول مهمى را بازي نموده و از افعال و صفات مشتقى وغير مشتقى گرفته تا اسمى معنى و اسمى جامد و اعلام جميع كلمات جمع و مفرد را تقريباً مضاعف گردانيده است .

اینچنین ممیزات علاوه برین که بروسعت واستعداد کامل این زبان دلالت مینماید این رانیز ثابت میکند که پښتو علاوه ازان که یک زبان باقاعده است در باقاعده بودن خود نسبت به بعضی زبانها برتری هم دارد .

در پښتو اقسام جمع نیز خیلی زیاد است که بعضی ازان اغلباً برای ذی روح و برخی برای غیر ذی روح میاید و این فرقی است که علاوه بر فرق تذکیر و تانیث در صیغه های جمع پښتو دیده میشود وثابت مینماید که پښتو در تشکیل گرامری خود از کمال وسعت واستعداد کنار گرفته است و بهمین سبب که در پښتو اینچنین فرقهادر نظر گرفته شده بعضی مصادر بامشتقات خویش در پښتو دیده میشود که در بعضی زبانها آنرا یافته نمیتوانیم مثلاً بعوض بردن و آوردن در پښتو چهار مصدر است: وړل، بیول، راوړل، راوستل - که دوی آن برای بردن و آوردن آن قبیل چیزها استعمال میشود که بذریعۀ تحمیل صورت میگیر و دوی دیگر آن برای حیوانات و چیزهای استعمال میشود که بدون تحمیل برده و آورده میشود مثل موتر و غیره .

در پښتو بعضی علامات الحاقیه نیز موجود است که در آخر اسم زیاده میشود و آنرا از اسم بودن بطرف صفت بودن میکشاند مثل : توره ، تور یالی - خبری ، خبرن - پخوا ، پخوانی - بنگری ، بنگریوال - کور ، کوربه - کابل - کابلی - زیم ، زیمناک - غم ، غمجن - دروغ ، دروغژن - سارده سرپجن - غوړ ، غوړ بیخی - اوبه - اوبلن - ازره - ازرکی - این علامات گرچه بعضی ازانها عمومیت و شمول نخواهد داشت مگر با آن نسبت به اکثر زبانها برتری دارد و میتوانیم که خواص هر یکی را شناخته و در ساختن اسمای صفتی تحت اصول و قوانین ازان کار بگیریم . بالعکس این علامات بعضی علامات دیگری هم هست که اسمای صفتی را اسمای معانی مبسازد مثل : ښکلی ، ښکلکتوب - روغ ، روغتیا - زوړ ، زړه نیت - پښتون ، پښتواله - سور ، سوروالی - هو شیار ، هو شیاری - ورور ، ورور گلو ی - بیل ، بیلتون - خیل ، خیلوی میله - مېلمستیا - درین علامات نیز پښتو نسبت به بعضی زبانهای باقاعده و زنده دنیا فوق و برتری دارد - خوانندگان محترم ما ازین قبیل چیزها فهمیده میتوانند که پښتو از باقاعده ترین زبانهای دنیا است و بلحاظ استعداد ، گرامر مکمل و قوانین منظمی را داراست و بطور یقین ثابت میشود که این زبان نظر به تشکیلات و وسیع خویش زبانی است که پوره تکامل نموده و این تکامل قدامت خیلی زیاد را مستلزم است - اگر کسی باین موضوع علاقه بیشتری داشته باشد و میخواهد مفصلاً از استعداد زبان خویش اطلاع حاصل نماید لطفاً به گرامر های پښتو گرچه خیلی ابتدائی است مراجعه نماید .

### استعداد لغوی :

راجع به استعداد گرامری پښتو بطور اختصار و اشاره بحث نمودیم حالا می خواهیم راجع به استعداد لغوی آن نیز چیزی بگوئیم و به بینیم که زبان ما درین ناحیه چه مزیتها دارد .



اولاً باید خاطر نشان نمائیم که بحث ما درینمورد دران قبیل لغات نیست که نامهای حیوانات و نباتات مخصوصی این مملکت را تشکیل میدهد زیرا اینچنین لغات مولود محیط طبیعی و جغرافیوی بوده و در ممالك و مناطق خیلی تفاوت پیدا میکنند و طبیعی است چیزیکه در یک مملکت وجود ندارد بنام آن هم ضرورتی نیست و مانمی توانیم یک زبانرا به نداشتن این قسم لغات فقیر وی استعداد بگوئیم لذا میخواهیم استعداد لغوی پشتو را از لغاتی در یابیم که نسبت به محیط طبیعی دخالت محیط ذهنی و عقلی دران بیشتر باشد و در هر جا به آن ضرورت حس شود مثل مصدر ویشتل و مصدر ختل که حالا بنابر ضرورت به زدن و بر آمدن ازان تعبیر مینمائیم نه اینکه معنی آنرا به این دو کلمه پوره افاده میکنیم زیرا در پشتو بعوض این دو کلمه دومصدر دیگر وجود دارد که وهل و وتل است و این دومصدر یعنی ویشتل و ختل مصادری است که در عربی بعوض آن مصدر (رمی) و (صعود) یا (طلوع) موجود است - همچنان مصدر راوستل و بیول که ضرورتاً از معنی آن به کلمه بردن و آوردن تعبیر مینمائیم حالا نکه در پشتو بعوض بردن و آوردن و دل ، راو دل گفته می شود و بعوض راوستل و بیول در فارسی و عربی کد ام کلمه نداریم - هکذا کلمه تخلمی و تخلمیتوب نسبت به کلمه جوان و جوانی خصوصیتی دارد که در اثر آن بجز از انسان بدیگری اطلاق نمی شود مثلاً مایک اسپراخوان که بمعنی جوان است گفته می توانیم مگر تخلمی گفته نمی توانیم ازین معلوم می شود که در زبان پشتو فرق ذوی العقول و غیر ذوی العقول نیز مراعات شده است و از همین جهت مایک حیوان خورد را (وود) یا (کوچنی) گفته میتوانیم مگر اطلاق کشر را به آن کرده نمی توانیم - زیرا کلمه کشر علاوه ازان که از کلمه وود خصوصیت دارد و باعتبار سن و رتبه اطلاق میشود و کلمه وود باعتبار جسامت، سن و رتبه یکسان استعمال میشود، در کلمه کشر امتیاز و خصوصیت دیگری نیز هست که تنها بانسان اختصاص یافته و برای حیوانات استعمال نمی شود .

همچنین کلمه مشر و مشرتوب از کلمه لوی و لویوالی که بمعنی کلان و کلانی است عیناً همین فرق را داراست که در کشر و کشرتوب توضیح شد .

در پشتو کلمه لور نیز در مفهوم خود خصوصیتی دارد که نظر به آن نمی توانیم به کلمه دختر که معنی جلی را افاده می نماید آنرا ترجمه کنیم زیرا کلمه لور و جلی عیناً همان فرق را داراست که در بین پسر و بچه در فارسی موجود است و پدر بین نحوی و هلك در پشتو دیده می شود یعنی در کلمه لور نسبت و منسوبیت به پدر ملحوظ و معتبر است و در کلمه جلی هیچ قسم منسوبیت نیست از همین جهت ما میگوئیم داجلی داحمد لورده مگر نمیگوئیم دالورداحمد جلی ده .

اگر ما در الفاظ و کلمات پشتو خوب دقیق شویم و باریکهای این زبانرا از عینک دقت و تعمق بشکریم می بینیم که در وضع لغات پشتو از کمال دقت کار گرفته شده و همان فرقه های باریکیکه در مفهومات و معانی متقار به و مشابیه موجود است در الفاظ نیز رعایت شده . اینچنین تدقیقات ثابت مینماید که سویه ذهنی و فکری این قوم بکدام

اندازه قوی وמושگاف بوده ودرالفاظ وکلمات پښتوتا کدام اندازه از موشگافی کار گرفته شده است به بینید کلمه مخبز ولواړه که از هر دوی آن به کلمه در شت تعبیر میشود از هم چه قدر تفاوت دارد که در حین استعمال واضح و علانیه دیده میشود مثلاً ما گفته میتوانیم داتیزه مخیزه ده مگر گفته نمیتوانیم داتیزه لواړه ده - در بعضی موارد مثل اوړه هر دو کلمه استعمال شده میتواند وگفته میشود: دا اوړه مخیزه یا لواړدی .

ازین دو قبیل استعمال ثابت میشود که در بین این دو کلمه باصطلاح منطقی عموم و خصوص من وجه موجود است . همچنین کلمه پوست و خورډین که از روی ضرورت هر دوی آنرا به کلمه نرم ترجمه مینمائیم ودر نرمی پوست و خورډین خیلی تفاوت موجود است که باید درالفاظ وکلمات رعایت شود مثلیکه در پښتو شده وبعوض پوست لاس ، خورډین لاس گفته نمیشود .

کلمه راسره ، راخه که در بعضی موارد یکی بجای دیگری استعمال میشود و فتنیکه نبض این دو کلمه را خوب می بینیم معلوم میشود که در مفهوم راخه معنی مالکیت غالب است ودر معنی راسره مفهوم معیت بارزتر است از همین جهت اگر گفته شود احمد راخه و غرض معیت و تصاحب احمد باشد البته این جمله اگر غلط نباشد مسلم است که جمله فصیح و بلیغ نیست .

همچنین مصدر گڼل وانگېرل که بمصدر پنداشتن ازان تعبیر میشود در بین آن يك فرق خفی موجود است که درین تعبیر از دست میرود زیرا انگېرل پنداشتن نقص و ضرر را میگویند و گڼل عامتر است که برای پنداشتن خیر و شر ، نفع و ضرر هر دو استعمال میشود - علاوه برین در مفهوم گڼل يك نوع تعمیم دیگری هم هست که انگېرل در جمیع موارد بعوض آن استعمال شده نمیتواند مثلاً گفته نمیشود ، زه داخبره ښه یابده انگېرل - اگر ما سلسله این قبیل مزیت های پښتو را تعقیب نمائیم در لغات این زبان استعداد و وسعت زیاد را مشاهده میکنیم به بینید بعوض کلمه شاخ در پښتو دو کلمه موجود است که یکی ښکر و دیگری منډه است که برای شاخ درخت تخصیص یافته و هیچگاه برای شاخ حیوان استعمال نمیشود مثلیکه ښکر بعوض منډه گفته نمیشود - در پښتو کلمه گرم و پرنیز از همین قبیل کلمات است که در بین خود یکی از دیگری امتیاز دارد مگر احاطه لا ضرورتاً از هر دوی آن به کلمه ملامت تعبیر مینمائیم نه اینکه هر دوی آن مرادف يك دیگر است و یکی بادیگری پوره تطبیق میشود زیرا کسیکه به نبض زبان پوره آشنا است میداند که پرن بران شخص مقصر و ملامت اطلاق میشود که قصور او بدلائل و براهین ثبوت رسیده باشد و شخصیکه مقصرت او هنوز بعلائت نرسیده گرم گفته میشود از همین جهت میگوئیم احمد به محمود پره و اچوله مگر هیچگاه گفته نمیشود گرمه ئی پری و اچوله - و فتنیکه ما در اینچنین کیفیات لغوی غور و تعمق مینمائیم واضح میگردد که پښتو بلحاظ استعداد گرامری و لغوی خویش از السنه خیلی مقتدر و معظم دنیا بوده که عظمت و بزرگی خود را برای کنجکاوان محققین بصورت واضح و بارز نشان میدهد و اینقدر بزرگی يك زبان طبعاً قدامت این زبان را استلزام مینماید .

# مزیای بدیعی پشتو

ښاغلی عبدالرؤف «بینوا»

يك قسمت مزیای بدیعی پښتو (صنائع لفظی) در سا لنامه ۱۳۱۹ عرض شد و قسمت دیگر آن (صنائع معنوی) که در این سا لنامه بدرج آن وعده داده بودم ، این است تا جائیکه به تطبیق آن موفق گشته ام بحضور فارغین تقدیم است .

## صنائع معنوی

تشبیهات - استعاره - ایهام - متضاد - مراعات النظیر - براءت استهلال ، حسن طلب  
حسن تعلیل ، حسن مطلع ، حسن مقطع ، اغراق - اعداد - تنسیق الصفات - التقات - حشو  
تجاهل العارف - قلب مطلب - مدح شبیه به ذم - ارسال المثل - ارسال المثلین - سوال و جواب  
رجوع - زشت و زیبا



## تشبیهات

تشبیه مانند کردن چیزی به چیزی و این صنعت بقدری طبیعی است که در تمام السنه دیده می شود - اقسام تشبیه زیاد است مگر معروف و معمولتر آن هفت قسم اند .  
۱ - تشبیه مطلق : که اصلا شرط وفیدی ندارد فقط تشبیه يك چیز بچیزی دیگر است

د امید غوغی می واده شگفته سی  
چه دی و وینم پر ما لکه صبا بی

( خوشحال )

۲ - تشبیه مشروط : - که مقید بقیدی و مشروط بشرطی باشد .

مثال :

مخ که دی کلشن دی یاخراغ دی یا سور گل  
زه باندی بورایم یا پتنگ یم یا بلبل  
( پیر محمد )

اینجا شرط وجود دارد میگوید :

اگر رویت گلشن است ، من بوراوا گر چراغست من پروانه و اگر گل است من بلبل ویم -  
حرف ( اگر ) در یارسی و ( که ) در پنتو حرف شرط است .

۳ : - تشبیه تفضیل : - که چیزی را بچیزی تشبیه کرده بعد میگوید چنین نیست مشبه از مشبه به  
بالا تر است و افضلیت مشبه به را ظاهر سازد .  
مثال :

چه مخ و ته دی گو ر م لکه نمر هسی لعلبزی  
فر بان دی تر جمال شم به معنا تر نمر ه غت یی  
( خوشحال )

شاعر یکدفعه معشوق را با افتاب تشبیه کرده در مصرع دوم پس تفضیل او را بر آفتاب  
ظاهر می سازد .

۴ : - تشبیه تسویت : - که گوینده صفت خود را با صفت مطلوب مساوی نماید چنانچه گوید :

لکه خنی چه دی ستا پر مخ پر یشانی هسی شان می د خاطر پر یشانی ده  
( گل محمد )

۵ : - تشبیه اضممار : در ضمیر گرفتن تشبیه و اظهار نکردن آن را تشبیه اضممار گوید .  
مثلا :

محبوبا پر یا لنگک را و بنته به خوب کبس  
که هوسی وه د بها ر پر گلو ر غنبته  
( بیر محمد )

یا مثلا :

تسم ئی له د شنا مه سر ه خوند کا قدر زیات لری ترخه چه شی شراب  
( حنان )

۶ : - تشبیه کنایه : که ادات تشبیه را انداخته و از مشبه بلفظ مشبه به کنایه شود .  
مثلا :

سپینی مرغاری د گلاب پر گل بهبزی روغ زده می غو خبزی چه اور بزی له نرگسه  
( عبد العظیم )

درین بیت مرغاری و گلاب و نرگس ذکر یافته که مرغاری کنایه از اشک و گلاب  
کنایه از روی و نرگس کنایه از چشم است .

۷ : - تشبیه عکس : - که دو چیز را گرفته این را با آن و آن را با این تشبیه کنند .

دعلی آباد د صحنه مؤساتو د شفا خانې سر طیب : عزتمند د کتور فواد  
 دده مزنگ د محبس د شفا خانې سر طیب : ص ، عبدالرحیم خان  
 د مستورا تو د شفا خانې سر طیب : » ، عبدالقیوم خان  
 د مستورا تو د شفا خانې مدیر : » ، زینب بیگم  
 د مستورا تو د سناتوریم ماموره : » ، امیر بیگم  
 دروغتیاد ساتنی او دانستیو باقر یو لوی متخصص : عزتمند د اکثر زهدی بیگ  
 » » » » » » : ص ، عبد المجید خان  
 د نرو د غاښو جوړولو د مؤسسي : » ، فضل احمد خان  
 د ښځو د غاښو جوړولو د مؤسسي : » ، عبدالله خان طرزی  
 (۱۵) (۱۶) (۱۷)

## د پست او تلگراف او تېلفون وزارت

وزیر : ع ، ج ، عبدالحسین خان  
 معین : ع ، ص ، محمد حسین خان  
 د تفتیش رئیس : » ، غلام صفر خان  
 د تلگراف عمومی مدیر : ع ، علی گل خان  
 د تلگراف اداری مدیر : ص ، محمد محسن خان  
 د پست او تېلفون عمومی مدیر : ع ، محمد سعید خان  
 د پست او تېلفون اداری مدیر : ص ، غلام فاروق خان  
 درایو فنی : ع ، عطاؤ الله خان  
 درایو تخنیکي : ص ، ضباؤ الدین خان  
 د اوداداری مدیر : » ، عبدالقیوم خان  
 د خارج ارتباط مدیر : » ، محمد عثمان خان  
 : » ، محمد حسین خان



ع . ج . عبدالحسین خان د تېلفون او د تلگراف  
 اود پست وزیر

S. Ex. Abdul-Hossain Khan  
 ministre des P. T. T.

د چک آفس مدیر  
 دیکه توت د تلگراف خانې منتظم

مثال :

پر سارا لکه مجنون شوم - ستاد مینې لیوانی  
مجنون ما غوندې مین و ، فریادی و ، لکه نی

تشبیه به اعتبار طرفین :

۱ - تشبیه مفرد به مفرد .

مثال :

در په غوږ کښ دمهور یوهسی زیب کما لکه پر ښی په سحار کښ ستاره  
( حنان )

در مفرد و ستاره هم مفرد است .

۲ - تشبیه مرکب به مرکب .

مثال :

سره لبان دی په خندا کښ هسی زیب کما لکه گیل چه په گلزار کښ وغوږ ېزی  
( عبدالعظیم )

لبان سرخ و حال ترکیبی خنده مشبه گیل و حال ترکیبی شکفتن مشبه به است .

۳ - تشبیه متعدد بامتعدد از قسم مفروق :

مثال :

خوله غنچه سترگی زرگس زلفی سنبل دی خط ریحان دی خه گلزار په لاس را کښېووت  
( حنان )

مقصد از تشبیه متذکره این است که در یک بیت چند مشبه و چند مشبه به به ترتیب آورده شود،  
۴ - تشبیه متعدد بامتعدد از قسم ملفوف .

مثال :

داخه زلفی خه رخسار او خه ذقن دی خه سنبل او خه گلاب خه نسترن دی  
( حنان )

در یک مصرع مشبه متعدد و در دیگر مشبه به متعدد تذکار یافته .

۵ - تشبیه واحد بامتعدد .

مثال :

زه خو جوهری یاشین طوطی یامی پرستم لب که دی یاقوت دی یاشکری دی یامل  
( پیر محمد )

لب مفرد یاقوت ، شکر ، مل متعدد است .

یا این :

دا څه مسخ دی منور      چه هم شمس دی هم قمر  
دا څه زلفی دی مشکینی      چه هم مشک دی هم عنبر  
دا څه سترگی دی فالتی      چه هم سیف دی هم خنجر  
( رحمان با با )

دیگر :

دا څه مسخ دی بڼا گسته      چه هم لمر دی هم ډېوه  
دا څه شونوی دی شیرینی      چه هم می دی هم بیاله  
( گل محمد )

۶ :- تشبیه متعدد با واحد . مثال :

نه دی پوزه ، سترگی ، غوزدکم شناسو      په معنی کښ یو دېوال سوری سوری دی  
( رحمان با با )

پوزه ، سترگی ، غوز متعدد و دېوال واحد است .

۷ :- تشبیه غیر محسوس با محسوس .

مثلاً :

دریا عمل می طوق شورا په غاړه      لکه خپورشی په جگړه د ستار دچا  
( شمس الدین )

عمل غیر محسوس و دستار محسوس است .

۸ :- تشبیه محسوس با غیر محسوس .

یار پر جستجوی زما هسی خندا که      لکه خاندی پر تدبیر باندی تقدیر  
( شمس الدین )

یار محسوس و تقدیر غیر محسوس است .

۹ :- تشبیه محسوس با محسوس .

مثال :

زده می بی دیار له نخه مدار نه کا      عندلیب غوندی بی گلو قرار نه کا  
( شمس الدین )

زده و عندلیب هر دو محسوس اند .

۱۰ :- تشبیه معقول با محسوس .

مثال :

د گلر خو په هوس شپې روڼو مه      آموخته لکه شبنم په دا شېخون يم  
( شمس الدين )  
شبنم محسوس وشاعر معقول است .

### ادات تشبيه :

ادات تشبيه چند قسم اند ، بعضی حروف برخی اسما و دیگر افعال اند .

### حروف :

مانندیکه در عربی ( کاف ) و ( کان ) و در فارسی ( چو ، چون ، همچو ) است در پښتو  
حروف ذیل وجود دارد .  
لکه - غوندی - دود - هسی - ورته  
مثال حرف لکه :

ګوندی بخت می دد لبر د زلفوز منځ کا      که فلک ټو کرې ټو کرې لکه شمشاد کرم  
( عبدالقادر خان )

مثال حرف غوندی .

که زما په مرګدی زړه دی تېغ راواخله      دفصا ب غوندی می بند په بند جلا کړه  
( خوشحال )

دیګر :

که مو عمر د چمن تر ګلو کم دی      دلاله غوندی سور مخ د زړه په داغ یو  
( عبدالقادر )

مثال حرف دود :

د غنچې په دود می خوړند سر نیولی      لاس می واخست د دنیا له سودوزیان بیا  
( عبدالعظیم )

مثال حرف هسی :

داغزل چه په پښتو ژبه بیان عبدالقادر کړه      دروغجن یم که بې خانۀ وائی بل یو پښتون هسی  
( عبدالقادر )

حرف ورته : - البته این حرف در ادبیات خواهد بود ، مگر بنظر من انجورده لذا برای

مثال يك محاوره را انتخاب میکنم .

« ستا قلم زما قلم ته ورته دی »



### اسماء :

طوريكه درعربي ( نحو ، شبه ، مشابه ، مماثل ) ودر فارسي ( مانند ، همتا ، سان ) وجود دارد ،  
درپښتو ( شان - خبر - سيال - وغيره ) است .

مثال حرف شان :

دستې په شان به سوځم سر ترپايه      چه تازه مي کړو خپل لځان وټه نيران بيا  
(عبدالعزيز)

مثال حرف خبر :

وړاندني هم ټوله - تا په خبرسړي وه      ته هم يا څه دهغو په خبر همت کړه  
(رحمان بابا)

مثال حرف سيال :

نمر له تا نه منوره شو داله نمره      څوک به مياشت کاستاله څه سره سياله  
(عبدالقادر)

### افعال :

به عوض (تمثيل ، تشابه ، يحكي ، يضاهاى) عربى و( گويى ، پندارى) پارسي درپښتو افعال  
ذيل وجود دارد :

(تهوا - ته به وايي - ته چه وايي - تابه ويل وغيره)

مثال تهوا :

رامونه وړه دپړ دوله کوره گټه      يو دبل له جيبې کاږو ته واغله يو  
(مخلص)

مثال ته به وايي :

ته به وايي پر گلانو شبنم پر ټوټ      چه له قهره ټي خولې شى رخسارونه  
(عبدالقادر)

مثال ته چه وايي :

زلمى داسى توري وهى ته چه وايي اکبر خان راژوندى سوي دى -

مثال تابه ويل :

زلمى په جنگ که داسى مړانه ښکاره کړه تابه ويل زمري دى -

## استعاره

استعاره در لغت بهاریه خواستن چیزی است از کسی و در اصطلاح استعمال لفظی در غیر معنی حقیقی است .  
مثال :

زده یی له غیر ته په کوگل دننه دو دشی  
زمنځ چه دی بې فهمه وهی کوتی په کا کل  
(حمید)

دل شانه دود شدن و انگشت به ناپه می در کا کل زدن تماماً استعاره شده است  
اقسام استعاره و مجازات دامنه خیلی وسیعی دارد، مگر ما نسبت به ضیق صحایف سالنامه ازان صرف نظر نمودیم.

## ایهام

معنی ایهام بگمان انداختن است و این صنعت چنان باشد که گوینده و نویسنده در ثریا نظم لفظی استعمال کرده که دارای دو معنی باشد، یکی نزدیک و دیگری دور، ابتداء ذهن شنونده بطرف معنی نزدیک رود بعد منتقل شود که مراد معنی دور است -  
مثال :

سر په لاس در پسی دورم نه قبله نزی نصیب مه شه د چا داسر گر دانی  
(عبدالقادر)

سر گردانی دو معنی دارد -  
مثال دیگر :-

جدائی په غم شریک کړم د غمجنو دهر چا په غاړه ژاړم لکه نی  
(پیر محمد)

مقصد لفظ غاړه است که خواننده در اول مطلب از غاړه (گردن) گرفته مگر مقصد شاعر  
معنی دوم لفظ (طرز، ادا، روش) است .

## متضاد

متضاد استعمال کردن الفاظ و کلمات ضد یکدیگر است، چه در نظم و چه در نثر -  
مثل نور و ظلمت، سیاه و سفید، ترو خشک، گرم و سرد و غیره :

مثال :

چه ټي تللم په خندا خندا دیدن ته  
اوس پي درومم په ژدا ژدا مزار ته  
(عبدالقادر)

خنده وگر په باهم متضاداند .

مثال دیگر :

آخر به ومری په ډیر غربت کښ  
خراب له عشقه آباد له حسنه  
ظاهر اقرار کا باطن منکر دی  
په اوشو غرق شوله صبره وچ دی  
بې کس زما زده تنها زما زده  
مجنون زما زده لیلی زما زده  
بد بخت زما زده حاشا زما زده  
دریا زما زده صحرا زما زده  
(شمس الدین)

### مطابقته متضاد

که دریك بیت امر ونهی یا اثبات ونفی باهم بیابند -

مثال :

نمر و نه گورم ، گورم زه و خپل نگار ته  
باغ و نه می بولی ، نه می بولی دیار کوی ته  
نور به یاری نه کړم ، کړم اخته په غم یارانو  
کډل ته نظر نه کړم ، نظر کړم هغه رخسار ته  
کوی ته به پي درومم ، نه به درومم وگلزار ته  
هیڅ پي راپرې نه ښود ، غم پي پری ښود دوما خوار ته  
(عبدالقادر)

مثال دیگر :

دېد خواه و منه ، د ښځو مه منه  
له مرگه مه تښته ، تښته له قرضه  
(خوشحال)

مثال دیگر :

را یشه چه راشی تللی بخت په سلامونه  
وگوره چه وگورم په غمیر داستاو مخ ته  
وخانده چه وخاندی غیچې له خوشالیه  
مه درومه چه نه درومی له ماخه آهونه  
مه گوره چه نه گورم بې تازه نور مخونه  
مه وهه چه نه وهی بلبای چغا رونه

## مراعات النظیر

مراعات النظیر این است که اقلاً دو چیز باهم مناسب در کلام آورده شود - مثلاً یک لنه‌ی است :

سینه می‌دیگ زردگی می غو بشی او بشکی او به دی پلټون اور پسی کوینه  
دیگ و گوشت و آب و آتش در حالت بخت باهم خیلی تناسب دارند -

## براعت استهلال

معنی لغوی براعت استهلال تفوق و برتری ابتدائی باشد ، در اصطلاح مناسب بودن ابتدای کتاب با موضوع آن - مثلاً کتابی در نحو تألیف می‌شود در دیباچه آن ذکر رفع ، نصب ، جر ، فاعل ، مبتدا و غیره بیاید ، اگر مردفاضلی دیباچه آن بخواند بدون اینکه دیگر ورق بزنند می‌فهمد که کتاب در علم نحو است یا دیگر علوم - . . . .

مثال - حمید شاعر آتش زبان ما کتاب (نیر نگک عشق) خویش را به ایسات  
ذیل شروع کرده ، که خواننده می‌داند که این کتاب اشعار سوزنده اوست :

شعر نه دی داخوناب دزخمی زده دی	یادستی وتلی دم له خولې دهره دی
یا نغمه دنیم بسممل مرغه د خولې ده	یا مجنون ته معما بنیکلې لیلې ده
یا د وینو ابا سیند و هلی موج دی	یا له بشاره دحیرت و تلی فوج دی

( حمید )

## حسن الطلب

طوری خواهش است که مخاطب آزرده خاطر نگشته یعنی خواهش زیبنده و خوب .  
مثال لنه‌ی - :

په دېوال هسکه شه خوله را که	یو همز ولتیا ده بل منت درته کومه
که خوله دی را که څه به وشی ؟	زده به می‌بنه‌شی خوله به بیاد سره‌وینه

مثال دیگر

باران اورېزی ، څخو اکی څا څی	نسیم را والووت ، سنبل پرې ناڅی
اسباب د عیش و اده موجو د دی	ساقی ته گورو چه دی را پا څی

( عبدالقادر )

چه قدر خواهش زیبنده - که بر ساقی امر نکرده بلکه انتظار می‌کشد .

### حسن تعلیل

این صنعت ایست که گوینده برای کدام وصف يك علت بیان کرده که در حقیقت علت نباشد مگر از حیث لطافت و مناسبت علت خوبی شمرده شود .

مثال :

چه نظری د گیلر خ ساقی به میخ شو      د نر کس له لاسه جام بر یوت نسکور شو  
( حمید )

مثال دیگر ،

ورغروه سترگی زلفی لیری له رخسار که      ستالیدوته ربزیدی لمر به پانهو کنب د گلو  
( زاخیلی )

مثال دیگر :

لحکه شوه تر زنگانه به و بنو دو به      چه گی زر که سمپده له پیتانه  
( حمید )

### حسن مطامع

حسن مطلع آنست که الفاظ بیت اول مأنوس و نزدیک به ذهن بوده، بگوش خوش آید . خواننده یا شنونده را مجبور سازد تا آئنده آن را خوانده و یابشود. شنیدن آن باعث شفتگی و انبساط خاطر گردد :

مثال :

به مجال س کی بهر و ن له همه      دا آواز و خوت د خم له فمه :  
« چه زه هم ستاسی میخور ز لمی و م      لهما له حاله می شئی بی غمه »  
( عبدالقادر )

مثال دیگر : -

خه خورا شه نن د عشق د مر و به خلو      ورته وایه ای د هجر تیغ و ژلو :  
« چه د عشق د لخنکندن بیالی مونوش کړی      شهادت مو مبارک شه خدای بیلو  
( علی خان )

### حسن مقطع

مقصود از مقطع قطع کردن کلام یعنی ختم کردن قصیده و غیره به کلامی مطبوع و دلکش است بدون کدام شرط مثلا عبدالقادر خان ختک در یک موقع اشعار خود را به بیت ذیل قطع کرده .

ستا په حسن سو گند خورم په خپله مینه  
تر لجان عبدالقادر مین په تالیم

## اغراق

اغراق یکی از صنعتهای خیلی معمول کلام است که مبالغه هم گوید - مگر اغراق شرایطی دارد که با آن شرایط از محسنات سخن شمرده می شود .  
مثلاً شرط اول فصاحت و بلاغت کلام است دوم اینکه اغراق خوبی و بدی چیز و یا تصدیق و تکذیب آن را قوت و شدت میدهند - نه اینکه هیچ نباشد و گفته شود که هست . چنانکه بخیل را بکرم ستایند - پس این اغراق نیست دروغ است .  
مثال :-

زړه می داسی اند پښو دهجران ډک کی  
لجای د و صل پکښ نشی یو خاش خاش  
( شمس الدین )

## اعداد

که صفات متعدد ممدوح یکی بعد دیگری آورده شود طوری که خوشحال خان گفته :  
ناز ، نخري ، مهر ، خندا ، فتني ، جنگونه  
د خپل یار سره هم تاز ده دارنگونه  
مثال دیگر :  
گل ، شبنم ، سبا ، بلبلې  
ثنا وائی هر سحر ستا  
( عبدالقادر )

## تنسيق الصفات

ذکر صفات است بطور توالی :  
مثال :  
په لاری تلمه ، په نخه راغله ، یوه دلبره ، پری رخساره  
دنمر په شانه ، لاترې روښانه ، په ښکلی مخ وه ، هغه نگاره  
غاړه بلنده ، خاطر پسنده ، عنبرین بو په ، یا سمین مو په  
په شونډو لعله ، په زړه الماسه ، په سپینو غاښو در شهواره

ز نه ځي سيبه ، بيله آسبېه ، په ملاتړ خپلو ، ويشتو نريه  
 شيرين كلامه ، نازك اندامه ، ولول ځي زلفي ، لاله عذاره  
 بې ميوسته ، خوله نيست وهسته ، ډكه له نازه ، خالي له نيازه  
 سر تر قدمه ، ثابته روغه ، له هره عيبه پا كه وېزار .  
 (عبدالقادر)

## التفات

اين چنين است كه گوینده در كلام ، سياق عبارت را تغير داده از غيبت ب خطاب و تكلم  
 وغيره التفات شود -  
 مثالها :-

### التفات از غيبت به تكلم :

ظاهرين ځي په ظاهر صورت غلط شو      په باطن په خاوره پټه خزانه يم  
 (عبدالقادر)  
 در مصرع اول غيبت و در ثاني تكلم است .

### التفات از خطاب به تكلم :

باديې بوى عبدالقادره سحر راوړد      شكفته لكه غنچه په دغه باد شوم  
 (عبدالقادر)

### التفات از غيبت به خطاب :

په ښكېنځل يې سرفراز عبدالقادر كړ      د ژوندون له باغه خوره د صنوبر بر  
 (عبدالقادر)  
 مثال ديگر:

چه د لبره دلر باده هغه ته يې      چه خودرايه خودستاده هغه ته يې  
 چه نازك ځي دى اندام د گيا تر پانځي      په قدسبه تر عرعر لاده هغه ته يې  
 (خوشحال)

### التفات از تكلم به غيبت :

چه دى ښه له خويه پويه خبر دار شوم      د خوشحال سره يارى كړې په دروغ  
 (خوشحال)

دمہتاب قلعہ دہلہ گراف خانی منتظم : ص، غلام سرور خان  
 دمامورینو او اجرا گپی مدیر : » ، عبد الخالق خان  
 د کنترول مدیر : » ، لعل محمد خان  
 داورافو مدیر : » ، عبدالرحیم خان



## د معادن وزارت

دمعادن دوزارت کفیل : ع ، ج ، رحیم الله خان  
 معین : ع ، ص ، غلام محمد خان

### فنی عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ، سید عبدالاحد خان  
 کشافی مدیر : ص ، غلام علی خان

### دژئولوژی خانگه :

جیولوج : ص ، دکتور عبدالله خان  
 دیلورلو او پیرودلو مدیر : » ، محمد صدیق خان  
 دفتیش مدیر : » ، محمد احسان خان  
 دمامورینو مامور : » ، عبدالفتاح خان  
 د کنترول مامور : » ، سید قبول شاه خان  
 داورافو سرکاتب : » ، عنایت الله خان





## د کابل لسمه کالنی

لوی خدای لره شکرونه دی ، چه دمتبوع حکومت اود دولت د کار کوونکو دتو جهاتو تر سیوری لاندی سبز کال بیا دتبر کال په خپر ددې کالنی په نشر مؤفق شوو ، چه یوه سلسله اجراآت او کارونه دمملکت و حال ته مفید ، راغونډ او خپاره کړو . که څه هم سبز کال د کاغذ د کمبود او صرفه جوئی له امله ځموز کالنی دنورو کلو په خپر کافی پانې نلری ، بیا هم موز خوشحاله یوچه دمعنی او کیف له حیثه موفق شویو ، چه ښه مقالات اومفید معلومات ښا غلو لوستونکو ته وړاندی کړو او هیله لرو چه ځموز معنوی لوستونکی به موز معاف کړی .

تبر کال هم دپروردگار په فضل لکه په سیاسی ژوند کی چه ښه کال و ، او دافغانستان دمملکت دپاره دامن اوبینکلوی او هوسائیی کال باله کپده د کار په ژوند کی هم زموز دملت بونیکلی کال شمېرل کېږی - یوه سلسله چاری او اقدامات چه دتبر کال نیمگړی چاری او اقدامات بشپړ شوی دی اویوه سلسله نوی او مفید اقدامات موز ته دثابتوی چه دموظفینو هر فرد په خپله برخه کی ترخپله وسه پوری زیار ایستلی دی چه یو قدم پرمخ ولاړ شی .

را تلونکی کال بیا ترپروسېز لاهم له لوی خدای څخه ښه غواړو او هیله لرو چه دزلمی او محبوب ټولواک په سیوری کی دپربښه او بختور کلو نه تېر کو - چه په هر کال کی تربل کال خوش او خوشحاله واوسو .

دپښتو ټولنی کار کوونکی د ۱۳۲۰ کال اقداماتو او اجراآتو ته په ښه اودرنه ستر گه گوری اود دولت وفعال اوبصیر هیئت ته دموفقیت د تبریک عرض کوی - ومن الله التوفیق :

( پښتو ټولنه )

### حشو

حشو در نظم وثر جمله معترضه ایست ، که در پشتو آنرا (تکبه کلام) هم گویند - یا کلام بیست زاید که در بین جمله واقع شود -  
مثال :

اوس می خه زده « باقی دا » چه له خه راغی      لخی به چیر ته سور یا یلمی لهما روح  
(علی خان)  
(باقی دا) حشو است -

### تجاهل العارف

این صنعتیست که گوینده در کلام خویش خود را نادان قلم داد کند. گرچه واقعه به او معلوم باشد مگر بغرض کدام نکته یا تراکت اظهار نادانی نماید -  
مثال :

داد دلبر مخ دی چه له شاله نیم لیده شی      یا زیروتی نمردی چه بیکار بزی نیم له غره  
(علی خان)  
مثال دیگر:

کوم یوله دې دووښه دی دیار مخ که شکوفه  
کوم یوله دې دووښه دی توری زلفی که نافه  
(شمس الدین)

مثال دیگر:

یه صحت یې نارضا یه درد یې صبره      ددې هسی رنگ زحمت داروبه خه وی؟  
(عبدالقادر)

### قلب مطلب

قلب نمودن عبارت را بطوری که مطبوع و خوش آیند باشد قلب مطلب گویند -  
مثال :

ما به سل کرته یاد کړې ته را نغلي      زه به سل کرته درشم که تا یاد کړم  
(گل محمد هلمندی)

### مدح شبیه به ذم

طوری مدح گفته شود که شباهت به ذم داشته باشد -

مثال :

عاشقانو بې فریاد بې شانه نکړ و معشوقې که په یوشان وای ناانصافی  
(علی خان)

مثال دیگر که شمس الدین درصفت اسپ خود گوید :  
تر ولاړو او بوتېز دی په رفتار کېن د گاتې مزل په میاشت و هی تنها

### ارسال المثل

که ضرب المثل و باجمله مشهور در نظم آورده شود -

مثال :

هغه هم پکېن پرېوزی دامل دی « چه و بل و ته کوهی کینې و بال کا »  
(حمید)

مثال دیگر:

« د گور شپه چیری د چانه په کور کېږي » غم د چا په خوشحالی کله بدلېږي  
(عظیم)

### ارسال المثلین

که دو ضرب المثل در یک بیت آورده شود -

مثال :

وايي چه « له خانه په اولادوی پېر زوینه » خدای به کا « روانی په اصلی ولو او به »  
(خوشحال)

### سوال وجواب

معنی این صنعت ظاهر است -

مثال :

ماوې بیادی یر مخ زلفی راخوړې کړې ده ویل ستا په خوله می بیا خاوری ایرې کړې  
ماوې وایه څه ارمان لری په زړه کېن ده ویل منگلی که می ستا په وینو سرې کړې  
(حنان)

مثال دیگر:

ماوې تاته به فریب په کوم سبب شم ده وې ترک کړه ماسوی ماوې په سترگو

هغه ذوات چه د کابل کالني سره ئي  
قلمی مرسته کړېده



ښاغلی ، امین الله «زمریالی»  
د پښتو ټولنې معاون ، د  
( پښتون ) د مقالې لیکونکی  
( ۲۳۸ مخ )



ښاغلی ، عثمان «صدقي» دراديو  
د نشریاتو مدیر ، د ( فهرست  
شهرهای افغانستان ) د مقالې  
لیکونکی ( ۲۱۷ مخ )



ښاغلی قیام الدین «خادم» داتحاد  
مشرقي د جريدې مدير ،  
د (دريه برخه، میاروښان) د مقالې  
لیکونکی ( ۲۰۳ مخ )

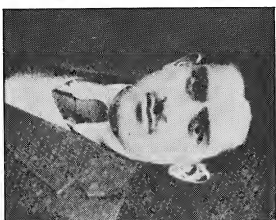
هغه ذوات چه د کابل کانليز سره ئي  
قلمی مرسته کي پاته



بناغلي ، سيد قاسم « رشتيا »  
د نشر پيا تو غو می مديتر  
د ( دنيا واقعات ) دمقالي ليکونکي  
( ٢٩٦ مخ )



بناغلي ، يار محمد « نظامی »  
د صحافت معاون ، د ( داخلي  
مهم وقایع ) دمقالي ليکونکي  
( ٢٨٠ مخ )



بناغلي ، صديق الله « رشتين »  
د فو اعدو مدير ، د ( پښتو تر )  
دمقالي ليکونکي  
( ٢٥١ مخ )

ماوې ستا دمخ وگڼل ته می لار نشته ده وې کړه پشپه ژدا ماوې په سترگو  
(شمس الدین)

### رجوع

یاک مطلب را گفته پس ازان به ابطال آن رجوع شود -

مثال :

که سینه وایم وچاته هم ئې بدنسی په زړه کښ  
یا بخت دی د مغلو یا لحما څه عقل کم دی  
په بخت دی د مغلو نه لحما څه عقل کم دی  
دا کڼل واده پېری ده چه می کار برهم درهم دی

### زشت وزیبا

صنعتیست که در مصرع اول دشنام و در مصرع ثانی پس مدح شود -

مثال :-

زیبا

زشت

چه می رنگ کړای په نکر یو گل انار	یو وار ماو اخیستای پښې د خپل نگار
باری ستا په باب دعا هز ار هزار	ته ویده وې ما درسته شپه کولې
رنج دهجر به شی د فغ د بیمار	که ئې یو لځله ، پر سرور باندی کښېښې
مخ یو قی په نقاب نه ښائی د یار	بند ئې خلاص که پورتې ونیسه پخپله
په رقیب کښ لحما غشی د آزار	که هر خو پر مویه زور کړم درست په نه لځی
د بانو په ستنی ستا د پوندی خار	په مدار مدار بې کا بزم چه خوږ نشې
ستاله غمه ترخوله دود نارې کو کار	دم په دم ئې هم وهمه هم ئې کا بزم

خو پر سیور ئې باندی ښوره شمس الدینه

د عشق اوښ په لاری کله لځی هموار

(شمس الدین)

## دریمه برخه : میاروشان

( ۲ )

لیکونکی: قیام الدین « خادم »

د مشرفی اتحاد مدیر

میاروشان د لودیانو د سلطنت په اواخرو کښ دینچاپ په جلندر ښار کښ وزېږېد . دده د زېږېدون په یو کال پس ته بابر په پښتنو مسلط شو ؛ او هندي مسخر کېږدمنولو په تاریخ کښ راغلی دی چه په ۹۳۲ هجری کال بابر په ابراهیم خان لودی بری وموند . ( ۱ ) په دې حساب سره گو یا میاروشان په ۹۳۱ هجری او ( ۱۵۱۲ ) میلادی کال لخوا کپړی دی ؛ چه تراوسه ځي ۴۲۸ کاله کپړی

د میاروشان د پلار نوم شیخ عبدالله ؤ ، چه په اوه پښته کښ شیخ سراج الدین انصاری ته رسېږي . د مور نوم ځي ( بنین ) دی . بنین د محمد امین لور وه . د عبدالله د پلار اوښکه نوم ندی معلوم . هو ، دا خبره معلومه ده چه د عبدالله ښکه او د بنین پلار ( محمد امین ) سره وروڼه وو . او په جالندر کښ اوسېدل وائي چه دوی د پښتنو ( لودیانو ) په نهضت کښ هند ته راغلي وو . د عبدالله پلار دخپل تره ( محمد امین ) څخه ، دده لور ( بنین ) خپل لخوا ( عبدالله ) د پاره وغوښته . نو بنین ځي عبدالله ته ورکړه ، په دې وخت کښ عبدالله ( د میاروشان پلار ) په کاشی کورم یا کاشی گرم ، ( وزیرستان ) کښ ؤ ؛ دی خبر شو او جالندر ته راغی . دلته میاروشان تولد شو ، او هر کله چه په پښتنو دمنولو تسلط او تشدد زیاد شو ، بنین دخپل لخوا ( روښان ) سره چه د غېږي طفل ؤ ؛ کاشی کورم ته راغله . ( ۲ ) وایی چه عبدالله عالم صالح او دخپل وخت مدرس ؤ ( ۳ ) هر کله چه دده فرزند ( روښان ) پیدا شو ؛ نودنوی هجرت دنه سو وکا او

( ۱ ) دبستان مذاهب د میاروشان د حالنامې په حواله .

( ۲ ) دبستان مذاهب د میاروشان د حالنامې په حواله .

( ۳ ) مخزن داخون دروېزه .

څخه څه کلونه تېر شوی وو؛ نو په دغه لحاظ ټي ورباندې (بازید- یا - بازید) نوم کښېښود (۱) میاروشان علاوه د بازید او بازید د نومونو څخه په پیرروشان ، پیرروشن او شیخ سراج الدین روښان په نومونو هم یاد شوی دی . مخا لښو په پیر تاريک سره هم یاد کړی دی . په بازید انصاری او بازید انصاری او بازید مسکین سره هم ذکر شوی دی . مگر په ټولو نومونو کې ټي میاروشان زیات شهرت لري . نو ځکه مونږ دې په همدغه مشهور نوم سره ستایو .

میاروشان په قام څوک دی ؟ اخون دروېزه په تذکره کې وائی چې د وزیرستان په کانی کورم ټحای کې د پښتنو خوقیلې سکونت لري . چې اورمې او انصاری هم له دغه قبیلو څخه گڼل کېږي . میاروشان د انصاری قبیلې څخه دی . وایی چې انصاریان د علم او صلاح خاوندان دي . په مخزن کې وائی « بدان ای فرزند که در موضع کانی کورم در میان افغانان ورمې عبدالله نام مردی بود با علم و صلاح و از اولاد علماء و صلحا بوده ؛ تا بقضای قدر از وفرو زندی براد بازید نام » د مخزن په بل ټحای کې لیکي : « د بازید پلار ټکه دواړه عالمان وو دورمې هم رښتینی وویدین کې » داهم د مختلفو تذکرو څخه ثابت ده چې میاروشان په خپل مېر کې « بازید انصاری » لیکلی ؤ .

دولت په خپل دیوان کې یو ټحای وائی :

هر طالب که عمل کا مقصود به مومی چه مرید دور مې بازید مسکین شه

د دولت د دیوان په قلمی نسخه کې چې ډېره پخوا لیکلې شویده ، په دې بیت باندې کوم نامعلوم سړی دا حاشیه لیکلې ده « برای رفع تهمت خود ها را انصاری مېگفتند و گر نه بتحقیق افغان ورمېاند . چنانچه از افغانهای وزیری شنیده شده »

ددې روایاتو غلبه دېته ده چې روښان په قام ورمې او پښتون دي . د انصاری لفظ ددې غالبه روایاتو سره داسې تطبیقې شې چې انصاری په پښتنو ( اورمې ) کې یوه قبيله دی لکه چې مخکې ورته اشارت وشو . یا دا چې ده دا لفظ په ټحان او خاندان باندې د کوم مصلحت د پاره اطلاق کړی دی ، لکه چې د دولت د دیوان څخه معلومېږي .

د روښان دود کښې په باب کې وایی چې دده مور دده پلار ته وه گرانه ؛ نو پرې ټي ښوده دی دمېرې اونا سکه وروغولاس ته پاتې شو ؛ (۲)

وائی چې د روښان د پلار په شاگردانو کې ملا یاننده نامی کمال ته ورسېد . د روښان پلار د درس وظيفه ده ته پرېښوده ؛ او خپل ټحوی روښان ټي هم ده ته وسپارلو . څه موده ملا یاننده

(۱) تذکرة الابرار والاشرار

(۲) دبستان مذاهب د حالنامې په حواله .



زيار و کښ او روښان ئی دعلومو معتد لې درجې ته ورساوه . وایی چه روښان تېزذ کاوت درلود ؛ اوپه ود کو قوالی کښ به ئی په اعلی مبادی و کښ خبرې کولی . (۱)  
دروښان دکوچنیوالی دعاداتو څخه دانقل کوی چه کوم وخت به دی دخپل فصل د ساتلو دپاره تلو ، نوچه خپل فصل به ئی ساته ؛ نودشاوخوا پټیوڅخه به ئی هم مرغی اومال شړلو . او دخپل پتی اوفصل غوندې به ئی ساتل . (۲)

مياروښان وودکی و چه دمسلمانې په پنځوښاؤ کښ داخل شو ؛ اوپه مواظبت سره به ئی کلمه ویله ؛ نمونځونه به ئی کول ؛ روژې به ئی نیولی ؛ اما زکوة ورباندې نه ؤ واجب شوی ؛ دحج میل ئی درلود ، خولا کمکی ؤ . وایی چه په دغه کمکینې کښ په ریاضت ولگید ؛ او د حقیقت سره آشنا شو . (۳)

دبستان مذاهب داخبره چه « روښان نالوستی ؤ ؛ لیکن دفرآن اوحدیو په معانیو پوهید و اوتطبیقات به ئی پکښ کول . » صحیح نه معلومېږی . محکه ، دده دتعلیم په باب نورو ډېر وتذکرو لیکلی دی . لکه چه مخکښ مو وویل چه پلار ئی خپل رسېدلی شاگرد ملا پا ئنده ته د تحصیل دپاره وسپارلو ؛ اوله هغه څخه ئی تر ډېره حده زده کړه وکړه . همدارنگه په مخزن کښ هم لیکلی دی چه : « پدرش بازید را در تحصیل علم گماشته ؛ تا بقدر وسع حاصل آورده ؛ و در طاعت و عبادت جدوجهدی نموده ؛ و از منہیات شریعت محترز و مجتنب حتی الامکان می گشته . » د مخزن په پښتو برخه کښ داسی لیکي : « د بازید پلار ښکته دواړه عالمان وو دورمړ . هم رښتینی وو په دین کښ ؛ ولې بازید لکه ملاشه . دده فهم په سودا شه . »

وایی چه روښان پیر اتاوه . نودده په خپلوانو کښ یو سړی وچه خواجه اسماعیل ئی باله ؛ اودریاضت خاوند ؤ . چه ډېر مریدان اومعقدان ئی لرل ، اوخلقو ورځنې منفعت هم لیدلی ؤ . روښان وغوښتل چه مرید ئی شی . مگر پلار ئی منع کړ . ویل ئی دامناسب نده چه په خپلوانو کښ دیوقیت سړی مرید شي ؛ نوئې دشېخ بهاوالدین ذکر یا څامنو ته بوت . مگر روښان وویل : « شیخی په ارث ده » اودضمیم په اواز پخپله په ریاضت مشغول شو . خوچه دیو فکر اومسلک خاوند شو ؛ خلق پر راغونډ شول . اوپه تبلیغ ئی شروع وکړه . (۴) لیکن دده دسرکردگی اوتبلیغ وار پس له سفرونو څخه راځی ، چه بیان ئی دادی . هر کله چه روښان مېړانې ته ورسېد ؛ دسودا گرانو سره دتجارت په عزم سمر قند ته لاړ .

(۱) تذکره داخون دروېزه اودبستان مذاهب .

(۲) دبستان مذاهب د حالنامې په حواله .

(۳) دبستان مذاهب .

(۴) دبستان مذاهب .

له هغه لخوا په څخه ئې د سوداګرۍ اسونه راوستل . اوهند ته ئې بوتلل . واځې چې جالند ته ورسېد ؛ د پښتو د لودی کورنۍ څخه ئې یوه بڼځه په نکاح واخسته ؛ چې نوم ئې ( شمسی ) و . دلته د فکر او علم خاوندانوسره ملاقی شو . چې له هغو څخه ملا سلیمان ټولو تذکر و یاد کړیدی . (۱) واځې چې ددغه کسانوسره ئې په ډېرو موضوعاتو بحث او مباحثې وکړې ؛ او تردې وروسته دروېشان په حیات کې لوی تغیر پیدا شو . کوم وخت چې دروېشان مشر نحوی شیخ عمر وزېږېد ؛ نو خپل وطن ته راغی . دلته ئې دخپل پلار او تره سره په څه مسائلو کې اختلاف پیدا شو . وایی چې دیلار له لاسه زخمی هم شو . کوم وخت چې جوړشور ؛ د کابل په لارنګر هارته راغی . دلته د ملک سلطان مېمند کړه په مېمندو کې د مېلمستیا په ډول پاتې شو . څه موده وروسته پر شور ( پېښور ) ته لاړ . هلته دخپلو په غورځیلو قبیلو کې دېره شو ؛ او د پېرۍ او ازه ئې خوره شوه . (۲) تردې وروسته دی نور ټول کارونه پرېږدی ، د پېرۍ مړیدۍ په لاره دخپل مسلک تبلیغ او اشاعت ته ملاتړی .

تر هغه په خپلو کې و تر څو چې دخپلو ټپه اکثره دده مړیدان شول . څه موده وروسته داشغیر مېمندزی ورغلل اودی ئې اشغیر ته راووست ؛ او کله ډېر کې ئې لځای ورکړ .

له دی لخوا په هرې خواته کسانو ته خواره کړه ؛ او اړې او نژدې خلق ئې خپل مسلک ته راوبلل . دادعوت سید علی تر میندی ( پیر بابا ) اودده شاګردا خون در وېزه ته هم و شو . اودوی دروېشان مخې ته راپاڅېدل . پس له دی روښان دخپلو مخالفانوسره ډېرې معارضې او مناظرې وکړې . دروېشان له یوې خوا موافقان اود بلې خوا مخالفان ډېر شول . خبره غټه شوه . څو چې دهغه وخت حکومت ، په معامله کې مداخله وکړه . او روښان دهغه وخت د مقتدر حکومت په مخالفت تورې ته لاس کړ او مړیدان ئې ورپسې ټینګ ودرېدل . او کلونه کلونه پښتانه د مغولو په مقابل کې و جنگېدل . او زرگونه او کروږونه سرونه له تنې پرېکړې شول . ښه نو ، ددې تاریخي غوټې سپړل څنګه دی ؟ په وروسته مخو نو کې د دې غوټې د سپړلو کوښښ کېږی .

د دبستان مذاهب مؤلف وایی ؛ شاه بیګ خان ارغون چې په خان دوران مخا طب و . ده میان با یریدلیدی و . ده ویل ؛ کوم وخت چې مېان با یرید لاتوره نه وه ایستلې ، نودی د همایون بادشاه د نحوی مرزا محمد حکیم مجلس ته حاضر کړی شو ، او علماء ئې د مناظرې څخه عاجز شول . نو نا علاحه یې پرېښود .

- (۱) وګوری تذکره الابرار و الاشرار او مخزن اودبستان  
(۲) وګوری تذکره الابرار و الاشرار . تاریخ مرصع او مخزن .

وایی چه روښان په حجت او استدلال کښ دومره قوی و ، چه هیچانه شوې کولای .  
 اخون در و بزه هم په خپلو عباراتو کښ داسې ټسکي دده په حق کښ ډېر تکرار وی چه  
 دده فراست او عقل ترې معلومېږي لکه داچه « بازید ډېر په عقل پور و ، د دنیا عقل یې  
 ډېرو ، هوشیاری او زیرکی یې ډېره زده وه » یا لکه داچه « سکه بازید یو حکمتی و »  
 یا لکه داچه « دا بازید په عقل پور و »

وایی چه په (۹۴۹) ه کښ میاروښان قوی شو . او افکار وېي رواج وموند (۱) داته  
 دده او دده د حریفانو په منځکښ د مبارزې میدان ښه تود شو . کپدی شی چه د حکومت  
 په لمن تثبث شوی وی . او دا هم احتمال لری چه رښتیاوی چه دروښان دعوتنامه کا بل ته  
 هم ورسېده په کابل کښ هغه وخت محسن خان صوبدار ، یادښ ورځې په اصطلاح نائب الحکومه  
 و ، او دده بده ومنله . او و دې شی چه د بل کوم سیاستی مصلحت په ملاحظه وی ، خود ده  
 پسې ځي راو ډنگوله . دی یې ونیو . او کابل ته یې بوت ، دلته څه دده په خپله هوښیاری  
 او څه د نورو علماؤ او ملگرو په مرسته او شفاعت څه موده پس له بنده را خلاص شو .

دښگرهار لا چه پورته راځي . ددې لځای قول خلق ځي خپل طرفدار کړل او خپل یاران او مریدان  
 یې راغونډ کړل او د قوتی غره ته چه د پېښور شمال ته واقع دی ، لاړ . له دې لځایه یې برالا  
 د حکومت په مخالفت ملاو ترله (۲) خپل مخالفین به یې تالا کول . او په مال و سر به یې نه اړکېدو .  
 اخون دروېزه په مخن کښ لیکي چه ده به دخپلو ملگرو سره د باچڅي داخستلو تجویزونه کول .  
 دی په مسخرو سره وایی چه دوی په خپل مینځکښ ملکونه وېشلی وو . یوه ملگری ته یې  
 ډېلی ورکاوه هغه وویل زه ډېلی نه اخلم ؛ ډېلی په دې ورځو کښ خراب دی .

پس له څه مودې ، تیراته لاړ . په دې لځای کښ یې افرېدی او ورک زی ، هم مریدان شول .  
 وایی په هغه وخت کښ اتان خپل هم دتیرا په خواوشا کښ پراته وو .

روښان چه تیراته راته . اول چوری ته راځي . په دې وخت کښ مغولی افواج د دوی  
 پسې راغلل . په دغه وخت کښ دغره دخلکو سره وسله نه وه . دچورې درمې ، سختی مشهورې دی .  
 روښان مریدانوته وویل چه دا درمې پرېکوی سرونه یې تېره کوی ، داستاسو وسله ده . نقل کا  
 چه دغه درمو به په جنگ کښ دښو کار کاوه (۳) او مغلو ته یې پرې شکست ورکړ (۴)  
 په تیرا کښ ځي دمغولو پر خلاف سخت تبلیغ کاوه چه دوی ظالمان دی ؛ او پښتنو باندې ظلمونه  
 اوتیری کوی . ددوی دجغ نه باید لځان خلاص کړو .

(۱) د بستان مذاهب .

(۲) مخن ، تاریخ مرصع ، تذکره الابرار والاشرار .

(۳) تاریخ مرصع (۴) تذکره داخون دروېزه .

تیرائي عالم شايد په ظاهره دده سره وو ، اوباطن يې دمغولو سره رویه درسته وه ، هغوته يې وویل : چه تاسو په باطن دمغولو سره ئې . زماله طریقي مردودشوی . اوس بو په چه واده خپل لاسونه پخپله وتری ، راشی ؛ ستاسوتوبه همدغه ده هغوی له اعتقاده یاله و برې ؛ دیارلس سووکسو لاسونه وتړل وراره راغلل . وایې چه ټول يې جدا جدا ووژل ، او تیرائي له تیرايې خالی کړه . اودغره پښتوته يې ورکړه ، افریدی او ورکزی يې ټول خپل مرید کړ . القصة افریدی او ورکزی يې تمام مطیع اوفرمان بردار شو . (۱)

د تذکرې په روایت سره : هرکله چه روښان دچورې په جنگ کښ دمغول فوجونه مات کړل اوتیراته ولاړه ؛ په آخره کښ دده طرفدارانو پښتوا اتفاق پدې راغی چه تیرائي خلک ووژنو اوبائی له تیراخڅه خارج کړو ؛ لڅکه چه ددوی په واسطه مغول تیراته راخی . وائی پدې واسطه سره تیرائي خلک دده سره مخالف شول . ده وویل خوچه لاس تړلی ماته رانشی غوږه مونکړم : دغسی یی وکړه . اودوه سوه شل کسه ورته راغلل . ده هغه ووژل ؛ اولڅخه چه خلاص شول ننگرهارته وتښتیدل . اوپه دغه سبب سره تیراله تیرائي خلاصه شوه . تردې وروسته يې خوزره پیاده او خوزره سواره د لځان سره واخستل او په مغولو یی فوج کشی وکړه . اوننگرهارته ئې مخه وکړه . په پرو مقام کښ دېره شو پدې وخت محسن خان له جلال آباده د دوی په مقابل کښ را وخوځید . په تور راغه باندې سخته جگړه وشوه . دلته روښان شکست وکړ . فوج يې تار پتار شو . پخپله په عین گرمی کښ په غرو اورغو کښ پلې ترشاشو . په لاره کښ جل وواړه . چه اشغرت ته ورسید . په کالایانی لځای اوپه (۱۵۸۵) میلادی کال کښ مړشو . (۲) اوهمدلته په اشغرت کښ ئې ښخ کړ . چه وروسته ئې لځامنو هېوکی را وایستل په صندوق کښ يې دتبرک دیاره دلخانه سره گرځول . وائی چه دیو سفرو په جنگ کښ هغه صندوق اباسینده واچول شو . احتمال لری چه وزیرستان ته یی وړی وی لکه چه هلته دده په نامه قبر شته .

پس دروښان له مرگه گوندې دشر کټوی ماته شوه ؟ - نه ، روښان په خپل اساس کښ داسې نېزې اوبخې خښتې لگولې وې چه ترده وروسته دخو ښتو پورې دده اولاد او احفاد اودده پیروانو کلونه کلونه دده دمسلك حمایت دیاره سرونه په لاس کښ نیولی وو . ددې تفصیل دادی :

روښان پنځه لځامن اړل : شیخ عمر ، نورالدین ، خیرالدین ، کمال الدین ، جلال الدین ، په ټولو کښ مشر شیخ عمرو ؛ دروښان له مرگه پس شیخ عمر دده په مصله کښېناست . شیخ عمر دخپل

(۱) تاریخ مرصع .

(۲) وگوری دجارج مارگین سقرن مضمون په ( دهند اثار عتیقه ) مجله کښ .

پلار هېو کی له قبره راوایستل په صندوق کښی به یې د تبرک دپاره دلخانه سره گرځول . شیخ عمر به خپل لځان د پښتنو پاچا گانه . په خپله دغه دعوه کښی تر یوه حده کامیاب شوی هم ؤ ؛ لځکه چه یوسفز یو دده لځینی او امر قبول کړی هم وو . داسی چه لځینی خلکو به عشاو خراج ور کاوه . مگر ملک همزه خان اکوزی یې مخالف شو . شیخ عمر ، دی تالا کړ . او په دې سره د دواړو خواؤ تر منځه جنګ جوړ شو . اول جنګ په سور کاوی کښی وشو ، اوروښانیان غالب شول . دویم جنګ په مینی کښی وشو ، دلته همزه خان بری و کړ . په دې جنګ شیخ عمر او خیرالدین د دلازا کوله لاسه مړه شول . نورالدین و تبتید ، او مهندزو وواژه . جلالالدین زخمی شو ؛ اوسینده یې لځان وغورزاوه لیکن له سینده یې نجات وموند او په مندرو کښی د دامازو قیلې لاس ته ورغی . په دغه وخت کښی دی هلك ؤ ، نو لځکه دوی ونه واژه په شکست کښی دروښانیانو لښکر دېرومړ . ښځی او کوچیان یې بندیان شول . په دې جنګ دروښان هېو کی ابا سینده چه د مینی په خوا کښی بهېزی واچول شول ، وایې چه شیخ عمر او خیرالدین په تور په مقام کښی چه د ابا سیند ، هغه خوادی . ښځ دی لځکه چه دوی هغه غاړه د دلازا کوا له لاسه پس له شکسته قتل شوی دی .

نورالدین به اشغر کښی مهندزو او په یو روایت گوچرو وژلی دی . نو لځکه مدفن یې هم د غلته دی . په دې جنګ کښی معلومېزی چه د حکومت لاس ؤ . لڼکه چه د تند کړې دلاندې عبارت څخه خر گندېزی :

« پس له څه مودې څخه یو دروښان دخلیفه گانو څخه لاړ . اودا کبر پاچاه څخه یې د بندیانو دخلاصون خواهش و کړ . پاچا ومانه . او بندیان ئې ایله کړل ؛ مگر جلالالدین یې خپل حضور ته وغوښت . او په خپل حضور کښی یې ساته په آخره کښی جلالالدین دا کبر له درباره و تبتید . تیراته راغی او دخپل پلار د مریدانو سره یو لځای شو . او دخپل پلار او ورور منصب یې ټینګ کړ . دا کبر له سختو دښمنانو څخه شو . او تل به یې چوراو چپاو کاوه . تر څو چه یو وخت یې په غزنی چپاوو کړ دلته د هزاره گانو له لاسه محاصره اومړ شو . وایی چه سریې هندوستان ته ولېږه ، او نیمه تنه یې د کابل او نیمه یې د غزنی په دروازه زوړنده کړه . وایی چه تر دې دغه کمالالدین دا کبر په بند کښی مړ شوی ؤ .

پس د جلالالدین له فوټه د شیخ عمر لځوی اود میاروښان نمسی چه احداتو نمیدو . دخپل پلار او نېکه په لاره روان شو . د پښتنو مشرشو اود مغولو سره یې دېرې جگړې جنگونه و کړل . چه دی هم ووژل شو ، د نه ښځه چه الا ئې نومېده او لځوی یې چه عبدالقادر یې نوم ؤ ؛ بر خلاف د مغولو د سیطرې و جنگېدل . عبدالقادر یې دخپلی مور سره په چل و نیو ، اود مغولو په لاس کښی مړ شو .



## د کرهني مستقل رياست

رئيس : ج، مير محمد يوسف خان  
 معين : . . . . .  
 د کرهني عمومي  
 مدير : ع، محمد زمانخان  
 دفتريش عمومي مدير : ، نادر عليخان  
 د کرهني د آفتو  
 د دفع مدير : ص، محمد کريم خان  
 د قوانينو او تدوين  
 مدير : ، فقير محمد خان  
 د اجرايي او مامورينو  
 دمدير کفيل : ، نادر عليخان  
 د کنترول مدير : ، عبدالروف خان  
 د اوراقو مدير : ، مير محمد هاشم خان  
 د احصائيي مدير : . . . . .

ج، مير محمد يوسف خان د کرهني دمستقل رياست رئيس  
 S. Ex. Mimr M. Yossuf Khan chef  
 de département de l'agriculture

## دمطبوعاتو مستقل رياست

رئيس : ج، صلاح الدين خان  
 مشاور : ع، قاري عبدالله خان  
 ، ، سرور خان گويا  
 ، ، محمد امين خويگاني

### دنشریاتو عمومي مديريت :

عمومي مدير : ع، سيد قاسم خان رښتيا  
 معاون اولمري-  
 خانگي مدير : ، احمدالله خان کريمي  
 د دوهمي خاښکي  
 مدير : ص، عبدالباقي خان لطيفي  
 د آژانس مدير : ، عبدالنبي خان  
 ، معاون : ، نجف عليخان نباتي  
 دراډيو مدير : ، محمد عثمان خان صديقي  
 دراډيو دمدير  
 معاون : ، مير امين الدين خان انصاري



ج، صلاح الدين خان دمطبوعاتو مستقل رئيس  
 S. Ex. Salahoddin Khan Chef du  
 département de la presse

د عبدالقادر له مرگه پس ته په تیرا کښ یوسف نامی ایر پدی اواز را میرور کړی دروېښانیا نو په مساک  
څه موده دمغولو سره په اخستو ایښودو کښ وو . په تیرا پر جنگونه جدلونه وشوه په آخره کښ  
مغولو دواړه په عهدو قول سره راوستل شاه جهان بادشاه لځان ته وغوښتل هزاری منصب یې ورکړ  
اوله وطنه یې پوښه کړل . په پانې پت کښ یې محکمه ورکړه .

افضل خان داشرف خان لځوی دخوشحال خان نمسی ؛ د تاریخ مرصع لیکونکی وایی « اوس  
سن مجری زرسل درویش دی چه هغه وطن ددوی داولاد په تصرف کښ دی . »

نوپه اوس حساب کوو ، دروېښان په ایښی اساس دده د کړوسی پورې ، د ده اولاد  
او بیروان ، تقریباً یوسل وشپته کاله دمغولو دزبردست قوت بر خلاف وجنگېدل . بیانو هغه  
اورچه روښان بل کړی و ، او په لاسونو کښ یې تورې چلولې ، په خوگلمان بدل شو . او په  
زړونو کښ یې لځای ونیو ، هیڅ شک نشته چه نن دې یې هم چېرته چېرته اثار څرگند یږی .

داڅو یومجل حساب و چه مونږ ستاسو په لاس درکړ . ددې واقعاتو څخه د لځینو تفصیل  
چه په تذکرو کښ ټکی ټکی زمونږ تر نظر تېر شوی دی . غواړو چه دلته یې غونډه و لیکو ؛

په طبقات اکبری کښ یې راوړی دی چه ددوشنبې په ورځ شپږم د جمادی الثاني چه د  
هجرت زرم کال و ، اکبر باچا ته خبر ورسېد چه جلال الدین چه په تېښته عبد الله خان وزبک  
ته لاړو ، بیاراغی . او بنیاد یې دفساد او فتنې آغاز کړ . نو د نوروز په ورځ یې جعفر بیک  
چه بخشی و ، رخصت کړ . چه د کابل دوالی ؛ محمد قاسم په اتفاق د جلال الدین مهم تر سرکا

او د شعبان په آخره په همدغه کال کښ یې زین خان کو که د سوات او باجوړ د ابادانی  
او د جلال الدین دو هلو او د پښتنو د تنبیه او استیصال د پاره ولېږه . (۱)

په طبقات اکبری کښ یې را وړی دی چه جلال الدین په هغه وخت چه عمر یې د  
څورلسو کالوو ، په سن دته سوه اته اتیا چه اکبر له کابله راو جاړووت په ملازمت د بادشاه  
راغی مهربانی یې ډېره ورسره وکړه . پس له څو ورځو ترې وتښتید . پښتنو ته راغی . فساد یې  
آغاز کړ . لاره یې د کابل او د هندوستان بنده کړه .

اکبر په رفع دفع د دوی کنور مان سنگه تعین کړ او کابل یې دده په جا گیر کښ  
ورکړ . هر کله چه خبر را ورسېد چه زین خان کو که د پښتنو سره په جنگ جدل گرفتا ر  
دی د صفرې په دویمه او هماغه کال یې سعید خان گگر ، اوراجه بیر بر ، او شیخ فیضی ،

او فتح الله خان شیرازی ، اوتاش بیگ او صالح عاقل ، او نور ډېر لښکر په کومک، او مدد د زین خان کوکه رخصت کړ، او پس له خو ورځو ټي حکیم ابو الفتاح له نوره جماعته سره هم په کومک د زین خان روان کړ . کوم وخت چه زین خان ته دا امیران را ورسېدل ، نو د پښتنو په تاخت او تاراج یې لاس پورې کړ . او وړاندې به تلل . وایی چه راجه بیر برېي د زین خان له اتفاقه کوچ وکړ . مازیگرو چه د بلندری غاښی ته راغلل . پښتانه پرې راواو وښتل په غشو په ټو پکو ، په کانو یې ویشلل . لار باریکه ، شپه تاریکه ، مغول نابنده . لاره یې غلطه کړه ډېر په هلاکت ورسېدل . او فاحش شکست یې وخوړ . او اوه اته زره خلق ډوب شول . په دې جنگ کښ راجه بیر بر ، و مړ . راجه ننی او راجه درم چند او خواجه عرب ، چه ددغه فوج اغشی و ، او ملا شیرین شاعر ، او نور ښه نامداره خلک په دغه شپه په جنگ کښ مړه شول زین خان کوکه او حکیم ابو الفتاح په بد حال په ډېر محنت اټک ته راو رسېدل . په دې واقعه اکبر خورا ډېر خفه شو او دوی یې له سلامه منع کړل . پس له دې یې راجه تو درمل د دې واقعه د تدارک او تلافی د پاره د ډېر لښکره سره دغه کار ته تعین کړ . دی راغی او یو سفری یې فاخت او تاراج کړل . او ملک یې پر تنگ کړ . په دغه وخت کښ اکبر ته خبر را ورسېد . چه د ملورا ، النهر د بادشاه عبدالله خان اېلچی د ډېرو سرغانو سره راځی . او نور معتبر مېلمانه هم ور سره دی . اکبر شیخ فرید بخش او احمد بیگ کابلی سره له لښکره د دوی استقبال ته ولېږل چه له خیبره یې را تیر کا . دا لښکر چه ورغی . جلال الدین دخیبر لاره نیولې وه . ډېر جنگ وشو . او دواړو خواؤ یکښ ډېر تلفات ورکړل . په دې جنگ کښ راجه مان سنگه چه د کابل په حکومت مقرر شوی و او د لښکره سره کابل ته ته ، هم شریک و . (۱)

په طبقات اکبری کښ راوړی دی چه د هجرت په نه سوه شپږ نوی کال اکبر ته خبر راوړسېد چه جلال الدین بنگیو ته لار . نوا اکبر عبدالمطلب خان چه دا کبر د لویو امراؤ څخه و ، او محمد قلی بیگ افشار ، او حمزه بیگ افشار ، او دارنگه خوا مرا گان په استیصال د جلال الدین و بگښ ته تعین کړل . هر کله چه د لښکر بنگیو ته را ورسېد جلال الدین د ډېرو سوړو او پیاده و سره جنگ ته راغی . شدید جنگ وشو پښتانه او مغول ډېر مړه شول . له دې پس جلال الدین په غزنی يرغل وکاوه . او د هزاره و له لاسه مړشو .

(۱) تاریخ مرصع .



دهجرت په یوزروشلیم کال احداد بروزو کړ . اوبشکاره شو . (۱) هغه پښتانه وغیره چه درویشان مریدان وو ؛ واده زیات ترروښانه په ده وگروهېدل . دی اول په تیرا کښی ؤ . په دغه وخت کښی دپیښور صوبه دار مهابت خان ؤ . مهابت خان احداد له پیروانو څخه « تیر صو ؛ شاید درې سوه گڼې مرادوی » دولت زی په تمه توقع اوپه قول اوامیدواری لمان ته راوېلل . په دغه وخت کښی ددولت زی وملك ، ملك ، اصغر ؤ ؛ چه دملك تور تره ؤ . ددې ډلې مشر ملك تور ؤ . اود ملك اصغر دوه لمان چه شمسی اورسول نومېدل هم پکښی وو . مهابت خان ته چه ددولت زیو داجر گه راغله . ده دا خوښه کړی چه دا سړی ټول ووژنی اود احداد پسی لښکرو کړی . د مهابت خان په دې اراده ملك تور پوه شو . لمان گڼې په چلول دپیښوره وایست . نورو پښتنو ته گڼې هم د مهابت خان له ارادې څخه خبر ورکړ . لیکن هغو باورونکې . خو چه مهابت خان په حبله سره له پښتنو نه وسلې واخستې اودوی گڼې یو یووژل . بیا نو د غیرت خان په سر کړ دگي دوه وېشت امیران په مهم دتیر او کوهات په لاره تعین شول . د اسماعیل زیو په وطن کښی د سنگ پازره تر غاښې لاندې گڼې واول . دولت زیو د ملك تور په مشرۍ دروښانی احداد د حکم لاندې د غاښی سر ورته ونيو . په سبامغول سواره شول او جنگ ته راغلل . غیرت خان د مغولو د فوج مشر د ملك تور مور چې ته ورسېد . اورا جیوت دروښانیانو مور چې ته ورغی . جنگ جوړ شو . په دولت زیو کښی پنجونامی فیروز خان خیل د غیرت خان سره غېږ په غېږ شو . دواړه یو له بله پر یوتل پنجو ناری کړی چه مامم ورسره ووی خودی درنه لاندنی خوبی دواړه ډبله ووژل . چه غیرت خان مړ شو . مغولوماتي وکړه پېچسابه مړه شول . دنورولوت نه پرته یوازې اسونه پنځه زره دپښتنو په لاس کښیوتل . په دی شکست مهابت خان سخت متأثر شو .

چه د ملك اصغر شمسې اورسول لمان مړه شول ( لکه مخکښی مووویل ) نوده خپله ملکي ملك تور عبدالعزیز خیل ته وسپارله . لکه چه بل فرزند گڼې نه ؤ . له دې پس ملك تور له احداد په څه وجوهاتو آزرده شو . ددوی په مینځ کښی نزاع پیدا شوه . ملك تور مغولی شو . اود مغولو لښکريې تیراته بوت . دی وړاندې شواحدادیې له تیرا څخه وایست . احداد په لوا غره کښی دخټکو په چپو تره نوماندې لمان کښی ډېره شو . له دغه لمانه به یې همیشه په هر اوری داری او یرغلونه کول . لښکرو ورسره ډېر ؤ . اود هر قام سړی دده د حکم لاندې و . و . د احداد د ښځې الا گڼې نوم ؤ . دا ډېره ښایسته اود عقل او فراست خاوند ښځه وه . د احداد لموی عبدالقادر نومېد .

احداد په دې دواړوله حده زیات مین ؤ . هر کار به یې ددوی بې مصلحته نه کاوه .  
یوزل احداد دخدری اکوړ خیل په لار ښودنه د یحیی خان د سر داری په وخت کښ په خیر آباد  
چپاوو کړ . خیر آباد ېې تالا کړ . د جارتو په وخت کښ خضر خان اکوړ خیل د چور پانۍ په وره  
کښ پسې ورغی . جنگ ېې وکړ . خضر خان مړ شو . (۱)

د جهانگیر د جلوس په شپږم کال په یوزروسل هجری سنه کښ چه په دې وخت خان دوران  
 په داوخت له ډېره سپاهه سره په حدود د ننگرهار او بنګین ؤ ، او معز الملك بخشی د لنډ جمعیته  
 سره په کابل ؤ . احداد فرصت غنیمت وگانه . د ډېروسورو او پلوسره کابل ته ورغی . معز الملك  
د کابل کوڅې بندې کړې . او جنگ ته مخامخ شو . پښتانه ډېروو او اه هرې خوا په کوڅه  
او بازار بې پر هله وکړه .

معز الملك د مقاومت تاب راه وود . په کوټ ننووت دمغولو طرفدارانو لځان ټینګ کړ .  
 له دواړو خواؤ څخه ډېر خلک مړه شول . پښتانه زیات وکم سل کسه ومړل . او احداد پیر ته و جاړووت .  
 په دې ورځو کښ نادعلی میدانی په لوگر کښ ؤ ، خبر ور ورسېد له هغه لځایه راروان شو . خو پښتانه  
 تللی وو . وایی چه په دغه ورځو کښ فتح خان د جهانگیر له حضوره د کابل په حکومت اود احداد  
 په تنبیه اود پښتنو په ضبط تعین شو . (۲)

وایی هر کله چه مظفر خان دخواجه ابو الحسن محوی کابل ته راغی خبر ورته راوړسېد چه یلنگتوش  
 وزبک د فتنې او شورش په عزم غزنی ته راغی . نو نا علاجه مظفر خان د خپلو تعیناتو سره  
 د یلنگتوش پسې روان شو . پدې مینځ کښ احداد قابو ولیده . یلنگتوش په اشارت تیراته راغی .  
 اود مغولو سره یې جگړه شروع کړه . یلنگتوش په خپل عزم پېښمانه شو . او له خپلو عزیزانو  
 څخه یې یو سړی مظفر خان ته واستاوه . اود صلح خواهش یې وکړ . یلنگتوش له مقدمې څخه مخ  
 به شاشو . اومظفر خان د احدادو خواته مخه ونیوه . چه احداده له واقعاتو څخه خبر شو . نو یوازې یې  
 جنگ ته تیارانقله اود لو اغره ته و جاړووت هلته یې لځای په لځای مورچې وتړلې یې ، محکمې یې ډېره وکړه .  
 ذخیره اوتوبه یې غونډه کړه . او ډېر د جنگ اسباب یې تیار او آماده کړ . مظفر خان هلته ورغی  
 پنځه شپږ میاشتې جنگ ؤ . ددوی په مینځ کښ ډېر جنگ او جگړه اوزدو خوردو شو . په آخره کښ  
 د جمادی الاول په اوم تاریخ د دوشنبې په ورځ ، پس له دې چه درې ډېره جنگ وشو ، کوم وخت  
 چه احداد دمورچه بندی په خیال له یوې مورچې څخه بلې ته تلو ، په ټوپک ولگېد ، اومړ شو . پښتانه

(۱) تاریخ مرصع

(۲) تاریخ مرصع .

پس لدې تنگ شول. اومورچې يې پرېښودلې. پدې مېنځکېښ دا حداد د لښکر یو سړی دانعام په نیت دا حداد توره او چاره او گوتې يې مظفر خان ته راوړې. دده يقين وشو. دسړی سره روان شو. ويې لیدل چه حداد مړ پروت دی. مظفر خان په دې بری ډېر انعامونه واخستل. منصب او اضافه يې بیا موند. دا حداد له مرگه پس يې لښکر سره گډوډ شو. او خپله کورمه يې د لواغره یو سخت لځای ته وختل. دمغولو لښکر راوجار ووت.

څه موده پس دا حداد خپلخانه دالایي اوعبدالقادر سره تیراته راغله وائی دجهانگیر دجلوس به شلم کال دجمادی الثاني په اتم کوم وخت چه جهانگیر د لښکر په نیت کابل ته را روان شو. اودښار په گردونواح کښ يې څو ورځی ښکار وکړ. نو دجمعي په ورځ اودرویشتم دجمادی الثاني يې کوچ وفرمایه. پدې وخت کښ افتخار خان د اسد بیگ خان کابلی لځوی دا حداد سرجهانگیر ته راوړ. بادشاه دشکر سجده وکړه. ښادنامې يې وغږولې. حکم ئې وکړ چه لاهور په دروازه يې غوړند کړی. (۱)

کوم وخت چه جهانگیر مړ شو اوشاه جهان يې په لځای کښېناست. هغه وخت چه لښکر خان د کابل صوبه دار ؤ، په دغه وخت کښ عبدالقادر له تیراته لښکر کشی وکړه؛ او پېښور يې محاصره کړ. د لښکر خان نائب يې وواژه. اطراف او جوانب اود پښتنو قول اولوسونه دمغولو په بدی متفق شول. پېښور يې محاصره کړ. شهباز خان چه دمغولو سره ودی يې په اټک ئې محاصره کړ. د ښکښو صوبه دار چه سعید خان نومېده، راوړ سپد او د پېښور په محاصره کښ ننوت. اول او ابتدا محاصره عبدالقادر کړی وه. په آخره نور پښتانه هم پکښ شریک شول ر شک يې پیدا شو؛ چه نوم د عبدالقادر کېزی. د عبدالقادر سره يې مخالفت راواخست عبدالقادر وپوهېد چه دوی به دمغولو سره سازو کا، اوما به نیولی ورکا. له دې وېر يې شپه په شپه کوچ وکړ. اود خپل لښکر سره تیراته ولاړ. مغول به دې حال خبر شول. له کلانه راووت د پسمانده پښتنو سره يې جگړه وکړه. ډېر یوسفزی او گیگیا نې پکښ مړه شول؛ اوشکست يې وخوړ. دا واقعہ چه د شاه جهان غوزو ته ورسېده. په یوزل يې سعید خان ته پنجهزاري منصب اود کابل صوبه داری ورکړه. اود کابل په صوبه کښ بیا مغولی عمل وچلېد. مغلو عبدالقادر او الایي په عهد او قول سره پېښور ته راوستل. په څو شپو کښ عبدالقادر وفات شو. مغلو بیا تیراته په احادیانو پسې لښکر کشی وکړه. په دې وخت یوسف افریدی او ازار میر، ورکزی چه دا حدادیانو د لښکر سرداران وه؛ دمغولو د افواجو سره ډېر جنگونه وکړل. وایی چه یوسف افریدی داسی بهادر لځوان ؤ، چه

دا حدادیانو په لښکر کېن په مېړانه دده ثاني نه و . په دې مهم کېن ده داسې تورې ووهلې چه عالم ورته حیران شو . په آخره کېن یې دوی دواړه هم په چل ول راوستل او پانې پته ئې فرار کړل . هلته یې محکمه ورکړه . (۱)

روښان ډېر تصنیفونه اوتالیفونه لري . اخون دروېزه ډېر لځایونه وائی چه روښان ډېرې رسالې او کتابونه لیکلي دي . په دبستان مذاهب کېن لیکي چه میاروشان په عربي ، فارسي ، هندي اوافغاني کېن زیات تصانیف لري . له دغه جملې څخه « مقصود المؤمنین » یو کتاب دی چه په عربي لیکلی شوي دی بل کتاب یې « حالنامه » ده .

بل دروښان د تصنیفونو څخه خیر البیان دی . چه دروښان په ټولو تصانیفو کېن زیات شهرت لري زمونږ هم . ده دغه کتاب سره کاردی . لڅکه چه له دی کتابه څخه د پښتو دثر نمونه زمونږ لاسوته را رسېدلې ده . خیر البیان په څلورو ژبو : عربي ، پارسې ، هندي او پښتو لیکلی شوي دی . خیر البیان د څه شی بحث کوي ؟ د دې پوښتنې مجمل جواب دادی چه خیر البیان د شریعت او طریقت ( تصوف ) بحث کوي . دوات په خپل ډېوان کېن وائی :

« په څلور لفظه ئې جوړه خیر البیان کړه موافق شو په آیات په حدیثونه »

اوس غواړو چه د خیر البیان د متن څو ټوټې چه زمونږ په لاس کېن دي دلته ولیکو .

۱- « نبی ویلی دي ، رحمت دې وی په ده : مرگت به ورشی وسړی و ته ناگهان ! - نشته دسړی په دنیا کېن تل د تل مقام ! - گوره ، ددغې زمانې ادمیان ! - غواړی دنیا او هر چه پکښی دی مشغول دی ډېر ادمیان ! - یخینی په کرلو ، یا په بازار گمانې ، یا په پوند گلی ، یا په تور کېن باندې ، یخینی په نور نور چار مشغولی کا ادمیان ! - »

۲- « دکې میاشت که یو کس ووینی روژه دې نه ماته وی گوښی ، که علت وی په آسمان . گواهی دې نه قبولوی ، امام ، بیرون د دوه مېړه ، او یا یو مېړه دوي اروتې وی - که علت نه وی په آسمان . گواهی دې نه قبولوی امام ، بیرون د ډېرو ادمیانو . »

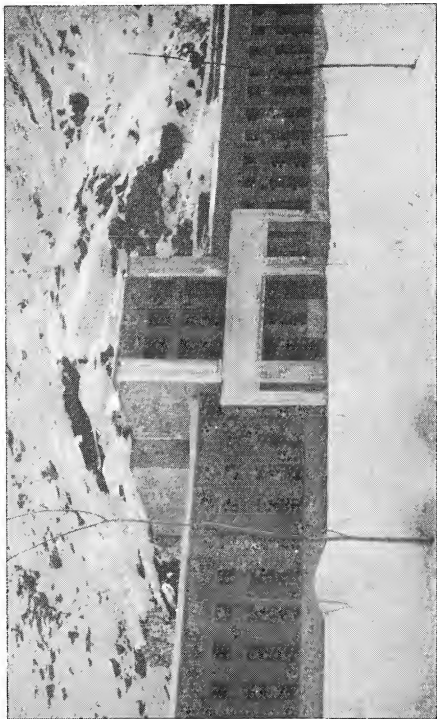
۳- ویلی دي سبحان : کب چه په اوبو کېنې گریزی مخې واو بو ته شی ، هسې هر لور ته چه وجار وزی مخې و ماو ته شی دادمیانو . »

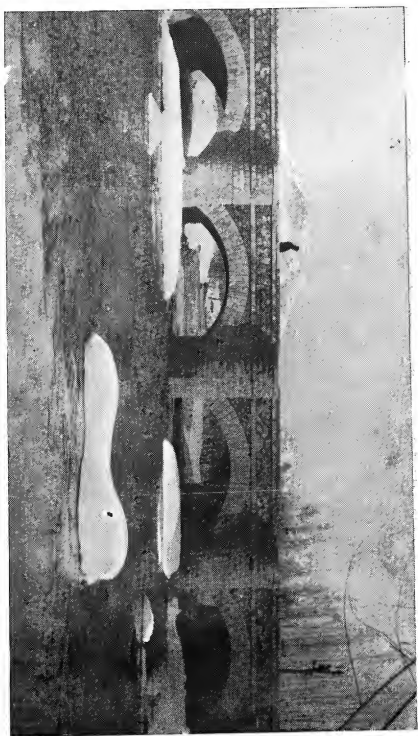
دروښان د ثر لیکلو خصوصیات : مارگین سقرن ناروېزی مستشرق چه خیر البیان ئې لېدلی دی ده ورڅخه لاندې مواد یادداشت کړيدي :

(۱) خیر البیان دنورو ډېرو پښتو قدیمو کتابو په شان چه تر ده وروسته لیکل شوي دي وی ، ه تردې چه ظاهره (ه) هم نه لیکي .

(۱) تاریخ مرصع :

د چنډاډول معاینه خانه





سوی پل ( پل سوخته )

(۲) د خیرالبیان داملائی خصوصیاتو څخه داده چه څو کلمی سره نیتې او یو لځای لیکي .  
مثلا (خوږه ویدی) د (خوی هوی دی) پر لځای . په شپې ډېر گړزی داسی لیکي : (پشپه ډیر گړزی)  
پکښې مې مرکب لیکي یعنی (پکښه مې) .

(۳) د پښتو خاص حرفونه لکه ټ، څ، ډ، ږ، ښ او همدارنگه ږندن ور لځې درسم الخط په  
شان لیکي . شاید (ږ) په حلقه او (څ) په درې ټکود یاسه لیکي .

(۴) بایزید ارمر اود وزیر ستان دی . مگر دده د لیکلو معیار خپله لهجه نده ؛ دده د لیکلو ږ به  
اکثره دنورو کلاسیکي ادب د کتابو سره چه ظاهرأ دهغو اساس دیوسفزیو په لهجه ایښودل  
شویدی مطابقت لری . مثلا دلیار (راه) گیمې (عسل) ویائی (میگوید) مېر (افتاب) . اېتو (از تو)  
څلوېږ (چار) په لځای چه د وزیر ستان لهجه ده ؛ لار، گیمه، وائی، نمر، ستا څلور، لیکي .

دا څو څیزه نور هم د خیرالبیان د سبک خواص دی :

(۵) د خیرالبیان په ټر کښ د عربی رنگ ښکاره او ظاهر دی . جمله بندی ئې عینا د عربی  
په سبک تطبیقزی .

(۶) د مقفی ټر اولینه نمونه د خیرالبیان څخه لاس ته راځی . مخکښ ترده مونږ ددې رقم  
ټر سراغ نه لرو .

(۷) په پښتو کښ د وېمنی کتاب چه د تصوف د اساسی نظر ئی (وحدة الوجود) بیان  
پکښ وی خیرالبیان دی .

(۸) په پښتو کښ اخلاقی، دینی، مذهبی مضامین لیکل اود آیاتونو او حدیثونو تر جمی کول هم لکه  
چه تر نورو د څه خیرالبیان شروع کړی وی . وروسته بیا ډېرو پښتنو په دی بابکښ څه لیکلی دی  
چه مکمله نمونه ئی تفسیر یسیر دی .

جارج مارگین سټرن ښه حدس وهلی دی چه ویلی ئې دی : « دا څېره چه د خیرالبیان  
د پښتو ټول صحیح حرفونه جدا علامې لری . . اودارنگه دا چه لځینی له دغو څخه دهغه حروفو  
سره چه اخون درويزه مستعمل کړیدی مطابقت لری په یو پخوانی ادبی روایت دلالت کوی .  
لځکه خیال ته نه راځی چه دې مدافع او حامی دایمان به داملا په طرز کښ هم دخپل حقیر د ښمن  
تعقیب او بیرونی کړې وې ! » لکه چه د سلیمان ما کودند کړه الا و لیا د نوږې څخه مونږ ته معلومه  
شوه چه عینا دغه خط اودغه املا، بلکه تردې وخت مکمل تره لا دهجرت په شپږمی پېری کښ  
موجوده وه !

# فهرست شهرهای افغانستان

بناغلی عثمانخان « صدقی »

باین عنوان میخواهم بعض از شهرهای سابقه و حالیه سرزمین باستانی آریانا را از نظر خواننده گرامی بگذرانم. آریانای قدیم از آن وقتیکه جایگاه نژاد آریائی شد بسی مراحل زندگانی را طی کرد. بسی شهرها را مردم آباد کردند اما دست روزگار آنها را طوری از میان برد که حتی تاریخ هم نتوانست بحفاظت نگاهدارد. کی میدانند که چه شهرها آباد شد چه نامها گرفت و با چه علل از میان رفت. بهر حال تا جائیکه صفحات تاریخ زمان کهن و کتابهایی که ما به آن دست رس داریم مساعده کرده اسمای چندی را گرد آورده خواننده عزیز را به آن متوجه میکنم تا اگر روزی اودسترسی پیدا کرد دقتی به آن کند و این سطور بجمل و مختصر را که هسته آن خواهد شد بحال رشد و نمو درآورد. من درین صفحات اندک چیزی که میتوانم بکنم ازین شهرها نام می برم و تفصیلات مزید آنها را تا جائیکه جمع شده در خود رساله کو چکی می بینم که بهمین زودی تقدیم محیط مطبوعات خواهد گردید. درین مقاله خواننده عزیز شهرهای را که در زمان قدیم بوده و حال وجود ندارد، شهرهای که در زمان قدیم بوده و حالا بصورت قصبه موجود است و آن شهرهای که پسان آبادان گردیده و هنوز هست و آن شهرهای که از زمان قدیم تا کنون همچنان باقی است خواهد دید. البته یکی دوسطر تفصیلاتی که را جمع بهر شهر داده میشود به تناسب اهمیت و یادسترس ما به آن است، اینک بمطلب آغاز کرده به ترتیب الفبا شهرها را مینویسم.

## آرتا کوانا:

(آرتا کوانا) یا (آرتا کانا) شهرشاهی مردم آریه و درجوارشهر حالیه هرات واقع بود و نشیمنگاه حکمران ولایت هرات شمرده میشد. این شهر درجای ارگ کتونی هرات بوده.

## آریاسپ:

شهر بزرگ مردمان آری سواها یعنی سواران اسپ های اعلی که در ولایت درنجیان واقع بود.

## آزولا:

یکی از شهرهای معروف ولایت اراکوزیه بوده و غالباً گذر یا گذارستان واقع در هلمند علیا باشد.



### آقچه :

شهری است در ولایت باختر ( ولایت مزار شریف ) بفاصله ۲۴ میل بغرب بلخ .

### آهنگران :

شهری در ولایت غور و پایتخت آخرین پادشاه محلی غور بود که در قرن یازده از دست غزنویان منقرض گردید و امروز بحال قریه درآمده .

### آرا کوتی :

مرکز ناحیه کنار رودخانه آرا کوتس ( ارغنداب ) بوده .

### ارمن :

در ولایت هرات شهری در جنوب غربی قلعه نو بود که حالا خرابه می باشد .

### اسپی :

شهر بزرگ در مناطق شرقی افغانستان و متعلق بقوم اسپسیان ها غالباً در کنار یکی از معاونین رود کنر واقع بوده .

### اسفزار :

اسفزار یا سبزوآر یا شین دند شهری دارای فصلی مستحکم و چاردروازه در ولایت هرات واقع و در مرکز منطقه شادابی افتاده . موهن لال سیاح این منطقه را با بهترین قسمت زر خیز هندوستان برابر می داند . این شهر مولد بسا علما و فضلاء نامدار ماست . در کشاکش مهاجمین مانند سکندر ، چنگیز و تیمور خیالی صدمات برداشت . اکنون هم موجود است .

### اسکندریه آریا :

قلعه نظامی که اسکندر مقدونی برای رهائش سپاهیان یونانی در هرات بساخت .

### اسکندریه اورنوس :

قلعه نظامی دیگری که علما آنرا در خلم و یا شهر اوکراتیدس می دانند .

### اسکندریه قفقاز :

قلعه نظامی ساخته اسکندر که غالباً در پروان حالیه بوده .

### اشکمش :

شهری در ولایت تخارستان (قطغن و بدخشان) نام قدیم آن وزوالین بوده و بسی علما ازان برخاسته .

### العسکر :

شهر کوچک شاهی در جوار بست .

### انبار :

شهری بود و ولایت باختر که در قرون وسطی مرکز مهم تحریکات بر خلاف امویان گردید غالباً یکی از شهرهای عمده جورجان بوده .

### اندا کا :

شهری قدیم در صفحات لغمان بود احتمال میرود که ادرك باشد .

### اند خوی :

در شمال غرب بلخ در مجاورت سرحد افغان و شوروی بر کنار رود سنگلاک واقع است اکنون از مراکز عمده تجارت شمرده میشود .

### اندراك :

شهری قدیم در دره کنر بود که حالا معلوم نیست .

### اوبه :

شهری است بسمت شرقی هرات بفاصله (۵۰) میل بسی علما و فضلا بدامن آن پرورده شده .

### اورنوس :

از شهرهای قدیم افغانستان بوده که موضع آن بموقعیت شهر قدیم و مستحکم سمنگان نزدیک ایک کنار رود خلم موافقت می کند . بعضی آنرا خلم دانند علاوه برین به این نام قلعه مستحکمی در نواحی شرقی آریانا در کنار اکسوس وجود داشت .

### اون پایکال :

در ولایت باختر واقع در شمال غرب شهر نملیک که امروز بحال خرابه در آمده . بارتولد احتمال می دهد که ایو کراتیدیا باشد .

د پښتو ټولنې عمومي مدیریت :

عمومي مدير	:	ع ، عبد الرحمن خان « پژواک »
معاون	:	« ، محمد اعظم خان « ايازی »
»	:	« ، امين الله خان « زمريالی »
د پښتو ټولنې عمومي مبصر	:	« ، گل پاچا خان « الفت »
د دائرة المعارف مدير	:	ص ، ميا حسين خان
د قواعد و	:	« ، صديق الله خان « رښتين »
د لقاتو	:	« ، عبد الخالق خان « اخلاص »
د تاليف او ترجمې	:	« ، محمد گل خان « نوری »
د صحافت	:	« ، عبد الرؤف « بينوا »

د مطابع عمومي مدیریت :

عمومي مدير	:	ع ، عبد الغفور خان « برښنا »
معاون	:	« ، غلام جيلانی خان « اعظمی »
د اجرائيې مدير	:	ص ، خواجه عبد العزيز خان
د طباعتی	:	»
د تخنيکی	:	« ، عبد الودود خان
فني مشاور	:	« ، محمد نوری خان
د کنترول مامور	:	« ، محمد عثمانخان

ادارای خانگی :

د اجرائيې او مامورينو مدير	:	ص ، عبد اللطيف خان
د کنترول	:	« ، مير حسام الدين خان
د اوراقو	:	« ، عبد الخالق خان
د کتابخانې	:	« ، غلام جانخان

### ایبک :

شهریست در ولایت مزارشریف که در افسانه ها بسی شهرت دارد . در زمان قدیم یکی از مراکز دین بودایی بوده تخت رستم که از آبادات تاریخی است در جوار آن واقع است .

### ایو کراتید یا :

شهریست که ایو کراتیدس شاه یونانی - باختر آنرا در کنار رود خلم بنا کرده بود . و روی خرابه های آن خلم آباد گردید .

### بامیان :

درین کوهای هندوکش و بابا دریک وادی کوهستانی واقع است . در زمان های قدیم مرکزیت تجارتی داشت دور اعتلا و ارتقای آن دوره های قبل از اسلام بود هیون تسیانگ آنرا ( فان - ین - نا ) یاد کرده . بامیان در زمان قدیم بزرگترین مرکز آیین بودا بود . بت های بامیان که از عتایق بی نظیر جهان است از یاد گارهای آن زمان است . در اطراف این بت ها افسانه های زیاد وجود دارد . مجسمه خوابیده بودا که ازین عصر یاد گار مانده بود در قرون وسطی ازین رفت و بمعابدت بت های بامیان بسیار صدمات رسید . یعقوب لیث در ۲۵۶ هجری آخرین معبد آنرا ویران نمود .  
شهر اده بامیان را شیر یاشار که معنی یاد شاه داشت می گفتند . شهر ادگان بامیان در زمان المهدی مسلمان شدند و از دست غزنویان منقرض گردیدند .

### بامین :

در ایالت بادغیس ولایت هرات شهر مهم و مرکز بادغیس بود .

### بدخشان :

شهر قدیم و پای تخت ولایت بدخشان بود که حالا جایش معلوم نیست احتمال می دهند که بر جای فیض آباد حالیه کائن بوده .

### بروقان :

شهری در جوار بلخ بوده .

### بسغور قند :

از شهرهای عمده حوالی بامیان بوده .

### بست:

آثار شهر کهن و تاریخی بست بر ساحل چپ رود هلمند واقع است. بست یکی از مراکز مهم تمدن باستانی بود. در اوایل قرن ششم مسیحی بدست افغانی ها افتاد. بعدها در اثنای قشون کشی های اعراب عبدالرحمن بن سموره بر آن دست یافت. چون شهر بست موقعیت مهم داشت از طرف مسلمانان عرب مرکز قوای عسکری قرار یافت و برخلاف شاهان کابل استعمال گردید. از وقت تصرف مسلمانان تادور سلطان های غزنی بست شهرت سابقه خود را از دست داده بود. در سال ۳۶۶ بست بدست غزنویان افتاد. در قرون وسطی دور مجد و اعتلای بست دوره غزنی است. بست را مورخین مکرراً بنام دار السلطنه یاد کرده اند یکصد سال بعد از ان علاء الدین جهانسوز این شهر قشنگ را ویران نمود. در حقیقت بست از همین روز خراب شد. در اواخر قرن هشت هجری سیلاب تیمور لنگ در مملکت ما سرازیر شد و بست صدمه شدید دید. تیمور بد رستم را که منشأ آب اراضی بست بود خراب کرد پس از تیمور تند باد فتنه نادر افشار بکلی آنرا از پا در انداخت. اکنون این شهر تاریخی متروک و فقط من حیث شواهد تاریخ باقی مانده.

### بشت:

شهری در ایالت بادغیس که حالا مجهول است.

### بغلان:

مرکز امروزی ولایت تخارستان است. بغلان در ۴۱ میلی جنوب قندوز در یک میدان وسیع وقوع دارد بغلان در دوره های تاریخی نیز اهمیت داشت نام تاریخی آن (بوهلای) است که بغلان تحریفی از آن میباشد. بغلان را هیون تسیانگ (فو - کیا - لانگ) نوشته در زمان های گذشته نیز آبادان بود. زمین مستعد دوباره آنرا طرف توجه قرار داد و فابریکه شکر ریزی در همین جا تاسیس گردید. آینده آن روشن است.

### بغنین:

شهری بود در زمین داور و مسکن اصلی خلجی ها اکنون مجهول است.

### بلخ:

قدیمترین شهرهای مملکت مابلخ است. این شهر از اولین تاسیسات آریائی هائیکه در ولایت باختر قدم گذاشتند. از همین جهت قدامت آنست که آنرا ام البلاد خوانند. بلخ را یونانیان (باکتر) (باکتر)

ودرفاسی قدیم (باخترش) ودرزمانهای مابعد (باخل) و (بهل) خوانده وبر آن صفت (آی بامیک) یعنی درخشان را علاوه می نمودند. موسس اصلی آن معلوم نیست. آنچه معلوم است اینست که بلخ شهر بسیار قدیم ومنبع جمیع مدنیت های آریائی بود. سلسله های سلاطینی که این شهر پایتخت شان بود بدست تاریخ نیست ولی درافسانه ها خیلی شهرت دارد که بعضی مورخین امروزی اشتباه کارا نه اسمای آنها را بدیگران نسبت میدهند مثلاً از آن جمله کیکاوس پادشاه باختری را باسیروس پادشاه هخامنشی یکی میدانند حالانکه فاصله زیاد دی درین این دو پادشاه بوده. سلسله های پیشدادی، کیانی و غیر ذلک همه افسانه های است که بتاریخ سلاطین سابقه بلخ اشاره می کند. تاریخ بلخ تا پنجم قرن قبل از میلاد عجله تاریک است ولی بعد از قشون کشی اسکندر قدری روشن میشود.

زردشت یکی از شهزادگان بلخ بود. وقتی که او می زیست (ویستاسپا) پادشاه بود. در دربار بلخ علمای زیادی وجود داشت از اوستا معلوم میشود که باخدی قدیم محیط علمی، فلسفی و اخلاقی داشته است در تاریخ ملل دیگر از مقاومت باختر در مقابل عساکر رامسس فرعون مصری نینوس و سیمی رامیس ذکر می میان آمده. عساکر کرکوش پادشاه هخامنشی در جنگ های باختر بسا سختی دیدند و خود کرکوش در جنگ های ایالات غربی افغانستان کشته شد. در دوره قشون کشی اسکندر این شهر بدست او افتاد بعد از اسکندر در باختر دولت یونانی - باختر بوجود آمد.

از نقطه نظر صنایع و آرت این دوره یکی از دوره های مهم تاریخ آرت می باشد. این دوره موجود فن گریک - بودیک شد که نماینده اختلاط مدنیت شرق و غرب می باشد. بعد از آن کوشانی ها اقتدار بهم رساندند مذهب بودا ترقی شایانی نمود. هیون تسیانگ بلخ را (پوهو) می خواند.

بعد از آن هیاطله به آن دست یافتند و از آن بعد بدست مسلمانان عرب گذشت. صفاریها و سامانیان بعد از آن حکمرمای بلخ شدند در دوره غزنوی بلخ یکی از پایتخت های سلطان محمود گردید و اهمیت مخصوصی کسب کرد. بعد از آن بلخ صدمه دیده رفت تا بالاخره در حمله چنگیز خراب گردید و از آن بعد بحال شهر کوچکی درآمد در سال ۱۸۶۶ م مرکز ولایت باختر یانه از بلخ بزارشرف انتقال یافت اکنون در نظر است که تجدید این شهر تاریخی کرده شود.

### نجهیر:

شهری در دوره پنجشیر بوده.

### بوئن:

یکی از شهر های معروف ایالت بادغیس بوده.

### بهارستان :

بهارستان از شهرهای تاریخی تخارستان است در دوران امپراطوری کوشانی (لانشی) نام داشت . بعداً بهارستان و امروز بهارک شده . این شهر ۲۸ میل به جنوب شرق فیض آباد واقع است .

### بهلول :

شهری در علاقه یوسف زئی .

### بیوار :

از شهرهای قدیم غرjestان که اکنون مجهول است .

### پروان :

شهر کوچکی بردریای پنجشیر بشمال کابل و جنوب دره پروان، پروان دارالضر بغرنویان بود اسکندر مقدونی اسکندریه قفقاز را غالباً در همین جا ساخت . در عصر امیر حبیب الله خان نام آنرا جبل السراج گذاشتند و فابریکه بزرگ برق را در آن تاسیس کردند .

### پروفتنازیا :

شهر قدیمی در ولایت سگستان . پروفتنازیا باپشاورن تطبیق شده .

### بغمان :

شهر کوچک ایلاقی بفاصله ۱۸ میل بغرب کابل که هوای خوب و صحت افزا و مناظر و عمارات فشنک دارد .

### پل خمری :

پل خمری جائست که فابریکه بزرگ نساجی افغانستان در آن تاسیس شده . قبلاً آبادنبود در آینده امید میرود که شهر بزرگ صنعتی شود .

### پنجوای :

شهری در ولایت اراکوزیه که از قندهار چندان دور نبوده حصار خوب و مستحکمی داشت .

### پیشین :

شهری در مشرق سگستان که جوزجانی آنرا افشین خوانده .

### تاشقرغان :

این شهر کوچک بین قندوز و بلخ واقع است در حوالی آن شهر قدیم خلم افتاده . شهر خلم در قرن ۱۸ خراب شد و اعلیحضرت احمد شاه درانی تاشقرغان را با فاصله ۳ میل بجنوب شهر اصلی خلم بنا نهاد . هیون تسیانگک خلم را هولین خوانده . آئین بودا در اینجا ترقی زیاد داشت .

### تاق :

شهری نظامی در نزدیکی زرنج .

### تالقان :

شهر تالقان در قسمت شرقی حوزه مرغاب واقع و در قرن سوم هجری شهر بااهمیتی بوده . در سنه ۶۱۷ هجری تالقان شش ماه از طرف عساکر چنگیز محاصره و بالاخره غارت و تاراج گردید . اگرگ تالقان که نصرت کوه نام داشت شش ماه تمام در برابر قشون چنگیز مقاومت کرد . موقعیت قطعی آن معلوم نیست ممکن است در نزدیکی قلعه تخت خاتون و یا در محل قلعه قدیمی قورماخ و جنب صفحه جنوبی وادی ولی بوده باشد .

### تالیقان :

در ولایت تخارستان یکی از شهرها تالقان یا تایکان است که در قرن چهارم هجری یکی از پرنفوس ترین شهرهای این منطقه بوده . این شهر در قرون وسطی تجارت خانه بزرگی داشت . صنعت بافت در آن خیلی ترقی داشت ، شهر قدیم تالقان نیم میل جانب شمال شهر موجوده آبادان بوده . این شهر در اثر تهاجمات چنگیز صدمات بزرگ برداشت و اهمیت سابقه را از دست داد .

### تکین آباد :

در محل شهر حالیه قندهار آباد بود .

### تولک :

از شهرهای قدیم ولایت غور که اکنون قریه شده .

### جیل الفضه :

شهری بود در ایالت بادغیس .

### جدهاوا :

شهری بود در ایالت بادغیس .



### جرم:

شهری در ولایت بدخشان که این زمان هم برقرار است .

### جلال آباد:

یکی از شهرهای مهم امروزی و مرکز ولایت گندهاره (سمت مشرقی) است . این شهر از نقطه نظر باغها و عمارات بسی شهرت دارد . این شهر برمدخل وادی لغمان و کنرواقع است راه مهم تجارتی که از کابل به هندوستان میرود از اینجا می گردد . آب و هوای آن گرم است .

### جوین:

شهری در ایالت سیستان و مولد جوینی مورخ مشهور قرون وسطی .

### چاریکار:

بفاصله قریباً ۴۵ کیلو متر بشمال شهر کابل افتاده و مرکز حکومت کلان شمالی می باشد . چاریکار در دامنه های جنوب هندو کش بزرگترین مرکز تجارتی بازاری تبادل اجناس و نقطه حرکت بطرف دره های مختلف هندو کش میباشد . آینده این شهر روشن است .

### حضرت امام:

درنه میلی جنوب دریای آمو واقع و از آبادترین مناطق تخارستان شمرده می شد اسکندر مقدونی در اینجا اسکندریه آباد کرده اود . در دوران تسلط اسلام بنام (آرهنگک) موسوم گردید میگویند که روضه حضرت امام حسین رض درینجاست و ازین سبب حضرت امام شده - آثار عمرانات تاریخی در آن مشاهده میشود .

### خواش:

شهری بود درزمیندارکنار دریای هلمند .

### خوست:

شهری در ولایت پاکتیا (سمت جنوبی) که قبل از گردیز مرکز ولایت بود .

### خوست:

یکی از شهرهای بزرگ غور بوده شاید با (خاست) نام موضعی که بقرب سرچشمه هریرود واقع بود مطابقت پیدا کند .

### خلیل :

در منطقه کشک هرات بقا یای آن موجود است .

### دار تال :

از مهم ترین شهر های زمینداور بود وار گک مستحکمی داشت . در قرن چارم هجری این موضع بمثابة يك نقطه عیگری بر سر کیکه بطرف کوه های غور میرفت شمرده می شد تخمین می کنند که دار تال با گر شک حالیه یکی بوده .

### دار غاش :

شهری بود در زمینداور . فعلاً اثری ازان نیست .

### دریسا کا :

(دریسا کا) یا (ادرپسا) که موقعیت آنرا با اندراب تطبیق داده اند شهری بود در ولایت باختر یانه ،

### دهستان :

دومین شهر بزرگ ایالت بادغیس از قرن چارم هجری .

### دیمتر یاس :

شهری در ارا کوزی بود که دیمتریوس پسر اوتی دیم در سال ۱۹۰ ق م آنرا بنا نهاد . موقعیت آن تعیین نشده .

### رام شارستان :

این شهر در ولایت درنجیاننا و قبل از زرنج باقیبخت ولایت بود . این شهر را ( ابر شهریار ) هم می خواندند . در قرن چارم از دست برد ریگهای بیا بان معدوم و مخروب شد .

### زار یسپه :

شهر معروفی در لایت باختر یانه بود . آراین مورخ آنرا زار یسپس خوانده در وقت قشون کشی اسکندر این شهر مرکز ولایت بوده عموماً عقیده اینست که زار یسپه یا با کترا عبارت از بلخ موجوده است چون این شهر بر کنار دریای (زار یسپس) واقع و تشکده بزرگ آن آذر یسپ نام داشت یونانی ها ازان زار یسپه ساخته . ولی در اثر تحقیقات جدید معلوم شد که این دوشهر از هم جدا زار یسپه بمحل شاه جوی امروزه بوده .

### زرنج :

زرنج پایتخت و شهر معتبر قدیم سیستان بوده . این شهر در فزون وسطی خیلی مهم و عمده بوده . زرنج قصر یعقوب لیث صفاری شاهنشاه بزرگت افغان و برادرش « عمرو » بود . در سال ۷۸۵ هجری تیمور لنگت زرنج را تسخیر و اهالی را قتل عام و شهر را حکم ویرانی داد . خرابه های آن میان شهر نادعلی و قریه زاهدان و شهرستان برامتداد یکی از مجرا های قدیم انهاریکه از هلمند می آمد و حالا خشک است افتاده .

### سنا کی وند :

از شهر های عمده در حوالی بامیان که امروز مجهول است .

### سان :

شهر کوچک سان در حوالی بین میمنه و فاریاب واقع بود .

### سر پل :

شهریست در ولایت مزاردر کنار « آب سفید » یلی که بر روی نهر مذکور بنا یافته نام سر پل را بر علاقه مذکور داده . این شهر در جنوب غرب بلخ و در شرق میمنه واقع است . بعضی احتمال میدهند که شهر انباردر همین جا بوده .

### سر خو شک :

شهر عسکری بود که از دهن دره شکاری بفاصله تقریباً ۲۰ کیلومتر بطرف سواحل چپ رودخانه بامیان بالای پوزه سنگی کوه آباد بوده و مقصود از تعمیر آن حفاظه شهر غلغله و ضحاک و دیگر شهر های دره بامیان بوده .

### سمنگان :

هیون تسیانگ آنرا ( سی - مین - کین ) نوشته محل وقوع آن اییک امروزی است که در وسیع ترین نقطه خلم افتاده . آثار بودائی در آن جا دیده میشود .

### سنجه :

سنجه شهری در کوه های غرجهستان بود .

### شانرا کارتا :

شهری در ولایت باختربانه بود .

### شبرغان:

این شهر بفاصله ۲۰ میل بطرف غرب آفچه واقع است که در يك زمین شاداب و سبز افتاده . شبرغان در سابق از جمله سه شهر بزرگ و معتبر جوزجان بود . قدیمترین نام شبرغان ( اسایوره گبان ) بوده مورخین عرب آنرا شبورقان خوانده اند . در سال ۶۱۷ هجری یعنی وقت تهاجم مغول ها يك شهر پر جمعیت و آبادان بود و تجارتخانه های زیاد داشت . در تاریخ از ارگ شبرغان تذکره میرود که عبارت از همان قلعه « سفید زر » فردوسی است .

### شهر شاهی بامیان:

این شهر ازبک بزرگ ۵۳ متری بامیان و سموچ های فریب آن شروع و دامنه آن تاباغ و زیارت سید علی یخ سوز منبسط بود . واز آن جا تاچند کیلومتر بداخل دره فولا دی پیش میرفت . بقایای آن بصورت سموچ در جدار های کوه ودر همواری در باغ و زیارت مذکور بصورت تپه ها باقی مانده .

### شهرک:

از شهر های قدیم ولایت غور که اکنون بحال قریه در آمده ، بعضی آنرا بمنزله پایتخت غور شناخته اند .

### شورمین:

شهری در مشرق غرjestان .

### شیروان:

در بین بست ودارتال واقع بوده اکنون ازان اثری نیست .

### ضحاک:

آثار این شهر در محل تقاطع رودخانه کالو و بامیان بر پوزه کوهی واقع است . ضحاک محرف ( از هی دها کا ) است که عبارت از مار عجیب الخلقه بوده . در ادبیات تازه تر کشورما شکل پادشاه مقتدری را بخود گرفته که در جنوب باختر ددره های جنوبی هندو کش حکمفرمائی داشت و داستانهای تصادم یما یا جمشید را باو تذکره میدهد .

### غزنه:

غزنه شهر تاریخی افغانستان است تاریخ قدیم آن تاریک است . بعضی ها آنرا با ( گازا که )

که بطليموس ذکر نموده يکي می دانند اما دليل قاطعی ندارند . هیون تسیانگ آنرا ( هوسی نا ) خوانده .

غزنه تا عهد سلاطین غزنی شهرت نداشت البتگین غزنه را از (لاویک) نامی انتزاع کرد . غزنی مخصوصاً در دوره امپراطور بررگک سلطان محمود غزنوی بمنتهای ترقی رسید . قصرها ، مدرسه ها ، مسجد ها و تمدنی داشت که در آن ایام نظیر نداشت منارهای غزنی که بعد از آنهمه خرابی هنوز برجاست ، عظمت عمارات غزنی را نشان میدهد . این شهر قشنگ و زیبا که گویا عروس آسیا بود ازدست سلطان علاءالدین جهانسوز بکاک برابر شد . هفت روز و هفت شب در شهر غزنی آتش و قتل بود . این واقعه در سال ۵۴۴ هجری اتفاق افتاد . در سال ۸۰۴ هجری تیمور بر آن دست یافت . غزنی از قدیم يك شهر تجارتي است اکنون از جمله شهرهای درجه دوم افغانستان شمرده میشود .

### غلغله :

شهر غلغله که در مقابل جدار کبیر بامیان روی بلندی قرار دارد از یادگارهای مسلمین در بامیان بوده . این شهر در وقت عروج خود یعنی زمان سلسله شنسبانیه و خوارزمشاهیان خیلی پر جمعیت بود . تجارت و صنعت آن بمرتبه بلند رسیده بود . این شهر تا ظهور فتنه مغول از مشهورترین بلاد افغانستان بشمار میرفت . در سال ۶۱۹ هجری موتوجن نواسه چنگیز در شهر ضحاک کشته شد و چنگیز بخون خواهی نواسه اش شهر غلغله را خراب کرد .

### غوریان :

طرف مغرب شهر هرات بفاصله ۲۴ میل واقع و دیوارها و خندق از گک آن تا هنوز باقی است .

### فاریاب :

یکی از شهرهای مهم جوزجان فاریاب یا دولت آباد امروزه است . مال التجاره و افری همیشه ازان جمع و صادر میشد فاریاب در سنه ۶۱۷ هجری بدست مغلها افتاد و خراب گردید . صنعت قالین بافی آن خیلی شهرت دارد .

### فراه :

شهر فراه در ولایت سیستان است که در کنار فراه رود افتاده . اگر چه اهمیت سابقه را ازدست داده مگر هنوز بر سر راه هرات و قندهار است . شهر امروزه فراه جدیداً آباد شده خرابه های فراه سابقه قدری دورتر افتاده .

## د ولاياتو او اعلى حكومتو تشكيلات

### د كابل ولايت

د والى وكيلى	: و ، ج محمد اسمعيل خان
د مرگري قوا ، قوماندان	: ع ، ش سردار عالى محمد داؤد خان
مستوفى	: ع ، ص سيد حبيب خان
د مراغې د محكمې قاضى	: ف ، ملا صالح محمد خان
د كوتوالى قوماندان	: ح ، خواجه محمد نعيم خان
د گمرک رئيس	: ع ، ص غلام حيدر خان
د تجريراتو عمومى مدير	: ع ، عبد الباقي خان
د احصائى »	: ص ، فضل محمد خان
د معارف د مدير وكيلى	: » ، غلام حيدر خان
د تعميراتو عمومى مدير	: ع ، عبد الفتاح خان
د معابرو بندواوولو عمومى مدير	: » ، احمد شاه خان
د تنگت غارود لمړى برخى »	: ص ، شير احمد خان
» » دوهمى »	: » ، محمد امين خان
د شكارى درې »	: » ، محمد جانخان
د بند خروار »	: » ، سيد قاسم خان
د بند سراج غزنى »	: » ، فقير محمد خان
د قرغى د بند »	: » ، محمد جانخان
د مصالح دتېپى »	: » ، فضل حق خان
د تقنيتش »	: » ، على محمد خان

### د قندهار ولايت

نائب الحکومه	: و ، ج محمد قاسم خان
عسکرى قوماندان	: ع ، ش محمد علم خان
مستوفى	: ع ، ص عبد الاحد خان
د مراغې د محكمې قاضى	: ف ، ملا صاحب خان

### فرسناگ :

شهری بوده در اراکوزیه .

### فوشنج :

این شهر پیش از هرات آباد بوده والحال زنده جان نامدارد. فوشنج مولد سر سلسله طاهریان است . این شهر که اکنون افسرده شده سابقاً عظمتی داشت .

### فوکلیس :

از شهرهای معروف اراکوزیه بوده ممکن است قلات غلرائی بوده باشد .

### فیروزکوه :

فیروزکوه حصار کوهی است در سر زمین غور که از طرف قطب الدین محمد معروف به «ملک الجبال» بنا یافته بود . فیروزکوه در تمام مدت سلطنت شاهان غوری مرکزیت داشت و پایتخت بود . فیروزکوه خیلی مستحکم بود چنانچه در دوره لشکر کشی های اعراب این منطقه تسخیر نشد . ولی سلطان محمود غزنوی آنرا فتح کرد . حملات چنگیز این جای را هم خراب کرد اکنون محل اصلی فیروزکوه مشکوک است .

### فیروزوند :

در کشک حالیه واقع وحالا اثری ازان نیست .

### فیض آباد :

شهری در تخارستان و مرکز حکومت کلان بدخشان است . این شهر آنقدر تاریخی نیست . بنای آن در سال ۱۱۰۳ هجری صورت گرفت . سابقاً نام آن جوزگون بوده ولی بعد از آنکه خرقه مطهره نبوی باین محال آورده شد بآن مناسبت فیض آباد گردید اکنون مقام بزرگ تجارتهی است .

### فیوار :

شهر عسکری در کوهستان غورات است که بدست مغها خراب شد . حالا جای آن معلوم نیست .

### قره باغ :

شهری قدیمی در ولایت غور بوده .

### قلعه نو:

قلعه نو شهر یست بشمال شرقی هرات، قلعه نو از نقطه نظر اقتصاد و صنعت اهمیت دارد معدن ذغال و جنگل پسته آنرا امتیاز می بخشد.

### قندوز:

در ۲۴ کیلو متری غرب خان آباد واقع است. در صفحات شمال بین تخارستان و باکتریان قندوز ایستگاه مهمی بوده که از آن راه تجارتی سه شاخه شده یکی بطرف بلخ، دیگری بطرف تخارستان و سومی مستقیماً بطرف رود آمو میرفت. قندوز در زمان قدیم از مراکز آئین بودا بوده. هیون تسانگ آنرا بنام (هوه) قند کرده. شهر قدیم قندوز با بالا حصار آن در قرن ۷ هجری آباد و مرکز کل تخارستان گردید. از آن پیمه ویران شد. امروز فابریکه پنبه و صابون در آن شهر موجود و امیدست رو بهبود رود.

### قندهار:

قندهار از کهنترین شهرهای افغانستان است. نام قندهار را مهاجرین گندهاره و قتیکه باین سرزمین آمدند آوردند که عربها آنرا قندهار خواندند. در وقت لشکر کشی مسلمانان عرب قندهار شهرت نداشت آنچه بود بست بود پس از آنکه علاء الدین جهانسوز بست را ویران کرد قندهار کسب رونق نمود و پایتخت ولایت اراکوزیه قرار یافت. تیمور قندهار را فتح کرد. اعلیحضرت احمد شاه درانی شهر جدید قندهار را دورتر از شهر قدیم بنا نهاد و اشرف ابلاد نامید اما عوام برای تفریق قندهار احمد شاهی گفتند. امروز قندهار قدیم متروک و قندهار عبارت از شهر احمد شاهی است. درین دور قندهار پایتخت بوده بعد در عصر تیمور شاه پایتخت از آنجا بکابل نقل شده. امروز قندهار از هر حیث بزرگترین و با اهمیت ترین شهرهای افغانستان است.

### قیصار:

قیصار در علاقه میمنه واقع و حالا بقریه تبدیل یافته.

### کابل:

بزرگترین شهرهای افغانستان و پایتخت مملکت است کابل يك شهر تاریخی و بسیار کهن است که بسی حوادث روزگار را دیده و بنا بر اینکه بر چار راه تجارتی شرق، شمال جنوب واقع شده اهمیت تجارتی داشته. این شهر از زمانهای قدیم آبادان بود و اینکه بعضی ها ادعا می کنند که در جای کابل موجوده آبادانی و شهری نبوده درست نیست. برخی از



مورخین موقعیت کابل قدیم را در بگرام یا کاپیسا تعیین می کنند ، و علت انتقال آنرا بکابل فعلی جنگ ها و لشکر کشی ها قرار داده اند . در کتاب ویدا نام ( کپها ) برای کابل داده شده بعضی از مورخین عقیده دارند که نام کابل تحریف يك کلمه سند یت که معنی آن تجارتگاه می باشد ، سبب آنهم شاید از جهتی بوده که اکثر کار و انهای سندی مال التجاره خود را در بازار های کابل عرضه می کردند تجارت و شهرت بازرگانی کابل از قدیم معروف است . بطلمیوس و دیگر مورخین اسکندر از کابل و دیگر شهر های که در دره کابل واقع بوده ذکر کرده ( اورتسیانا ) یا کاپورا عبارت از کابل فعلی است که باشندگان آنرا بطلمیوس کابلی تی خوانده . این مورخ یونانی کابل را بنام ( اورتسیانا ) گفته و چاره های نوشته که از آن راهای تجارتی بطرف بکتریان وارا کوزیا و هند منشعب میشد . هنگامیکه دولت کوشانی ضعیف گردید کابل شاهان کابل را مرکز قرار دادند . هنوز ایشان روابط خود را با دیگران قائم نکرده بودند که هجوم اعراب شروع شد در سال ۲۸ یا ۳۸ هجری مسلمانان عرب از راه غزنی به کابل حمله آوردند و شهر فتح شد . پیاپی آن حضرت خلیفه سوم شهید شد شاه کابل سر از اطاعت باز زد . چندین بار بر کابل لشکر کشی بعمل آمد اما نا کام شد .

در سال ۷۹ هجری سخت ترین حمله از طرف مسلمانان بر کابل شد . سردار اعراب عبد الله بن ابو بکر بود اما شکست یافته مجبور بتادیه هفت لك دینار تاوان جنگ شد . فصل شهر که امروز بقایای آن بر سر کوه های شیر در وازه و آسمانی دیده میشود از طرف کابل شاهان ، بنا شده و کوشانی های خورد آنرا در اثر فشار هیاطله ساختند . در سال ۸۱ هجری مسلمانان با تلفات خیلی سنگین کابل را فتح کردند .

باتشکیل دولت طاهری و صفاری نفوذ اعراب زائل شد و کابل بدست حکمرانان مجلی اداره گردید . مقارن ضعف صفاریان ، از کوهستان مشرقی کابل يك قوم دیگر بنای سلطنت را در کابل گزاشتند که سر کرده شانرا ( کالاله ) گویند . افراد این سلسله تا دور غزنی در کابل اقتدار داشتند .

درفشون کشی چنگیز و تیمور کابل نیز خراب شد . بعد از سقوط دولت هرات کابل دوباره رونق یافت و تا سال ۹۳۲ با یتخت بود . در سال ۱۱۵۱ هجوم نادر افشار کابل را خراب ساخت . اعلیحضرت درانی خواست کابل را پایتخت بسازد اما عمر وفا نکرد و پسرش اعلیحضرت تیمور شاه پایتخت را از قندهار بکابل انتقال داد ( سال ۱۱۹۰ هجری ) که تا امروز پایتخت است .

### کابرون :

از جمله شهر های هفتگانه ایالت بادغیس بوده .

### کابودن:

از جمله هفت شهر بادغیس که الحال مجهول است .

### کاپیسا:

بگرام امروزه بموقعیت شهر قدیمی است که مورخین چین ( کی پیش یا کسین ) و جغرافیا نگاران یونان و روم ( کیسا ) یاد نموده . این شهر از سال ۱۵۰ قبل از میلاد تا ۴۷ میلادی پایتخت شاهی و امپراطوری افغانستان بوده است . بگرام از کابل ۶۰ کیلومتر و از چاریکار ۸ کیلومتر است . زمان کششکای کبیر این نقطه پایتخت تابستانی امپراطوری آریانا محسوب میشد . از نقطه نظر اجتماعات و صنعت خیلی اهمیت داشت . دین بودا در اینجا هم مرکزیت داشت علماء و فضایی زیاد دیده میشد امروز بگرام یا کاپیسیای قشنگ دوهزار سال قبل خرابه بیش نیست در اثر حفاریات تا اندازه تاریخ آن روشن شده .

### کارثانا:

از جمله شهرهای نظامی که اسکندر در نزدیکی اسکندریه قفقاز بنا کرده بود .

### کار دوسی:

از شهرهای نظامی اسکندر که غالباً در پنجشیر بود .

### کالیون:

شهر عسکری در غوروات که به چنگیزیها بسی صدمه زد جای آن فعلاً معلوم نیست .

### کرمان:

کرمان شهری بود دهرزارجات حالیه .

### کروچاد:

شهری بود در اراکوزیه .

### کشک:

در ایالت بادغیس شهری است که ۵۸ کیلومتر از قلعه نودورمی باشد . آثار دیوارها و خندقهای ژرف کشک قدیم که بکنار دریای کشک واقع بود تاحال موجود است .

### کشم:

در قرون وسطی پایتخت ایالت بدخشان .

### کغاناباد :

از شهرهای عمده ایالت بادغیس بود ،

### کندر م :

در ایالت جوزجان که جای رهایش حکمران جوزجان بوده .

### گملو کان :

یکی از شهرهای بدخشان در فرون وسطی .

### کونا :

در جمله هفت شهر بزرگ ایالت بادغیس که حالا موقعیت آن مجهول است .

### کهسال :

حصار وارگ متین آن در لشکر کشی چنگیز خراب شد . نام قدیم آن (کوسویه) بود .

### کیزانا :

(کیزانا) یا (کارسانا) از شهرهای معروف ولایت پارو بامیزاد (کابل) که قبلاً مجهول است .

### گردیز :

گردیز مرکز ایالت یاکتیا (سمت جنوبی) است فاصله آن از کابل بصورت منحنی قریب (۱۲۰) کیلومتر است گردیز یک شهر تاریخی است و از قدیم حصار متینی داشته در مقابل حوادث بسی مقابله کرده . درائای که لشکر اسلام بر کابل دست یافت پادشاه کابل بگردیز که حصار محکم بود رفت و تا خیلی مدت مقاومت نمود . گردیز مرکز بود ائی بود . فعلاً گردیز مرکز جنوبی است .

### گریاب :

این شهر در دره پنجشیر واقع و دومیل راه از اندراب فاصله دارد .

### گوری ویل :

این شهر بساحل شرقی دریای خوئس یعنی کنر واقع بود و در مقابل اسکندر مقاومت کرد . اکنون موقعیت آن مجهول است .

### گیزه :

دروایت سیستان شهر قدیم گیزه یا جیزه وجود داشت . در قدیم آبادان بود ولی امروز بشکل فصبه درآمده .

### لاش :

از شهرهای ایالت سیستان که امروز هم وجود دارد .

### لخراب :

از شهرهای عمده در حوالی بامیان که امروز مجهول مانده .

### مرسان :

از شهرهای قرون وسطی که در بین فاریاب و میمنه وقوع داشت و مانند میمنه آبادان بود حالا معلوم نیست .

### مرورود :

از شهرهای قدیم ایالت مرگیاناست که امروز موقعیت آن بطور تحقیق تعیین نشده بنا بر تحریر بارتولد موقعیت آنرا در بالا مرغاب میتوان تعیین کرد .

### مروچاق :

از شهرهای تاریخی افغانستان یکی مروچاق یا مرو کوچک است . آثار و علائم مروچاق قدیم شاهد اهمیت آن در زبانهای سابق است . اسکندر درین حوالی قلعه نظامی ساخته بود . مروچاق حالا اهمیت سابقه خود را از دست داده .

### مرغاب :

شهر مرغاب یا بالا مرغاب در کنار شرقی دریای مرغاب واقع و مرکز ایالت مرغاب است قلعه و حصار دارد . مرغاب را با مرورود یکی دانسته اند .

### مزار شریف :

مرکز فعلی ولایت باختر که فاصله ۱۴۰ میل بطرف مشرق بلخ واقع است . در قرون وسطی قریه « خیر » و بعدها « خواجه خیران » خوانده شد . روضه حضرت خلیفه چارم درد و موقع درینجا

کشف شد یکی در سال ۵۳۰ و دیگر در سال ۸۸۶ هجری . در هر دو موقع زیارتگاهی بر آن ساختند که زیارتگاه دومی که از طرف سلطان حسین میرزا شاهنشاه هرات ساخته شده تا حال موجود است . قریب هشتاد سال است که مرکز ولایت باختر از بلخ باینجا نقل کرده و روز بروز جمعیت آن افزوده شده میرود .

### منك :

شهر بزرگی درواخان بود .

### میمنه :

از شهرهای عمده افغانستان و مرکز ایالت میمنه است نام قدیم آن «الیهودان» یا «الیهودیه» است ولی عربها آنرا بفالنیک میمنه خواندند که بمعنی شهر خجسته است میمنه روز بروز از نقطه نظر اقتصادی کسب ترقی و اهمیت می کند .

### غلیک :

شهری در هفت فرسخی بلخ بوده و امروز خرابه است .

### نوبی لیس :

از شهرهای قدیم ولایت کابل که حالا مجهول است .

### واروا لیز :

بمشرق خلم شهری بنام واروا لیز یا واروالیج وجود داشت که شاید رستاق باشد .

### وزوالین :

از شهرهای قدیم تخارستان که در اثر تهاجمات مغول خراب شد . شهر اشکمش حالیه بجای آن آباد شد .

### هده :

فاصله هشت کیلومتر بطرف جنوب جلال آباد و از شهرهای کهن و تاریخی است . هده شهر نگاراهارای قدیم است که مرکز عمده دیانت بودائی بود ، کلمه هده از هده که بمعنی کاسه سرست مشتق شده چه کاسه سر بوداده و وجود داشت . امروز این شهرویران است . در اثر حفريات هیاکل متعدد بودا بدست آمده . هده مرکز ارتقای صنعت هیکل تراشی گندهاره بود .

## هرات :

هرات يك شهر بسيار عمده و تاريخي افغانستان شمرده ميشود . نام قديم آريه كه بعدها (هری و) و هری و هرات شده . هرات اولين شهر بست كه آريائي ها در وقت مهاجرت از بلخ بطرف فارس آنرا ساختند و قسمتي از ايشان درين سرزمين توطن گزیدند .

در هنگام لشكر كشي هاي سكندر مهمترين جاي هرات بود ساتي بارزن حكران هرات چندين بار براي استيصال يوناني ها كوشيد . اسكندر هرات را بنام آرتا كانا مي خواند اسكندر در هرات قلعه نظامي اسكندريه آريانا را براي رهايش يونانيان آباد كرد . بعد از ان مانند ساگر ايالت ها جز و سلطنت كوشاني بود . در سال ۳۱ هجري از طرف مسلمانان فتح شد و در سال ۲۰ هجري كه طاهر فوشنجي سلطنت طاهري را اساس گذاشت در جمله دولت او بود در سال ۶۱۸ هجري چنگيز آنرا ويران نمود . پس از وركرت ها بنيان جهانداري گذاشتند و كم كم هرات رونق گرفت در سال ۷۸۳ هجري تيمور آنرا فتح و ويران نمود . اما در سال ۷۹۹ هجري هرات مر كز خراسان (افغانستان) قرار يافت و شاه رخ پسر تيمور زير تاثير محيط مدني هرات در ترقي و وسعت آن افزود . دوره تيموريان هرات از بهترين ادوار تاريخ هرات است ، دور سلطنت شاه رخ و سلطان حسين از بهترين ادوار مدنيت آنها شمرده ميشود . بعد از ان شيباني ها و صفوي ها بر هرات نقصان ها رساندند . آثار زمان مدنيت آن هنوز زياد است .

## هلاورد :

شهر بزرگي در ايالت واخان و مشرف بدرياي و خش آب بود .

## هلبوك :

در قرون وسطى بايخت ايالت واخان يا ختل بوده . احتمال دارد كه نزديك كولا ب جديد باشد .

## يمكان :

شهری در ايالت بدخشان بود .

## بنسگي قلعه :

در دوره هاي قبل از اسلام بنام (نومي) شهرت داشت و مر كز يك ولايت بزرگ افغاني بود . در صدر اسلام بدريعه احنف بن قيس مفتوح شد و بنام قلعه احنف مسمي گرديد در دور تسلط موقتي مغولها باين نام موسوم شد .

# پښتون

بناغلی امین الله « زمزیالی »

درباب نام ، قومیت و دیگر وقایع تاریخی پښتون هابسامورخین شرق و غرب چیزها نوشته و تحقیقات کرده اند . درخود افغانستان نیز ازچندی باینطرف در اثر نهضت تاریخی و علمی و تاسیس انجمن ادبی ( که حالا پښتو ټولنه گفته میشود ) درین باره تتبعات قابل قدری شده و نویسنده های فاضل مامقالات متعددی نوشته اند که در صفحات سالنامه ها و مجلات کابل مندرج است ولی این تحقیقات و تتبع فضایل ما و دیگر مورخین و محققین بیگانه بسنده و کافی نبوده و این موضوع عمیق که به سرنوشت قومیت و ملیت ماستقیماً مربوط است به تحقیق بیشتری احتیاج دارد زیرا : -

از یکطرف ما تاریخ خود را از اول ننوشتیم بدیگران گذاشتیم دیگران یا گروهی بودند که بنابر مطلب و مقاصد نفع جوئی خود از تاریخ ما تحت سیطره و نفوذ خود یادی کرده و ما را جز و خود شمردند و یا طائفه بودند که گرچه با ما ربطی نداشتند و نمی توانستند ما را جز و خود قرار دهند مگر با ما و عناوین مختلف از ما نام برده و ما را بصدها گروه و شعب تجزیه و تقسیم نمودند .

و یا بالاخر کسانی بودند که با ما هیچ ربط سیاسی نداشته غرض و مطلبی را هم تعقیب نمیکردند و میخواستند تاریخ ما را من حیث تاریخ و معلومات بنویسند ولی این کار چون تنها از روی روایت و درایت بس دشوار بود و نتوانستند از عهده بر آیند و هم نمی توانستند چه آنها بفرضیات خود و مآخذ و مدارک طبقه اول و دوم متکی بوده از زبان ، عنعنات و وقایع تاریخی ما از روی بصیرت کامل اطلاعی در دست نداشتند . یا بعباره دیگر تاجائیکه معلومات خود شان به معلومات عمومی علمی ربط و علاقه داشت می توان از آن استفاده نمود و هم میشود راهبر و ماخذ خوبی شد و آنچه به زبان و عنعنات یا تاریخ مخصوص ما متعلق بود به نسبت کمی معلومات به نتیجه مثبتی و اصل نشدند و آنچه نوشته اند خود شان هم بر آن اطمینان نداشته وقتاً فوقتاً نظریه خویش را تجدید و تبدیل نموده و می نمایند .

از طرف دیگر چون شعبه های علمی وسیع و معلومات ما روز بروز از راه علم و حفريات و دیگر ذرایع بسط و توسعه می یابد ایجاب میکند که در تاریخ و زبان و دیگر چیزهای خود که بتاریخ زبان و عنعنات ملی ما ربط دارد کنجکاوی زیادی نموده تا حد امکان به کشف حقایق نایل گردیم . پس بنابر ضرورت فوق من خواستم که در سالنامه امسال در باب کلمه پښتون تاجائیکه

معلومات من اجازه میدهد و عقیده من به اساس علم بران مصمم است چیزی بنویسم و ممکن است این ادعا و عقیده من نیز نزد صاحبان خبرت و معلومات کافی، صدقی صد بحقیقت مقرون نباشد چه هنوز ذرایع اطمینان بخش و کاملی برای حل مسائل غامضه در دست نبوده و تا حال هیچ کسی نتوانسته است که از روی یقین آنرا حل کند مگر تا جائیکه علم رهبری و ماخذ و مدارك كمك و دستگیری میکند آنقدر دور از حقیقت هم نبوده و میشود در جمله دیگر تحقیقات به اولاد محقق و کنج کاو آینده پښتون در شئون ملی جای یاد داشتی را اخذ نماید.

### مطلب :

پښتون اسم مفرد و جمع آن پښتانه است که يك قوم شجاع و دلاور ۲۰ میلیونی باین اسم مسمی و در افغانستان و سرحدات آزاد تارود خانه سند و آنطرف آن آباد است مگر تاریخ های شرقی از قبیل یمنی، بیهقی، کتاب الهند البیرونی، شاه نامه فردوسی، آئین اکبری، ابوالفضل، ظفر نامه، ملفوظات تیموری، مطلع السعدین، فرشته، روضه الصفا، حبیب السیر، خورشید جهان و غیره باستانهای بعضی از قبیل خلاصه الانساب افغانی ۱۱۸۴ هـ تاریخ مجموعی افغانستان ۹۹۱ هـ مخزن افغانی ۱۰۲۰ هـ نسب نامه افغانان ۱۱۵۴ هـ نسب افغانه ۱۹۱۴ ع مرآة العالم ۱۳۱۷ هـ تحفته الپښتون، ارمغان اسراگیل ۱۳۲۰ هـ که در عصر مغلیه هند و بعد از آن نوشته شده اند (۱) این قوم را با اسم اصلی آن یاد نکردند با اسمی غیر مسمی افغان و پنهان و غیره ذکر کرده و تعبیرات و معنی های گوناگون غیر منطقی برای آن تراشیده اند؛ ولی حقیقت این است که اسم افغان که از طرف دیگران بر این قوم تحمیل و نهاده شده و امروز نزدیک است جا نشین اسم اصلی گردد (۲) بصورت صحیح و قناعت بخش معلوم نیست که چه بوده و اول از کجا و یکدم سبب نشئت کرده و معنی آن چیست و من هم اکنون در تحقیق این اسم غیر مسمی و تحمیل کرده دیگران که درین مقاله از موضوع بحث من خارج و هم معلومات کافی ندارم

(۱) کتب مذکور اخیر الذکر نامی از پښتون و پښتانه برده و بعضی از آن در اطراف ریشه و علت پیدا شدن کلمه پښتون چنین شرح و بسط داده اند: « افغانها در فوج بنی امیه داخل شده و در فتوحات سیستان و بلوچستان و سند و ملتان شامل بودند فارسی زبانها آنها را پشتوانی (مددگار) میگفتند و خود افغانها خطاب پشتوانی لشکر اسلام را فخر و عزت خود دانسته خود را پشتوان گفتند بعد از حذف الف که حرف علت است پښتون شد و زبان این طایفه پښتو گردید. »

(۲) انسائیکلو پیدیای اسلامی نیز تأیید نموده میگوید: « هیچ جای شك و شبه نیست که پښتون تسمیه حقیقی قومی است و اصطلاح افغان يك منبع ادبی دارد و اجنبی ها این تسمیه اخیر الذکر را با این مردم داده اند » دارمستتر فرانسوی نیز تأیید این مطلب را میکند.



خارجہ مدیر	:	ص محمد رفیق خان
دہکوۃ والی دقوماندان کفیل	:	ش، عبدالقادر خان
دگمرک رئیس	:	ع، ص محمد عزیز خان
دتحریراتو مدیر	:	ص، محمد اسمعیل خان
د فوآگد عامی	:	»، محمد عمر خان
داحصائی	:	»، امین اللہ خان
دمعارفو	:	»، غلام جیلانی خان
دمطبوعاتو	:	»، محمد یوسف خان «ایازی»
دآژانس مامور	:	»، محمد معصوم خان
دصحبی	:	»، دکتور محمد ایوب خان
دنخبراتو	:	»، گیل احمد خان
دکرہنی	:	»، عبدالغفور خان
دیولیس سرمامور	:	ش، خواجہ ضیاء الدین خان
دخزانی مدیر	:	ص، عبدالحمید خان
دحمل ونقل	:	»، عبد الواحد خان
دشرکت وطن رئیس	:	ع، ص حاجی عبدالغالب خان
دبلدی	:	»، محمد اکبر خان
دتجارتی منازعاتو دفیصلی رئیس	:	»، غلام فاروق خان
دتجارت داطاق	:	»، سلطان محمد خان

## دہرات ولایت

دنائب الحکومہ وکیل	:	و، ج عبداللہ خان
دعسکری قوماندان	:	ع، ش محمد قاسم خان فرقه مشر
مستوفی	:	ع، ص سید محمد خان
دمرافعی دمحکمہ قاضی	:	ف، محمد علی خان
دکوۃ والی قوماندان	:	ح، خدا بخش خان
دگمرک رئیس	:	ع، ص حاجی محمد عظیم خان
دخارجہ چارو مدیر	:	ص، سلطان عزیز خان
دتحریراتو مدیر	:	»، عبدالقدیر خان

نبرامده و کشف حقیقت آنرا بدیگران میگذارم درینجا صرف معلومات خودم را در باب کلمه پښتون بصورت بسیار خلص و کوتاه عرضه حضور قارئین کرام میدارم بدینموجب :

کلمه پښتون یا بصورت جمع پښتانه را فقط ما از زبان خود قوم که باین اسم مسمی است می شنویم و یا در آثار و تحقیقات محققین فردی که به آن بر میخوریم و نیز دو آثار قدیمتر دنیا (ریگ وید ۱۹۰۰ - ۱۴۰۰ ق م و تاریخ هرو دوتس یونانی ۴۸۴ - ۴۲۵ ق م) که در دسترس ما موجود است از یک راه تقریبی که نزد ما عین حقیقت است باین اسم و موجودیت این قوم در زمانه های بسیار قدیم که امروز هم باین اسم نامزد و موجود است میرساند .

محققین کنجکاو اروپائی در باب اصلیت و ریشه کلمه پښتون عرقریزی های زیاد و تا اندازه معلومات و فهم خود این مسئله را خوب پشت و پهلوی کرده اند که ما از آنها قدردانی نموده و متشکریم مگر متأسفانه بعضی علل و درخشدگی مادیت های قوم های همسایه بدون اراده نظر آنها را بسوی خود جلب و کشانیده و از حقیقت و رسیدن به نتیجه حقیقی دور داشته است و از آن است که خود آنها هم فایده نبرده هر وقت در تحقیقات خود تجدید نظر نموده و می نمایند که من شرح این همه مجمل را به تفصیل ذیل عرض کرده و در آخر نظریه خود را نیز بران می افزایم .

طوریکه بالا گفتم ریگ وید یکی از چهار کتابت است که به حیث مجموعی حاوی سرود های مذهبی آریائی بوده و امروز برای واضح ساختن بعضی وقایع تاریخی و روشن ساختن اسمای بعضی اماکن ماخذ قابل اعتمادی شناخته میشود .

طوریکه در حصص مختلف این کتاب (وید) اسمای بعضی مقامات آریانا و ماورای اندوس (پنجاب) ذکر شده در ضمن بعضی واقعات تاریخی آنوقت از اسمای بعضی قبایل نیز یاد می کند از انجمله است جنگ بزرگ تاریخی ده پادشاه برکنار دریای راوی (واقع در پنجاب) که در زمان ریگ وید یا قبل از آن بوقوع پیوسته وده قبیله بزرگ و معروف آنوقت تحت قیادت رؤسا و شاهان خود درین کیرو دار شرکت ورزیده و برای تفوق و کسب برتری یک بر دیگر ، می جنگیدند و کوشش میکردند - درجمله این ده قوم یا قبیله متحارب قبیله هم بنام « پکھت » بوده که ریگ وید در جمله این ده قبیله از آن نام می برد این کلمه پکھت در حقیقت و به تلفظ صحیح « پښت » بوده که پسان به پښتون تبدیل و محققین متاخر آنرا پکھت تصور کرده و تلفظ کرده اند و من در نظریه خود از آن بحث خواهم کرد .

بعد از رگ وید عین این کلمه یا بسیار نزدیک بان را از مؤرخ و جغرافیا نویس یونانی (هرو دوتس ۴۸۴ - ۴۲۵ ق م) می شنویم که میگوید : « مردم ( یا کتویس = یانیتویس ) ها در مملکت ( پکتوا یکی = پښتوا یشی ) برکنار دریای اندس سکونت دارند » در آخر

این دو کلمه پکېت ریگ وید و یا کتویس = پابنتویس هرو دوتس جلب نظر محققین و مستشرقین فرنگ را نموده در اطراف آن شروع به تحقیقات و کنجکاوی نمودند که تحقیقات و نظریات بعضی از آنها را که انسائیکلو پیدیای اسلامی قابل اعتماد دانسته و قید نموده است من ذریعه ترجمه عین عبارت انسائیکلو پیدیای مذکور ذیلاً توضیح نموده و علاوه بر آن نظریات یک دو نفر موخرین را نیز بران ایزاد می نمایم بدینموجب :

انسائیکلو پیدیای اسلامی در صفحه ۱۵۰ جلد اول خود می نویسد که : هرو دوتس می نویسد که « مردم پاکتویس = پابنتویس (۱) ها در مملکت پاکتوایکی = پابنتوایینی (۲) بر کنار دریای اندس سکونت دارند - نظریه را بطه کلمه ( پاکتویس = پابنتوایس ) و کلمه ( پاکتوایکی = پابنتوایینی ) هر دو دوتس با کلمه پښتون و پختون که نخست از طرف لسن Lassen داده شده است بعد از طرف ترمپ Trmpp و گریسون - Grier son نیز تأیید شد ولی در نزد سیگل - Spiegel و جیگر المانی Geiger خیلی مشکوک است بعبارت دیگر این دو نفر اخیر الذکر یقین ندارند که در بین کلمات فوق الذکر رابطه موجود باشد .

نظریه کریسون Grier son چنین است که رابطه در بین کلمه فارسی پشت و پشته و کلمه ویدی پکېت و کلمه پاکتویس که هرو دوتس ذکر میکند و کلمه پرسوایتی (۳) که پوتولی ذکر می نماید اغلباً درست معلوم میشود .

نظریه دارمستتر ( فرانسوی ) چنین است که کلمه اخیر الذکر که از طرف پوتولی تلفظ شده با صورت ابتدائی کلمه یعنی نزدیک باصل معلوم میشود ولی کلمه پاکتویس = پابنتویس که هرو دوتس ذکر کرده است با صورت ابتدائی کلمه فرق داشته و صورت تلفظ آن قریب به کلمه پارشتیس Parshtyes می باشد درینجا باید بیاد داشت که اگر حالت زبان امروزه در نظر گرفته شود تلفظ بن نسبت به خ دارای قدامت است .

خیلی از صحت دور معلوم میشود که صورت یک کلمه مانند پاکتوایکی = پابنتوایینی که صرف دریونانی دیده میشود باعث تولید واحداث کلمه پښت یا پخت که در زبان جدید امروزی دیده میشود بگردد .

این بود نظریات بعضی مستشرقین که انسائیکلو پیدیای اسلامی برای استناد تحقیق خود قید کرده و در آخر طور نتیجه اظهار نظر به نموده میگوید که : « حروف مرکب «رس» و «رښ» اوستاو سنسکرت در فارسی جدید به ش Sh ابدال میشود بدینطریق که کلمه فارسی پشت

( ۱ ) اصل کلمه یونانی را در صفحه آخر ملاحظه کنید .

( ۲ ) اصل کلمه یونانی را در صفحه آخر ملاحظه کنید .

( ۳ ) اصل کلمه یونانی در آخر صفحه ملاحظه شود .

Pusht و کلمه پښتو « پښتی » Pushti معادل کلمه اویستاځی « پرستی parsti » و کلمه سنسکرتی ( پر ښ تهها Prstha ) است و کلمه پښتو « کښل » بجای کلمه اویستاځی ( کیریش Keres ) است و کلمه پښتو ( پښتیدل ) و کلمه فارسی پرسیدن مساوی کلمه اویستاځی پریش میباشد. لهذا میشود که کلمه « پرستوایتی » یا پرش تی (۱) معادل کلمه پښت Pusht یا پخت Pukht باشد پوتولمی پر سوایتی (۲) یا پارشتیس را در جمله پنج قبایل ذکر نموده و میگوید که قبیله مذکور دامنه های جنوبی و شرقی هندوکش را اشغال نموده است .

یك روایت ملی و محلی دیگر اسم مذکور را از پشته اشتقاق می نماید و ممکن است که شكل اصلی آن که ازان پر سوایتی ( طوریکه یونانی ها تلفظ کرده اند ) گرفته شده دارای معنی ( ساکنین زمین مرتفع ) باشد . »

از نظریات بعضی مستشرقین که انسائیکلوپیدیای اسلامی فوقاً در ضمن تحقیقات خود از آنها نام برده و شهرت بسزائی دارند فهمیدیم حالا طوریکه بالا وعده کرده ام ایجاب میکند که نظریه یکی از مستشرقین متاخر نارویژی را که درین راه رنجی برده و شهرت علمی اش کمتر از مستشرقین فوق نیست نیز متذکر شوم و آن این است که :

جارج مورگن سترن George Morgenstierne ارویژی از مستشرقین فاضل زبان پښتو در کتاب « لغات اشتقاقی » ( ۳ ) پښتو Etymological Vocabulary of Pashto می نویسد که « جیکسن مقابله عادی پښتون را با پا کتو = پښتو » خیلی بنظر شک می نگر د - حقیقت این است که قسمت تاریخی و جغرافیائی این مسئله واضح و روشن است گمان نمیرود که « پښت » پښتو بذریعه حروف (xt) یونانی ( ۵۰۰ ق م ) اظهار شده باشد و « پتهان هندی اشکار می نماید که الحاق ابتدائی « آن an ، » بوده « اون un » . »

در آخراین فاضل نارویژی اظهار نظر به نموده میگوید که « ربط آن ( پښتون ) با لفظ اویستاځی پر شته Parshta بمعنی پشت و لفظ سنسکرت ( پر شتها Prsatha ) بمعنی « پشت ، تالاق ، بلندی » به فهم نزدیک تر است . »

مگر جارج مورگن سترن به نظریه فوق خود ثابت نمانده بکتوب تاریخی ۱۹۳۹ / ۱۲ / ۲۰ ع خود که بانجمن ادبی کابل ( پښتو قولنه ) فرستاده بود چنین مینویسد : « مقاله « پښتون » آقای یعقوب حسن خان که در شماره ۱۰۲ مجله کابل نشر شده است بطور مخصوص توجه مرا جلب ومورد دلچسپی اینجانب واقع گردید این مقاله لیاقت و ذکاوت نویسنده را بخوبی نشان

- (۱) تلفظ اصلی یونانی در صفحه آخر ملاحظه شود .
- (۲) اصل کلمه یونانی در صفحه آخر دیده شود .
- (۳) طبع کتاب در اوسلو ۱۹۲۷ ع ، ج ۲ ص ۶۱

میده نوبسته مذکور لطف فرموده نشریات بنده رانیز راجع به اصل ومنشاء کلمات «پښتو» وپښتون ذکر میکند (ص ۱۳) بنده بعد ازانکه ایتعالوجی لغات خویش رانوشتم ودران راجع به اصل وابتدای این کلمات از کلمه که مفهوم یک تپه وزمین برجسته رانشان میداد اشتقاق ممکنه راعرضه داشتم - به معاونت عالم جیداطریشی یعنی دکتور «پال تپه سکو» راجع به موضوع مذکور به نتیجه دیگری واصل شدم چون شاید این نظریه مورد دلچسپی شما واقع شود ویا اینکه یکی از نویسندگان مجله کابل به آن علاقه داشته باشد میخوام فقط برجسته آنرا تذکار و تقدیم کنم زیرا خودم نمی توانم جرئت کرده و آنرا بر زبان پښتو بنویسم .

بیت st پښتو نظریه یک تعداد صور و حالات یقیناً از (rs) ایرانی قدیم اشتقاق یافته است همچنانکه zd زد از rz مشتق شده است مثلاً در کلمه زدن zdan که فارسی آن ارزن Arzan یا «اوزد - Uzd» بلهجه وزیری «ویزد - Vzd» به معنی دراز از کلمه اوستائی . . . . (۱) Brz و غیره .

اینک چند مثال دیگر از قبیل: (۱) ویشته - . . . . (۲) به معنی موی که اوستائی آن . . . . (۳) می باشد که وره Varsa تلفظ می شود .

(۲) پښتی Pustai به معنی قبر غه (اضلاع) که اوستائی آن . . . . (۴) میباشد که بر سو - Parsu تلفظ می شود .

(۳) غوښت به معنی ارزن که بازدن قبل الذکر فرق داشته و در فارسی آنرا گاورس Gâwars میگویند .

(۴) پښتیدل Pustedal به معنی پرسیدن .

(۵) تښتیدل Tastedal بمعنی گریختن و ترسیدن فارسی .

ازینرو ممکن است که کلمات «پښتو» و «پښتون» از یک شاخ قدیم پارس Pars اشتقاق واستخراج شود . میدانم که مورخین ونویسندگان یونانی یک قبیله قومی را بنام Parsioi ذکر میکنند که در قرن دوم ق م باسکاها - Saka یکجا از طرف شمال بر افغانستان هجوم آورده وسد سختی قریب غزنی و کابل اساس نهاده این موضوع مفصلاً در کتابی که جدیداً نشر شده است دیده میشود این اثر مهم (گریکس آن بکتر یا ایند اندیا) یعنی (یونان در باختر و هند) مؤلفه دلیوتارن w.w.tarn کامبریج ۱۹۲۹ ع می باشد علاوه میدانیم که هندیهای قدیم قبیله را بنام پارسو Parsu در شمال غرب هند می شناختند .

ازینرو گمان میکنم که اغلباً کلمات پښت Pust و پښت Past که قرار نظر به Rauerty نام وطن ابتدائی افغانهاست از پارسو Parsu بر آمده باشد و پښتون Pastwn

(۱) (۲) (۳) کلمات اصل اوستائی در صفحه اخیر ملاحظه شود .

يك صورت بزرگتر كلمه مذکور بوده از پارسوانا Parsu-ána آمده باشد قراریکه Ana «انه» یا «انا» ضمیمه ایست که عموماً در آخر اسامی قبایل قدیم دیده میشود «پارسوانا» اولاً پانختانه Psthána شده است که در اثر تلفظ هندو وسطی به «پتانا» Pathána تبدیل شده است هم چنانیکه كلمه سانسکرت Ashta=Asta اشته به اته Ath= یعنی هشت تبدیل یافته است . اسم صفت مونث ( بقراز فاعده و در داخل قانون عمومی ) كلمه «پار سو» Parsu پارسوه Pars-awà میشود که بحیث اسم در مورد زبان اطلاق میگردد (چنانچه «ژبه» نیز صورت تانیث دارد ) و پارسوه بقراز فاعده پشتو Pastó میشود . بالاخر بطور بسیار اغلب گفته می توانیم که پارسو Parsu های ایران شرقی در ابتدا به مهمترین قبیله ایران غربی یعنی یارس ها Persians مربوط بودند که در زمان قدیم یا رسا Pàrsa شناخته شده و مردمان ائور و بابل ایشان را پارسو = Parsu می نامیدند ازینرو میتوان گفت که كلمه پشتون = Pastun یکی از مشهورترین و قدیم ترین نام های قبایل و مردمان هندیست . اینك بتائید نظریه فوق الذکر قرار بیانات تارن = Tarn شاهان Parsioi در قرن اول ق م دارای نامهای از قبیل : Spalirshi, Spala-Gadane, Spalahora بودند اكنون Spala بایست كلمه فارسی قدیم Spada به معنی قشون باشد و ابدال «دال» به لام عیناً همانطور است که در كلمه «لس» پشتو و «ده» فارسی صورت گرفته است نه اینکه با کدام زبان قدیمتر دیگر شمال هندو کش .

#### نظریات و تحقیقات من :

بیانات و تحقیقات محققین و مستشرقین متذکره انسائیکلوپیدیای اسلامی و بعدتر از آن که فوقاً از آنها و نظریات شان ذکر کرده شد بمطلب من نزدیک و تا اندازه خوب بدریافت مقصد و حقیقت نزدیک شده بل افکار بعضی از ایشان به مرکز حقیقت هم رسیده و اصابت کرده است از انجمله است لسن Lassen و ترمپ Trmpp و گریر سون Grier-son مگر بعضی با وجود نزدیک شدن به هدف مطلوب در اظهار نتیجه حقیقی به شك بوده و طوریکه بالا گفتم مادیت های مشعشع دیگران آنها را کمی از حقیقت منحرف نموده و بسوی خود کشانیده است از قبیل : دار مستتر فرانسوی و سپیکل Spiegel و جیگر المانی Geiger و جار ج مورگن سترن نارویژی George Morgenstierne و علت آن این است که از یکطرف صور و تلفظ کلمات بنیت و بخت و پنهان و پکته و پاکتوس و پرسوایتی یا پرستوایتی یا پرشتی یا پارسشتیس آنها را به شك انداخته و مشتبه نموده است و از طرف دیگر از روی ظاهر و مادیت فارسی را بر پشتو مقدم دانسته و میدانند و سبب این همه کشمکش فقط حرف «پس» که در سنسکرت نیز موجود و اینطور شکل ( ) ( ۱ ) دارد میباشد و این حرف «پس» در زبان موجوده پشتو به سه صورت تلفظ میشود .

(۱) شکل اصل سنسکرت در صفحه اخیر ملاحظه شود .

(۱) بین ش، خ، ک، ت که او از قدیمی واصلی آنست و در بعضی زبانهای قدیم اریائی از قبیل سنسکرت و یونانی نیز بوده و زبان حالیه جرمنی نیز تا حال این او از یانزدیک آنرا حفظ و نگاهداشته به ترکیب دو حرف 'ch' ادامیکند (۱) و چون ادای این تلفظ مشکل و بدون اهل زبان کسی به ادای صحیح آن قادر نیست و نمی تواند آنرا صحیح تلفظ کند لهذا هر وقت بمخارج نزدیک خود از قبیل ش، خ، ک، ت ابدال شده و از طرف دیگران به ابدال حروف مذکور تلفظ میشود.

(۲) باواز و تلفظ «ش» ثقیل که صورت دوم تغییر تلفظ و آواز اول گفته میشود و این تلفظ نیز اصلی و قدیمی است.

(۳) به تلفظ و آواز «خ» که این آواز جدید و حادث بوده طوریکه انسانایکو پیدای اسلامی نیز تأیید میکند اصلیتی ندارد.

حالا که ما آواز سه گانه حرف «ن» را شناخته و فهمیدیم که آواز و تلفظ اولی «ن» «ن» «ch» بوده شکلی باقی نمیمانند که کلمه «پکته» ریگ وید مساوی «پنت ch» بوده زیرا ابدال حروف «ن» و «خ» با «ک» بجا و مروج است پس در حقیقت «پکته» ریگ وید عیناً «پنت ch» پښتو است که تفاوتی ندارد و نیز می توان گفت که «ن» «ch» صورت اصلی بوده در ریگ وید صورت پکته را اختیار کرده چنانچه لسن، ترمپ و گریسون به حقیقت رسیده «پکته» ریگ وید را عین پنت ch میدانند و این هم باید گفته شود که ابدال ن» ch به «ک» ثابت می سازد که زبان ریگ وید گرچه به زبان پکته ها = پنت ch ها بسیار قریب و نزدیک بوده مگر عین آن نبوده و تغییر پذیرفته بود و نیز ظاهر است که قوم پنت ch قبل از سرود های ریگ وید بصورت قبیله مستقل و جدا گانه وجود داشت که ریگ وید از آن نام برده است. دلیل دیگری بر صحت بیان فوق این است که هرودوتس ۴۸۴ - ۴۲۵ ق م نیز عین کلمه پنت ch ذکر کرده و حرف ن» ch را به حرف «X» نشان داده است که یسان مستشرقین آنرا به حرف «ك» یعنی یا کتویا یا کت تغییر و خوانده اند در اینجا نیز سهو کسانیکه (دارمستر فرانسوی، سیکل و غیره) خلاف این عقیده بوده اند مبرهن و اشکار است چه در یونانی حرف ك = K موجود بود هر گاه هرودوتس جز پنت ch چیزی دیگری را که به «ك» نوشته می شد مطلب داشت می توانست آنرا به «ك» بنویسد معلوم است که برای هرودوتس تلفظ صحیح پنت ch رسیده بود و او هم آنرا صحیح نوشته و حرف ن» ch را به «X» که عین او از ن» ch را میداد نشان داده است و وقتیکه مستشرقین و محققین در پی تحقیق بر آمدند چون از تلفظ اصلی ن» ch اطلاعی نداشتند لهذا «X» یونانی را که

(۱) بعد ازین درین مقاله نیز وقتیکه مطلب از تلفظ صحیح ن» باشد پهلوی آن ch نوشته شده است

عين بن he است به «ك» تعبير کرده پښت يا پاڅتو را به يا کتو تعبير و خواندند و بنا بر تغير حرف و يا بنا بر اهميت موضوع جرئت نکردند که بر قدامت قوم پښت ها و اینکه هر و دوتس از آنها بنامی که امروز هم زنده است یاد کرده قایل شوند .

و این را هم باید بگوئیم که ما از فضل و علم و تحقیق نفری اخر الذکر که کمی از حقیقت منحرف شده و خلاف اصل نتیجه داده اند منکر نبوده و نمیگوئیم که عقیده او شان تماماً خلاف عقیده ماست بلکه آنها نیز بمطلب ما نزدیک و بمرکز حقیقت قریب شده اند فقط اینقدر است که آنها نتیجه را از راه دور تر نشان داده و عقیده دارند که کلمه پښت یا بخت از پارسو مشتق و تشکیل شده است و صورت اولی کلمه « پښت » « RS » اویستا بوده است یا عبارت دیگر « RS » اویستا بصورت « پښت » تبدیل شده است مگر ما برای تأیید مطلب خود و تردید عقیده آنها نیز دلایلی داریم که ذیلاً به توضیح و شرح آن پرداخته میشود :  
گر چه ریگ وید در باب مسکن اولی اریه های مهاجر هند و فارس توضیحاتی نداده تنها به ذکر اسمای بعضی قبایل و مقامات افغانستان اکتفا کرده است مگر اویستا صریحاً این مهاجرت را از بلخ بنام « با خدی » یا « بخدی » نشان داده و شکی درین باب باقی نمیگذارد که اریه ها از حوضه آمو دریا یعنی از سفیدیانه و با کتر یانه حرکت کرده از معبر هندوکش و کابل و غیره به هندوستان سرازیر شده بودند و نیز ریشه واحد « زند » و سنسکرت و زبانهای افغانستان دال بر همین است و این مهاجرت اریه ها را مؤثر خین از حدود بلخ بین ۲۵۰۰ - ۲۸۰۰ ق م حدس میزنند .

از طرف دیگر طوریکه مسیو کریشمن رئیس حفاریات فرانسه در افغانستان میگوید کتیبه در حدود سر پل ذهاب نزدیک قصر شیرین ( سرحد فارس و عراق ) درین نزدیکی ها دستیاب گردیده که در حدود ۲۴۰۰ - ۲۵۰۰ ق م بخط آرامی ( زبانهای سامی ) نقر شده و درین کتیبه شاه که « انوبه نی نی » (۱) نام دارد اسیر جنگ را زیر پای خود گرفته است و نیز طوریکه مسیو کریشمن میگوید قبل از قرن ۱۰ ده ق م بطور عموم زبان اریایی در حدود فارس دیده نمی شود فقط در حدود ۹ - ۱۰ ق م بعضی اسمای هندو اروپائی در بعضی حصص فارس بنظر میخورد که هنوز زبان دفتر و رسمی زبانهای سامی بوده .

زبان زند و تحریر اویستا نیز در حدود ۱۰۰۰ - ۵۰۰ ق م تخمین میشود - پس ما می توانیم تاریخ های عمده که دلیل قوی و ثابتی است در ذیل خلاصه کرد :

مهاجرت اریا ها : ۲۵۰۰ - ۲۸۰۰ ق م

سرود های ریگ وید : ۱۹۰۰ - ۱۴۰۰ ق م

(۱) اسم رب النوع اسمانهای سامری ها - به نی نی بمعنی ساختن از بنا



اویستا : ۱۰۰۰ - ۵۰۰ ق م

ابتدای دخول زبان فارسی : ۱۰۰۰ - ۹۰۰ ق م

هرو دوتس یونانی : ۴۸۴ - ۴۲۵ ق م

از روی تاریخ های فوق واضح میشود که ریگ وید قدیمترین اثریست که پیت he را با اسم پکیت اظهار نموده و هرو دوتس که بعدتر همه است عیناً آنرا تأیید و ذکر کرده است و هم آشکار است که قبل از سرودهای ریگ وید قوم پکیت ها وجود داشته که ریگ وید از آنها نام برده و هم می توانیم بگوئیم که همین پیت he در تحت تاثیر محیط جدید و مهاجرت بعد از قرن ها صورت پارسو یا پارسانا را بخود اختیار کرده است و هم می توانیم قیاس کنیم که مهاجرت آریه ها از بلخ بطرف هندوستان قبل از مهاجرت بسوی فارس بوده .

و اگر ما «پیت» را طوری که بعضی ها عقیده دارند از RS اویستا یا عبارت دیگر از پارسو یا پارسانا مشتق بدانیم پس باید بوجود پیتون ها بعد از اویستا قایل شویم حال آنکه اویستا هنوز وجود نداشت و نه در خود فارس از فارسی آثاری دیده میشود که ریگ وید از وجود پکیت ها خبر داده است و هرو دوتس بدون کدام تغییری آنرا تکرار کرده است .

دلیل دیگری برای اثبات مدعای ما این است که در قدیمترین زبان فارسی ما به سالغاتی بر میخوریم که بمرور زمان تغییر پذیرفته و چهره خود را بدل کرده است مگر در پیتو عیناً بهمان تلفظ و اواز بدون اندک تغییری دیده میشود مثلاً :

سپین ته داد = سفیدار = اسفندیار

توریاها = مردمان سیه پوست غیر اریائی .

زرتشت سپین تمان = زرتشت نژاد سفید .

سپین در پیتو امروز بمعنی سفید است و نام اولی اسفندیار سپین ته داد بوده که بعد سفیداد و بعدتر اسفندیار شده است همچنان تور بمعنی سیاه امروز هم در پیتو لغت زنده است و در انوقت تورها را باین نسبت تور میگفتند که آنها نژاد سفید (اریائی) نبودند و همین طور سپین در سپینتمان که سپین آن به معنی سفید و تمان بمعنی نژاد می باشد که در پیتو مروج و در ادبیات بسیار آمده (رجوع شود به کلیات خوشحال خان) .

روزی در ضمن مباحثات پروفیسر حقی نریهی بیک استاد دانشگاه علوم حقوق و سیاسی کابل مرا باین نکته ملتفت نمود که علامه قدامت زبانهای قدیم کلمات ابتدا بساکن است خصوصاً کلماتیکه حاوی یکی از حروف (L=ل M=م R=ر) باشد اکثرأ ابتدا به ساکن می آیند یعنی حرف اول ساکن و بی حرکت میباشد و چون ادای حروف ابتدا به ساکن سخت و مشکل است لهذا در شعبات زبان مذکور که بمرور زمان از آن زبان مشتق شده اند حرف ابتدا بساکن انداخته شده یا دارای

حزکت گردیده است یا بحرف قریب المخرج آن ابدال شده است - گرچه معلومات و تحقیقات من درین زمینه ناقص و نامکمل است مگر اساس مذکور به نگاه سرسری هم می توان تطبیق شد و ما می بینم فارسی زبانهای ما کلمات امر، ستوری، سپر و غیره را که ابتدا به ساکن اند ادا کرده نتوانسته امر، استوری، اسیر یا سپر (بکسر سین) تلفظ میکنند پس سین ته داد را که اسفندیار شده است از باعث همین عوامل باید شمرد.

و نیز اگر به واقعات تاریخی دقیق شویم ضما در بسا و اوراق و روایات مؤرخین باین مطلب بر میخوریم که طوریکه امروز کلمه افغان از طرف دیگران بر پیتون ها تبدیل شده و قاعده یك اسم ادبی گردیده است همانطور اسم پارسو و پارسی بر اریه های بلخ که به فارس مهاجرت کرده و رفته بودند سپاده شده و بعد از تسلط و غلبه هخامنشی های فارس این اسم پارسو یا پارسی با افغانستان هم انعکاس کرد و در دوره در حقیقت همان شاخه یا اصل پیت ch یا پیتو بود که به پارسو یا پارسی مبدل شد و در مرور زمان به تغییر و ابدال پیت ch به rs اصلیت شان در پرده خفا و شک مستور گشت حالا بواسطه آنکه مقاله ما از حدود خود تجاوز نکند بر میگردیم به اظهار نتیجه و فکر قطعی خود: پیتون مرکب است از دو کلمه «پیت» و «تون» ، پیت ch صورت ابتدائی کلمه بوده معنا بصورت واحد بر کیل اطلاق می شد چنانچه در رنگ وید نیز پکیت = پیت ch آمده . و هر دو تس آنرا یا کت یا یا کتو خوانده است پس آنها همین کلمه واحد پیت ch صورت جمع را اختیار کرده «پیتان» یا «پیتانا» شد که در زبان امروزی پیتانه گفته میشود و کلمه پیتان هندی از صورت دوم یعنی پیتان ch به ابدال «ن» به «ت» صورت گرفته است شکل سوم آن کلمه تون است که از ادات ظرفیه بوده بر مرور زمان با پیت ملحق شده و اطلاق بر مسکن و جای پیت ch ها می شد یعنی در ابتدا پیتون دو کلمه بود «پیت» و «تون» چون دو «ت» متصل آمد از کثرت استعمال يک «ت» بدیگر مدغم شد و پیتون گردید در ابتدا معنی کلمه پیتون اطلاق بر جای «پیت» ch ها می شد یعنی جای و مسکن «پیت ch» هانه بر خود قوم - و اینکه حالا از پیتون مراد از خود قوم است مرور زمان آنرا ایجاب کرده است مثلیکه «میزتون» در اول جای مورچه ها را میگفتند حالا بصورت واحد بر خود مورچه ها هم اطلاق میشود و همچنان کلمات بسیاری ازین قبیل در زبان امروزی پیتو موجود است و در زبان های دیگر نیز این قاعده مروج و در عربی آنرا مجاز مستعار و مجاز مقول گویند که در محاوره مجاز مطلق است و این صورت نسبت به صورت دو گانه فوق حادث و جدید است و ما نباید صورت اول پیت ch را به صورت آخر پیتون قیاس نمائیم چه ممکن است این تغییر شکل طوریکه مستشرقین را به شک انداخته است ما را نیز از مطلب دور انداخته و به شک بیندازد و مسئله تحقیق ابدال پیت ch به RS يك مسئله قابل قدر است که مستشرقین نموده و ما هم میدانیم که پیت ch به RS او ایستاوریشه بعدتر آن ابدال میشود مگر نباید بگوئیم که RS او ایستا به پیت ch پیتو ابدال میشود بلکه باید بگوئیم که پیت ch

پښتوبه RS اویستا و فارسی تبدیل میشود مثلاً مستشرق نارویری فوقاً در مکتوب خود میگوید که «zd = زد» از «rz» مشتق شده طوری که در کلمه زدن که فارسی آن ارزن یا اوزد بمعنی دراز است که از کلمه Brz اویستا اشتقاق یافته - حالا ببینم که این نظریه تا کدام پایه صحت دارد.

(۱) اوستا نسبت به ریگوید بعدتر است چون ریگوید «پښت ch» را صریح بکثت گفته و اظهار کرده است لهذا پښتو نسبت به فارسی اصل تر و قدیم تر است و ما باید بگوئیم که RS فارسی از «پښت ch» پښتو مشتق شده است.

(۲) در زدن حرف اول ابتدا بسا کن و علامه فدامت اوظاهر است چون تلفظ آن برای فارسی ها سخت بود لهذا آنرا ارزن ساختند همچنان در اوزد که چهار حرف بیک حرکت گفته میشود طبیعی سخت بوده اوستا آنرا Brz و بعدتر از آن فارسی ها آنرا دراز ساختند چه در اوستا و فارسی قدیم و جدید ابتدا بسا کن نیست و پس علها در پښتیدل و تنبیدل و غیره که پرسیدن و ترسیدن و گریختن شده است سختی و تلفظ پښت ch نسبت به RS معلوم است.

در جای دیگر میگوید و عقیده دارد که پاست = Past نام وطن ابتدائی افغانها بوده از پارسو Parsu برآمده است و پښتون Pastun یک صورت بزرگتر کلمه مذکور بوده از پارسوانا آمده است و هم میگوید که کلمه پارسو Parsu پارسوه Parsawa می شود که بحیث اسم در مورد زبان اطلاق میگردد (چنانچه «ژبه» نیز صورت تانیث دارد) و پارسوه بقرا قاعد Pasto می شود.

در اینجا فکر باید کرد که کلمه پاست ch نام وطن افغانهایی بلکه نام خود قوم است چه ریگوید و هر دوس هر دو آنرا با اسم قومی ذکر کرده است نه بنام وطن و پښتون که در سطرهای ما بعد تفصیل آن ذکر شده است جای بود و پاش پښت ch ها بوده که پسان بر خود قوم نیز اطلاق یافت و طوری که معلوم است مستشرق مذکور پارسورا به الحاق (ه) مؤنث میداند نه بصورت جدا گانه و آنرا هم از روی قوانین پښتو قیاس میکند زیرا در زبان فارسی از قدیم الی حال مؤنث و مذکر نیست و باز آنرا به مثال ژبه تطبیق میکند و پارسوه را باز پښتو میگوید حال آنکه اگر ما پښتورا از پارسوه مشتق بدانیم پس باید پښتوبه بگوئیم نه پښتو و حقیقت این است که مستشرق مذکور از ماهیت زبان پښتو واقفیت تمام ندارد چه تحت قانون مؤنث و مذکر پښتو خود کلمه پارسو بدون الحاق حرف (ه) هم مؤنث است و صاف ظاهر است که پښتو که نیز مؤنث است پارسو شده و در قدیم هم طوری که مستشرق مومالیه میگوید مردمان ائور و بابل آنها را پارسو میگفت نه پارسوه.

و نیز «پښت ch» را که از پشته یا پرسته (اویستا) یا پرشته (سنسکرت) مشتق میدانند و معنی آنرا پشته و بلندی و تپه میگویند سهو و قیاس بیجا است چه آنها گمان میکنند که پښتون ها در کوه ها زندگی میکنند لهذا نام ایشان هم باید از پشته ماخوذ باشد اول کلمه پشته فارسی جدید وقت سامانیا

د فواید عامې مدیر	:	.....
دمعارف مدیر	:	ص ، گلبدین خان
د احصائیې مدیر	:	» ، عبدالعزیز خان
د صحیې مدیر	:	» ، عبدالرحمن خان محمودی
د مخبر اتو مدیر	:	» ، غلام غوث خان
د خزانې مدیر	:	» ، گل محمد خان
د کرهڼې مدیر	:	» ، محمد زمان خان
دمطبوعاتو مدیر	:	» ، محمد کریم خان ( صدیقی )
د پښتو مدیر	:	» ، گل احمد نور خان
د استخباراتو د مامور کفیل	:	» ، محمد رحیم خان
د فیصله منازعات رئیس	:	ع ، ص عبدالقادر خان
د اطاق تجارت رئیس	:	ع ، ص حاجی غلام محی الدین خان
د حمل و نقل مامور	:	ص ، میر عبدالخالق خان
د آژانس مامور	:	» ، میر غلام محمد خان

### دمزار شریف ولایت

نائب الحکومه	:	و ، ج گل احمد خان
د عسکری قوماندان	:	ع ، ش الله داد خان فرقه مشر
مستوفی	:	ع ، ص عبدالکریم خان
د کوة والی قوماندان	:	ح ، سید کمال خان
دمرافعی قاضی	:	ف ، ملا عبدالرحمن خان
د ابتدائی قاضی	:	» ، ملا ضیاؤ الدین خان
د گمرک رئیس	:	ع ، ص خواجه تاج الدین خان
د تجریر اتو مدیر	:	ص ، عبدالسمیع خان
دمعارفو	:	» ، محراب الدین خان
دمطبوعاتو	:	» ، عبدالصمد خان « جا هد »
د آژانس مامور	:	» ، عبداللطیف خان
د فواید عامې مدیر	:	» ، داد محمد خان
د احصائیې	:	» ، سید جعفر خان

است درینصورت ما باید پښتون هارا يك قوم هزار ساله بدانیم و بساځه آن قایل نشویم و این چیز است خنده آور و اگر ما آنرا از پرشته اویستا یا پرشتهای سنسکرت ماخوذ بدانیم نیز بی اساس است زیرا اویستا بواسطه ټیګه بعدتر و پسان تر است نمی توانیم طوریکه بیشتر شرح دادیم آنرا در موضوع پښتو اعتبار بدهیم و نیز نمی توانیم پرشتهای سنسکرت را درین زمینه قبول کنیم چه از یکطرف می بینیم که در پښتو پشته را غونډی یا لورده میگویند که هیچ نسبتی با پرشته و پرشتهها ندارد اگر پښتو از پشته یا پرشته یا پرشتهها ماخوذ می بود ضرور بود که نام افغانی پشته و بلندی نیز با کلمات مذکور یکنوعی و قرابت میداشت و از طرف دیگر کلمه پښت ch در پښتو لغت زنده و بمعنی جد و سرسلسله است که در عربی معنی قریب آن صلب می آید و از قدیم بین آریاهای هند طائفه باین نام نیز بوده که آنرا ازاد، مستقل، بزرگ و قوی ترجمه و میگفتند و در باخدی و بخدی نیز شاید ریشه کلمه پښت ch و پښتیی ظاهر شود.

این بود نظریات من درین باره که بطور مختصر عرضه شد و هم نا گفته نماند که مقاله های جناب یعقوب حسن خان مندرجه سالنامه های کابل علی الخصوص مقاله شماره ۱۰۲ مجله کابل مشارالیه که در همین موضوع است قابل قدر بوده و تحقیقات عالمانه نموده است فقط نظریات من در بعضی قسمت ها زیاده تر در اثبات نتیجه به آن کمی تفاوت دارد و ممکن است اولاد آینده افغان این مسئله لاینحل را علماً حسب دلخواه حل و فصل خواهند کرد و والسلام.

لفظ	اصل حروف
پانستویس	Πάxтveσ
پانستوایی	Πaxтvιxύ
پرسوایتی	Πapσvύtaι
برز	Bδrδz
وېښته	We šтδ
ورس	Varδsa
ښ	Ϸ
ښد	ž d
ښت	št

# د پښتو نثر

صديق الله «رشتين»

داخر كنده خبره ده ؛ چه نظم او نثر دهرې ژبې د ادب دوه مهمه اړكان شمېرل كېږي او دهرې ژبې د ادب مانې په دې دوو اساسي ستونزو لاندې ده ، نظم د ژبې ادبي مقام لوړوي ، او په نثر برسيره په ادبي مقام لوړېدو د ژبې لمن وسعت او پراخې مومي . نظم او نثر هر يوه خپل خپل ليكنې پوره او زيات اهميت لري ، او د يوې ژبې د ادب په تاريخ ليكلو كېن ددې دواړو برخو بيانول ضرور دي . تر اوسه پورې چه د پښتو د ادب په خواخواشا كېن څه ليكل شوي دي ؛ هغه ټول د پښتو نظم ته راجع دي ؛ او څه نه څه د پښتو په نظم رڼا اچول شوې ده ؛ مگر د پښتو د ادب يوه مهمه برخه چه نثر دي تر اوسه پورې په تياره كېن برته ده ، او په دې خوا كېن زيات قلمونه نه دي چلېدلي .

هو ! لمړۍ اړ ښاغلي فاضل قيام الدين خان «خادم» د پروسېز كال اوسنې كال په سالنامو كېن د نثارانو په تذکره قلم اوچت كړي دي ، او ددې موضوع دا وليت حق ئې حاصل كړي دي .

هر كله چه نن پرون په ادبي ديا كېن نثر زيات اهميت موندلی دی او دی پلوته ډېره توجه را گرځېدلې ده . ولی ؟ چه د يوې ژبې وسعت ، پراخې ، ادبي استعداد ، د علمي ذخيره و پيدا كول ، دا ټول تر نثره پورې مربوط دي . نو دا لازم ليدل كېږي چه د پښتو د نثر خواته زياته توجه وكړي شي ، او په دې ليار كېن د پښتو ليكوال ډېر زيار او زحمت وكاږي . هم دا وجه ده چه سېز كال ما وغوښتر چه د پښتو د نثر په موضوع كېن څه وليكم او په دې باب كېن خپل كمو زيات معلومات ښاغلو لوستونكو ته وړاندې كړم ؛ څرنگه چه نثر د ادب يوه شعبه ده ، نو بهتره به وي چه د اصلي مقصد د شروع كولو نه مخكېن د ادب عمومي اصطلاحات ، او غټ غټ ټكي په لنډه ولنډه الفاظو كېن بيان كړو ، د پاره ددې چه لوستونكي ځمونه نثر د موضوع سره لا په مقدمه كېن څه نه څه بلديت پيدا كړي .

## ادبي اصطلاحات

د ادب تعريف : كه څه هم د ادب د پاره ډېر تعريفونه شوي دي . مگر كم يولنه او جامع تعريف چه پيدا كېږي ، هغه دادی : ( د ادب علم د نظم او نثر د احوالو د معرفت څخه عبارت دی ، چه دښه والی او بدوالی ، كره والی ، اوا كره والی صحت او غلطيا ، او نور و مراتبوله څخه وپيژندلی شی .

د ادب موضوع : د ادب د علم موضوع د نثر او نظم دوه فنونه بلل کېږي په هر علم

کېن چه له کوم شی څخه بحث کېږي، هغه دهغه علم موضوع ده. علمونه یوله بله په موضوع سره بیلېږي. او په ادب کېن هم د نثر او نظم څخه بحث کېدی شی .

د ادب غرض : ددې علم غرض د نظم او نثر په صناعت کېن مهارت پیدا کول دی .

یعنی د علم ادب غایه او مقصد دادی چه سری دنظم او نثر په دوو فنو کېن د مهارت او پوهی خاوندشی. نوی ادیبان هم د ادب غرض دغه شی گڼي مگر دانتقادی روح لرل هم پکېن شرط بولی . یعنی د نوی دنیا په اصطلاح کېن د ادب غرض او مقصد دادی چه سری په نثر او نظم کېن مهارت پیدا کړی ، اوله دې لیاری څخه انتقادی افکار جامعې ته وړاندې کړی .

ادبی علوم : هغه علوم چه د ژبی خدمت کوی یا په بل عبارت د هغو په واسطه د نثر او نظم په فن کېن مهارت پیدا کېږي ادبی علوم دی . ادبی علوم دوه ډوله دی . یوقسمت ته ئی اصول او بل ته ئی فروع و یل کېږي . اصول ئی دادی : ( لغت ، صرف ، اشتقاق ، نحو بیان ، معانی ، عروض ، قافیه ) او فروع ئی له : ( خط ، قرض الشعر ، انشاء محاضرات . ) څخه عبارت دی .

د ادب اقسام : ادب دوه قسمه دی ، یوته منظوم ، او بل ته مثنو ر ادب وائی په شرفی اصطلاح کېن منظوم ته شعر هم ویل کېږي اما په غربی اصطلاح کېن شعر د ادب مرادف او نثر او نظم دواړوته شامل دی . نظم موزون او قافیه دار کلام ته ویل کېږي ، او نثر هغه کلام ته وائی چه په وزن اوقافئ پوری مقیده وی . نظم په دری شیو نو یعنی وزن قافیه ، اوخیال ولاړ دی ، او د نثر قوام یواځی په صحیح او سالم فکر دی . او په ادبی نثر کېن خیال هم رکن شمیرل کېږي .

د نظم اقسام : په غربی اصطلاح کېن نظم درې مهمی برخې لری : ۱ - قصصی شعر ( ا بیک ) ۲ - غنائی شعر ( لبریک ) ۳ - تمثیلی شعر ( دراماتیک ) . تمثیلی شعر بیاد وه مشهوری توگی لری : کومیدی ( خنده آور ) تراژدی ( ترس وگریه آور ) . قصصی شعر هغه دی چه قصی او تاریخی روایات پکېن بیان شوی وی . او غنائی شعر هغه ته وائی : چه د روحی عواطفو او احساساتو څخه حکایت کوی او د عواطفو او احساساتو ترجمان وی . فخر حماسه ، حکمت ، تعلیم ، مدح ، هجو ، رثا ، غزل ، د مناظرووصف ، داټول په دې قسم کېن داخل دی تمثیلی شعر ؛ دنمایش اوتأثر نویسی فن ته وائی . په پښتو کېن دنظم ظاهری یعنی لفظی اقسام دادی : ( لنډی ، غزل ، رباعی ، چارپټه ، بگټی ، اړه ، نیمکی ، لوبه ، څلوریزه ، ټوټه ، مربع ، خمس ، مسدس ، معشر مستزاد - ترجیع بند - ترکیب بند - قصیده ، مثنوی ) .

د نثر اقسام : ترهم لکه دنظم دوه تقسیم لری یو معنوی او بل لفظی، د نثر اولی اقسام د معنی په لحاظ درې دی : ۱- محادثه ( خبری اتری ) ۲- خطابه ( وینا ) کتابت ( ښکل ) محادثه هغه نثر دی چه په محاورو او خبرو اترو کښ معمول وی ، اود افهام او تفهیم دپاره استعمالیږی . خطابه د هغو فصیحو او مؤثرو عباراتو څخه عبارت دی ؛ چه یو بلیغ سپی غی دیو لوی مقصد دپاره په مجالسو کښ وائی . ( کتابت ) هغه نثر دی چه په رسالو ، کتابونو او پاڼو کښ لیکل شوی وی . د محادثوی شر غرض ، افهام ، تفهیم ، اود احتیاجاتو رفع کول دی . خطابي نثر د سیاسي ، مذهبي ، اونور مقاصدو دپاره ویل کیږی ؛ تحریری نثر د خط ، کتابت ، اداري ، تجارتي لیکونو ، علمی رسالو او کتابو دپاره استعمالیږی . اروپایان نثر لاندې اقسامو ته ویشی .

۱- قصص ۲- تاریخ ۳- فصاحت ۴- رسایل

لفظی اقسام : عرب نثر دو قسمو ته ویشی - یو هاغه دی چه په قافیې پوری مقیدنه وی یعنی جملې غی مقفی نه وی ، دې قسم ته « مرسل » وائی- او بل هاغه دی چه د قافیې التزام پکښ وی دې قسم ته « مسجع » وائی . مگر مکمل نثر اول قسم ته ویل کیږی . دویم قسم چه د قافیې یاد وزن التزام پکښ وی مکمل نثر نه دی . ځینو کسانو نثر در یو اقسامو ته ویشلی دی ۱- مر جز ۲- مقفی ۳- عاری- مر جز هغه دی چه موزون وی ، مگر قافیه نه لری . مقفی هغه دی چه عبارات غی موزون نه وی مگر د جملاو په آخر کښ غی د قافیو مراعات شوی وی . او « عاری » هغه دی چه نه وزن لری اونه قافیه یعنی د قافیې او دو زن د قید د واړونه عاری وی . دی قسم ته مکمل نثر ویلی شی- دا دا او عباراتو په لحاظ هم نثر دوه ډوله دی . یوهغه دی چه سلیس اوساده وی ، اړ مطلب ترې په آسانتیا سره فهمیدی شی اویوهغه دی چه مشکل اویپچیده وی ، اوبه آسانی سره ترې مفهوم نشی اخستی - داو د ادب عمومی اصطلاحات او تقسیمات - اوس غواړو چه د پښتو نثر په خواو شا کښ چه ځمونږ اصلی مقصد بلل کیږی بحث وکړو -

### ( د پښتو نثر اقسام )

ښاغلی لوستونکی به خیال کوی چه دا د نثر تاریخ یانته کړه لیکي ، مگر داسی نه ده که څه هم ځمونږ دا بحث د نثر نه کړي اوتاریخ ته ورته دی ، اما خبره داده چه دیوې ژبې د نثر د تذکرې د لیکلو دپاره مکمل او پوره معلومات پکار دی اود پښتو نثر متعلق لا تر اوسه پورې پوره او کافي معلومات میدان ته نه دی راوتی ، اونه پکښ پوره څېړنه اوتحقیق شوی نی . هر څه چه دی ، تراوسه پوری په ابتدائی صورت دی .

هو! کیدی شی چه ځمونږ دا مقاله د آئینده دپاره که څوک د نثر تذکره لیکي ؛ مفیده واقع شی اود نثر د تذکرې په یوه حصه کښ ترې کارواخستل شی . مونږ اوس پدې مقاله کښ صرف



دومره غواړو چې د پښتو د شرایطو، د معنی او موضوعاتو په لحاظ وښیو، یا په بل عبارت دا څرگنده کړو چې د پښتو په نثر کې څه قسم موضوعات تر اوسه پورې ویلي شوي او پیدا کېږي؟ او تر کومې اندازې د پښتو نثر پوره او کامل، او با ناقص او نیمګړی دی؟ او د پښتو د نثر لمن د موضوعاتو په لحاظ څومره وسیع او اړته ده؟ په دې ډول غواړو چې د پښتو د نثر لفظي تحول ته هم اشاره وکړو او هغه فرق او تغیر چې دیلو ویلو دورو په لحاظ د پښتو په نثر کې لیدل کېږي؛ د خصایصو، مطالبو او حسن اوجېح، په لحاظ بیان کړو، که خدای وکړي چې په دې واسطه د پښتو په نثر څه نه څه رڼا واچولی شو.

دلته یوه خبره کول پکار ده، هغه داده چې د نثر اولی اقسام که څه هم درې یعنی ( محادثه، خطابه، کتابة ) ګڼل کېږي. مګر د پښتو په نثر کېن مونږ صرف د درېم قسم یعنی « تحریری نثر » څخه بحث کوو. ولې؟ چې د دوو اولو قسمو یعنی محادثوي، او خطابي نثر نمونې مونږ سره نشته او نه له پخوا څخه دهغه وخت د خبرواتر او خطابو، څه نښه، نښانه پاتې ده.

البته څه لږ ډېر چې موجود دی، او د مونږ لاس ته رارسېدلی دی هغه « تحریری نثر » یا په اروپايي اصطلاح ( رسایل ) دی. دازه نه وایم چې پښتو محادثوي او خطابي نثر نه لري. بلکه چې داده دواړه برخې د هرې ژبې د پاره ضرور او لازم دی. مګر خبره داده چې د پښتو دغه قسم نثرونه، هوبه و د پخوا وخت څخه د کاغذ په پانډو کېن نه دی لیکل شوی. بلکه، لکه د خبر و پشان په هوا کېن محو شوی او غائب شوی دی. ژبه چې د کم وخت نه پیدا شوی وی؛ له هغه وخت څخه محادثوي نثرونه سره وی.

دارنگه ( خطابي نثر ) هم د هرې ژبې یوه لازمي حصه او برخه ده. ولې چې هر ژبه د سیاسي، مذهبي، دیني حیات دورې طی کوي او د دې مطالبو او مقاصد د پاره چې کم نثر استعمالېږي هغه ته خطابي نثرواڼي هر کله چې دیني مراعتو، او مذهبي خطابو د اسلام د بختور دین په اثر په مسلمانانو کېن زیات تعمیم او رواج موندلی دی. نو ځانځا دغه قسم مذهبي خطابي په پښتو کېن هم شاید زیات وي مګر لکه چې نڅکېن مو وویل، د دغه دواړو قسمو پخوانۍ نمونې هر کله چې په لاس نشته، نو لکه یواځې د درېم قسم څخه بحث کېږي. اوس د پښتو تحریری نثر یا « رسایل » د موضوع او معنی په لحاظ راتلونکو برخو ته ویشو:

## ( مذهبي )

دا ثابته ده چې د قومونو او ملتونو د احساساتو، افکارو، عقایدو مظهر، او آینه د هغو ادبیات دی. څرنگه چې د ملتونو، افکار، احساسات، عادات، رسوم سره جلا جلا او مخالف وي، دارنگه د هغوی ژبه، ادبیات هم سره متفاوت وي او توپیر او فرق پکېن موجود وي. د افکارو او احساساتو د اختلاف مهم عوامل

دادري دي (محيط نژاد، زمانه) محيط دوه قسمه دي يو طبيعي محيط او بل معنوي محيط . طبعي محيط د اقليم آب و هوا، جغرافيو حالاتو څخه عبارت دي . دطبعي محيط تاثير د يو قوم په ادبياتو كښ ښكاره او ثابت دي ، اومعنوي محيط د ديني ، سياسي ، علمي ، افكارو دنشراود تاريخي حوادثو او دهغو دنتايجو څخه عبارت دي . داډول افكاريا داحوادث چه مونږ ورته معنوي محيط وايو هم په ادبياتو كښ پوره مؤثر گڼل كېږي . داوچه ده چه دشرقي ژبو په ادبياتو كښ د مذهبي افكارو رنگت زيات ، اوډېر دي . او كم آثار چه داسلام د منوردين د خپرېدونه وروسته ليكل شوي دي ؛ هغه ټول ددغه رنگت نه خالي دي . دپښتو ژبي زيات كتابونه چه لمونږ گوتوله راغلي دي ؛ هغه داسلام منور عصر ته راجع دي ، يعنې ټول په هغه وخت كښ ليكل شوي دي ؛ چه په هغه وخت كښ داسلام رڼا په هرځاي كښ خپره شوې وه ؛ اوداسلام مذهبي افكارو عموميت موندلو . ددغه وخت په ټولو كتابونو كښ ديني اومذهبي رنگت موجود دي ، اوټول د مذهبي احساس په اثر كښ ليكل شوي دي .

هركله چه عربي دمسلمانانو مذهبي اوديني ژبه وه ، نو لمونږ په اكثر ومذهبي كتابونو كښ عربي الفاظ هم زيات داخل شوي دي ، اوټول كتابونه د مذهبي اصطلاحاتو نه ډك دي لكه دا : (قطب ، قدوة الواصلين ، مراقبه ، مشاهده ، كشف الهام ، معجزه ، كرامات ، ملكوت ، جبروت ، سالك ، عارف ، شريعت ، طريقت ، مراقده ، وحدانيت ، واجب الوجود ، حقيقت) دغسي نورمشكل اوعربي الفاظ چه هم ليدل شي دهغه وخت د مذهبي نفوذ او غلبې اثر دي . په دې سلسله يعنې مذهبي اوديني لړ كښ تذكره الاوليا ، خير البيان ، مخزن الاسلام ، نافع المسلمين ، فوايد الشريعة ، داسي نور اونور كتابونه موجود دي .

لاندې غواړو چه دهر يومتعلق څه نه څه معلومات اودهر يو نمونه بيان كړو :

۱ - تذكره الاوليا :- دا كتاب سليمان ماكو په ۶۱۲ هـ كښ ليكلي دي . سليمان ماكو دبارك خان لوی په قام صابري ، اودقنډهار په ارغسان كښ اوسيده . دا كتاب دپښتو دشر لمړي اثر دي چه لمونږ گوتوله راغلي دي . ددې كتاب يوخوژدې دسرپاني (۱) د (۱۳۱۹) په سالنامه كښ نشر شوې دي . ددې كتاب په موندلو دپښتو دتاريخ اوه نيم سوه كالوته رسيږي او ددې نه پخوا د يوبل اثر په موندلو لانه يو موفق شوي . په دې كتاب كښ د بزرگانو او اوليانو حالات ليكل شوي دي . دا اثر كه څه هم دتذكري ، رنگت لري . مگر هركله چه د مذهبي احساس په اثر كښ ليكل شوي دي اود اوليانو ، بزرگانو د مناقبو ، اوحالاتو بيان دي نو ځكه ورته د موضوع په لحاظ مذهبي وايو .

(۱) دا اثر ښاغلي حبيبي موندلی دی اود ۱۳۱۹ په سالنامه كښ ئي ددغه كتاب يوخو پاني زنگو گرافي كړي دي .

نمونه : (وايم حمدوسپاس دلوی خاوند ، اودرود پر محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم  
چه دی بادار د کونینو اورحمت دقلینو - لوی لوی رحمتونه دې وی د هغه استاذی  
یه آل اویارانو چه دواړه جهان په پردوی دی روښان .

اما بعد زه غریب خاوری سلیمان خوی دبارک خان ما کو صابزی چه په ویا له  
دارغسان اوسینم او په دې مز کو یاښم . په سن دولس شپږ سوه دهجری تللی وم ،  
اودپښتخوا په راغو او کلو گرځېدم ، اومراق داولیا اواصلینومی پلټل ؛ او په  
هرلوری می کاملان موندل ؛ اوددوی په خدمت خا کپای وم ؛ اوهر کله په سلام  
ورته ولاړ .

چه له دې سفره په کور کېښستم ، تناکمی می رچاودلې دپښو ، بیا پاڅېدولم ،  
اوله څښتنه می مرستون شوم چه احوال دهغو کاملان وکاږم ، اودوی چه هغه ویناوی  
باتی کړی دی اوښتانه ئی لولی اوس . )

تبصره : د سلیمان-ما کو تر دمعنی په لحاظ په مذهبی اودینی حصه کېښ شاملېږی . د لفظ  
په لحاظ هم لختی مهم خصوصیات لری چه زیات ئی دپړوسکال په سالنامه کېښ ښاغلی «خادم» بیان  
کړی دی . زه ئی دلته فقط یو څو خصایص بیانوم :

- ۱- د سلیمان ما کو تر په پخوانو سرونو کېښ ساده ، روان اوغیر مغلق دی .
  - ۲- دی اوږدې اوگرانی جملې نه استعمالوی -
  - ۳- دروښان ، درویره پشان مردفی اومقفی حملی هم نه جوړوی .
  - ۴- دپښتو خالص لغات زیات استعمالوی ؛ چه هغه په نننۍ محاوره کېښ نشته .
  - ۵- دده تر موزون هم نه دی بلکه دپښتو دهغه وخت یو ښه نثر یعنی «نثر عاری» ورته ویلی شی .
  - ۶- لغوی اقتدائی زیات دی ، اودپښتو په لغاتو پوره احاطه لری .
- صرف دترکیب اودجملو دتقدیم اوتاخیر په لحاظ ، پکښ څه نواقص شته هغه دادی چه د  
عربی عباراتو او جملو اثر پکښ زبات لیدل کېږی .  
او عبارات او جملې ئی دپښتو د موجوده قالب نه ډیر ایری والی لری په دی سبک کېښ  
دی د چا مقلد نه گڼو - ولی چه دده تر څخه ، بل څوک نشته اړنه کم بل نثر مونږ ته معلوم دی  
نو په دې لحاظ ده ته د خپل سبک مؤسس وایو .

۲- خبرالبیان : دویم اثر چه د تذکره الاولیاء وروسته ، د مذهبی اودینی احساس په اثر کېښ لیکل  
شوی دی ؛ خبرالبیان دی . خبرالبیان دمشهور «پیرروښان» اثر دی . پیرروښان د عبدالله خوی ،  
دوزیرستان د (کانی گرم) اودیو پوره معقولی او فلسفی دماغ څښتن و - خبرالبیان دده تبلیغی  
کتاب دی . یعنی په دې کتاب کېښ ئی د مذهب اودین ته رنگ کښ خپل افکار او عقاید ،

ښکاره کړې دی. دا کتاب په څلورو ژبو عربي، اردو، فارسي، پښتو ليکل شوې دی «پيروښان» د پښتو يو زېر دست مبلغ، معقول، فلسفي سپړی دی - دی بايزيد نومېده، او په ميان روښان، پيروښان حتی «پير تاريک» سره مشهورو - پيروښان ډېر معتقدین او پيروان لرل اودی ئې پیرا و مرشدو - اخون درويزه دده معاصر دی. ددې دواړو لویو شخصیتونو همېشه د پاره په مذهبي اودیني مسایلو کېن جگړې، بحث مباحثې شوی دی. او په هم دې اثر کېن دوی خپل تبلیغی کتابونه ليکلي دی. وائی چه پيروښان د یو خاص مذهب او عقیدې خاوندو، دی په (۹۴۹) (۱) هجري کېن قوی شوی دی. لسم قرن دده دېروز او عروج عصر شمېرل کېږي درويزه وائی چه پيروښان یو عالم اوفيلسوف سپړی و، د مذهبو فلسفې ئې کتلي وې، او یونوی مسلک ئې راویستلی و -

د خیر البیان قلمي نسخې ځینو مستشرقینو لکه، مستر راورټی، سر د مینسن راس، مارگن سټیرن لیدلې دی. مگر نسخې ئې ډېرې کمی پیدا کېږي - صرف یوه قلمي نسخه ئې په انډیا آفس یا برطانوی موزیم کېن شته مارگن سټیرن دده دېروزو آثارو په مجله کېن دده کتاب څخه یو څو نمونې نشر کړې دی چه دادی مونږ ئې لاندی رانقل کوو!

نمونه: (ښی ویلی دی رحمت دې وی په ده مرگت به ورشی و سپړی ته ناگهان -

نشته په دنیا کېن د سپړی تن تر تله مقام - گوره ددغی زمان آدمیان - غواړی دنیا او هر چه پکېن وی مشغول دی ډېر آدمیان ځینې په کرلو یا په بازار گانې، یا په بوند گلی یا په تور کېن باندی ځینې په نور نور چار مشغول که آدمیان -

که څوک اساسی لری، کمال تیر شی تمام - څښتن ئې اختیار لری چه یو دینار دی ور کی دهر حیوان - یادې بها کی له دوو سوو درمودې پنځه ور کی تمام -)

خصایص: څرنگه چه دغه موهم ویل دا اثر د معنی او مفهوم په لحاظ دیني او تبلیغی دی او د لفظ په لحاظ ورته مقفی یا مسجع شریلی شو - نور عبارات بالکل د نثر په شان دی یعنی وزن پکېن نشته مگر د قافو لحاظ پکېن شوی دی. په دې لحاظ دې قسم ته ځینې خلک نیم مصنوعی شعر وائی اما هر کله چه د شعر دیو جز یعنی وزن مراعات پکېن نشته او ځکه شعر نه بلل کېږي په دې نثر کېن سلاست او روانی لیدله کېږي - نامانوس او مشکېل لغات پکېن نه دی استعمال شوی، سره ددې هم هر کله چه فقهي مذهبی، دیني مسایل پکېن بیان شوی دی، نو د عربي ژبی د طریقې، اسلوب، ترکیب له تاثیر خالی نه دی دا قسم نثر د نثر په لحاظ هم مکمل نه بلل کېږي. څرنگه چه مکمل شعر ورته نشي ویلی دارنگه مکمل نثر هم نه دی بلکه ناقص او نیمگړی نثر دی - ددې تر مهم خصوصیت دادی چه جملې ئې اوږدې دی او د تذکره الاولیاء په شان لنډې جملې نه استعمالوی عاطف هم ډېر نه استعمالوی،

او په معنوی ارتباط اکتفا کوي. ددې يو خو جملو څخه معلومېږي چه په دې شرکېش د قافې تکرار زیات دی. او یوه قافیه څو واری تکرارېږي.

۳ - نخن الاسلام: یا «نخن ښتو» دریم کتاب دی، چه په دیني او مذهبي سلسله کېښ داخلېږي. دا کتاب د شرعي مسایلو عقایدو تجوید او کلام مجموعه ده، او د دیني مسایلو د تبلیغ او پروباګنده په غرض لیکل شوی دی. اخون درويزه د ښتو یوزېر دست مشر ع عالم ددې کتاب مصنف دی. دی ښتون عالم دا کتاب د «پیرروشان» د خیر البیان په مقابل کېښ دهغه د مسلک د بندولو دپاره لیکلی دی.

اخون درويزه د گدائي جوی، اود (جبون) د کورنۍ څخه و، دی د شیخ علی تر میندی «پیربابا» معتقد اومریدو. اخون درويزه ننګر هاری (۱) دی. نخان او خیلې اولادې ته ننګر هاریان وائی. دی د (۱۰۰۰) کال هجری په خواوشا کېښ ژوندی و او په ۱۰۴۸ ه کېښ وفات شوی دی. قبر ئې په پېښور کېښ دی. دی وائی (ښائسته نخن می و کېښ پر په درو په ګوهارو) نخن دده نه وروسته دده لخوا کړیمداد، ټول کړی، او ترتیب کړی دی او بیا دویم وار مصطفی محمد د کړیمداد نمسی په سنه ۱۱۱۲ ه کېښ ترتیب او راټول کړی دی. د نخن په وروستنو مجموعه کېښ چه پاتی دی نځینی نور اشعار او تر دده اولادې زیات کړی دی. او دده اولادې او دده د کورنۍ او شا گردانو د کلام نمونی پکېښ پیدا کېږي. مگر د معنی اوموضوع، دارنگه د سبک اولفظ په لحاظ ټولو د درويزه پیروی کړې ده، او ټول نخن په یورنګه او بو طرز معلومېږي. کړیمداد د درويزه لخوا، عبدالحلیم، او مصطفی محمد د درويزه نمسی، ملا اصغر د درويزه ورور، ملا عبدالسلام. عمر خان، میرخان د درويزه شا گردان، دې ټولو خپل اشعار او د کلام نمونې په نخن کېښ زیاتې کړی دی. او د درويزه په شان دیني اومذهبي مطالب ئې بیان کړی دی.

نخن د خیر البیان په سبک وېلی شوی دی. یعنی نیم مصنوعی یا نیم عر وضی شعر دی د خیر البیان په شان نخن ته هم مکمل تشرنشی وېلی بلکه مقفی ترو رته وېل کېږي صرف دو مره فرق دی چه د نخن عبارات موزون هم وی، او د خیر البیان اکثر عبارات اوجملی وزن نه لري. مطلب دا چه د نخن عبارات زیات موزون دی، او د خیر البیان هغه یواځی مقفی دی. نونه: (د هر څیز اصل ثابت دی. لځکه نوم باندې ر غېږي. هم په عقل را کېښو لځی، هم دا عقل ور رسېږي. د آشیاء اصل ثابت دي، او هماغه دی. ته آگاه شه

(۱) دا گفتار د درويزه ننګر هاری دی.

رحمت په مصنف شه هم په وادوننګر هارو. چه ښتو دین ئې ښتو لره بیان کړ (قلمی نخن)

چه اوهام خېزوننه نه لری سودونه - نه ئی زیان وبله رسېزی - خلاف سوسفطایه کا - دوی واځی دا اوهام دی له صانهه ئی منکر دی - په محبت داهل شرع دوی به اور کښ کښولی - سکه دا اور دې هم اوهام شی چه په دوی نه لگېزی - اهل حق دی ویلی ، چه بی شک صانع قدیم دی - برده گواه دی دا مختلف چاري دعاقل حجت دغه دی - چه هېڅ کالی بی استانه نه رغېزی - دا اشیا واره حادث دی له نابوده پیدا شوې - هر چه وشو یا به شینه - اود حق ذات صفات قریم دی - کڼل آشیاه قدرته پیدا کېزی - اسباب دعلم درې دی - اول حواس دې سلامت وی له نقصانه - هغه څیز چه په حواس تعلق لرینه - په ځنګل ، په اوزېدل په بو بول هم په نیول یا په لیده به ور یو هېزی - دویم اسباب خبر صادق دی - دا خبر دی په دوه رنگه - یو خبر متواتر دی - هر چه ډېر وخلقو ویلی پی در پی وی - څه تهمت د کډانی ورته نیکېزی - په دغه خبر به علم ضروری دتا حاصل شی - لکه ډېر خلک له تېر وباد شاهانو کا خبر ی - یا لکه مکه اومدینه وی په جهان کښ دوی څر گنده په ملکونه -

خصوصیات : د مخزن په شر کښ ، عربی الفاظ ، زیات دی ، د جملو په آخر کښ د قافو مراعات کوی ، که څه هم جمله ډېره اوژده شی - مخینی جملی او عبارات ئی موزون ، اولکه د نظم دوزن په قالب هم برابر وی ، اما تر آخره پورې پکښ بیادغه شی نه لیدل کېزی . گوندې شاید نظم ورته ویلی شوی وی . بله خبره داده چه یوه جمله ئی ډېره لنهه وی او بله ډېره اوژده وی ، چه په دې لحاظ هم د نظم په قالب کښ نشی راتلی - غرض داچه داشر د پښتو په مقفی شر کښ داخليزی - اونه ورته پوره ثراونه ورته پوره نظم ویلی شی - داشر تر یوې اندازې آسان دی لکه چه دادعامو خلکو دپوهولو په غرض لیکل شوی دی . عبارات اوترا کښ ئی آسان او عام فهم دی البته مخینی عرفانی او تصوفی کلمات پکښ زیات مستعمل دی . مخففات زیات استعما لوی . لکه چه د ( دغه ، خپل سر ، یوله بله ) په نځای ( غه خپسر ، و بله ، مجله ) لیکي - او مفتحات هم د تلفظ له مخه لیکي -

۴ فوائد الشریعته : څلورم کتاب چه په دې سلسله کښ دا خلیزی فواید الشریعته دی : دا کتاب اخوند قاسم نامی به ( ۹۶۷ ه ) کښ لیکلی دی . اخوند قاسم د شینو ارودیا پین و ، او دا کبر مغولی په زمانه کښ اوسیده ( ۱ ) په دې کتاب کښ شرعی مسایل بیان شوی دی او یومذهبی اودینی کتاب دی د فواید الشریعته د دیباچې نه معلومیزی چه اخوند قاسم ، دا خوند درويزه له پیر وانو او اخلاص مندانو نه و - او په یوسف زو کښ اوسیده ددې کتاب سبک د مخزن سبک ته نژدې دی . مطالب ئی هم د مخزن پشان ټول دینی او مذهبی دی . مطلب داچه د معنی

( ۱ ) دراورتی د پښتو گرامر مقدمه .

د کرهني دمدير کښيل	: ص ، محمد علي خان
د مخبر اتو »	: » ، نقيب الله خان
د خزانې »	: » ، سيد احمد شاه خان
د حمل و نقل »	: » ، سيد محسن خان
د ملکي شفا خانې سر طبيب	: » ، محمود خان
د منازعاتو د فصيلي رئيس	: ع ، ص عبدالاحمد خان
د استخباراتو مامور	: ص ، عبدالرشيد خان
د روضي شريفی د چارو رئيس	: ف ، نور محمد خان
د پښتو د کورسو مامور	: . . . . .
د مستوفيت د کترول مامور	: ص ، سر فراز خان
د تفتيش مامور	: » ، عبدالجبار خان

### د قطن او بد خشان ولايت

د تنظيميه رئيس	: ع ، ج ، س ، ا غلام فاروق خان
د تنظيميه رياست معاون	: ع ، ص عزيز الله خان
د عسکري قوماندان	: ع ، ش محمد جعفر خان
مستوفي	: ع ، ص نور محمد خان
د مرافعي قاضي	: ف ، ملا سيد عبد الرحمن خان
د ژاندارمي قوماندان	: ح ، عبد الغفور خان
د پوليسود قوماندان کښيل	: ش ، دين محمد خان
د تحرير اتو مدير	: ص ، شاه محمد خان
د معارفو مدير	: » ، عزيز محمد خان
د مطبوعاتو مدير	: » ، محمد ارسلان خان سليمي
د مخبر اتو د مديريت کښيل	: » ، غلام دستگير خان
د صحيې مدير	: » ، د کتور رجب علي خان
د احصائيې »	: » ، محمد حفيظ خان
د ناقلينو »	: » ، عتيق الله خان
د کرهني »	: » ، غلام بها الدين خان
د مساحت »	: » ، عبد الظاهر خان

لفظ ، سبک او اسلوب ټولو په لحاظ د مخزن په ليارروان دی او دمقفي اومسجم تر اطلاق پری کيږي  
نمونه : ( په انيس الواعظین کښ هسی وائی ، یوو یشت حق د خښتن دی په  
 عورتی - اول حق ئی دادی چه دده حکم دي منی ؛ بهانه دي پکښ نه کوی - که  
 بلنه ئی دده قبوله نکړه ، لکه مارله پوسته وولخی داسی داله عباد ته به وولخینه - دوم  
 حق د خښتن دادی چه خپل لځان دي وخښتن ته دا په ښه زینت لرینه - دریم حق  
 د خښتن دادی چه بی اذنه دده مال به نه خر خوینه - چه سروردی فرمايلي چه ثواب  
 ئی د خښتن شی دا گناه پری وگڼینه - څلورم حق ئی دادی چه بی اذنه د خښتن  
 دی داروزه نقل نه لرینه ، چه دا بی له لوی ، تندی نور به هیڅ نه حا صلوینه  
 پنځم حق د خښتن دادی چه بی اذنه د خښتن دي داله کوره نه ولخینه ، که داووته  
 بی اذنه فرښتی به پری لغت کاتر هغه پوري چه په بیر ته داو کور ته را شینه -  
 شپږم حق د خښتن دادی چه خښتن ئی پر غضب شی عورتینه دي سخت جو اب نه  
 ورکونه - اتم حق د خښتن دادی چه خښتن دي له سواله هم له هسی رنگه کاره  
 چه دی پکښ سپک کيږی البته منع کونه )

تبصره : دا اثر په آخر کښ مقفی اومسجم راځی - او ز دي جملی پکښ استعمالیږی  
 دا اثر هم لکه د خیرالبیان او د مخزن د اثر پشان پوره او مکمل اثر نه بلل کيږی په بل  
 عبارت ( تر عاری ) ورته نشی ویلی . دا اثر ساده ، روان او عام فهم دي . مشکل عبارات  
 نا آشنا لغات او سختی جملې پکښ نه لیدل کيږی په ساده ژبه روان دی . ددي اثر لوی  
 خصوصیت دادی چه عربي الفاظ پکښ زیات نه دی استعمال شوی . کوشش شوی دی چه  
 پښتو الفاظ استعمال شی . په هر صورت دا اثر د هغه وخت په اثر کښ ښه اثر گڼل کيږی .

## ۵ - نافع المسلمین :

دا کتاب هم یو مذهبی او دینی کتاب دی . د شرعی او اخلاقی مسایلو مجموع ده په  
 سر کښ ئی دایمان بحث دی . د شاه حسین هوتک په زمانه کښ لیکل شوی دی . مصنف ئی  
 نور محمد نومېږی . دی هم دا خون درويزه د مکتب یو شاگرد ښکاری . دتر تحریر او  
 نگارش طریقه ئی د مخزن پشان ده - مطالب ئی هم د مخزن پشان دینی دی . اثر ئی مقفی او  
 مسجم دی . بلکه لاه قدر وزن ، او شعرته نزد یوالی هم پکښ لیدل کيږی په دي اعتباردي  
 اثر ته نیم مصنوعی شعر ویلی شی داسی معلو مېږی چه دا نور محمد دا خون درويزه نمسی د  
 کریمداد لځوی او د مصطفی محمد (۱) پلاردی . ده په دي خپل کتاب کښ دکریمداد دشر

(۱) مصطفی محمد بن میان نور محمد بن کریمداد بن اخون درويزه (مخزن)



او کلام څخه هم څه برخې راوړې دي دا کتاب د مخزن نه وروسته لیکل شوی دی . او د هغه سره نژدې ارتباط لري .

نمونه : ( زده کړه ای مومنه مسلماننه ، اول دا کلمه شهادة وایه ، پرې باور کړه محما جاننه - دویم نمونځ او دریم ئی غه زکواة دی . څلورم ئی روزه او پنځم حج دی . که دلارمونده امان - ته زده کړه ایمان دادی ای مومنه ( لا اله الا الله محمد الر سول الله ) وایه گویان - هم باور ئی په معنی کړه غه معنی گوره چه داده : چه خدای یودی بی شریکه دا خبره ده روښان - محمد رسول د خدای دی فرستاد و هر چاته هم باور کړه دی رسول دی و هر چاته - که پیری دی که انسان - هم ارکان دایمان زده کړه پرې باور کړه هغه دوه دی ای مسلمنه محما جان - اول اقرار کول په ژبه چه محمد له خدای دی ، راوړی . دویم هغه واده قبول کړه پرې باور کړه ای جان - هم باورته په زده کړنه ، هم یقین کړه باندې جزم چه قبول واده احکام کړي هم شرطونه دایمان ته به شپنه په امان - که شرطونه دو جوب ددې ایمان دی یا ایمان مفصل دی یا مجمل دی دا خبره ده عیان - که فرایض د ایمان دینه یا واجب دی یا ادب یا مستحب دینه ، ای لمخوان - هغه واده بیان کړی اخون درويزه دی په مخزن کښ بیان نشو په دا کتاب کښ دا کتاب کوتاه له مان - اخون در ويزه ستن ده ددین په افغانان کښ ، د چراغ بشان ئی روښان دین که پدا افغانی لسان - نور محمد کوتاه بیان په پښتو وکړ - ډېر به خوښ به دایمان شی زیات افغان )

خصایص : په دې نثر کښ دوزن التزام نشته ، معنی جملی موزونی ، او لمخنی بی وز نه راځي البته د قافی التزام پکښ شته په دی لحاظ مقفی او مسجع نثر بلل کیږی .  
دا نثر دا خوند درويزه مکتب ته نژدی دی ، او د خبر الیوان سبک پکښ غالب دی .  
د قافی تکرار پکښ زیات لیدل کیږی . که بله قافیه پیدا نشي صرف د مقفی کولو د باره مخکښ قافیه بیا تکرار وی . وړې ، او زږدې دواړه ډوله جملې استعمالوی او دهغه وخت یو متوسط نثر دی .

## ٦ - تفسیر بدر منیر :

په مذهبی او دینی سلسله کښ یو بل کتاب چه محمود نثر گوټوله راغلی دی تفسیر بدر منیر دی دا تفسیر دوست محمد خټک ، په سنه ۱۲۷۵ ه کښ لیکلی دی دوست محمد د خو شجال خټک د کورنۍ او اولادې وروستۍ سړی دی - دی هم په پښتو کښ لیکه د خپلو نیکو نو غو ندي شپه تالیفات او مهم آثار لري ، چه زیات ئی په نظم دی . د ( ۱۲۹۰ ه ) سن پورې ئی ژوندون ثابت دی لکه چه په دې سن کښ ئی بحر العلوم نومی کتاب لیکلی دی .

نمونه : (په تفسیر کشف کښ راوړی دی چه یو بادشاه وزیر ته وویل چه د دې

آیات شریف ترجمه راته وکړه «حق تعالی وائی هره ورځ زه په پوښان کښ نه یم»  
نوردانوی شان له حق تعالی سره نشان د مخلوقیت قبلوی او خالقیت او مخلوقیت هیڅ مناسبت نه لری  
اوپه دې سره اعتقاد کفر راولی. وزیر ورته عرض وکړ، چه درې ورځی موده را له  
را کړه. پس وزیر پدادرې ورځی مده هیڅ فایده وموصول نه و نه رسوله. نوردریمه ورځ خفه  
او پریشان او ناتوانه اوسر گردانه گرځېده. یو ځانه زاده دده و. هغه عرض وکړ چه  
ای صاحب! ولی داسی دلگیر اوملال ئی؟ ده ورته وویل چه ملالت می په دا خبره سره دی  
چه بادشاه ددې آیات شریف دمعنی پوښتنه وکړه. مادرې ورځی مهلت غوښتی و،  
اوس ئی له معنی څخه عاجز راغلم. ده ورته وویل به فضل سره د حق تعالی دا جواب  
به زه ورلره ورکړم وزیر ډېر خوشحاله شودی ئی په حضور د بادشاه راووست و یل  
بادشاه ستادسوال مقصد له دی لخوا نه څخه راغلی دی بادشاه ورته وویل وایه معنی  
ددې آیه شریف ده ورته وویل چه بادشاه عرضداشت دبنده وتاته دادی چه ته په  
اصل کښ سوال گر ئی دسوال کښنده داځای نه دی لکه چه ستا دی. ته لخوا په  
لځای ودریزه تخت وماته راپریزده چه زه پر کښیم. نور په تاته ددې خبرې لخوا  
درکړم. بادشاه عاشق ددې جواب ودی ئی پر تخت کښناوه. بادشاه دده پر لځای  
ودریده، ده ورته وویل چه بادشاه په علم قدیم کښ د حق تعالی داراغلی ووچه زه  
به ستا پر تخت کښیم. ته به لخوا پر لځای ودریزې اوس هغه دلته په ظهور سره راغی.  
بادشاه تحسین دده دقول وکړ، آفرین ئی پرووايه.)

تبصره : د موضوع اومعنی په لحاظ داتر دپخوانو په شان دی. یعنی مطالب ئی دینی دی  
امادلفظ په لحاظ دپخوانو تر ونوسره فرق لری. لکه چه داتر د۱۳ پېړۍ. شردی اوپه دومره  
موده کښ خو خاځا په سبک او طرز کښ څه نه څه فرق پېښیږی په دی وجه داتر هم داخون  
درویزه، خیرالبیان دطرزاوسبک څخه جلا، اومخالف دی. دلته لږ غوندې ثراصلاح شوی،  
اوحقیقی مفهوم ته نژدې شوی دی مطلب داچه دپخوانو تر ونو غوندې قافیه بندی پکښ نه لیدل  
کېږی بلکه دقافی اودوزن څخه یوعاری شردی. عبارات ئی ساده اوروان دی. ډېر نا آشنا  
لغات نه استعمالوی مگر سره ددې هم د لځینو عباراتو مطلب ښه واضح نه وی. اولځینی نواقص پکښ  
موجوددی. دجملوپه ترکیب کښ د عربی او د بلی ژبی اثر لیدل کېږی. جملی، تراکیب،  
عبارات لادښتوپه خالص قالب کښ نه دی لوېدلی. نو په دې لحاظ دا اثر هم نا مکمل  
اوداصلاح قابل گڼل کېږی.



(۱) وائی چه خوشحال خان هدايه له عربي څخه په پښتو ترجمه کړې ده او د دیني متفرقو مضامینو یو بل کوچنی کتاب ګی هم درلود . مګر متاسفانه چه اوس د یوه درک نشته د پښتو د مذهبي اثر په سلسله کېن د شمس الدین کا کړ «سراج الموتی» نومی یو کتاب هم شته دارنگه په وروستو وختونو کېن نور هم ډېر فقهی او دیني کتابونه لکه (مکتر، مختصر، ضابطه، میراث، اونور اونور) خلکو په پښتو ترجمه کړې دی چه دهغو ټولو بیان کافي وخت او اوږد بحث غواړی .

## تاریخی

دا څرګنده ده ، چه ژبه همیشه د پاره د حکومتونو په پوری کېن پالل کېږی . خو پورې چه دیوی ژبی سره د حکومت د مرستی لاس ته وی هغې پوری هغه مخکېن نشی تللی په تېره په تاریخی او تعلیمی برخو کېن خو د حکومت توجه ته زیات ضرورت دی . مذهبی او دیني آثار د شخصي عقیدو پواسطه هم ډېرېدی ، اومیدان ته راتلی شی . مګر تاریخی او تعلیمی آثار د حکومتونو او پاچهانو د تشویق ، زور ، کومک نه په غیر تعمیم نشی موندی .

ژبی د حکومتونو پواسطه رسمی کېږی او عمومیت مومی . فارسی په غزنوی دلبار کېن دې حده رارسېدلی ده - اردو دهند د مغلو په وخت کېن پالل شوی او روزل شوی ده ، صرف یوه پښتوده چه په یو څارق العاده صورت ګی دنورو ژبو په مینځ کېن لځان ټینګ کړی اوساتلی دی . اوسره ددې چه د پخوانو حکومتونو له خوا ورته زیاته توجه نه ده شوې ، بیایي هم په هر قسمت کېن ډېر آثار پیدا کړی دی ، اوڅه نه څه ذخیره پکېن موجوده ده . په شر کېن مهم قسمت تاریخی برخه ده د پښتو په دې برخه کېن زیات آثار لیکل شوی دی . مګر متاسفانه چه د دغه آثارو زیاته برخه د زمانې دلاسه ورکه شوې او برباده شوې ده ، اومونږته ګی بی له تشو نوموڅخه بل څه نه دی رارسېدلی . دغسی تاریخی کتابونه چه مونږته ګی تش نومونه رارسېدلی دی دادی :

۱- لمړی تاریخ چه په پښتو کېن لیکل شوی دی . د «شیخ ملی» د فتردی شیخ ملی د پښتون قوم یو سردار اومشرؤ ، وائی چه (۲) په (۸۱۰ هـ) کېن پښتانه د شیخ ملی اوشیخ احمد په قیادت کېن د ننگرهار څخه پېښور ته تللی دی . دلته ګی دنورو قومونو سره جنگونه کړی دی او د فتوحاتو سر ګی سوات ته رسېدلی دی- ده د خپلو فتوحاتو تاریخ په خپله لیکلی دی ، اودملکونو دودیش ذکر ګی پکېن هم کړی دی . (مارګن سټیرن) لیکي . (چه دراوړتی له ایکنو څخه معلومېږی چه شیخ ملی د پښتنو د طوافتو او خپلو فتوحاتو تاریخ په ۱۴۱۷ هـ یعنی (۵۲۴) کاله پخوا لیکلی دی .

(۱) راوړتی

(۲) تاریخ مرصع .

اودا کتاب ده لیدلی دی) اخون دروېزه، تاریخ مرصع، اونور مورخین هم ددې کتاب ذکر کوی . مگر اوس یېځی وړک دی او هیچیر ته یې پته نشته .

۲- بل دخان کجورانې زی کتاب دی . « خان کجو » هم د پښتنو د قبایلو سردار و، اود شیخ ملی نه وروسته د قام په سرداری- تا کتل شوی و . ده هم دخپل قام تاریخ لیکلی دی . (راورتي) ددې کتاب نوم اخستی دی . وایي چه دا کتاب خان کجو رانی زی په ۱۴۹۴ ع یعنی (۱۴۴۷) کاله پخوا لیکلی دی . ددې کتاب متعلق څه نور معلومات پلاس نشته .

۳- دریم دخوشحال خان تاریخ دی . راورتي لیکي چه خوشحال خان د پښتنو تاریخ لیکلی دی مگر فعلاً ډېر نایاب دی . اونه پیدا کیږي .

۴- تذکرة الملوك : دا کتاب د سدوزایانو په وخت کښ په پښتو لیکل شوی دی .

سدوزایانو د کورنۍ حالات بیانوي . مستر راورتي لیکي : (دا کتاب ډېر نایاب دی صرف لخوا لاس ته گئی یوه نسخه راغلې ده . دا کتاب اته جلد او (۶۴۷) صفحې دی . دوه برخې واقعات ئي هغه دي : چه دا احمد شاه بابا نه وروسته پېښ شوی دی) په هر صورت دا کتاب د پښتو یو ډېر مهم اوقیعتی اثر دی مگر متأسفانه چه مونږ ئي د لیدلو نه محروم یو اونا معلوم دی . اخون دروېزه هم په مخزن کښ څه لږ ډېر تاریخي حالات بیان کړي دي مگر دهغه کتاب په عام لحاظ یو مذهبي کتاب گڼل کیږي . پرته لدې څخه احتمال لری چه نور به هم ډېر د پښتو تاریخي کتابونه وی چه مونږ ته به ئي نوم هم نه وی رارسیدلی . کوم تاریخي کتابونه چه مونږ ئي پیدا کیدی شي دادی :

۵- تاریخ مرصع : د پښتو یو زبر دست تاریخي کتاب چه زیات شهرت اونوم لری تاریخ مرصع

دی . تاریخ مرصع د پښتنو یو لوی تاریخ دی چه دخټکو د کورنۍ یو روښان ستوری محمد افضل خان لیکلی دی . دا کتاب د معنی اولفظ دواړو په لحاظ د پښتو د تاریخي ټول یو خوږ اولوړ کتاب دی اویه تر کښ د افضل خان تاریخي شاهکار گڼل کیږي . دا کتاب هم مکمل نه پیدا کیږي صرف انگریزانو ئي یو خوبابونه په « گلشن روه » او « کلید افغانی » کښ چاپ کړي دي . افضل خان داشرف خان هجری زوی اود خوشحال خان نمسی دی . دی تر (۱۱۸۳ هـ) پوری ژوندی و . خپل زیات آثار ئي د (۱۱۰۰) نه راپدې خوا لیکلي دي افضل خان دخټکو د کورنۍ یو پیاوړی ادیب او په تېره په ټول کښ د پوره اقتدار خاوند دی . اگر چه خوشحال او عبد القادر هم د پښتو د ټول په تحول کښ پوره برخه اخستی ده . مگر افضل خان دخټکو د ټول د میدان پهلوان گڼل کیږي . په دې وخت کښ د پښتو ټول ساده او خوږ شوی او د شعر د رنگ نه راوتلی دی . په دې وخت کښ ټول حقیقي رنگ پیدا کړی دی . دخټکو د کورنۍ عصر ته مونږ د پښتو د ټول دویم دورواو . په دې وخت کښ د پښتو ټول دا خون دروېزه د سبک نه را اوښتی دی او یو بل مستقل سبک میدان ته راوتی دی . دخټکو د کورنۍ

په وخت کښ څر ننگ چه د پښتو شعر ښه ترفی کړې ده دار ننگ د پښتو تر هم یو پوره تکامل موندلی دی. د معنی او موضوعاتو په لحاظ هم د تر لمن ډېره اړته شوې ده. تاریخی قصصی، داسی نور نور موضوعات او مطالب پکښ داخل شوی دی. او د سبک او اسلوب په لحاظ پکښ هم پوره اصطلاحات شوی دی. په دې کورنۍ کښ خو شحال، عبد القادر افضل خان، درې واده تر لیکونکي دی. مگر افضل خان پکښ د زیات حق خاوند دی. اوس ئی د تاریخ مرصع یوه نمونه وگورئ:

### راتلل دغوریه خیلو له قندهاره

نمونه: (نقل کاچه په یوه سبب یاد هزاره وله میر څی تنگ شول، یادمنل له بدۍ د قندهار له ملکه متفرقه تپه تپه راروانې وی. په کابل په ننگهارئی مکان و نیو. چه جمعیت ئی وشه، خانه کوچ پښاور لره راغله په پښاور باندې د لازاک و و، مناقشه ئی سره وشوه. د سلطان پورۍ په کلی چه اوس ئی هم عالم د جنگ وری بولی جنگ سره وکړ. دلایا کوشکست ییاموند څه په تیغ مړه شول بعضی ډېر عالم د هزار خانۍ نالې غرق کړل، چه تیزندی کسندئ بولی. د جنگ په وخت یوه پر چه داور را ښکاره شوه، باران پر سرحد د نالې وشه. ناله راغله، او که نه خپل قوت داوېو د هغې نالی نشته هسی نقل کاچه هغه زمان باران په هیڅ لحای نه و، مگر په سرحد د هغې نالی سبحان الله - فتح له جانب دده او مددله جانب دده، و یلی دی حق تعالی (و مارمیت اذ رمیت ولکن الله رمی) د لازاک له پښاوره بی پایه شول، بیاد یوسف زیو تر سیند پورې شول په لنگر کوټ په سمه په کلیانۍ ئی وادول. یو مدت په داتیر شه، بیاد یوسف زود دلایا کوسره میر څی شوه یوسف زی په درست خشی وگر محبده ورسره ئی مل کړ، نقل دی له اخون در و یزه چه ددلایا کو په هغه آوان په میره د لنگر کوټ استو گه وه، او یوسف زو په اشغروه او په داسې چه دلایا کو د لنگر کوټ گر د نواحی سره نیولی و و چه به د یوسف زو مال مواشی میرې ته په چرا گاه ور غل تاخت و تاراج به ئی کړ. که څوک به ئی په سود په سودا ورغی هم ئی آزاراوه - همیشه به ددلایا کو دلاسه په تنگ وو. ملک احمد مصلحت وکړ چه بویه رجوع و خشی ته وکړ واخلخ)

خصوصیات: داثر د خټکو د کورنۍ او د هغه وخت یعنی د دویم دور غوره اثر دی. مطالب ئی تاریخی دی عبارات، جملی او ترا کیب ئی ساده او عام فهم دی. مشکل او

نامانوس لغات پکښ نه لیدل کیږي ، او مطلب ترې ښه فهمیدی شی . وړې او لنډې جملې استعمالوی نوڅکه د عاطف استعمال هم پکښ کم دی . اگر چه په دی نثر کښ د پښتو د اسلوب رنگ غالب دی مگر سره ددې هم د هغه وخت د طبعي اثر په وجه ځینې عربي ، او فارسي لغات لکه ( مناقشه ، چرا گاه ) پکښ استعمال شوی دی . ځینې ترکیبونه لکه فارسي ترکیبونو ته نږدې دی مضاف له مضاف الیه نه څکښ استعمالوی ، او داسې نور او نور لکه : ( باران ، په سرحد د نالي وشه )

## ۶- دا عثم کوفی تاریخ :

دافضل خان خټک یو بل تاریخي کتاب دا عثم کوفی تاریخ دی . چه ده په پښتو ترجمه کړې دی مگر دانه ده ښکاره چه دا ترجمه له اصلی عربي څخه ده او که له فارسي څخه یادی هیوزا نگر یزد « کلید افغانی » په مقدمه کښ ددی کتاب ذکر کوی . ددی کتاب نمونه پلاس رانقله البته ددی کتاب د نثر سبک او اسلوب به هم د « تاریخ مرصع » پشان وی .

## ۷- تاریخ د سلطان محمود غزنوی :

دا تاریخ مولوی احمد (منشی احمد) په (۱۲۸۹ هـ) کښ له « تاریخ فرشتی » نه ترجمه کړې دی منشی احمد د پښتور د « تنگي » دی . د (۱۳۰۰ هـ) په شا وخوا کښ د پښتو یو زېر دست نثر لیکونکي گڼل کیږي . دی د پښتو په نثر کښ زیات آثار او تالیفات لري . دده عصر ته مونږ د پښتو د نثر دریم دور وایو . په دې دور کښ د پښتو نثر ښه پالل شوی دی ، او ډېر کتنا پوره پکښ میدان ته راوتی دی . قصصی آثار زیات شوی دی ، فکاهی ، ظرافتي موضوعات مینځ ته راغلی دی . په دې دور کښ د پښتو نثر په هره خوا کښ پوره تحول او تطور کړی ، او خوږ اوساده شوی دی . ددې نوی سبک موسس منشی احمد جان دی . ده د پښتو نثر ډېر مقبول کړی ، اورنگین کړی دی ، ددې وخت په نثر کښ د بلې ژبې رنگ او اثر زیات نه لیدل کیږي . که څه هم د منشی احمد ددې لومړني اثر په نثر کښ پوره تغیر او تحول نه دی شوی ، او ددې اثر سبک د تاریخ مرصع سبک ته قریب اونږدې دی . مگر دده نور آثار چه ددې کتاب څخه ورسته لیکل شوی دی بالکل د پښتو په یونوی او مستقل سبک دی . نوڅکه ده ته مونږ ددې سبک موسس وایو او د دریم دور په ادبي تحول او تطور کښ ده ته د تقدم حق ورکو و .

نمونه : ( جمع کونکو د تاریخو نوبه مبارک کولمونسره په پاڼو د تصنیفونو خپلو )

هسی لیکلی دی چه سلطان محمود غزنوی یو باد شاه وچه نیک بختی د دنیا او د دین لوی نصیب شوې وه او د عدل او انصاف شور لوی په هر لور خور شوی و- او په کار د غزا کښ لوی ښانونه د اسلام و درولی وو ، او بیخونه د ظالمانو لوی و کښلی وو -

چه به جنگ له روان شه تابه ویل چه گوندی سیلاب دی چه په لوږه اوژوره برابر بهیږی - اوچه په تخت به کښېناست نودسری به گمان وشه چه هډو نوردی چه رنهای به خاص و عام لیکیزې . مگر په بعضی کتابونو کښ لیدل شوی دی چه دغه باد شاه ډېر بخیل و، لیکن نسبت د بخل هغه بادشاه معتبر ته له انصافه نه بهر معلو میږی . لځکه چه دومره ملکونه لاندې کول او عالمان او شاعران به مجلس کښ کښېنول بغیر له دنیا ورکولو او مال ښلو نه برابر یږی - اودا ظاهره خبره ده چه بی له مقررې وظیفې نه خلور لکه روپی به ئی لایقو لایقو خلکو ته بخیلی - او قسم قسم مهر بانگی به ئی کولې اوفایدې به ئی هر چاته رسولې . هان دادوه خیزه که د بادشاه د بدنامۍ سبب وی نو به وی یوزده بداوی د فردوسی شاعر سره کول بل په آخر عمر کښ زړه خلقوا خستل )

خصوصیات : د اثر په ساده گۍ او روانۍ کښ د تاریخ مرصع پشان دی . مشکل اوناها نوس لغات نه استعمالوی ، مگر د فارسی رنگ یکښ معلو میږی او بل فرق دادی چه دلته روا بط او حروف عاطفه نسبت تاریخ مرصع ته زیات استعما لیزې او جملې ئی هم نسبتاً اوږدې دی .

## ۸ - تاریخ افغانستان :

دا اثر هم دمنشی احمد جان دی . د سلطان محمود د تاریخ څخه ډېره موده وروسته لیکل شوی دی . د (میلسون) انگریز د تاریخ ترجمه ده - ددې کتاب څخه دده زبردست اقتدار معلو میږی . په دې کتاب کښ د ترجمی رنگ نشته - په ډېره ، ساده روانه سلیسه او خوږه پښتو لیکل شوی دی . دا کتاب د طبعی یا جغرافیوی تاریخ برخه هم لری، په پښتو کښ دا لمړی اثر دی چه طبعی او جغرافیوی تاریخ پکښ داخل شوی دی .

## ( دغلزو بادشاهی )

نمونه : (ددې مراد ترسره کېدو په دویمه ورځ میر واعظ (میریس) د قند هار خلک راغونډ کړل . او یو تقریر ئی وکړ . هغه ووي چه زه په خپل ایمان وایم چه محما مطلب ستاسو آزادول دی . او آزادی یو داسی بی بهاشی دی چه دې دپاره دا سازشونه اوجنگونه روا وو . گور مگین خان د ایران تورزن او بیمثل شپاهی دمیځه وووت - اوس قند هار ته چه ددې طاقتور مغل ئی همیشه په بهادری سره مقابله کړې ده ، د هغو فوځو نوورستو کول څه گران نه دی؛ چه د اصفهان د اجراگانو په (کمان) کښ دی . آخر هغه خپل تقریر په داسی الفاظو باندې خلاص کړ؛ چه د وطن دیو خواخوږی دخولۍ سره مناسب اود آزادو لخوا نمردانو داروېدو لایق و . هغه دا ووي « که چیرې په تاسو کښ



داسی څوک وی چه هغه ددې آزادی په مزو باندې چه تاسو ته له اسمانه راغلې ده ؛ زړورتیا نشی کولی یعنی په دې آزادی باندې خوشحال نه وی نو هغه دې په دکه خوله وواځی هیڅوک به ورباندې څه غرض ونکړی ، هغه بیشکه ددې خوشحال ریاست له پولی نه باهر چرته دنوی ظالم بادشاه په تکل تلی شی « ټولې جمعی ورسره خواخوږی وکړه - هر یو ددې خپلې نوی آزادی - حفاظت ته تېری ناست و . )

تبصره : په عام طور دمنشی احمد شر ته مونږ کامیاب اود دریم دور غوره شر وایو . مگر لکه چه دنجې موهم وویل دده دشر اصلی تحول اوتطور ددې کتاب څخه شروع کېږی ددې کتاب عبارات او الفاظ ساده ، خواږه او عام فهم دی . دعاظف استعمال ډېر نشته مگر داوړدو جملو استعمال پکښ لیدل کېږی دمنشی احمد په دې شر کښ نوی شی دادی چه انگر یزی لغات پکښ رانوتی دی . مثلاً په دې پورته نمونه کښ ( کمان ) انگر یزی لفظ دی په دې وخت کښ یو څو داچه دانگر یزانو سیاسی او حکومتی اقتدار په وطن کښ غالب ، اوبل دا کتاب په خپله دانگر یزی څخه ترجمه ده نو ضرور بالضرور به دانگر یزی رنگه پرې لو بدلی وی . په دې شر کښ دپښتو خوږې محاورې استعمال یزی اود پښتو شر ته د ادب چاشنی هم ورکړ شوې ده ادبی عبارات منځ ته راوتی دی . اوشه اصطلاحات په ژبه کښ داخل شوی دی .

### قصصی

دشر یوه بله مهمه برخه قصص اوروايات دی . دافصص اوافسانې اکثره اختراعی وی . دنجو اخلاقی مطالبو دتفهیم او تعلیم اویادنورو اغراضو دپاره جوړېږی . اولحنی پکښ واقعی او اصلی هم وی . قصې او افسانې دیوقوم اووطن ملی مال دی . هر قوم او ملت دغسی ملی افسانې لری . په پښتو کښ هم داملی ذخیره اویانگه ډېره ده په تېره ، حماسی ، عشقی ، د دوو مینو قصې په پښتو کښ زیاتې موجودې دی . مگر دې نقلو نو اکثره تجریری شکل نه دی پیدا کړی . اودیاد داشت په صورت دخلکو په خواو جاری دی . علاوه دپښتو دقصو او افسانو زیاته لیکلی شوې برخه په نظم ده . په دی سلسله کښ زیاتې ترجمې هم شوی دی یعنی دفارسی او عربی نه دغسی قصصی کتابونه پښتو شوی دی په پښتو کښ چه څومره قصصی آثار موجودی لاندی بیانېږی :

۱- عیار دانش : دا دخوشحال خټک د « انوار سہیلی » دپښتو ترجمه ده . راوړتې په خپل پښتو گرامر کښ ددې کتاب څخه څو وږې وږې نمونی راوړی دی . دخوشحال خان کو م

د گمرک مدیر	: ص ، نظر محمد خان
د حمل و نقل مدیر	: » ، دوست محمد خان
د فواید عامی	: . . . .
د طلا د خریداری مدیر	: ص محمد صدیق خان
د معدن مدیر	: » ، عبد الخالق خان
د خارجه مامور کفیل	: » ، عبد الله خان
د استخباراتو مامور	: » ، عبد العليم خان
د صحنه سیار	: » ، محمد طاهر خان
د آژانس	: » ، غلام حضرت خان

### دمشرقی ولایت

دنائب الحکومه وکیل	: و ، ج ، عبدالحکیم خان
اعلی سرشته دار	: ع ، ص ، محمدحسین خان
دیولیسو اوژاندرمي قوماندان	: ح ، محمدجان خان
دمرافعي دمحکمې قاضی	: ف ، عبد الله خان
دابتدائي قاضی	: » ، محمداسحق خان
د گمرک مدیر	: ص ، محمود خان
دخارجہ	: » ، محمداختر خان
داستخباراتو	: » ، محمدصدیق خان
دفوایدعامي	: » ، غلام حیدر خان
دقبائلو	: » ، حبیب الله خان
دمطبوعاتو	: » ، قیام الدینخان « خادم »
د روغتیا	: » ، دکتور محمد شریف خان
دتحریراتو	: » ، عبدالرزاق خان
دمعارف	: » ، عبدالمحمد خان
دمطبوعاتو معاون ( دپښتود کورسو	
اود آژانس مامور)	: » ، غلام حبیب خان
داحصائي مدیر	: » ، ضیاء الدینخان
دکرهڼی	: » ، . . . .

بل تر لمونږ لاس ته نه دی راغلی - هر کله چه دی په خپل نوم دشر آثار هم لری نو ویلو شو چه خوشحال څرنگ چه دنظم دیولور مکتب مؤسس دی . اودپښتو دنظم اوشعر دنیائی ډېره ښایسته اورنگینه کړې ده ؛ دارنگه دپښتو دشر ددویم دور مؤسس هم دی بلل کیږی . ده دپښتو ادب تر اونظم دواړو خواوته پوره تحول اورشد ورکړی دی . اودادواړه فنونه ئی دپخوانی رنگ نهوځکلی دی ، اودادب نوی دورئ شروع کړی دی . ده دپښتو په شرکې نوی اسلوب اوسبک راوځکلی دی ، اوداخون درويزه ، اوروشانیانو دشر (نیم مصنوعی) سبک ئی دشر په یومقبول اواصلی سبک بدل کړی دی . دخټکو دتولی کورنی تر دده په سبک ښادی هو ! دا سبک دده نه وروسته افضل خان او عبدالقادر تکمیل کړی دی . اوبه ښه آثار ئی پکښ لیکلی دی ، مگر دی پکښ دتقدم حق لری .

( ۱ )

نمونه : ( یوه ورځ دباغ څښتن ناست و په تماشا د گلونو ، بلبه ئی ولیده چه مخ به ئی په پانهو دگل مین - اوپه فریاد فریاد به ئی پرې ناری وهلی . ورق زرنکار دگل به ئی په مینو که یوتربله جدا کواوه -

( ۲ )

هم دتقدیر لاس وړاندې دسترگو د عقل لحما پرده دغفلت اچولې ، اولرې کتونه هښیاری لحما په تورې پردې دنابوهی اوندانې کښ ولاده . اومونږه یوخل په منگلې دبلا او ارمان کښ ونښتو .

( ۳ )

قول چه دې له ماسره کړی و ، اوس دې رضا ده چه مات ئی کړی . زه یوهېدم چه په نن زمانه وفاهغه داروده چه په دکان کښ دعطار روزگار موندنه شی .

( ۴ )

. چه وقت دصبحدم شه ، په پرواز راغله مترد د په مصلحت کښ چه څه کړم یبارته مخم که په عزم جزم چه وتلی یم طریق دسیل دتماشا واخلم -

( ۵ )

هغه چه په مینځ کښ لځای نیولی اوپښې دهنویه شهتو کښ نښتی وې او چه ئی وغوښت چه والوزی ، وزرونه ئی په شتهو کښ ککړ شویه دام دمرگ کښ پر بوتل -

( ۶ )

بادشاه ووی چه په دی حکم کښ له مانه خطاوشوه ، اوخبره په حال دقهر کښ لحما له خولی وختله ، ولی باید دی چه تا په هغه چاری کښ دغه رنگ تامل په لځای راوورچه لایق دحال دناصحانووی .

تبصره : ددې يو څو جملو څخه معلومېږي چه د پښتو نثر د خوشحال خان په وخت كېن څه لږه اصلاح موندلې ، او لكه چه مخكېن موهم و ويل په دې وخت كېن د پښتو نثر يو نوی سبك پيدا كړی دی دې دوره موندنې د پښتو نثر دويم دور ، اود خټكو د كورنۍ سبك ؤايو ، د خوشحال نثر د افضل خان د نثر په نسبت څه قدر كمزوری معلومېږي . ولی چه د ترجمي رنگ پكېن زيات دی او يونيم لځای بيخي هاغسې فارسي تركيب راوړی لكه : ( ورق زرنكار ، عطار روزگار ) نور نثر ئی كه څه هم ساده اوروان دی ، مگر دلخو عباراتو څخه ئی مقصد ښه نه څرگندېږي .

۲- گلدسته : داد سعادتي د گلستان پښتو ترجمه ده ، چه عبدالقادر خټك د خوشحال لخواى ترجمه كړی دی . په دې سلسله كېن دادویم اثر شمېرل كېږي . دا كتاب كه څه هم اخلاقي ، اواجتماعي فوايد لري مگر هر كله چه د قصو په شكل كېن ليكل شوی دی نو ځكه مو په دې سلسله كېن راوړو . د عبدالقادر نثر هم په دويمه دوره كېن داخل دی اود خپل پلار خوشحال مقلد ئی بولو . دده نثر نسبت خوشحال ته ښه او بهتر شوی دی خاصي ئی دادی : رابط او غا طف ډېر نه استعمالوی ، صاف عبارات اولنډې جملې راوړي . مقصد ئی واضح او څرگند دی . تراكيب ئی پښتودى ، مگر دى هم د فارسي ترجمي څخه متاثر معلومېږي او لځيني فارسي لغات ئی استعمال كړي دي .

## حكايت

نمونه : ( يو بادشاه په كښتۍ كېن ناست و ، يومري عجمي هم ورسره په خدمت حاضر و . مري كله سيند ليدلى نه و ، د كښتۍ ناسته ئی از مېلې نه وه . ژړا زارى فرياد ئی آغاز كړ ، اندامونه ئی واړه په لرزه شول . كه هر څو مهرباني دلا سائى كوله آرام ئی نه كېده د بادشاه طبيعت ورنځنى برهم شه له علاجه ئی عاجز يو حكيم په هغه بېړۍ كېن ناست و عرض ئی وكړ كه حكيم وشي زه ئی خاموش كړم . بادشاه ووي ډېر منت به دې راباندې بار شي . حكيم حكم و كه چه مري سيند ته واچوى ! خو غوټى چه و خوړلې ، ترو پښتو ئی ونيوه ، بېړۍ ته ئی راواچاوه په لاس ئی بېړۍ كلكه ونيوه . په گوبڼه كښينا ست ، آرام ئی ونيو . بادشاه تعجب وكړ ، وئى فرمايل چه په دا كېن څه حكمت و ؟ حكيم عرض وكړ چه ده محنت د سيند د غرقېدلو ليدلى نه و . داد بېړۍ ناسته ده ته زحمت و هم هسې رنگ قدر د عافيت هغه څخه وى چه په مصيبت گرفتار شى . )

## ۳ - علم خانه دا نش :

دا د ابوالفضل د ( كليلي او دمنى ) پښتو ترجمه ده . دا اثر افضل خان خټك د تار يخ

مرصع مصنف په (۱۱۲۸) هـ کښ ترجمه کړی دی. او د «علم خانه دانش» نوم لري پرې ایښی دی. د پښتو په شر کښ دافضل خان خټک دا دریم اثر دی؛ د دې کتاب دشر سبک، نگارش، طرز تحریر؛ د «گلدستی» په شان دی. او د خوشحال دشر په ادبی مکتب کښ شاملېږي. د عبدالقادر پشان لنډې جملې استعمالوی او درابط او عاضف استعمال پکښ کم دی. دافضل خان دشر خصوصیات مخکښ د تاریخ مرصع په برخه کښ ذکر شول. البته په عام لحاظ، یعنی داسلوب، طرز نگارش، او دور، په لحاظ به ددواړو په مینځ کښ څه زیات فرق موجود نه وي. صرف دو مړه خبره ده چه دا ترجمه ده او هغه تالیف دی. نو د ترجمې اثر به پکښ خاخوا موجود وی لکه فارسي لغات (شکاف؛ چوب) چه پکښ استعمال شوی دی. پرته لدې خبرې نوره ترجمه، ساده، صافه او خوږه ده. او دهغه وخت یو ښه شر کښلی کښی.

نمونه: (راودی ئی دی چه یوه ییزو وه تر کانی ئی ولید چه لرگی ئی پر یکاوه دوه میخه ورڅخه وویومیخ به ئی په هغه لرگی کښ ټک واهه. تر یوه لځایه به شکاف وشه، ییابه ئی هغه ایرې کړ، بل میخ به ئی پرې ټک واهه، په دارنگ ئی چاوه. هغه تر کانی چه کارته پاخیدلاد، ییزو راغله په هغه چوب کښناسته بریکاره ئی دواړه خانی ئی دلرگی په شکاف ننوتې. اول میخ ئی وکښ چه بل ټک وهم. دواړه خانی ئی محکمې په هغه لرگی کښ ونښتی ییزو په ژدا شوه دانی ووی؛

په جهان کښ بهتر دادی چه هر څوک دې خپل خپل کار کا  
هر سړی چه خپل کار نکا لځان به ما غوندې زرڅوار کا  
لځما کار میوه ټولول دی، نه اړه څکول. هنر لځما دڅنگل تما شاد د  
نمبر تیشه. ناگاه تر کانی راغی هو مېره ئی ووهله چه هلاکه شوه. دامثال می لځکه  
ووی چه دروز گری کار دیزونه دی. او دا حکایت می لځکه را وود چه هر چاته  
خپل کاریکار دی. قدم دخپلی اندازې دې نه وباسی)

#### ۴- آدم خان درخانی:

یو بل قصصی اثر چه لځمونږ گو ټوله راغلی دی دآدم اودرخو قصه ده دافصه (مسعود) نامی دپشتویه تریلیکلی ده. مسعود دعبده الله لځوی اودښه قلم خاوندو، په (پښتانه شعر ۱) کښ دده سوانح بیان شوی دی.

دمسعود دژوند وخت نه دی معلوم. مگر دومره معلومیږي چه دآدم خان له عصره یعنی (۱۰۰۰) هـ وروسته اوسېده.

دمسعود دشر دڅټکو دشر سبک ته نژدی دی اوددې مکتب تابع اومقلد معلومیږي په دې

لحاظ ده ته هم ددويم دور تر ليکونکي وايو . غالبه داده چې مسعود داقصه دافضل خان دوخت نه وروسته ليکلې ده . اوده چه کوم وخت داقصه ليکله نودخټکودنثر ادبي مکتب بڼه څرگند شوی اومشهور شوی و ، اودی ترې مستفيد شوی دی . مسعود هم ددې دور د نثر پشان ( عاری ) نثرواڼی لنډې جملې استعمالوی . يونيم لځای فارسی لغات هم زاوړی . اما عبارات ښې پوره پوخوالی نه لری .

نمونه : ( په پيش زمانه کښ په يوسف زو کښ يوځوان پيداشوچه آدم خان

نوماندو - دحسن خان لځوی و ، او يوه ښځه پيدا شوه چه درځو نو ماند . وه دطاؤس خان لور وه . دانور پسی له سره نقل کوم چه آدم اودرځو ديو فقير له گفټ پيداشو بعد له هغه - حسن خان نوزويه نه درلود . يوفقير راغی نره غي وکړه ، حسن خان وويل په دادرېو فقيرانو دې بلا گڼه شې چه خير اتونه صدقې وړې اودعا نه کوی پس دې فقير وويل چه څه دعا غواړې ؟ - ده وويل چه لځوی نه لرم . دې فقير يوه پځه خر ما دوه اومي خر ما ورله ورکړې . چه واخله دا يوه خر ما پځه ده وځي خوره دادوه اومي دی وځي غورځوه بخت دې خپل دی . يو لځوی به دې پيداشي دوه بي خدمت گاران وی او اوه غويان به هر کال په نام دالله خير اتوې - دا ووييړانو مرتبه لری - دا فقير لځنی لاند يوه خر ماني وخوړه ، دوه وځي وغورځولی . بعد له يوه کال لځوی ځي پيداشوچه دحسن سياری نه درلود . نوم ځي آدم خان پرې کښېښود ( الخ )

۵- گنج پښتو : دقصو اوودو وړو حکايتونو مجموعه ده . ددې اثر مصنف منشی احمد جان

دی دا کتاب هم لکه ( تاريخ فرشته ) دده دپخوانو کتابونو څخه حساسيزی . نو په دې لحاظ دده دنثر دتحول اوتجدد نوی رنگ ته په دې اثر کښ پوره نه معلوميزی . « گنج پښتو » که څه هم دقصو يو کتاب دی مگر لځما په خيال چه داپه تعليمی لحاظ يعنی دپښتو دزده کونکو دپاره ليکل شوی دی ؛ نو په دې لحاظ يو تعليمی اثر ورته هم ويلی شو - ددې کتاب سبک او اسلوب د ( تاريخ فرشته ) دسبک پشان دی .

نمونه : ( دبخیل سړی هم مال زیاتيزی اوهم ځي غم زیاتيزی . يعنی دوه تاوانه

ورته پښيزی لکه يوبخیل سړی و چه ډوډۍ ځي دشاتو سره خوړله نا گهانه په کوڅه کښ چا مېلمه ورته آواز کړ ، ده په تلوار سره هغه ډوډۍ لیری کړله او چه شات ځي لیری کول مېلمه پرې ورغی شات ځي لیری نکړی شول - لیکن دبخیل گمان داوچه دی به يواځي شات نه خوری نو ورته ځي ويل چه خوره کڼه که شاتو ته دې مينه کيزی ، مېلمه و ويل چه ښه ده شات خوډېر ښه څيز دی ولی به ځي نه خورم . جوړلاس ځي پوری کړ شات ځي خپل چه څه قدر ځي وختل نوهغه بخیل ته ځي وويل چه بی شانه ښه خوند لری بخیل و ويل چه

رښتیا دی مزه غی شته ، خو ډېر غی مه خوره ، دسړی زده سیزی مېلمه ویل چه نی شکه  
ډېر ښه وائي زده سیزی لیکن ستازده سیزی - ۱۱)

(له گنج پښتو څخه)

دمنشی احمد دوه نور آثار چه دده دنوی سېک پوره نماینده گی کوی اودده تری په یونوی  
خوږ ادبی اثر معرفي کوی دادی :

۶- دقصه خانۍ گپ : ددې کتاب تر په ټوله معنی دپښتو یو خوږ ، مقبول اثر دی . او دپښتو  
دثر ددریم دور غوره اثر گڼل کېږی . دا کتاب منشی احمد په وروستنو وختونو کښ جوړ کړی  
دی . منشی احمد جان ته مونږ دپښتو دثر ددریم دور ، اود یو مخصوص سېک ، واسلوب مو سس  
ویلی دی . ده دپښتو تر دېخوانی اوزاده سېک څخه رااډولی دی . په دې وخت کښ دپښتو تر  
خیل حقیقی مفهوم ته نژدې شوی دی . علاوه په دې وخت کښ دمطالبو اوموضوعاتو په لحاظ هم  
دثر دایره ډېره وسیعه او پراخه شوې ده . ښه ښه موضوعات میدان ته راغلې دی . ښه آثار  
لیکلی شوی دی اودپښتو دثر دپاره ښه خدمتونه شوی دی . دادور د(۱۳۰۰ هجری) سن څخه  
راپدی خوا شروع کېږی . ددې سېک پیروان ډېر دی ، اوداسېک تراوسه پورې چلیږی البته  
څه معمولی تغیر که موجود وی نو وی به -

۷- هغه دغه : داهم دمنشی احمد جان دورستنو وختو کتاب دی دپښتو دثر تجول پکښ پوره  
لیدل کېږی . دا کتاب دضرورت اوفایدی په لحاظ یو تعلیمی ، او دپښتو دزده کړې دپاره مفید  
اثر دی مگر دمطالبو په لحاظ په قصصی سلسله کښ شاملېږی .

## آدم در خانۍ

نمونه : (در خانۍ په سوات کښ دبری بازدری دیو طاؤس خان نومی پښتون لوروه  
اودیا یاو خان نومی یو پښتون هلك چنگله وه . یوه ورځ د در خانۍ دتور د لور واده و  
په هغی کښ غی دکوزی بازدری یو آدم خان نومی خاثراده باندې سترگی خوږې  
شوې «پله دواړه لاسه خپږی» هغه هم پرې زده بایلود . دې اور داسې لمبه وکړه  
چه دواړه خلاصېدو اودمېلمنو درختېدونو پس دواړو په لاره کښ هر ورو یو بل ته په  
غلاغلا کتل ، ماسخوتن په حجره کښ چه آدم خان یوه گوته رباب ووهلو نویو سوره  
اسویلی غی وکړ او میرو بلو خپلو خوږ ویاړانوته غی دزده حال ووي . دهغه دایر اډو  
چه په دې شپه د آشنا دیدن ته لاړی .

پر دو کورونو ته تلل «دخالصی دل نه و» ولی میرو بلوهم ورته حلال کړی چر گان و  
سمدستی غی ملاوتپ له اوشپه په شپه بری بازدرې ته لاړل ، بلو غی چر ته د خو کی دپاره

ودرولو اودوی دواړه د درخاني کورته ورغلل . میرو ورته وډومې روگودر صحیح کړی و آدم خان د آشنا کټه ورسید . درخوتار په تار په پالنگ اوده پرته وه . څنگزنی سپوږمۍ اویونیم ستوری ئی په غلاغلا دیدن کولو . ده یو ساعت په غټو ستر گو کتل چه ښه زور زیر ئی وویست نوورو غوندی ئی دپښې کټه گوته ترینه ونيوه او وینه ئی کړه چه در خوستر گې و غړولې نو هغه بشره ورته ولاړه وه ، چه دچا په خیال کښ او ده شوې وه حیرانه شوه چه دا خوب دی که وینه خوخله ئی سترگی و منلی ، او بیائی و غړولې چه ښه یقین ئی را غی ، نو پا خیده ، او ورتر غاړه وټه - غوړ کښ ئی ورته ډېر ډېر هر کلی وکړ او بیائی د خپلی مینې د فتر ورته پر انست - په خلکولویه شپه تېره شوه او په دوی دستر گورپ و . میرو شپیلی وواهه ، مطلب ئی دا چه چرگانو با نگو هووي - ملایا نواخ توخ جوړ کړه سی نه چه شرمینگی جوړه شی او داوښ په شاموسی ونه خوری - آدم در خانی داو ښکو ډکی سترگی یو بل نه جدا شول . الخ ) ( له قصه خانی کپ څخه )

تبصره : خوازه عبارات ، پریکړی لنډی لنډی جملې ښه ادا ، سلاست او روانی د لغاتو سو چه والی ، دمتلونو ، امثاو ، اصطلاحاتو ، محاورو استعمال ددی نثر مهم خصوصیات دی . ددی نثر زیات خوړ والی د متلونو او اصطلاحاتو استعمال ته راجع دی په دی نثر کښ دبلې ژبی رنگ هېڅ نشته - دپښتو سوچه ، اواخالص نثر گڼل کیږی . ددی نثر عبارات ساده او آسان دی . او د پښتو یو روان او سلیس نثر ورته ویلی شی . دا نثر دروز مره محاورې سره موافق او برابر دی . څه قدر ادبی رنگ ئی هم پیدا کړی دی روابط او حروف عواطف پکښ کم استعمالیږی دا نثر د فصاحت او بلاغت نه ډک د پښتو یو خوړاو مکمل نثر دی . او په ادبی اصطلاح کښ ورته «مرسل» نثر وائی .

### تعلیمی

د نثر یوه بله مهمه برخه تعلیمی برخه گڼل کیږی . ټول موضوعات او مطالب چه په یوه ژبه کښ داخلېږی . د یو عامل په واسطه وی دځنی موضوعاتو عامل ، شخصی عقاید ، او ذاتی میلان وی ، او ځینی مطالب د حکومتونو په واسطه عمومیت او غلبه پیدا کوی . تعلیمی برخه هم د حکومتونو په توجه میدان ته راوځی مگر هر کله چه پښتوته مخکښ د حکومتونو توجه نه ده شوې ، نو په دی لحاظ په تعلیمی خوا کښ له پخوا څخه د مره نه لری . البته نن پرون چه د موجوده پښتون پالو نکی حکومت له خاورته توجه وشوه ، او پوره پالنه او روز نه ئی کیږی نوامیددی چه په دې سلسله کښ به هم پښتو ډېر ژرخیل نواقص پوره



کړی او یو حد ته به ورسېږي . بیا هم په دې سلسله کېنې چه تر اوسه پورې څه موجود دی لاندې بیانېږي :

## ۱ - معرفت الافغانی :

دا کتاب بیر محمد کاکړ جوړ کړی دی - بیر محمد کاکړ د پښتو یو زبردست شاعر او دیو ښکلی دیوان خاوند دی . دی د احمد شاه بابا معاصر او د شهزاده سلیمان استاذ و (دده ژوندون تر ۱۱۹۷) ه پوری ثابت دی کوم وخت چه احمد شاه بابا وفات شو او شهزاده سلیمان پرتخت کښینا ست . نو بیر محمد د (معرفت الافغانی) په نامه یو کتاب د پښتو د صرف نحو ، لغت او محاورې په باب داعلیحضرت سلیمان حضور ته وړاندی کړ او د هغه له لوری ومنل شو او قدرتی وکړی شو . دا کتاب په افغانستان کېنې د پښتو لمړی صرف نحو بلل کېږي - او گمان کوم چه دا به د پښتو لمړی کتاب وی چه په یو یادشاهی دلبار کېنې غی قبول اونوازش لیدلی وی . اوس ددی کتاب له مقدمې څخه د تر یو څو جملې چه مونږ ته پلاس راغلی دی و گورئ :

نمونه : ( په ښکار پسی عبث عمر ضایع کېږي - ښکار که وکړی باک نشته - ښکار

مباح دی ښکارښه دی کله کله - غم به دې لیری کړی له دله - با زار لره ولاد شه چه پیسه نه لری هغه دې نه غچي - کښت خواری غواډی - د کښت اوس وخت نه دی د کښت وخت لایسې دی - کښت د پر مه کوه واک به دې پری ونه رسیږي اوبه پری وچی شی ، حاصل به دې له لاسه ووغچي . خواری به دې حبطه شی سز کال پرېوانی ده - کاختی دې رب نه راوی - کاختی نشته خدای دې سر د شهزاده صاحب لری چه سر چمسه د جود ده - ورېښم زینت د ښځودی - اوناریته واره خدای ابرسول ناروا کړی دی هم په دغه رنگ سپین زراوسره زرناروادی ، پر هیز دې مردان مسلمان ورغځی ډېر کړی . چیری نه وی چه په اغوستن سره ددوی ځان سز اوارداور کړی . اوکوته په قدر دیوه مقال د سپین زرو که حا کم یا قاضی یا مفتی غی دپاره دمهر د کاغذ په لاس کړی باک غی نشته - تبصره - داثر په تعلیمی مقصد لیکلی شوی دی . نو ځکه ورته تعلیمی اثر وایو - د دې اثر سبک او اسلوب د ځمکوثر ته قریب اونزدې دی . که څه هم څه قدر فرق اوجلاوالی پکښ لیدل کېږي . په دغه وخت کېنې پرته لدې تر څخه دارنگ بل اثر نشته - داثر هر کله چه په تعلیمی غرض لیکلی شوی و ، نو ځکه د هغه وخت دعاموثر نوڅخه غی سبک ، اوطرز جلادی . و دې اوپری کړې جملی استعما لوی ، په هره جمله کېنې بیل بیل مطلب بیا نوی - روا بط هم ډېر نه راوړی - د قافیو اوسجع مراعات هم پکښ نشته ، صرف یوساده ، آسان ، روان ، خوږ مقبول اود هغه وخت ښه تړدی . مطلب واضح او څرگند ادا کوی . خفا اویپیچده گي پکښ نه لیدل کېږي .

په عام لحاظ دشر هم په دويم دور يعنی دختکو په سبک کښ داخليزې مگر په خاص لحاظ ، دانشر يومستقل سبک دی . اولخاندله خصوصيات لری .

## ۲- بهارستان افغانی :

دا کتاب دقاضی میر احمد شاه « رضوانی » دی ( رضوانی ) په پښتو کښ دزياتو تالیفاتو خا وند دی . دا کتاب ده په تعلیمی سلسله کښ دمکتبونو او مدزسو دپاره جوړ کړی دی زیاته برخه ئی انتخابات دی . اوڅه پکښ دده خپل مضامین هم شته . رضوانی دپېښور دا کبر پورې دی د ( ۱۳۰۰ ) هجری په حدود وکښ ژوندی و . رضوانی د عصری علومو فاضل ، اوپه انگریزی هم پوهېده . دده دشر سبک ، اواسلوب دمنشی احمد جان د سبک پشان دی . که څه هم مو نږده ته دمنشی احمد مقلدنه و اوپه مگر بیا هم هر کله چه ددواړو دنگارش طرز نژدی بلکې یودی ، نوڅکه دواړه په یوه سبک کښ شریک گڼو . البته منشی احمد نسبت ده ته دډېر خدمت حق لری ، هغه دپښتو په شر کښ زیات آثار لیکلي دی ، او رضوانی پس له منشی احمد څخه دویم سړی دی چه دپښتو دشر په تحول اوتطور کښ دحق خاوند دی دپښتو دشر دویم دور په دی دو و کسانو قایم او ولاړ دی . او دا دواړه دپښتو دشر د دویم دورستنی دی .

## ۳- شکرستان افغانی :

دادمیر احمد شاه رضوانی دویم اثر دی ؛ چه په تعلیمی سلسله کښ ئی دمکتبونو د نصاب دپاره لیکلی دی . پرته لدې دوا آثارو څخه رضوانی په اردو کښ دپښتو یوصرف ونجو هم لیکلی ده چه ( وافیه ) نومیزې اوپو دپښتو دنظم دیوان هم لری شکرستان هم لیکه دبهارستان زیات انتخابات دی - شر اونظم دواړه لری - اودده خپل شر اونظم پکښ هم شته .

## (دبوډی-غوا)

نمونه : ( یوه بوډی- دڅه کار دپاره چرته بهر ته وتی وه - کور کښ په یوه توره کتوی- کښ داوړو بوس پراته وو- چرته دچا خوشی غوا ورننوتې ده . لوشی ئی بویول کتوی- کښ ئی بوسو دپاره سرمندلی دی ښکر ئی پکښ نښتی دی - کتوی ئی په سر را اوچته کړې ده ، مخ سترگی ئی هم پکښ پتی شوې دی شکوره شوه ، لار ئی نه موند ه دې خواهغه خوا کرو کوره گرځېده . بوډی- چه راغله څه گوری چه کو ته کښ یوخیز او تر لگیدای گرجی ، چه نوره جته ئی دغواده ، اوسر ئی دتورې کتوی په شان دی - پخوانی چری داسی شکل لیدلی نه و - گمان ئی پرې دڅه پیری

یاد بلا وشه - چغی ئی کړی اوقی له راغله ، چه راشه و گوره داڅه آفت رانوتی دی -  
اوقی راغلو - ورته ئی ووی خپه کیزه مه ! خبر به شی - دا بلانه ده غوا ده  
ښکر ئی به کتوی - کښ نښتی دی . لاند چاډه ئی راوړه ، غوا ئی حلاله کړه ، چه کتوی - وپاسی  
کتوی - ونه وته ، نښتی وه - بیاد غوا سر ئی راښکله چه کتوی - تری راوونخی کتوی -  
هم ماته شوه - اوقی اول وژدل بیائی وخنډل - هزاره ووی چه ولی دې وژدل  
اوپه څه دې وخنډل ؟ وئی وې چه ځکه می وژدل چه که چیری زه تاسو کښ نه وم  
نویابه څه کوی - اوومی ځکه خنډل چه زه هم پوه نشوم چه داڅه وشوهم غوارانه  
مرداره شوه هم کتوی - ماته شوه . )

تبصره : داثر هم ددویم دوربڼه اوغوره نثر گڼل کیږی . روان ، اړخوازه عبارات او  
دپښتویه قالب برابر ترا کیب لری . نه پکښ دبلې ژبې لغات شته ، او نه پکښ دبلې ژبې  
دترکیب څه اثر معلومیږی دپښتویه خوږه محاوره موافق ، اوسیه لغات پکښ استعمال شوی دی .  
دمنشی احمد دوروستنوترونوسره اوږه په اوږه اودرېږی . صرف فرق دادی چه هغه امثال  
متلونه ، محاورات ډېر استعمالوی . اودلته تش دپښتوسوچه او خالص لغات اودپښتویه قالب برابر  
عبارات استعمالیږی . په دې شرآ کښ هم لدې کبله چه جملې لنډی لنډی دی او زرزر قطع  
کیږی دروابط او عاطف استعمال کم دی . صرف دمعنی اومضمون په ارتباط اکتفا کیږی .  
داسبک په پښتو کښ خوږ او مقبول سبک دی ، البته ورځ په ورځ پکښ څه اصطلاحات او تغییرات  
پېښیږی اما اساساً اوداصولوپه لحاظ داسبک تراوسه پوری موجود اومقبول دی .

خاتمه : دپخوانی نثر متعلق چه څومره نمونې څمونړ لاس ته راغلې وې هغه داوې چه ذکر  
شوې اودمطالبو په لحاظ پېلې پېلې بیان شوی - دازه نه وایم چه دپښتودنثر آثار او کتابونه  
یادپښتودنثر مطالب اوموضوعات هم داووپه بیان شول بلکه یقینی ده چه پښتو به پرته لدې  
څخه نور آثار هم لری ، اوپه نورو مطالبو اوموضوعاتو کښ به ویل شوی وی ، مگر ځمخا دتبیم اوبلنډی  
ددائری وسعت هم دومره و . گوندې په آینه کښ څوک زیات موفقیت پیدا کړی . اوپه دی  
موضوع کښ ښه تشریحات وکړی . البته په دې مقاله کښ دومره شوی دی چه ، یلو بیلودورو ،  
اوسبکونوته اشاره شوې ده ، اودهغودپاره څه حدود هم تعین شوی دی نو که چیرته یو بل  
اثر هم پیداشی په ډېره آسانی هغه په یوه دوراوسبک کښ داخلیدی شی اولوستونکی ورته  
په خپله یوسبک اودورموندلی اوپیدا کولی شی -



## ددې مقالې مآخذ

د جلال الدین همای

۱- تاریخ ادبیات ایران

- ۲- الایجاز فی تاریخ الادب العرب
- ۳- اردو کی راسالیب بیان دہا کتر محی الدین قادری
- ۴- بہارستان افغانی دقاضی میراحمد شاہ
- ۵- شکرستان افغانی » » »
- ۶- مخزن قلمی داخون درويزہ
- ۷- نافع المسلمین دنور محمد
- ۸- کلید افغانی د ( یادری ہیوز )
- ۹- گلشن روہ د ( راورقی )
- ۱۰- فواید الشریعہ د ( اخوند قاسم )
- ۱۱- المنہل العذب فی تاریخ اللغۃ العربیہ
- ۱۲- پښتانه شعرا
- ۱۳- مقدمہ گرامر راورقی
- ۱۴- د قیام الدین خان خادم مقالہ د ۱۳۱۹ ټہ سالنامہ کتب
- ۱۵- د حبیبی مقالہ د ۱۳۱۹ » » »



دہلہ ڈی رئیس	: ع، ص نیاز محمد خان
دخا براتو مدیر	: ص، غلام نبی خان
دلغمان ددرونتی دسپک مدیر	: »، سید احمد شاہ خان
داملا کو مامور	: »، محمد اسلم خان

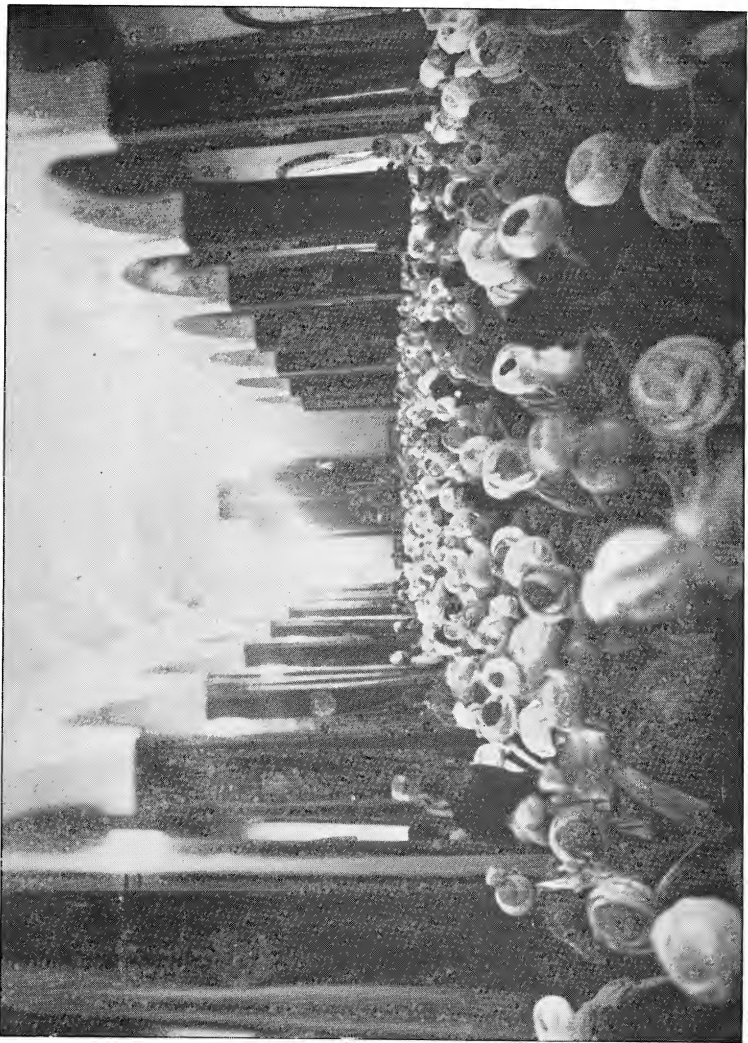
### دجنوبی ولایت

تنظیمہ رئیس	: و، ج، ع، ع، ش، س، ع، علی شاہ خان
د مستوفی وکیل	: ع، ص، عبدالمجید خان
دمرافعی فاضلی	: ف، میر سید کاظم خان
دکوٹوالی قوماندان	: ح، مدد خان
دخارجہ مدیر	: ص، سلطان علیخان
دمعارف »	: »، علیجانخان
دمطبوعاتو »	: »، . . . . .
د » معاون (دپشتواو آژانس مامور)	: »، عبدالقدوسخان » یرہیز
دتحریراتو مدیر	: . . . . .
دروغتیا »	: ص، محمد سرور خان
دفوا لڈعامی »	: »، مدد خان
دگمرک »	: »، عبدالمجید خان
دخا براتو مامور	: »، نادر احمد خان
دخصوص »	: »، جان محمد خان
داملا کو »	: »، محمد یوسف خان
دخزانہ دار	: »، جمال الدینخان

### دیمینی اعلیٰ حکومت

اعلیٰ حاکم	: ع، ع، ص عبدالرحیم خان
دعسکری قوماندان	: ح، عبدالرشید خان
سرشتہ دار	: ع، ص، عزیز احمد خان
دکوٹوالی قوماندان	: ش، عبدالقیوم خان
دفوا لڈعامی مدیر	: ص، فضل حق خان
دخا براتو مامور	: »، رجبعلیخان

دہلی اوّلی جرگہ کے مناظر و خیمہ :- عالیقدر جلال آباد علی محمد خان دہارچہ امور و وزیر دہلوی پر مشیر باغی دہلی کے پٹانوں پہ شاور خواگی  
خیمہ پٹانہ دہلی کے حاضرین نے اوروی ( ۱۴ دسمبر ۱۳۲۰ )





دلوقي جرگي منظره ده: يو کلي خپله د جرارت وکړوينا حاضرينو ته اوږوي ( ۱۰ دقريب ۱۳۲۰ )

# داخلي مهم وقائع

۱۳۲۰

ښاغلی یار محمد «نظامی»

۱۳۲۰ شمسی کال چه د «۱۹۴۱، ۱۹۴۲ع» سره برابر دی، دا کال د عالم بشریت د یارد ډېر د شورشور کال گڼل کېږي، اوداسی کال د دنیا تاریخ د انسانیت د تاریخ څخه ترڅه پوری په سترگو نه دی لیدلی، د جنگ دورخ په ورځ ډېر ډېو او اسفناک واقعات هر چاته ښکاره او محترمو لوستونکو به درادېوگانو اوداخلی اودخارجی روزنامو اونشریاتو په ذریعه دغه غم راوستونکی وقائع اړویدلی اومطالعہ کړی وی، چه په دې دوو کالو اوڅومیاشتو کښ مدنی دنیا دکومشکلاتو سره مخامخ شوې او په څه قتل او قتل او مرگونو او ژوبلولو او ناوړه حوادثو اخته ده اودځمکې په مخ داسی ځای پاتی نه دی چه ددې جنگ دلاسه به هغه ځایته ځانی او یا اقتصادی زیان نه وی رسیدلی .

لیکن دخدای په فضل افغانستان ترڅه پوری په امن او سلام ژوندون کړی . دافغانستان په سیاسی ژوندون کښ دلوئی جرگې لویه فیصله یوه غټه خبره اولوی فعالیت شمېرل کېږي، چه دغه دی موز داهمیت له خوادهنی جریانات لوستونکو ته وړاندې کوو اوپس له هغه به نورمهم وقائع دوقوع دتاریخ پترتیب خپروو .

## دلوئی جرگې جریانات

او مراسم

لیکه چه ښاغلی لوستونکی خبردی؛ دحکومت په پیشنهاد اودذات اشرف همایونی د حضور دمنظورۍ سره سم لویه جرگه یعنی دافغانستان لو ملی شورا د مملکت دمهمو چارو په شاوخوا کښ دغورو اوفیصلی دپاره مرکز ته ورغونښت شوې وه پرته دملی شورا دوکیلا نو اوداعیانو د مجلس اعضاءو یوزرتنه نور، د مملکت دټولو برخو څخه دملت له خوا وکیلان ټاکل شوی او کابل ته زاغلی وو، اودعقرب پر (۱۴) دماپښین پر (۲) بجی دملی شورا په مانی کی داعلیحضرت په وینا چه دجرگې لمری مشرو داجرگه په ملی ژبه ویرانیتله شوه .



## د اعلیٰ حضرت همايوني افتتاحیه

وینا

لما عزیزانو !

په ډېره مینه ، وتاسی ټولونه ، ښه راغلی وایم ، او خوشحال یم چه دخپل ملت مشران د وطن دښېگنی دپاره په دې مجلس کی غونډه اوتول وینم .

عزیزانو !

دغه ستاسی ټولنه په هر کر کی ، دوې وجهی لری : یوه داچه مایخیله شخصاً آرزو درلوده چه دگران ملت مشران اونمایندگان چه دملت داحساساتو او آرزوگانو ممثلدی ملاقات کړم ، اوله داچه حاضر وضعیت چه ددې عالم گیر جنگ له اثره څخه پدې دوه کاله اوخومیاشتو کی پېښ شوی دی همدغسی مجلس اوتولنه یې غوښته .

تاسی ټوله پوهیږی چه ددې جنگ به اثر ، په لږ زمانه کی لوی تغییرونه ، نه یوازی ددنیا په جغرافی وضعیت کی ، بلکه دقومو دژوند په ټولو څانگو کی پېښ شویدی ، محارب او غیر محارب ټپي په یوډول دولو متأثر کړی دی په تېره بیا دخومیاشتو راهیسی جنگ له غر به څخه وشرق ته راگرزیدلی دی ، اوهغه مملکتونه چه پخوا تردی یې له جنگه څخه لځانونه نسبتاً ساتلی بلل په ناوړه صدمو اخته شوی دی .

نوبنا پردې لازمه شوه چه افغانستان چه پدې حصه کی دشرق یومهم موقع لری په دې نازک وخت کی له خارجه سیاسته څخه چه دصلح اوبی طرفی پراساس و او دی ددی موجودو واقعو په مقابل کی لکه چه ښاغلی هغسی غور اودقت وکی ، اوملت او حکومت چه هیڅ کله ټی یوله بله جدایی نه درلوده په کلی اوجزئی مسئلو کی دملکت تل متحد او یولاس دی د فکر تبادلې اوتصمیم وکی .

نودغه دی چه نن دلوی خدای په نامه داجر که افتتاح اوپرانیزم ، اوله خاوند څخه په ډېر عجز غواړم چه تصمیمونه ددې لوی جرگې ددې پا کی خاوری دسعادت اوشېگنی باعث وگرزوی . او ملک او ملت داتفاق او یولاس والی په برکت دهغو ښېگنو او افتخارا تو ته چه زما زده یې غواړی ورسوی اودزمانې له بدو واقعاتو څخه مو به خپله ساتنه وساتی . »



وروسته دملی شورا رئیس ؛ دوکیلانو له خوا یوه وینا وکړه اوپه هغه کی ټی د ټول ملت احساسات دخپل گران پاچا په نسبت څرگند کړی دحکومت دښې ادارې اواقداماتو څخه او داچه حکومت په هر وخت کی دملت آرزوگانې اوآراء پوښتی اودهغو سره ټی سم رفتار کړی دی ؛ شکریه وکړه !

دهمایونی اعلیحضرت تر تشریف راوړلو وروسته ج ، ع ، ج ، ا ، ا نښان والا حضرت صدراعظم صاحب چه دجرگې دوهم رئیس ؤ په وینا کی دخارجہ امور وزیر معرفی کی چه دافغانستان ددې دوو کالو داوضاعو اوسیا سی جریاناتو په شا ؤ خوا کی توضیحات وړ کی . ع ، ج دخارجہ وزیر په یوه مفصله وینا کی دحاضر ینو دملو ماتو دپاره وار دواړه دین المللی جنگ ددوؤ کالو حالات بیان کړل ، وروسته ئې دافغانستان دحکومت و سیاسي خط مشی ته چه په دې مدت کی ئې دجنگ داوضاعو سره سم لړلی دی شرحه ورکړه اودائې ښکاره کړه ، چه دجنگ له ابتدا څخه د کاملی بیطرفی سیاست ټاکل شوی اووټولو متحابه دولتو اوجامعه ملل ته خبر ورکړه شو ؛ چه افغانستان ددغه سیاست له مخی غوښتل چه دټولو دولتو سره خپل ددوستی سیاسي روابطو ساتی اودتجارتی اواقصادی مناسباتو په ټینګولو کی بخت اوسی . هغه ؤ چه تردوؤ کالو په ډېر وخت کی دغه سیاست په ښه ډول اویه ټول دقت معمول کړه سو ، که څه هم دجنگ شخړو دافغانستان په سیاسي اواقصادی او عمرانی مسئلو کی مشکلات او خسارې پېښی کړې ؛ سره له هغه موږ دخپلی بیطرفی پر سیاست باندی پابند او ټینګ ولاړ او دهغه وادامی ته تصمیم کونکی ؤ . خو چه دهغی اعلامیې په قرار چه خو وخت دغه دکابل په راډیو کی وټولو ته وویل سوه ، دانګلستای اوشوری سفيرانو دیوې محدودی عدې المانیانو او ایطالیانو ایستل ؛ چه دافغانستان په خدمت کی ئې کار کاوه اودنځه ئې هم په خپل زعم سره ددوی وجود په افغانستان کې دښمن دپاره دخطر اسباب ګانه ، دوستی په ډول مګر په رسمی توګه وغوښتل ، اولځکه چه له یوې خوا ددوی دیوې ډېری برخې قرارداد ختم شوی اوتنګ ته تیار ؤ اودبلې خوا هغه مواد چه دافغانستان داقتصادی او صنعتی چارو دپاره لازم ؤ اودغه نفری هم ددغو کارو دپوره کولو دپاره استخدام کړی سوی و ؛ د تجارتی لارو د بندیدلو له لامله نه رارسیدل اودبلې خوا دافغانستان د ګاونډیانو سره دښه نیت دزیات اثبات دپاره ، حکومت هم تراوړدو مشورو اودملی شورا دصلاحیت لرونکی کمیسیون دمشورې ورکولو سره سم ، او وروسته تر هغه چه المان او ایطالیا دسفيرانو رضایت ئې په دې خصوص کی حاصل کی اودانګلیس دوزیر مختار څخه ئې دهند اوعراق له لاری وتورکیه ته ددوی دآزادانه رسولو په نسبت ، ضمانت لیک واخستی نو ئې تصمیم وکی چه دغه اتباع دی (بیله ددغو دوؤ مملکتو دسفارتو اعضاء چه دپخوا په ډول به په کابل کی پاته وی) مرخص کی .

لکه چه دقرب په ۹۰۸ دوی دافغانستان تر وېش تیر شول ، دخارجہ چارو وزیر دخپلی وینا په آخر کی څرګنده کړه چه انګلیس سفير وموږ ته په خوله اووروسته ئې دهغه په تائید کښ په لیک اطمینان را کړی دی ، چه بله هیڅ یوه غوښتنه لکه دلاری او حربی مرکز او نورو غوښتنه به نه وکی ، لا کن سره له دې لځکه چه دنړۍ اوضاع هره ورځ تغیر کوی ، ښه دی چه

دلوئي جرگې له خوا د مملکت راتلونکي خط مشي تصويب کړه. سي چه دهغه سره سم رفتار وسي . ددې وينا په اثر دلوئي جرگې خواته محترم وکيلان لکه جناب حضرت فضل عمر خان مجدي اوفضيلت مآبان محمد سعيد خان دچار باغ حضرت صاحب اودتکاب آخندزاده صاحب اودگيان ملا صاحب اونورو دحرارته ډکي ويناوي چه د مملکت ديي طرفي د سياست پرمخلو مبنی او د ملت ټينگ عزم ددغه سياست دادامي دپاره اودخپلو حقوقو اولمي شئونانو دخوندي کولو اودهر ډول تېري اوتعدی په مقابل کی د مملکت د سرحدو د ټينگولو په خصوص کی وي ، دټولو په چکچکو اوخوشۍ سره استقبال کړی شوي .

دا لمړی جلسه د ماينين پر څلور نيمو بجو ختمه شوه اوپه دې سبا ماينين پر ( ۳ ) بجو دوالا حضرت افخم صدراعظم صاحب تر مشرتوب لاندی دلوئي جرگې دوهم مجلس منعقدشو او تر اوږ دو مشورو او کامل اومفصل غوراو دقت کولو وروسته دټولو وکيلانودرأيو په کامل اتفاق سره دالاندینی مصوبه ومنله شوه اودجناب نورالماشيخ صاحب له خوا ولوستله شو .



## دلوئي جرگې دمصوبې متن

( چه دعقرب په ۱۵ منلی شوی دی )

« نحمدہ ونصلی علی رسولہ الکریم . الحمد لله رب العلمین والعاقبة للمتقين » « مونږ دافغانستان دملت نمایندگان دهغه اختياراتو په موجب چه لمونږ دموکليينو له خوا مونږ ته را کړل شوی دی اودلوئي جرگې دپاره کابل ته راغلی يو ، پس له دې چه دعاالبقدر جلاله آت د خارجي چارو دوزير بيانات مود دنيا دگزارشاتو اودافغانستان دسياسی جرياناتو په شاوخوا کښ ترنه پوری واوریدل اوپه هغه باندې موهم غوراو دقت وکړ داسی به دی لاندینی ډول بیان کوو .  
چه داعليحضرت المتوکل علی الله دحکومت دسياست خط مشی چه تراوسه پوری ئی تعقيب کړی دی لمونږ دهيلو اوايښدونو سره مطابق اوسم اوکاملا درسته ده نومونږ دلوئي جرگې نمایندگان دکاملی بيي طرفي سياست چه تراوسه پوری ساتل شوی اوپه آينده کښ به هم دقطع او حکم په ډول بايد وسائل شی تصديق کوو .

افغانستان غواړی چه دمعاهد دولتونو سره مخصوصاً خپل همسايه دولتو سره دصلح په ساحه کښ ژوند وکړی . امامونږ نمایندگان دهغه اختياراتو په موجب چه لمونږ دموکليينو له خوا مونږ ته را کړل شوی دی ددې امر دقطع او ختم په ډول بیان کوو چه د افغانستان ملت حاضر نه دی چه هيڅ يو خواهش يا مطالبه چه مستقيم يا غير مستقيم لمونږ دشراف ، عنعنات اوتام استقلال متضاد وی له هرې خوا چه وی دبحث يادقبولو مورد وگرزوی يعنی هيڅ يو خارجي حکومت ته

به په هېڅ صورت او هېڅ ډول پلمه او بېانه موقع ور-نکړل شې چې د افغانستان د مملکت ټول قسمت يا کومه برخه اشغال کړې او يا د عسکري مقصد د پاره د مخمونې د محبوب مملکت د خاورې يا هوا څخه استفاده وکړې او يا د جنگ په دوران کېن مخمونې نه کوم امتياز وغواړي او د اقطاعاً لازمه نه گڼو چې مخمونې حکومت کوم خارجي دولت سره داسې کومه نوي معاهده وکړې چې مخمونې د مملکت د بيطرفي د سياست اخلال وکړي . او همدغسې هېڅ يو حکومت ته به هېڅ صورت او هېڅ ډول پلمه او بېانه موقع او اجازه نه ورکول کېږي اونه به ورکړل شې چې کوم ډېر وړوکی حق مخمونې دهغه حقوقو څخه چې د افغانستان په معاهداتو کېن او د دين الملل په حقوقو کېن د يو مستقل مملکت د پاره چې د افغانستان هم دهغه مستقلا ممالکو څخه يو مستقل مملکت دی ټاکل شوی دی تصرفات او مداخله وکړي .

برسيره په دې افغانستان حق درلود او حق لري او خپل د احق به محفوظ وساتي چې د هر مملکت سره چې وغواړي خپل سياسي روابط وساتي او په آينده کېن هم خپل سياسي روابط قايم کړي . مخمونې د افغانستان د ملت نمايندگان دهغه اختياراتو په موجب چې خپل د موکلينو له خوائې لارو په دغه پورتنۍ خط مشي قطعې او حتمي فيصله کوو .

د افغانستان ملت هېڅکله د خارجي حکومتو د بارلاندې نه دی تللی اولاد به نشي ، افغانستان د مدام په آزادۍ ژوند کړې او په آينده کېن به هم آزاد او مستقل ژوند وکړي .

د افغانستان ملت بعون الله تعالى متحداً حاضر دی چې خپل حقوق د ټولو مادي او معنوي قواؤ سره تر توپير لود آخره قطره دخپل ويني محافظه کړې او په شرف ژوندون او حيات وکړي . »



د مصوبي تر لوستلو وروسته والا حضرت صدر اعظم صاحب د حکومت د عزم په شاوخوا کېن چې د ملت د آرزوگانو د انجامولو د پاره د اعلي حضرت غازي محمد نادر شاه شهيد د حکومت له ابتدا څخه د حکومت د اجرا آتومداردی او آينده به هم تل د غسوي يوه وينا ايراد کړه ، تر هغه وروسته فضيلت مآب د چارباغ حضرت صاحب د دغې مصوبې په تائيد کې يوه وينا وکړه او په هغه کې گي د افغانستان د ملت ټينگ عزم : چې دخپل استقلال او حقوقو او د پاک دين او د دې اسلامي خاورې د ساتلو د پاره گي لري ، څر گند کي ، او هم گي د حکومت دخير غوښتنې او وېښتوب او کاغوتوب ( کياست ) څخه او دا چې ملت پردي خپل عادل پاچا او ديندار حکومت باندې بشپړ اعتماد او ويسالري ، د حرارته پک او تاوده بيا نونه ايراد کړل .

وروسته ع ، ج والا حضرت غازي وزير صاحب حريه د جنوبي خواد قبيلو د وکيل په توگه د جنوبي داوسېدنکو له احساساتو او داچه دوی د ضرورت پر وخت بېله هېڅ مادي مرستې غوښتلو څخه په سراو مال او نجانو د وطن دفاع او د اسلام د مقدس دين او د افغانستان د اسلامي حکومت د ساتنې د مقدسې وظيفې د انجام د پاره حاضر او نکره ولاړ دی ، ترجماني وکړه .

او خپله وينا ټي په دې جمله سره پای ته ورسوله :-  
 « موږ به پرې نه ږدو ، چه هيڅ يو يردی سړی دی زموږ په مملکت کې پل کښېږ دی  
 او دا يا که خاوره دی د خپلونا يا کو مقصد و ډير مخ بيو لو د باره و سيله جوړه کی »  
 د نو موږی والا حضرت ددې تودې وينا په تعقيب او تايد کې چه د حاضر ینوله خوا په وارو  
 وارو چکچکو سره استقبال کړه شوه فضيلت ماب د گيان ملا صاحب چه دجنوبی خوا د وکیلانو  
 او علماؤ څخه دی . د افغانستان د ټول ملت او په تېره بيا د سمت جنوبی د قبيلو ټينگ عز م  
 او خلل نه منونکې اراده ټي چه د وطن د حقوقو او حدودو ساتلو او د دين د خوندي کولو او  
 د افغانستان د صحيح اسلامي حکومت د اطاعت د پاره ټي کړی دی ، يوه ويناو کړه او خپله  
 وينا ټي دملی ژبی په پښتنی زير وچملو سره د اتفاق او يو والی د تو صيبي په شا و خوا کی  
 ختمه کړه ، تر هغه وروسته خو تنو نورو وکیلانو هم دغه د حرارته ډک احساسات چه ټول د  
 لوڼی جرگې د تصویباتو په اجرا کولو کی د ټول ملت پر اراده باندی مېنی وه څرگند کړل .  
 په پای کی والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب د جرگې د دوهم رئیس په حيث د  
 جرگې د مو فقا نه ختم ، اعلام کی او د خپلی وينا په ترڅ کی ټي ار شاد و فرمايه چه دا  
 تصویبونه يوازی د کاغذ پر مخ نه دی بلکه بايد چه دهر پښتانه په سينه کی ثبت وی او هر  
 سړی په هر لحای کی او په هر شغل او کسب کی چه دی دهغه د انجا مولو د پاره تل ، او په  
 تېره بيا په دې نازک وخت او دشو روشر دوره کی دزړه له کومی دی حاضر او تکره اوسی  
 او و دی پوهیږی چه د دغو تصویبو د انجا مولو مسئولیت يوازی د حکومت پر اوږه نه دی ،  
 بلکه هر سړی په هغه کی برخه لری او بايد چه تر ټولو د مخه نفاق او بېلتون د خپل منځ  
 څخه وړک کو ، او هغه څوک چه د مملکت د آرا می او خیر او ښېگڼو په نسبت ناوړه ارا ده  
 لری ، موقع دی ور نیکه سی چه زموږ په منځ کی نفاق او فتور را گډی کی ، والا حضرت  
 خپله وينا په دی لاندینی جمله ختمه کړه :-

« لوی خښتن ( ج ) دی وموږ اوتاسی ته توفیق راکی چه داخپل تصویبات عملی کو »  
 په دې ټول دالو جرگه د عقرب ( ۱۰ ) پر درو بجو او ( ۲۵ ) دقیقو باندی په داسی حال کی  
 چه ددې لوڼی ټولنی له اجتماع څخه په یوه دهیجانه ډ که فضا کی ، چه ددین ، وطن ، آزادی  
 اوملی ناموس دساتنی دپاره دملت ټينگه او کلهکه اوبوه اراده ښکاره کیدله مو فقا نه ختمه شوه .



## د کابل دراډیو پراښتل

د ۱۳۲۰ ش ، کال د حمل په اوله ورځ ع ، ج ، والا حضرت سردار محمد نعیم خان  
 د معارف وزیر او د لوی صدارت معاون اوج صلاح الدین خان د مطبوعاتو مستقل رئیس په  
 ( ۶ ) بجو پس له ما پېښینه « یکه توت » ته ټي تشریف وړی او هلته ټي دپست او تلگراف

وزارت د معین او د نورو مامورینو له پلوه په ډېر ښه شان پذیرایی وشوه ، والا حضرت افغهم پس دود انیو او ماشینو له کتنې ، او د پست او تلگراف له اجرا آ تو څخه درضا مندی- د ښکاره کو لو په شپږ نیمې بجې په استودیو پروگرام کېن پس د غو آ یتولو ستونه ع ، ج و الا حضرت د معارف وزیر صاحب په ملی ژبه خپل افتتاحیه وینا شروع کړه د والا حضرت د وینا د خلاصید لونه وروسته ج ؛ صلاح الدینخان د مطبوعاتو مستقل رئیس د کابل رادیو په شاوخوا کېن ډېره ښه مفصله بیانیه وکړه- دغه دی د والا حضرت وینا اودج د مطبوعاتو رئیس بیانیه د ښاغلو قارئینو د معلوماتوله پاره لاندی لیکو :



## د والا حضرت د صدارت عظمی معاون

### افتتاحیه وینا

دلوی خدای په نامه ، اوداعلیحضرت همایونی دروغتیا ، اوننگیالی پښتون ملت د سعادت په غوښتنه د کابل درادیو منځنۍ څپه افتتاح کوم .

گزانو پښتنوارویدونکو دې ته اړنه یم چه درادیو د اهمیت بیان وکړم ، ځکه تاسی ټول پوهیږی ، چه په اوسنۍ زمانه کی ، رادیو د ژوندون دورځنیو ضروریاتو څخه ده ، او ملتو او حکومتوته ډول ډول وظایف پرنځای کوی .

مگرداعلیحضرت د حکومت لوی مطلب په دې موشه کی دادی ، چه د مملکت په اصلاحاتو کی یوگرندی پل د خلقو دروزنی اویالنی په لار کی کیږدی . په دی وروسته کلوکی زموږ معارفو لوئی لوئی نتیجې او گټې ښکاره کړی دی . چه موږ به دروږ راتلونکی ژوند زیږی را کوی مگر نه ښاغلی چه موږ په دی سخته و کو ، اودهغو سړوله پالنی څخه سترگی پټی کو ، چه دوی دمکتبوله زد کړی څخه محروم پاته شوی ، او پاڅه خلق دی . ولی چه دغه خلق زموږ د ملت یوه لو برخه ده .

په دې مقصد ، نوداعلیحضرت حکومت ، درادیو استوونکی دستگاه تاسیس کړی ، او د فنی شرایطو سره سم ئی ، لمړۍ پلا منځنۍ څپه وټاکله .

زموږ رادیو عرفانی ده ، دافکارو دروزنی اود قوم دښوونی اویالنی د پاره ده ، د ډېر گرانو او د کلو د اصلاح دپاره ده .

د بی کاري دلیری کول ، او د زیار او کار د خپرولو د پاره ده .

د سوداگرو او تجارت دپاره گټوره ، اود وطنی مصنوعاتو د ترویج دپاره ده .

د کسب کارو ، اود لاسی اوعصری حرفو دښوونی دپاره ده .

د کورنیو د اصلاح دپاره ده .

دملي ژبي دخيرلو اوډېرولو دپاره ده .

ددې دپاره ده ، چه موږ دپښتون پخواني ملت ، پخپل روڼ تاريخ اومفاخروبوو شو .  
ددې دپاره ده ، چه داننگيالي قوم په ديني اواخلاقي نصايحو له عيش پرستۍ اواخلاقي  
ضعف څخه ، ليرى شي !

ددې دپاره ده ، چه تاسې نوى خبرونه ، اونځنى تفريحي پروگرامونه واورى زه له هغو  
خلغو څخه چه دراديو ترزغ لودونكو باندې راټوليزي ، دزړه له كومي داخواش كوم ،  
چه دزړه په غوږني واورى ، او عمل په وكى .

هغه خلق چه څه وايي ، يائي لېسكى ، هيله ځنې كوم ، چه دوى هم ، دخپلواويدونكو  
پوهنى اواستعدادته ، پخپلويانو ، اوليكلو كى وگورى .

دملت ټول زده اوزلمى ، ښائي چه په دې وپوهيزي چه زموږ وطن ذلوى خداى په اراده ،  
اودوطن غوښتونكى يوه پاچا تر مشرتوب لاندې ، دلودتيا پر لارځي ، اوخپلو مدني اواخلاقي  
لودو بوډو ته رسيزي .

نوزموږ دپښتو ملت ، دسړو وظيفه ده چه تل ورسره ملگرى اومرستې يو .



## دجلالتمآب دمطبوعاتو دمستقل

رئيس وينا

گرانواويدونكو ! لکه چه اوس موواروبده ، والا حضرت سردار محمدنعم خان دصدارت عظمي  
معاون اودمعارفو وزير دراديو منځنۍ څپو برانېتله . اولکه چه موصوف والا حضرت (چه ددې  
موسسې حامى دى ) وويل ، ددې دستگاه اصلى غرض ملي تعليم اوتربيه ده او زموږ معارف  
غوښتونكى اووطن دوست ټولواك اعليحضرت ، ددغه غرض دپاره دهغي دتاسيسولو امر فرمايلى  
اوموږ ته ئي دبوداسى پروگرام هدايت راكړى دى چه له يوه څه دشاهانه ملت دافكارو دروزني  
دپاره وي او موږ هم دشاهانه ارشاداتو په تاسى ، اودصدارت عظمي دلور مقام دنظر يا تو  
اودوالا حضرت معاون صاحب موصوف دنظرياتو سره سم خپل ټوله تعليمي اوتفريحي پروگرامونه  
دملت پراستعداد ټاكلې دى او كوشنې مو كړي دي او كوونې چه ټوله خپرونې ددوى دذوق  
اوواك سره وړوي . داموسه مر كبه ده له :-

۱ :- دراديو دخپرونو مديريت ، چه دمطبوعاتو دمستقل رياست ، دنظرياتو په عمومي مديريت

پورى تړلى اوپر دوو برخو ويشلى دى :

( الف ) دصحنې ټك : چه يومعاون اومشاور ، صحنه آراء وينا كونكى ، ممثلين ، اركسټرا

اونورى دموزيك ټولگي لري .

( ب ) کلوب : ددې لاندینی لسو کمیسیونو څخه جوړشویدی : ملی ژبه ، دهاتی ، ادبی کرهڼه فلاح ، دروغتیا ساتنه ، د کورچاری ، تاریخ ، فوکلور ، علمی ، فنی ، روزنی ، اجتماعی اوموسیقی .

ددې کلوب د کمیسیونو ټول اعضا ( غړی ) چه دمرکز لیکوال دی اوبه فخری ډول خدمت کوي ، ټوله په هفته کی یو پلا حاضرینې اوبه نورو ورځو کی دورځی دوه کمیسیونه پخپل وار راټولېږی اوخپل مضامین جوړوی او سره گوری ئی . دا کلوب هم دنشریاتو داداری په ډول ، دمطبوعاتو په مستقل ریاست پورې تړلی دی .

۲ :- دتکنیک عمومی مدیریت، چهیو عمومی مدیر ، یومعاون اوڅوټه انجینر ان لری، اوبه نورو ولایاتو اواعلی حکومتو کښ هم څانگی شته، دپست، ټیلیگراف اوتیلیفون په وزارت پوری تړلی دی . گوا کی ددې موسسی دنشریاتو چاری دمطبوعاتو په مستقل ریاست اړه لری او تکنیک ئی دپست، ټیلیگراف اوتیلیفون وزارت اداره کوی .

په سنه ( ۱۳۱۴ ) کی سم داعلیحضرت همایونی دلارښوونی سره دوزیرانو لوړمجلس ( ۳۱۴۱۵ ) پوند سترلنگک ( یوملیون او ۶۶۵ زره افغانی ) دمنځنی څپي دیو ماشین درانیو او دپاره چه دداخل دپاره نشریات اوخپرونی کوی ، منظور کړه ، وروسته دپست اوتلیگراف وزارت د(تلیفون کن) کمپنی سره خبری ونښلولې اودرانپولو تړون ئی دع ، ج ، ا ، انشان عبدالمجید خان دافغان ملی بانک مشر ( اوسنی وزیر اقتصاد ملی ) چه دحکومتی رانیولو مامورو، اوددغه شرکت ترمینځ په برلن کی لاس لیک کړه شو .

په ۱۳۱۷ کال کی ع ، عطاءالله خان درادیو پښتون متخصص ورواته ولاړ، په هغو ورځو په کابل کی درادیو یوه فنی اداره اوهم تکنیکی کورس چه ( ۶۵ ) زده کونکی لری، جوړ کړه شو، اودبرو دکاست دمرکز دودانی کار، دټلیگراف دلوی استونکی ماشین له څنگه په «یکه توت» کی، اودمرکزی ستودپو کارئی په باغ عمومی کی دلوی پوستانکی له اړخه اوهم ۱۵ نوری ودانی دآخذه ماشینو دپاره په ولایاتو اولویو حکومتو کی شروع سو، دبلې خوا دغه شرکت له قرار داده سره سم، دسامان په رالینزولو پیل وکی . اود ۱۳۱۸ کال په منځ دودانیو اوسامان رسېدلو کار، ښه پرمخ ولاړی او دماشینو درولو وخت راغی ، او داروپا داوسنی جنگک دمشکلا تو سره بیا هم دغه شرکت خپل کار کونکی پر خپل وخت کابل ته راورسولای شوی . ۱۳۱۷ دقرب په میاشت کی دټولو کار ، ونښلول شو اوبه ( ۷ ) میاشتی تمام شو، لکه چه د ( ۱۳۱۹ ) داسد دمیاشتی له نیمې څخه دغه دستگاه خپلی ازمویشتی خپرونې شروع کړی .

داستونکی ماشین مرکزی سټېشن د کابل شمال مشرق وخوا ته پر ( ۵ ) کیلو متره



د «يکه توت» دې سیمې ټلگراف د لوی سېشن له څنګه دی. داسېشن، سل متره لوړی اهرامی شکل دوي د آتن خادې لری، چه داځا دې په مخکې پوری ندی نښتی بلکه پر «انسپترو» ولاړی دی داسېشن ه «سېچ» لری اود کرسټل په مرسته ئی فریکشن پیدا کيږی .

ددې دستگاه لوی څراغونه په مقطرو او بوسريزي، او دسېشن دڅپي ريزونانس ئی له (۲۶۰) څخه تر (۴۹۰) متره پوری ټاکل شوی دی، خواوس داڅپي پردرو، دستوتا کل شوی دی. امري- دسته ئی (۲۸۴ متره = ۱۰۱۳ کيلو سائیکل) دوهمه دسته ئی (۳۷۲ متره = ۸۰۶ کيلو سائیکل) اودرېمه دسته ئی (۴۴۵ متره = ۶۷۴ کيلو سائیکل) دی. که څه هم هره څپه ئی دڅه وخت دپاره اټکلو له شوه، لیکن ددې دپاره چه دگانوډی سېشنو سره ونښلی، سمد لاسه مود (۴۴۵ متره = ۶۷۴) کيلو سائیکل څپه ټاکلی او پر کار شويده، اود «های تېشن» دپاره بوديکټفائر، چه (۱۲۰۰۰) ولټ سم جريان ورکوی، شته.

اودلویو څراغونه «کتو» دتودولو دپاره ئی داسی (موتور جنریټرونه) چه (۲۰) ولټ او (۴۰۳) امپره قوه لری، ورسره دی اویه لخنو برخو کی چه (موتور جنریټر) اوپمپ او اوبه سره ونکی چه گزي، که چېری ناځا په نقص ورپېښ سی، نو په دهغه بل فالتو ډول څخه چه هلته شته کار واخیستل سی داسېشن د کابل د (انترفیلټ) له جریانه څخه قوه موندی او هم د ضرورت دپاره یو بل ډیزیل ماشین چه (۱۸۰) آسه قوه لری، دسېشن له څنګه ورته ساتلی شوی دی.

زمونږ دمرکز سېشن (۲۰) جریبه مخکې نیولی ده، اوداودانی، له کانگریټ څخه د دستگاه دفنی احتیاجاتو سره سمه جوړه شويده، پرته له دې ډیرو گرامو داجرا دپاره دپست، ټلگراف دوزارت له څنګه یو «ستوډیو» هم په (۶) جریبه مخکې کی جوړ شوی دی، داستوډیو ډیری ودانۍ لری چه هره ودانی دیوی وظیفی دپاره بېله شوېده، یوازې ډیرو گرام داجرا دپاره دوه اطاقونه لری، چه یولوی تالار ئی دگرامو بانډو کنسرت دی، اودابل اطاق ئی لږ څه کوچنی دی، اودوینا واوسیکو موزیکو دپاره بېل شويدي، دگرامافون ټکلی هم بکښ بزغېزی، دریمه ودانی ئی دکنټرول کچنی کوټه ده چه آواز ته گوری اودلوړونکو ماشینو تر دوران وروسته دکیبل په مرسته دمرکزي سېشن ته ځی، دکنټرولو سړی دادواړی ودانی دکلکینو له خوا وینی، اویه اشاره سره یو دبله په ویناوو او پروگرامو سره پوهولای شی دستوډیو د «ابراتو» دچلولو دپاره. دښار دعمومی برق څخه قوه اخیستله کيږی، پردې سر بهر یو دپترولو برق زیږونکی ماشین هم دستوډیو په یوه کوټه کی ساتلی درول شوی دی، چه د ضرورت پروخت به کارځنی اخیستل کيږی.

بېله دې ودانۍ درې نورې کوټې هم په ستوډیو پوری جوړی شويدي چه یوه ئی دراډیو دټکنیکي دعمومی مدیریت اودهغه ددفتر کوټه ده، بله ئی دتحویلی کوټه ده، او یو دترمیم لابراتوار

د کرهڼی مامور	: ص، آقا رحیم خان
دمعارف »	: » ، غلام محمد خان
دشفاخانی سرطیب	: » ، حسن علیخان
دگمرک مامور	: » ، میر اکبر خان
دمرافعی دمحکمی قاضی	: ف ، محمد یوسف خان
دتحریراتو مامور	: . . .
داحصائی »	: . . .
دکورسو او آژانس مامور	: ص ، احمد جانخان
داستخباراتو »	: » ، عبدالمجید خان

### دفراده اعلی حکومت

اعلی حاکم	: ع ، ع ، ص ، عبد الصمد خان
دعسکری قوماندان کفیل	: ش ، عبد الشکور خان
سر رشته دار	: ع ، ص محمد عثمانخان
د معارف مدیر	: ص ، عبد العزیز خان
دگمرک رئیس	: ع ، ص رحمت الله خان
د صحیی مدیر	: ص ، محمد عظیم خان
د فواید عامی »	: » ، سید محمد خان
د بلد یی رئیس	: » ، غلام حیدر خان
د مخبر اتو مامور	: » ، محمد موسی خان
دتحریراتو »	: » ، نور احمد خان
د پښتو او د آژانس مامور	: » ، شمس الحق خان
د بطرول »	: » ، اختر محمد خان





د پښتانه د امید گل  
والا حضرت پښتون شهزاده محمد نادر جان

د رادیو د مدیریت د مر کز او ولاياتو د دستگاهو د پاره لری چه اوس اجراآت یکښ کښی ؛ ددغو ودانیو له مخه یوه بله ودانی د رادیو د عمومی خپرونو مدیریت د پاره جوړه شوې ده .

د رادیو کلوب چه د عصری ودانیو یونوی شکل ودانی ده هم په «حضوری چمن» کی دی چه دوه پوړه یوه صحنه (غولی) یو د موزیک سټوډیو لری اود ښکلی باغ سره د رادیو دو دانیو دریمه احاطه ده ، لکه چه اوس مو وویل پرته له دې د رادیو د مر کزی سټیشن څخه په نایب الحکومگیو اعلی حکومتیو ، اولخنو لویو حکومتیو کی (۱۵) د آخذه ماشینونه ، اوهم ډېر (لوډ بڼی) راوړی شوی دی چه له دغو څخه اوس سمد لاسه (۲۰) دانی د کابل په (۲۰) ځایو کښ درول شوی او بڼی غږی .

دولایاتو ، اعلی حکومتیو اولویو حکومتیو مر کزی سټیشنونه یوه یوه آخذه ده چه د کابل له مر کزه اخیستنه کوی وروسته غی د «املیقائر» په مرسته بڼی او شاوخوا خپری .

د مر کز او اطرافو ټوله دودانی مصارف تراوسه یو ملیون افغانی ته رسېزی چه د دستگاه درانیو لو د قیمت سره (دوه ملیونه) او (۶۶۵) زره افغانی سی ، البته هغه مصارف اومعاشونه چه هر کال کښی اوهم هغه خریداری او رانیونی چه وروسته به کښی له دې څخه وتلی دی ، لکه چه دیست ، ټیلیگراف وزارت یو پروگرام جوړ کړیدی کال په کال به ددغو دستگاهونو څخه څو ، نوی دستگاهونه رانیول شوی ، اودنقشی سره سم به د مملکت په نورو برخو کی ودرولی شی ، او که خدای کول په (۵) کاله به هره علاقه داری کښ یوه یوه محلی رادیو وی ، دېلی خوا دیست او ټیلیگراف وزارت (۸۰۰) افغانی رادیو گانی برابرې کړیدی چه په خورا هوسائی وو گړو ته په کښت ورکولی کښی .



## دنبی (ص) د میلاد احترام

دمولود شریف ورځ هغه لویه ورځ ده ، چه ټول مسلمانان ورباندی نازیږی اواقفتار په کوی . دا ورځ په ظاهره چه وینو دنورو ورځو څه فرق نلری مگر که پاکی سترگی وغږیږی ددې ورځی دروښان لمریلو شې دنورو ورځو دیلو شونه په یوه خصوصی رڼا پلیرزی اوامتیاز پیدا کوی . لکه څنگه چه داعلی حضرت شهید سعید د حکومت دابتداء څخه تر اوسه پوری هر کال دربيع الاول په ۱۲ چه د پاک رسول محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم دمولود بختوره ورځ ده ، ددې بختوری ورځی په مناسبت په سلاخانه کښ لوی مجلس جوړیږی سږ کال هم د نورو تیرو کلونو په شان دینچښتی په ورځ په ۲۱ د حمل او ۱۲ دربيع الاول د محترم معلم او عالی رتبه مامورینو په سلاخانه کښ مجلل ترتیبات نیول شوی اوددې لوی او محترمی ورځی د احترام د پاره یو مجلس منعقد شو .

دسپاره په ۸ بجی ج ، غ ، ج ، ۱ ، ۱ ، ۱ ، نښان والا حضرت افغم صدر اعظم صاحب هم

ددې مجلس د شرکت دپاره تشریف راوړی و ، لمړی د علماؤ څخه یو عالم د مولود شریف د دې لوئی او بختوړی مبارکي ورځی په اهمیت او د پاک رسول صلی الله علیه و سلم د لوړ شخصیت په خواو شا کښ بیان وکړ ، له دېنه وروسته د قرآن کریم خو آیتونه ولو ستل شو و .  
د مجلس په خاتمه کښ والا حضرت افخم صدراعظم صاحب د اسلام دمقدس دین د تقدس په خواو شا کښ یولته او جامع بیان وکړ او دملوکانه داشرف ذات او دافغانستان د سعادت دپاره ئی دعا وکړه ، اود حاضرینو څخه دهغوی د دعا تائید وکړ شو ، اومجلس پایته ورسید .



### د شهید اعلیحضرت به مزار

#### د گلو ایښودل

په ( ۳۰ ) د حمل ع ، ج شاتینو د فرانسه د دولت نوی وزیر مختار دما پښین نه وړاندی په ( ۱۰ ) بجی د اعلیحضرت شهید په مبارک مزار د گلو گیډی- کښېښودې -



همدغه شان عالیقدر جلالتمآب (دری قوس) د جما هیر متحده امریکا وزیر مختار په ( ۳۱ ) د ثور د اعلیحضرت شهید په مبارک مزار باندی گلو نه کښېښول .

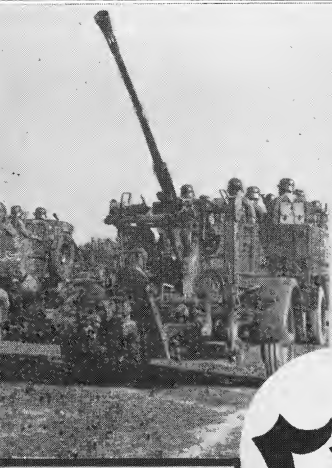


اوپه ( ۳ ) د عقرب دسه شنبې په ورځ د طبی فا کولتی دافتتاح په مناسبت چه دغازی اعلیحضرت شهید محمد نادر شاه د معارف پر ورانه مؤسساتو څخه ده لڼکه دنورو تیر و کلو په شان ددغه فا کولتی اوطبی مکتب او دواسازی- دمکتب متعلمین او اداری او تعلیمی هیئت د اعلیحضرت شهید مبارک مزار ته لاړل اود خپلو خالصانه دعا گانو سره ئی د گلانو گیډی- دده په خاوره کښېښودل شوه .



### په شاهي کورنۍ کښ یو نوی ستوری

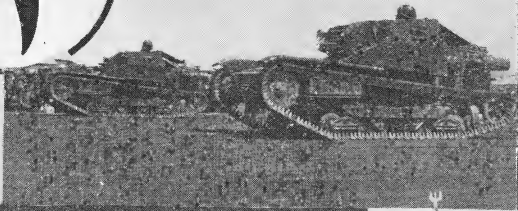
د جوزا پر ( ۴ ) دسپار پر ( ۹ ) بجی زموز گران او محبوب قولواک ته لوی څښتن یو بل زوی ورکړ د خدای په لطف او مهربانی د اعلیحضرت هما یونی دا ذریم زوی او پنځم اولاد دی ، موږ ددې نوی شهزاده تولد دافغانستان د پاره یوبل نوی د سعادت ستوری گڼلی د لوی څښتنه التجا کو و چه دالور اقبال نوی شهزاده پخپله ساتنه و-اتی ، او د شاهانه ذات او ددوی د عائلي او شریف ملت ، تل سعادت او ښکمر غی په نصیب کی .

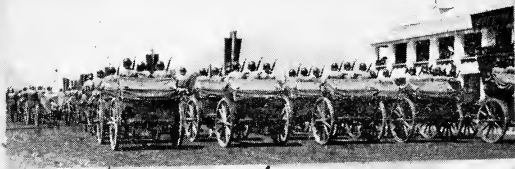


۲۳

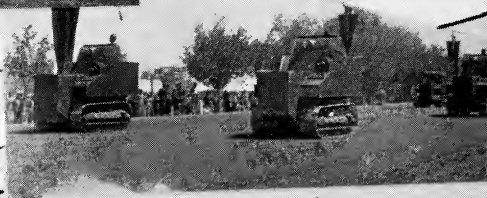
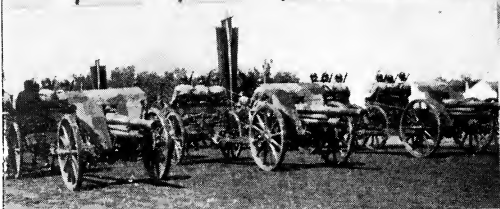
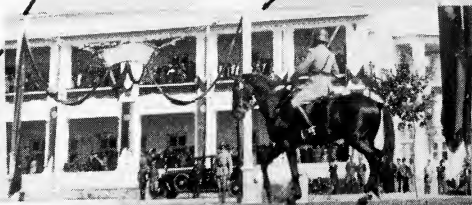
دخیلواکی د

کال جشن



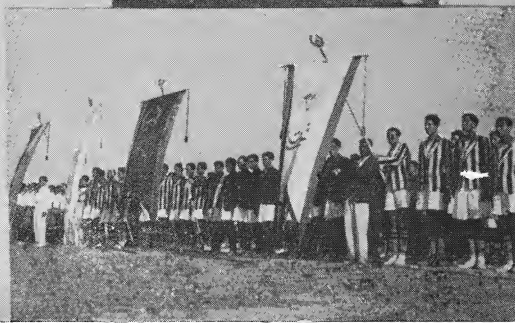


د عسکریانو د تېرېدو رسم د خپلواکۍ د جشن په وروځ





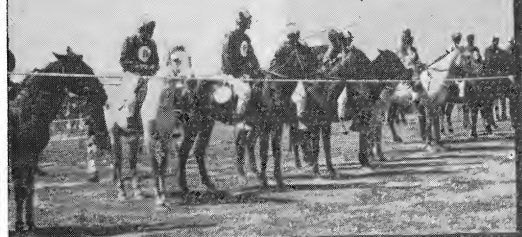
پیشوا ورزش کاران دخیلواکی و جشن دسپو  
پرننداره کنس .



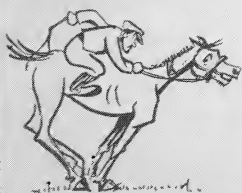




دخپلواکۍ د دروېشتم کال د جشن د لمړۍ  
درې ننداره کوونکي چغوري پښ کښ



د آس خغلو لومړۍ مسابقه

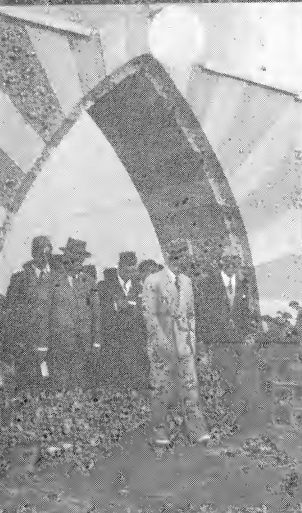
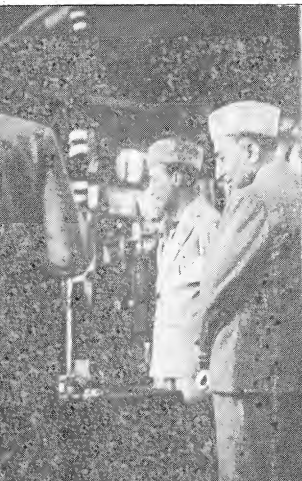


د آس خغلو لومړۍ مسابقه



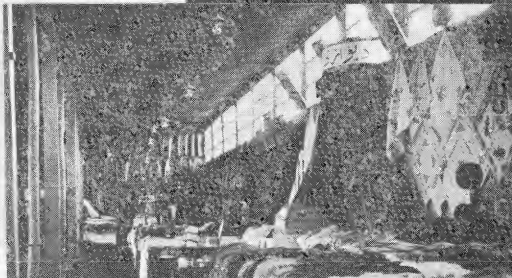
# د ۳۲۰ کال نندارتون

همايونی اعلیٰ حضرت او د الاحضرت اشرف  
صدر اعظم په نندارتون کېښ



حضرت  
ع.ج. ۱۰۱۰ نېټان غازي والا  
د حزب وزير په نندارتون کېښ

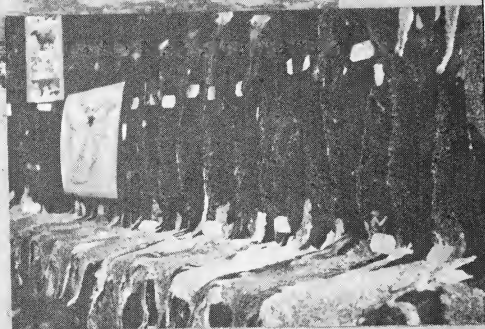
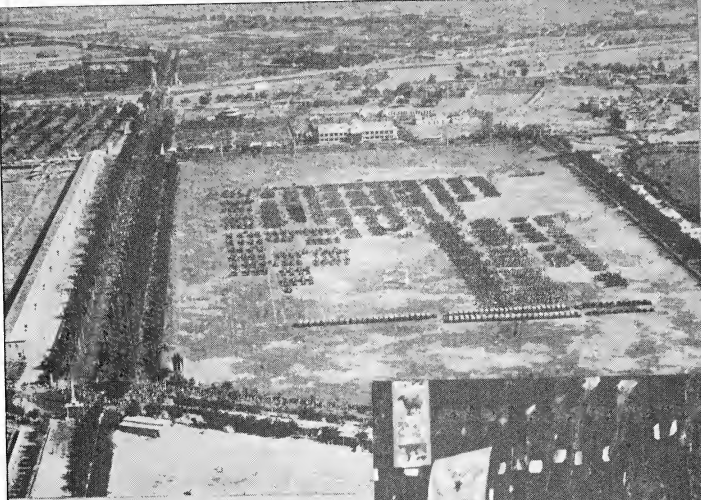
همايونی اعلیٰ حضرت په نندارتون  
کېښ



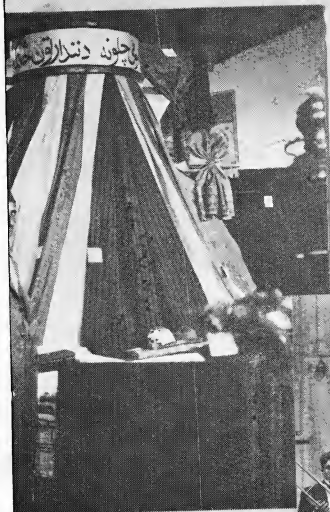
يوازنی صنايع



هوایی فوتو-دخیلوکی  
د جشن درسم گډشت  
منظره



په نندارتون کېږ د قره قلی پوستکوړکی



د موزیک دمکتب یوه ټولنیزه

## د ملی شورا د دوهم کال د څلورمې دورې افتتاح

پر پنځنیم بجو د جوزا په ۲۴ په شاهي سلاخانې کښ د ملی شورا د دوهم کال د څلورمې دورې د افتتاح په مناسبت یو لوی مجلس وشو، ددې مجلس د پاره خورا لوړ ترتیبات او مراسم نیولی شوی وه په دې مجلس کې ج، ع، ج، ا، ا، نینان والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم او نور و محترم وزیر نو او د ملی شورا او مجلس اعیان، جمعیت العلماء معظم اعضاء او ملکی، عسکری او مامورینو شمولیت درلود، د ملو کانه اشرف ذات موکب هم تشریف راوړی او اعلی حضرت همایونی پخپله لور وینا سره د ملی شورا د دوهم کال څلورمه دوره افتتاح و فرمایله د ملو کانه اشرف ذات تروینا وروسته ع، ج عبدالاحد خان د ملی شورا رئیس او وروسته ج، ع، ج، ا، نینان والا حضرت صدر اعظم صاحب هم ویناوی ایراد کړې او مجلس پر (۶) بجې ختم شو.



## د خپلواکۍ ۲۳ کال جشن

د استقلال ۲۳ کال هم لکه د تیر و کلو په ډول ښه لوړ ترتیبات نیولی شوی او د حکومت او ملت له خوائی په خورا مینه او تاوڼه ډول استقبال وشو.

د سنبلي په لمړۍ ورځ چه سم د ټا کلی پروگرام سره د جشن افتتاحی مراسم کیدل او د ملی مامورین او عسکری منصبداران، د ملی شورا، او مجلس اعیان اعضاء او نور مشران اوسپن بزیری چه د مخه د وزارت دربار له خوا د کمار ټو په ذریعه را غوښتلی شوی و و په شاهي سلاخانې کې حاضر وو، او پر ټا کلی وخت باندې د اعلی حضرت همایونی موکب تشریف راوړ او د تشریفاتو ټولگي عسکر او موزیک او د ټولو حاضرینو له خوا د بادشاهی سلام او احترام وکړ شو.

او پر (۸) بجې د اعلی حضرت معظم همایونی په مؤثره او لوړه وینا سره چه د خپورزغ (نشر الصوت) په مرسته د استقلال د (۲۳) کال جشن افتتاح کړ شو، ټولو وگړو د خپل گران ټولواک غواړنا په خورا مینه او مسرت واړویدله.

وروسته اعلی حضرت همایونی د ټولو حاضرینو په ملگرۍ د حضوری چمن د عسکر د تیریدو د کتلو دپاره تشریف یووی او ټول عسکر په خورا انتظام تیر شوو دادپښتانه د غیور عسکر د تیریدلو منظره د ډیری خوښۍ او مسرت وړوه، د ټولو وگړو اود استقلال د میټانو په زړو کې ښې ژورې اغېزې او تاثرات وکړه.

لنډې داچه تر (۶) ورځو پوری سم د ټا کلی پروگرام سره ډول ډول لوبی او مسابقاتي،

ملي اتښونه ، فټبال ، هاكي ، پهلواني اونور ښه ښه نمايشونه وشوه او داملي اختر په خورا خوشۍ اوسرت تېر شو .



## داعليحضرت همايوني په حضور

### دملي شورا دوکيلانو تشرف

دملي شورا دکالني تعطيل په مناسبت، دملی شورا وکیلان دغ، ج عبدالاحد خان دملی شورا رئیس په مشرتوب سره داعليحضرت همايوني دتشرف دپاره ددلکشا ماني ته ورغلل، پرمقرر وخت باندی ج، ع، ج، ا، انبان والا حضرت صدراعظم صاحب اونيم ساعت وروسته اعليحضرت اشرف همايوني ددلکشا ماني ته تشریف وړودی .

اعليحضرت خورا لوړ اوقیت لرونکی نصیحتونه دملت او وطن خدمت کولو په خصوص کی ارشاد وفرمایلو اوداعليحضرت همايوني دلوړو فرمايشونو په جواب کی ۳ تنو کيلانو دخپلو ملگرو په کفالت، په خپلو ويناؤ کی دگران ټولواک سره مينه اودوطن غوښتلو مراتب عرض اوڅرگند کړه .

وروسته ج، ع، ج، ا، انبان والا حضرت صدراعظم صاحب دملی شورا دصمیمانه ملگری څخه تشکر وکی ؛ او وروسته ع، ج دملی شورا رئیس، داعليحضرت همايوني حضورته دملی شورا تشکر عرض کی اومجلس ختم شو .



## داعليحضرت محمدظاهر شاه دميلاد

### اته ویشتم کال

دميزان ۲۲ ورځ چه دافغانستان دگران اومحبوب پاچا اعليحضرت دمیلادورځ وه دپخوا په دود دمايشين نه وړاندی داسو بجو څخه تردوو بجو پوری دکوردیلوماتیک هیئت اوددوونیمو بجو څخه تردرې نیمو بجو دمايشين نه وروسته لښکری او کشوری عالی رتبه مامورین دکتاب دامضا کولو اوداعليحضرت همايوني دټول ددورځی دتبریک دپاره ددلکشا ماني ته تللی وو .



## ۲۳ دمیزان - یا - دوطن

### دنجات نېکمرغه ورځ

دميزان ۲۳ ورځ چه داورځ دافغانستان په ملت ډېره گرانه اوداسی مسعوده او ميمو نه

اوتاریخی ورځ ده چه دافغانستان ملت داورځ دخپلوملی اختر و په شان بختوره او قدرمنه گڼی لکه چه ددې بختوری ورځی قدر او اهمیت دافغانستان ټول ملت ته ثابت او معلوم دی چه په دی ورځ دوطن دافق توری بر دې به نیک مرغی اوسعدت بدلی شوی اوددې محیط څخه نفاق او وینو توپول دوطن دصحبو اخلافو یعنی اعلیحضرت غازي محمد نادر شاه شهید رحمت الله علیه اودهغه دفدا کار ورونو په قوی متو اوصحیح تدایرو له منځه وړک شول .

له دې کبله دافغانستان قدر پیژندونکی ملت ددغه ورځی اود مملکت د صالحو ننگیالو لځمانو دهنه خدمتونو په یادگار کښی چه هیڅکله به ئې داملت هیرنه کړی په دې بختور ورځ دافقدردان ملت جشن کوی او په دغه دخوشحالو اوسعدت څخه ډکو ورځو ټول رسمی اوملی دوائر ترلی وی او دغه ورځ ټول ملت دخپل لوی خدای په شکر اود وطن دمنجی اعلیحضرت شهید رحمة الله علیه په امتنان تیره وی ، ستر کال هم لکه دنور و تیر و شوو کلونو په شان په ۲۳ د میزان ټول رسمی او ملی دوائر که په مرکز کښی وواو که په ولایاتو کښی تعطیل وواو په ډېر صمیمت او احترام خلقو خپل خالصانه ادعیات داستقلال دمحصل اودافغانستان دنجات ورکونکی پرفتح روح ته تقدیمول اود خپل لځلمی پاچا دبختور سیوری لاندی ئی دخپل مملکت دپاره دپاک خدای څخه ددائمی سعادت اوترقی کول سوالونه کول .



## دبې وزلو په باره کښی شاهانه مراسم

لکه دنورو کلونو په شان دافغانستان محبوب پاچا همایونی اعلیحضرت د شاهانه وزارت دربار په توسط د کابل بلدئی ریاست ته یو مکفی مقدار روپی د دې دپاره ولېزلي چه مستحقو نو ته ئې و ویشی .



## دعسکری دافرادو دمعاش ترئید

همایونی اشرف اعلیحضرت تل دملت دپبودی په لاره اود مملکت په لوړتیا دخپل شاهانه ذات دعسکرو دآسوده حالی او هوسائی دپاره مرحمت فرمائی اوهم فرمائی ، لکه چه په دی کال کښی دملکتی بودجی داقضاسره سم یوڅه روپی دعسکری افرادو په معاش کښی ترئید کړی ، چه د شاهانه عساکر په هوسائی اورفاه په خپلو خدمتونو بخت ووی اود معاش دکم والی په سبب په مشکلاتو اخته نه وی .

### يوه لويه ضايعه

هغه لويه ضايعه د عليا حضرتي معظمي ملكي د افغانستان د محبوب القلوب او معظم پاچا مور ففدان دى چه ديكشنبې په شپه په ۹ نيمې بجې (۲۳) د قوس ۵۹۰ كلو په عمر دخپل پاك خداى درحمت په جوار كښ لمخاى ونيو .  
دا محترمه اومعظمه ملكه د ډېر لوى اومحترم شخصيت ميرمنه وه چه تل به يې د افغانستان لوى او فقيد پاچا اعليحضرت غازي محمدنادرشاه شهيد سره د يوى زړه وړى او په وطن مينى ښځې په شان ددې خاورى او اوبو د تخامنو د آرامۍ او آسائش فكر او كوښښ كاوه او په دى لار كښ يې د خلكو د هوسائى اود بې وزلو په مرسته كښ په خپل مال هيڅ صرفه نه كوله او بې درينه به يې خپل شخصى مال د بې وزلو په مرسته اود خلكو په هوسائى كښ لگاوه .



### د پښتنو د معنوى مور جنازه

محترمه ملكه داسى مور اودبڼه خوى ميرمن وه چه ددې په پا كه غيښ كښ لود او جليل القدر ذات همايونى اعليحضرت خلمي پا چارو زلى شوى دى اوددې حميده اولود اوصاف د قاميلي او كورنۍ د لودى تر يې څرگنديږي اود شاهانه دودمان د ښو او غورو عناصرو پوره نښته ده .  
ددې معظمي ملكي وفات اوققدان يو دهنه لويو ضايعاتو څخه و چه دې ملت ته پېښ شو او ددې ملت داويو ، وړو زړونه يې ژوبل او ډېر زيات غمجن كړل ، لكه چه ددې خبرو نشر او اړويدلو سره سم دهر چا زړونه دردمن اوځپه شوه اود افغانستان دهر ي خوا اوهر گوټ اود خارجي ممالكو د افغانستان دسفيرانو له خوا نه تعزیه نامي د شاهانه مبارك حضورته عرض او تقديم شوې اود فاتحي اخستلو مراسم په كړ د افغانستان كښ په خورا ډېر ښه شان وشو .

## د دنیا حینې مهم اشخاص



امیر البحر دارلان دفرانسی دبحر یه  
او داخله ، اوخارجه چارو وزیر ،  
اودصدر اعظم معاون



دوهم جار ج د یونان پاچا



روزولت د امریکا ، د متحده ممالکو  
د جمهور رئیس



د انګلستان صدر اعظم ،  
و نستن ، چرچل



## د دنیا ځینې مهم اشخاص



هتلر جنرال رومل دمخوړ دقواو په قیادت وافر یقانه لېږي



مارشال فون کیتل دالمان دحرب  
د ارکانو عمومي رئیس



مارشال فون بروخیچ ، دالمان دقواو  
قواو پخوانی قوماندان او د شرق  
دمخاډ د یوه اردو او سنی قوماندان

## د دنیا له ځینی مهم اشخاص



مارشال تیمو شنکو د شوروی د سړه لښکر  
قوماندان په اوکراین کی



ستالین د شوروی اتحاد د جمهوریت  
مشر چه د جگړې د شروع کیدلو  
وړسته ټی سر بیر له صدراعظمی  
خخه د مدافعې چاری هم پخپله  
په لاس کی ونیولې



مارشال انتونسکو، درو مانېې صدراعظم



درو شاپوف د لښکر اد مدافع

د دنیا لځینی مهم اشخاص



د ایران نوی پاچاه ، اعلیحضرت  
محمد رضا پهلوی



د ایران مخلوع پاچاه اعلیحضرت  
رضاء شاه پهلوی



لارډ بيور بروك ، د انگلستان  
د ټولو وسلو چودولو نگران



فيلډمارشال مينر هميم ، د قتليند  
د مدافعي وزير

په شمولیت دعقرب له ۱۴ بیاتر ۱۶ پوری په کابل کی راغونډ شوی، اود کافي غور اومشورې په اثر ئې فيصله کړه چه افغانستان د خپلی بشپړې بې طرفۍ وسیاست ته دوام ورکی او له خپلی خپلواکی او ټولو ملی حقوقو او بې طرفۍ او ټولی خاوری څخه دهر متجاوز په مقابل کی په ټولو وساتلو مدافعه وکی . « چه دجر کې دمصوبی متن په دی کالنۍ کی دداخلی واقعاتو په مقاله کس درج سوی ده »

دادی نوچه زموز گران وطن ددې خپلی لوئی اوشکاره اوقطعی فیصلې له رویه چه دقومی روحیاتو اوملی عنعناتو اود مملکت دناریخی اوجغرافیائی محیط له مقتضیاتو سره اوتر ټولو لاتیر دتهذیب اونوع خواهی سره موافق دی، تر نننی ورځی پوری ئې خپله بشپړه بې طرفی عملاً اثبات کړی او غواړی چه په آینده کی هم د هنی ملی فیصلې مطابق وخپلی دې رویې ته دوام ورکړی .



### اوس به ددې کال د دنیا دواقعاتو وخواته ولاړ شو :

د ۱۳۳۰ کال په سر کی جنګ وشرقی اروپا ته ځه وکړه اوبس له هغه چه دایتالیا جنګ مفاد اوزد بنو په بالقان کی دد واړو خواو سیاسی فعالیتونه شدید شول، هر یوه دخپل مفاد دتأمین اودخپل مقابل طرف دزیار عبث کولو دپاره یوه سلسله اقدامات شروع کړه .

هغه وچه له یوې خوا المان ، بلغاریا دخپلی همکاري دپاره حاضره کړه او د المان عسکر درومانیې په شان دبلغاریا په خاوره کی هم ننه وتل اودنحان دهمکاري دپاره ئې خپل پېشنهادات ویو کوسلاویا ته هم وداندي کړه . اوله بلې خوا انگلستان خپل دحرب رئیس ارکان او دحرب وزیرو ترکیې ، یونان او یو کوسلاویا ته ولېږل .

په پای کی که څه هم په لمړی سر کی دیو کوسلاویا حکومت دمحور همکاري ومنله ، مگر په هغه مملکت کی یونظامی کودتا پېس شو چه دنائب السلطنه دعزل اودنوبالغ شاه دقا کل کېدو باعث وگرځېد . مگر المان ددې پېښی په اثر خپلو عسکرو ته دیو کوسلاویا او یونان په خاوره کی دمارش امر ورکړ . اودحمل په میاشت په دې دوو مملکتونو کی دسخت جنګ اورېل شو .

یو کوسلاویا له دې جبهه چه بې خبره اوله څلورو خواو حملې پر کېدلې په یوه هفته کی بې دځه تر هغه چه دمتحدینو مرسته ورورسپړی سقوط وکړ . مگر یونان مقاومت ته اوزه ورکړه او په دې وخت کی (۵۰) زره برطانوی عسکر هم ودې لځای ته راغله . وجگړې ته ئې دوام ورکړ . اما په آخر کی تر دوو هفتو وروسته دمتحدینو عسکر دیونان د جنوبی بندرو له لاری سره دیونان له حکومته دجهاز په ذریعه دکریت وجزیرې ته ولاړل . تردې وروسته المانیانو دکریت په جزیره هم دخپلو پاراشوتی عسکرو هجوم ډېر کړ ، خود جوزا په لمړنیو ورځو کی داوو ورځو تر جگړې نه پس دیونان اومتحدینو عسکر و کریت هم تخلیه کړ . اودیونان باچا وقاهرې اویا له هغه لځایه ولنډن ته ولاړ . په دې وخت کی په عراق کی هم یونظامی کودتا پېس شو . هغه داسی وچه انگلیسانو د المان دپشرفت په سبب دبجر مدیرانې وخواته دهغه قرارداد په مطابق چه له عراقه

سره ټي درلود خپله يوه ټولګۍ عسکر ټي د عراق په خاوره کې پياده کړل - مګر ځکه چې د دې عسکرو توقف وخت پېل شو نو د عراق حکومت د برطانيې حکومت ته ورپه ياد کړه چې سم له قرارداده بايد برطانيه خپل عسکر د عراق په خاوره کې تېر کړي او دانه چې په دې ځای کې په غير محدود صورت پاته سي . د برطانيې او عراق په منځ کې اختلاف دوام وکړه هغه وخت چې د برطانيه ډېر عسکر و بصرې ته راوړسېدل درشيد علي کيلاني او دده دنورو ملګرو له خوا يو نظامي کودتا پېښ شو (۲۱ د حمل)

اونائب السلطنه عزل او اخراج شو - اونوی حکومت د برطانيه د ډېرو عسکرو د پياده کېدو سره خپل عدم موافقت څرګند کړ - د دې خبرې په اثر که څه هم د برطانيه عسکر په بصره کې پياده شوه . خو بيا هم (د ثور ۱۲) تاريخ د حبيبيه په نظامي مرکز کې د انګليسي او عراقي قواو تر منځ تصادم پېښ شو خو جنګ سره ونښت او يوه هفته د دواړو خواوو په لويېمانه جري عملياتو دوام درلود له يوې خوا برطانوي قواو د بغداد لور ته مارش وکړ او له بلې خوا امير عبدالله پخوانی نائب السلطنه له فلسطينه څخه عسکر غونډ او جګړې ته ټي هڅه وکړه - المانيا نو هم خپله همدردی درشيد علي له حکومت سره څرګنده کړه او سم دستې ټي دويشي له حکومت سره د سوريې د هوايي ميدانو غوښتنه وکړه او ځينې الوتکې ټي و سوريې ته راغلي امداد عراق د عسکرو مقاومت د برطانوي قواو د ډېر سخت فشار او د هېڅ خارجي مرستې دنه رسېدو او څه د داخلي مشکلاتو په اثر تر دوو هفته اضافې دوام ونه کړ رشيد علي (د جوزا ۱۰) تاريخ و طهران ته ولاړ - خو بيا و اقری او وروسته ايتاليا او المان ته ټي عزيمت وکړ » او د برطانيه عسکر و بغداد او ټول عراق ونيو او امير عبدالله بيرته نائب السلطنه شو او د انګليستان سره د جري اتحاد تړون وکړ بالمقابل وروسته تر هغه چې څرګنده شوه چې دويشي حکومت و المانيا نو ته په سوريه کې د هوايي ميدانو اونور امتيازات ورکړي دي د انګليس او آزادو فرانسويانو عسکرو پر سوريه حمله وکړه او تر شلو ورځو جګړې وروسته فرانسوي قواو تسليم شول او سوريه د متحدينو له خوا اشغال او د سوريې او لبنان آزادی دملي جمهوريتو په صورت اعلان شوه .

په هم دې موقع کې د انګليس عسکر په شرقي افريقا کې له هرې خواتر عرض شړ و غ او د حبشه په غرب او شمال اواری تريا اوسوما کې د برطانوي او ايتالوي عسکرو تر منځ سخته جګړه ونښته په نتيجه کې سره د دې چې ايتالوي عسکر چې د دباندي سره ټي موصلاتي لاري قطع شوي وې سخت مقاومت کاوه خو بيا هم انګليسي قواو ايتالوي ځايونه يويه بل پسې ونيول او د ايتاليا آخريته ټولګۍ عسکر د اولشفيټ په کوهستان کې د زړې مياشتې د محاصرې په حال کې وه ، او په آخر کې (د قوس) د مياشتې په ۹ تسليم شول . او هيلاسلاسي د حبشي امير اطور چې د حبشه په خاوره کې له ډېرې مدي راهيسې په عملياتو اخته و پياد حبشه پر تخت کېښاست .

(او د دلولی) په مياشت انګليستان دده سلطنت د يووالي د قرارداد په موجب په رسميت وپېژاند .

په ليبيا کې هم د جګړې مدوجز دوام درلود ، وروسته تر هغه چې د محور عسکر و د الماني جنرال رومل تر قيادت لاندې برطانوي عسکر چې د يونان د جنګ له مخه تر بنغازی پورې رسيدلي وه . بيرته ټي دمصر تر سر حده پر شاوشرل ( انګليسانو د دې علت دابلې چې دوی خپل عسکر له دې ځايه څخه ويونان ته لېږلي وه .) بالمقابل انګليسي قواو د جنرال آکن لېک تر قيادت لاندې چې وروسته تر هغه چې

# د دنیا واقعات

۱۳۲۰

ښاغلی سید قاسم «رشتیا»

هغه څه چې پېښ یېنې ئې کېدله، په ۱۳۲۰ کال کې نه یوازې داروپا جنګ پاتې ته ونه رسېد، بلکې دهغه لمن پراخه اوښتې ئې ډېر شوی دی. او دسوی اورلېنې ئې له غره څخه و شرق ته تر لیرې شرق اولیرې غرب پورې رسېدلی دی.

ګواکې نوې دنیا اوږده دنیايي ټوله ونیوله او پدې هله کله کې ډېرو مملکتو خپلو اکې له لاسه ووتې. او هغه ممالک چې خپله بې طرفې ئې ساتلې ده، هم ددې جهان سو خوونکي جنګ دغېر مستقیمو صدماتو څخه لږو ډېر متأثر شوی دی او د بین المللی مواصلاتو قطع کېدو له امله د بین المللی روابط په تېره بیا د اقتصادي او عمراني پلوه ډېرو مشکلاتو سره مخامخ شول.

اوس ددې نوي کال (۱۳۲۱) په سر کې هم تر کومه لویه څه موږ د جهان ودې په وینو لږ ند اوتور افق ته ګورو. د کوم فوري بهبودامید نه لیدل کېږي. فقط اوس یو لوی پاک خدای په خپل لطف او مرحمت اوسې چون قدرت کولای شي چې بشریت لدې سو خوونکي اوره څخه وساتي او دادي چې ټول هغه افراد چې له خپل نوع سره دوستي لري او هغه ملل چې امن ئې خوښ وي هم دغه دعا کوي. دغه تر هغه چه زه د دنیا له ډک واقعات چې پدې کال کې پېښ شوي دي، وليکم، لمړی باید دخپل ګران وطن دخارجي سياست گذارشات او بین المللی وضعیت په لنډه طور بیان کړم:

افغانستان چه ددې جهان سو خوونکي جنګ له ابتدا څخه دخپلي کاملې بې طرفي اعلان کړی و اوددې بې طرفي په ساتلو او ادامه کې ئې جدا زیار وېست. په تېر کال کې چه جنګ د شرق ولورته متوجه شو، دانګلستان او شوروي دولتو د محور د اتباعو اېستل دخپلوی په ډول دخپل اطمینان د ډېر والي په غرض له افغانستان نه څخه غوښتنه وکړه ز موږ متبوعه حکومت تر کافي غور او مشوري وروسته چه دشورای ملي دصلاحت دار کمیسیون سره وشوه محض دخپل ښه نیت داثبات دپاره دالماني او ایټالوي مستخدمینو په وتلو چه اکثره دلارو د بندوالي په سبب بیکاره پاته وه رضاشو، او هغه تبعه نژدی دوو سوو تنو ته د برطانیې د حکومت په ضمانت محفوظ او سالم و تر کيبي ته ورسول شوه. ز موږ پوه حکومت دالزام و ګڼل چه یوه لویه ملی جرګه د هر ډول ممکنه پېښ آمد په مقابل کې د مملکت دخارجي سياست د ثباتولو دپاره راوغواړی اومشوره ور سره وکړې. هغه وچه دالو په جرګه د مملکت د هر لځای او د ملت له انتخاب شوو یوزر تنو

جنرال واول دهند په عسکری قوماندانی وټا کړل شو ، ده دنړدی شرق دجری چارواکی پخپل لاس کی ونیولې تر شین میاشتو تیارۍ نه پس په داسی حال کی چه تبروک ئې د المانی قواو د محاصرې په حال کی ساته (دعرب په ۲۸) تاریخ ئې حمله شروع کړه ، دټا نکو تر ډېری جگړې وروسته جنرال رومل ویرشا کېدو ته پیل وکړ او برطانوی قوا بیاتر بنغا زی بلکه تر اجید دایا او العقیله یعنی د (سیرت) د دښت تر پایه پر مخ ولاړل مگر د شلو ورځو تروقې وروسته بیا د محور وعسکرو ته مرسته راوړسېدله او ددلو په میاشت ئې بیرته برطانوی قوا تر الغزالي پوری پر شاوشرل - او دفتاً په دې منطقه کی دواړې قوې یو دبل ومقابل ته ودرېدلې نو گوره چه بیا به کومه یوه په حمله کی پیش دستی وکی - ددې جنگ په ضمن کی یوه بله لواقعه په شرقی اروپا کی پیښه شوه چه دهغه دروس او المان جگړه وه چه (دسرطان) په اول تاریخ شروع شوه ددې جگړې علل ددوی یو دبل پر غاړه سره اچوی ، المانیان دشوری عسکرو ته مرکز په شرقی سرحدو باندی د المان اود اروپا د جنوب شرق دنورو مملکتو د تعرض دپاره بللی دی او خپل اقدام ئې ددې حملې دپیش دستی په نامه ښودلی دی بالمقابل روسیان د آلمان سره دخپلور شتنیوروا بطو ټینګوالی بیانوی اود المان حمله یو ناحق تجاوز بولی - په هر صورت ، خو چه د المان او روس په منځ کی جگړه شروع شوه ، انگلیسان سم دستی وشوړوی دولت ته خپل اتحاد وړاندی کړ - او په داسی حال کی چه ددواړو خواولوی قواوی دبحر بالتیک او بحر سیا تر منځ په ۲۰۰۰ میله یوه جبهه کی سره مخامخ شوی وې دشرقی اروپا دولتو نه له فنلینډه نیولې تر سلوا کیې ، رومانیې ، مجارستان او ایټالیا پوری حتی فرانسیس او اسپانیولی رضا کارانو د المان سره دشوری پر خاوره یرغل وروړد - بالمقابل په خورا بېرته چرچل دروزلت د ملاقات دپاره وبحر اطلس ته سفرو کړ - د دواړو زامدارانو یوه لود همکاري نقشه طرح کړه - او یوه اساسنامه ئې چه دملتو او تجارت دآزادی اود دیمو کراسی دراتلونکی حکومت دطرز دآزادی اته نکتې پکښې وې وضع کړه - اوضماً ئې دروسیې سره دمرستی کولو تصمیم وکړ یو هیئت ئې و مسکو ته ددې دپاره ولېزه چه دروسیې احتیاجات ولخان ته معلوم کړی - اوڅه چه دې هیئت له انگلیستان او اتانزونی څخه غوښتی دی تر ننه پوری دادواړه مملکتونه دهغه په تهیه کی ډېر زیار باسی او خپل وس نه سیموی دحاربی په درولم یو میاشتو کی د المان قواوسره ددې چه سرو لښکرو شدید اوجدی مقاومت کاوه دشرق په ټوله جبهه کی پر مخ رهی او په پیشرفت کی وه . دروسیې غریبی ولایات لکه د بالتیک ممالک ، کرلیا ، سین روسیه او په آخر کی د کریمیا او یو کر این او په برخه ئې ونیوله ، لنینګراد ئې احاطه اومسکو ئې نیم محاصره کړ او په جنوب کی د المان عسکر وروستوف ته چه دقت درلورونکی قفقاز سردی ورسېدل - اما سره دژمی شروع کېدو اود سره قشون دنوې تکره توب په اثر چه قیادت ئې په خپله ستالین پر اوږه واخیست دجنگ وضعیت تغیر وموند - روسیانو جوابی حملو ته لاس ورته کړ او المانیانو پر شاتګ شروع کړی - چه په نتیجه کی مسکو له محاصرې خلاص اوڅه قسمت له یو کړ این او کریمیا څخه مستردشو او تر اوسه هم په ټوله جبهه کی دروسیانو حملې دوام لری - بالمقابل د المانی - عسکرو د پر شادتګ په وخت کی هیڅ بې نظمی پېښه نه شو - او دروسیې سخت ژمی ئې په هر ډول چه و ، وپای ته ورساوه ، اوس چه پسرلی شو المانیان دخپلو لویو او فیصله

## د دنیا حیښی مهم اشخاص



جنرال توزو دجاپان صدر اعظم



د عراق پخوانی صدر اعظم  
رشید علی گیلانی



جنرال مکار تر د فلپائن مدافع  
اود متحدینو د قوی اوسنی قوماندان  
د اتراک پرقبه کی



جنرال آ کن لیک ، په منځنی شرق کی  
د برطانیې د عسکرو قوماندان



## د دنیا جینی مهم اشخاص



نحاس پاشا دمصر رئیس الوزرا



فیلد مارشال سانگرام ، د تایلنډ  
صدر اعظم



سټیفر دکرېس ، د برطانیې  
د حربي کابينې نماينده دهند دحل  
طلبی مسئلې دپاره چه هند ته راغلی و  
اوبی له نتیجی بیرته ولاړ

کونکو حملو خبرې اترې کوی ، حتی هتله هم په خپلو ویناو کې ویلي دي - او نو له دنیا ددې حملو و شروع کېدو ته منتظره ده . د المان او شوروی تصادم چه د جگړې مخ کې عملا د شرق ولورته راوگرځاوه نور عکس العملونه کې هم پېښ کړه ، چه یوله هغو څخه دایر ان دنیولو قضیه ده - انگلیسانو او روسیانو د شرقی محاذ د جگړې له ابتداء د څو المانیا نو وجود د ایران په خاوره کې خطر ناک باله او ددوی ایستل به کې دایر ان له حکومته غوښته . بالمقابل د ایران دولت د اړ وړ کاوه چه د محور د اتبا عوښپن ډېر نه دی او څه دی هغه هم تر دقیق کنترول لاندې دی - مگر دې ډاډ د متحدینو قناعت حاصل نه کړ - خو په آخر کې مسئله تر مذاکراتو تېره شوه او (په اسد) کې د انگلیس او شوروی عسکرو دایر ان پر خاوره تجاوز وکړ او د دواړو دولتو سفیرانو د خپلویاد داشتو په ضمن کې خپل ددې مسلح اقدام مجبوریات څرگند کړ . ایراني قواو په هر لحای کې د جزوی کودتاو مقابله شروع کړه ، خو په طهران کې د پورته مملکتو سفیرانو د ازیار یوست چه دایر ان له حکومته سره ویوې موافقې ته ور سپړی او ددې په اثر چه څنگه د محمد علی فروغی تر ریاست لاندې کابینه تشکیل او په مذاکر اتو ماموره شوه .

د جگړې په دری بڼه ورځ کې د دو لټینو سره خبر اترې شروع کړې او د جگړې د پریښو او اعلان کې وکړ او ایراني قواو له مقابلي څخه لاس واخیست . د متحدینو عسکرو دایر ان د غرب او شمال محکمې د طهران تر شاوخوا پوری ونیولې او د لټینو خبر و اترو په نتیجه کې داسې موافقه حاصله شوه چه د محور تبعه دی و انگلیسی او شوروی قواو ته وسپارل شې ددوی او ددوی د متحده ممالکو سیاسي نمایندگان دی و نیستل شې او تر هغو پوری چه د وضعیت تقاضا وی د متحدینو عسکرو به د ایران په لټنو مختلفو برخو کې اوسی او د ایران د مواصلاتو څخه استفاده کوی دې پېښې دایر ان پر داخلی وضعیت هم یوه ناوړه اغېزه وکړه چه د سیاسي بحران په اثر اعلیحضرت رضا شاه د (سپېلي په ۲۵) تاریخ له سلطنته لاس واخیست له مملکته اووت - او اعلیحضرت محمد رضا پهلوی دده ولیعهد پر تخت کېښاست او د اداری په طرز کې لوی لوی تغییرات پېښ شوه وروسته تردې د انگلستان او شوروی او ایران تر منځ دیو والی د قرار داد اساس کېښوول شو - د (دلوې په ۱۰) تاریخ دایر ان بارلمان دا تصویب کړه .

چه ددې قرار داد په موجب ایران د پورتینو دو لټو سره متحد او ددې خاوری د دفاع به دولتین پر خپله اوبزه اخلی - او تر عمومی صلح ۶ میاشتې وروسته به د دو لټینو عسکرو دایر ان خاوره تخلیه کوی او د صلح په کنفرانس کې وایر ان ته مساوی حق ورکول کېږی -

نو دایر ان تر نیولو وروسته دایر ان مواصلاتی لاری د متحدینو د گټې دپاره استعمال شوي او د اصلاح او ارتوالی دپاره کې ترتیبات ونیول شوه - چه وروسته ته د امریکا او برطانیه د مرستې لویه برخه له هم دغولارو څخه استول کېږی -

تر دې وروسته په ایران کې یو سیاسي بحران پېښ شو چه علی فروغی استعفاو کړه او د چارواکي علی سېلی په لاس کې ونیولې -



ددې کمال یوه بله مهمه پېښه د انگلیسی او امریکا سره د جاپان جگړه ده چه (دقوس په ۱۷)

# غلطنامہ

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۰۵	۲	ترجمہ نیاغلی پژواک	اثر نیاغلی پژواک
۱۲۷	۵	شاه	پادشاه
»	»	بالکھ	بلکھ
۱۲۸	۲۲	پیشداوی	پیشدادی
۱۶۵	۱۴	میگوید	میگوید
۱۶۶*	۱۸	ظہر الدین	ظہر الدین
۱۷۰	یاورقی	مصرر	مصور
۱۷۷	۱۴	سنائی یک	سنائی یکی
۱۷۸	۱	غربی نہر	غربی شور
۱۸۴	۱۹	زہ ، زما	زہ ، ما
»	۲۴	برای نستیہ	تثنیہ
۱۸۵	۱۵	غود بیخی	غود بھشن
۲۱۷	۱۱	درخود	درخور
۲۱۸	۵	قریہ	قریہ
۲۲۶	۱۲	ازفرن	درفرن
۲۳۴	۹	کھسال	کھسان
»	۲۱	گوری ویل	گوری دیل
۲۳۵	۱۶	دوربان	درزمان
۲۳۶	۱۱	غلیک	نملیک
۲۵۱	۸	ار	وار
۲۵۶	۲۹	تہرنگک	پہرنگک
۲۶۵	۲۹	میدان تہ	میدان تہ
۲۷۵	۳۲	زیاتیزی	زیانیزی
۲۷۹	۲	راسالیب	اسالیب

## د کابل کالنی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
صفحه ۲۲ د دنیا واقعات	۱۲	مفاد او زد شو	اوزد شو
»	۱۹	باعث و کړئید	باعث و کړئید
»	۳۰	مدیرانی	مدیرانی
۲۹۷	۵	تراجید دایا	تراجیدایا
»	۹	علی ددوی	علی دوی
»	۲۷	اماسره دژمی شروع کیدو	امادژمی شروع کیدوسره
۲۹۸	۳۲	دانگلیسی	دانگلیس
۲۹۹	۸	ددولتینو دناراضی	ددولتینو ناراضی

## فهرست مندرجات سالنامه

۱۳۲۰

### الف : مضامین

مضمون	صفحه	مضمون	صفحه
د کابل لسمه کالنی	۱	تشکيلات وزارت معادن	۱۹
د افغانستان باد شاه	۲	» ریاست زراعت	۲۰
تشکيلات مملکتی ( صدارت عظمی )	۳	» » مطبوعات	»
» وزارت حریبه	۵		
» » خارجه	۹	<u>ولایات و حکومتات اعلی :</u>	
» » داخله	۱۱	تشکيلات ولایت کابل	۲۲
» » عدلیه	۱۲	» » قندهار	»
» » مالیه	»	» » هرات	۲۳
» » معارف	۱۳	» » مزار شریف	۲۴
» » اقتصاد	۱۵	» » قطغن و بدخشان	۲۵
» » فوائد عامه	۱۶	» » مشرفی	۲۶
» » صحیه	۱۷	» » جنوبی	۲۷
» » پست و تلکراف	۱۸	» » حکومت اعلی میمنه	»

مضمون	صفحه	مضمون	صفحه
تشکيلات حکومت اعلى فراه	۲۸	امور شورای ملی	۱۱۵
» دوائر ملی ( شورای ملی )	۲۹	» اعیان	»
» مجلس اعیان	۳۴	» د افغانستان بانک	»
» دوائر حضور ( وزارت دربار )	۳۶	» بانک ملی	۱۲۰
» دارالتحریر شاهی	۳۷		۲
<u>اجرا آت دوائر مملکتی :</u>		<u>مقالات :</u>	
امور حریبه	۳۸	مدوحین شاهنامها	۱۲۱
» خارجه	۴۰	گلپهای کوهی	۱۳۳
» داخله	۴۳	کارخانهای افغانستان	۱۴۴
» عدلیه	۵۷	آبدات و مزارات غزنی	۱۶۲
» معارف	»	نکته چند درگرامر و لغت پښتو	۱۸۲
» اقتصاد	۸۰	مزایای بدیعی پښتو	۱۸۸
» صحیه	۸۱	دریبه برخه میاروښان	۲۰۳
» مالیه	۹۳	فهرست شهرهای افغانستان	۲۱۷
» پست و تلگراف	۹۴	پښتون	۲۳۸
» ریاست مستقل زراعت	۹۹	د پښتو نثر	۲۵۱
» » » مطبوعات	۱۰۳	داخلی مهم وقائع	۲۸۰
		د دنیا واقعات	۲۹۶

ب : تصاویر

تصویر	صفحه	تصویر	صفحه
اعلیحضرت اشرف همایونی	مقابل ۲	از مقرریهای مهمه وزارت حریبه (۴) قطعه مقابل ۴۴	
ج ، ع ، ج والا حضرت صدراعظم صاحب	۴	» » » » داخله » » » »	
ع ، ج ، ا ، ا نینان والا حضرت		» » » » » متفرقه » » » »	
وزیر صاحب حریبه	مقابل ۶	پښتانه فازغ التحصیلان	۳ » » » »
ع ، ج والا حضرت سردار شاه ولیخان مقابل ۱۰		پلوتی شا گردان د علمی درس په وخت کی	» ۵۲
ع ، ج والا حضرت وزیر صاحب معارف	» ۱۲	میخانیکي شا گردان درو میو نامی الو تکی	
ع ، ش » سردار محمد داؤد خان	» ۳۸	د کار په وخت کښ	مقابل ۵۲

## د کابل کالنی

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
میتا نیکی شاگردان د هیند وادرو میونامی		۵۲	مقابل ۵۲
الوتکی و مخ ته		۵۲	مقابل ۵۲
والا حضرت وزیر صاحب حریه دهوائی مکتب		۵۲	مقابل ۵۲
شاگردان کوری		۵۲	مقابل ۵۲
دروغتیا او بیطاری د کورس دلمړۍ دوری		۵۲	مقابل ۵۲
شهادتنامې وروپشلی کپزی		۵۲	مقابل ۵۲
د کورس عالی دمداو مینو د دوهمی دوری		۶۰	مقابل ۶۰
ټولگی فارغ التحصیلان		۶۰	مقابل ۶۰
دیلو ضابطانو د تعلیمگاه دلمړۍ دوری یوه ټولگی		۶۰	مقابل ۶۰
فارغ التحصیلان د خپلو معلمینو سره مقابل ۶۰		۶۰	مقابل ۶۰
دقند هار عسکری قوماندانۍ او نور لخوا یوه		۶۰	مقابل ۶۰
۴ قطعه مقابل ۶۰			
دراډیو موسیقی د کورس یوه ټولگی متعابین		۲	مقابل ۱۰۶
هغه ذوات چه د کابل کالنی سره ټی فلمی		۲	مقابل ۱۰۶
مرسته کړیده (۱۲) قطعه مقابل ۱۳۲ و ۲۰۲			
دچنداول معاينه خانه	»	۲۱۶	
سوی پل (پل سوخته)	»	۲۱۷	
دملی لوټی جرگې منظره (۲) قطعی مقابل ۲۸۰			
والا حضرت شهزاده محمد نادر جان	»	۲۹۰	
د ۲۳ کال د خپلواکۍ جشن (۶) قطعی	»	۲۹۲	
د دنیا یحینی مهم اشخاص (۲۲)	»	۲۹۶	
رنگه عکسونه (۲) قطعی			



تاریخ شروع شوه - د موجوده جنگ له سره څخه بلکه تر هغه لاندېه جاپان د محوري د دولتو په قطار کې لځای نیولی و ، دانګلیس او امریکا سره ګډې ورځ په ورځ مناسبات خړېدل -

په تېره بیا په تېر کال کې تر هغه وروسته چې انګلیس او فرانسه په غربي محاذ کې په جګړه اخته وه ، جاپان په فرانسوي هند چین کې بحري او هوايي مرکزونه او هم دغه رنگه د برما او چین دلاری بندول ګډې له انګلستان نه څخه وغوښته .

له هغه نه پس د جاپان د عسکرو تنګ و فرانسوي هند چین ته او بیا د تا یلیند او هند چین په منځ کې د جاپان بګاښ اود جاپان غوښتنې له هالیندی شرق الهیند څخه او بالاخر په چین کې د جاپان اقداماتو همیشه د دو لټینو د ناراضی راغونډوله .

خو بای ګډې دا شو چې وروسته تر هغه چې المان پر شوروی حمله شروع کړه ، انګلیس او امریکا د جاپان و اقتصادي محاصرې ته هڅه وکړه - خو وضعیت یو بحراني شکل پیدا کړ . جاپان د محاصرې له سیاسته پر شا کې و ، او د اعصابو تر یوه سلسله جنګو وروسته نو کیو ( د عقرب په ۱۷ ) یو فوق العاده نماینده ( کوروسو ) و واشنگتن ته د مذاکرې د پاره واستاوه - او کوروسو د عقرب په ۲۶ و واشنگتن ته ورسېد ، هلته په مذاکره بوخت شو -

د امریکا حکومت د برطانیه حکومت په مشوره خپل قطعي شرطونه د جاپان و نماینده ته وړاندې کړه او په هغه کې ګډې دخپلې ممکنه موافقې اساس داسې څرګند کړی و ، چې جاپان دی د محور له اتحادیه ووزی اود چین له جدید تشکیل حکومت دی صرف نظر وکړی او هند چین دی پرېږدی .

که څه هم مذاکرات خو واره وشلېده او بیا بیرته سره پېوند شوه او د ټولو دا ګمان و چې په پای کې به یوه مشترکه زمینه میدان ته راووزی - مګر ناڅاپه ( د قوس په ۱۷ ) په شپه

خبرې اترې پرې کړه شوي او جاپاني قواو په شرق اقصی کې د انګلیس او امریکا پر متصرفاتو سخت یرغل وکړ په لمړۍ حمله کې ګډې د هواوای او سنگار پور او ها نکانګ حربي مرکزونه ترمرګ اوورولو لاندې ونيوله او سخته ګله باری ګډې پرو کړه او پر دې سربېره

ګډې د ملا یا او فیلیپین په خاوره او دویک او مدوی پر جزېرو عسکر پیاده کړه ، او په شنګهای او د چین په نور و بین المللی ښارو کې ګډې د انګلیس او امریکا امتیازي منطقي اشغال کړي

د جاپان عملیات داسې شدید او ژر او غیر منتظر وه چې په لمړیو حملو کې ګډې د متحدینو

وهواوای او بحري مرکزونه خورا سختی صدمې ورسولي او جاپانیانو چې هر لځای غوښته په موافقه نه ډول ګډې عسکر پیاده کړه - او په پنځلس ورځو ګډې ها نکانګ په یوه میاشت ګډې منیلا د فلپائن مرکز او د هغه شاوخوا ډېری جزیرې او په دوې میاشتی ګډې ملا یا او سنگا پور او

په درې میاشتی ګډې د برما مرکز رنگون او په درې نیمې میاشتی ګډې ټوله هالیندی شرق الهیند سره ددې چې متحدینو سخت کوښښ کاوه ونیول - اوس په فیلیپین کې د بتان شبهه جزېره

او د بحر الکاهل په جنوبی رقبه کې استراليا او نیوزیلیند او د هواوای جزېرې د متحدینو په لاس کې پاته شوي او د جاپان عسکرو د برما په خاوره کې د شمال او غرب وخوا ته فشار راوړد او پر استراليا باندې د حملې انتظار ورځ په ورځ نژدې معلومېږي - وروسته تر هغه چې

جاپان د انګلیس او امریکا پر مقابل د جنګ اعلان وکړ ددې دواړو د مملکتو اتحادی

## د ملی دوائرو تشکيلات

### د ملی شورا عالی ریاست

- رئيس : ع ، ج عبدالاحد خان  
 لمړی معين : ع ، ص محمد الیاس خان  
 دوهم معين : » ، سلطان محمد خان  
 منشی : » ، عبدالمطیف خان  
 معاون : ص ، محمد انور خان  
 د مجلس د خاڼګی  
 سرکاتب : » ، محمد داؤد خان  
 د کنترول مامور : » ، محمد حسین خان

### وکیلان :

- د کابل د مرکز  
 وکیل : ع ، سید جلال الدین خان  
 د شش کړوهی  
 وکیل : » ، عبد الاحد خان  
 د پغمان : » ، » ، محمد علیخان



ع ، ج عبدالاحد خان د ملی شورا رئیس  
 S.Ex. Abdul Ahad Khan président  
 du Conseil National,

- |                 |      |                           |
|-----------------|------|---------------------------|
| د لوګر          | وکیل | ع ، حاجی محمد ابراهیم خان |
| » وردک          | »    | » ، محمد سرور خان         |
| » میدان         | »    | » ، خان شیرین خان         |
| » سروبی         | »    | » ، میر احمد خان          |
| » چهاریکار      | »    | » ، محمد کبیر خان         |
| » جبل السراج    | »    | » ، میرزا ملک شاه خان     |
| » کوهدامن       | »    | » ، میر حیدر خان          |
| » ریزه کوhestان | »    | » ، عبدالاحد خان          |
| » نګاب          | »    | » ، محمد فیروز خان        |
| » نجراب         | »    | » ، غلام نقشبند خان       |
| » سیغان و کهمرد | »    | » ، محمد یوسف خان         |
| » پنجشیر        | »    | » ، محمد ابراهیم خان      |







## د افغانستان پادشاه

د افغانستان معظم شهریار اوزلمی ټولواک اعلیحضرت محمدظاهر شاه خلدالله ملکه و احوال الله عمره ودولته - چه همایون ذات ښکال دخیل شریف ژوند په اووه ویشتمه مرحله کېښ پټه زدی -

همایونی ذات ۱۲۹۳ هجری کال دمیزان پر ۲۲ په کابل کېښ زېږېدلی دی . وروسته چه دده سن دتعلیم مقتضی شو نویه مقدماتی اومنتحنی مکتبواوبالاخره همایونی ذات خپل تحصیلات دکابل په عالی مکتبوکېښ وپای ته رسولی دی - هغه وخت چه دده فقید اوماجد پلار اعلیحضرت محمدنادر شاه کبیر دافغانستان په سفارت وپاریس ته ولاړ ، همایونی ذات هم دهنه فقید شهر یاره سره دهمه تحصیلاتو دپاره فرانسه ته تشریف فرمای شو - دفرانسوی ژبی او عالیو علومو تحصیل ښی دهنه مملکت په مختلفو رشتو او عالی مکتبو اوپوهو کورنیو کېښ وپای ته ورساوه - او دوطن دداخلی مسائلو په شاوخوا کېښ ښی خصوصی روزنه ، اوملی اخلاق اودوطن په نسبت دلازمه مطالبو ادراک او خصائص ، له خپل بزرگوار پلارڅخه حاصل کړه .

دافغانستان دلولی شورش تربیثی وروسته (چه دهنه نجات دهمایونی ذات دشهید پلار په حق پالونکی لاس څر گندشو) بمدوح اعلیحضرت چه په هغه مملکت کېښ دده تعلیمات وکمال ته رسېدلی وه - اودوطن دخدمت دپاره مستعدو ، ۱۳۰۹ شمسی کال دمیزان په ۲۰ و کابل ته تشریف فرمای شو - محض دهنه عشق په اثر چه دافغانستان دعسکری عالم سره ښی دلړلو ، او دبرر گت پلار د سنیو سنت په تعقیب دکابل دنظامی دعالی تعلیمگاه په عسکری څانگه کېښ شامل شو - په ۱۳۱۰ شمسی کال ښی دوالاحضرت سردار احمد شاه خان ددربار وزیر دشهید اعلیحضرت داکازوی دمعظمی لور سره ازدواج وفرمایه - اودهمدغی سنی په اخیر کی خوموده دحرب دجلبیله وزارت په کالت اویاد معارف دوزارت په کالت مؤظف و .

په دې دواړو وزارتو کی دهمایونی ذات فطری استعداد اود ذاتی قابلیت دوظیفې داجر ا کولو اوښی ادارې له رویه ښه څر گندشو -

په ۱۳۱۲ کال یعنی دشهید شهریار ترشهادت وروسته دعقرب په ۱۶ دملت دلویو و کبلانو اوټولو عسکری او کشوری افرادو په غوښتنه اوافاق دافغانستان پاچاشو . ښکال ددې زلمی شهریار دجلوس نهم کال دی .

### د همایونی اعلیحضرت اولاد :

- ۱ - شهزاده بیگم بلقیس
- ۲ - والا حضرت شهزاده محمد اکبر خان ؛ - « د زېږېدو نېټه دحمل ۲۸ سنه ۱۳۱۱ ش »
- ۳ - والا حضرت شهزاده احمد شاه خان ؛ - « د سنبلې ۲۱ » ۱۳۱۳
- ۴ - شهزاده بیگم مریم ؛ - « دعقرب ۱۰ » ۱۳۱۵
- ۵ - والا حضرت شهزاده محمد نادر خان ؛ - « دجوزا ۳ » ۱۳۲۰

روابط تر پخوانۍ ټینګه شوه او سم دستی چرچل دروزولت د ملاقات د پارو او شکنج ته ولاړ د دواړو خواو اړکان حرب یوه د همکاري نظامی نقشه طرح کړه او هم ضمناً چرچل و کانا ډاته مسافرت وکړ او د امریکایه پارلمان کی ئې د مملکتینو دیو والی په شاوخوا کی وینا وکړه - په هم دغه وخت کی ایډن د انگلیس د خارجه چارو وزیر په مسکو کی و او د شوروی او انگلیس د همکاري او اتحاد تړون د جنګ په وخت کی او تر جنګ وروسته طرح کېده - هغه وخت چه جنګ د هند و سرحداتو ته نژدې شو د هند او چین په روابطو کی د بړنژد هوای پیدا شو او چیا نګ کای شیک و دهلی ته مسافرت وکړ - د انگلیسی مامورینو او دهند د سرغنه و سره ئې وکتل او دهند ځینی لځایونه ئې معائنه کړه او دواړو خواو د چین او هند د مقصد دیووالی او دسرنوشت د ارتباط مظاهرات سره وکړه .

هم دغه ډول د برطانیه حکومت و هند ته د جنګ نژدې کېدو په نسبت سرسټیفر د کرپس دحربی کابینې عضو دنوی پروژې سره دهند د قضیې دحل کولو دپاره و هند ته واستاوه - چه مستقیماً دهند له سرغنه و سره خبری اتري وکړی او یوې اطمینان بخشونکې نتیجې ته ورسېږی او هم په هند کی دفاعی ترتیبات په لویه پیمانه شروع شوی دی - له بلی خوا ( دقوس په ۲۰ ) تاریخ المان او ایطالیاهم د امریکا و متحدو ممالکوته د جنګ اعلان ورکړ او تایلیند هم دجایان پر خواشو او بالمقابل د امریکائی دولتو کنفرانس ( دجدي په ۲۵ ) تاریخ په رایو دی جنېرو کی منعقد شو اوله محوره سره ئې د امریکائی دولتو د روابطو پر پکول تصویب کړل . او امریکائی ډېرو دولتو دجایان او المان او ایطالیاهم مقابل د جنګ اعلان وکړ او خپله همکاري ئې د اتا زونی د متحدو ممالکو سره خرگند کړه - خو یوازی دجایان او شوروی روابطو څه فرق نه دی پیدا کړی تراوسه د دواړو خواو اتحاد د بیطرفۍ د هغه لس کلنی تړون له رویه چه د تېر کال په پای کی هغه وخت چه متسو کا دجایان د خارجه چارو وزیر په مسکو کی لاس لیک کړی و ، دوام لری .

\*\*\*

یو بل د بیطرفه مملکتو څخه د ترکیې مملکت دی چه که څه هم ورځ په ورځ د جنګ لمبی پی وسرحداتو ته نژدې کیږی خو تراوسه ئې خپله بې طرفی ښه ساتلی اوله دواړو خواو سره دوستانه روابط لری . او په عین زمان کی خپل عسکری او اقتصادی شتون تقویه کوی . او مصر هم د برطانیې سره خپله پابندی په خپل اتحادی تړون خرگنده کړې ده امداد کال په پای کی هلته هم یولنډ سیاسي بحر ان دپورته معاهدې د مقرراتو پر تعبیر او تشکیلاتی مسائلو باندی پېښ شو چه د هغه په اثر د فو د حزب د مملکت چاروبه لاس واخست او نجاس پاشا کابینه تشکیل او خپله پابندی ئې د اتحاد په تړون له کابینې سره اعلان کړه . امداد مصر په داخلی چارو کی ئې د برطانیې نه داخلیده وغوښته او نوی انتخابات ئې اعلام کړه هم دغه رنگه په اروپا کی دویسی دولت تر هغه وروسته چه سوریه ئې له لاسه ووتله او هند چین نظامی حفاظت ئې وجایان ته وسپاره د خپلو نورو مستعمراتو دساتلو دپاره ډېر زیار باسی او خپله د بې طرفۍ وضع ساتی او د دواړو خواو ته ئې د خپلو مستعمراتو او بحریې او نوری دارائې پریشودل منع کړی دی - هم دا ډول اسیانیه او پرتګال سره ددې چه ددوی پر منافعو ډېر فشارونه له هری خوا واقع شوی دی تراوسه پوری بیطرفه پاته دی . ( پای )

د بامیان	وکیل	ع ، محمد حسین خان
» سرخ وپارسا	»	» ، حبیب الله خان
» غوربند	»	» ، خوشدل خان
» مقر	»	» ، حاجی عبدالقیوم خان
» غزنۍ	»	» ، میرزا عبدالوهابخان
» ده شین کتواز	»	» ، حاجی حیدر خان
» کوچی کتواز	»	» ، احمد جانخان
» دایزنگی	»	» ، علی احمد خان
» بهسون	»	» ، محمد نبی خان
» یکاو لنگک	»	» ، سید اکبر شاه خان
» جاغوری	»	» ، غلام علیخان

#### د قندهار ولایت :

د قندهار دمرکز وکیل	ع ، عبدالرحمن خان
» دنگ	» ، نور احمد خان
» کدنی	» ، امیر محمد خان
» تیری	» ، عبدالعزیز خان
» کشک نخود	» ، محمد اسحق خان
» ارغسان	» ، عبدالرحمن خان
» دهلي	» ، محمد یعقوبخان
» دهر اوډ	» ، محمد جمعه خان
» گر شک	» ، محمد موسی خان
» زمین داور	» ، عبدالحمید خان
» گرمیر	» ، محمد اکبر خان
» گیزاب	» ، حاجی فیض الحق خان
» ارزگان	» ، محمد کبیر خان
» ترنگ او جلدک	» ، محمد حسن خان
» قلات د پشته رودد کوچی وکیل	» ، حبیب الله خان
» قندهار د کوچی	» ، اسماعیل حبیب خان

### دھرات ولایت :

دھرات دمرکز وکیل	:	ع ، حاجی غلام نبی خن
» بلو کات	:	» ، محمد عثمانخان
» غور	:	» ، احمد جانخان
» شین و نھ	:	» ، محمد علیم خان
» غوریان	:	» ، عبدالشکور خان
» کشک او گلران	:	» ، محمد یعقوبخان
» قلعه نو	:	» ، حاجی معین الدینخان
» اوبہ	:	» ، نظر محمد خان
تولک اوتگا بستان	:	» ، عبدالرحمن خان
» شہرک	:	» ، آقا جانخان
» چنچران	:	» ، بہادر بیگ خان
» بالامرغاب	:	» ، عبدالقادر خان

### دمزار شریف ولایت :

دمزار شریف دمرکز وکیل	:	ع ، حاجی عبداللہ خان
» کشندہ	:	» ، نازک میر خان
» سنگ چارک	:	» ، محمد لطیف خان
» تاشقرغان	:	» ، محمد اسمعیل خان
» اییک	:	» ، میرزا کیلانخان
» سریل	:	» ، قاری محمدعظیم خان
» آفچہ	:	» ، رحمن بردی خان
» دولت آباد	:	» ، نوراللہ خان
» درہ صوف	:	» ، ملا سنگی محمدخان
» شہرغان	:	» ، سید غلام حیدر خان
» بلخ	:	» ، برہان الدین خان

### دقطن اوبدخشان ولایت :

دخان آباد دشار وکیل	:	ع ، عبداللہ خان
» دقندوز	:	» ، عبدالستار خان

د نهرین	وکیل	ع ، گل علم خان
» اندراب اوخوست او فرنگک	»	: » ، محمد سنجر خان
» تالقان	»	: » ، سید مراد خان
» حضرتک امام	»	: . . .
» د چال او شکمش	»	: » ، میر فضل احمد خان
» غوری	»	: » ، محمد عمر خان
» بدخشان	»	: » ، محمد صفدر خان
» رستاق	»	: » ، نجم الدین خان
» ینگى قلعه	»	: » ، محمد نبی خان
» جرم	»	: » ، مولوی میرزا شاه خان
» درواز	»	: » ، سید ملا ایشانخان
» واخان وزیاک	»	: » ، سید شمس الدین خان
» کشم او درابم	»	: » ، ملا سعد الله خان

#### د مشرقی ولایت :

دجلال آباد دمر کروکیل	ع ، عبدالعظیم خان
» سرخ رود	: » ، سید محمد صدیق خان
» لغمان	: » ، غلام نبی خان
» نورستان لغمان	: » ، مشک عالم خان
» خوگیا نی	: » ، شیر بندل خان
» شنوار	: » ، محمد ظفر خان
» مهمندرې	: » ، محمد عالم خان
» رودات	: » ، میاء جانخان
» کامې	: » ، میاء عبدالغفور خان
» اسمار	: » ، میر علم خان
» دره پیچ	: » ، محمد حسین خان
» کنر خاص و کوز کنړ	: » ، محمد نیاز خان
» بر کنړ دره سین	: » ، محمد افضل خان
» غلجائی حصارک	: » ، ریدیکل خان
» ننگهاری د کوچی	: » ، طوطی شاه خان

### د جنوبی ولایت :

د زرمټ وکیل	: ع ، غلام محمد خان
» متون خوست »	: » ، امیر محمد خان
» تنی »	: » ، گلر ننگ شاه خان
» ارگون »	: » ، فقیر محمد خان
» جدران »	: » ، کلمک خان
» منگل »	: » ، لعل محمد خان
» جاجی »	: » ، حسین خان
» چمکنی »	: » ، علیجان خان

### دمیمنې اعلی حکومت :

دمیمنې د مرکز وکیل	: ع ، میرزا نور محمد خان
» تکاب شیرین »	: » ، سیدابولخیر خان
» اندخوی »	: » ، چهاربارقل خان
» درزاب او گرز یوان »	: » ، میر محمداسلم خان
» قیصار »	: » ، میرزا محمد امین خان

### د فراه اعلی حکومت :

د چخانسور وکیل	: ع ، غلام رسول خان
» بکواه او خاشرود »	: » ، خیر محمد خان



## داعیان مجلس :

رئيس : ع ، ج ، مير عطا محمد خان  
 لمری معاون : » ، ص ، حاجی محمد اکبر خان  
 دوهم » : » ، عبد الر حيم خان  
 دتميز رئيس : » ، » ، عبد الغفار خان  
 اعضاء : » ، سردار گل محمد خان  
 » : » ، حاجی خير محمد خان  
 » : » ، عطا محمد خان  
 » : » ، عبد الحكيم خان  
 » : » ، معاذ الله خان  
 » : » ، شرف الدين خان  
 » : » ، جان محمد خان  
 » : » ، سيد ياقوت شاه خان  
 » : » ، ايشان امان الدين خان  
 » : » ، ملك رحمد ل خان  
 » : » ، حاجی ميرزا عبد الر حيم خان



ع ، ج ، مير عطا محمد خان داعیان رئیس  
 S. Ex. Mir Ata Mohammad Khan  
 président du Sénat,

اعضاء	:	» ، حاجی خان آقا خان
»	:	» ، آخندزاده محمد رسول خان
»	:	» ، عبد الغفور خان
»	:	» ، حاجی عبد الحكيم خان
»	:	» ، مرزا محمود خان
»	:	» ، عبد اللطيف خان
»	:	» ، امين الله خان
»	:	» ، عبد الستار خان
»	:	» ، مير محمد عليخان
»	:	» ، سيد احمد شاه خان
»	:	» ، علي احمد خان
»	:	» ، محمد حسن خان مهمند



## مملکتی تشکیلات

اعضاء	:	ع ، میرزا خدا داد خان
»	:	» ، نظر محمد خان
»	:	» ، محمد حسن خان وردك
»	:	» ، ملا محمد بندير خان
»	:	» ، نورالدینخان
»	:	» ، حاجی محمد شریف خان
»	:	» ، غلام رسولخان
»	:	» ، محمد اکبر خان
»	:	» ، سید احمد خان
»	:	» ، بشیر احمد خان
»	:	» ، خواجہ محمد خان
»	:	» ، محمد یعقوبخان
»	:	» ، محمد حسین خان
»	:	» ، خواجہ جانگل خان
»	:	» ، محمد اسحق خان
»	:	» ، حاجی شاہ بیگ خان
»	:	» ، نیک محمد خان
»	:	» ، عبد الحکیم خان
»	:	» ، دیوان حکم چند
د مجلس منشی	:	» ، محمود خان



## د شاهانه حضور د وائز

### د دربار وزارت

وزیر : ع ، ج والا حضرت

سردار احمد شاه خان

معین : ع ، ص محمد حیدر خان

مخصوص مامور : ص ، میر علی احمد خان

د کنترول عمومی

مدیر : ع ، عبدالوهاب خان

د تشریفاتو مدیر : ص ، عبدالرشید خان

د تنظیماتو : » : عبدالرحیم خان

د نقلیې : » : میر اکبر خان

د حضور د

د مرمتون مدیر : » ، عبد الغنی خان

د کارخانې ناظر : » ، حاجی نظر محمد خان

فراش باشی : » ، حاجی امین الله خان

د خزانی مدیر : » ، عبدالباقی خان

خانه سامان باشی : » ، صالح محمد خان

..... :

» ، خواجه محمد خان



ع ، ج والا حضرت سردار احمد شاه خان

د دربار وزیر

S. A. Ahmad ChaA Khan ministre  
de la cour

د همايونی حضور عرض بیگی

موتر ران باشی

### د شاهانه حضور مصاحبین

ع ، ص محمد اکبر خان

» ، سلطان احمد خان

» ، حاجی محمد نواب خان

» ، محمد سرور خان

### شاہی دارالتحریر

دس منشی وکیل : ع، ج میر محمد حیدر خان  
 مشاور : «، سراج الدین خان  
 د مخصوص قلم  
 د خانگی مدیر : «، نور محمد خان  
 د لہری خانگی : «، نور محمد خان  
 د دوہمی : «، عبدالقدوس خان  
 د اوراقو : «، غلام قادر خان  
 د ملو کمانہ دپتو  
 د کورس معلم : «، موای صالح  
 محمد خان



ع، ج میر محمد حیدر خان دس منشی وکیل  
 S.Ex, Mohammad Haider Khan  
 secrétaire par intérim

د شاہی دارالتحریر  
 عضو : ف، سید مبشر خان  
 طرازی

### دشاہانہ حضور حربی سر یاوری

سر یاور	: ع، ش عبدالغفور خان فرقه مشر
معاون	: «، محمد لطیف خان
حربی یاور	: «، فیض محمد خان
»	: ح، محمد حسین خان غنہ مشر
»	: غ، در محمد خان تولیمشر



ع ، ش والا حضرت سردار محمد داؤد خان دمر کزی فواو قوماندان

# د مملکتی دواثر و اجراآت

## امور حریبه

عوامل مهمه و موثره که در اساس نظم و نسق امور مملکتیه و استقرار امنیت داخلیه و حفظ استقلال ملیه ملل موقعیت بزرگی را اشغال میدارد روح و اعصاب ملیه را از تزلزل و هیجان حادثات رهانیده امن و تسکین میبخشد عبارت از قوت منظم و مرتب است یعنی قوه اساس سعادت و سبب پیشرفت حیات ملل بوده و مرکز ثقل آن اردو است .

از انجائیکه پادشاه محبوب القلوب ما اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بعسکر و عسکریت محبت و عشق مفرطی دارند همیشه در نیر و مندی و اعتلای عسکریت توجه و مساعی مخصوصه فرموده ترقیات عسکریه اردوی شاهانه خویش را مهمترین اعمال بهی خواهانه و خیر اندیشانه و به آرامش و آسایش زیستن ملت عزیز خود میدانند . از انجا است که ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی سپه سالار و وزیر حریبه را در راس وزارت جلیله حریبه قرار داده اند والا حضرت سپه سالار بقاءسی آن مقاصد بزرگگ اعلیحضرت همایونی همیشه در تنمیه و ترقیات اردوی شاهانه بیک مساعی خسته ناپذیر بذل توجه فرموده در اثر مساعی شان تمام دواثر وزارت حریبه بانجام امور موقوفه و مودوعه خود بطوریکه اردوی شاهانه برای تامین صلح و آرامش و حفظ استقلال و آسایش کشور عزیز افغانستان یک کتنه شایان اعتماد باشد متماً دیا صرف مساعی نموده در دوره ۱۳۲۰ نیز به تعاقب ترقیات امروزی درغور و اصلاح تشکیلات اردو و خدمات حریبه و امور تعلیم و تربیه و معارف عسکریه ، نشر و توزیع اثار ، رسانیدن ضابطان و منسوبین ، امور مکاتب حریبه و تاسیسات موسسات عرفانی ، تعلیمگاه ها و کورس های ضابطان و خورد ضابطان و منسوبین امور صحیه و بیطاری و مکاتب اصول حساب و موسسات تعلیمی صنعتکاری و ماکنستی و مکتب اساسی و کورس های مستعجله موسیقی ، نشر و تعمیم اصول و قوانین اداری عسکریه تدقیقات احوال ذاتیه بالعموم منسوبین اردو ، وسعت تشکیلات و تعدیلات موسسات امور صحیه ، وسعت تشکیلات و تجدد امور نقلیه و پلانهای انشای ابنیه عسکریه و صحیه و دیگر عمرانات مستلزمه عسکریه ، اصلاحات امور بودجه و محاسبات و لوازمات حریبه ، خصوصیات اکمال و تهیه البسه و تجهیزات و اعاشه ، تدقیقات و معاینات فنی اسلحه و جبهه خانه ها و آلات و ادوات فنی ، امور اصول محاکمه و جزایه ، تقویه و سررشته امور فابریکات حریبه و امور قوای هوایه و مکاتب و موسسات مربوطه آن ، تدقیقات لازمه را جمع بامور قبایل و عشایر ترتیبات توسعه امور سپورت اردو و فابریکه ادوات و سامان سیورتی ، مراقبت و تفتیشات عموم این ترقیات موفقیت حاصل نموده و الله الحمد اردوی شاهانه از هر حیث مثل اعمال و مرام امروزی ملت و حکومت افغانستان بوده

برای بر فراری حریت وتامین آسایش ملت باستواری و اعتماد قوی دائماً بامر سر قوماندان اعظم اولولامر مدبر خود اعلیحضرت شهر یاری مصدر استناد عموم ملت افغانستان شده می تواند

بعضی از کار روائی های امساله وزارت حریه

- ۱- فارغ التحصیل گردیدن دوره دوم کورس عالی وتوزیع  
شهادتنامه وتجدید دوره سوم آن ۱۵ قوس ۱۳۲۰ « به تحت نگرانی ع ، ش ، س ، ع اسدالله خان مفتح »
- ۲- فارغ التحصیل گردیدن دوره اول تعلیمگاه ضابطان  
پیاده وتوزیع شهادتنامه وتجدید دوره دوم آن برج ثور ۱۳۲۰ عمومی اردو »
- ۳- فارغ التحصیلان طلاب مکاتب پیلو تهی ومیخانیکي ۲۳ ع قرب ۱۳۲۰
- ۴- فارغ التحصیلان کورس ضابطان موزیک وتجدید دوره آن ۱۵ جوت ۱۳۲۰
- ۵- « ضابطان دوره سوم کورس لوازم ۵ قوس »
- ۶- تکمیل کورسهای مستعجل اکمال فائز های قطعات ۲۷ »
- ۷- تاسیس مکتب اصول محاسبات عسکریه ۲۴ جدی »
- ۸- فارغ التحصیل گردیدن دوره اول کورس صحیه اول میزان »

« بعضی از ترفیعات وتبدلات وزارت حریه »

- ۱- ع ، ش ، س ، ع علیشاه خان به ناآب سالاری وقوماندانی قوای عسکری و ریاست تنظیمه  
ولایت جنوبی ۱۴ اسد ۱۳۲۰
- ۲- ح ، غلام رسول خان غندمشر اول فرقه مشری ثانی در قول اردوی جنوبی » » »
- ۳- « ، محمد علم خان » » » « قوماندان عسکری ولایت قندهار » » »
- ۴- ع ، ش ، نور محمد خان فرقه مشر قوماندان فرقه از قول اردوی جنوبی تبدیلاً بقوماندانی فرقه غزنی » » »
- ۵- ح ، محمد گل خان غندمشر ثانی بغند مشری اول و کفیل قوماندان عسکری ولایت مشرفی » » ۲۱

### انجمن المپیک :

طوریکه مشاهده میشود انجمن المپیک در امور سپورت پیشرفت وموفقیت های خوبی حاصل نموده ، در هذا سنه طبق معمول همه ساله در جشن استقلال مسابقه های سپورتي بین تیم های داخلی وخارجی بعمل آمد ، چنانچه يك هیئت ورزش کاران ایرانی ودو هیئت هندی یکی از پشاور ودیگری از امرتسر حسب دعوت انجمن المپیک وارد کابل گردیده بودند ، ودر نتیجه بازیهای دوستانه وبرادرانه تیم معارف کابل يك بمقابل صفر بر تیم ایران ویک بمقابل صفر بر تیم پشاور غالب آمد .

# تشیلاحت

صدارت عظمیٰ  
جلالتیاب عالیہ - جلالیاب اطرا علیہ

صدر اعظم	:	ج، ع، ج، ا، ا، نینان اشرف والا حضرت سردار محمد ہاشم خان
معاون	:	ع، ج والا حضرت افخم سردار محمد نعیم خان
دوہم معاون	:	ع، ج عبدالرحیم خان
مشاور	:	ع، ص سید احمد خان
»	:	»، »، یار محمد خان
دضبط احوالاتو رئیس	:	»، » محمد شاہ خان
دتحریر اتو لمپی مدیر	:	ع، خلیل اللہ خان
» دوہم	:	»، محمد فاروق خان
داورافو	:	»، محمد ابراہیم خان
دعرا یضو	:	»، میر عبداللہ خان
داجر ائیپی	:	»، عبدالکریم خان
داملا کو	:	»، عبدالستار خان

## نوی مقرری:

دضبط احوالاتو دریاست د خارجہ خانگی مدیر	:	ع، محمد رفیق خان
» د مر کز	:	»، میر جانخان
» د سچل	:	»، محمد عثمانخان
د املا کو د مدیریت دا جر ائیپی	:	»، عبداللہ خان
» د کمنٹرول	:	»، سید فقیر محمد خان

در مسابقه ها کی که بین تیم محمودیه کابل و تیم امرتسر بعمل آمد تیم محمودیه ۳ بمقابل صفر بر تیم امرتسر مظفریت حاصل نمود .

علاوةً امسال مثل سالهای گذشته نیز در کابل بازیهای تورنامنت بین تیم های داخلی اجرا شد که در نتیجه تیم اول لیسه عسکری در تورنامنت ها کی لقب فهرمانیت را حاصل نمود . و هم انجمن مذکور در هذا سنه تصویب نموده که در سال ۱۳۲۱ تورنامنت های داخلی ولایات را در مرکز سر از ماه جوزا شروع بنماید .

## امور خارجه

### نمایندگان سیاسی دول متحابه در کابل :

۱- سفارت کبرای دولت علیه جمهوریه ترکیه در کابل سفیر کبیر و نماینده فوق العاده عالیقدر جلالتماب ممدوح شوکت استندال سفیر کبیر جلالتماب مذکور بطور مرخصی عازم وطن خود گردیده ، عالیقدر آقای تحسین باج مستشار سفارت بحیث شارژ د افر امور سفارت را اجراء میدارد .

۲- سفارت کبرای دولت شاهنشاهی ایران در کابل سفیر کبیر و نماینده فوق العاده عالیقدر جلالتماب حسین سمعی .

۳- سفارت کبرای دولت اتحادیه جماهیر اشتراکیه شورویه ، سفیر کبیر و نماینده فوق العاده عالیقدر جلالتماب کنستانتین میخائیلوف الکساندروویچ .

۴- وزارت مختاری دولت شاهی ایتالیا در کابل وزیر مختار و نماینده فوق العاده عالیقدر جلالتماب کوم دوت پیترو کوارونی

۵- وزارت مختاری دولت بهیه آلمان در کابل وزیر مختار و نماینده فوق العاده عالیقدر جلالتماب هنس پلگر .

۶- وزارت مختاری دولت جمهوری فرانسه در کابل وزیر مختار و نماینده فوق العاده عالیقدر جلالتماب ایوس شاتینو .

۷- وزارت مختاری دولت امپراطوری بریطانیای عظمی در کابل وزیر مختار و نماینده فوق العاده سر فرانسس وائلی وزیر .

۸- وزارت مختاری دولت شاهی مصر در کابل فعلا عالیقدر محمد القونی بحیث شارژ د افر در امور سفارت مذکور ایقای وظیفه مینمایند .

۹- وزارت مختاری دولت شاهی عراق در کابل وزیر مختار انتخاب گردیده اما فعلا عالیقدر آقای ابراهیم فضلی بحیث شارژ د افر در سفارت مذکور کار مینمایند .

۱۰- وزارت مختاری دول متحده امریکا و وزیر مختار عالیقدر جلالتماب دریفوز وزیر مختار و نماینده فوق العاده در عین زمان سمت وزارت مختاری دول متحده امریکا در طهران نیز عهده دار میباشد در سال



جاری برای تقدیم اعتماد نامه خویش وارد کابل گردیده اعتماد نامه خویش را به بارگاه ذات شاهانه با تشریفات معموله تقدیم نموده پس از اقامت چندی از کابل به طهران عزیمت و در آنجا سفارت امریکا مقیم بوده ایفای وظیفه مینماید.

### سوانح وزیر مختار برطانیه در کابل

بتاریخ ۱۹، اگست ۱۸۹۱ متولد گردیده و در سنه ۱۹۱۵ در خدمت تاج دولت علیه برطانیه داخل شده و از سال ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۹ در خدمت عسکری بوده و بعداً در هندوستان و جاهای دیگر حائز ماموریت های متعدده بوده و بعد از ۳۰، اگست ۱۹۴۱ به حیث وزیر مختار دولت برطانیه در کابل معین گردیده است.



سر فرانسس والیلی Sir Francis Lytton  
وزیر مختار دولت برطانیه

### سوانح وزیر مختار فرانسه

ایوس شاتینو Ives chataignau وزیر مختار دولت بیه جمهوری فرانسه در کابل.  
بتاریخ ۲۲-ستمبر ۱۸۹۱ متولد شده لسانسیه ادبیات و حقوق، اگری ژه یونیورسیتی مامور در اداره سیاسی، وزارت امور خارجه دسمبر ۱۹۲۴  
وزیر مختار، مارچ ۱۹۳۹  
مدیر اوراق وزارت امور خارجه، اپریل ۱۹۳۹  
وزیر مختار فرانسه به پراگوی ستمبر ۱۹۴۰  
نماینده فرانسه در کنفرانسهای بین المللی که در سنه ۱۹۳۳ و ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ در جمعیت اقوام اجتماع نموده.  
وزیر مختار فرانسه در افغانستان، اکتوبر ۱۹۴۰.

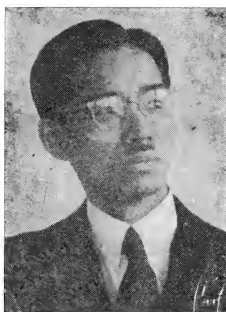


ایوس شاتینو وزیر مختار فرانسه

سکرتر عمومی در ریاست هیئت وزراء از تاریخ جون ۱۹۳۷ الی جون ۱۹۳۹ معاون رئیس موسسه مطالعات سلاودر یونیورسیتی پاریس .

عضو جمعیت جغرافیون فرانسه ، عضو افتخاری انجمن جغرافیة بلگراد .  
قوماندان احتیاطی ، دودفمه زخمی شده ، هفتدفعه در جریان محاربه عمومی ۱۹۱۸، ۱۹۱۴  
تحسین یافته و یکدفعه دیگر هم در جریان محاربه عمومی ۱۹۳۹ ، ۱۹۴۰ تحسین یافته ، شوالیه  
واوفسیه لژیون دونور به صنف عسکری .

## سوانح وزیر مختار دولت امپراطوری جاپان در کابل



مقرری تتر کوبایاشی بحیث وزیر مختار  
در افغانستان :

قرار فیصله آقای متسو کاو زبر خارجه ، آقای کیکو ،  
کوبایاشی مستشار سفارت کبرای جاپان در بر و سلیز بحیث  
وزیر مختار جاپان در کابل انتخاب شده است و حکم تقرر  
مذکور از طرف حکومت شهنشاهی اعلام شده بود ،  
نامبرده وزیر مختار سوم جاپان میباشد که در افغانستان  
آمده است .

کیکو ، کوبایاشی : - مستشار سفارت کبرای و جنرال  
قونسل جاپان در جینوا تقرر بحیث وزیر مختار و نماینده  
فوق العاده متعینه افغانستان .

دوره ماموریت آقای کیکو ، کوبایاشی : -

مقام تولد ، شهر توکیو عمر ۴۸ ساله .

کیکو ، کوبایاشی وزیر مختار جاپان

فارغ التحصیل اداره حقوق دارالفنون شهنشاهی توکیو در ۱۹۱۹ .

درسه ۱۹۲۴ کاتب سوم سفارت کبرای مقرر شده .

درسه ۱۹۲۸ کاتب دوم وزارت مختاری وبعد ازان نامبرده در پاریس بدفتر جامع ملل  
و اداره معاهدات وزارت خارجه و چکوسلواکیا و بیشتر در دیگر ممالک مرکزی اروپا خدمات  
انجام داده است .

در ۱۹۳۹ مستشار سفارت کبرای جاپان متعینه بلجیم در عین زمان جنرال قونسل جینوا  
بوده است .

## امور داخلی

تغیرات و تبدلاتیکه درین سال بوزارت داخله و مربوطات آن از نقطه نظر اداری و ایجابات محیط و غیره بعمل آمده به دو قسمت ذیل مجزی و تحریر میشود :

اول : تعدیلات در تشکیلات اداری و ملکی .

دوم : مقرری ها .

### اول تعدیلات و تشکیلات اداری و ملکی

الف : تشکیلات دوائر ریاست احصائیه و تفتیش وزارت داخله :

۱- مدیریت عمومی احصائیه .

الف - مدیریت احصائیه .

ب - « اخذ عسکر و جلب غیر حاضران .

ج - سر کتابت شعبه غیر حاضران .

د - « » احتیاط .

۲- دوائر ذیل از نقطه نظر اهمیت امور مربوط ریاست تفتیش تشکیل شده :

الف - مدیریت تفتیش ولایت کابل

ب - « » « قندهار

ج - « » « هرات

د - « » « مزار

ه - « » « قطن

و - « » « مشرفی

ز - ماموریت تفتیش حکومت اعلی میمنه

ح - « » « فراه

تبصره : مدیریت ها و ماموریت های متذکره فوق در مرکز وزارت تحت اثر ریاست تفتیش ایفاء وظیفه مینمایند .

ب- تعدیلات و تبدلات ملکی که حسب پیشنهاد دوائر مربوطه و منظوری مقامات عالی در تقسیمات ملکی بعضی تبدلات واقع گردیده قرآتی است :-

### ولایت کابل :

۱- علاقه داری حصه اول اندر مربوط حکومت کلان غزنی و علاقه داری حصه دوم اندر مربوط حکومت قره باغ بحکومت درجه اول اندر تبدیل شد .

د ۱۳۲۰ کال له مهمو مقررېو څخه



ع، ش، غلام رسول خان دوهم  
فرقه مشر، د جنوبي د فول اردو  
د امرۍ فرقي قوماندان



ع، ع، ش، س، ع، عايشه خان  
عسكري نائب سالار او د جنوبي  
دولايت تنظيمه رئيس



ح، محمد گل خان اول غلام مشر  
او د مشرقي د عسكري قوماندان  
و کيل

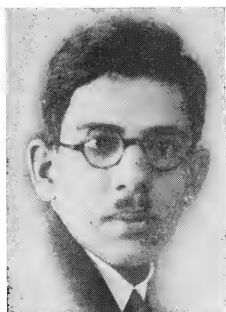


ع، ش، محمد علم خان دوهم  
فرقه مشر د فندهار دولايت اود فراه  
د اعلي حکومت عسكري قوماندان

د ۱۳۲۰ کال له مهمو مقرر يو څخه



و، ج، عبدالحکیم خان دمشقي  
د نایب الحکومه وکیل



و، ج، عبدالله خان دهرات  
د نایب الحکومه وکیل



ح، محمداکبر خان غنډمشر، د داخله  
وزارت د تشکیلاتو او عمومي روزني  
او پالنې مدیر



ع، س، طره باز خان فرقه مشر  
اوامنيه رئیس

د ۱۳۲۰ کال له مهمو مقرريو څخه



ع ، ج ، عبدالرحمن خان داعليحضرت  
مختار وزير په عراق کي



ع ، ص ، غلام محمد خان دمعاډن  
دوزارت معين



ع ، ص ، سلطان محمد خان دفراه وکيل  
اودملي شورا دوهم معين چه په خلمه  
دوره کي ټاکلي شوی دی



ص ، مياحسين خان دپيتو ټولني  
ددايرة المعارف مدير

## پښتانه فارغ التحصيلان

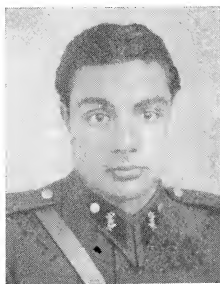
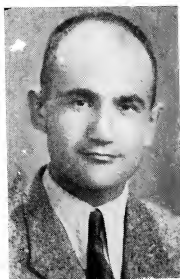


ښاغلی دکتور محمد اسماعیل خان  
« علم » دسترگو متخصص

\* \* \*

ښاغلی عبدالعزیز خان اوغلي احمد خان خیل لمړی تحصیلات په خپل گران وطن کې وپای ته رسولی او په ۱۳۰۷ هـ کال وټرکې ته واستول شوه - دلیسې دتحصیل له

بشپړتوب نه پس وطنی  
فاکولتې ته داخل  
شول او د شهادتنامو  
تر اخیستلو او موفقیت  
وروسته یې دانقرې  
په یوه شفاخانه کېن  
ستا ژ و لید ، اوس  
دستا ژ د دیلو مې  
تر اخیستلو وروسته  
وخپل محبوب هواته  
راغلی دی



ښاغلی علی احمد خان دغایو  
ډاکټر اوغلي دیلومه

ښاغلی عبدالعزیز خان دغایو  
ډاکټر اوغلي الاعلی دیلومه

- ۲ :- يك علاقہ داری بنام (علاقہ داری گیر و) بمربوط حکومت درجہ اول اندر جدید تشکیل شد.
- ۳ :- علاقہ داری جغتو کہ قبلہ بن مربوط حکومت کلان غزنی بود بحکومت درجہ ۲ تبدیل شد.
- ۴ :- يك علاقہ داری بنام (علاقہ داری واغظ) بمربوط حکومت درجہ ۲ جغتو جدید تشکیل شد.
- ۵ :- » » » » (دلاقہ داری خوجہ عمری) بمربوط حکومت کلان غزنی » » » »

### ولایت قطغن :

- ۱ :- علاقہ داری قلعه ذال بحکومت درجہ ۳ تبدیل شد .

### دوم مقرریها

الف - مہر کر وزارت :-

- ۱ :- ع ، ص عبدالعلیخان مدیر عمومی تعمیر مسلح بریاست احصائیه وزارت داخلہ مقرر شد .
  - ۲ :- ع ، ش طرہ باز خان فرقه مشرق فرماندان کوتوالی کابل بریاست امنیہ » » »
  - ۳ :- ع ، ص عبداللہ خان سابق رئیس شرکت تنویرات بریاست تفتیش وزارت » » »
  - ۴ :- ص ، عطاء محمد خان مدیر وعضو ریاست تفتیش تبدیلاً بمدریت اوراق وزارت .
  - ۵ :- » ، محمد معصوم خان مدیر احصائیه ولایت کابل تبدیلاً بمدریت احصائیه ریاست احصائیه وزارت .
  - ۶ :- » ، شاہجہانخان سر کاتب مدیریت احصائیه ولایت کابل بمدریت اخذ عسکر » » »
  - ۷ :- ح ، محمد اکبر خان سابق سر مامور پولیس فرماندانی کابل بمدریت تشکیلات ریاست امنیہ .
  - ۸ :- ص ، عبدالباقیخان سر کاتب اوراق مقام عالی صدارت عظمیٰ بمدریت اخذ اطلاعات » » »
  - ۹ :- ص ، محمد ابراہیم خان سر کاتب وزارت خارجہ بصورت ریاست تفتیش بحیث مدیر .
  - ۱۰ :- ص ، صالح محمد خان سر کاتب مدیریت مامورین بمدریت تفتیش ولایت کابل .
  - ۱۱ :- ص ، محمد دین خان سابق مدیر اجرائیہ مطبعہ بمدریت تفتیش ولایت ہرات ریاست تفتیش .
  - ۱۲ :- » ، عبدالہا دیخان مامور تحریرات ولایت جنوبی بمدریت تفتیش ولایت مزار »
  - ۱۳ :- غریب اللہ خان سابق مدیر تحریرات ولایت قطغن بمدریت تفتیش ولایت قطغن »
- ب ولایات :
- ۱ :- و ، ج محمد قاسم خان وکیل نائب الحکومہ ہرات بہ نائب الحکومگی ولایت قندھار .
  - ۲ :- » ، عبداللہ خان بو کالت نائب الحکومگی ولایت ہرات .
  - ۳ :- ع ، ص عزیز اللہ خان مستوفی ولایت مزار بمعاونی ریاست تنظیمہ ولایت قطغن .
  - ۴ :- ع ، ع محبوب خان بحکومت کلان بدخشان
  - ۵ :- » ، غلام یحییٰ خان سابق رئیس بلدیہ ہرات بحکومت کلان پل خمری .
  - ۶ :- » ، احمد گیل خان حاکم روستاق بو کالت حکومت کلان تالقان .
  - ۷ :- » ، عبداللہ خان بحکومت کلان فندوز .



## د مملکتی دواړو اجراآت

- ۸- ع، ع، ش، س، ع، ع، علیشاه خان نائب الحکومه قندهار بریاست تنظیمه سمت جنوبی .  
۹- ص، فضل محمد خان سر کاتب مدیریت عمومی احصائیه بمدریت احصائیه ولایت کابل.  
۱۰- « غلام محمد خان بوکالت مدیریت تحریرات ولایت قطغن.  
۱۱- « ضیاء الدین خان مامور احصائیه فراه بمدریت احصائیه ولایت مشرقی.

خلص اجراآت وکار روائی ریاست تفتیش وزارت داخله در سال ۱۳۲۰

### الف در قسمت اجراآت

۱- حکومت کلان دایرنکی، پل خمری، شبرغان، حکومتی محلی جبل السراج، بهسود تگاب، آقچه، دوشی، و علاقه داری های مربوطه آن قوماندانی کوتوالی ولایت قطغن، و مدیریت تحریرات آنجاه درین سال مستقیما تفتیش نموده علاوه بران به تفتیش و واریسی امور احصائیه درین سال نیز اقدامات بعمل آمده.

۲- به نظم و ترتیب تعلیمات نامه تفتیش و استحصال منظوری آن از مقامات صلاحیت دار همچنان به ترتیب بعضی لوایح و تعلیمات نامه ها بیکه مورد احتیاج دواړو بوده اقدامات شده.  
۳- به نشر و توزیع و اعطای ورفه تعرفه تابعیت به افراد ذکور اکثر مناطق مربوط ولایت کابل ذریعه مدیریت و ماموریت های جدید تشکیل تفتیش احصائیه و نسبت به تفتیش طرز اجراآت آن ها اقدامات مقتضیه بعمل آمده.

### ب: در قسمت تشکیلات

۱- به تشکیل مرکز ریاست تفتیش نسبت به سال گذشته کدام تغییری رخ نداده تنها برای تفتیش امور احصائیه وغور به تطبیق اصولات و تعلیمات نامه های راجعه آن بهر ولایت یک یک مدیریت و بحکومتی اعلی فراه و میمنه یک یک ماموریت در جز و تشکیل ریاست تفتیش جدید تشکیل و منظور شده که مامورین آن تکمیل و بمناطق مربوطه قریب به تفتیش امور مطابق لایحه مرتبه شروع می نمایند.

الف مدیریت تفتیش احصائیه ولایت کابل

- ۱- مدیر ۱ نفر  
۲- معاون ۳ »  
۳- سر کاتب ۱ »

ب: مدیریت های تفتیش ولایت مزارشریف، قطغن، قندهار، هرات:

- ۱- مدیر ۱ نفر  
۲- معاون ۲ »

۳: سر کاتب ۱ نفر

ج ولایت مشرفی

۱: مدیر ۱ نفر

۲: معاون ۱ »

۳: سر کاتب ۱ »

د: ماموریت‌های تفتیش حکومت اعلیٰ فراهم و میمنه :

۱: مامور ۱ نفر

۲: معاون ۱ »

۳: سر کاتب ۱ »

اجرا آترباست امنیه:

۱: - امورات پولیس و ژاندرمه‌ها بر طبق تشکیلات دیگر ممالک ژاندرمه‌های سرحدیه در ولایات شمالی تشکیل و کمیساری‌ها نیز تحت اثر وزارت داخله قرار گرفته‌اند .

۲: - اشخاص ذیل عزت‌تقریر حاصل نموده اند : ح . محمد نعیم خان بحیث قوماندان ولایت کابل و ح ، سید کمال خان بحیث قوماندان ولایت مزار شریف ش ، عبد القادر خان بحیث کفیل قوماندان ولایت قندهار ش دین محمد خان و کالتا بقوماندانی ولایت قطغن و بدخشان و ش ، عبد القیوم خان بحیث قوماندان حکومت اعلیٰ میمنه در لواهای ژاندرمه سرحدیه و ولایت قطغن بدخشان ح ، عبد الغفور خان غند مشر و در ژاندرمه سرحدیه و ولایت مزار شریف ح ، عبد الجلیل خان کفالتا مقرر گردیده اند ح ، غلام سرور خان کمیسار موجوده اندخوی علاوه بر وظائف خود به امورات غند ژاندرمه سرحدیه حکومت اعلیٰ میمنه نیز واریسی خواهد نمود .

۳: - از دوره چهارم تعلیمگاه پولیس مداومین فارغ التحصیل شده بر تبه مختلفه نائل و بوظائف معینه شان مامور گردیده اند برای دوره پنجم تعلیمگاه پولیس و ژاندرمه نفری از جمیع ولایات افغانستان شامل کرده شده بدو تفریق آغا ز بکورس گردیده که عبارتست از خورد ضابطان و ضابطان پولیس و ژاندرمه که درس‌های مسلکی خود را از معلمان ، صاحبان مسلک ژاندرمه و پولیس ترکیه و تدریسات سائره را از معلمین داخلی اخذ بنمایند . این کورس‌ها تحت نگرانی ع ، ش ، س ، ع سر دار محمد داود خان قوماندان قوای مرکزی و مکاتیب فنون حریبه جریان دارد .

۴: - ۲ تولی جدید به غند ژاندرمه مشرفی و درعلاقه داری جدیدالتشکیل دهنه غوری و واغظ غزنی و خواجه عمری غزنی و در حکومت درجه اول رستاق و حکومت جدیدالتشکیل درجه ۲ جغتوی غزنی و حکومتی جدیدالتشکیل درجه اول اندر و حکومتی درجه ۲ خان آباد و حکومتی درجه ۳ قلعه ذال که قبلاً علاقۀ داری بود و چهار حکومت کلان پل خمیری و قندوز ، تالقان و بدخشان قوه ضابطه قرارلست معینه آنها افزود شده است .

## اجرا آت مدیریت محبس:

الف: امورات صناعتی:

شعبه های سطرنجی بافی - گلیم بافی - سر بافی - سرج بافی و قالین بافی - کر میچ بافی بوته دوزی - نجاری - رنگ مالی - جراب بافی - تابلو نویسی - سنگ تراشی امورات متعلقه خود را در سال جاری با بسی جدیت و فعالیت عملی نموده و نسبت به سال گذشته چه از حیث الوان و چه از حیث لطافت ساختمان پیشرفت خوبی کرده است.

ماشین های جراب بافی جدیداً در محبس نصب و در عین زمان یکی از هنرمندان فنی داخلی برای تعلیم محبوسین و جریان ماشین ها استخدام شده و از هر گونه جرابهای مردانه، زنانه بچه گانه و غیره به تعداد زیاد تهیه شده می رود.

در قسمت کاریگران هم از نفری محبوسین يك يك عدد کافی در سال جاری جدیداً افزوده شده.

ب: علاوه بر شعب مذکوره در سال جاری تتبعات ذیل جدیداً تاسیس یافته:

۱: - خیمه دوزی که رویه آن سر، استرش صحنی بوده هر دو جزو آن با تناب هایش از محصولاته دست گاهای خود محبس تهیه و خیمه های متنوع ساخته میشود.

۲: - چانه و طبراق که کر میچ و چرم و تسمه های آن از خود فابریکه به ساخت چانه استهلاك و برای رفع احتیاج مراجع مربوطه گذارده میشود.

ج: فابریکه ساخت نل، خشت سمنتی :-

برای عملی ساختن این دو نصب العین ماشین های جدیدی در محبس و بکار انداخته شده عدد زیاد از محبوسین با اجرای آن امورات تعیین و یک نفر متخصص فنی جهت تعلیم و تدویر جریان ماشین استخدام شده در این فابریکه انواع خشت های سمنتی، مربع، مستطیل و امثال آن جهت نیازهای تشناب ها و غیره ترغیبات لازمه عمرانات بالوان و اشکال مختلفه می شود نل مختلف القطر از سمنت جهت تسهیل تمديد آب رسانی بذریعه ماشین ریخته و ساخته میشود.

د: - در قسمت جنوبی محوطه محبس عمارت جدیدی مطابق نقشه مرتبه مهندس دارای اطاق های متعدد جهت تامین رهایش محبوسین در سال جاری اعمار و بیاة تکمیل است و همچنین اطاق های لازمه برای اداره، دفتر محبس تعمیر و تکمیل گردیده (۴) عدد برج های کشیک و محافظت محبوسین برای تامین انضباط عمارت جدید تعمیر قسمت جنوبی اعمار و به بیاة ا کمال رسیده -

ر: - شعبه اجراییه و شعبه کنترل تحت اثر مدیریت محبس جدیداً منظور شده و هم شعبه دیگر بنام ترتیب احصایه و سجل محبوسین تشکیل و منظور گردیده است.

### مقرری جدید :

ش سید کمال خان مدیر سابق محبس به قوماندانی مزار شریف عز تقرر حاصل نموده و بعوض آن غ ، محمد دوران خان تولیمشر به حیث و کیل مدیریت مقرر و اشغال موقعیت نموده اند .

### تشکیلات و اجرا آت ریاست احصائیه نفوس :

الف : امور اداری :

۱ - در سال ۱۳۲۰ نظر به وسعتیکه امور احصائیه یافته مدیریت عمومی احصائیه بریاست احصائیه تبدیل یافته است که در آن دارای سه شق اند : ( احصائیه - اخذ عسکر - جلب غیر حاضران احتیاط ) و در ولایات و حکومت و علاقہ داری ها نظر به افزونی کار تعداد کاتبان و سر کاتبان افزوده شد .

۲ :- در گذشته يك حصه زياد نفري کارآمد اردو به توسط شعبه گدामी ریاست اردو به قطعات تقسیم و سوق داده میشد ولی در سال جاری از ریاست احصائیه بدون سلسله گدामी کارآمد قطعات سوق داده میشود برای اجرای این مطلب يك تولى ژاندارم بوزارت داخله جدیداً منظور شده .

۳ :- به تمام ولایات سلسله توزیع ورقه تابعیت تعقیب و در ولایت کابل از مقام وزارت داخله هیئت های متعددی مقرر و در حکومت مربوطه مرکز ورقه تابعیت توزیع شده است .

۴ :- در حکومت و علاقہ داری ها با اسم معاون در قریه جات مامورین مسئولی بمعاش لازمه مقرر گردیده اند تا با حکام و علاقہ داران هم کاری نمایند .

۵ :- برای هر ولایت و حکومت اعلى يك اداره تفتیش که در راس آن مدیر و مامور وجود داشته و بقدر کفایت معاون و سر کاتب و کاتب هم دارند منظور گردیده .

۶ :- به ولایت مشرقی نیز مدیر احصائیه اعزام شده -

ب : ترتیب قوانین و لوایح ضروریه :-

۱ :- يك اصولنامه جدید بنام مکلفیت عسکری ترتیب و بعد از تصویب مجلس عالی سه گانه شوری . اعیان ، وزراء بصحه حضور مبارک همایونی رسیده و رسماً نشر شده است :

۲ :- تعلیمات نامه جزای متخلفین اصولنامه مکلفیت عسکری بعد از تصویب مجلس عالی وزراء و منظوری حضور مبارک ملو کانه نشر گردیده .

۳ :- لایحه تقرر معاونین در قریه جات که بعد از تصویب مجلس عالی وزراء و منظوری حضور مبارک شاهانه برای طبع ارسال گردیده .

۴ - تعلیمنامه اخذ احصائیه که تحت ترتیب است .

ج : تشکيلات جديد احصائيه :-

۱ :- رياست احصائيه تحت اثر يکنفر رئيس .

الف - شعبه اول مدیریت احصائيه مدير يکنفر .

ب - شعبه ۲ مدیریت اخذ عسکر و جلب غير حاضران دارای دو شق .

ج - شعبه ۳ احتیاط که دارای يك سر کتابت انتهائی است .

۲ :- مدیریت احصائيه ولايت کابل تحت اثر يکنفر مدير .

الف - شعبه احصائيه سر کتابت انتهائی .

ب - شعبه ۲ اخذ عسکر و جلب غير حاضر ماموریت ابتدائی .

ج - شعبه ۳ احتیاط يکنفر سر کتابت انتهائی و بقدر لازمه کتاب .

۳ :- ولايت قندهار ، هرات ، مزار شريف ، فطغن و بدخشان ، مشرفي هر کدام آن

تحت اثر يکنفر مدير دارای شعبات و مامورين ذيل است .

الف - شعبه اول احصائيه سر کتابت انتهائی .

ب - شعبه ۲ اخذ عسکر و جلب غير حاضران دارای دوشق .

ج - شعبه ۳ احتیاط سر کتابت ابتدائی .

۴ :- حکومت اعلای ميمنه و فراه هر کدام آن تحت اثر يکنفر مامورانتهائی دارای

شعبات و مامورين ذيل است :-

الف - شعبه اول احصائيه سر کتابت ابتدائی .

ب - شعبه ۲ اخذ عسکر و جلب غير حاضران دارای دو شق سر کتابت ابتدائی .

ج - شعبه ۳ احتیاط دو نفر کتاب .

۵ :- حکومت کلان شمالي سر کتابت ابتدائی .

الف - شعبه اول احصائيه سر کتابت .

ب - شعبه ۲ اخذ عسکر و جلب غير حاضران دو نفر کتاب .

ج - شعبه ۲ احتیاط کتابت .

۶ :- حکومت کلان غزني ، لوگر ، دايژنگي هر کدام آن سر کتابت ابتدائی .

الف - شعبه اول احصائيه مستقبا بعهده سر کتاب .

ب - شعبه ۲ اخذ عسکر و جلب غير حاضران ۲ نفر کتاب .

ج - شعبه ۳ احتیاط يکنفر کتاب .

۷ :- حکومت کلان قلات ، گرشک ، ارزگان ، غوروات ، بادغيسات ، بلخ ، شبرغان

ايك ، پلغمري ، قندز ، تالقان ، بدخشان ، شنوار ، آسمار ۱۴ حکومت هر کدام سر کتابت ابتدائی .



ج . ع . ج . ۱۰۱۰ ، نېان افغېم ، الا حضرت سردار محمد هاشم خان د افغانستان صدر اعظم  
 چه د مملکت وروستنی تر قیات په ټولورشتو کی دده دینواو لوړو خدمتو پورودی دی

S. A. R. ، A.A. ، Sardar Mohammad Hachem' Khan

Premier ministre

الف - شعبه اول احصائیه مستقیماً بعهدہ سرکاتب .

ب - شعبه ۲ اخذ عسکر و جلب غیر حاضران یکسفر کاتب .

ج - شعبه ۳ احتیاط یکسفر کاتب

۸ :- به ۲۵ حکومات و ۱۰۶ علاقہ داری یک نفر کاتب احصائیه جدیداً منظور گردیده .

۹ :- به قریہ جات ۱۰۲۳ نفر معاونین جدید منظور گردیده .

۱۰ :- دواغر تفتیش ولایت و حکومت اعلیٰ .

الف مدیریت تفتیش ولایت کابل

۱ :- مدیر انتہائی ۱ نفر ۲ :- معاون بہ حیث مامور ابتدائی ۳ نفر ۳ :- سرکاتب ابتدائی ۱ نفر

ب - مدیر های تفتیش ولایات فندهار ، هرات ، مزار شریف ، فطغن و بدخشان ، مشرقی هر کدام دارای مامورین ذیل اند .

۱ :- مدیر ابتدائی ۱ نفر ۲ :- معاون بہ حیث مامور ابتدائی ۲ نفر ۳ :- سرکاتب ابتدائی ۱ نفر

ج - دواغر تفتیش حکومت اعلیٰ میمنہ و فراه

۱ - مامور انتہائی ۱ نفر

۲ - معاون بہ حیث مامور ابتدائی ۱ نفر

۳ - سرکاتب ابتدائی ۱ نفر

### ب تعمیرات و ترمیمات مربوطہ ولایت کابل :

الف : تعمیرات مربوطہ وزارتہ معارف کہ بہ اتمام رسیدہ :-

- ۱ :- تعمیر مکتب متوسط چہار بکار ۲ :- تعمیر مکتب ابتدائی گیل بہار ۳ :- تعمیر مکتب ابتدائی جبل السراج ۴ :- تعمیر مکتب ابتدائی بی بی مہرو ۵ :- تعمیر مکتب ابتدائی چہل ستون ۶ :- تعمیر مکتب ابتدائی سرای خواجہ ۷ :- تعمیر مکتب ابتدائی علاء الدین ۸ :- تعمیر مکتب متوسط غزنی ۹ :- تعمیر مکتب لیسنہ انائیہ ۱۰ :- مکتب متوسط برکی برک ۱۱ :- تعمیر تحویل خانہ مکتب میخانیکسی واقع باغ علم گنج ۱۲ :- تعمیر مکتب مستعجلہ قلعه حیدر خان ۱۳ :- تعمیر مکتب دہ افغانان ۱۴ :- تعمیر اطافہای جدید وزارتہ معارف کہ مناصفہ آن تمام و مناصفہ کارنجاری آن جاریست ۱۵ :- فاکولتہ نمبر اول علی آباد یک قلم سفیدہ کاری و رنگ مالی دروازہ و کلکین آن باقی ماندہ ۱۶ :- مکتب ابتدائی چہار آسیاب کارات تعمیر آن تمام بعضی کارات نجاری و شانندن آئنے آن باقی ماندہ ۱۷ :- مکتب ابتدائی استالف رنگ و روغن دروازہ های مذکور باقی ماندہ ۱۸ :- الحاقیہ مکتب استقلال آئنے شانی و رنگ و روغن آن باقی ماندہ ۱۹ :- اطاق جمناستک مکتب نجات آئنے شانی و رنگ و روغن آن باقی ماندہ ۲۰ :- مکتب ابتدائی میدان آئنے شانی و چیزی نجاری آن ماندہ .

تعميرات مربوطه وزارت صفيه :

۱ :- تعمير الحافيه شفاخانه علي آباد تمام ۲ :- تعمير سر طبابت تمام ۳ :- اسپریت کشی ۴ :- اکسیر  
چیزی نل شانی آن بواسطه نبودن نل مانده

تعميرات مربوطه وزارت داخله :

۱ :- تعمير حکومتی کلان لهو گرد تمام ۲ :- تعمير الحافيه حکومتی کلان شمالی تمام

تعميرات مربوطه وزارت پست :

۱ :- پهره دارخانه بیکه توت تمام  
کارات کارته نمبر ۴ تعمير آن تمام ونل دوانی و برق آن جاری است که عبارت ۱ ز ۳ ۴  
کوئی می باشد .

تعميرات متعلقه وزارت اقتصاد ملی :

۱ :- تعمير الحافيه وزارت مذکور تمام ۲ :- گمرک بتخاک تمام

تعمير رياست مطبوعات :

۱ :- الحافيه انجمن ادبی تمام  
ب تعمير اینکه کارات مذکور به واسطه برودت هوا معطل و کارات نجاری آن جاری است.

تعميرات مربوطه وزات معارف :

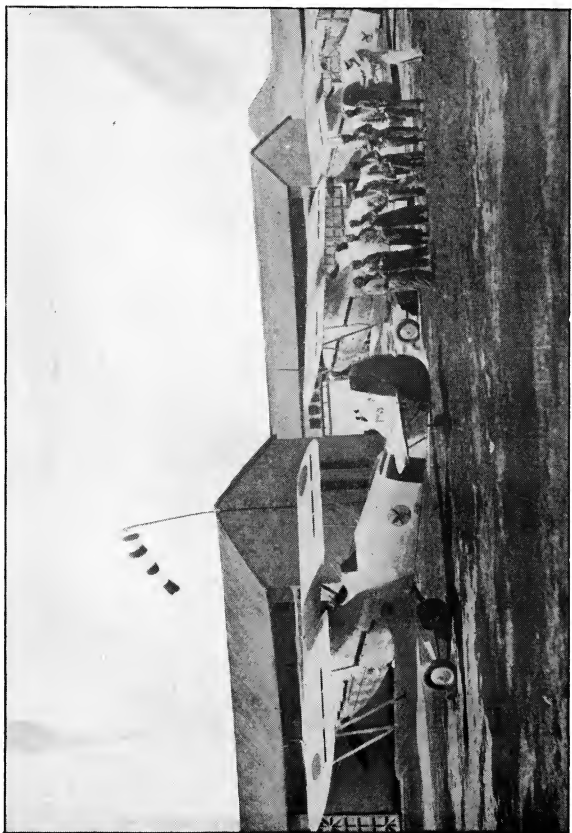
۱ :- مکتب متوسط بمبای وردک ۲ :- مکتب ابتدائی افشارانانک چی ۳ :- مکتب ابتدائی کلنگار  
۴ :- مکتب ابتدائی ده خدا داد ۵ :- مکتب ابتدائی چهار قلعه ۶ :- مکتب تنگی سیدان  
۷ :- فا کولته نمبر ۲ علی آباد ۸ :- مکتب میخانیک ۹ :- مکتب غازی ۱۰ :- مکتب اساسی دارالمعلمین پغمان  
که مناصفه آن تمام و دیگر کار آن جاری است ۱۱ :- مکتب متوسط سر آ سیاب ۱۲ شفاخانه  
سپورت ۱۳ :- مکتب ابتدائی محمد آغه ۱۴ :- مکتب متوسط چرخ لهو گرد ۱۵ :- مکتب ابتدائی  
مقر ۱۶ :- فابریکه نجاری مکتب صنائع ۱۷ :- مکتب سید آباد وردک ۱۸ :- مکتب ابتدائی خواجه مسافر  
علیه الرحمه ۱۹ :- مکتب ابتدائی بابر شاه ۲۰ :- مکتب ابتدائی بامیان ۲۱ :- الحافیه جدید مکتب نجات  
۲۲ :- فا کولته نمبر ۳ علی آباد ۲۳ :- مکتب ابتدائی بگرامی .

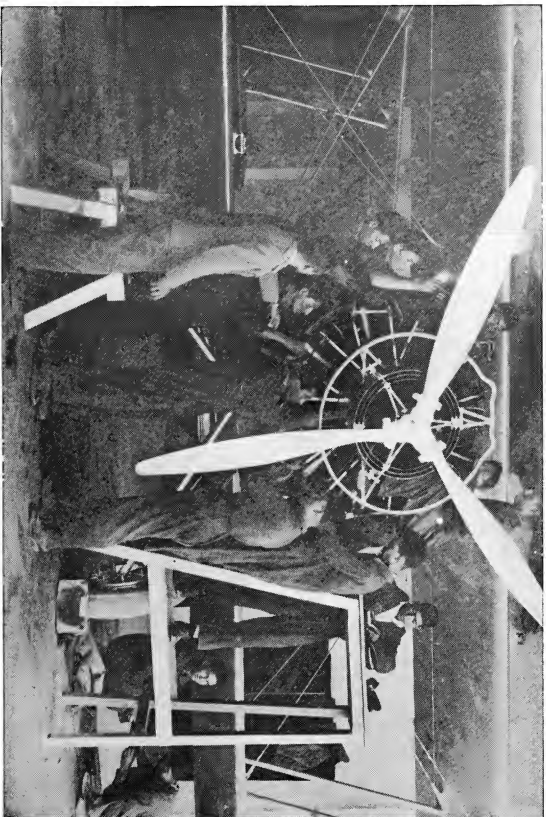
تعميرات وزارت صفيه :

۱ :- تعمير عقليه وعصبيه که عبارت از ۱۱ کوئی است که شش آن تکمیل و دیگر آن هنوز تحت  
تعمير است ۲ :- دیوار اخاطه عقليه وعصبيه ۳ :- شفاخانه دایزنگی ۴ :- پهره دارخانه لایرا توها واقع دارالفنون



پیلوٹی شاگردان د عملی درس پہ وخت کی

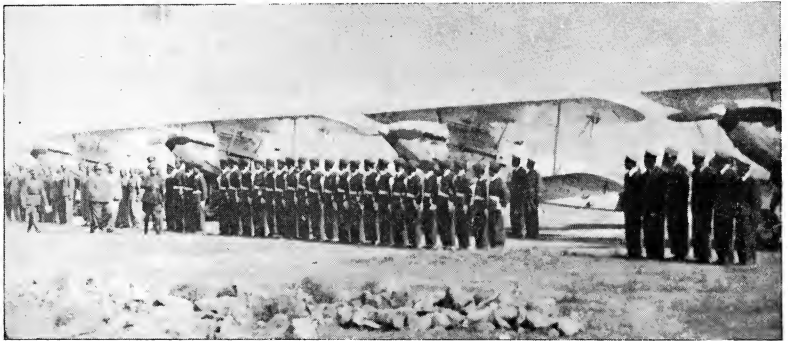




میخانیکی شاکردان درو میوه نامی الو تنکی دکار به وخت کی



میخانیکی شاگردان دھندوا نامی الونکی و منخ ته



والاحضرت غازی، دحرب وزیر دخواجه رواش په ډاک کی دهوائی مکتب شاگردان کوری



دروغتيا اويطاري د کورس دلمړۍ دورې شاملين چه دوا الاحضرت غازي دحرب وزيرپه حضور  
شهادتناهي ورز پشلي کپڼي

### تعمیرات مربوط وزارت داخله:

- ۱:- تعمیر محبس حکومتی کلان لهوگرد ۲:- تعمیر حکو متی قره باغ غزنی ۳:- تعمیر حکومتی زرغون شهر کتواز ۴:- تعمیر حکو متی مقر ۵:- تعمیر حکو متی جبل السراج ۶:- تعمیر حکومتی تگاب ۷:- تعمیر حکومتی بگرامی ۸:- تعمیر حکومتی ده سبز

### تعمیر مربوط وزارت پست:

- ۱:- تعمیر الحاقیه وزارت پست که کبارات تعمیر آن تمام ونجاری آن زیر کار است .

### تعمیر مربوط وزارت مالیه:

- ۱:- تجو یلخانه وزارت مالیه کنار آن تمام ونجاری آن جاری است ۲:- يك گدام ده مزنگ سنگ کاري آن تمام و کار مذکور بحد گنبد رسیده

### تعمیر مدیریت هوتل ها:

- ۱:- تعمیر گراج والحقیه هوتل دوآب میخ زرین کار گلکاری آن تمام و کارنجاری مذکور زیر کار است ۲:- هوتل استالف کار تعمیر آن تمام و کار نجاری آن جاری و کار نشانی تشاب ها معطل است .
- تعمیر وترمیم صدارت عظمی .

### ترمیماتیکه کار آن تکمیل یافته:

- الف مربوط وزارت معارف : ۱:- ترمیم مکتب استقلال ۲:- ترمیم مکتب نجات ۳:- ترمیم مکتب انائیه واقع اندرابی ۴:- ترمیم عمارت وزارت معارف ۵:- ترمیم مکتب پیرانچه گذر ۶:- ترمیم مکتب عاشقان وعارفان علیه الرحمه ۷:- ترمیم الحاقیه مکتب نجات ۸:- ترمیم باختر لوزی حصه وزارت معارف ۹:- مکتب فاکولته طبی واقع قلعه باقر خان ۱۰:- تعمیر وترمیم کمیخانه واقع باغ عمومی ۱۱:- مکتب نمبر ۲ گذر سردار جان خان ۱۲:- مکتب حبیبیه ۱۳:- مکتب علاوالدین ۱۴:- جای معلمین خارجی واقع شهر نو .
- ب مربوط وزارت صحیه: ۱:- سناتوریم نسوان واقع دار الفنون ۲:- عمارت وزارت صحیه ۳:- ترمیم دواخانه مرکزی ۴:- ترمیم دندان سازی مستورات ۵:- ترمیم دندان سازی مردانه ۶:- کار خانه طبایخی وزارت صحیه .
- ج ترمیمات مربوط وزارت مالیه .
- ۱:- ترمیمات ضرابخانه .

د: ترمیمات وزارت فواید عامه:

ترمیماتیکه کار آن جاری است.

الف وزارت معارف: ۱: مکتب حکام ۲: مساحت.

مر بوطه وزارت صحیه:

۱: شفاخانه سناتوریم علی آباد ۲: شفاخانه ملکی علی آباد ۳: عقلیه و عصبیه ۴: با حتر  
لوژی دارا لغنون ۵: فاکولته طبیی درالغنون ۶: تعمیر و ترمیم شفاخانه مستورات.

اجراآت مدیریت عمومی معابر بند وانهار مربوط ولایت کابل:

الف بند خروار از تاریخ ده جوزا الی ۱۶ برج میزان

- ۱: - کندن زمین (۱۴۰۰) متر مکعب ۲: - کندن سنگ لاخ (۸۰۰) متر مکعب
- ۳: - ویران کردن پخته کلای (۱۵۰۰) متر مکعب ۴: - ویران کردن چونه کلای (۴۰) متر مکعب
- ۵: - پخته کلای خشکه دیوار بندنو (۲۷۵۰) متر مکعب ۶: - پخته کلای دیوار بند از مخلوطی  
چونه خمیر و سمنت و صندله و ریگ (۴۵۰) متر مکعب ۷: - پخته کلای سمنت (۷۷۵) متر مکعب
- ۸: - پخته کلای کانگرت سمنتی (۶۸) متر مکعب.

جمله (۷۷۸۳) متر مکعب.

ب: خالص راپور کار شده گي بند سراج غزنی:

- ۱: - پس کردن سنگ و جفله و مصالح خرابه از بالای تهداب (۱۰۰۰) متر مکعب
- ۲: - کندن تهداب از قسم ریگ و جفله و سنگ های کلان ذریعه مارطول و سرنک (۱۵۰۰) متر مکعب
- ۳: - لای کشی تهداب که ذریعه سیلاب پر و دوباره کشیده شده (۷۳۰) متر مکعب ۴: - کندن  
دیوار بند سراج بواسطه نصب بمبه های آب کشی (۳۶) متر مکعب ۵: - ریختن کاناگرت  
تهداب بالای سنگ کوهی (۳۷۷) متر مکعب ۶: - کندن تهداب خشکه سمت مشرقی بند (۱۴۰)  
متر مکعب ۷: - جر زدن ذریعه سرنک در بین سنگ تهداب (۱۵) متر مکعب.

جمله (۳۷۹۸) متر مکعب.

ج: خالص راپور کار شده گي بند قرغه از تاریخ ۲۰ حمل الی ۱۸ قوس

- ۱: - کارات خاک آوردن ذریعه واگون ها از اطراف بند در بالای بند (۵۳۹۹۶) متر مکعب
- ۲: - ریگ ذریعه واگون ها که از موضع خاک بدیگر جای نقل داده شده (۲۲۹۹) متر مکعب
- ۳: - کارات سرنک پرانی که ذریعه ماشین کمپر سور و ماشین بمبه برمه و سرنک دستی تهیه  
شده (۲۶۳۰) متر مکعب.

الف : سنگ پارچه (۱۹۸۵) متر مکعب ب : جفله (۴۴۰) متر مکعب ج : خاک وریگ ... (۲۰۵) متر مکعب .

۴ : کارات پخته کداری تحویلخانه وفابریکه در عقب بند (۴۲۷) متر مکعب .  
الف : خشت پخته (۴۶۸۳۸) قالب ب : سنگ پارچه (۲۹۸) متر ج : چونه کلوخه که شیر ه کشیده شده (۱۲۰) خروار .

۵ : کارات خامه کداری احاطه و اطراف تحویلخانه وفابریکه . . . . . (۴۸۲) متر مکعب  
الف : خشت خام . . . . . (۵۰۰۰۰) قالب ب : سنگ پارچه . . . . . (۱۹۳) متر مکعب  
ج : کاه گلکاری . . . . . (۱۵۴۴) متر مربع د : پرچال سردیوار که ذریعه خشت پخته پوشانیده شده . . . . . (۷۸۸) قالب .

۶ : کارات کندنې از عقب بند وغیره (۳۳۶۰) متر مکعب .

الف : کارات کندنې تهدابها وغیره (۴۰۰) متر مکعب .

۷ : حمل و نقل خاک و جفله بدیگر موضعات (۲۱۹۸) متر مکعب ۸ : کارات خشکه کداری ذریعه سنگ پارچه در عقب بند ودیگر موضعات (۲۳۴۰) متر مکعب ۹ : کارات کندن و هموار کاری . . . . . (۳۸۶) متر مکعب ۱۰ : کارات هموار کاری برای تمديد لین های واگون در اطراف بند . . . . . (۱۲۰۰) متر مربع ۱۱ : ترمیم کداری . . . . . (۴۹۸) متر مربع  
الف : ترمیم داشها . . . . . (۴۴۰) متر ب : ترمیم آهن پوش وغیره . . . . . (۴۹) متر ۱۲ : کارات جفله وریگ . . . . . (۱۴۰۰) متر .

الف : جفله که ذریعه نفر تهیه شده، (۱۲۴۰) صندوق ب : ریگ . . . . . (۸۰۰) صندوق

۱۳ : کارات تراش کداری سلامی روی بند . . . . . (۳۲۱۰) متر مربع ۱۴ : کارات ثقته کداری روی بند ذریعه پک (۳۲۱۰) متر مربع ۱۵ : کارات کندن سوراخ های امتحانی (۱۴۰) متر مربع  
۱۶ : کارات لین دوانی برای واگون ها (۱۳۵۰) متر طول .

جمله کارات بند (۷۰۴۸۰) متر

### کار شده گی سرک شکاری :

الف : از حصه متک الی آسیاب سالنگی .

۱ : طول کار شده گی سرک (۳۲۴۰) متر مکعب ۲ : خامه کداری سرک (۶۰۰۰) متر مکعب  
۳ : سنگ کداری سرک (۲۱۸۰) متر مکعب ۴ : سرنگ پرانی (۱۰۷۵۴) متر مکعب .  
ب : از حصه سالنگی الی پل اشابه .  
۱ : طول کار شده گی سرک (۲۳۹۰) متر مکعب ۲ : خامه کداری سرک (۲۲۰۰) متر مکعب

۳ :- سنگ کاري سرک (۱۵۸۰) متر مکعب ۴ :- سرنگ پراني (۱۶۰۰) متر مکعب

ج :- از حصه اشابه الی باغ افغان .

۱ :- طول کار شده گي سرک (۹۹۳) متر مکعب ۲ :- خامه کاري سرک (۲۸۰۰)

متر مکعب ۳ :- سنگ کاري سرک (۱۴۵۰) متر مکعب ۴ :- سرنگ پراني (۵۶۶۰) متر مکعب  
د :- از حصه سنگ سفيد (الی کچکان .)

۱ :- طول کار شده گي سرک (۹۹۵) متر مکعب ۲ :- خامه کاري و پرکاري سرک

(۳۸۵۰) متر مکعب ۳ :- سنگ کاري سرک (۱۶۰۰) متر مکعب ۴ :- سرنگ پراني  
(۲۶۵۰) متر مکعب .

ه :- از حصه کچکان الی برج گلجان

۱ :- طول کار شده گي سرک (۱۴۸۲) متر مکعب ۲ :- خامه کاري وغيره سرک (۲۰۱۴) متر مکعب

۳ :- سنگ کاري سرک (۱۹۶۷) متر مکعب ۴ :- سرنگ پراني (۴۷۲۳) متر مکعب

جمله ۵۱۰۳۰ متر مکعب

### کار شده گي سرک تنگ غارو :

الف :- حصه قلعه عليخان الی دهنه تنگي .

۱ :- خامه کاري سرک (۸۵۵۰) متر مکعب ۲ :- کار شده گي سنگ پارچه (۹۲۴) متر

۳ :- ريگ اندازي حصه تحتانی سرک (۹۷۰) متر مکعب ۴ :- تهيه سنگ پارچه جبهه

پخته کاري سرک (۱۲۹۵) متر مکعب ۵ :- جفله سنگ پارچه جبهه پخته کاري سرک (۱۹۵)

متر مکعب ۶ :- پخته کاري سرک ذريعه رول (۴۵۰) متر مکعب ۷ :- آوردن سنگ بدرجه اوسط

از ۷ کيلومتر (۵۵۰۰) متر مکعب ۸ :- تهيه سنگ جبهه کارات کتاره سرک (۱۰۱۰) متر مکعب

ب :- آبروها وغيره .

۱ :- ساختمان دو آبرو بعرض و طول مختلف (۲) عدد ۲ :- ترميمات آبروهای ۴۰ × ۳ که الی

چيات کمان رسیده ۳ :- ساختمان گاراج های مو تر های لاری (۵) باب ۴ :- ساختمان

پهره دار خانه های مختلف .

ج :- حصه دهنه تنگي الی پل نمبر ۱ .

۱ :- خامه کاري سرک (۴۵۴۳۰) متر مکعب ۲ :- ديوار خشکه از سنگ (۲۴۶۲۰)

متر مکعب ۳ :- سرنگ پراني (۱۷۱۵۰) متر مکعب .

د :- حصه پل نمبر ۱ الی آبشار .

۱ :- ساختمان پل موقتي از چوب يك عدد ۲ :- خامه کاري سرک (۱۶۳۲۰) متر مکعب

۳ :- ديوار خشکه از سنگ در کنار طرف رود خانه (۵۸۰) متر مکعب ۴ :- سرنگ پراني

(۱۳۵۰) متر مکعب



ه :- حصه آ بشار .

۱ :- خامه کاری سرک (۱۲۵۳۰) متر مکعب ۲ :- دیوار خشکه از سنگ (۳۹۰۰)

متر مکعب ۳ :- سرنگ پرانی (۲۵۶۹۰) متر مکعب

و :- حصه آ بشار الی قلعه ظفر خان :-

۱ :- ساختمان پل چوبی بدریای کابل حصه شیول بابا یک عدد ۲ :- خامه کاری سرک

حصه گو گامنده (۲۷۱۲۰) متر مکعب ۳ :- خشکه کاری دیوار از سنگ (۳۲۰) متر مکعب

۴ :- سرنگ پرانی (۸۰) متر مکعب .

ز :- حصه تنگی ابریشمن :-

۱ :- خامه کاری سرک (۳۱۲۷۰) متر مکعب ۲ :- خشکه کاری دیوار (۶۰۶۰) متر مکعب

۳ :- سرنگ پرانی (۳۱۵۰۰) متر مکعب .

ح :- حصه آب جکدک الی آب درگی :-

۱ :- خامه کاری سرک (۱۳۰۵۰) متر مکعب ۲ :- دیوار خشکه (۹۵۰) متر مکعب

۳ :- سرنگ پرانی (۳۵۰۰) متر مکعب :

ط :- حصه آب درگی الی پوزه قلعه ظفر خان :-

۱ :- خامه کاری سرک (۸۱۳۰) متر مکعب ۲ :- دیوار خشکه (۴۱۰۰) متر مکعب

۳ :- سرنگ پرانی (۸۲۲۰) متر مکعب ..

ی :- از حصه پوزه قلعه ظفر خان الی سره شگی :

۱ :- خامه کاری سرک (۶۹۲۰) متر مکعب ۲ :- دیوار خشکه (۳۹۶۰) متر مکعب

۳ :- سرنگ پرانی (۶۸۹۰) متر مکعب .

ک :- از حصه سره شگی الی کخ محمد علیخان :-

۱ :- خامه کاری (۲۵۰۰) متر مکعب .

ل :- از حصه کخ محمد علیخان الی کوتل خیر و خیل :-

۱ :- خامه کاری (۲۰۰۰) متر مکعب .

جمله (۳۲۳۰۳۴) متر مکعب

۱۰ - عدد مختلف

کار شده گي سرک جدید پغمان :-

الف ، خامه کاری .

۱ :- خامه کاری از حصه قلعه ملا عبد الحمید الی پغمان (۴۲۶۵۸) متر مکعب

۲ :- خامه کاری ذریعہ اجوره کارها در مواضع مختلفه (۴۲۰۰) متر مکعب ۳ :- خامه کاری

طور تيکه در مواضع مختلفه (۸۴۵) متر مکعب ۴: خامه کاری ذريعه انشاآت در مواضع مختلفه (۱۰۷۲) متر مکعب  
 جمله (۴۸۷۷۵) متر مکعب

ب : بخته کاری .

۱: - بخته کاری سرک ذريعه اجوره کار از حصه چارراهی چهل تن الی صدر باغی نعمان در  
 مواضع مختلفه ۲: - بخته کاری ذريعه تيکه دارها که در راپور مذکور بطور مخلوط نشان داده شده  
 عرض ۶ متر طول ۶۱۴۱ متر (۳۶۸۴۶) متر مکعب .

ج : بروق و ابروها طور بخته کاری : -

۱: - بروق و ابرو طول ۲۲ متر عرض ۱۲۰ متر عمق ۱۸۰ متر (۱۸) عدد .  
 جمعاً کار شده گي (۸۵۶۲۱) مختلف

## اجراآت وزارت عدليه

۱ - فيصله های که در ریاست عالی تمیز اجرا شده :

۱۱ فقره	»	۳۸	»	فصله حقوقی جزائی
۴۹ فقره				

تشکیل محاکم جدید :

۲ محکمه	»	۱	»	محکمه ابتدائیه اندر ، محکمه ابتدائیه چغتو - مربوط ولایت کابل قلعه ذال . . . . . » ولایت قطن
جمله ۳ محکمه				

## امور معارف

اول تدوین و تصویب :

- ۱: - مزید تعمیم تدریس زبان ملی در صنوف رشدیه و اعدادیه و الغای تعلیم دروس فارسی .
- ۲: - تدوین و تصویب پروگرام مکتب پرستاری بمعاونت وزارت صحیه .
- ۳: - وضع ۷۴ لغات عرفانی در چندین کمیسیونهای لسان ملی و مرافعه آن در انجمن معارف و اصدار امر و اجرای آن بعد از منظوری حضور همایونی در عموم مکاتب .
- ۴: - ترتیب لایحه نسبت به تشکیلات و ترتیبات و غیره شئون موزیم .
- ۵: - تصریح کارهای مرجوعه مفتشین عرفانی و ترسیل آن جهت اجرا و تطبیق بعد از صحه مقامات رفیعہ :
- ۶: - تهیه لایحه اصول ستاز برای طلبه فارغ التحصیل مکتب اصول تحریر و محاسبه .
- ۷: - ترتیب و تدوین پروژه جهت مزید تحسین امور تدریسیه و دارالمعلمین اساسی .

- ۸ :- تدوین و تصویب پروگرام مکتب پست و تلیفون تیلیگراف بمعاونت وزارت موصوف .
- ۹ :- تحویل پروگرام و تقسیم اوقات مکتب اصول تحریر و محاسبه ازدو سال بسه سال .
- ۱۰ :- تدوین و ترتیب پروگرام د کندهار ښوونکي لوستځي .
- ۱۱ :- لایحه تعین وظائف و خدمات راجعه بمعاونین ریاست تدریسات .
- ۱۲ :- تدوین پروگرام دینیات ابتدائی شش صنفی .
- ۱۳ :- ترتیب و تدوین پروگرام کورس معلمین ابتدائیه .
- ۱۴ :- تهیه و تدوین پروژه تاسیس یک کتابخانه برای معارف .
- ۱۵ :- تدوین و ترتیب لایحه نمایشگاه عرفانی از آثار رسامها و کارهای دستی طلبه مکاتب .
- ۱۶ :- ترتیب ولایحه سرسبزی وطن جهت اشتراک طلبه مکاتب در مواقع نهالستانی در غرس اشجار .

## دوم - تصویب و تصدیق :

- ۱ :- تصدیق لایحه مرتبه فاکولته طبی راجع به اسستنان شدن در شعبات اختصاصی طبی .
- ۲ :- ملاحظه و تعدیل پروگرام مکتب زراعت و تقسیم اوقات آن .
- ۳ :- تصویب و تعین چند کتب مفید پښتو جهت تدریس در صنوف رشديه واعدادیه .
- ۴ :- تصدیق و تصویب بعضی تعدیلات تقدیمه وزارت اقتصاد ملی در قسمت های شیمی مال التجاره و تحریرات و تاریخ مکتب تجارتی .
- ۵ :- اصدار امر تهیه و اعطای یک مجله از لغات فارسی در پښتو جهت استفادۀ معلمین به تمام کتابخانهای مکاتب ولایت کابل، هرات - میمنه - مزار - فطغن و غیره که ذریعۀ آن پښتوی لغات فارسی و عربی را به افغانی استخراج کنند .
- ۶ :- اصدار امر تهیه و اعطای یک مجله از لغات پښتو در فارسی برای افادۀ معلمین به کتابخانهای عموم مکاتب افغانستان تا توسط آن معانی هر یکی از لغات متنبه افغانی را بفارسی دریابند .
- ۷ :- تصدیق و تصویب (۹) فقرات دیگر که تذکرش بطوالت می انجامد .
- ۸ :- اصدار امر تهیه و اعطای محاورات پښتو جهت افاده اساتده برای تمام کتابخانهای مکاتب افغانستان .
- ۹ :- تصویب و تصدیق استعمال کلمات خالص پښتو در کتب تدریسی و ترجیح یک لغت شاذنادر پښتو بر لغت مشهور و معروف بیگانه، و استعمال آن الفاظ اجنبی در کتب تدریسی که برای آن در پښتو کلمه موجود نباشد یا وضع نشده باشد .

- ۱۰:- تصویب بعد التدقیق ۳۵ فقره راجع بعزید تقویه و تعمیم افغانی در شئون تقریری و تحریری و ابلاغ ( ۱۷ ) فقره آن ریاست مطبوعات .
- ۱۱:- تقسیم وظائف مشترکه ریاست تعلیم و تربیه بالای اعضای آن باین صورت که بعضی از فضلاء آن بامور مرجوعه ابتدائیه و بعضی بامور متوسطه و لیسه و بعضی برای امور عالی و بعضی برای مسلکی و بعضی برای تعمیم لسان ملی تعیین و موظف شدند .
- ۱۲:- تعیین یکدسته از فضلاء داشور داخلی و خارجی ( مستخدمین وزارت معارف ) بعزویت افتخاری ریاست تعلیم و تربیه به تصویب مقامات رفیعہ جهت همکاری در شئون تعلیمی و تربیوی .

#### سوم - تصنیفات :

درین سال ریاست تعلیم و تربیه توسط فضلاء دانشمندان بیست و دو مجلد از ( ۸۰ ) تا ( ۵۰۰ ) تصنیفات مفیدی را تصنیف کرده است .

#### چهارم - تالیفات :

هکذا امسال به تالیف چهارده مجلد کتب تدریسی کسب موفقیت کرده .

#### پنجم - ترجمه :

در سلسله تراجم هم چهارده اثر مؤقر ترجمه شده است .

#### ششم - طبع و نشر :

طبع و نشر چهل مجلد از کتب تدریسی جهت افادۀ عموم اساتذہ و شاگردان که تعداد صفحاتش متجاوز از چند میلیون صفحه میباشد که از تذکر اسمای آنها بملاحظه اختصار انصراف بعمل می آید .

#### هفتم - تصحیح طباعتی :

امسال نیز تصحیح طباعتی بیست آثا ر مهم تدریسی و معاون تدریسی بعمل آمده که از تذکر اسمای آنها از خوف طوالت صرف نظر می شود .

#### هشتم - فراهمی تسهیلات :

۱ - فراهمی تسهیلات و معاونت اخلاقی نسبت به تهیه و توزیع آثا ر نافعہ و مطبوعات عصریہ وزارتخانہا و ریاسات و دوائر و مراجعین .

## د حرب وزارت

وزیر	ع، ج، ا، ا، نیشان والا حضرت غازي سپه سالار
معاون	سردار شاه محمود خان
داردو عمومی مفتش	ع، ع، ش، محمدانور خان نائب سالار
دمفتشیت یاور	ع، ش، سردار عالی اسدالله خان فرقه مشر
دمفتشیت رئیس ارکان	ش، محمد سرور خان کنه کمشر
معاون	ح، محمد صفر خان غنہ مشر
دپلی متخصص	ش، عبداللہ خان کنه کمشر
دسوار لی»	ح، محمد ابراہیم خان غنہ مشر
	ح، سید احمد خان

## ریاستونه

### دعمومی ارکان حرب ریاست :

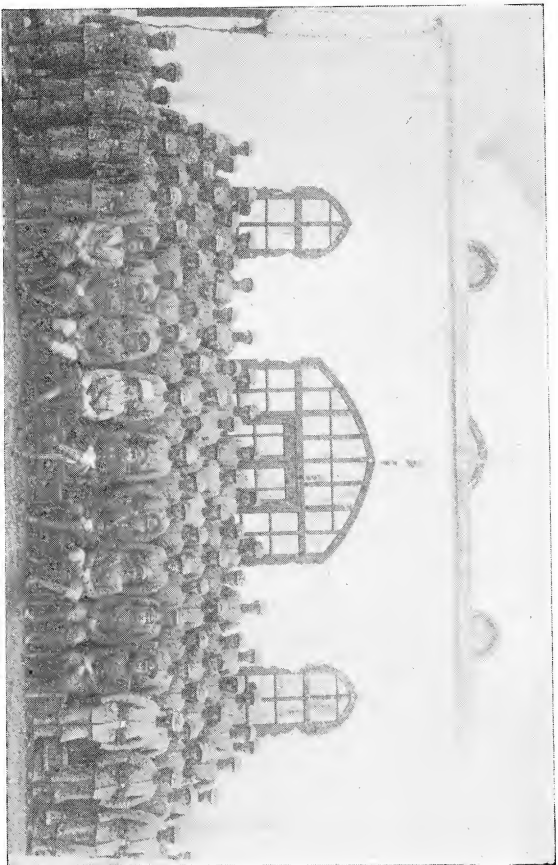
رئیس	ع، ش، محمد عمر خان فرقه مشر
معاون	ح، مصطفی خان غنہ مشر
دحر کاتو عمومی مدیر	ح، سراج الدین خان »
دتشکیلاتو مدیر	ش، عبدالکریم خان کنه کمشر
د۳ خانگی آمر	ش، محمد اسحق خان »
دبیرونی اوروزنی د عمومی مدیریت کفیل	ح، غلام سرور خان غنہ مشر
دترجمی د خانگی مدیر	.....
دمسلکی خانگو آمر	ح، شارا احمد خان غنہ مشر
دنشریاتو مامور	ش، امین الله خان کنه کمشر
دخربطی مدیر	ش، میر عبدالسلام خان »

### داردو ریاست :

رئیس	ع، ش، سردار عالی احمد علیخان فرقه مشر
دمامورینو مدیر	ح، عبدالخالق خان غنہ مشر



د کورس عالی د مداومینو د دوهمې دورې یوه ټولګې فارغ التحصیلان د خپلو معلمینو سره په منځ کې ټپي  
ع، ش، سردار عالی اسدالله خان داردوعمومي وفتش ناست دی .



دیار ضابطانو د تفتیکاه د لویۍ دورې یوه ټولګی، فارغ التحصیلان د خپلو معلمینو سره - چه د مېخ پر چوکۍ  
 ع ، ش سر دار عالی اسدالله خان دارودو عمومی مفتش ناستودی .

- ۲ - امر تهیه و اعطای يك سلسله كتب معاون در سی بدار المعلمین هاء فا كوله ها بعضی مكاتب و د ښكر موسسات عرفانی .
- ۳ - اقدامات مقتضیه نسبت به ترویج نطافی و تعمیم سخن رانی در مكاتب بالخاصه بزبان ملی
- ۴ - اعطای افكار و نظریات راجع بدروس مندرجه جزو اول جلد چهارم پښتو کلی .
- ۵ - فراهمی تسهیلات در تدوین راپورهای مرجوعه با اجراءات سال تعلیمی ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ برای کابل کالنی .
- ۶ - ملاحظه و تجدید نظر مقالات تعلیمی و تربیوی مر سوله ریاست مطبوعات در حجم (۳۵۰) صفحه .
- ۷ - اعطای توضیحات لازمه و هدایات مقتضیه نسبت بدروس مدرسه اسدیۀ مزارشریف .
- ۸ - اهدای مشوره های نافعۀ نسبت بتدوین پښتو کلی های آتیه به پښتو کوله ( تا مسستر جزو اول جلد ۴ ) .
- ۹ - تهیه و انتخاب كتب تدریسی برای صنوف ۶۵ مکتب مستورات .
- ۱۰ - تحری و جستجو و تتبعات نسبت به بسط و توسعه پښتو و تدوین آن بصورت ۴۴ ماده مفیده ذریعۀ کومسیونهای اسان .
- ۱۱ - فراهمی تسهیلات لازمه نسبت به متحد الشکل ساختن تصدیقاتها و شهادتها میهای مكاتب مسلکی .
- ۱۲ - فراهمی بعضی تسهیلات برای اداره مترو لوزی کابل نسبت بعوارض جوی افغانستان از نقطۀ نظر تاریخی و تبعات واستقراء .
- ۱۳ - فراهمی تسهیلات در پښتو ساختن دفاتر و اوراق و اسناد و غیره امور عرفانی .
- ۱۴ - تهیه بعضی مواد مرتبۀ پروگرام رشدی واعدادی برای بعضی لیسه ها .
- ۱۵ - اقدام در اجرا و تطبیق پروژه استفادۀ مشر و عه معلمات مکتب مستورات از ترخیصات طبیعیه شان .

### نهم - همکاری و معاونت:

- ۱ - اعطای دستاویز لازمه بدارات مرکزی و ولايات و حكومات نسبت به شش صنفی شدن مكاتب ابتدایه .
- ۲ - اعطای هدایات لازمه و دستاویز مقتصدانه نسبت به تعیین حدود و صرفیات لوازم تحصیل بمناسبت فراهمی مشكلات در تهیه و توريد سامان قرطاسیه .
- ۳ - فراهمی تسهیلات و معاونت های اخلاقی نسبت به تدویر شدن و کامیاب گردیدن آن كنفرا نسهای تدریسی كه برای تنویر اذهان معلمین ابتدایه در چندین هفته مسلسلأ ایراد گردیده و نتایج مثبتی ازان گرفته شده است .



- ۴ :- اعطای افکار و نظریات راجع په پروگرام شعبه مهندسی و تدویر آن بصورت یک مکتب جداگانه .
- ۵ :- اعطای هدایات راجع بخدمات راجعه به تحویلدار و کتابدار و مستحضر مکاتب ثانوی .
- ۶ :- اقدام در تهیه بعضی آثار تاریخی و تصاویر سلاطین ماضی خطه افغانی بمساعدت و همکاری مدیریت موزه کابل .
- ۷ :- جریان یک نسخه آئینه عرفان بعموم مکاتب ابتدائیه، متوسطه - ثانوی - لیسه ها مکاتب مسلکی وفا کولته جهت تنویر اذهان متصدیان امور تعلیمی و تربیوی آنها .
- ۸ :- تهیه لست کتابخانه وزارت معارف و لیسه ها جهت استفاده اداره دائره المعارف و ریاست مطبوعات در حجم (۷۹) ورق .
- ۹ :- فراهمی تسهیلات و بعضی معاونت های اخلاقی نسبت به مکتب پرستاری .
- ۱۰ :- اعطای نظریه نسبت به عدم تعدیل ماده (۱۲) تعلیماتنامه فا کولته حقوق و علوم سیاسی .
- ۱۱ :- اهدای پروگرامهای ابتدائیه - متوسط - اعدادیه در حجم ۱۳۹ ورق جهت استفاده مکاتب حربی .
- ۱۲ :- تهیه آثار و اعطای افکار نسبت به تعلیم اکابر .
- ۱۳ :- عطف توجه عموم مکاتب و موسسات عرفانی به مبلی ساختن تمام شئون عرفانی .
- ۱۴ :- قضاوت نسبت به تراجم - تصحیحات و اصدار فیصله نسبت باعطای حق التحریر مولفین ، مترجمین و محررین .
- ۱۵ :- اعطای نظریه نسبت به صرفه جوئی کاغذ و مواد فرطاسیه .
- ۱۶ :- تقدیم بهترین کتب و تازه ترین آثار برای فراهمی تسهیلات دائره المعارف .
- ۱۷ :- حل و فصل (۷۴) فقره مراجعات علمی واسوئه تدریسی واستیضاحات تربیوی .

#### دهم - متفرقات :

- ۱ :- اقدام راجع بموجودی کتابخانه ملی و نظم و ترتیب کتابخانهها .
- ۲ :- تبیض ( ۲۴۷۹ ) صفحه مقننه کتب و آثار متنوعه تدریسیه ،
- ۳ :- خطاطی ( ۳۸۰ ) صفحه مقننه آثار مختلفه تدریسیه .
- ۴ :- رسامی ( ۲۶۲ ) رسم های متعدده مربوطه کتب تدریسیه .
- ۵ :- تأیید نمودن ( ۱۹۹ ) صفحه آثار نافعه و لواایح مفیده که بالعموم از هر واحدی ازان پنج پنچ نسخه اخذ و بعضاً زیاده و کترین ازیں هم بوده است .
- ۶ :- استعلام از علمای دانشمند و فضلی ارجمند قابل اختصاص که در مورد مقتضیه از اوشان استمداد گرفته می شود .

- ۷ : - اخذ امتحان از طلبه لیسها و معاینه و نگرانی و تمیزی امتحانات سال تعلیمی ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰  
۸ : - اشتراک در مجالس اداری و اساسی انجمن معارف .  
۹ : - فراهمی تسهیلات و معاونت اخلاقی و اشتراک در (۲۷) مجالس مختلفه علمی وزارت معارف .  
۱۰ : - اشتراک در مجالس قضاوت و درجه بندی ریاست مطبوعات .

### ریاست تدریسات

#### اول تاسیس مکاتب :

با اینکه از توجهات عرفان پرورانه حکومت متبوعه امروزه مکاتب به صدها میرسد باز هم مکاتیبکه امسال مجدداً تاسیس و یا مکاتیبکه تعلیم و پروگرام شان تر فیعاً تبدیل و یا بیشتر تمدید شده و اولاد وطن در آن شرف شمولیت دارند قرار ذیل است .

#### « مکاتب جدید ! لتاسیس »

- ۱ : - مکتب مسلکی (پست و تلگراف و تلفون) در مرکز کابل - یکپاچ  
۲ : - « (پرستاری) » « » « »  
۳ : - « ابتدائی ده میرداد (هزاره جات) »  
۴ : - « (حصارک غلزاگی (سمت مشرقی) »  
۵ : - « دکندهار دشنوونکی لوستخی »  
۶ : - « مکاتب ابتدائی نیش وار غسان (قندهار) دوپاچ  
۷ : - « (حکومت اعلی فراره) » سه باب

جمعه - ده (۱۰) باب .

ب : - (مکاتب متوسطه که به ثانوی تبدیل شده اند) : -

- ۱ : - مکتب متوسطه سرا سیاب (کابل) ۲ : - مکتب متوسط چهار ریکار حکومت کلان (شمالی) ۳ : - مکتب متوسطه (تگری لغمان) سمت مشرقی  
ج : - (مکاتیبکه پروگرام و تعلیم شان تمدید شده اند) : -

چون وزارت معارف با اساس افکار مترقیانه حکومت متبوعه در سال گذشته حس نمود که تعلیم ابتداییه چهار ساله طلاب بدرجه نیست که يك فارغ التحصیل چار ساله مکتب ابتدائی را در میدان ابتداییه حیات از گذر نویسندگی و فهمیدگی و داشتن معلومات لازمه جهت رفع احتیاجات ابتدائی تهیه و تقدیم نماید پس تعلیم چهار ساله را به تدریس شش ساله تمدید و پروگرام آنرا بمکاتب توزیع نمود .  
بنا بر این تمدید دوره تعلیم ریاست تدریسات تاجائیکه لازم دانست تمدید تعلیم شانرا حاصل و بمکاتب مذکور اطلا عداد که تعلیم فارغ التحصیلان ابتداییه چهار را بصنف پنجم دوام داد

باشند تا دوره ابتدایه را که شش سال قرار یافته است تکمیل نمایند. راجع باین امتداد تعلیم که بمکاتب احکام صادر گردید در باب تهیه و ترسیل معلمین ها کتب و لوازمات تدریسی و معاشات هر کدام آنها ریاست تدریسات بدواً مربوط دست معاونت داد.

### دوم « معاینات و تطبیقات تدریسی » :

اجرای عنوان فوق :- (۱) توسط راپورهای تعلیمی ماهانه هر مکتب و موسسات عرفانیه مملکت نظر به معیار پروگرام و تناسب ماه های تدریسی همان مکتب کرده شده که اوراق موصوله و معاینه شده آن تخمیناً بالغ بر ( ده هزار ورق ) میگردد باین راپور ها هر کدامیکه بسوییه و معیار برابر رفتار و عمل نموده اند برایش اطمینان کتبی و اذانیکه موافق باصول صحیح و پروگرام تعلیمی معینه رفتار نموده اند برای آنها هدایت نامه ها یکمه شعر برطرز تعلیم ، صورت چگونگی رفتار تعلیم و تقسیم مواد تحریر است . علاوه بر معاینه مکاتب از طرف ریاست تدریسات بعمل آمده ، از جانب ریاست تفتیش هم مفتشینیکه در مکاتب مرکز و ولایات رفته و راپور های خود را بر ریاست تدریسات فرستاده اند با الاثر جهت اصلاح و هدایات لازمه بمکاتب آن تحریر و ترسیل شده است .

۲ :- تحریر و ترسیل هدایت نامهائیکه باثر مطالعه راپورهای واصله و معاینه مکاتب مختلفه لازم می افتد از قبیل پیدا کردن قوای مطالعه و انکشاف دماغ طلاب و تقویه شعور و تدریسات آنها و دادن وظائف و کارهای خانگی بشاگردان مکتب ، تطبیق اصول صنفی در صنوف ابتدایه اول و دوم ، انعقاد مجالس معلمین تحت ریاست مدیر یا سر معلم جهت مذاکره و رفع مشکلات امور اداری و تعلیمی و غیره .

### سوم « مراقبت و نگرانی امتحانات و توزیع شهادتنامه ها و نشانهای معارف و مکافات »

۱ :- قریب برسیدن ایام امتحان سالانه ، ریاست تدریسات بشمام مکاتب مرکز و ولایات و حکومت اعلی احکام صادر نمود که تمام معلمین باسواس اصولنامه امتحان رفتار نموده ، نتایج آنرا تحریر و بر ریاست تدریسات ارسال دارند همانا تمام اوراق نتایج امتحان کل مکاتب افغانستان خواسته و دیده شد و نکات قابل اصلاح آن تحریراً ابلاغ گردید .

۲ :- در موسسات عرفانیه و مکاتب مرکز و متوسطه ها و ثانویه های اطراف قریبه از طرف ریاست تدریسات ممتحنین و ممیزین انتخاب و جهت گرفتن امتحان اعزام کرده شد و نتایج را که از راپور واصله آنها اخذ گردید بجوابات لازمه آن تحریر و بمکتب منسوبه اش ترسیل شد .

۳ :- برای فارغ التحصیلان دوره های ( ابتدائی و رشدی ) نظر باحصایه جدا ول نتایج

امتحان سالانه هر قدر يکه مستحق گرفتن شهادتنامه می شدند از طرف ریاست تدریسات برای شان شهادتنامه نوشته و امضا و مهر شده ، بتمام مکاتب فرستاده شد . این شهادتنامهها در محفل ( توزیع شهادتنامهها ) که با کثرت جاها منعقد شده بمستحقین آن توزیع گردید .  
 ۴ :- برای فارغ التحصیلان دوره اعدادیه مکاتب مرکزی کابل بهر اندازه ئیکه مستحق اخذ شهادتنامه می شدند از روی نتایج امتحان برای هر کدام شان شهادتنامه تحریر و اعطا شده است .

۵ :- نسبت باعطای دیپلومه های فاکولته طبّی ، مکتب طبّی و طلاب دواسازی ریاست تدریسات تهیه دیده در قصر صدارت عظمی از حضور والا حضرت صدارت مآب افخم جناب صدر اعظم صاحب . درحالیکه تمام هیئت وزرای محترم حضور بهم رسانده بودند شهادتنامهها بمستحقین آن بایک یکمشت پول بصورت انعام و بخشش اعطاء گردید .

۶ :- بعضی از مستخدمین معارف و یا خارج آن که دربشرف امور عرفانه مملکت زحمت و جدیت ورزیده مستحق نشان و مکافات دیده می شدند از طرف ریاست تدریسات خدمات شان تقدیر و بحضور والا حضرت افخم جناب وزیر صاحب معارف تقدیم و منظوری اعطای نشانهای عرفانی از حضور اعلی حضرت معارف پرور گرفته شده بایک یک ورقه مخصوص نشان تحریر و بمستحقین آن تفویض گردید .

و کسانیکه مستحق مکافات یا تقدیر نامها دیده می شدند نیز منظوری آن گرفته شده و بصاحبان آن اعطاء گردید .

۷ :- محصلین افغانی که در خارج رفته و از آنجا فارغ التحصیل شده ، مراجعت نموده اند دیپلومه هایشان از جانب ریاست معاینه و تحقیق شده ، از روی درجه و لیاقت هر کدام تعیین معاش شان گردیده ، بهر دایره مملکتی که کار کرده میتوانند به آن دایره معرفی و تسهیلات در امور و معاش شان بهم رسانیده شد .

#### چهارم « کورسها و کنفرانسها » :

۱ :- بغرض پیشرفت و تعمیم زبان ملی ما ( پښتو ) در تمام مکاتب افغانستان ، صنوف پنجگانه اول بصورت عمومی و طلاب بالاتر آن در مضامینیکه امتحان زبان ( پښتو ) را اجرا کرده میتوانند بطور خصوصی تعلیم و محاوره و تحریر مینمایند . علاوه بران جمیع معلمین و مامورین مکاتب نیز از طرف ریاست تدریسات مکلف شده اند که بعد از فراغ درس و نیز در ایام تعطیل مکتب هفته سه روز ( بقدر یک ساعت ) در کورس پښتو تحت معلمی یکنفر از معلمانیکه بدرس و محاوره پښتو از همه لایق باشد تعلیم بنمایند و هروقت راپور های حاضری و تدریسی خود را بریاست ارسال دارند . بهمان اساس ریاست تدریسات راپور های واصله شان را دیده ، درس

و طرز پيشرفت پښتوي آنها را تحت مراقبت و كنترول گرفته است .

۲- معلمين مكاتب ابتدائيه مركز و معلمينيكه در دوماه رخصتي تابستان از اطراف بمركز آمده بودند به ايشان از طرف رياست تدريسات يك كورس اصول تدريس در مكاتب جيبيه افتتاح و تحت نگراني مديريت مذكور تدريس نموده اند و همچنين بتمام ولايات و حكومتي هاي اعلى از رياست تدريسات امر داده شد كه در ايام تعطيل كورس اصول تدريسي دائر كرده ، معلمين در آنجا درس بخوانند .

۳- رياست تدريسات يك كورس (اصول تدريس) در مكاتب استقلال دائر كرده و در هفته سه روز معلمين مكاتب ابتدائي مركز را دعوت داده كه در كنفرانسهاييكه از طرف متخصصين تعليم و تربيه داده ميشود حضور بهمرسانيده استفاده نمايند - اين كنفرانس ها تاسه ماه دوام داشت ، معلمينيكه در بين كنفرانسها ابراز لياقت و جديت نموده كيا مياي بر آمدند بر ايشان يك يك اندازه پول بقسم مكافات بهمره يك يك قطعه مكثوبيكه حاوي بر اظهار امتنان بود از طرف رياست اعطا و بدائرة مربوطه آن ابلاغ گرديد .

ه - : كنفرانسهاي (علمي و اخلاقي) كه براي تقويه افكار و انكشاف اذهان خبلي موثر و مفيد واقع ميشود از طرف رياست تدريسات بمكاتبيك كه لازم دانست اطلاعاته شد تبصورت مناسب ميتوانند كه در مكاتب خود اجرا دارند نمونه آن در مكاتب صنائع بحضور معلمين و متعلمين مكاتب و مجاري آن بجرائد و مجلات نشر گرديد .

### پنجم « نمايشگاه عرفاني » :

نظر به تشويق پيشرفت و اصلاح امور معارف در اثر پروژه مشاور علمي كه نمايشگاه عرفاني بوجود آورده از جريانات تدريس و امور عرفاني يك سالة هرولايت و حكومتي نمائش ترتيب داده شود ، رياست تدريسات لائحه آنرا بتمام مكاتب اطلاع داد چنانكه در اثر اين اطلاع اكثر از مكاتب و موسسه هاي عرفانيه مركز كابل در تهييه و ترتيب آن تا يك اندازه موفق گرديده و در مكاتب خود تاريخچه مطلوبه را تحرير و كارهاي دستي و مواد نمايشات عرفاني را جمع و مرتب نگه داشته اند- ديگر مكاتب هم يگان يگان سامان ساخته شده طلاب را با تاريخچه آن مختصراً تحرير و برياست فرستاده اند كه تمام اين ها جمع گرد يده حينيكه از جاهای باقيمانده تماماً بوزارت ميرسد بعد از ترتيب آن بمعرض نمائش گذارده خواهد شد . باین وسيله از يكطرف تاريخ مفصل معارف بدست خواهد آمد و از طرف ديگر نواقص جزوي بعضی مكاتب هم اصلاح شده در بين مكاتب رقابت علمي پيدا خواهد شد .

### ششم « اجرای امور مختلفه عرفاني »

۱ - : مكاتبيكه جای کافی نداشته و به مشكلات دچار بودند رياست تدريسات در پيدايش

آن حتی کراهی هم باشد لوائح جدا گانه ترتیب و بمقام بالا تر تقدیم و در صورت منظوری اطلاع آنرا بمقامات داده و درین زمینه تسهیلات لازمه بهم رسانیده است .

۲ : - تعلیماتنامه های ( ابتدائی ) و ( دورستنیوینوئی تعلیماتنامه ) و غیره دستور العملها و لوائح قابل تطبیق را ریاست تدریسات بتمام مکاتب مرکز و ولایات فرستاده حکم تطبیق و اجرای آنرا داده است .

۳ : - چون در هذه السه منوازنه پښتودانی در عموم طلاب و صنوف مکاتب بلند گردیده و طلاب میتوانستند که بزبان ملی خود افاده و تدریس نمایند پس حکم ترغید ساعات پښتورابتمام مکاتب افغانستان تحریر و ترسیل نمود .

۴ : - برای اشخاصیکه معلم شدن شان در یکی از مکاتب و یا ترجمان شدن آنها در یکی از دوائر مملکتی مطلوب میباشد باین ریاست رسمه معرفی و محول می شوند تا سر رشته امتحان دادن و تعیین معاشات و درجه لیاقت شان ازینجا کرده شود همانا ریاست تدریسات بمطالاب مذکور اجرا آت لازمه کرده ، نتیجه را باتعین تنخواه و لیاقت شان بمقامات مربوطه خبر میدهد .

۵ : - برای امتحان طلاب و دیگر مقاصد عرفانیه مکاتب حریه و یاد دیگر جا اگر ضرورت ( متحنین ها ) میزین یاد دیگر معلومات ) پیش شود ریاست تدریسات تعیین و ترسیل آنها و گرفتن نتایج از اوشان و فرستادن نتایج مذکور بمرجعش اجرا آت نموده است :

۶ : - قبل از شروع تعطیل عمومی مکاتب ریاست تدریسات نسبت به تهیه و تاخیز کتب و سامان تعلیمی جدید ( جهت طلاب مترقیه ) بعموم مکاتب مملکت خبر داده ، تعقیب و تاکید نموده . آنهایکه درین زمینه غفلت کرده ، یا غفلت شان از راپورت تدریسی ماهانه آن و یا از دیگر ذرائع موصوله که معلوم شده تعقیبات اصولی نموده است .

۷ : - نظر باینکه ترجمانهای درجه اول نسبت بدیگر ترجمانها امتیاز و فرق داشته باشند ریاست تدریسات چنین تجویز نمود که ترجمانهای درجه اول با است دارای شهادتنامه بکلوریا باشند بنا بران فرمانی از حضور والا حضرت وزیر صاحب درین زمینه حاصل داشته بتمام وزارت خانها و دوائر رسمی مفاد آنرا ابلاغ نمود .

۸ : - از حیث قلت کاغذ و مواد طباعتی و غیره لوازمات تدریسی که باثر جنگ موجوده در همه جا پیش شده است ریاست تدریسات بقرض جلوگیری از خراب شدن کتاب و یا بی اعتنائی در حفظ سامان و غیره بتمام مکاتب افغانستان امر اکید صادر نموده که باید کتب و غیره لوازماتی که صرفیات ندارند چنان حفظ و وقایه شوند که بسال دیگر نیز مورد استعمال و استفاده دیگری بدرستی شده بتواند .

### ریاست تفتیش

ریاست تفتیش در مرکز ۳۳ مکتب را دو مرتبه در ولایت کابل (۷۵) مکتب را دو مرتبه ، در ولایت فندهار (۵۹) مکتب را یکمرتبه ، در ولایت مزار شریف (۳۴) مکتب را دو مرتبه ، در ولایت هرات (۳۹) مکتب را یکمرتبه ، در ولایت فطغن و بدخشان (۳۱) مکتب را یکمرتبه در حکومت اعلی میمنه (۱۵) مکتب را یکمرتبه ، در ولایت مشرفی (۳۴) مکتب را یکمرتبه تفتیش کرده و در تفتیش ها مراتب ذیل تحت مذاقه قرار گرفته است :

- ۱ - فعالیت معلمین راجع بحیات تربیوی در داخل وظیفه محوله شان .
- ۲ - کارروایهای سر معلمین و مامورین در باره تدارک سامان و لوازم تحصیل و تامین انتظام و غیره مکتب .
- ۳ - احوال و حرکات معلمین و مامورین ، چه از حیث اخلاق و چه از حیث اداره و گذاره .
- ۴ - صورت جریان تعلیم و تطبیق آن به اساس تعلیماتنامه ها و پروگرام موضوعه و اصول تعلیم .

- ۵ - صورت رعایت حفظ الصحه در مکاتب و انتظام درس خانه ها .
- ۶ - اموال انضباط نسبت بطلاب در داخل و خارج مکتب .
- ۷ - و ارسای بمجا فظه لوازم تحصیل و اثاثیه مکتب .
- ۸ - صورت تطبیق اوامر صادره وزارت در ادارات مکاتب و غیره مقامات مربوطه .

### دوم : - اصدار امرادخال طلاب جدید الشمول

طور معمول همه ساله ، امسال در صنوف اول مکاتب ابتدائی (۳۱۲۳۰) شاگرد در مکاتب متوسطه مسلکی و دارالمعلمین ها (۶۰۰ - ) شاگرد ، در مکاتب متوسطه (۶۰۳۸) و در مدارس ثانوی (۴۱۱) نفر جدید را ریاست تفتیش شامل داشته است .

### سوم : - اصدار امر اعزام وادخال طلاب در مکاتب مسلکی

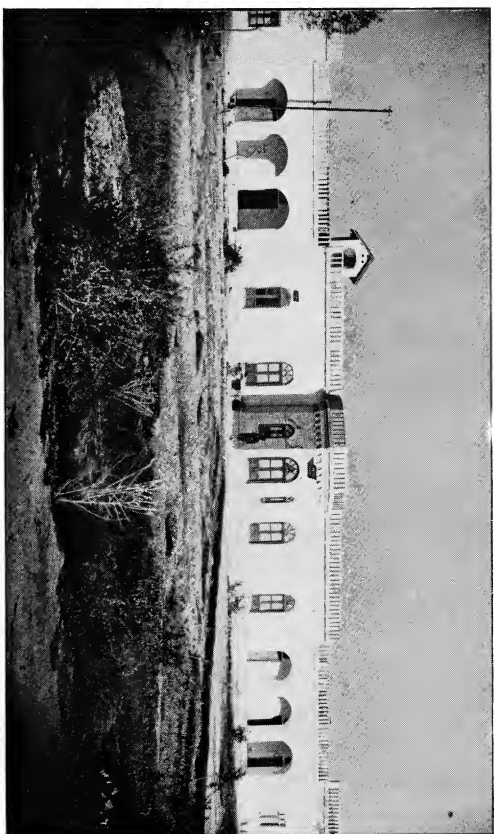
ریاست تفتیش یکدسته شاگردان از فارغ التحصیل دوره ابتدایی ، از ولایات و حکومت اعلی جهت شمول مکاتب حربی مکتب پست و تلگراف ، مکتب مساحت ، مکتب پرستاری ، مکتب اصول تحریر و محاسبات حاضر مرکز ساخته و بمکاتب مذکور شامل و مصروف تحصیل گردانیده .

و هکذا در باره یکتعداد طلبه فارغ دوره متوسطه اقدامات لازمه کرده شده .

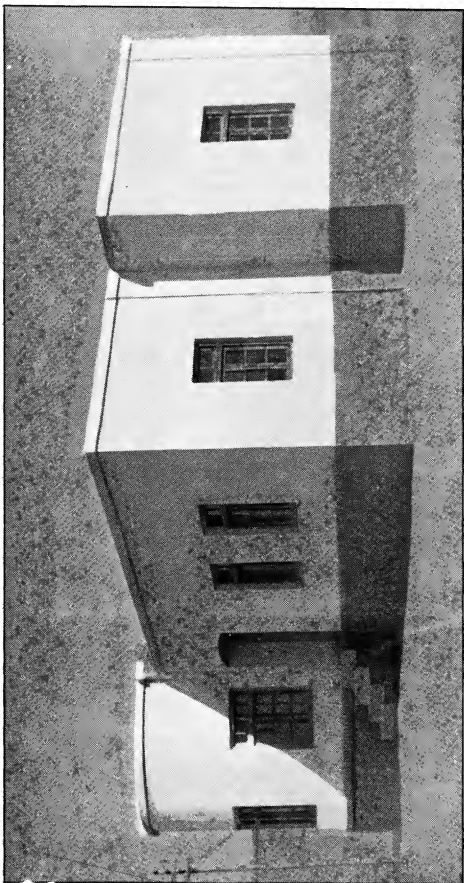


د قندهار عسکری قوماندانیه

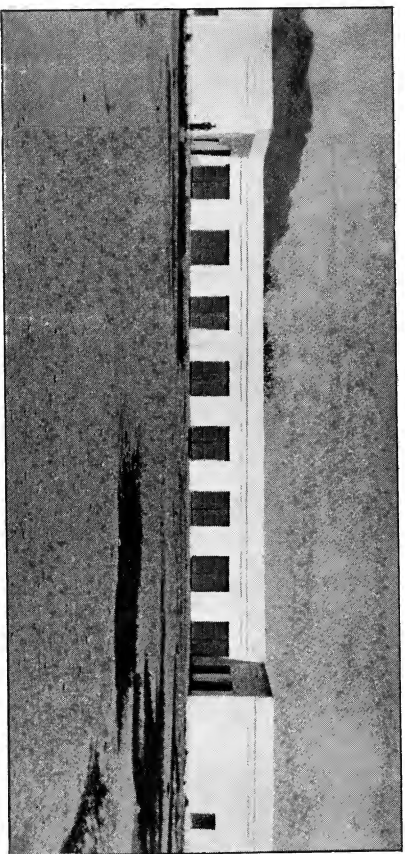




دقندهار دفرقي دار کافر راست



دڦندهار دفرقي دبرق او دتلفون خانې سټېشن



دفتردهار دفرقي د نقليي گاراجونه

#### چهارم - نگرانی از تنظیم و انضباط مکاتب :

برای جلوگیری از سوء اجراآت و قیام انتظام در مکاتب و موسسات و دو ایر عرفانی و مراقبت در امور اداری ریاست تفتیش (۴۰) فقره توسط مفتشین تدقیق و تحقیق نموده و در مجلس انضباط وزارت تقدیم و فیصله گردیده است .  
همچنین موضوعات تفتیش طلب که وقتاً فوقتاً پیش شده ، حسب نظریه مقامات عالی تحت تحقیق گرفته و تصفیه گردیده ، (۴۵) واقعه متعلمین (۳۵) واقعه معلمین (۲۰) واقعه مامورین مرکز و اطراف تدقیق و مطالعه کرده و بعد از تصویب مجلس و منظوری حضور جلالتمابی در معرض اجراء گرفته شده .

#### پنجم - واریسی باحوال طلبه افغانیه در ممالک خارجه :

ریاست تفتیش در مسائل اعاشه و رفیع حوائج طلبه افغانی در خارج اجراآت نموده ، از تعیین شعبات تحصیل و ستاژ و غیره شان که بادواژمر کر فیصله و تجویز شده و وقتاً فوقتاً بممالک متذکره مخایره شده و جواباتیکه واصل آمده به دواژرذی علاقه مرکری اطلاع شده است .

#### ششم - معاینه جداول احصائیه ماهواره طلبه :

در پایان هر ماه راپورهای حاضری و غیر حاضری صلاب موجوده و جدید الشمول مکاتب مرکز و کلیه ولایات و حکومت اعلی را ریاست تفتیش دریافت و تحت مشاهده قراردادده احصائیه هرمارا جدا گانه نیز ترتیب نموده است .

#### هفتم - احضار طلاب غائب بمکاتب :

ریاست تفتیش در جلب غیر حاضر ها ، تغییر و تبدیل اصولی طلبه مکاتب مرکز و اطراف نیز درین سال اقدامات مقتضی بعمل آورده است .

#### ریاست سپورت و حفظ الصحه

۱- برای پیشرفت امور سپورتنی مکاتب مرکز و نبودن میدانهای سپورت حسب آتی موفق شده دو میدان برای بازی باسکتبال ، والی بال و غیره باندازه (۸۰ متر × ۳۰ متر) در مقابل عمارت سابقه دنوی کابل دارالمعلمین درخواجه ملاواقع بسمت غرب جاده دارالفنون که سابقاً لیول شده بود کبل کاری نموده مورد استفاده قرارداد .

۲- برای اینکه مکتب عالی حبیبیه ضرورت زیاده میدان سپورت داشت بناءً علیه موضوع بمقامات عالییه عرض و منظوری حاصل داشته سی و شش جریب زمین شش میدان اصولی برای انواع سپورتهای تحت ساختمان گرفته بعد از لیول و کبل کاری مورد استفاده قراردادده است البته ناگفته

نماند که میدانهای مذکور از هر حیث مورد استفاده قرار گرفته است و بعضی اجراءآت و اصولات آن ذیلاً شرح میگردد :-

الف - باطراف میدانهای مذکور قوریه های ییدقندهاری، چنار عرعر و چنار نیله، ویشه خانه و بته های یاسمن غرس شده است امسال نتیجه خوبی داده تا هوای میدانهای مذکور را همیشه صاف داشته و هم اسباب زینت میدانها را فراهم آورد، در مقابل این قوریه ها خیا بانچه ها با اندازه چهار متر کشیده شده و بکنار های آن درختان عکاسی ویشه خانه غرس گردیده که البته در موقع ضرورت سرگ موثر تر روشده میتواند.

ب - بطرف غرب میدانهای مذکور دو میدان بزرگ برای حاکی باندازه ۶۵ در ۹۰ و یک میدان باندازه ۱۰۵ در ۷۵ یارد ساخته شده و بین این دو میدان یک میدان برای بازیهای باسکتبال، والیبال و تنیس تهیه دیده شده و کنار میدانهای متذکره به گلدانها مزین گردیده است و بکنار شرقی این میدان وسطی یک استگاه موتر تعیین گردیده تا در وقت لزوم مورد استفاده قرار داده شود، بکنار شرقی میدانهای مذکور هم میدانها و موتر گاه، گلدان مثل حصه غربی ساختمان شده در حصه وسطی این اراضی دو میدان بزرگ برای فتنال ساخته شده که عرض آن ۱۰۵ در ۷ یارد می باشد اطراف این دو میدان را هم با گلدانها زینت بخشیده بر علاوه در حصه وسطی این دو میدان یک ساحة وسیع را برای تعمیر یک کلوب جای گذاشته شده که در آینده قریب مطابق نقشه جداگانه به تعمیر یک عمارت اصولی پرداخته خواهد شد.

۴ :- لیول کاری و الحاقیه وسیع ساختگی میدان سیورت سابقه مکتب نجاب تکمیل و کبل کاری شده.

و هکذا یک میدان والیبال در مرکز وزارت از طرف ریاست سیورت تحت لیول کاری آمده که تکمیل گردیده.

۵ :- تعمیر میدانهای فتنال و والیبال در ولایت قندهار برای مکتب « احمد شاه بابا لیسه » و « میر و بس بابا لیسه » تکمیل گردیده.

۶ :- چون در سابق اساس سیورت بصورت صحیح گذاشته نشده بود ریاست سیورت بعد از تجارب متعددی برای تشکیل اساسی سیورت در افغانستان لوائح تشکیل تیم ها و لست البسه و سامان را به یک نوع بست تعین و مطابق به آن سامان و البسه به مکاتب مرکز و ولایات فرستاده و در مقابل آن از تمام مکاتب افغانستان تیم های متشکله را می خواهد . بناءً علیه در هذا سنه مقدار زیاد سامان و البسه سیورت از خارج وارد و بمکاتب مرکز و ولایات توزیع نموده و همچنان یک اندازه سامان سیورت از فابریکه ریاست المیک حریه خریداری نموده است که بادیگر لوازم سیورت توزیع شده.



ع، ج، ۱۰۱، نینان والا حضرت غازی سردار شاه محمود خان سپہ سالار اود حرب وزیر  
S. A.R. • A. A. • Sardar Chah Mahmoud Khan ministre de la guerre

د روغتیا اوبیطاریه مدیر	: ح ، میر محمد سعید خان غنہ مشر
د روغتیا د کورس آمر	: ش ، عبد الواحد خان کښه کمشر
ترجمان	: » ، عبد الکریم خان
د نقلیه د عمومی مدیریت کفیل	: ش ، عبد الباقي خان کښه کمشر
د نقلیه د اجرائیې مدیر	: ش ، میر محمد جان خان کښه کمشر
د ساکنو د کښه کمشر	: » ، محمد حسن خان
د موټر والود »	: » ، محمد اسلم خان

### د عمومی لوازماتو ریاست :

رئیس	: ع ، ع ، ش ، شیر احمد خان نائب سالار
د اجرائیې مدیر	: ح ، حسین علی خان غنہ مشر
د کنترول مدیر	: ش ، خواجہ عبد القیوم خان کښه کمشر

### حربی ریاست :

د رئیس کفیل	: ع ، ش ، عبد القیوم خان فرقه مشر
د کتنی او تدقیق مدیر	: ح ، سر دار محمد علی خان غنہ مشر
معاون	: ح ، محمد حسین خان
اعضاء	: ش ، عبد الواحد خان کښه کمشر
»	: » ، عبد اللطیف خان
د وسلې مدیر	: ح ، محمد غوث خان غنہ مشر
د جبهه خانې مدیر	: ح ، محمد اسماعیل خان
فنیه مدیر	: ش ، سر بلند خان کښه کمشر
د میگزین غنہ مشر	: ح ، عبد الرشید خان غنہ مشر
د جبهه خانې غنہ مشر	: ح ، محمد عثمان خان
د جبهه خانې تحویلدار	: ش ، محبوب شاه خان کښه کمشر

### د محاکماتو ریاست :

رئیس	: ح ، سید عی خان غنہ مشر
معاون	: ش ، محمد مهدی خان کښه کمشر

۷ :- مسابقات بهاری سپورتی درماه جوزا بین تیم های مکاتب مرکز از بازی فوتبال بعمل آمد بصورت ليک سیستم مدت يك ونیم ماه دوام ورزیده بالاخره لیسه استقلال نسبت باقران گوی سبقت را ربوده وعنوان فهرمانیت را حائز گردید .

۸ :- مسابقات خزانہ بین تیم های مکاتب مرکز بعمل آمده ودربازیهای مذکره مکاتب آتی الذکر فهرمان سپورت مذکور شناخته شدند .

حبیبیه :- فهرمان باسکیتبال .

استقلال :- فهرمان هاکی ووالیبال .

۹ :- حسب درخواست ریاست تعلیم و تربیه صورت بازیهای ملی را بدست آورده و ترتیب داده بریاست مذکور فرستاده شد تا درآینده در پروگرامات مکاتب عندالزوم ازان استفاده شده وعملی گردد .

۱۰ :- سابق برین معلمین و توالگی مشر های سپورت طوریکه لازم است از قوانین مختلفه سپورتی بصورت اکمل واقفیت نداشته و درحین اجرای سپورت بمشکلات زیادی بر میخورند وازین رهگذر بی انتظامیها و عدم دیسپلین در مسابقات بنظر میرسد برای رفع این نقصیه ریاست به تالیف کتابهای قوانین تمامی بازیهای مختلفه بین المللی از قبیل فوتبال ، هاکی ، باسکیتبال ، والیبال ، هیندبال ، تنیس ، واتر پولو و بیدمتن ، نتبال ، پنگ پانگ ، دیکتئس ، بوکسنگ ، رکی سپورت های انفرادی ، وبازی مختلفه برای اطفال خورد سال پرداخته وعنقریب بعد ازطبع بمورد استفاده عموم گذارده می شود .

ریاست سپورت وحفظالصحه درشق صحی خویش درهذاسنه بامور ذیل پرداخته است :

۱ :- برای معالجه وادویه طلاب معارف مبلغ (۵۴۶۱۶) افغانی (۵۱۰) دالر منظوری حاصل داشته مبلغ (۱۶۵۴) افغانی ادویه ازخارج وارد ومابقی آنرا ازدیوی عمومی وسائر شرکتهای موجود مرکز ادویه خریداری نموده وباستفاده مریضان گذارده شده است .

۲ :- درسنوات ماضیه شعبه صحی ریاست سپورت وحفظالصحه یکسفر دا کتر ویکسفر معاون دا کتر داشت که بمعالجه طلاب مکاتب مرکز مصروف می بودند بعد از دقت وتجربه زیاد بنظر رسید که این دونفر بمعالجه وتداوی طلاب مکاتب رسیدگی کرده نمی تواند تقرر دونفر معاون دا کتر را درهذاسنه ۱۳۲۰ جدیداً منظوری حاصل نموده دونفر را بحیث معاون دا کتر استخدام وبکارهای صحی محول نموده که یومیه قرار تقسیم اوقات معینه بمکاتب مرکز بمعالجه وتداوی طلاب وارسی می نمایند اگرچه دا کتران ومعاونین موجوده هم کفایت ورسیدگی کرده نمی توانند ریاست سپورت درصدد اینست که چندنفر دیگر را نیز بحیث معاونین دا کتر بدست آورده ودرشق صحی بکار بیاندازد تا اگر خدا بخواهد از امور صحی طلاب مکاتب زیاده



برزیاده مطابق دستور العمل های صحی واریسی کرده شود.

۳: برای اجرای پیش آمد جراحات و غیره واقعات غیر مترقبه از قبیل زخم ها و شکسته گی ها و امثال آن بیک نفر جراح احتیاج اشد حس میشد در هذاسنه تقرر یک نفر جراح را منظوری حاصل و بکار مقرر نموده تابه امورات جراحی شفاخانه معارف عندالزوم رسیده گی نماید.

۴: در هذاسنه شفاخانه معارف موفق شده است که به تعداد (۶۲۹۵) نفر را معالینه عمومی و تعداد (۱۰۹۴۰) نفر که به امراض مختلفه مصاب بودند. معالجه وادویه لازمه بدهند که احصائیه

آن قرار آتی است :-

- |   |          |
|---|----------|
| ۱:- معاینه عمومی شده                          | ۶۲۹۵ نفر |
| ۲:- مرض چشم علاج شده                          | ۱۱۲۱ »   |
| ۳:- « گوش » »                                 | ۳۱۰ »    |
| ۴:- « دندان » »                               | ۲۰۸ »    |
| ۵:- امراض ساری تحت تدای و معالجه آمده         | ۶۹۶۹ »   |
| ۶:- « داخله معالجه شده                        | ۲۶۶۰ »   |
| ۷:- « متفرقه » »                              | ۲۰۶۶ »   |
| ۸:- مریضانیکه بمتخصصین وزارت صحیه فرستاده شده | ۲۰۶ »    |

جمله ۱۷۴۴۱ نفر

۵:- در هذاسنه ریاست سپورت بعد از طی مذاکرات تواست باوزارت صحیه موافقت حاصل نماید که تمام موسسات صحی مربوط وزارت موصوف را که به نقاط مختلف مملکت موجوداند از طلاب معارف و مکاتب افغانستان معاینه عمومی نموده و درین راه معاونت به امور صحی وزارت معارف بنمایند چنانچه مفکوره فوق عملی شده نتایج آن بریاست سپورت واصل آمده و اکثر مصابین امراض مختلفه تحت معالجه گرفته شده نتیجه اطمینان بخش ازان بدست آمده است.

۶:- هکذا ریاست سپورت بعد از طی مذاکرات زیادی توانست که بموافقه وزارت صحیه توسط دا کتران متخصص دندان از تمام طلاب مکاتب مرکز معاینه عمومی نماید و نتایج آن صورت تدای از وزارت موصوف به این ریاست رسیده و اکثر طلابیکه بشفاخانه معارف تحت علاج گرفته شده و آن قسمت مصابین امراض دندان که توسط متخصصین دندان علاج میگردیدند بقرار لایحه جدا گانه و صورت موافقه وزارت صحیه تحت علاج آمده نتیجه خوبی از آن گرفته شده است.

۷:- نظر به معالجه اساسی دندان و پاک داشتن آن قرار تصویب متخصصین امراض

دندان وزارت معارف برای هذالسته بتعداد دوازده هزار دانه مسواک خریداری نموده به طلاب غیرمستطیع مکاتب مرکز توزیع نموده است .

۸ :- برای اینکه از شیوع مرض چیچک در مکاتب مرکز جلوگیری بعمل آمده باشد ریاست سپورت و حفظا لصحه بمعاونت وزارت صحیه تمام طلاب مکاتب مرکز را آبله کو بی واز فضل خدای توانا واقعه مختلف امراض چیچک تاحال بمکاتب بنظر نرسیده است .

۹ :- نظر بموافقه ریاست سپورت ووزارت صحیه تمام طلاب مکاتب افغانستان چه در مرکز وچه در ولایات به ادویه مرض ضدتیفئد ( تب محرقه ) انجکسیون ( پیچکاری ) گردیده و نتیجه قناعت بخش از آن گرفته شده است .

۱۰ :- بیشتر ازین ریاست سپورت و حفظالصحه جای صحیح و اصولی نداشته بناءً علیه پس از منظوری مقامات صلاحیت دار برای اداره ریاست سپورت و شفاخانه معارف در سمت جنوبی باغ وزارت معارف عمارت یک طبقه که اطافهای متعددی را دارا بوده تحت ساختمان گرفته شده که یک حصه آن تکمیل و ریاست بانجا نقل مکان نموده .

#### مدیریت موزه

#### ترتیب نمایشگاه البسه ملی یا تاسیس موزه انتوگرافی در افغانستان :

دائره موزه بجذیت تمام بعملی نمودن این نظر به عالی اقدام کرده متحدالامال بامضاء والا حضرت وزیر صاحب معارف عنوانی نائب الحکومه و احکام برای جمع آوری البسه ملی صادر نموده نائب الحکومه گئی ها حتی الامکان البسه ملی را فراهم آورده ارسال نمودند علاوه بر آن بعضی اشخاص وطن دوست نظر بحس وطن خواهی البسه و غیره سازمان بموزه انتوگرافی اهدا نموده اند دائره موزه هیئت های جداگانه تعیین نموده به اطراف واکتشاف مملکت اعزام کرده که البسه ملی آنوالاء را که مروج با آن اقوام بوده جمع کرده باخود آوردند .

موزه انتوگرافی در کلپ فابریکه حجاری و نجاری ترتیب یافته بتاریخ اول سرطان از طرف والا حضرت وزیر صاحب معارف معاون صدارت عظمی افتتاح گردید .

درد عوتیکه به مناسبت افتتاح نندارتون داده شده بود اراکین معارف و مطبوعات و علما و فضلا مرکز دعوت شده بودند مراسم به بیانیه مدیر عمومی موزه و تاریخ راجع به اهمیت حفظ آثار ملی و مقام انتوگرافی در تاریخ بیان نموده بعد والا حضرت وزیر صاحب معارف یک سلسله مطالب جامع و مفیدی ایراد فرمودند بعد ازان والا حضرت ممدوح به اطاق های ( نندارتون ) تشریف برده ملاحظه نمودند که قرار ذیل بچهار قسمت علیحده تخصیص یافته بود .

۱ :- لباس های مروجه کابل ، تصاویر پادشاهان ، صنعت نجاری قدیم ، زیورات ، اسلحه

ودست دوزی های زنانه و مردانه وردك ، میدان ، غزنی ، جلریز ، وغیره لباس های زنانه قرن ۱۹ از قبیل ارخالق و پیراهن چرمه دوزی که بنام طوپ خانه یاد میشد و سوزن کاری ودست دوزی که در روی ارخالق و پیراهن ها و دستمالها صورت گرفته بود .

۲ :- البسه قندهار و سمت جنوبی و تصاویر باد شاهان و زیورات و بارچه های دست دوزی که عبارت از تکه های خامك دوزی که بالای صحن سفید و خصوص چند پیراهن زنانه که خامك دوزی فوق العاده شده پیراهن های مردانه هررقم سمت جنوبی و قندهار مرتب شده بود .

۳ :- البسه جلال آباد ، نجراب ، و تگاب ، و نورستان دیده میشد لیکن سامان نورستان مکمل تر و خوبتر از قبیل اقسام آلات موسیقی صنعت چوب کاری و سامان حرب و آلات مطبخ و یکعده تصاویر و مناظر نورستان مخصوص شان پوست بز و لباس های یشمی سفید وغیره .

۴ :- دراین قسمت البسه هزاره جات و ترکستان از قبیل پیراهن های مردانه و زنانه و چین های ابریشمی پخته دوزی و صنعت دست دوزی و بافت گلیم و قالین بود .

علاوه از چهار اطاق فوق يك خر گاه مجلی که تمام دیوار های داخلی آن به قالین چه های خوش رنگی پوشانیده و در وسط خر گاه بالای میز مدور يك کتاب سفید گذاشته شده بود . که هر تماشاچی نظریه خود را بان کتاب تحریر مینمود نمایش البسه ملی تا به یکنیم ماه اول سرطان الی ۱۵ اسد باز بوده وعده تماشاچیان که با گرم جوشی زیادی باین نمایشگاه حضور بهم رسانده بودند تقریباً به (۸۰۰۰) نفر میرسد .

### خر بداري موزه

کتاب و بعضی لوحه های قلمی خوش خط وغیره سامان که جدیداً در سال ۱۳۲۰ علاوه شده است و تعداد کتاب و لوحه ها ۵۴ میرسد که بسیاری آن دارای اهمیتی خوبی میباشد سامان کتاب وغیره که بدفعات قرار فیصله های مجلس وزارت معارف که ع ، ص معین دوم و ع ، ص مشاور و مدیر موزه کابل شمولیت داشته خر بداري و در موزیم حفظ است .

### ششمین دوره حفريات بگرام :

بعد از وفات موسیوها کن رئیس هیئت حفريات فرانسه در افغانستان و پیش آمد جنگی امور حفريات بعد از چند ماه تعطیل به ششمین حفريات بگرام شروع شد که از ۲۴ ستمبر ۱۹۴۱ تا ۱۲ دسامبر سال مذکور دوام نمود این حفريات تحت نظر موسیو کرشمن مدیر جدید هیئت حفريات فرانسه و همکاری ص ، خیر محمد خان و ص ، محمد نبی خان اعضای مدیریت موزه کابل اجرا شد این حفريات شامل چهار کارگاه بوده .

۱ :- اولی متصل محلی بود که پروفیسرها کن آخرین حفريات خود را در آنجا عملی نموده و از آنجا بعض آثار کوچک یونانی و يك مجسمه کوچک مسی یافت شده .

- ۲ : - حفر گاه دومی بطرف غرب شهرشاهی واقع بوده و نظر بمسکو کاتی که از آنجا پیدا شده میتوان گفت که این شهر سه مرحله آبادی یونانی - پارتی و کوشانی را گذرانیده است
- ۳ : - حفريات برج عبدالله که بیک کیلومتری شمال خرابه های شهرشاهی واقع است در اینجامر بیکیه ۱۵ ضلع داشت حفر شد و بلا حظه رسید که آثار آبادی قدیم در اثر تغییر زمین به اراضی زراعتی کاملاً ویران شده سنگ های آنرا بجای دیگر حمل و نقل داده اند .
- ۴ : - این حفريات در همین برج عبدالله ولی در زاویه شرقی بعمل آمد و معلومات مفیدی راجع بطرز تعمیر و اصول بدست آمد و تأیید شد که اینجا فلسفه جنگی نظامیان یونانی بوده که اسکندر در آنجا تعمیر نموده بود .
- روشن کاری و پاک نمودن سامان سابقه غزنی و ترمیم نمودن سامان سابقه حفريات بگرام بذریعه موسیو هاملن متخصص موزه امسال صورت گرفته که بسیاری آن اگر توجه شود بهترین آثار افتخارات تاریخی ما بوده که از خرابی نجات داده شده است و همچنین بعضی سکوک که خریداری شده و یا بطور اهداء بموزه رسیده پاک و بصورت موزونی در الماری گذاشته شده و علاوه بر آن یک سلسله تصاویر پادشاهان و مناظر تاریخی توسط ص، خیر محمد خان رسم شده و در جمله تصاویرهای سابقه موزه افزود گردیده .

### مدیریت قلم مخصوص

این مدیریت ذاتاً برای اخذ تمام آن عرائض و مکاتبات و مراجعاتی است که از وزارت ریاسات ، ادارات ، مؤسسات ، مرکز کابل - ولایات - حکومت - داخل و خارج راساً و خصوصاً بحضور ع ، ج والا حضرت سردار محمدنعیم خان وزیر معارف (معاون صدارت عظمی) معروض و تقدیم می گردد و همچنان سر بسته خدمت شان توسط همین مدیریت تهدیه میشود وزیر صاحب معارف بعضی از این مراسلات را شخصاً بقلم شان مجاب و سر بسته توسط همین مدیریت قلم مخصوص بمرجع آن اعاده می فرمایند .

و جواب بعضی را به مدیریت قلم مخصوص هدایت میدهند که تحریر و بامضای والا حضرت شان رسانیده بعداً ارسال دارد و اکثری از آنرا بعد از مطالعه بر ریاسات و ادارات مربوطه آن توسط همین مدیریت ارجاع می فرمایند تا آنها اصولاً بامضای والا حضرت ممدوح بجواب آن پیر دازند !

### مدیریت بودجه

۱ :- ماموریت بودجه دولت مصروف ترتیب و توزیع بودجه معارف در مملکت بوده در عین حال احتیاجات غیر مترقبه را بصورتیکه از دائره بودجه خارج نشده و در امور مالی و موازنه عمومی فشاری عاید نکنند اداره و واریسی می کنند، کذا در تقدیم تابلوهای میعاد و تطبیق آن

بحسابات خزانه دولت و تحصيل پولهای وارداتی مصروف و ابراز فعالیت مينمايد و علاوهً پولهای باقیات سنوات ماضی را تا اندازهً تحصيل و متبایقه را بوزارت مالیه تحویل و انتقال داده است . و در اصدار متحد المال های اصلاحی شعب مر بوطه کوشیده، در ارسال تخصیصات افزودی معاشات معلمین که بتوجه حکومت بعمل آمده است اقدامات سریعانه نموده است .

## ۲ - ماموریت معاش و مصرف بودجه دولت :

این ماموریت عهده دار تمام پرداختهای قطعی انتقالی تقاوی و مساعده بوده در ظرف سال مالی آنچه را بصورت قطعی پرداخته باصرفه و اقتصاد بوده و آنچه را طوّر انتقالی تادیه کرده مراقبت تامه کرده است تا بدخایر و تحویلخانه های دولت اجناس و اموال خریداری شده تحویل و تسلیم شده و همچنان پولهای تقاوی و مساعده را با حسن صورت انجام و فیصدنود در تحصیلات و تصفیّه حسابات خود باشخاص طرف معامله کامیاب و تماماً باقیات گذشته را بوزارت مالیه تحویل و انتقال داده و در ترتیب و تقدیم تابلوهای موعدی به تطبیق حسابات خزانه و دارائی بوزارت مالیه موفق و در صدور هدایشاتمهای حسابی متعلقه خویش اقدامات لازمه کرده و در مناقصه قراردادها باشخاص طرف معامله بطور رضایت بخشی کامیاب گردیده است .

## ۳ - ماموریت جنسی :

ماموریت جنسی یک ماموریتیکه عهده دار و ارسی تمام ذخایر مالی وزارت معارف بوده در هدا سنه بواسطه فشار اقتصادی و جنگ اروپا باوصف اینکه هیچگونه سکنه در پروگرامهای تعلیمی مکاتب و شعبات مر بوطه عاید نکرده است از صرفه جوئی کار گرفته و یگانه موفقیت بی سابقه را که کامیاب شده است همانا ترتیب تابلوی جنسی تحویلخانه های متعدده وزارت معارف و تحویلدادن آن بوزارت مالیه است علاوهً در تصفیّه محاسبات سامان و لوازم مستهلك داخل اقدام سریعانه است و در ترتیب يك حساب صحیحی برای موزیم ( که ذخایر گرانبهای مملکت شمرده میشود ) داخل اقدامات بوده و در موجودی تحویلخانه ها و تصفیّه تفاوتهای آن فعالیت زیادی نموده است .

## ۴ - ماموریت مدرک جدید :

در حقیقت این ماموریت وظایف يك مدیر کنترول کوچک را بسر کتابت های جداگانه اداره می کند که اگر به توضیحات و جزئیات اجراآت آن بپردازیم عین اجراآت ماموریت بودجه، معاش و مصرف و جنسی میباشد و تمام آن اجراآت را که در شق بودجه دولت ماموریت های جداگانه اداره می کند در اینجا در تحت اثر یک ماموریت اداره میشود ولی در اجراآت از ماموریت های مذکور هیچ تفاوتی ندارد .

## ۵ - کنترول های مربوطه :

کنترولهای مربوطه نیز درطرزاجراآت تابع اجراآت کنترول مرکز بوده وتماماً در تقدیم نمودن راپورهای خود موفق شده اند .

### دائرة مامورین و اجرائیه

وسعت که درسنه ۱۳۲۰ نصیب معارف مملکت شده همانطوریکه امور کلیه شعبات ودوائر وزارت معارف را مضاعف ساخته وبفعالت آنها افزوده وظیفه دائرة مامورین را بسهم خود بلندتر وموقرتر ساخت ، زیرا این دائرة تمام مامورین ، معلمین ، متخصصین ومستخدمین موسسات جدید ومکاتب موجوده را باید مطابق پروگرام پیش بینی شده ، تهیه وتدارک میدید ، و احتیاج مکاتب وموسسات عرفانی را ازین ناحیه مرفوع میساخت ، طوریکه اجراآت وگزارش امور یک ساله این دائرة معلوم میشود کارکنان این دائرة درطول ۱۳۲۰ نه تنها وظائف خود را از رهگذر تدارک متخصصین ومعلمین وگماشتن مامورین ومستخدمین بمکاتب ودوائر جدیدالتاسیس انجام داده است بلکه از ناحیه ترتیب لوائح واصولنامه های که به تامین حیات وتکالیف معلمین ودوائر عرفانی ربط مستقیم دارد موفقیت های خوبی حاصل کرده است بصورت عمومی اجراآت دائرة مامورین درسنه ۱۳۲۰ قرار ذیل خلاصه میشود :-

### اول - ترتیب لوائح :

الف : قدم برجسته که دائرة مامورین درسنه ۱۳۲۰ برداشته ترتیب لایحه اقتدار وترفیعات معلمین است این لایحه تمام قسمت هائی را که مربوط بشرائط استخدام وترفع و طر ق بلند بردن سویه علمی معلمین است شامل میباشد .  
ب :- لایحه مکلفیت خدمت معلمین :  
این لایحه تمام مقررات مکلفیت خدمت معلمین را بشرائط مختلف که در دارا لمعلمین ها وکورس های تعلیم وتربیه تحصیل کرده اند توضیح مینماید .

### دوم - تدارک متخصصین ومعلمین :

الف : اقدامات راجع به استخدام (۲۱) نفر متخصصین خارجی برای فاکولته ها ، لیسه ها مکاتب متوسطه .  
ب :- شامل ساختن (۵) نفر متخصصین تعلیم وتربیه وماذونین مکاتب مملکيه در خدمت عرفانی .  
ج :- تجدید قرارداد با (۳۴) نفر متخصصین خارجی که قرار داد های ایشان ختم شده بود .  
د :- تقرر (۱۱۳) نفر فارغ التحصیل های دار المعلمین بمکاتب متوسطه وابتدائیه :

ه :- موظف ساختن (۱۱۰) نفر فارغ التحصيل كورس های تعليم و تربيه بمكاتب ابتدائی

سوم - تقرر مامورین و مستخدمین جدید :

الف :- تقرر یکنفر مشاور بوزارت معارف .

ب :- مقرری ( ۹ ) نفر مدیر بدوائر معارف مملکت .

ج :- شمولیت ( ۱۱ ) نفر بحیث عضو در ریاست تعلیم و تربیه ، ریاست تدریسات ، ریاست تفتیش و دیگر دوائر مهمه معارف .

د :- موظف ساختن ( ۱۴۸ ) نفر از درجه مامور الی کاتب بدوائر مرکزی و ولایات در شق معارف .

ه :- استخدام ( ۲۷۰ ) نفر مستخدمین در موسسات و مكاتب بدرجات مختلفه .

### دائرة تنظیمات

تنظیم و تنسیق تمام امور مربوطه به آلات - ادوات - سامان - وسائل تعلیم و تربیه و وسائط آن و تهیه و تسویه لوازم عرفانیه از وظائف اساسیه این موسسه است .

این مدیریت در پیشبرد تمام آن اوامر و ارشادات وزارت که راجع به شئون فوق باشد بکمال شطارت و فعالیت بذل مقدرت می ورزد . و همه لوازمات و ضروریات تمام مکاتب افغانستان را بر طبق پلان و نقشه مرتبه تهیه و تدارک می کند . و در تهیه و تدارک کلیه ضروریات موسسات عرفانی بذل مجاهدت می ورزد . این دائره با وجودیکه از دو سال به اینطرف در تورید اموال خارجه و ضروریات مکاتب به مشکلات زیادی مواجهه شده است ، ولی باز هم با تمامی این مشکلات مقابله کرده و اشیای کار آمد مکاتب را بطوریکه در تدریسات مکاتب صدمه وارد نکنند فراهم نموده است .

بصورت عمومی اجرا آت سال ۱۳۲۰ این دائره را میتوان در مواد آتی تذکار نمود :

۱ :- تسلیم گرفتن و توزیع نمودن تمام کتب تعلیمی تمام مکاتب مملکت .

۲ :- خرید و تهیه سامان و لوازم تحصیل کلیه مکاتب و موسسات عرفانی .

۳ :- آماده ساختن ضروریات لابورا توار ها و تهیه کتب برای کتبخانه های مکاتب .

۴ :- سر رشته تربیم و تعمیرات عمومی معارف .

۵ :- تهیه سامان و ضروریات مکاتب لیلیه از قبیل میز ، چوکی ، الماری ، چیرکت ، بستره

سامان طبخ ، لوازم نانخوری ، چایخوری و غیره مکاتب .

۶ :- سر رشته سه هزار دست البسه برای طلاب فاکولته ها ، مکاتب مسلکی و مستخدمین

۷ :- تدارک لوازم و چوب محروقات مکاتب و موسسات مرکزی .

۸:- فراهم نمودن سامان قرطاسیه کلبه دوائر عرفانی مرکز و ولایات.

## مدیریت اوراق

مدیریت اوراق در سال جاری در وصول و ایصال و ارجاع مکاتب آتی اجرا آت کرده :

۱ :- ریاست تفتیش شعبه مرکز (۱۱۰۰۸) ۲ :- ریاست تفتیش شعبه ولایات (۵۰۵۴)

۳ :- ریاست تفتیش شعبه مخصوص (۲۳۸۲) ۴ :- ریاست تدریسات (۸۲۰۸) ۵ :- ریاست سپورت و حفظ الصحه (۵۴۰۰) ۶ :- ریاست تعلیم و تربیه (۲۹۱۰) ۷ :- ریاست فاکولته حقوق و علوم سیاسی (۹۶۴) ۸ :- مدیریت مامورین شعبه تحریر (۷۶۹۰) ۹ :- مدیریت مامورین شعبه معلمین (۹۱۰۴) ۱۰ :- مدیریت مامورین شعبه اجرائیه (۶۱۰۰) ۱۱ :- مدیریت مامورین شعبه سوانح (۸۰۰) ۱۲ :- مدیریت تنظیمات شعبه داخله (۹۸۰۰) ۱۳ :- مدیریت تنظیمات شعبه خارجه (۲۰۷۴) ۱۴ :- مدیریت تنظیمات شعبه مدرک (۱۸۱۲) ۱۵ :- مدیریت کنترول شعبه بودجه (۷۴۰۲) ۱۶ :- مدیریت کنترول شعبه معاش و مصرف و دارائی (۴۲۶۸)

۱۷ :- مدیریت کنترول شعبه جنسی (۲۰۰۲) ۱۸ :- مدیریت کنترول شعبه مدرک (۲۷۵۶)

۱۹ :- مدیریت کنترول شعبه ترتیب بودجه (۱۲۰۰) ۲۰ :- مدیریت منطقه بلدیہ مکاتب ابتدائی (۸۹۸۲) ۲۱ :- مدیریت موزیم (۶۶۲) ۲۲ :- مدیریت اوراق شعبه اجرائیه (۷۲۸)

۲۳ :- مدیریت اوراق شعبه حفظیه (۱۵۰) ۲۴ :- شعبه قلم مخصوص وزارت (۳۹۱۰)

جمله (۱۰۴۳۶۶)

## ریاست فاکولته طبی

فاکولته طبی که از موسسات عمده و برجسته شهر یار استقلال و نجات بخشای افغانستان است باندازه دارای اهمیت و قیمت میباشد که شرحش درین مختصر نمی گنجد و موضوعش خیلی بطوالت می انجامد بنابراین آن ما از تعریف و توصیفش منصرف و اختصاراً باظهار مطلب می پردازیم :

فاکولته طبی نیز مانند سایر موسسات عرفانی در سال جاری مصدر بسا خدمات عالی و اجراآت عرفانی شده که از آن جمله باندراج و جیزه آتیه اکتفا میشود .

بتاریخ اول حمل دروس سمسر دوم فاکولته و مکتب طبی و دوا-ازی شروع شده و به اول سرطان امتحان هاشروع گردیده و بتاریخ ۱۵ سنبله امتحان باختم گردیده و به تعداد (۱۴) نفر طلبه از فاکولته طبی فارغ التحصیل شده و بوزارت جلیله صبحیه برای ستار فرستاده شدند همچنان (۱۰) نفر طلاب از صنف سوم مکتب طبی فارغ و به حیث معاون طب بوزارت صبحیه معرفی گردیدند از شعبه دوا سازی نیز (۶) نفر فارغ التحصیل شده و برای خدمت بوزارت صبحیه سپرده شدند به اول



ماه میزان سال تعلیمی شروع گردیده در صنف اول فاکولته (۸) نفر از فارغ التحصیلان بکلوریای مکتب مرکزی جدیداً برای تعقیب دروس فاکولته شامل شدند همچنان به تعداد (۱۹) نفر طلبه به صنف اول طبی و (۱۳) نفر به صنف اول دوا سازی به اثر اوامر وزارت جلیله معارف شامل و مصروف تحصیل گردیدند !

بتاریخ ۲۰ جدی طلاب صنف سوم فاکولته حسب معمول همه ساله برای دسیلکسیون به هند فرستاده شدند .

در سال جاری فاکولته طبی با دیگر مربوطات خود مثل مکتب طبی و دوا سازی به یک جاجم و تمرکز داده شد بیشتر ازین فاکولته طبی به دارالفنون و مکتب طبی و دوا سازی در کیمیا خانه تدریسات خود را تعقیب می نمودند برای رفع مشکلات برای همه در (نوی کابل) جای مناسب تهیه شده و بتاریخ ۲۹ برج قوس نقل نمودند و علاوه بر طلاب مکتب طبی و دوا سازی نیز مانند طلبه فاکولته لیلیه شده اقامتگاه و سائر وسائل برای شان تهیه شده است .

علاوۀ در دوران سال در تنظیم لابوراتوارها و تکمیل ادوات لازمه نیز تکامل خوبی بعمل آمده است .

### ریاست فاکولته حقوق و علوم سیاسی

این ریاست با مفخرت از مؤسسات ذیقیمت عصر اعلی حضرت جوان جوآنجت ، و از جمله نهالهای برومند دوره وزارت والا حضرت وزیر باداریت مامی باشد و اهمیت و قیمت آن باندازه عیان است که حاجت به شرح و بیان ندارد و بتأثیر آن بکمال اختصار از بعض مجاری آن ذیلاً بناظرین آگاهی می دهیم .

قارئین مطلعند که تدریسات این فاکولته سه سال دوام میکند .

در این فاکولته در سال اول تدریسی (۱۳۱۷-۱۳۱۸) ۲۴ نفر متعلم در صنف اول پذیرفته شد که از آن جمله پس از سه سال یعنی ختم دوره تعلیمیه (۱۳۱۹-۱۳۲۰) ۱۴ نفر آن فارغ التحصیل شده و طبق پروگرام باخذ دیلم موفق گردیدند .

در سال دوم تدریسی (۱۳۱۸-۱۳۱۹) ۱۲ نفر متعلم در صنف اول پذیرفته شد که پس از گذشتن دو سال از آن جمله شش نفر در این سال تدریسی (۱۳۲۰-۱۳۲۱) در صنف سوم شامل هستند .

در سال سوم تدریسی (۱۳۱۹-۱۳۲۰) ۱۲ نفر بصنف اول پذیرفته شد که درین سال تدریسی (۱۳۲۰-۱۳۲۱) صنف اول ممتد را تشکیل نموده اند . و در عین حال شش نفر دیگر درین سال (۱۳۲۰-۱۳۲۱) بصنف اول پذیرفته شدند که در نتیجه در هذالسنه فاکولته دارای دو صنف اول (اول ممتد و اول) و یک صنف سوم می باشد .

فاکولته حقوق از نقطه نظر اینکه بمضامین تدریسیه بمعلمین فاکولته کمک کرده باشد و در

### د اصلاح او ترقی ریاست :

رئیس	: ع ، ش محمد عمر خان فرقه مشر
اعضاء	: ع ، ش خان زمانخان » »
»	: ح ، محمد عمر خان غنہ مشر
»	: » ، محمد یعقوب خان » »
»	: » ، محمد اکبر خان » »
»	: » ، محمد توکل خان » »
»	: » ، محمد ایاز خان » »
»	: ش ، امیر محمد خان کنبه کمشر
»	: ش ، داد محمد خان » »

### د دائمی دیوان حرب ریاست :

رئیس	: ع ، ش عبدالقیوم خان فرقه مشر
معاون	: ح ، گل میر خان غنہ مشر
اعضاء	: » ، حبیب الله خان » »
»	: » ، احمد شاه خان » »
»	: » ، سید محمد حسین خان » »
»	: » ، محمد اصغر شاه خان » »
»	: » ، غلام بها والد ینخان » »
»	: » ، سید احمد خان » ثانی
»	: ش ، محمد سلیمانخان کنبه کمشر
»	: » ، محمد عمر خان » »

### د حربی فابریکو ریاست :

رئیس	: ع ، ع ، ش ، سید عبدالله خان شاجی
معاون	: م . . . . .
د اجرائی مدیر	: ش ، محمد کاظم خان
د کنترول مدیر	: » ، میر ابو طر ابخان
دمیخانیکي مکتب مدیر	: ش ، عبدالمجید خان کنبه کمشر

عین حال آثار تدریسی و کتب مفیده دیگر (حقوقی، سیاسی، اداری، اقتصادی، مالی، اجتماعی وغیره...) را بدست رس استفاده علاقه مندان بگذاردمدیریت نشریات را تأسیس نمود. مدیریت مذکور از اول حمل ۱۳۱۸ با اجرای منظور فوق مشغول شده بعلاوه دروس جاریه در صنوف فاکولته که بی دریغ بصورت کتاب طبع و نشر نمود کتب دیگری را نیز از السنه خارجی ترجمه و طبع نموده است که تا این سال (۱۳۲۰) تعداد نشریات فاکولته به (۵۲) جلد رسیده است که از آن جمله تا کنون (۳۱) جلد را از طبع خارج نمود و بدسترس افاده گذاشته است.

### امور اقتصاد

#### اجراآت مدیریت عمومی صنایع وزارت اقتصاد ملی:

به نسبت بحران دنیا و مسدود بودن راه های تجارتی در سال ۱۳۲۰ مدیریت عمومی صنایع به تدویر و تأسیس فابریکه ها و موسسات صنعتی که در نظر بود موفق نگردیده و فقط با اجرای بعضی کارهای ذیل اقدام نموده است.

نشر اصولنامه تشویق صنایع.

تدوین اصولنامه کار و عملیات و سپردن آن بمقامات صالحه جهت اخذ منظوری و نشر.

فروش فابریکه پشمینه بافی قندهار و تأسیس موسسه (قندهار دوزی و اوپلوشرکت) به سرمایه (۵ میلیون) افغانی تحت ریاست جناب حاجی عبدالخالق خان.

تأسیس (موسسه کمک صنایع دستی) به غرض پیمبرد صنعت نساجی دستی وطن به سرمایه - (یک میلیون) افغانی تحت ریاست جناب عبدالغفور خان.

ترتیب اوراق احصائیه بغرض درج قوه محرکه، مواد خام، حاصلات، معاش و مصرف، و پرزجات فالتوی کارآمد یکساله موسسات.

اعزام یک هیئت سیار بحکومت کلان شمالی جهت گرفتن احصائیه صنعتگران دستی آنجا.

استحصال فرامین حاوی اخذ احصائیه صنعتگران دستی از مقام عالی صدارت عظمی و ارسال آن ها به حکومتات اعلی وولات.

استخدام یکنفر متخصص خارجی جهت سرکشی امور ماشینیه موسسات صنعتی و بسته کاری فابریکه جدید بوت دوزی واقع زنده بانان ذریعه متخصص مذکور.

تعمیر یکصد یایه کارگاه نساجی دستی عصری.

تعمیر و توسعه عمارت نندارتون و توزیع انعامات جهت تشویق به صنعتگران که مصنوعات ایشان در نندارتون حاضر درجه گردیده بود.

اخذ لایسنس های مواد وارداتی موسسات صنعتی و سپردن آنها بموسسات متذکره.

ثبت جزو ارقیمت سامان و مواد مستحصله فابریکات بغرض اینکه مواد مستحصله خودهارا از قیمت معینه آن اضافه تر بفروش نرسانند .

ارسال جداول و اوراق علیحده طور نمونه بموسسات صنعتی تامطابق آن پیشنهاد اخذ لایسنس سامان کارآمد فابریکه ویابیشنهاد ترمیم سامان مرمت طلب خودرا بنمایند .

### امور صحیه

درین سال یکی از عمده ترین کارهای وزارت صحیه تاسیس یک تعداد شفاخانها و معاینه خانها در نقاط مختلف است که برخی ثابت و عده بطور سیار میباشند - معاینه خانها و شفاخانهای ثابت مانند سایر معاینه خانها و شفاخانها در یک نقطه مملکت متمرکز بوده است . اما معاینه خانهای سیار در یک ناحیه تمرکزیت حاصل و وقتاً فوقتاً در نواحی مر بوطه گردش نموده بمعالجه مریضان درقریه و دهات شان پرداخته و آنها را که لزوم معالجه طولانی داشته باشند به بستر شفاخانهای ثابت رهنمونی میکند . اما منظوری که معاینه خانهای سیار امساله وزارت صحیه دارد از همه اولتر معالجه و تدای مریضان مبتلا به سفلیس و ملاریا است که نسبت به سالهای گذشته عده آنها بیشتر شده و این معاینه خانها بامصارف هنگفت و ادویه قیمتی در هر منطقه موظفه سیر و گردش می کنند ، ابتداء اشخاص مبتلا به سفلیس را ( در صورتیکه نادار باشند بطور مجانی و در صورت دارنده گی بطور اجرت ) معالجه و تدای می نمایند :

#### تاسیس شفاخانها :

- ۱- شفاخانه ملکی حکومت کلان بلخ مر بوط ولایت مزار شریف .
- ۲- یک معاینه خانه سیار که مرکز آن در مزار شریف بوده و در نواحی ولایت مذکور بمعاینه و تدای مریضان می پردازد .
- ۳- معاینه خانه ایک بطور ثابت مانند سایر معاینه خانها فعالیت میکند ،
- ۴- معاینه خانه سیار که مرکز آن در خان آباد بوده در ولایت قطغن و بدخشان بمعاینه و تدای می پردازد .
- ۵ - معاینه خانه سیار که مرکز آن در هرات بوده و بطور سیار بمعاینه و تدای مینماید .
- ۶ - معاینه خانه حکومت شین دنه مر بوط ولایت هرات که بطور ثابت مانند سایر معاینه خانها کار می کند .

- ۷ : - معاینه خانه حکومت غوریان مربوط ولایت هرات بطور ثابت بوده و مانند سایر معاینه خانها اجرا آت می کنند .
- ۸ : - معاینه خانه سیار در حکومتی اعلی میمنه که در مضافات نیز جهت تد او ی و معا لجه مرضا می پردازد .
- ۹ : - معاینه خانه ثابت در حکومت کلان خوست مانند سایر معاینه خانها بفعاینه و تد او ی امراض مشغول میشود .
- ۱۰ : - شفاخانه حکومت کلان بشتوار که بتد او ی عمومی امراض اشغال ورزیده و علاوه بر اینکه مریضان بستری را می پذیرد به پولی کلینیک امراض هم قیام می کند .
- ۱۱ : - یک شفاخانه در حکومت کلان تالقان که مانند سایر شفاخانها بوظائف اساسی خود واری می کند .
- ۱۲ : - شفاخانه عقلی و عصبی برای نسوان :- طبق پروژه پنجاه و وزارت صحنه تاسیس یک شفاخانه عقلی و عصبی برای طبقه نسوان ایجاد شده و عمارت اساسی آنهم از چندی در سال گذشته در دارالفنون زیر تعمیر گرفته شده است .

### اقدامات راجع به مجادله باعلا ریای سمت شمال :

دراثر مجادله صحنه در سال ۱۳۲۰ نسبت به سالهای گذشته فیصدی هفتاد و پنج در مبتلایان مرض ملاریای سمت مذکور تخفیف بعمل آمده و یک امیدواری بزرگی را در مجادله با این مرض وانمود کرد .

### مرض کولرا :

در نصف ماه اسد ۱۳۲۰ مدیریت عمومی امور بین المللی وزارت جلیله خارجه نظر بمعلوماتیکه از منابع موثق بدست آورده بودند تیلفونا بوزارت صحنه برو مرض کولرا در حصه جنگل خیل کوهات قریب سرحدات افغانی معلومات دادند ، وزارت صحنه به سریع ترین ایام تریبات تدافعی و حفظ ماتقدم راروی دست گرفته و بسرعت تمام هیئت های صحنی جهت واکسی ناسیون افراد حواشی سرحدی اعزام و در عین زمان ابتداء قرانطین های حدودی را دائر نمود - چنانچه به لطف خداوند پاک و تریبات متاخذه مرض از نقاط استیلا شده بعد از تلفات جزئی که صورت گرافیک آن ذیلا توضیح میشود بکلی رفع گردیده و قرانطین های دائر شده آزاد گذاشته شدند .

### گرافیک صورت استیلاي مرض کولرا

تاریخ شروع	محل اصابت مرض	تعداد مبتلایان	وفیات	صحت
۷ میزان ۱۳۲۰	ترازایی خوست جنوبی	۷ نفر	۲ نفر	۵ نفر
۱۰ » »	عالم خیل » »	۴ »	۲ »	۲ »
۱۳ » »	یعقوب خیل » »	۲ »		۲ »
۱۳ » »	علی خیل » »	۳ »	۱ »	۲ »
۲۱ » »	تنی » »	۱۲ »	۴ »	۸ »
۴ و ۵ عقرب	جنوبی	۱۸ »	۱۰ »	۸ »
۴ قوس	دره پیچ مشرقی	۵۰ »	۱۳ »	۳۷ »
تعداد واکسین شديگان ۱۶۲۳۸۰ نفر				

### وقایه از ملاریا و عملی نمودن مجادله با ملاریا در کابل:

وزارت صحتیه وقتاً فوقتاً راجع به ملاریا هدايات كافيۀ توسط دكتوران و متخصصين صحتي تهيه كرده و آنها را بوسیله صفحات مجله روغتيا و كنفرانسهای مخصوصه به اهالی و انمود كرده است و هم دكتور بلديۀ كابل پيشنهادات مفصل و مفيد در مورد جلو گیری از ملاریا ي كابل نگاشته و تنبعات مفيدۀ در اطراف اين موضوع نموده و نسخه از آن بزياست محترم بلديۀ كابل داده است .

### معاینه خانه عمومی شهری:

وزارت صحتیه در پلان تشکيلاتی خویش برای شهر کابل چهار معاینه خانه را فائل شده بود که از آن جمله سه معاینه خانه آن که عبارت از معاینه خانه شهر آراء ، چنداول و چمن باشد فعلاً دائر بوده و باتمام جدیت مشغول فعالیت میباشد .

معاینه خانه چهارمی که از همه مهمتر بوده و بنام معاینه خانه مرکزی یاد میشود ما بنده سابق از طرف وزارت صحتیه تدویر گردیده و پلان تمیمیاتی آنرا بوسیله مهندسین ماهر وزارت فوائد عامه ترتیب و بعد از صحت مقامات صلاحیت دار به تعمیر معاینه خانه مذکور در جوار جنوبی دیوی عمومی آغاز نمود .

این معاینه خانه علاوه از اینکه در قطار موسسات عصری بشمار میرود و دارای تمام لوازم عصری خواهد بود ، مزیت قابل ذکر دیگر که این معاینه خانه دارد عبارت ازینست که برای واقعات غیر مترقبه از قبیل تصادم با موتر و غیره که در شهر رخ میدهد پنچ بستر برای پذیرفتن همچو اشخاص در آن تخصیص داده شده است .

## تاسیس یک عمارت جدید برای ساخت ادویه پیدوار مملکت

### وذخیره نمون سایر ادویه

طوریکه در سال گذشته ۱۳۱۹ اسم این موسسه در جمله سائر تعمیرات ذکر شده بود اینک در سال ۱۳۲۰ با اساس نقشه های مرتبه در کرتیه ( ۴ ) بنای این تعمیر گذاشته شد ، عمارت مذکور در زمرة بناهای خیلی عصری بشمار رفته و برای ساختن ادویه از پیدوار مملکت لا بر اتوارهای عمده رادارا میباشد ، یعنی وزارت صحنه در نظر دارد از بسا نباتات و مواد موجود مملکت یک تعداد ادویه زیادی را بوسیله این موسسه بدست آورده و در دسترس استفاده شفاخانهای مربوطه خویش بگذارد و از طرفی بعضی ادویه جات ، فرعیه از قبیل برخی شربتها تیچرها وغیره را از مواد اصلیه وارده از خارج در اینجا تهیه نماید و علاوه آن در عمارت مذکور یک حصه وسیعی دیگر برای نگاهداشت و ذخیره نمودن سائر ادویه تخصیص داده شده که بصورت فنی برای یک مدت طولانی ادویه های مزبوره در اینجا محافظه شده می تواند .

### همکاری بلدییه ها با وزارت صحنه :

ریاست بلدییه کابل از آغاز سال ۱۳۲۰ تمام مصارف معاینه خانهای بلدییه کابل از قبیل معاینه خانه شهر آراء ، چنداول و چمن را بر عهده خود قرار داده و بوزارت صحنه مساعدت کرد تا در تطبیق پلان خویش تعطیل مشاهده نکنند ، عموم مصارف معاینه خانهای شهری از شروع امسال ۱۳۲۰ به بعد مربوط ریاست بلدییه بوده و وزارت صحنه صرف آنها را از جهات فعالیت های عمومی مربوط صحت عامه مراقبت می نماید و در تکمیل نفر فنی آن مساعدت خود را دریغ نمی کند ، همچنان ریاست بلدییه مزار شریف نیز پسانها به همچنین اقدام جدی مبادرت کرده بودجه مصرف و معاش شفاخانهای خود را بردوش گرفته و اسباب امتنان وزارت صحنه را فراهم نموده است .

### استفاده از موسسه با کتر یولوژی مرکز :

در موسسه با کتر یولوژی مربوط وزارت صحنه معاینات مختلفه از قبیل معاینه خون ، معاینه دماغی شوکی ، معاینه ریم ، دمل ، بلغم ، و معاینه مواد غاططه و غیره صورت می گیرد .

### بکارا افتادن لا بر اتوار دومی :

وزارت صحنه درین اواخر جهت سهولت مراجعین تجویز نمود که برخی تجزیه های عمومی از قبیل تجزیه ادرار و غیره را در لا بر اتوار دومی تحت اجراء قرار بدهد ، به اساس این

منظور بود که تمام سامان ولوازمات لابر اتوار اطراف بررسی قراردادده و در تحت نظارت یکنفر دکتور باکتولوژ به تاسیس این لابر اتوار پرداخته و در دیوی عمومی چندین اطلاقی را برای لابر اتوار مزبور تخصیص داده است .

#### عمارت ادویه فروشی در کر تیه ٤ :

درین اواخر چون اساس شهر جدید در حوزۀ چهاردهی بنام «نوی کابل» گذاشته شده و کر تیه چهارم آن در شرف تکمیل بوده وعدۀ از اهالی در آنجا سکونت هم اختیار کرده اند بنا بران لزوم تاسیس یک ادویه فروشی را درین کر تیه دیده و مبادرت به تعمیر عمارت این ادویه فروشی نموده که اساس عمارت مذکور در سال ۱۳۲۰ آغاز گردیده و به پوشش رسیده است ، البته عین تمرکزیت اهالی درین کر تیه به افتتاح ادویه فروشی مزبور پرداخته شده و طوریکه لازم است طرف استفاده اهالی قرار خواهد گرفت .

ترتیب تعلیماتنا مه ها ، رهنمای تداوی وغیره

#### تعلیماتنامه فن کمپو دری

وزارت صحیه در سال ۱۳۲۰ اقدام به تهیه و تدوین یک پروژه نموده که در آن از یکطرف راجع به تحصیل ، دوام درس ، واخذ شهادتنامه و صورت انتساب و ترفیع دواسازها مقرراتی وضع نموده و از جانبی نسبت به مصارف ادویه که بصورت هنگفت در دواخانهای شفاخانهای مرکز و ولایات بصورت رایگان بمصرف میرسد ، ترتیباتی را ذکر کرد که از روی آن جمع ادویه متذکره که به اهالی مجاناً داده می شود بالاخر پروژه متذکره از صحه و منظوری مقامات عالیہ گذارش یافته و تحت طبع می باشد .

#### اصولنامه قوانین صحی محابس :

وزارت صحیه علاوه از مراقبت های که در زمینه محابس مینماید یک رهنمای اساسی برای تنظیمات و حفظ الصحه محابس ترتیب و آنرا به مقامات عالیہ تقدیم داشته است تا پس از استحصال منظوری مورد تطبیق و عمل قرار دهد .

#### رهنمای تداوی سفلیس :

و هم یک رهنمایی جهت تداوی سفلیس ترتیب و تدوین نموده که علاوه بر مجادلات و جلوگیری های زیاد این هم کمک نمایند رهنمای مذکور از تصویب مقامات صلاحیت دار گذارش و منظوری یافته تحت طبع است .



### رهنمای مجادله با تراخوم :

برای اینکه اجراء آت مجادله با این مرض يك شكل متحدی داشته و تمام موظفین مجادله با عین طرز مفیدی اجرای فعالیت نمایند ، يك رهنمای مجادله با تراخوم از جانب وزارت صحتیه ( که در تدوین آن شاعلی اسمعیل خان « علم » متخصص امراض چشم سهم عمده دارد ) تدوین و به صحت مقامات عالیہ رسیدہ و به مطبعہ فرستاده شدہ .

### طبع تعلیماتنامہ حصہ پرستاری فن پرستاری و حفظ الصحتہ

حصہ پرستاری که قبلا از کتاب ( تشریح فیزیولوژی جراحی صغیر و پرستاری ) ترکی ترجمہ شدہ بود زیر طبع است تا بس از طبع يك نسخه آن برای طلاب مکتب پرستاری و کورس پرستاری انائیہ توزیع شود .

### اعزام هیئت صحتی به مشرقی :

در ماه میزان و عقرب مرض ملاریا در سمت مشرقی کسب شدت کرده و يك اقدام فوری را جهت جلوگیری آن ایجاب می کرد - علیهذا با آنکه در سمت مشرقی تشکیلات وسیعہ صحتی و شفاخانهای متعددی دائر و اجرای فعالیت می کنند يك هیئت صحتی مکملی بمقصد معاونت و همکاری با ایشان از طرف وزارت صحتیه تعیین و بامقدار کافی کنین به مشرقی اعزام گردید و آنجا گردش کرده در جمیع نقاطیکہ مریضان مبتلا به ملاریا موجود بود به معالجه و تدوینی مریضان پرداخته و مرض رفع گردید .

### مجادله با ملاریا در سروبی :

نیز مرض ملاریا و بعضی امراض دیگر رخ داده و روبه زیادت گذاشته بود وزارت صحتیه برای مجادله با این امراض و رفع سرگردانی اهالی بهتر دانست و نیز يك هیئت صحتی را با لوازم و ادویه به سروبی که در آنجا مرض ملاریا بود اعزام نموده و هیئت متذکره اقدام نمود و بعد از اخذ نتایج مفیدہ عودت نمودند .

### واکسین چیچک و آبله کو بی :

درین سال در بعض حصص مملکت مرض چیچک بیشتر بملاحظہ رسیدہ و میخو است دامنه شدت خود را پهن تر سازد ، لذا وزارت صحتیه در مناطقی که شدت مرض چیچک احساس میشد هماندم نفر آبله کوب را با آب واکسین چیچک و سامان لازمه فرستاده . و قرار احصائیہ که در وزارت صحتیه فید شدہ در سال ۱۳۲۰ به تعداد يك لک و هشتاد هزار نفر آب چیچک بمصرف رسیدہ است .

### موسسات درجه دوم دندان سازی:

طوريكه درين اواخر در اطراف لوايح اجرت موسسه هاي دندان سازي تدقيق بعمل آمد وزارت صحتيه باين تجويز رسيد كه طلاب بي بضاعت معارف و افراد ناتوان از عهده پرداخت اجرتهاي معينه برآمده نمي توانند پس چنين قرارداد كه بايست يك موسسه دندان سازي درجه دوم براي ذكور در معانيه خانه مركزي و يك موسسه دندان سازي درجه دوم براي اناث در شفاخانه مستورات دائر نموده و موسسه هاي مزبوره طبق لوايح اجرتي از درجه اول خيلي قليل است به امورات موظفه خویش اشتغال نموده و از مراجعين باساس همان لوايح اخذ اجرت مي نمايند ، فعلا موسسه هاي مذکور مشغول كار بوده و استفاده هاي با افراد بي بضاعت كمكي شاياني نموده اند .

### تمرينات پاك نگه داشتن دندانها در مكاتب :

وقتي كه شباغلي عبدالله خان طرزي دكتور دندان مقاله تحت اين عنوان نگاشته و در آن نظريات را در اطراف عملي شدن اين تمرينات بوسيله وزارت معارف و صحتيه پيشنهاد کرده بود پيشنهاد متد كره از جانب وزارت صحتيه بوزارت جليله معارف ارسال و بالاخره هر دو وزارت آنرا بخوبي تلقی کرده و باساس آن باتخاذ ترتيبات ذيل مبادرت نمودند .

۱ - در ابتداء اين تمرينات در مكاتب مركز عملي شود .

۲ - پس از تعيين تعداد تمام طلاب و محل مكاتب از طرف وزارت معارف ، مكاتب شهر به سه منطقه تقسيم شود و در هر منطقه يكي از سه نفر دكتوران دندان كه عبارت از شباغلي عبدالله خان طرزي ، شباغلي فضل احمد خان و شباغلي مير نجم الدين خان ميباشند گردش کرده و پس از معانيه دندانهاي تمام طلاب مكاتب و اعطاي هدايت لازمه بايشان يك احصائيه مرتبي از وضعیت دندانهاي ايشان بوزارت تقديم نمايند .

وزارت صحتيه پس از اخذ احصائيه مذکور چنين تجويز نمود تا در هفته دو بار يكي از دكتوران موصوف براي دوساعت در شفاخانه معارف يا جايي كه وزارت معارف تعيين كنند رفته و به معانيه دندانهاي طلاب پرداخته هدايات و نسخه هاي لازمه اعطا نمايند .

۴ - از طرف وزارت معارف براي طلاب بي بضاعت مسواك تهيه شده دندانهاي طلاييكه علاوه از مسواك نمودن محتاج شستن با بودر مخصوص آن يا پاك كردن ، پر كردن ، يا كندن بود . در صورت اول بودر دندان با قيمت خيلي نازل كه هريك از طلبه از عهده خريداري آن برآمده خواهد توانست از طرف وزارت صحتيه در يكي از دوا فروشي هاي شهري تهيه شده و به طلاب فروخته ميشود ، در صورت هاي ديگر (يعني كندن و پر كردن) وغيره نيز محض رعايت طلاب

معارف در قسم دوم موسسات دندان سازی که بر ای نادار ها بوده و محض از رهگذر اجرت با قسمت درجه اول فرق کلی دارد پتد گرفته و درین قسمت هم از طلبه تنها قیمت تمام شد ادویه مطالبه شده از اجرت دکتور و غیره صرف نظر میگردد .

### نیفو یا محر قه :

امسال وزارت صحیه اهتمام نمود تا تمام افراد و مخصوصاً افراد عسکری به وا کسین ضد محر قه ترزیق کرده شوند .

چنانچه این اقدامات نتیجه مثبت داده و از لطف خداوند يك امسال (۱۳۲۰) تعداد مبتلایان این مرض خیلی اندك و سیر مرض بسی بطی بود . تعداد وا کسین که امسال به مصرف رسیده است عبارت از سی سی (۱۸۷۷۱۰) می باشد .

### پلاستر و طننی :

طبق اصول طبابت برای تداوی شکستگی های اعضا از قبیل پا و دست و غیره وزارت صحیه مجبور بود سالانه يك مقدار زیادی پلاستر ( گچ ) از خارج وارد نموده و طرف استفاده شفاخانه های مربوطه قرار دهد ، چون درین اوان اوضاع موجوده مانع توريد همه مواد خارجی گردیده است وزارت صحیه درصدد چاره جوئی این کار بر آمده و با لا خر تجویز نمود که باید يك مقدار گچ طور نمونه از ولایت قندهار و ولایت مشرقی وارد و طرف تجر به قرار دهد ، چنانچه چندی قبل نمونه های پلاستر مذکور بر کز وارد گردیده و به شفاخانه علی آباد دستور داده شد تا نمونه های مزبوره را طرف تدقیق و تجر به قرار دهد ، درین اواخر نتیجه تجر به بوزارت صحیه واصل آمده و پلاستر ولایت قندهار را در فن شکسته بندی نسبت به سایر گچ ها مفیدتر یافته اند ، گویا اکنون وزارت صحیه از توريد پلاستر خارجی مستغنی گردیده و نسبت به سابق بطریق سهلتر و قیمت نازل تر با این پلاستر فعلی که همان سویه و خواص پلاستر خارجی را حائز است به تداوی مریضان می پردازد .

### ماشین های جدید اکسریز :

درین سال وزارت صحیه موفق شده است تا بر علاوه ماشین های سابق اکسریز یکمده ماشین های جدیدی نیز توريد و در عمارت مخصوص آن نصب و بکار اندازد ، این ماشین ها اکنون بکار افتاده و جهة تدویر اصولی آن يك تعداد شاگردانی از مکتب میخانیک به موسسه مزبور گرفته شده است و علاوه بر این امور فنی اکسریز یک نفر متخصص هم از ترکیه موسوم به عزتمند احمد تلاشی بیک استخدام و بکار گماشته شد .

### افتتاح مکتب پرستاری :

در سال گذشته مفاهمه که بین وزارت معارف و صحنه راجع به تاسیس و افتتاح مکتب پرستاری لیلی بعمل آمده بود تذکری داده شده اینک مکتب مذکور روز شنبه اول قوس به نطق ع ، ج ، وزیر صاحب صحنه و معین های دوم و سوم وزارت جلیله معارف و جناب محترم رفقی بیگ مشاور و دیگر مامورین عالی رتبه وزارت صحنه ، معلمین و متعلمین مکتب پرستاری افتتاح شده تدویر مکتب در تحت اثر وزارت جلیله معارف صورت میگیرد شاملین این مکتب فعلاً پنجاه نفر میباشند.

### مسایل تفتیش و مراقبت های عمده :

۱- برای اینکه ادویه فروشی ها در فروش ادویه اضافه ستانی نکنند وزارت صحنه حین مشعل شدن جنگ اروپا مقرراتی وضع نمود که هر یک ادویه فروشی خود را مکلف میداند تا طبق آن رفتار نماید و صورت مقررات آن در یک هدایت نامه جدا گانه درج است .

۲- چون اغلباً از دوا فروشی ها ادویه را که از خارج وارد میکردند با هر قیمت که دلشان میخواست بفروشانید و این رویه باعث تکلیف مراجعین دیده می شد ، وزارت صحنه تجویزی برقرار کرد تا مطابق آن به ادویه فروشی دستور داده شود که قرار مقررات آن ادویه فروشی ها ادویه بفروشد مالکان ادویه فروشی در وزارت صحنه جلب شده و در طی مذاکره که بعمل آمد یک تصویب علیحده که دارای دو ماده است صورت گرفت و جهت عملی شدن آن تفتیشات متعدده نیز تعیین گردیده است .

۳- ادویه فروشی های مرکزی نسبت به تفتیش های پی در پی که دایماً بعمل آمده و در نتیجه نواقصات ادویه فروشی به آنها توضیحات داده شده و ضمناً اخطار و جریمه نیز شده اند .

۴- اتلاف ادویه زاید المیعاد ، وزارت صحنه جهت جلوگیری از ادویه زاید المیعاد هیئتی تعیین کرد تا جمیع ادویه زاید المیعاد دوا فروشی ها را در حضور مالکین آنها تلف نموده و اثری از آنها نگذارد تا در ثانی مورد استفاده ناجائزی نشود ، این ادویه سه نقص دارد .

۱- ازاله خواص ادویه .

۲- بدنامی دکتور .

۳- بدبینی مردم به چنین دوا فروش .

۵- از وزارت صحنه به تمام مدیریت های صحنه ولایات و حکومتات اعلی و کلان هدایات داده شده است که حسب مقررات موضوعه دایماً ادویه فروشی ها را زیر مراقبت و تفتیش قرار دهند .

۶- موسسات دندان سازی شهری که در اثر تفتیش نواقصات آنها ظاهر شده بود از وزارت

د قبایلو ریاست :

رئیس : ع ، ش محمد شاه خان فرقه مشر  
معاون : ح ، شیر باز خان غنډ مشر

د المپیک ریاست :

اداری رئیس : ع ، ص محمد یوسف خان  
معاون : ش ، محمد یعقوب خان کنډ کمشر  
د سپورټ مدیر : ش ، ظهیر الدین خان »  
د کورسو مدیر : ح ، ز کړیا خان غنډ مشر

د استخباراتو عمومي مدیریت :

عمومي مدیر : ح ، محمد انور خان غنډ مشر  
معاون : ش ، رستم علی خان کنډ کمشر

د تعمیراتو عمومي مدیریت :

کفیل : ح ، غلام سعید خان غنډ مشر د غازی  
والا حضرت سرباور  
لمړی معاون : » ، نور محمد خان غنډ مشر  
۲ معاون : ش ، محمد ایاز خان کنډ کمشر  
نقشه کښ : » ، محمد عوض خان »

د تعمیراتو د سنجش مستقل مدیریت :

مدیر : ح ، شاه عبدالحمید خان غنډ مشر  
معاون : ش ، غلام احمد کنډ کمشر

د تحریراتو او مخصوص قلم مدیریت :

مدیر : ش ، محمد قاسم خان کنډ کمشر

د پلوه د تعلیمگاه او دعالي کورس مدیریت :

مدیر : ش ، محمد آصف خان کنډ کمشر  
۱ معاون : » ، دوست محمد خان »  
۲ » : » ، قدرت الله خان »  
۳ » : » ، محمد سرور خان »

صحيه يک يک لست ضروريات يک موسسه دندنان سازي به آنها فرستاده شد و از آن قرار کېدو لوازمو هر کدام از دندنان سازي به مالکين شان وانمود شو تا اشيا و لوازم موسسه خود را بر طبق آن تکميل کړند .

### احراز تخصص :

فا کولته طب که يکي از موسسات نافعه مملکت بشمار ميرود از چند يست که همه ساله عده فارغ التحصيلان لايق و منوري تقديم شعبات صحيه مملکت نموده است در اين او اخر باتفاق وزارت معارف و صحيه قرار گذاشته شد تا بر حسب لايحه که زمينه تخصص از طرف وزارت صحيه و وزارت معارف و رياست فا کولته طب مرتب و تصويب شده است دکتوران موصوف در موسسات صحيه علي آباد براي اين موفقيت خدمت و در راه اخذ تخصص تحصيل نموده به حيث متخصص يک شعبه شناخته شوند .

اينک ښاغلي دکتور محمد اسماعيل خان «علم» که از سه سال بياين طرف در شعبه چشم و به آرزوي استحصال تخصص درين زمينه در موسسات صحيه علي آباد تحصيل مي کړند و زحمات زيادي را درين راه متحمل شده اند ، روز ۱۶ جدی در حضور هيئت ممتحنه که تحت رياست رفقي کمال رئيس فا کولته طب دائر شده و عده فارغ التحصيلان فا کولته و ساير علاقه مندان نيز وجود داشتند امتحان عملي و نظري قسمت هاي مختلف چشم را با موفقيت کاملې داده و تزي را هم که درين زمينه تهيه ديده بودند مورد قبول همه واقع ساخته و بالاخره بشر ف کسب تخصص در چشم نايل و ازين به بعد به حيث متخصص امراض چشم شناخته شده و از حقوق امتيازات تخصص و استفاده مي نمايند .

### موزه صحي :

از وظيفه وزارت صحيه موفق به طرح پلان پنجساله اجرا آيت خو يش گرديد ، تاسيس يک موزه صحي را نيز در آن پيش بيني نموده و در تهيه مواد محتاج اليه مجسمه ها از اروپا و تيار کړدن يک تعداد مجسمه هاي لازمه در مرکز برآمده بالاخره توانست تا يک تعداد مجسمه هاي ضروري را جهت عرضه تماشا چيان و استفاده طلاب فا کولته طب و مکتب طبي حاضر نمايد ، چون محارت موزه صحي طور يکه بدرد يک موزه اساسي خورده ميتواند تعمير نشده بنا بر آن مولاژها و رسم هاي مختلفه براي بازديد اهالي از اين حيث مشکلات پيش ميکړد تا کنون تنها منسوبين طب از مشاهده مجسمه هاي موزه صحي استفاده ميکړند .

از همين حيث بود که در تاسيس چنين موزه وزارت جليله معارف نيز سهيم شده و نصف مصارف تاسيسه سال ۱۳۲۰ آنرا بدوش خود گرفته و با وزارت صحيه همکاري خو يش را اظهار فرمودند .

وزارت صحتیه یک رهنمای موزة صحتی را نیز تهیه دیده و در صدداست تا عنقریب یک عمارت موزونی را (تا اعمار عمارت اساسی آن) برای موزة مزبوره تخصیص داده و موزة صحتی را ولو بصورت ابتدائی هم باشد بروی هموطنان بکشد ، چه وجود موزة صحتی یکی از ضروریات بخش صحتیه مملکت بوده و نتایج امراض مختلفه ساریه را بصورت مشهود و بهتر از هر چیز دیگر ( مثل کتب ، رسایل و غیره ) طبی به مشاهده کنندگان نشان داده و یک درس عملی جهت احتراز از ابتلاء به امراض مذکوره بایشان اعطا می نماید .

### تشکیل ماموریت های جدید :

دراثر پیشنهاد وزارت صحتیه و موافقه وزارت مالیه ماموریت های کنترل ذیل جدیداً منظور گردیده است :-

- ۱ - برای واریسی امور سناتوریم نسوان و موسسه با کنترلوژی یک ماموریت کنترل .
- ۲ - جهت کنترل امور مربوطه شفاخانه مستورات معاینه خانه مرکزی ، دندان سازی شعبه تجزیه و تحلیل یک ماموریت کنترل .

### مدیریت درمل واکی :

در سال ۱۳۲۰ از تشکیل مدیریت عمومی معاونت اجتماعیه که قبلاً تاسیس آن در نظر گرفته شده بود تنها یک مدیریتی بنام « مدیریت درمل واکی » تاسیس و وظائف محوله خود را بدوش گرفته و مخصوصاً در قسمت مساعیل ادویه و لوازم طبی در تحت اداره مدیریت عمومی حفظالصحه صرف مساعی می نمایند .

### سائر اجراآت متفرقه :

چهارده نفر فارغ التحصیلان دوره چهارم فاکولته طبی که تعلیمات نظری خود را بپایان رسانیده اند و درپولی کلینیک های امراض مختلفه مشغول ستاژ میباشند اسامی شان در جدول علیحده تذکار یافته .

هشت نفر طلاب دوره هفتم فارغ التحصیل مکتب طبی که تعلیمات نظری خود را به انجام رسانیده بودند داخل ستاژ گردیده اند و بعد از تکمیل دوره ستاژ بصفت معاون دکتور بمواضع لازمه مقرر و اعزام خواهند شد .

شش نفر طلاب دوره چهارم شعبه دوا سازی فاکولته طبی فارغ التحصیل و به شعبات مربوطه مشغول ستاژ میباشند که بعد تکمیل ستاژ به شعبات اسپچیناری بصفت دوا ساز مقرر خواهند شد . در گذشته یکعده طلاب از ولایات و حکومت اعلی و کلان جبهه اخذ تعلیمات فنی کمپو دری خواسته و تحت تعلیم گرفته شده بودند ، در هذا سنه در کورس کمپو دری ( ۲۵ نفر ) طلاب فارغ التحصیل شده و به موسسات صحتیه مربوطه مقرر و اعزام گردیدند .

طبق معمول سال گذشته یکمده طلاب نیز چته فرا گرفتن تعلیم آبله کو بی شامل کورس آبله کو بی موسسه با کترلوژی گردیده دروسط سال روان دوره تحصیلات خود را بیايه تکمیل رسانیده وبالاخر برای به سر رسانیدن ایام ستاژ مصروف براتیك در شعبات مربوطه گر دیده اند . از اواخر سال ۱۳۱۹ تا کنون رویهمرفته يك تعداد مکفی پر ستاژانیکه مدتهای ابتدائی را به صفت پر ستاژی در موسسات صحیحی علی آ با دبسر برده بودند و در اثر توجه متخصصین فن جراحی لیاقت خود را در فن پانسمانچی گیری ابراز و طرف تصدیق متخصصین مذکور قرار گرفته توانستند بعد از ملاحظه تصدیق و لیاقت عملی شان از طرف وزارت صحیه به اعطای تصدیق نامه نائل و به شعبات مربوطه به صفت پانسمانچی مشغول کار شدند .

دو نفر محصلین افغانی بنا علی امیر محمد خان و عبد الله خان دوره تعلیمات خود را در فاکولته طب ترکیه بسر رسانیده و برای تکمیل دوره استانتی به موسسات صحیه علی آباد داخل ستاژ شدند .

### مدیرانیکه به شعبات آتی الذ کر بحیث مدیر مقرر شده اند :

- ۱ : - ص محمود خان مدیر صحیه و سر طبیب ولایت مزار شریف ۲ : - ص، حسن علی خان مدیر صحیه و سر طبیب حکومت اعلی میمنه ۳ : - ص، رجب علی خان مدیر صحیه و سر طبیب ولایت فطغن
- ۴ : - ص، محمد ایوب خان مدیر صحیه و سر طبیب ولایت قندهاره ۵ : - ص، محمد عظیم خان مدیر صحیه و سر طبیب حکومت اعلی فراء ۶ : - ص، محمد سرور خان مدیر صحیه و سر طبیب ولایت جنوبی ۷ : - ص، محمد شریف خان مدیر صحیه و سر طبیب ولایت مشرقی .



چهارده نفر طلبه فارغ التحصیل صنف پنجم فاکولته طبی که به رتبه دکتوران

### ستاژیر موسسات صحی علی آباد کار میکنند

- ۱ : - ص، کرام الدین خان ۲ : - ص، سردار محمد عزیز خان ۳ : - ص، اعل محمد خان
- ۴ : - ص، بالکند ۵ : - ص، عبد القدیر خان ۶ : - ص، محمد عمر خان ۷ : - ص، عبد الواحد خان
- ۸ : - ص، محمد مهدی خان ۹ : - ص، عبد الحق خان ۱۰ : - ص، عبد الصمد خان
- ۱۱ : - ص، امین الله خان ۱۲ : - ص، محمد انور خان ۱۳ : - ص، عزیز احمد خان ۱۴ : - ص، غلام حسن خان



هشت نفر طلبه فارغ التحصیل دوره مکتب طبی فعلا معاوین دکتور ستاژیر

- ۱ : - ص، زین الله خان ۲ : - ص، سید محمود خان ۳ : - ص، محمد ایوب خان
- ۴ : - ص، احمد علی خان ۵ : - ص، میر محمد یعقوب خان ۶ : - ص، محمد رسول خان ۷ : - ص، محمد عمر خان



## د مملکتی دوائر و اجراآت

۸ :- ص، سيد امام علي خان ۹ :- ص، سيد عبد الصمد خان ۱۰ ص، شاه محمود خان .

❖ ❖ ❖

شش نفر طلبه فارغ التحصيل بهرتبه دوا سازي ستاژير شامل خدمت اند .

۱ :- ص، عبد الغني خان ۲ :- ص، عبد الغفور خان ۳ :- ص، عبد الاحد خان

۴ :- ص، محمد انور خان ۵ :- ص، محمد ظاهر خان ۶ :- ص، حميد الله خان .

❖ ❖ ❖

طلاب سابق کورس کمپوندری مربوط معاینه خانه مرکری که فارغ التحصيل شده اند

۱ :- سيد محسن خان ۲ :- ملا محمد شريف خان ۳ :- نور الدين خان ۴ :- غلام محمد خان

۵ :- آقا مير خان ۶ :- محمد علیم خان ۷ :- عبد المتين خان ۸ :- عبد البصير خان

۹ :- عبد السلام خان ۱۰ :- شير احمد خان ۱۱ :- محمد حنيف خان ۱۲ :- شير حسين خان

۱۳ :- غلام حيدر خان ۱۴ :- عبد الغفور خان ۱۵ :- فقر حسين خان ۱۶ :- حميد الله خان

۱۷ :- آقا مير خان ۱۸ :- محمد شريف خان ۱۹ :- مردان شا خان ۲۰ :- نصر الله خان

❖ ❖ ❖

## امور ماليه

### تزئيد عايدات دولتي:

تزئيد عايدات ماليه جمعی و محصول مواشي واصنافی و آسيابی سال ۱۳۲۰ نسبت به سال ۱۳۱۹

قرار ذيل است :

۱ :- ماليه جمعی از قرار فيصد ۴۸ اعشاريه ۱ - افغانی ،

۲ :- محصول آسيابی واصنافی از قرار فيصد ، ۶۹ » ۲ -

۳ :- » مواشي » ، ۴۴ يول ۴ -

### مدیریت خزانين :

درايتدای سال ۱۳۲۰ باساس پروژۀ دافغانستان بانک رياست خزانه عمومی لغو ومعاملات

خزانه داری به تفصيل آتی مربوط دافغانستان بانک گردید .

الف :- واردات تمام وزارتخانهاودواير مستقل ازابتدای شروع ۱۳۲۰ به خزانه دافغانستان

بانک تحويل ميشود که بانک به حسب اصول بانکي آويز کريدت آنرا بدایره تحويل دهنده يول وصورت حساب آنرا به تفريق معلومات هريک ازوزارتخانها ودواير بوزارت ماليه ميفرستند .

ب :- معاشات ومصارفات مرکزی تمام وزارتتها ودواير مستقل باساس اعتباراتيکه از طرف

وزارت ماليه ماهوار برایشان داده ميشود باصول بانکي عنوان دافغانستان بانک بذريعه چک اجرا

ودرمقابل بانک مذکور بر علاوه آويز هايکه بر رجش ميفرستند يك صورت حساب ديت کريدت

خود را ماهوار بوزارت مربوطه آن ارسال و بوزارت مالیه نیز يك نقل صورت حساب دواړو مذکور را بغرض ترتیب تابلوی عمومی و تطبیقات حسابی گسیل میدارند .

ج :- معاملات جنسی صکوکات بیک مدیریت علیحده بنام مدیریت خزانه مرکزی وزارت مالیه که جدید تشکیل شده تفویض گردیده که تمام امور وثایق را مدیریت موصوف اجرا و مراقبه مینماید .



## امور پست ، تلگراف و تلیفون

الف :- مدیریت ارتباط .

۱ :- حل فصل حساب پوسته های ترانزیتی با روسیه هند مصر استرالیا و غیره و تأدیه طلبات آن

۲ :- حل فصل محاسبات رادیو تلیفونی با آلمان .

۳ :- حل و فصل محاسبات تلیگرافی با هند، ایران، روسیه، آلمان، ایتالیا، جاپان .

۴ :- حل و فصل محاسبات پارسلات صادره و وارده از راه هند .

۵ :- تحویلی يك دستگاه خبرات جوی بوزارت فواید عامه که قبلاً از قونسلیگری افغانی در

بمبئی خریداری شده بود .

۶ :- تهیه يك تعداد کتب فارسی قوانین پستی و پارسلات که از سفارت افغانی در طهران

خواسته شده .

۷ :- اقدامات راجع بمفقودی تعطیل و تأخیر مراسلات و تلگرافات صادره بخارج .

۸ :- تأدیه پول سال ۱۹۴۰ افغانستان بدفتر بین المللی تلگرافی در برن .

۹ :- تأدیه پول سال ۱۹۴۰ افغانستان بدفتر بین المللی پوستی در برن .

۱۰ :- ترتیب و ارسال مراسلات فرانسه غیر اشغال شده از راه هند .

۱۱ :- تبادل مستقیم پست بین کابل و طهران از تاریخ ۲۵ ثور .

۱۲ :- ترتیب ترخانمه هوائی و ارسال آن بدفتر بین المللی پستی در برن .

۱۳ :- پذیرفتن ارسالات فوتوپست و اطلاع محصولات و مقررات آن به برن .

۱۴ :- ترتیب و طبع يك تعداد مکاتیب مخصوص برای مدیریت ارتباط بحروف لاتین .

۱۵ :- طبع تکت های ۱۵ پولی سبز و ۵۰ پولی جگری به تقریب جشن سال ۲۳ - استقلال و حصول

منظوری يك اندازه تکت های مذکور و ارسال آن بدفتر بین المللی پستی برن جهت توزیع به ممالک خارجه .

۱۶ :- ترتیب جوابات سفیر امریکا که راجع بموضوعات پست و تلیگراف و تلیفون و رادیو

نموده بود .

۱۷ :- اقدامات بذریعہ وزارت جلیله خارجه در باب شمولیت حکومت متبوعه ما بقرار داد

پوستی و پارسلات منعقدہ ارزانتین .

- ۱۸: - ترجمه مقررات تلگرافۍ مټرواؤزۍ ومطبوعاتۍ واسعار آن بمديريت عمومي تلگراف .
- ۱۹: - اصدار هدايات لازمه بمديريت تلگراف در باب اخذ (۲۵) سانتيم طلائي=۱۲۵ پول از بابت رسيد تلگرافۍ .
- ۲۰: - تغيير نرخ فرانك طلائي از سه افغانۍ به پنج افغانۍ واطلاع آن بمديريت عمومي پست سويس وحصول موافقت بمديريت موصوفه .
- ۲۱: - تغيير محصولات مراسلات پستي صادرة بممالك خارجه واسعاران بدفتر بين المللي پستي برن .
- ۲۲: - ترتيب و طبع نرخنامه جديده مراسلات پستي صادرة خارجه .
- ۲۳: - » » » » پارسلات صادرة خارجه .
- ۲۴: - » » » » صورت حساب عمومي پارسلات .
- ۲۵: - » » » » ورقه انتقال پارسلات .
- ۲۶: - » » » » صورت حساب ماهانه تيلگرافات خارجه .
- ۲۷: - » » » » » » راديو تيلفوني خارجه .
- ۲۸: - » » » » » » لايحه وظايف مامورين مخابرات ولايات .
- ۲۹: - حصول منظوري يك اندازه تكت هاى متذكره شماره ( ۳۲ ) كه ذىلا توضيح است . جهت ارسال بدفتر بين المللي پوستي در برن . ۳۰: - ترتيب نمونه ورقه جوابيه بين المللي وارسال آن به برن جهت طبع . ۳۱: - تغيير رنگ تكت ۲۵ پولى سرخ به سبز و تغيير رنگ تكت ۷۵ پولى آبي به سرخ و طبع تكت جديد ۲۵ - ۱ - افغانۍ .
- ب مديريت پست :-
- ۱: - نصب صناديق پستي در مركز وشعبات شهري جهت مراسلات عادى . ۲: - جريان اوراق توكل نمبر جهت كنترول مراسلات . ۳: - ترتيبات جهت تهيه نمودن تمام انواع احصائيه جات پستي . ۴: - انجام نمودن صورتحسابات مراسلات رسمى سال ۱۸ جميع دواير رسمى كه نظربه لغويت مديريت مخابرات همان زمان ناتصفيه بود . ۵: - ترتيب جريان ساختن اوراق اصولى اطمينانيه پستي وتوزيع آن بجمع دواير مخابراتى . ۶: - ترتيب نصب صندوق شكايات . ۷: - ترتيب عقد قرارداد حمل ونقل پستي باشرکت سرويس . ۸: - ترتيب جريان ساختن حمل ونقل پستي بين مزاروميمنه هفته دومراتبه سابقا يك مراتبه بوده . ۹: - ترتيب و طبع نرخنامه هاى پستي ( از قبيل نرخنامه داخله وخارجه ونرخنامه هوايي وپارسلات خارجه )
- ۱۰: - ترتيبات وجريان ساختن صورتحساب مراسلات جميع دواير رسمى بطور مختصر وانجام قطع حسابات ان ماهوار . ۱۱: - ترتيبات پسته هاى بين هرات واسلام قلعه كه ذريعه موترهاى شركت سرويس حمل ونقل ميشود . ۱۲: - ترتيبات حمل ونقل پستي بين قندهار وسپين بولدك كه ذريعه موترهاى شركت سرويس كه قبلا ذريعه موترهاى

قرار دادی بعمل می آمد ۱۳ :- ترتیبات حمل و نقل پسته های محمد اغه و کلنگار که قبلاً ذریعه نفر حمل و نقل میگردید و اکنون توسط موتر حمل و نقل مییابد. ۱۴ :- ترتیبات مقررات معینه جهت داد و ستد تسکتهای پستی بین خزانه دار و کاتبان غرفه جات. ۱۵ :- ترغید اخذ محصول مراسلات خارجه . ۱۶ :- توزیع مواهیر را بری جدید برای مراسلات راجستر و مراسلات رسمی و مراسلات بیرنگ و غیره . ۱۷ :- ترتیب و تهیه و توزیع قرطاسیه مطبوعاتی پستی جمیع حکومتات ثلاثه و علاقه داریها . ۱۸ :- ترتیب و تهیه لوايح تقسیم اوقات پستی .

ج مدیریت تېلفون - اجراءات سمت مشرقی .

- ۱ :- تعدیلین جدید تېلفون از مرکز حکومت شنوار به علاقه داری اچین بقاصله ۹ کیلومتر
- ۲ :- « » « » به تهاذه جات مربوطه سر کمانی
- ۳ :- « » « » « » نر ننگ الی بشد
- ۴ :- « » « » « » از مرکز حکومتی سرخ رودالی دو سر کته لغمان « ۱۱ »
- ۵ :- « » « » « » از حکومتی کلان شنوار به غنی خیل که این لین غنی خیل از مرکز حکومتی کلان شنوار به علاقه داری نازیان و از علاقه داری به غنی خیل از راه دشت سابقا بی اصول تمدید یافته بود حال لین مذکور از غنی خیل الی نازیان جمع و بصورت اساسی بر مرکز حکومت کلان امتداد داده شد بقاصله ۱۲ کیلومتر .
- ۶ :- تعدیلین تېلفون از لین سرخ رود به جای نقیب صاحب مرحوم بقاصله ۱ کیلومتر .
- ۷ :- ترمیم لین تېلفون از نرنگ الی چوکی به فاصله ۹ کیلومتر .
- ۸ :- تعدیلین لین جدید از سوچ بورد حسین کوت تاتهاذه کوتل خیر خاذه .
- ۹ :- « » « » « » « » سیاه سنگ الی یک سنگه .
- ۱۰ :- « » « » « » « » چهل ستون « سنگ نو شته .
- ۱۱ :- « » « » « » به تربیه خانه عبد الخلیل مشرقی .

۱۲ :- نصب يك عدد سوچ بورد پیش جایه در سیاه سنگ و اتصال لین های تېلفون به آن

۱۳ :- نسبت سال گذشته در سال ۱۳۲۰ يك تعداد تېلفون های جدید در نقاط مختلفه

داخل شهر نصب شده . ۱۴ :- در سال های گذشته از مخابره خارج منطقه بلدیه بشرکت و غیره محصول اخذ نمی شد و محض بوجه - مخابره اشتراک ماهانه (۵۰) افغانی بخارج منطقه حرف میزدند از بدو سال ۱۳۲۰ محصول ماهانه ۲۵ - افغانی تنزیل یافته هر گاه خواسته باشند بخارج حرف بزنند محصول جدا گانه اخذ میگردد . ۱۵ :- تدوین يك اصولنامه جدید تېلفون که مرتب و به طبع داده شده بعد از طبع بکار و عملی میشود . ۱۶ :- برای سهولت مخابره تېلفون و سرعت پیدا شدن مرجع مطلوبه تماما نمبرات تېلفون کتاب ساخته و به طبع داده شده که عنقریب بمعرض استفاده مشترکین تېلفون گذاشته میشود . ۱۷ :- واردات تېلفون محصولی مرکز

نسبت سال ۱۳۱۹ د ر سال جاری فی صد ( ۵۰ ) افغانی افزود شده . ۱۸ : - تمديد يك لين تيلفون راسا از سياه سنگگ الى حكومت بگرامي . ۱۹ : - در سال ۱۳۱۹ نسبت نقل مرکز ولايت به بغلان لين اق چشمه ونهرين نسبت بعد مسافه آن از خان آباد الى اق چشمه قطع و در سال ۱۳۲۰ به اتصال لين مذکور از بغلان بطرف نهرين و اق چشمه كه نسبت راه خان آباد يك مسافه كمی است اقدام ولين مذکور اتصال يافت . ۲۰ : - تمديد يك لين تيلفون جديد از مرکز تالقان الى تافچه خانه كه مسافه آن ۱۲ كروه است . ۲۱ : - ترميمات و اصلاحات لين عمومي بين بل خمري الى بغلان . ۲۲ : - ترميم لين عمومي از خان آباد الى بغلان . ۲۳ : - يك لين جديد از ينگي قلعه الى علاقه داری در قد كه مسافه آن تقریباً ۸ كروه ميشود اختتام كار آن قريب است . ۲۴ : - تمديد يك لين جديد از چاه آب الى تهاه لب دریای آموبرای بهره عسكری كه مسافه آن ۶ كروه است مرعي الاجرا و اختتام آن قريب است . ۲۵ : - لينكه در سابق براه شوره تو از تالقان الى خواجه غار تمديد شده بود باصول فنی موافقه نداشت علاوهً بيخ تمام پایه های لين فرسوده شده بود و براه مذکور آبادی و قشلاق هم وجود نداشت و نسبت براه قره يار چاپ تخمين دو كروه دورتر بود سيم و سامان و پایه های مذکور كاملاً جمع و يك لين جديد از مرکز تالقان براه قره يار چاپ تمديد و مخبره آن جريان يافت .

د : - مدیریت تلگراف :

۱ : - افتتاح يك شعبه جديد در مدیریت تلگراف بنام شعبه توزيع تيلگرامات كه راساً مربوط بمدیریت تلگراف بوده تيلگرامات وارده را بمرسل اليه های مربوطه توزيع مينمايد تعديل اصول توزيع كه سابق در كتاب ها رسيد از مرسل اليه اخذ ميگرديد و حالا روی ورقه مخصوص كه با تيلگرام وارده ميباشد گرفته ميشود . ۲ : - درجه تبديل معاش تيلگرافها كه قبلاً كاملاً بی ترتيب و درهم بود . ۳ : - امر مشق علائم مورش تيلگرافي القای فارسی و پشتو برای مخبرات تيلگرامات داخله كه در نظر است بعد از تكميل مشق اخذ و اعطای تيلگرامات زبانه های مذکور بحر و ف مربوطه شان بعمل بياید . ۴ : - طبع نرخنامه جديد تيلگرافي . ۵ : - طبع فارمهای تيلگراف بصورت كتابچه برای مراجعين كه تيلگرام ميدهند . ۶ : - تعديل فارمهای وارده سابقه فارمهای جديد كه ورقه رسيد هم باخود دارند . ۷ : - تعديل اجرا آت شعبه اخذ محصول تيلگراف كه سابقاً ترتيب خوبی نداشته بصورت جديد تعديل اوراق كار بترتيب راپورتهای آنها و كلييه تيلگراف خانه های اطراف بصورت نو . ۸ : - اخذ امتحان آخرين كورسهای تيلگراف بی سيم و سيمدار و توزيع شهادتنامه به آنها و تقسيم شان به تيلگرافخانه های مربوطه . ۹ : - فرمايش سامان توسط تيلگراف خانه های بی سيم مرکز به كمپانی ماركوني . ۱۰ : - فرمايش سامان يك تيلگرافخانه جديد التاسيس مطبوعاتی به كمپانی ماركوني . ۱۱ : - تاسيس تيلگرافخانه سيمدار مرغاب .

۱۲ : - تا سیس يك شعبه انجنیری عمومی در مدیریت تیلیگراف . ۱۳ : - ترتیب صورت کار تیلیگراف خانه ها که سابقاً کاملاً نامنظم بود تحت پروگرامهای معینه .  
 ۱۴ : - جریان کار تیلیگراف در کلیه نقاط مملکت از ساعت ۷ صبح الی ۱۰ بعد از ظهر .  
 ۱۵ : - تجدید لین برق تیلیگرافخانه مهتاب قلعه بصورت اساسی . ۱۶ : - تا سیس مکتب تیلیگراف پسته ، تلفون ترتیب پروگرام و مربوط ساختن آن بوزارت معارف .  
 ۱۷ : - ترتیب پذیرفتن تیلیگرامات در ظرف ۲۴ ساعت شب و روز . ۱۸ : - افتتاح سرویس رادیو تلفونی با جاپان .  
 ه - مدیریت رادیو :

۱ : - در برج حمل هداسنه دستگاه برود کاست طور رسمی افتتاح ووظیفه اصلی آن بدون معاونت کدام انجنیر خارجی محض بتوجه ع ، مدیر عمومی تخنیک رادیو در محو اجرا گذاشته شد چنانچه همه روزه توسط مامورین فنی استودیو و برود کاست بهدو تیم پیش ازظهر و بعد ازظهر تا کنون پروگرام های نشریاتی را بلافاصله باستماع اهالی وطن و خاور نزدیک رسانیده خدمت میکند . ۲ : - هکذا امور تخنیک استودیو نیز بلامعاونت انجنیر خارجی به صرف مساعی مدیر مذکور اجرا و علاوئاً يك استودیوی نمبر ۲ نیز تاسیس ومورد استفاده قرار داده شده .  
 ۳ : - موثرتر جزیرهای تولید کننده برق مربوطه و رادیو ها و امپلیفایرها ولود اسپیکر اطرافیکه وقتاً فوقتاً اصلاح طلب گردیده توسط شعبه تخنیک مرکز ترمیم و اصلاح و واپس بمراجع مربوطه اش فرستاده شده و بکار افتاده است . ۴ : - يك تعداد رادیو های شخصی بوسیله شعبه تخنیک مرکز ترمیم وحق الاجرت آن بواردات حکومت افزود و تجویل خزانه کرده شده . ۵ : - برای توسعه معلومات امور فنی منتظمین و رادیو میخانیک هایك کورس بنام دوره دوم تعلیمی در مرکز افتتاح وبه ملحوظ آن يك يك نفر از زمره مامورین تخنیک اطراف مرکز جلب وع ، مدیر عمومی فنی رادیو تجدید تعلیمات شانرا با گرفتاری های وظایفی که داشت بدوش خود گرفته شروع به تعلیم آنها نموده است . ۶ : - با اینکه توسعه استاسیون های آخذة حسب صوابدید مقامات صلاحیت دار در ناحیه حکومت محلی و ناحیه های کوچک وطن در نظر بود از علت حرب اروپائیان سامان واردات لازمه طوریکه لازم بود دستیاب نشد معذراً بموانعات متذکره باز دیاد و صرف مساعی یکمقدار سیم فرمایش سال ۱۹ را بدست آورده بوسعت و اصلاح لین لود اسپیکرهای مرکز تا قندهار و غزنی و هرات وغیره پرداخته ومزیداً يك استیشن آخذة کوچک از درك منظوری بودجه وزارت صحیه برای تفریح واستفاده مریضان سنا توریم تهیه ونصب کرده شد .

ب . اجرا آت اداری :

۱ : - در سال گذشته که تدوین يك اصولنامه رادیو وعده داده شده بود در سال جاری

اصولنامه مزبور ترتیب و بعد از تصویب مقامات رفیعہ طبع در معرض اجرا گذاشته شد .  
 ۲ : - ترتیب دفتر داری اخذ احصائیه و اجرای محصولات رادیوها در مرکز ولایات و حکومت  
 اعلیٰ حسب اصولنامه موضوعه بدست اجرا گرفته شد تا کنون تخمیناً در حدود (۵۵۰۰۰) افغانی  
 از درک آن با اسم عایدات مدیریت عمومی فنی رادیو بخزائن مملکت تحویل داده شده .  
 ۳ : - وقتاً فوقتاً راجع به اصول دفتر داری اخذ محصول و امورات فنی استیشن های اطراف  
 هدایات لازمه اعطاء شده که نمبرات کنار روائی در حدود (۴۰۰۰) شماره بالغ میگردد .  
 ۴ : - حواله جات مصرفیه نقدی و جنس و تهیه سامان مالزومه موثر جنریترها و استودیو برود کاست  
 و ترتیب دفتر داری آن عملی گردیده . ۵ : - اموریکه ملحق بدفتر محصولی بوده بالمثل تحریر  
 تسکات های تعرفه تحویل پول محصول بخزانہ و جوازنامه های یعنی ( لیسانس ) رادیوهای چراغ دار  
 و از سیستم کرستل و تجارتی با تدقیقات و رسیدگی بدفتر موضوعه که در حدود (۲۰۰۰۰) نمره  
 شمار کرده شده . ۶ : ترتیب راپورت های واصله از قبیل راپورت گردش ماشین های آخذہ  
 اطراف و راپورت احصائیه های گمرکی و تطبیقات لازمه . ۷ : - کنترول حاضری مامورین  
 شعبه تخنیک و منتظمیت استودیو و برود کاست و قشله عسکری ریشخور ، بی بی مهر و اجرای تصدیق  
 معاشات ماهوار اوشان باصورت اجراآت سال جاری اداره رادیو .  
 و - مدیریت مامورین و اجرائیه :

۱ : - تشکیل یک مدیریت بنام مدیریت محاسبات خارجه در مرکز وزارت پست که در رأس  
 آن ص ، محمد عثمان خان عزت قرار حاصل نموده اند . ۲ : - مقرری ص ، عبدالرحیم خان  
 ب مدیریت اوراق اینوزارت . ۳ : - مقرری یک نفر مدیر در شق اداری مدیریت تخنیک رادیو که  
 در رأس آن ص ، میرضیاء الدین خان مقرر شده است . ۴ : - تشکیل و مقرری دوفتر معاون ها  
 ب مدیریت پست و مدیریت تیلگراف که به معاونی شق اول الذکر ص ، گل سعید خان و به معاونی  
 شق دوم ص ، میرغلام محمد خان مقرر گردیده اند . ۵ : - تشکیل و مقرری چهار نفر اعضاء بریاست  
 تفیش که صداقت مندان محمد اسلم خان و محمد ایوب خان و غلام دستگیر خان و نظام الدین خان بحیث اعضاء  
 مقرر شدند . ۶ : - مقرری یک نفر معاون ب مدیریت ارتباط خارجه که ص ، محمد کریم خان مقرر شده .  
 ۷ : - تشکیل و مقرری یک نفر مامور محاسبه در مدیریت محاسبه این وزارت که باموریت مذکور  
 میرزا محمد عاشق خان مقرر گردیده .

## امور ریاست مستقل زراعت

### الف : مدیریت عمومی زراعت :

مع الاسف که از سبب وضعیت کنونی دنیا متخصصین خارجه وارد افغانستان شده نتوانسته  
 و عملی شدن پلانهای زراعتی هم در نتیجه فقدان متخصصین و آلات فنی معطل مانده است .

### داوراقو عمو مي مديريت :

مدیر : ش ، عبدالشکور خان کنتہ کمشر

### د حربيہ وزارت دمنۃظمت دائرہ :

منتظم : ش ، عبدالعظيم خان کنتہ کمشر

### هوائی قوا :

قوماندان : ع ، ش محمد احسان خان فرقه مشر

دار کان حرب رئیس : ح ، محمد هاشم خان غنہ مشر

د ترمیم دفابریکي اودمکتب مدیر : ح ، غلام دستگیر خان غنہ مشر

د بنوونی اوروزنی مدیر : ش ، محمد عارف خان کشاف

د لوازمو مدیر : ش ، عبدالفتاح خان

د لمری- ټولی قوماندان او دیپاوټیانو

د عملیاتو دټولی بنوونکی : ش ، شاه محمد خان کشاف

⊗ ⊗ ⊗

### خارجہ وزارت

وزیر : ع ، ج علی محمد خان

لمری معین : ع ، ج حبیب اللہ خان

معین : ع ، ص عبدالحمید خان

### سیاسی عمو مي مديريت:

عمومی مدیر : ع ، نجیب اللہ خان

د لمری- خانگی مدیر : ص ، عبدالرؤف خان

» دوہمی » : » ، فضل احمد خان

» دربی » : » ، جمعہ گل خان

» خلرمی » : » ، عبدالرحمن خان

### د تشریفاتو ریاست :

رئیس : ع ، ص غلام محمد خان

### د بین المللی چارو عمو مي مديريت :

عمومی مدیر : ع ، میر محمد صدیق خان



ع ، ج علی محمد خان د خارجہ چارو وزیر  
S. Ex. Ali Mohammad Khan ministre  
des affaires étrangères.



د پښتو ټولنې د خپرونې عمومي لمبر ( ٤٦ )

---

د کابل کالني

١٣٢٠

د پښتو ټولنې د نشریاتو څخه

مهمم

عبدالرؤف « ښوا » د پښتو ټولنې د صحافت

د خانګي مدير

عمومي مطبعه

کابل :